

ط - ظ

طراحی روستایی

Rural Design

معرفت ساخت و ساز سکونتگاههای روستایی، از مقیاس خُرد تا کلان، از جنس شناخت بومی و مردمی است. براین مبنا، قواعد و اصول طراحی و ساخت و ساز در این مناطق به تدریج و طی سده‌های متمادی، به صورت سینه به سینه منتقل شده است. در مناطق روستایی مبانی طرح و ساخت ساختمان بر منطق و واقع‌گرایی استوار است؛ طرح بنا با شرایط اقلیمی هماهنگ است؛ حداکثر بهره‌برداری از مواد و مصالح ساختمانی بوم‌آورد در نظر گرفته می‌شود؛ تا جای ممکن صرفه‌جویی اقتصادی مدنظر قرار می‌گیرد؛ ساختمان به تدریج و متناسب با نیاز طراحی و اجرا می‌شود؛ و از بهبودگی پرهیز می‌کنند.

فرایند طرح و ساخت

در روستاهای مختلف، کار طرح و ساخت از نظر فرایند و عوامل مؤثر در آن صورتهای متفاوتی دارد. در بعضی موارد، کلّ فعالیت ساخت خانه برعهده خانواده است. هر یک از اعضا، متناسب با قابلیت‌ها و اطلاعاتی که دارند، از زن و مرد و بچه، در کار ساخت مشارکت می‌کنند. ساختمانها و خانه‌ها الگوهای جا افتاده‌ای دارند که همه از آن تبعیت می‌کنند. شاید این الگوها شامل ابعاد و اندازه‌ها، تناسبات و میزان سطوح بازشو، جهت ساختمان و بسیاری از جزئیات دیگر، برای ساکنان خانه از نظر حکمت و چرایی نامعلوم باشد و یا فقط بخشی از علل آن را بدانند، ولی مورد تبعیت

قرار می‌گیرد.

در بعضی موارد، بخشی از کارهای ساخت و ساز برعهده خانواده است و قسمتهای پیچیده‌تر، مثلاً طاق‌زنی سیستمهای ساختمانی با پوشش آهن‌گ و گنبدی برعهده استادکار بناست. بنابراین، علاوه بر مشارکت اعضاء خانواده، از تجربه استادکار ماهر نیز بهره‌گیری می‌شود. این استادکار ممکن است از اهالی روستا و یا از دیگر روستاها باشد. در جاهای دیگر، از ابتدای کار، طراحی و اجرای ساختمان برعهده معمار یا بناست. بعید نیست که خانه‌ها، پیش از شروع اجرا، حتی نقشه‌های ترسیمی داشته باشند. خانه‌هایی که در روستاهای حاشیه کویر، در اطراف کاشان، مثلاً محمدآباد و نوش‌آباد ساخته می‌شوند، بعضاً آنقدر تفضیلی و با جزئیات دقیق است که داشتن نقشه کاغذی دور از ذهن نیست.

ورود نقشه‌های شهری

طی دهه‌های اخیر، ارتباط شهر و روستا گسترش یافته است و الگوهای شهری توسط کسانی که مدتی را برای کار یا تحصیل در شهر گذرانده‌اند، به روستا منتقل و همزمان مصالح جدید، مانند آهن و بتون نیز به روستا آمده است. قابلیت مصالح جدید برای پوشش دهانه‌های بزرگ‌تر و یا اجرای دیوار با ضخامت کمتر، امکانات تازه‌ای را در اختیار روستائیان قرار می‌دهد. متأسفانه شاهد هستیم که در چنین شرایطی جای طراحی روستایی کلاً خالی است و نقشه خانه‌های با هال مرکزی و چند اتاق و سرویس و آشپزخانه در اطراف آن، به روستاها منتقل و نشر یافته است. مشکل

اینجاست که چنین طرحی به راحتی با رفتارهای سکونتی روستائیان انطباق ندارد، اما در عین حال، به لحاظ فرهنگی، نقشه‌های شهری نوعی تشخیص محسوب می‌شوند و دوری از الگوهای سنتی را تشویق می‌کنند.

مداخلات دولتی

طرحهای جدید به نحو دیگر نیز به روستا می‌روند؛ بازسازی پس از سوانح یکی از این موارد است. مؤسسات دولتی و یا نیمه دولتی طرحهایی را که توسط مهندسان در شهر تهیه شده است، به روستا می‌برند. این طرحها نمی‌تواند خیلی متنوع باشد، چرا که باید قابلیت تکرار و تکثیر در زمان کوتاه را داشته باشند. از سوی دیگر، میزان سرمایه‌گذاری برای بازسازی محدود و مسئله مقاومت و استحکام بنا امری مهم است که به ناچار سطح زیربنای خانه را محدود می‌کند. به سخن دیگر، در بازسازی سعی در تأمین حداقل سرپناه مورد نیاز خانواده‌هاست. سری‌سازی، محدودیت زیر بنا و تولید انبوه باعث می‌شود که کار طراحی روستایی از نظر انطباق با نیاز متنوع خانواده‌هایی که قرار است در این خانه‌ها زندگی کنند، کم‌رنگ جلوه کند. در چنین شرایطی، اساساً امکان طراحی خانه به خانه و پیش از آن، مطالعه دقیق معماری منطقه وجود ندارد.

همین شرایط کم‌وبیش در خصوص مقاوم‌سازی نیز مصداق دارد. تأمین حداقل سلول مستحکم و مقاوم برای هر خانه هدف اصلی است. بنابراین، تنوع طرح در مقیاس یک روستا و بعد روستاهای متعدد کاری پیچیده و ناممکن می‌نماید.

ماحصل این فرایند این است که روستائیان به تدریج مهارت طرح و ساخت بومی را از دست می‌دهند و این نوع ساختمانها، ضدارزش تلقی شده و مطرود می‌گردند. از سوی دیگر، طرح و مصالح وارداتی به تدریج در روستاها گسترش می‌یابد، در حالی که از نظر انطباق با شرایط زیست ساکنان روستا و نیازهای آنها مطلوب نیست.

چه باید کرد؟ باور ما بر این است که طراحی مهندسان تحصیل کرده برای روستائیان کاملاً ممکن است، اما لازم است که مقدمات آن طی شود. لازم است مهندسان جوان

با دانش معماری روستایی و اصول آن کاملاً مأنوس شوند. در هر منطقه و در فرصت مناسب با مطالعه معماری بومی و تأمل در رفتارهای سکونتی روستائیان و همچنین در تغییرات و نیازهای جدید آنها و همچنین شناخت مصالح و فناوری بومی ساخت، در کنار آشنایی با تجربیات جهانی در زمینه ارتقاء ساخت‌وساز با مصالح بوم‌آورد، می‌توان معیارها و دستورالعملهای مناسب برای طراحی و اجرا بناهای امروزی را در روستا به دست آورد.

تتها با ارائه نمونه‌های واقعی می‌توان روستائیان را متقاعد کرد که به جز کپی‌برداری و تکرار الگوهای شهری، راه‌حلهای مناسب دیگری نیز برای ساخت‌وساز و طراحی خانه و مجموعه روستایی وجود دارد.

کتاب‌شناسی:

- معاونت فنی و برنامه‌ریزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «دستورالعمل طرح اصلاح معابر روستایی»، مجله مسکن و انقلاب. شماره ۳۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.

- نظری، عبدالحمید. «بررسی فیزیکی - کالبدی سکونتگاههای روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی (گرگان و ترکمن صحرا)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۹ و ۵۰، تابستان و پائیز ۱۳۷۷.

- زرگر، اکبر. شناخت معماری روستایی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

اکبر زرگر

طراحی شهری

Urban Design

طراحی شهری در دهه ۱۹۶۰م با هدف جستجوی زمینه‌ها و وسایل تحقق کیفیت شهر به وجود آمد. این جستجو تا به امروز همچنان با ۲ هدف عملکردی و زیبایی‌شناختی ادامه دارد. طراحی شهری به عنوان فعالیتی که به محیط انسان ساخت و سکونتگاههای انسانی شکل می‌دهد و انسجام می‌بخشد، از ابتدای پیدایش تاکنون همواره از



ماهیت آن مفیدتر واقع شود. این ویژگیها عبارتند از:
طراحی شهری اساساً با جنبه‌های کالبدی و فضایی محیط
سروکار دارد، هرچند شکل و فضای شهر به‌هرحال از
عملکردهای آن قابل تفکیک نیست؛

- طراحی شهری فرایندی است تکاملی و مستمر که باید در
چارچوب تغییرات مداوم محیط تحقق پذیرد. فرایند مورد
استفاده تا حدود زیادی در نتیجه و حاصل کار مؤثر است؛
- طراحی شهری فرایندی است مشارکتی و تعاملی که
متضمن همکاری وسیع گروههای ذی‌نفع و ذی‌نفوذ با
متخصصان حرفه‌ای است. تعداد این گروهها اغلب زیاد،

اهمیت روزافزونی برخوردار بوده است. با این وجود در
مورد تعریف طراحی شهری هنوز هم وضوح و اتفاق نظر
کامل وجود ندارد. یکی از متداول‌ترین تعاریف، طراحی
شهری را چنین توصیف می‌کند: طراحی شهری با شکل
کالبدی عرصه عمومی در یک منطقه محدود شهری سروکار



دارد و بنابراین، بین ۲ مقیاس شناخته شده
معماری که با شکل کالبدی عرصه خصوصی
(ساختمان) در ارتباط است و برنامه‌ریزی شهری
و منطقه‌ای که با سازمان فضایی عرصه عمومی
در مقیاس وسیع‌تری سروکار دارد، قرار می‌گیرد.
از آنجا که این تعریف نیز همچون بسیاری
تعاریف دیگر، از جهات مختلف مورد انتقاد
قرار گرفته است، به نظر می‌رسد ذکر ویژگیهای
عمده طراحی شهری بتواند در روشن کردن



منافع آنها گوناگون و گاه متضاد و بالأخره، میزان کنترل در این میان نسبی است؛

• حوزه فعالیت طراحی شهری، فضاهای عمومی شهر است، اما فضاهای خصوصی نیز ممکن است، چه به صورت انفرادی و چه جمعی، وارد حیطه فعالیت طراحی شهری شود؛

• چارچوب زمانی فعالیتهای طراحی شهری معمولاً بلندمدت است و محصول آن اغلب ناتمام، نسبی و محدود است؛

• طراحی شهری زمینه و امکان به وجود آمدن تغییر و تحول کیفی را در محیطهای شهری فراهم می‌سازد. طراح شهری ممکن است هرگز ساختمان خاص و یا ساختمانهایی را که در طرح پیشنهاد کرده است، طراحی نکند، بلکه مقررات لازم را برای حرفه‌هایی که در ساختن بناها نقش دارند، تهیه و فراهم نماید؛

• از نظر مقیاس، طراحی شهری در مقیاسهای مختلف قابل اعمال است. البته سازوکار طراحی، ابزار اجرا، مدت زمان و نحوه اجرای طرحها در مقیاسهای مختلف متفاوت است. مقیاسهای معمول طراحی شهری عبارتند از: مقیاس پروژه، محله و بخشی از شهر، کل شهر، منطقه شهری و کریدورهای شهری؛

• از نظر محتوایی، ویژگیهای اصلی طراحی شهری عبارتند از: مکان، تراکم، کاربریهای مختلط و سازگار، پیاده‌سازی و مقیاس انسانی، فرهنگ انسانی، عرصه عمرانی، محیط انسان‌ساخت و محیط طبیعی؛ و بالأخره،

• نباید به طراحی شهری به‌عنوان عرصه جمعی انسانی، صرفاً از دید تجاری-اقتصادی و بر پایه مفاهیم و اصول اقتصاد بازار نگریست.

بنابر آنچه گفته شد، مشخصه اصلی طراحی شهری امروز باید هدفمند بودن آن و یا برقراری پیوند بین اهداف شهر و طرح شهر که ماهیت کالبدی-فضایی دارد، باشد. مسائل و نیازهای متنوع جوامع امروزی در همه جا، طراحی شهری را آنچنان می‌طلبد که بتواند تبلور کالبدی-فضایی راه‌حلهای و نیازها را در همه سطوح و همه زمینه‌ها تحقق بخشد و فضا و کالبد معنی‌دار و هدفمندی را برای شهرها

پدید آورد. براین‌اساس، طراحی شهری ملموس‌ترین و محسوس‌ترین فعالیتی است که می‌تواند ارزشها، خواستها و هدفهای یک جامعه را تحقق بخشیده، با تبلور آنها، فکر را به عمل و آرمانها را به واقعیت نزدیک سازد.

می‌توان گفت، طراحی شهری در کشور ما چند سال پس از ایجاد اولین رشته طراحی شهری در دانشگاه هاروارد، با راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری-منطقه‌ای در اواخر دهه ۱۳۴۰ش، به‌عنوان یک گرایش به‌وجود آمد. طی چند دهه گذشته، آموزش این رشته نتوانسته است سمت و سوی مناسب خود را پیدا کرده و در راستای پایه‌گذاری طراحی شهری خودی که درعین حال، بی‌اعتنا به تغییر و تحولات جهانی نباشد، حرکت نماید. از نظر تشکیلاتی همانند بسیاری از کشورها و برخلاف معماری که دارای انجمنهای تخصصی مربوط به خود است، در ایران چنین نهاد و تشکیلات تخصصی موجود نیست و این فقدان، دامنه ابهامات مربوط به این حرفه را گسترده‌تر کرده، هویت شغلی و حرفه‌ای طراحان شهری را خدشه‌دار ساخته است. همین امر باعث شده که بخش عمده فعالیتهای طراحی شهری در کشور توسط معماران و برنامه‌ریزان شهری انجام شود که طبعاً دارای دانش و مهارت لازم برای فعالیت در زمینه طراحی شهری نیستند.

کتاب‌شناسی:

- بحرینی، سیدحسین. *تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوی رفتاری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- بحرینی، سیدحسین. *فرایند طراحی شهری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- رهنمایی، محمدتقی. *توانایی محیطی ایران: زمینه‌های جغرافیایی طرح جامع سرزمین*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- مجنونیان، هنریک. *درختان و محیط زیست*. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۶۹.
- Mondon, A. V. and Wayne, Attoe (eds). *Urban Design: Reshaping our Cities*. Washington, D.C.: Washington University Press, 1993.

سیدحسین بحرینی

تعریف وظیفه این رشته را مشخص می‌سازد، اما ماهیت علمی و هنری آن را تعریف نمی‌کند. تعریف واقعی طراحی شهری از عملکرد آن قابل فهم است، یعنی تولید محیط مصنوع. طراحان شهری صحت این تعریف را در چارچوب طراحی محله‌های شهری و طراحی مجتمعه‌های جدید زیستی در شهرهای جدید و حومه‌های شهری به‌وضوح نشان می‌دهند. البته در فرایند طراحی، معماران، برنامه‌ریزان شهری، مهندسان عمران و ترافیک نقش مؤثری ایفا می‌کنند و در واقع، طرحها به‌صورت کار گروهی تولید می‌شود. با این وجود، این تعریف بسیاری از طراحان شهری را قانع نمی‌کند، زیرا معتقدند، موضوع طراحی شهری ارتقاء کیفیت محیط مصنوع است؛ امروزه بسیاری از طراحان شهری برای معرفی رشته خود به این مقوله بیش از سایر مقولات تأکید می‌ورزند. البته، تبیین طراحی شهری با استفاده از یک تعریف مشخص، مقدور نیست، چرا که طراحان شهری نظرات متفاوتی دارند که به آسانی قابل جمع‌بندی نیست.

طراحی شهری براساس شرایط زمان و وضعیت فرهنگی جامعه، ممکن است از طراحی یک میدان شروع شود و تا طراحی یک منطقه شهری بسط یابد. برخی اوقات کار طراحان شهری طراحی نمای ساختمانهای یک خیابان یا بدنه خیابان و در جای دیگر، طراحی فضاهای بین ساختمانها و یا حتی انتظام توده و فضا و یا شکل دادن به فرم مطلوب شهری تعریف می‌شود. وجه مشترک همه این تعاریف این است که طراحی شهری با فرم و شکل کالبد شهرها در مقیاسهای مختلف سروکار دارد. از این رو، طراحان شهری برای عوامل ادراکی محیط مصنوع و تصور شهروندان از شکل شهر (سیمای شهر) اهمیت زیادی قائل هستند و اساساً درک سه‌بعدی فضاها و مناظر شهری را پایگاه اصلی و کلید فهم سرشت طراحی شهری می‌دانند. البته محتوای موضوع طراحی شهری با محتوای موضوع معماری و برنامه‌ریزی شهری تفاوت دارد، تا جایی که اصرار بر این تفاوتها باعث جدایی نگرش آنها از معماران و شهرسازان شده است و به تدریج وظیفه اصلی آنها که پلی بین معماری و شهرسازی خوانده می‌شد؛ به‌صورت وظیفه جدیدی در مقابل ۲ وظیفه پیشین درآمده است؛ هرچند

اصول و معیارهای طراحی شهری

طراحی شهری، طراحی فضاهای شهری تعریف می‌شود، اما وظیفه آن در عمل، تولید محیط مصنوع است؛ برای این منظور به دانشهای مختلف، از جمله جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد شهری، جغرافیای شهری، حقوق شهری و به‌ویژه به معماری و طراحی منظر نیاز دارد. علاوه بر اینها، به همانسان به علوم طبیعی و محیطی مانند زمین‌شناسی، خاک‌شناسی و محیط زیست نیز نیازمند است. به این ترتیب، طراحی شهری همانند برنامه‌ریزی شهری، جزء علوم میان‌رشته‌ای است و در حیطه میانکنش این دانشها می‌تواند فضا و محیط مصنوع شهری را تولید و بازتولید نماید.

هرچند هنوز معنای نظری طراحی شهری مورد بحث و گفتگوی بسیاری از طراحان شهری، معماران و برنامه‌ریزان شهری است، اما حرفه طراحی شهری در عمل به‌طور مشخص پروژه‌های متعددی را تاکنون در طراحی محله‌های جدید شهری (به‌ویژه در برنامه‌های آماده‌سازی زمین) و به‌خصوص در طراحی شهرهای جدید انجام داده و تجربیات گرانمایی کسب کرده است.

از نظر تاریخی طراحی شهری با مشارکت در طراحی مجتمعه‌های زیستی و کوشش دانشگاهیان در ایالات متحد آمریکا رشد کرد. شهرسازی بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا با هدف تولید مسکن برای اقشار مختلف اجتماعی، مجتمعه‌های یکنواخت را پدید آورد. این پدیده‌ها بسیاری از شهرسازان و معماران را متوجه فقدان هماهنگی در ساخت‌وسازهای شهری کرد. در دهه ۱۹۵۰م طراحان شهری، کارشناسانی از بین شهرسازان و معماران بودند که برای از میان برداشتن شکاف میان معماری و شهرسازی تلاش اجتماعی سختی را در اروپا آغاز کردند. مشهورترین آنها گروه ۱۰ (Ten Team) بود که برای هویت‌بخشی به شهرها منشور آن را نقد می‌کرد. نقطه نظر آنها توجه به کیفیت فرم کالبدی شهرها و ارزشهای معماری مدرن بود. تلاش این گروه، موجب ارتقاء کیفیت محیط شهری و بهبود نگرش به فضاهای شهری شد. از این رو، بسیاری از صاحب‌نظران شهرسازی و معماری، طراحی شهری را به‌عنوان پلی میان معماری و شهرسازی تعریف کرده‌اند. این

به علت پیچیدگی محیطهای شهری، همکاری معماران، شهرسازان و طراحان شهری هر روز بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند.

به‌طور کلی، هدف بنیادی طراحی شهری فراهم کردن شرایط تناسب و آسایش در محیط زندگی و کار در شهرهاست. طراحی شهری به‌طور مشخص با ۲ مسئله مهم محیط مواجه است:

• یکی مسائل مربوط به کیفیت محیط کالبدی از نظر تناسبات فیزیکی ساختمانها و فضای بین آنها بر پایه اصول بنیادی زیباشناختی و مطلوبیت سیما و منظر؛ و

• دیگر، چگونگی عملکرد فضاهای شهری برای تأمین رفاه شهری و کارایی آن. شکی نیست که میان عملکرد و فرم که موضوع تولید مصنوع محیط زیست انسانی است، رابطه‌ای بنیادی برقرار است؛ این رابطه را به رابطه ظرف و مظروف تشبیه می‌کنند. هرچند هیچ ظرفی مطابق مظروف، فرم و شکل نمی‌گیرد، اما این حقیقت به‌طور نسبی وجود دارد که شکل هر شیئی (یا فضا) برای انجام کاری خاص مناسب است. بنابراین، شکل و یا فرم فضاهای شهری بایستی متناسب با عملکرد و یا هدف آن طراحی شود، تا عملکرد به‌تناسب شکل عمل نماید. مسئله تناسبات فضایی در رابطه با حس مکان و درک فضا است. همین مسئله از موضوعات بنیادی در ساماندهی محیطهای شهری بشمار می‌رود. طراحان شهری معتقدند، فضای شهری را می‌توان به‌گونه‌ای طراحی نمود که حس خشنودی و رضایت بهره‌وران را تأمین کند. خلق فضای شهری به‌تناسب جایگاه آن در شهر و به‌تناسب هدف از خلق آن؛ تلاش هنرمندانه‌ای است که طراحان برجسته در جهان انواع ممتاز آن را در شهرهای قدیم و جدید پدید آورده‌اند. به‌سختن دیگر، برخی از زیباترین و خواستنی‌ترین فضاهای شهری، بدون دخالت طراحان شهری به‌وجود آمده‌اند، مانند میدان نقش جهان در اصفهان که ایده شاه‌عباس صفوی بوده است.

طراحان شهری آگاهانه به خلق محیط مصنوع شهری می‌پردازند و در مقیاس بزرگ‌تر، اجزاء شهر را مانند ساختمانها، خیابانها، عناصر طبیعی و عناصر بصری (منظر)، در یک مجموعه منسجم به‌گونه‌ای ترکیب می‌کنند که فرم و

شکل مطلوب داشته باشند. برای مثال، پیوند آب، گیاه، خیابان و پل در پیرامون رودخانه زاینده‌رود، ترکیبی شگفت‌انگیز و نمونه‌ای ممتاز از فرم مطلوب و منسجم کالبدی در محیط شهر اصفهان است. همین ویژگیها در امتداد خیابان چهارباغ، سی‌وسه‌پل و زاینده‌رود پدید آمده است. با اینکه تمام ساختمانهای لبه این خیابان از کیفیت عالی برخوردار نیست، اما ترکیب مجموعه عوامل مصنوع و طبیعی، محیط مطلوبی را به‌وجود آورده است. این راز ناشناخته از ترکیب عناصر گوناگون شهر با همدیگر پدید می‌آید، که درک آن آسان، ولی تولید آن دشوار است.

موضوعات طراحی شهری تنها به این نمونه‌ها خلاصه نمی‌شود؛ چنان‌که یک مجموعه ساختمانی در مرکز شهر (← مرکز شهر) به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که سواره و پیاده به آسانی بتوانند بدان دسترسی یابند و بتوان پیاده در فضاهای داخلی و بیرونی آن حرکت کرد؛ در سکوها و پله‌های آن نشست و فضای همجوار را نظاره کرد؛ در هنگام عصر و شب مانند روز سرشار از نشاط باشد و فعالیت در آن جریان داشته باشد، در این صورت می‌توان گفت، این مرکز شهری به بهترین وجه طراحی شده است. امروزه، شهرها به دلیل تسلط خودرو بر خیابانها و کار و خدمات اداری بر ساختمانها، محیطهای مطلوب و مناسبی برای زندگی نیستند. شهرهای معاصر علی‌رغم ساختمانهای مدرن و خیابانهای عریض، اغلب خشک و بی‌روح هستند و مردم به‌نگام فراغت، شهرها را ترک می‌کنند و به فضای طبیعت بیرون شهر و یا به تلوویزیون در درون خانه‌ها پناه می‌برند.

امروزه، نشستن در کنار خیابان و یا میدان عادت کارگران فصلی است. خیابانها محل عبور و مرور و پارک خودرو، پر از دود و سروصدا و مزاحمتهای گوناگون است. در این شرایط، طراحی شهری باید بتواند با خلق فضاهای مطلوب شهری و با کیفیت انسانی، شهرها را از این افسردگی نجات دهد و آن را مجدداً به جوانان، زنان، مردان و کودکان شهر بازگرداند.

در طراحی شهری، به‌ویژه از دیدگاه طراحی فضاهای شهری، اصول و معیارهایی وجود دارد که شالوده فعالیت

توده و فضا در بافتهای شهری است.

• **مقیاس و تناسب.** منظور از تناسب رابطه ابعاد مختلف فضا، مستقل از اندازه آن است. در مورد فضا، نسبت بین ارتفاع ساختمان و عرض فضا، اعم از اینکه فضا کاملاً محصور یا نیمه محصور باشد، تناسب را تشکیل می دهد. اما مقیاس اساساً به رابطه بین اندازه یک فضا با فضاهای اطراف آن مربوط می شود. برای رسیدن به مقیاس انسانی فضا، هر فضا به تنهایی نباید نه آنقدر بزرگ باشد که تماس بصری با اطراف ضعیف گردد و نه چندان کوچک که در آن انسان، به دلیل محصور شدن در فضای تنگ، احساس اضطراب کند. فضاهای بسیار وسیع و بسیار تنگ با مقیاس انسانی همسازی ندارند. بررسیها در مورد شهرهای قدیمی غربی نشان می دهد که اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض معبر (فضا) از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است احساس نفس گیر بودن را به بیننده القاء کند و اگر از ۱:۲/۵ کمتر باشد، بیننده در آن احساس گشادگی خواهد کرد. وقتی می توان گفت فضای خارجی به نحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضا، از تناسبات انسانی برخوردار باشد. طراحی تناسبات عناصر ساختمانی نسبت به فضاهای میانی (مثلاً خیابان)، از اصول اساسی طراحی شهری بشمار می رود.

• **محصوریت.** انسان به قلمرو وابسته است و نیازمند اینکه در ناحیه یا فضایی که در آن زندگی می کند، احساس امنیت کند. میان اندازه فضا و قلمرو ادراکی انسان همبستگی خاصی وجود دارد. به طور کلی، هر چه فضا کوچک تر باشد، احساس امنیت بیشتری را القاء می کند. در فضایی که مقیاس فوق انسانی دارد، فرد احساس ناامنی می کند.

علاوه بر اندازه مطلق، ادراک ما از فضا به میزان محصور بودن آن، به ویژگی لبه بسته شده و ارتفاع این لبه نسبت به زاویه دید بستگی دارد. اگر اشیاء در نزدیکی ارتفاع چشم یا بالاتر از آن قرار گیرند، مقیاس انسانی تر احساس می شود. اگر اشیاء مانع دید به فضای آن سوی خود شوند، احساس محفوظ بودن بسیار به وجود می آید.

در هنگام محصور بودن، تعریف فضا و ویژگی آن، موقعیت عناصر فضایی به خصوص موقعیت عمودی آن

طراحی است و از این نظر جزء اصول عام محسوب می شوند. سمت گیری طراحی و برنامه ریزی شهری همواره باید به ارتقاء توسعه پایدار (← توسعه پایدار شهری) منجر شود. معمولاً واضح ترین و مفیدترین شیوه برای تشریح اصول طراحی شهری، تدوین معیارهای عملکردی است. معیار عملکردی ابزاری برای ارزیابی میزان دستیابی توسعه به یک نیاز عملکردی خاص است (مانند محرمت). معیارهای عملکردی هیچ گونه پیش فرضی در مورد وسایل دستیابی به تعادل مورد نظر ندارند.

هدفهای عملی طراحی شهری عبارتند از: خصوصیت (کاراکتر)، تداوم، محصوریت، کیفیت عرصه همگانی، سهولت حرکت، خوانایی، انعطاف پذیری و تنوع.

مهم ترین اصل طراحی شهری که تمام اصول عملکردی در چارچوب آن تحقق می یابد، توسعه فضایی است.

• **توسعه فضایی.** کنترل ماهرانه فضا و توده گذاری و ویژگیهای محیط مصنوع است، به طوری که حس مکان را تقویت کند. توسعه فضایی شامل روابط میان فضاها و عناصر طراحی است که با استفاده از حجم یا توده ساختمانی، محصوریت، تنوع و هماهنگی و تضاد انجام می شود.

• **رابطه توده و فضا.** طراح شهری معمولاً در ساختن فرم سه بعدی به دنبال آن است که توده طراحی شده و نمای ساختمانها با یکدیگر وحدت و انسجام داشته باشند. ارتباط نماها با یکدیگر و با عناصر موجود در فضا، موجب هماهنگی می شود و فضا پیوسته تر و خواناتر می شود. چنانچه این عناصر با هم ارتباط نداشته باشند، فضا فاقد انسجام خواهد بود. با افزایش ارتفاع ساختمانها و عریض شدن آنها، شرایط نامساعدی از نظر طراحی فضای شهری به وجود می آید. در چنین مواردی تغییرات عمده ای در توده ساختمانی باید انجام گیرد، تا میان توده ساختمانی و فضای باز تناسب و هماهنگی برقرار شود. تدابیری که برای کاهش حجم بناهای بلند به کار بسته می شود، مانند تکه تکه کردن حجم ساختمان به وسیله تغییرات در نمای بیرونی، کافی نیست. به طور کلی، اساس یک فرم شهری خوب که می خواهد محیط مطلوبی را پدید آورد، مراعات تناسبات

بسیار مهم است. لبه فضا که در فاصله نزدیک به ارتفاع چشم ما قرار دارد، اگرچه بخش نسبتاً کوچکی از میدان دید ما را تشکیل می‌دهد، اما در ادراک فضایی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. محصور بودن فضا در ارتفاع چشم بیننده، لازمه ایجاد حس واقعی محصور بودن است. از آنجایی که لبه فضا غالب‌ترین لایه بصری است، در تعیین ویژگی فضا اهمیت خاصی دارد. اگر ویژگی لبه، کاربری مورد نظر و حس مکان را تقویت کند و اگر سایر لایه‌های فضا این ویژگی را تشدید کند، عناصر مختلف فضا با یکدیگر مرتبط به نظر می‌رسند و مکان به صورت منسجم و قابل فهم درخواهد آمد؛ بنابراین، استفاده‌کننده، کیفیتی روشن را درک می‌کند و فضا راحت و دلپذیر به نظر می‌رسد.

• **حس مکان.** تمام چیزهایی که در یک فضا دیده می‌شود، از جمله صفحه کف، صفحه بالای سر، لبه فضا، عناصر محصور و عناصری که در قاب قرار می‌گیرند، بخشی از صحنه بصری بوده و جزئی از مکان هستند.

اگر محرک‌های مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و مضمون مشترکی را بیان کنند، در این صورت، فضای حسی مکان قوی و پرمعنا خواهد بود و پیوسته و کامل به نظر خواهد رسید. در این حالت، چنین القاء می‌شود که عناصر موجود در آن به یکدیگر تعلق دارند. به این ترتیب، گفته می‌شود که فضا مکانیت زیادی دارد، اما چنانچه عناصر واقع در فضا، پیوستگی لازم را با یکدیگر نداشته باشند، فضا ناهنجار به نظر می‌رسد و از نظر بصری فاقد انسجام خواهد بود و آشفته جلوه می‌کند؛ بنابراین، فاقد مکانیت خواهد بود و یا می‌توان گفت ویژگی بی‌مکانی دارد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «شهرسازی»، کتاب سبز شهرداریها. جلد اول، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- مدنی‌پور، علی. *طراحی فضای شهری*، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران، ۱۳۷۹.
- هدمن، ریچارد و یازوسکی، آندرو. *مبانی طراحی شهری*، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۷۰.
- توسلی، محمود. *اصول و روش‌های طراحی شهری*. جلد اول، تهران:

- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۶۵.
- شرکت عمران شهرهای جدید. *راهنمای طراحی شهری*، ترجمه رضا رضائی، انتشارات شرکت شهرهای جدید، ۱۳۸۴.
- رابرت کوآن. *اسناد هدایت طراحی شهری*، ترجمه کورش گلکار و سولماز حسینون، انتشارات سلیمی، ۱۳۸۵.

احمد سعیدنیا

طراحی کالبدی ← برنامه‌ریزی کالبدی

طرح اجرایی ← برنامه عمل

طرح کالبد ملی

National Physical Plan

طرح‌ریزی کالبدی شامل تمام فعالیتهای منسجم، اندیشیده و منظمی است که به منظور سازماندهی و بهسازی محیط کالبدی انجام می‌پذیرد. به این ترتیب، طرح‌ریزی کالبدی به ساماندهی مطلوب فعالیتهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضروری برای توسعه در فضا می‌پردازد که حاصل آن تخصیص بهینه فضا به فعالیتهای مختلف است. هدف از طرح‌ریزی کالبدی، هدایت کالبد محیط انسانی در جهت مطلوب و تنظیم و بهسازی محیط فیزیکی زندگی انسان است (← برنامه‌ریزی کالبدی).

اندیشه تهیه طرحهای کالبدی و احساس نیاز به این مطالعات، بر اثر رویارویی با دشواریهایی چند پدیدار شد.

این دشواریها از جمله عبارت بودند از:

- رشد انفجاری جمعیت شهری؛
- گسترده‌گی نیاز به برنامه‌ریزی شهری؛
- مسائل گسترش خودجوش شهرها؛

طرح کالبد ملی

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد، تا بدین ترتیب، امکان توسعه موزون در کلیت پیکره جغرافیایی کشور که طبیعت و امکاناتی نابرابر دارد، فراهم گردد.

اهداف

هدف کلی طرح کالبدی ملی، برنامه‌ریزی توسعه پایدار سکونتگاهها و مدیریت خردمندانانه سرزمین (فضا) است. برای پاسخگویی به این هدف کلی، ۳ هدف مشخص به شرح زیر تعریف شده است:

- بررسی تناسب زمینها برای گسترش آینده شهرهای کنونی و ایجاد شهرها و شهرکهای جدید؛
- پیشنهاد شبکه شهری آینده کشور، یعنی اندازه شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه کشور و سلسله مراتب میان آنها به منظور تسهیل مدیریت سرزمین و خدمت‌رسانی به مردم؛ و
- منطقه‌بندی سراسر سرزمین به معنای تعیین کاربریهای مطلوب زمینهای کشور و مقررات تفکیک و ساخت‌وساز در هریک از آنها.

اصول و راهبردها

اصول یا راهبردهای زیر در مطالعات طرح کالبدی ملی رعایت شده است:

- اصل حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی و آثار تاریخی و پرارزش؛
- اصل صرفه‌جویی در هزینه‌ها؛
- اصل ارتقاء بهره‌وری و کارایی؛
- اصل تمرکززدایی؛
- اصل محرومیت‌زدایی؛
- اصل مشارکت‌پذیری؛ و
- موقعیت کشور در منطقه.

مطالعات طرح

مطالعات طرح کالبد ملی که همگی در راستای تحقق هدفهای طرح انجام گرفته‌اند، متعدد و متنوع و عبارتند از:

- جمعیت و فضا؛

• فقدان مطالعات بالادست برای طرحهای جامع شهری؛

• فقدان مطالعات پایه برای برنامه‌ریزی شهری؛ و

• فقدان نقشه‌های کاربری و مقررات احداث بنا برای زمینهای سراسر کشور.

به دنبال نیاز به تهیه طرحهای کالبدی در خرداد ماه ۱۳۶۹ش تهیه چارچوب نظری و شرح خدمات طرح جامع سرزمین یا طرحهای کالبدی ملی و منطقه‌ای از سوی واحد شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی به مهندس مشاور واگذار شد.

نتیجه مطالعات مشاور در مهرماه ۱۳۶۹ش، تحت عنوان طرح ریزی کالبدی ملی و منطقه‌ای- چارچوب نظری و شرح خدمات انتشار یافت. در این گزارش پیش‌بینی شده بود که مطالعات طرحهای کالبدی لازم است در ۳ سطح انجام گیرند. این سطوح عبارتند از:

• مطالعات ملی در مقیاس ۱:۱۰۰۰،۰۰۰-۱:۲۵۰،۰۰۰؛

• مطالعات منطقه‌ای در مقیاس ۱:۲۵۰،۰۰۰-۱:۵۰،۰۰۰؛ و

• مطالعات محلی در مقیاس ۱:۵۰،۰۰۰-۱:۲،۰۰۰.

هدف کلی طرحهای کالبدی، مدیریت خردمندانانه سرزمین (فضا) است؛ و هدفهای منفرد، مانند تناسب زمینها برای گسترش شهرها، طراحی شبکه شهری و منطقه‌بندی (← حوزه‌بندی شهری) سراسر سرزمین از مصادیق این هدف کلی است. در واقع، در این طرحها همه مطالعات در راستای پاسخگویی به این هدف کلی است.

طرح کالبدی ملی در سطوح زیر تهیه شده است:

- طرحهای کالبدی ملی؛
- طرحهای کالبدی منطقه‌ای [این طرح تاکنون برای مناطق آذربایجان، زاگرس، خوزستان، البرز جنوبی، فارس و ساحلی انجام یافته است]؛ و
- طرحهای کالبدی محلی.

طرح کالبد ملی

طرح کالبدی ملی طرحی است کشور شمول و جامع‌نگر که الگوی فضایی مورد نیاز برای هدایت و توزیع بهینه ساخت‌وسازهای کالبدی و به تبع آن، پراکنش جمعیت را متناسب با امکانات سرزمین، توانهای محیطی و اهداف

کالبدی در سطوح ملی و منطقه‌ای ایران در ۲ دهه اخیر بوده است.

معیارهای ارتقاء طرحهای کالبدی

- مشارکت مردم در مراحل مختلف تهیه و اجرای طرح؛
- هماهنگی طرح با راهبردها و اهداف توسعه ملی؛
- داشتن روش مشخص و علمی در تهیه طرح؛
- ارتباط طرح با مطالعات اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و کالبدی؛
- انعطاف‌پذیری طرح؛
- واقع‌گرایی در تدوین اهداف طرح؛
- وجود برنامه‌ها و زیربرنامه‌های مشخص در اجرای طرح؛
- رعایت اصول عدالت؛
- کارایی طرح؛
- حفظ تعادل و توازن محیط زیست؛
- حفظ میراث‌های تاریخی و بناهای باارزش معماری؛
- مکانیابی مناسب؛ و
- طراحی شبکه دسترسی کارآمد.

در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کالبدی بایستی بینشی نظام‌مند وجود داشته باشد و سلسله مراتب رعایت گردد. یعنی ابتدا باید طرح کالبدی در مقیاس ملی تهیه گردد و سپس، به تهیه طرحهای کالبدی در مقیاس منطقه‌ای با توجه به اهداف طرح کالبدی ملی پرداخته شود. در گذشته طرحهای کالبدی، اعم از شهری یا منطقه‌ای، در شرایطی تهیه می‌شدند که راهبردهای توسعه ملی نامشخص بودند.

کتاب‌شناسی:

- آئین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرحهای توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور. مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۷۸.
- آئین‌نامه مربوطه قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۸۲.
- حسن، مجید. مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی، ۱۳۸۲.
- احمدی، حسن. کلیات برنامه‌ریزی گروه مطالعات برنامه‌ریزی شهری. وزارت کشور، تهران، ۱۳۷۰.
- رهنمایی، محمدتقی. «طرح‌ریزی کالبدی، اهداف و ضرورت آن».

- صنعت و فضا؛
- آب مورد نیاز شهرها؛
- منابع آب؛
- قابلیت اراضی؛
- کاربری اراضی؛
- انرژی و فضا؛
- ارتباطات؛
- شبکه مخابرات؛
- تمرکززدایی؛
- محرومیت‌زدایی؛
- اقتصاد و فضا؛
- شبکه شهرهای مهم کشور؛
- آب و هوا و اقلیم؛
- مطالعات لرزه‌خیزی، شامل لرزه زمین‌ساخت و لرزه‌شناسی مهندسی؛
- پستی و بلندیها؛
- تقسیمات فرعی سرزمین؛
- مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست؛ و
- طرح کالبدی ملی (تلفیق مطالعات).

نتیجه مطالعات

با تلفیق و ترکیب رایانه‌ای مطالعات موضوعی، هدفهای طرح کالبدی ملی در قالب ۴ نقشه به شرح زیر ارائه شده است:

- تناسب زمینها؛
 - کاربری مطلوب زمینها؛
 - پهنه‌بندی خطر زمین‌لرزه؛ و
 - شبکه شهری پیشنهادی.
- در طرح کالبدی ملی، کشور ایران به ۱۰ منطقه کلان برنامه‌ریزی (برای انجام مطالعات منطقه‌ای) و ۸۵ ناحیه برنامه‌ریزی (برای انجام مطالعات ناحیه‌ای) تقسیم شده است.
- مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران (← مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران)، به‌عنوان مرکز تخصصی عهده‌دار تهیه طرحهای

مجلس شورای اسلامی)، شرح خدمات و آئین نامه اجرایی تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی در ۱۳۷۶ش تهیه گردید.

اهداف

طرحهای هادی ریشه در نیاز سکونتگاههای روستایی (← سکونتگاه روستایی) به عمران، توسعه، برنامه ریزی فضایی-کالبدی، هدایت اقدامات کالبدی متناسب با نیازهای اجتماعی-اقتصادی و رفاهی روستائیان دارد. توسعه و عمران روستایی (← عمران روستایی در ایران) موضوعی است که پیوسته مورد توجه قرار داشت و در بخشهایی از کشور، فعالیتهایی مرتبط با آن به اجرا درآمده بود؛ البته، این اقدامات موردی در مقیاس و اندازه‌ای نبود که معضل واپس ماندگی روستاها و کاهش فاصله آنها با شهرها را مرتفع سازد.

پس از انقلاب اسلامی، با هدف محرومیت زدایی روستاها، دستگاهها و سازمانهای اجرایی کشور تهیه و اجرای طرحهای عمرانی و کشاورزی را دنبال کردند. در همین راستا، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۳۶۲ش، دولت را موظف کرد، تا نسبت به بهبود وضع روستاها و بازسازی آنها لایحه‌ای تهیه و به مجلس تقدیم کند. در اجرای این سیاست، توجه به عمران و توسعه روستاهای کشور و تجدید حیات اجتماعی-اقتصادی و کالبدی آنها را نهادهای ذی ربط مورد توجه قرار دادند.

هدف از این طرحها، علاوه بر ایجاد زمینه توسعه و عمران منطبق با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روستاها، تأمین عادلانه امکانات و خدمات از طریق ایجاد تسهیلات اجتماعی، تولیدی و رفاهی و نیز ساماندهی فضایی-کالبدی روستاها و توسعه فیزیکی بافت آنها بود. علاوه بر تأمین و ایجاد تسهیلات مورد نیاز روستاها، بهبود مسکن روستایی و خدمات زیست محیطی و عمومی از جمله دیگر اهدافی بود که در طرح هادی روستایی پیش بینی شده بود. براساس محتوای طرح هادی، روستائیان باید به درستی در جریان ضرورت اجرا و هدفهای کمی و کیفی آن قرار گیرند و زمینه مشارکت آنان فراهم گردد.

مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۰.

- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مصوبه هیئت وزیران، ۱۳۷۹.

- مجموعه اسناد کتابخانه‌ای مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۶.

- مجموعه شهری تهران، گزیده مطالعات راهبردی توسعه کالبدی. مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.

- مجموعه مقالات طرح ریزی کالبدی، کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی (ملی و منطقه‌ای). مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰.

- مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین ایران. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۳۳.

- مقررات شهرسازی و معماری و طرحهای توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳.

- نوریان، فرشاد. نگرشی بر روند طرحهای تفصیلی در شهرسازی، ۱۳۸۴.

محمد رضا فرزاد بهتاش

طرح هادی روستایی

طرحهای هادی روستایی را می توان از اقدامات پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب نمود که نتیجه آن اقداماتی است که به صورت محدود، ابتدا از ۱۳۶۲ش، با عنوان طرحهای روانبخشی آغاز گردید. طرحهای روانبخشی را ۲ نهاد تازه تأسیس پس از انقلاب یعنی جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) با هدف ساماندهی شبکه معابر درون بافتهای روستایی و تردد مناسب وسایل نقلیه اجرا می کردند. ضرورت توجه به بافت روستاها، استقبال روستائیان و پیگیری نمایندگان مجلس شورای اسلامی باعث شد، تا طرحهای روانبخشی با نگاهی فراگیرتر مورد تجدید نظر قرار گیرد. بدین ترتیب، با مرور مجدد نیازهای کالبدی روستاها و در نظر گرفتن اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی آنها، براساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (مصوب مورخه ۱۳۶۶/۹/۱۷ش

به این ترتیب، مهم‌ترین اهداف طرح هادی روستایی عبارتند از:

- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای بهبود محیط سکونتگاه و ایجاد خدمات زیستی، محیطی و عمومی؛
- هدایت توسعه کالبدی روستاها؛
- فراهم آوردن زمینه‌های عمران و توسعه روستا و تأمین عادلانه امکانات، با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و با عنایت به طرح‌های بالادست، نظیر طرح ساماندهی و طرح جامعه شهرستان.

مراجع استصوابی طرح هادی روستایی

طرح‌های هادی روستایی را مهندسین مشاور حقیقی یا حقوقی متخصص و آشنا به روستاها تهیه می‌کردند؛ نتایج مطالعات در کمیته‌های فنی متشکل از نمایندگان بنیاد مسکن، جهاد سازندگی، جهاد کشاورزی (اکنون، وزارت جهاد کشاورزی)، دفتر فنی استانداری، سازمان برنامه و بودجه و مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) و در صورت ضرورت نماینده بخش‌داری و نماینده شورای اسلامی روستاها مورد بررسی قرار می‌گیرند. در صورت تأیید طرح در این کمیته، در مرحله بعد برای تصویب نهایی به شورای تصویب طرح‌های هادی روستایی، به ریاست استاندار یا معاون عمرانی استانداری، مدیران کل سازمانهای فوق و مشاور تهیه کننده طرح هادی ارسال می‌شود که در صورت تصویب، مفاد آن لازم‌الاجرا می‌شود.

در حال حاضر، با توجه به شکل‌گیری شورای برنامه‌ریزی توسعه استانها، طرح‌های هادی پس از بررسی و تأیید کمیته فنی، به گروه معماری و شهرسازی که به ریاست معاون عمرانی استانداری تشکیل می‌شود، ارسال و در صورت بررسی و تصویب، برای تأیید و ابلاغ به شورای برنامه‌ریزی توسعه استانها فرستاده و توسط استاندار به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ می‌گردد.

هرچند در شرح خدمات اولیه طرح‌های هادی روستایی، بررسیهای منطقه‌ای در حوزه تأثیرگذار و یا تأثیرپذیر روستا و تجدید حیات اجتماعی - اقتصادی روستا مد نظر قرار

گرفته بود، اما عملاً طرحها محدود به فعالیتهای کالبدی گردید. انواع پروژه‌های کالبدی که در طرح‌های هادی روستایی پیشنهاد می‌شوند، معمولاً شامل اصلاح معابر و اجرای میادین، دفع فاضلاب سطحی (جوی، جدول و کانینو)، آگو، دیوار حفاظتی، سیل بند، کانال دفع آبهای سطحی، پل، احداث پارک و محل بازی، روشنایی معابر و جابه‌جایی تأسیسات می‌شوند.

مراحل مختلف تهیه طرح

این طرحها معمولاً در ۳ مرحله تهیه و به کمیته فنی و شورای تصویب طرحها ارائه می‌شوند. این ۳ مرحله عبارتند از:

• **مطالعات شناخت و ارزیابی وضع موجود.** در این مرحله موقعیت روستا در واحد اداری - سیاسی و حوزه نفوذ، وضعیت اقلیمی، جغرافیایی، جمعیت، خدمات رفاهی و زیربنایی، وضعیت اشتغال، فعالیتهای مسکن و بافت روستا (← بافت روستایی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• **تعیین ضوابط و ارائه پیشنهادات در راستای اهداف طرح‌های هادی.** این مرحله به تجزیه و تحلیل جمعیت، پیش‌بینی جمعیت آتی، امکانات بالقوه و بالفعل اقتصادی، معیشتی و مشکلات موجود در خدمات عمومی و زیربنایی روستا، شبکه معابر و دسترس‌های پیاده و سواره، برای گسترش کالبدی بافت و سرانه‌های موجود و پیشنهادی و ضوابط ساخت‌وساز در روستا می‌پردازد.

• **ارائه طرح کاربری اراضی و محدوده توسعه کالبدی روستا و سایر نقشه‌های پیشنهادی.** در این قسمت نحوه کاربری اراضی (← کاربری زمین)، استقرار فضاهای خدماتی و تأسیسات زیربنایی، نقشه شبکه معابر، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و اولویتهای اجرایی کوتاه‌مدت و میان‌مدت پروژه‌های اجرایی و ضوابط و مقررات اجرایی، نحوه استفاده از اراضی تهیه خواهد شد. آن بخش از موارد مندرج در طرح که باید به صورت نقشه ارائه شود، در قالب نقشه‌های ۱/۲۰۰۰ و ۱/۱۰۰۰ تهیه و پس از تصویب، مهیور به مهر و امضای شورای تصویب طرحها می‌شود. در حال حاضر، بیش از ۳،۰۰۰ طرح هادی برای

جنبه‌های فیزیکی طرح که وظیفه قانونی خود می‌دانست، متمرکز گردید. به همین دلیل، در سالهای بعد از ۱۳۷۰-۱۳۷۲ش، با بازنگری شرح خدمات قبلی، مجدداً ابعاد کالبدی آنها مورد تأکید قرار گرفت.

هرچند در روند تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی، نادیده گرفتن هویت و ویژگی معماری بومی و بافت روستا، در مواردی، آسیب‌های کیفی به کالبد و معماری برخی روستاها وارد آورده است، اما در مجموع، این طرح‌ها مورد استقبال بسیاری از روستائیان قرار گرفته‌اند.

روند تهیه و اجرای این طرح‌ها و تجارب حاصل از آنها، به شکل‌گیری طرح‌ها و ابتکارات دیگری منجر شده است که می‌توان آنها را ثمره طرح‌های هادی روستایی بشمار آورد؛ طرح‌های بهسازی بافت‌های باارزش روستایی که با نگاه ویژه در روستاهای تاریخی، یا دارای موقعیت شاخص و ویژه، تهیه می‌شوند، از آن جمله هستند.

کتابشناسی:

- مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی حوزه عمران روستایی. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، شهریور ۱۳۸۵.
- ارزیابی تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، حوزه معاونت عمران روستایی، تهران، ۱۳۸۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

محسن سرتیپی‌پور

ظرفیت‌سازی

Capacity Building

ظرفیت‌سازی معطوف به راهبردها و اقداماتی است که هدف آن کمک به مردم در جهت این مهم است که تواناییهای خود را بشناسند و برای بهبود زندگی فردی و جمعی، از آن بهره‌گیرند. محققان پاسخ به پرسش اساسی علل ناتوانی بسیاری از کشورها در پیشبرد و حفظ توسعه اقتصادی و اجتماعی را ناکارایی رویکردهای معمول توسعه

روستاهای کشور تهیه شده که در بسیاری از آنها، پروژه‌های پیش‌بینی شده به مرحله اجرا درآمده است. این طرح‌ها ابتدا برای روستاهای با بیش از ۴۰۰ خانوار، مراکز بخش و دهستان تهیه می‌شد. پس از اتمام مطالعات این روستاها، به ترتیب، ابتدا برای روستاهای بالای ۲۰۰ خانوار و پس از آن، برای روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار تهیه شد. براساس برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی، تا پایان این برنامه، باید برای تمام روستاهای بالای ۵۰ خانوار طرح هادی تهیه شود. انتظار می‌رود تا پایان این برنامه، طرح‌های هادی ۲۱،۰۰۰ روستای کشور تصویب شوند. با توجه به اینکه مصوبات طرح‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده در این طرح‌ها، برای یک دوره ۱۰ ساله است، معمولاً بلافاصله پس از پایان مدت آن، تهیه طرح هادی مورد تجدید نظر قرار گرفته، برای دوره ۱۰ ساله بعدی آغاز می‌شود.

نگرش حاکم بر تهیه طرح هادی روستایی در طول ۲۵ سالی که از تهیه و اجرای آنها می‌گذرد، فراز و نشیب‌های مختلفی داشته است. درحالی‌که اولین طرح‌های هادی روستایی که تحت عنوان روانبخشی تهیه شد، نگاهی صرفاً کالبدی به منظور تسهیل عبور و مرور وسایط نقلیه و بهبود شبکه معابر روستایی داشت، در ۱۳۶۷ش، نگاه توسعه‌ای به این طرح‌ها اعمال شد و به دنبال آن، شرح خدمات آنها با عنوان طرح‌های هادی روستایی و با هدف تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاها، تهیه گردید. در عمل، به دلیل نظام برنامه‌ریزی بخشی در کشور که برنامه‌ها و اقدامات دستگاهها از وزارتخانه‌ها یا سازمان مرکزی آنها ابلاغ می‌شود، بین مصوبات طرح‌های هادی و برنامه دیگر دستگاهها مغایرت به وجود آمد. این مسئله باعث شد تا بسیاری از مصوبات طرح‌های هادی روستایی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، با اقدامات سایر دستگاهها همخوانی نداشته باشد و در عمل، به جز ابعاد کالبدی طرح‌های مصوب، بقیه مصوبات آنها به مرحله اجرا نرسد.

فقدان دستگاه متولی توسعه روستایی در کشور موجب شده است تا بر جنبه‌های کالبدی این طرح‌ها تأکید بیشتری شود. بنابراین، متولی این طرح‌ها، یعنی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، که نهادی عمومی و عمرانی است، مجدداً بر

استفاده نشده به کار گرفته شود. ظرفیت نه تنها با ساختار اشتغال، بلکه با سرمایه اجتماعی (← سرمایه اجتماعی) و علل مشارکت و مسئولیت کنشهای اجتماعی نیز مرتبط است.

ظرفیت‌سازی فرایندی است که به افزایش تواناییهای افراد، گروهها، سازمانها، نهادها و جوامع با تأکید بر موارد زیر، سرانجام می‌پذیرد:

- اجرای کارکردهای کانونی، حل مشکلات، تعریف و نگهداری، و ثبت و ضبط اهداف؛ و
 - درک و درگیر شدن با نیازهای توسعه در حوزه‌ای گسترده و به شیوه‌ای پایدار.
- نیازهای ظرفیتی توسعه در ۳ سطح متقابلاً مرتبط زیر قابل تعریف است:

• فردی. توانمندسازی افراد برای ادامه فرایند آموزش براساس دانش و مهارتهای موجود، و بسط و گسترش آن در مسیرهای جدید به مثابه زمینه‌ای برای فرصتهای جدید؛

• نهادی. نهادسازی متکی بر ظرفیتهای موجود به جای ایجاد نهادهای جدید، بر مبنای الگوها، دولت‌ها و یا کمکهای خارجی مانند مرکز تحقیقات کشاورزی یا مراکز کمکهای قضایی، توسعه و ایجاد نیاز به یافتن ابداعات و ابتکارات موجود، و تلاش در جهت بسط و گسترش آنها؛

• اجتماعی. بر مبنای ظرفیتهای موجود در جامعه به مثابه یک کل، به عنوان یک تغییر برای توسعه؛ برای مثال، ایجاد انواع فرصتها در بخش عمومی یا خصوصی، که مردم را قادر به استفاده و بسط ظرفیتهای خود تا کامل‌ترین شکل آن نماید.

تعریف ظرفیتهای مرکزی در یک سازمان، اجتماع یا بخش (یا سیستم)، بسط تعریف ظرفیت‌سازی برای دستیابی به دانش جدید و مهارتهای لازم جهت پاسخگویی به چالشهای موجود است. این گسترش می‌تواند در قالبهای زیر صورت پذیرد:

- تعریف و تحلیل محیط زیست یا سیستم کلی؛
- شناخت نیازها و یا نکات کلیدی؛
- فرموله نمودن راهبردها در پاسخ و رویارویی با نیازها؛
- تدبیر، تعیین و اجرای کنشها در جهت هماهنگی، کارایی و کارآمدی بیشتر و پایدارتر در استفاده از منابع؛ و

در ایجاد ظرفیت پایدار نیروی انسانی، نهادها و سازمانها در سطح محلی عنوان کرده‌اند. این ناکارایی رویکردی، همراه با ناتوانی دولتها در شناسایی و اجرای نقش مناسب، مدیریت و سازماندهی سیستمها، اتخاذ و اجرای خط‌مشیها و سیاستهای مناسب و پیگیری اهداف سیاستهای توسعه، به گسترش رویکردی سیستمی و جامع، با هدف ایجاد ظرفیت پایدار ملی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در کانون راهبردهای توسعه منجر شد. از نیمه دهه ۱۹۹۰م، نیاز به توسعه ظرفیت در بخش عمومی از یکسو، و از سوی دیگر، رویارویی با اقتصاد رقابتی جهانی و پاسخگویی به جوامع مدنی خواستار مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری ملی و محلی، در دستور کار بسیاری از دولتهای جهان قرار گرفت. دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م برای بسیاری از کشورهای استقلال یافته، دهه‌های توسعه ظرفیت دولتی در قالب نهادهای بخش عمومی برای مدیریت برنامه توسعه این بخش و پاسخگویی به مشکلات ناشی از تغییرات و ناسازگارهای رویکردی پیشین و ناموفق بودن آنها بود. نتایج حاصل از این چالشها، به شکل‌گیری رویکردهای مختلف در حوزه توسعه منجر شد. پیامد آن چرخشی به سمت ایده‌های تقویت نهادی، متمرکز بر بهبود کارایی سازمانهای موجود و کارکنان بخش عمومی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م بود. اولویت بر توزیع مجدد منابع و فرصتها، در کنار رشد اقتصادی با تأکید بر راهبردهای توسعه معطوف به اشتغال قرار گرفت. مبارزه با فقر اولویت اول برای همه برنامه‌ریزان توسعه شد.

ظرفیت را به سادگی توان انجام کارکردها، حل مشکلات، طراحی و دستیابی به اهداف تعریف کرده‌اند. ظرفیت مفهومی است با گستره‌ای وسیع‌تر از مفهوم منابع انسانی که نه تنها مقید به کسب مهارت است، بلکه به نحوه استفاده از آن نیز توجه کامل دارد. ظرفیت به عنوان بخشی از یک فرایند دائمی و پیوسته با محوریت منابع انسانی، وضعیتی فعال و اثرگذار است که ناظر بر تواناییهای یک نظام، سازمان یا فرد در انجام کار یا تولید است. توانایی (Capability) واژه‌ای نزدیک و هم‌ریشه با ظرفیت است که می‌تواند مترادف با ظرفیت به‌ویژه ظرفیت توسعه‌نیافته یا

ظرفیت‌سازی

غیردولتی در سراسر جهان، امکان تبادل مستقیم و برابر اطلاعات تخصصی و کلیدی- حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای- را خارج از کانالهای رسمی و معمول یافته‌اند. اکنون آگاهی گسترده‌ای نسبت به ظرفیت سازمانهای غیردولتی برای تبادل اطلاعات، برنامه‌ریزی فعالیتهای مشترک و مطرح ساختن اهداف مشترک اجتماعی در سطح بین‌المللی پدیدار گشته است. از این رو، ارتباطات و پیوندهای شبکه‌ای به یقین ابزار بسیار نیرومندی برای توسعه ظرفیت در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم آورده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- بانک جهانی. گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰، *مبارزه با فقر*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر امور اجتماعی، ۱۳۸۱.
- میر، جرالد. *مباحث اساسی اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، جلد اول و دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- Arrossi, S. et al. *Funding Community Initiatives*. London: Earthscan, 1994.
- Blomstrom, M. and Hettne, B. *Development Theory in Transition, The Dependency Debate and Beyond: Third World Responses*. London: Zed Books, 1984.
- Brown, Thomas F. *Theoretical Perspectives on Social Capital*. Lamar University, 2004.
- Coleman, James S. "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94: S-95S120, 1998.
- Sakiko, Fukuda-Parr; Lopes, Carlos and Malik, Khalid. *Capacity for Development, New Solutions to Old Problems*. London and Virginia, UNDP: Earthscan, 2002.
- Gendzier, Irene. *Managing Development Change: Social Scientists and Third World Boulder*. Colo.: Westview Press 1994.
- Gibbons, T. and Patrick, A. *Structuration Approach to the Resource and Capability Based View of the Firm*. Dublin, 2001.
- Malik, Khalid. *Capacity and Development* in Fukuda-Parr, Sakiko, Lopes, Carlos, Malik, Khalid (eds). *Capacity for Development*. UNDP: EarthScan, 2002.
- Morgan, P. and Qulman, A. *Institutional and Capacity Development: Results Based Management and Organizational Performance*. Canadian International Development Agency, 1996.
- OECD. *The Concept of Socially-Sustainable Development: Review of Literature and Preliminary Conclusions*. Paris, 2001.
- Olate, Rene. *Local Institutions, Social Capital and Capabilities, Challenges for Development and Social Intervention in Latin*

•فرانمایی اجرا، تضمین بازخورد، و تنظیم دوره‌های عمل در جهت پاسخگویی به اهداف.

ظرفیت‌سازی، به دلیل توجه به محیط و محتوای درونی سیستم که خود بستر کنش متقابل افراد، سازمانها و جوامع است، به توسعه کل سیستم منجر می‌گردد. از این رو، برنامه‌های توسعه‌ای مبتنی بر آن نیز لزوماً دربرگیرنده تمام عوامل مؤثر بر توانایی سیستم در توسعه، اجرا و پایداری نتایج و سطوح مختلف (خرد، میانه و کلان) خواهند بود:

- سطح خرد، شامل اجتماع، سازمان غیردولتی، مؤسسات علمی و تحقیقاتی، آژانس یا وزارت دولتی؛
- سطح میانه، شامل ابتکارات عملیاتی بخشی، چون سلامت، توسعه صنعتی، توسعه اعتباری، و ابتکارات منطقه‌ای/ محلی چون حکومت محلی، مدیریت شهری؛ و
- سطح کلان، شامل برنامه‌های توسعه ملی و بخشی، چون اصلاحات حکومتی و امور اداری، محیط زیست، کاهش فقر و توسعه بخش خصوصی.

ظرفیت‌سازی همچنین به توان افراد، گروهها، نهادها و سازمانها در تشخیص و حل مشکلات توسعه در طول زمان اشاره دارد. از این رو، ظرفیت‌سازی با تأکید بر توسعه پایدار نظمی گسترده‌تر از کنشها و فرایندهای مورد نیاز، متضمن توسعه فعالیتهای هماهنگ و متقابلاً مرتبط توسعه در بخش عمومی، بازار و سازمان مدنی است.

اگر ظرفیت را توان اجرای مؤثر، کارآمد و پایدار وظایف مقتضی تعریف کنیم، ظرفیت برابر با توسعه است؛ و در نگاهی موشکافانه‌تر، ظرفیت برابر با آموزش منابع انسانی است. تأکید بر اجرای وظایف مقتضی، تعریف چستی این وظایف را الزامی می‌گرداند. وظایف مقتضی، وظایفی قابل تعریف در ۳ سطح سیستم، هستی یا سازمان، و فرد است که منطبق با ضرورت، زمان و وضعیت موجود در هر زمینه خاص خواهد بود.

فناوریهای جدید امکان استفاده از فرصتها و ابزارهای بیشمار و گوناگون را در توسعه ظرفیت مهیا ساخته‌اند. در قالب اطلاعاتی- ارتباطی، به کمک این فناوریها، امکان شکل‌گیری و توسعه شبکه‌ها و اجتماعات کاربردی میسر گردیده است؛ مردم در چارچوب نهادهای دولتی و

- American*. St Louis Washington University, October, 2003.
- Salomon, Jean Jacques; Sagati, Francisco R. and Celine Sachs-Jeantet. *Science, Technology, and Development*. Tokyo, New York, Paris: United Nation University Press, 1994.
 - Shabbir. Cheema, G. *Capacity Assessment and Development Management*, Development and Governance Division Bureau for Development Policy, 1998.
 - UNESCO. *Plan a Moyen Terme (1977, 1982)*. Document 19 c4, 1977.
 - United Nations, *Department of Economic and Social Affairs. Multinational Corporations in World Development*. annex II.
 - *World Commission on Environment and Development*. (WCED). Our Common Future, Oxford: Oxford University Press, 1987.

میترا احمدی ترشیدی

ع

عدالت

عدالت جبرانی، عدالت فردی، عدالت جمعی و جز آن.

Justice

عدالت فضیلتی است مرتبط با نظم خوب و نظام مطلوب. عدالت در مفهوم عام خود، برای توصیف خصوصیت کلیت نظام جامعه به کار می‌رود. غالباً نظم عادلانه و نظم خوب را به یک معنا به کار می‌برند. باین حال، واژه عدالت در گذر زمان دستخوش دگرگونی معنایی شده و در دیدگاه‌های مختلف با معانی متفاوتی به کار رفته است. دربارهٔ اینکه یک نظم عادلانه چگونه نظمی است، اختلاف نظر وجود دارد. در اندیشه‌های سنتی شرط عدل را چنین می‌پنداشتند که هرچیز در جای خود قرار داشته باشد و به هرکس آن داده شود که استحقاق آن را دارد. البته، همین واژه *استحقاق* که برای تعریف عدل به کار می‌رود، به تعریف نیاز دارد. عدالت با قانون نسبت نزدیک دارد. برای مقامات دولتی و در حوزه عمومی، عادل بودن با *قانونمداری* بودن معنای نزدیکی دارد. قانون تجسم قواعدی عام است که مشخص می‌کند، مردم نسبت به یکدیگر چگونه باید رفتار کنند و سهم هرکس از امکانات، ثروت، پاداش یا جزا چیست. عدالت در این معنا، هماهنگی با میثاقها و رعایت استحقاقها است. پرسش اینجاست که اگر مرجع عدالت قانون است، منشأ خود قانون چیست؟ قانون را چه کسی، بر چه اساسی و چگونه وضع کرده است. چه چیزی قانون را عادلانه یا ناعادلانه می‌سازد؟ در پاسخ به این پرسشها، واژه عدالت با واژه‌های دیگری ترکیب و توصیف شده‌اند، تا هرچه بیشتر از ابهام این امر کاسته شود؛ از آن جمله است: عدالت قضایی، عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، عدالت جوهری،

عدالت در گذر زمان

از زمانی که بشر توانسته است ایده‌های خود را به نحوی با استفاده از نمادها- کلمات، تصاویر، آئینها- بازنمایش دهد، همواره تصویری از عدالت را در اندیشه‌های خود بازتاب داده است. به نظر می‌رسد، مناسبات افراد بشر از اجتماعات نخستین تا جوامع پیشرفته امروزی، با تصویری از عدالت نسبت داشته است. در نگاهی کلی، ۲ تصویر از عدالت را در تاریخ اندیشه بشر می‌توان باز یافت:

- تصویری از عدالت که به نظمی فراانسانی و آسمانی نسبت داده می‌شود؛ و
- تصویری که با نظم جامعه انسانی و زمینی ارتباط داده می‌شود.

در تصویر نخست، عدالت کیفیتی عام از نظام عالم هستی است که عالم بشری باید از آن الهام گیرد و مناسبات درونی خود را با آن انطباق دهد. این نگرش ریشه در قدیمی‌ترین باورهای بشری دارد و منشأ آن به عقیده زنده‌انگاری در میان قبایل نخستین باز می‌گردد. بینش اسطوره‌ای از جهان و به دنبال آن بینش دینی از جهان با چنین رویکردی پیوند دارد. در اسطوره‌های مصری، بین‌النهرینی، ایرانی و چینی عدالت جزئی از نظم کیهانی محسوب می‌شده است. در این اسطوره‌ها نظام کیهانی دارای نظمی ذاتی و درونی تصویر می‌شد که نظم مطلوب زمینی باید با آن هم‌نوایی داشته باشد. براین اساس، عدالت عبارت است از هم‌نوایی و هماهنگی. اسطوره‌ها خطوط کلی این هم‌نوایی و نظم جامعه را تصویر می‌کنند.

بین بنده و خداوند برای برآوردن وعده رستگاری بشمار می‌آورد.

در پایان سده‌های میانه و آغاز دوره مدرن، همراه با جریان رنسانس، تصویر قدیمی از عدالت به کلی دگرگون شد. با ظهور تفکر انسان‌گرایی (اومانیزم)، ایده عدالت از نظام ماورائی منتزع و به نظام انسانی متصل شد. توماس هابز سامان جامعه سیاسی، از جمله عدالت را با قرارداد اجتماعی پیوند داد. قرارداد اجتماعی پایه نظم جامعه و از جمله سامان عدالت است.

منشأ عدالت

در نگرش اسطوره‌ای و جهان‌بینی دینی، مفهوم عدالت با یک نظم ماورائی مرتبط است و فلسفه نیز پیش از پیدایش فلسفه مدرن، منشأ عدالت را به قانون طبیعت منتسب می‌کرد. در فلسفه سیاسی مدرن، در بحث از منشأ و ماهیت عدالت، ۳ سنت فکری را می‌توان از یکدیگر بازشناخت:

- نخستین سنت از یک جهت با نگرش ارسطویی به عدالت پیوستگی دارد، به این مفهوم که عدالت را در قالب مفهومی کلی‌تر درباره خیر مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این نگرش، انسان موجودی اجتماعی است و رستگاریش در اجتماع محقق می‌شود؛ بنابراین، عدالت کیفیتی جمعی است؛

- سنت فردباورانه در نقطه مقابل این سنت قرار دارد که آن را بیشتر با نام جان لاک پیوند می‌زنند. لاک عدالت را با هیچ مفهوم کلی‌تر از خیر (خیر جمعی) پیوند نمی‌زند. او عدالت را اساساً در محافظت از حقوق ذاتی فرد می‌بیند. در این نگرش جوهر عدالت محافظت از حریم فرد در برابر هرگونه تعدی است. دفاع از مالکیت فرد (شامل جان، مال و آزادی) جزء اصلی دفاع از این حریم است؛ و

- سنت دیگری در میانه این ۲ سنت فکری قرار دارد که از نوع لیبرال-دموکراتیک است. این سنت بر نگرش دقیق‌تری از مفهوم یک خیر کلی و درک کم‌رنگ‌تری از جمع‌باوری تکیه دارد. در درک لیبرال دموکراتیک از عدالت نظریه رالز، از فیلسوفان سیاسی معاصر، شهرت زیادی دارد. رالز نظریه جمعی درباره عدالت سیاسی دارد. در نظریه او، عدالت از

در این خطوط، موضوع اقتدار سیاسی (چه کسی باید حکومت و مرجعیت داشته باشد؟) و مشروعیت سیاسی (پیروی از کدام حکومت و نظم موجه شمرده می‌شود؟) آمده است. تصویری که اسطوره‌ها ارائه می‌دهند، غالباً براین مبناست که ایزدان که بر کائنات فرمانروایی دارند، نمایندگان زمینی خود را (در قالب کاهن یا شاه) به زمامداری در میان مردم می‌گمارند، تا اراده آسمانی خود را بر نظم زمینی تسری دهند. پیروی از این نظم، شرط عدالت است. در ایران این تصویر از عدالت که در کهن‌ترین اسطوره‌های آریایی ریشه دارد، بعد از اسلام به صورت تازه‌ای در یک جهان‌بینی دینی بازسازی شد.

تصویر فلسفه از عدالت

در یونان باستان هنگامی که طی سده‌های ۵ و ۶ پم فلسفه ظهور کرد و جای اسطوره را گرفت، ۲ تصویر از عدالت پیدا شد:

- نخست، تصویری که به سیاق ایده‌های قدیمی‌تر، عدالت را به سرمنشأیی بیرون از انسان (البته متفاوت با اسطوره)، یعنی به قانون طبیعت نسبت می‌داد؛ و دیگر،

- تصویری که عدالت را یکسره امری بشری تلقی می‌کرد. برداشت نخست، به فلسفه افلاطون و ارسطو برمی‌گردد و برداشت دوم، به اندیشه سوفسطائیان. در برداشت افلاطون و ارسطو، عدالت امری استعلایی است که بشر باید آن را دریابد و برای جامعه خود به کار گیرد. در برداشت دوم، عدالت بشری و نسبی و ساخته‌ی قراردادهای بشری است. پروتاگوراس یکی از سوفسطائیان در سده ۵ قبل از میلاد می‌گفت: *انسان مقیاس همه چیز است.*

بعد از فروریزی دولت‌شهرهای یونان، اندیشه قانون طبیعی به رواقیان به ارث رسید و از آنجا وارد آمیزش با اندیشه‌های مسیحیت شد و در فلسفه ۲ تن از فیلسوفان بزرگ مسیحی، یعنی سنت اگوستین (اوایل سده‌های میانه) و سنت توماس آکوئیناس (اواخر سده‌های میانه)، به شکل‌های تازه بازآفرینی شد. این ۲ فیلسوف ایده قانون طبیعی را با قانون الهی تطبیق دادند. مفهوم مسیحی عدالت، در اصل از شریعت عبرانی آمده بود که عدالت را پیمانی

نشر، ۱۳۸۵.

- فیلیپ وینر (ویر)، فرهنگ اندیشه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- Mac Intyr. *Whose Justice? Which Rationality?* University of Notre Dame Press, 1988.
- Nozick, R. *Anarchy, State and Utopia*. New York: Basic Books, 1974.
- Rawls, J. *A Theory of Justice*. Oxford: Clarendon Press, 1972.
- Raz. *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon, 1988.

کمال پولادی

عدالت اجتماعی (و شهر)

Social Justice (and City)

عدالت در لغت اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و افراط و تفریط است، در افراد اجتماع بشری هم عبارتست از افرادی که بخش عمده اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط الحالند که در حقیقت به منزله جوهره اجتماعند و همه ترکیب اجتماعی روی آنان دور می‌زند.

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: «عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایگاهی قرار گیرد که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیتهای مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است».

شهر از دیدگاه عدالت اجتماعی

امروزه، شهر یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن و یکی از فراگیرترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر است. بررسی شهر از دید عدالت اجتماعی شاید یکی از نگرش‌های بسیار نادر و بنیادین محسوب شود. از این رو، پرداختن به مقوله مسئله برانگیز، بحرانی و آرمانی

خصوصیات نهادهای اجتماعی پایه به حساب آمده است. این نظریه بحث مستدلی در دفاع از عقلانیت عدالت توزیعی یا عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی و شهر) دارد. رویکرد رالز به عدالت از زاویه عدالت به مثابه انصاف است.

رالز به شیوه اصحاب قرارداد اجتماعی، بحث خود را با این فرض آغاز می‌کند که عده‌ای می‌خواهند درباره سامان جامعه‌ای که قرار است در آینده در آن زندگی کنند، تصمیم بگیرند. آنها هنوز نمی‌دانند که در این جامعه آینده، چه وضعی خواهند داشت؛ آیا جزء برخورداران خواهند بود یا جزء محرومان؟ در چنین وضعی، یعنی در شرایط جهل نسبت به وضع آتی خود، آنها سامان جامعه را چگونه تعیین خواهند کرد؟ رالز می‌گوید که آنها منطقاً راجع به ۲ اصل عمده به توافق خواهند رسید:

• اصل اول اینکه جامعه باید برای شهروندان حداکثر آزادی ممکن را فراهم کند؛ و

• دوم آنکه در توزیع امکانات حداکثر منافع نابرخوردارترین قشرها در نظر گرفته شود. این امر متضمن حداقلی از امکانات مثل آموزش، بهداشت و امنیت برای همگان است. در چنین جامعه‌ای نابرابری نیز پذیرفته است، به شرطی که سود آن به نابرخوردارترین قشرها برسد.

عدالت مورد نظر رالز و بسیاری از لیبرال-دموکراتها و سوسیال-دموکراتها عدالت توزیعی است. در عدالت توزیعی بر این نکته نیز تأکید می‌شود که سامان عادلانه سامانی است که به شهروندان امکان دهد تا بتوانند از میان مجموعه گزینه‌هایی که ارزشمند محسوب می‌شوند، طرح زندگی خود را با سهولت بیشتری انتخاب کنند. برای این منظور سازمانهای عمومی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، باید برای شهروندان فرصتهای لازم را فراهم کنند، تا آنان بتوانند از میان شمار زیادی از گزینه‌ها، آنهایی را که با ترجیحات و ارزشهایشان تطابق دارند، برگزینند. آنچه برای یک فرد ارزشمند است ممکن است برای فرد دیگر نباشد (← برابری).

کتاب‌شناسی:

- پولادی، کمال. تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: مرکز

عدالت اجتماعی با پدیده شهر که از یک وجه «مکان طبیعی انسان متمدن» است نیاز به برخوردی همه‌جانبه با پدیده شهر را ایجاب می‌کند.

شهر بازتاب تمام عیار اقتصاد فضایی است و در پس نظم ظاهری آن، سازمان اجتماعی پیچیده‌ای نهفته است. شرط وجودی شهر و توسعه آن مستلزم تمرکز جغرافیایی مازاد اقتصادی در نقطه‌ای خاص است. تمرکز و تجمع اجتناب‌ناپذیر بنگاه‌های تولیدی و خدماتی در جهان صنعتی، اشکال کالبدی متمرکزی از فضا پدید می‌آورد که از نتایج اولیه و اصلی آن پدیده شهر و شهرنشینی است.

تفاوت‌های ناشی از درآمد، خود، قشربندی جدیدی را در جامعه ایجاد می‌نماید. از این رو دولتها و دستگاه برنامه‌ریزی و وظیفه‌سنجینی در خصوص ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی به عهده دارند. تنها بعضی از دولتهای غربی با نظام مالی و شیوه هماهنگ مالیاتی توانسته‌اند تا حد زیادی عدالت اقتصادی را تأمین کنند. براساس چنین مؤلفه‌ای گسترش فقر و نابرابریهای شهری به حداقل خود کاهش یافته است. قابل ذکر است که این وضعیت (عدالت) تنها در جوامع معدودی تحقق یافته است، درحالی که اکثر قریب به اتفاق جوامع شهری، به ویژه در کشورهای روبه‌توسعه، با اشکال مختلفی از بی‌عدالتی در رنجند.

با گسترش پدیده و فرایند جهانی شدن (← جهانی شدن) نابرابریهای اقتصادی در میان شهروندان تشدید می‌شود و نابرابری اجتماعی گسترش می‌یابد. همچنین نابرابری فضایی بازتاب فیزیکی نابرابریهای اقتصادی- اجتماعی است. به بیانی دیگر، ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگها و سیاستها از نظر فضایی و در درون شبکه‌ای جهانی از شهرها پدیدار شده است. تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و بازساخت شهرهای جهان برجای گذارده است.

بین تحقق عدالت اجتماعی و سطح توسعه‌یافتگی رابطه وجود دارد. بنابراین، شهر جهان سومی با ابعاد گوناگون نابرابری اجتماعی روبرو است و درعین حال، از ماهیت عینی یکدست و فراگیر برخوردار نیست. با این وجود،

بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه با مسائل و مشکلات همانند و مشابهی مواجهند. رشد شتابان جمعیت، معضل اشتغال و کار و گسترش بخش غیررسمی، مشکل مسکن و شکل‌گیری و گسترش سکونتگاههای غیررسمی و محله‌های فقیرنشین و به صورت عام فقر شهری، ناپایداری شهری در زمینه‌های اجتماعی اقتصادی و محیطی و مواردی از این دست، مسائل و مشکلات مشترک اکثر این شهرها بشمار می‌روند. مسائلی همچون نسبت ارزشهای اخلاقی، برابری (← برابری) و نابرابری نسبی و درجات عدالت (← عدالت) و بی‌عدالتی اغلب در مفهوم قشربندی مستترند. این مفهوم همچنان که در علوم اجتماعی استفاده می‌شود، در بحثها و مناقشات سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی نیز به طور گسترده کاربرد داشته است.

بحث قشربندی و توزیع برحسب نیاز و توزیع برابر از نظر اصول زیربنایی به دیدگاههای سوسیالیستی و توزیع برحسب شایستگی و انصاف به دیدگاههای سرمایه‌داری نزدیک است.

به طور کلی، تعداد اندکی از مطالعات برنامه‌ریزی شهری به روشنی به مسئله عدالت می‌پردازند، اما برخی از گروههای برنامه‌ریزی هدفهای ویژه‌ای را در رابطه با عدالت در ارزشیابی مورد استفاده قرار می‌دهند. یکی از راههای تحقق عدالت اجتماعی در شهر، گسترش مشارکتهای مردمی در فرایند طراحی، اجرا، نظارت و کنترل برنامه‌ها و طرحهای شهری است. مهم‌ترین اولویت طرحهای مشارکت عمومی- خصوصی، اطمینان از این امر است که همه بخشهای جامعه که مردم فقیر و اقلیتهای قومی را نیز شامل می‌شود، به خدمات پایه دسترسی داشته باشند. این جنبه باید در تمام مراحل طراحی مشارکت بخش عمومی- خصوصی و به ویژه در زمان تأمین مالی سرمایه در نظر گرفته شود.

اگرچه گروهی از محققان معتقدند مسکن در تحقق عدالت اجتماعی به علت ایجاد اشتغال و رفع بیکاری مؤثر است، اما نباید فراموش کرد که مسکن خود معلول میزان تحقق عدالت اجتماعی است. به بیانی دیگر، مسکن در شهر یکی از شاخصهای عمده سنجش عدالت اجتماعی است.

• **نظریه بی‌طرفی عدالت**، که در آن اساس بر نادیده گرفتن منافع افراد درگیر و از نگاه نظری *ایدئال* است که در آن میان نفعی ندارد. این برداشت غایتگرانه از عدالت در مقابل برداشت ابزارگرایانه هابز و هیوم، برداشتی کانتی است. در حقیقت نظریه غایتگرا و اخلاقی کانتی نیازمند فرض وجود وضعی مفروض است که در آن اصول عدالت یافت می‌شود. قرار گرفتن در آن وضع مستلزم محرومیت از اطلاعات درباره منابع خود است. تنها در پس این «حجاب یا پرده جهل» می‌توان به بی‌طرفی رسید.

دیدگاه‌های عمده درباره عدالت اجتماعی و شهر

• **دیدگاه آنارشیستی**. پیتر کروپوتکین، جغرافیدان روسی، معتقد بود که زندگی مطلوب انسانی تنها با عدالت اجتماعی، تعاون و مهربانی میان مردم امکان‌پذیر است و بدون مساوات، عدالت وجود ندارد و بدون عدالت، صلحی وجود نخواهد داشت. الیزه رکلو که ایولاکست از او به‌عنوان بزرگ‌ترین جغرافیدان فرانسه یاد می‌کند، مدافع خستگی‌ناپذیر ستم‌دیدگان و دشمن دولت و هر نوع قانونی به‌جز قوانین طبیعی بود.

• **دیدگاه لیبرالیستی**. از معروف‌ترین چهره‌های دیدگاه لیبرالیستی، جان رالز است. جوهر اندیشه جان رالز *عدالت به‌مثابه انصاف* است. وی در پرتو مفهوم اخلاقی عدالت، جامعه مطلوب خود را بر پایه دو اصل تصویر می‌کند: اصل نخست از آزادیهای برابر و فرصتهای برابر دفاع می‌کند و اصل دوم ناظر به این نکته است که تحت چه شرایطی می‌توان گفت نابرابریهای اجتناب‌ناپذیر موجه و عادلانه است.

یکی دیگر از چهره‌های این مکتب، دیوید مارشال اسمیت است. از نظر وی، فرصتهای زندگی انسانها به‌صورت نابرابری توزیع شده است. الگوهای جغرافیایی توسعه یا شاخصهای اجتماعی این موضوع را به وضوح آشکار می‌سازند. درجه و میزان نابرابری را می‌توان از راههای گوناگونی اندازه‌گیری کرد. وجود گروههای کاملاً محروم در جامعه مستقیماً می‌تواند بر سایر گروهها اثر بگذارد. آنها نیاز به هزینه‌گذاری جهت رفع بیکاری و تأمین

نابرابریهای چشمگیر در شاخصهای مسکن (تراکم نفر در واحد مسکونی و اتاق، سرانه مسکونی، نوع مصالح ساختمانی، امکانات) معرف عدم عدالت اجتماعی در شهر است.

در یک جامعه و اقتصاد رانتی، توزیع نابرابر قدرت، ثروت و درآمد مانع اصلی تحقق عدالت اجتماعی بشمار می‌رود.

به‌لحاظ نظری ۳ رویکرد عمده را می‌توان در تعریف عدالت اجتماعی از یکدیگر متمایز ساخت: رویکرد اثبات‌گرای حقوقی؛ رویکرد روندی؛ رویکرد غایتگرایانه.

• رویکرد اثبات‌گرای حقوقی، عدالت را مفهومی نسبی می‌داند که فقط در ارتباط با نظامهای مشخص حقوقی معنای عینی می‌یابد. به قول هابز، قوانین، قواعد عدالتند. از این رو، چیزی غیر عادلانه شمرده نمی‌شود، مگر اینکه در تضاد با قانون قرار گرفته باشد. از این دیدگاه مفاهیم عادلانه و غیر عادلانه بیرون از چارچوب قانون معنا نخواهد داشت. قانون در این دیدگاه محصول اراده حاکم است.

• در رویکرد روندی عدالت، به‌جای اینکه وضعیتهای اجتماعی با معیاری بیرونی (برای مثال صلاحیت، لیاقت یا نیاز) مورد ارزیابی قرار گیرد، روشها، روندها و قواعد مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا گفتن هر سخنی در باب عادلانه یا غیر عادلانه بودن نتایج، بی‌مورد است.

• رویکرد غایتگرایانه به عدالت آن را ویژگی رفتار افراد نمی‌داند، بلکه آن را *خصلت وضعیت امور یا نتیجه فرایندهای اجتماعی* محسوب می‌کند.

از سوی دیگر، نظریات عدالت اجتماعی به دو گروه قابل تقسیم است:

• **نظریه قراردادی و نفع‌طلبانه عدالت**، که از قرن ۱۷م به بعد در غرب رایج شد. هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) و هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) در سده‌های ۱۷ و ۱۸م مهم‌ترین نمایندگان این نظریه بودند. به نظر هابز عدالت عبارتست از اجرای تعهداتی که فرد از روی نفع‌طلبی به اجرای آنها رضایت داده است. پس اساس عدالت، قرارداد است. هیوم نیز که متأثر از اندیشه هابز و الهام‌بخش مکتب اصالت فایده بود عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌دید.

اجتماعی (← تأمین اجتماعی) دارند و هنگام بروز بی‌نظمی در جامعه ممکن است، «ساخت اجتماعی» را مورد تهدید قرار دهند. اسمیت بدون آنکه از شیوه‌های استثماری نظام سرمایه‌داری سخنی به میان آورد، درخصوص «کیفیت زندگی» و عدالت اجتماعی می‌نویسد: «بحث بر سر توزیع عادلانه منافع جامعه موضوع مباحثات بی‌نتیجه دو هزار ساله بوده است. این بحث به همان اندازه ابهام دارد که تعریف زندگی. وی، از این نظر جان رالز جانبداری می‌کند که می‌گفت: سیاستهای اجتماعی بایستی برحسب تأثیراتشان بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر، بایستی اقداماتی صورت گیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود. به راستی عدالت به مثابه برابری، یک اصل جهانی قابل بحث است».

فردریش فُن هایک، نظریه‌پرداز معروف این دیدگاه، استدلال می‌کند که نابرابریها و نارواییهایی در نظام بازار نهفته است، اما اینها اجتناب‌ناپذیر و حتی مفیدند. به‌ویژه آنکه نابرابری جزئی ضروری از فرایند متمدن شدن است. ملاحظه می‌شود که وی چون نظام بازار را نظام احسن می‌داند که در آن انتخاب اصلح صورت می‌گیرد، هر نوع دخالت در آن را موجب بی‌عدالتی دانسته و این نظام را متضمن عدالت روشی و مبادله‌ای می‌شمارد.

● **دیدگاه رادیکالیستی.** این دیدگاه طیف وسیعی از اندیشمندان چپ سنتی و چپ نو را شامل می‌شود. کارل مارکس، فردریش انگلس از سرشناس‌ترین چهره‌های این نحله فکریند و دیوید هاروی از چهره‌های معاصر این دیدگاه است. تأکید وی بیشتر بر اقتصاد سیاسی است. او شهر را محل انباشت ارزش اضافی ناشی از استثمار کارگران و همچنین محل تجمع مازاد تولید مناطق پیرامونی می‌داند که این ثروتها به‌صورت ناعادلانه‌ای میان طبقات شهری تقسیم می‌شود. اصل عدالت اجتماعی از نظر هاروی براساس مفهوم «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» قرار دارد. درواقع، هاروی کوشیده است که تفکر اقلیدسی به فضا را درهم شکند، به‌جای سازوکار «بازار» عدالت اجتماعی را بنشانند و زمینه را برای یافتن نظمی دیگر برای فضا فراهم کند.

پفر یک تکمله جالب بر نظریه جان رالز در ۱۹۹۰م نوشت. او معتقد بود که اخلاق و عدالت اجتماعی ساختهای ایدئولوژیکی هستند که طبقه حاکم آن را ساخته و پرداخته می‌کنند تا با آنها موقعیت ممتاز ویژه خودشان را مشروع و قانونی سازند.

از میان پیروان دیدگاه رادیکال، میلتون سانتوس بر دوئیتی بودن اقتصاد شهری در کشورهای کم‌رشد تأکید می‌کند: اقتصادی که میان یک مدار زبرین، مستحیل شده در حوزه نفوذ سرمایه‌داری جهانی، و یک مدار زیرین، متشکل از اقتصادی زیرزمینی و متکی بر تولیدات و مبادلات غیرقانونی تقسیم می‌شود. ترجمان و تظاهر فضایی این دوگرایی، وجود تعارض میان یک مرکز مدرن، شکل گرفته از ساختار قدرت سیاسی و شرکتهای بین‌المللی است که با سکونتگاههای اغلب متجمل و مرفه طبقات متوسط درهم می‌آمیزد و یک پیرامون، ترکیب یافته از زاغه‌ها که در آن ساکنان مدار زمین بر روی هم انباشته می‌شوند. میلتون سانتوس یکی از نخستین کسانی است که نشان داد این دوگرایی با مناسبات نزدیکی همراه است و میان ۲ بخش اقتصادی یاد شده پیوند برقرار می‌کند. به‌طوری‌که بدون این مناسبات، شهرهای جهان سوم بیش از آنچه هم‌اکنون شاهد آن هستیم می‌تواند در معرض انفجار و خطر از هم پاشیدگی قرار گیرد. بدین ترتیب «در این کشورها، شاهد قطب‌بندی اجتماعی هستیم و کاهش درآمد‌های واقعی، تنگدستی و درماندگی کاملاً رواج دارد. در این خصوص، پال معتقد است گروههایی که درآمد بالا و تحصیلات بهتر دارند قادر به بهره‌برداری فعالانه‌تری از فضا هستند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد اسیر آن می‌شوند و تسلطی بر آن به‌دست نمی‌آورند. دال نیز معتقد است گروههای پردرآمد محیط زیست فیزیکی را یک منبع استفاده و بهره‌برداری می‌دانند، حال آنکه گروههای کم‌درآمد از نظر اقتصادی-اجتماعی، تنها ناچار به تحمل محیط زیست هستند.

در مجموع می‌توان دیدگاه رادیکال را تحلیلی-انتقادی بشمار آورد. رهیافتهای پیشنهاد شده از سوی آنان در جهت تأمین عدالت اجتماعی عمدتاً اساسی و ریشه‌ای و ناظر بر فرایندهای اقتصادی و ساخت اجتماعی است.

- آقابخش، علی. *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- ادل، ماتیو. *اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای*. ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰.
- افلاطون. *جمهور*. ترجمه فؤاد روحانی، چاپ چهارم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- الاعلمی الحائری، محمدحسین (العلامة الشیخ). *دایرةالمعارف الشیعیة العامه*. الجزء الثاني عشر (۱۲)، لبنان، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
- بلانت، آلیسون و ویلس، جین. *دگراندیشی در فلسفه جغرافیا*، ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- پاتر، رابرت ب و ایونز، سلی لوید. *شهر در جهان در حال توسعه*، ترجمه کیومرث ایراندوست، مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۴.
- پرتو، ابوالقاسم. *واژه‌یاب، فرهنگ برابریهای پارسی واژگان بیگانه*. جلد ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین و راستی، عمران. «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی، بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی»، *مجله سرزمین*. دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۵.
- حجاریان، سعید. «توسعه، عدالت، اسلام»، *روزنامه همشهری*. شماره ۲۱۲۵ شنبه سوم خرداد ۱۳۷۹.
- دلال پورمحمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- زاکس، ولفگانگ. *نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
- سهامی، سیروس. «پرده دود بر زندگی و آثار الیزه رکلو»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۴۸، بهار ۱۳۷۷.
- سهیل، م. *شراکت عمومی - خصوصی در خدمات‌رسانی شهری*، ترجمه مهرداد جواهری‌پور، شهرزاد فرزین‌پاک و بیتا ابراهیمی به کوشش کیومرث ایراندوست، انتشارات شهرداریهای کشور، ۱۳۸۴.
- سیف‌الدینی، فرانک. *ارزشیابی طرحها و برنامه‌ها*. انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۳.
- شبلینگ، ژاک. *جغرافیا چیست؟* اقتباس از سیروس سهامی، مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۷۷.
- شکویی، حسین. *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
- شورت، جان رنای و کیم یونگ هیون. *جهانی شدن و شهر*، ترجمه احمد پوراحمد و رستمی شایان (قهرمان)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- شیخی، محمدتقی. *جامعه‌شناسی شهری*. انتشارات نورگیتی، ۱۳۷۸.
- علامه طباطبایی. *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی

حسین حاتمی‌نژاد

عدالت محیطی

Environmental Justice

عدالت محیطی جنبشی اجتماعی است برای حمایت از کسانی که بار مخاطرات زیست‌محیطی را بر دوش دارند. این جنبش تلاش دارد، تا مانع تبدیل اجتماعات اقلیت و کم‌درآمد به مزبله صنایع و اقشار بهره‌مند جامعه شود. کوشش دیگر جنبش این است که کارگران را از قرار گرفتن در معرض مواد سمی و پرتوهای زیانبار بازدارد. در ایالات

متحد و سایر کشورهای شمال، جنبش عدالت زیست محیطی هم اجتماعات شهری و هم روستایی را که بار مخاطرات محیطی را تحمل می کنند، دربر می گیرد. در ابعاد بین المللی نیز شهروندان برخی کشورها بار مخاطرات زیست محیطی اقتصاد جهانی را برگرده دارند.



گروههای اقلیت و اجتماعات کم درآمد بیشتر با صنایع مسمومیت‌زا و پسماندهای مخاطره‌آمیز مجاورت دارند و در معرض آلاینده‌های سمی هستند. در دهه ۱۹۸۰م، مطالعات چندی حاکی از مجاورت بیشتر این اقشار با منابع مخاطره‌آمیز بودند. برخی استدلال می کنند که توزیع مخاطرات در وضع فعلی، بیش از آنکه با هر مقیاس دیگری، از جمله درآمد ارتباط داشته باشد، با وضعیت قوی ارتباط دارد. این امر به قوم پرستی زیست محیطی معروف شده است.

عدالت زیست محیطی، به عنوان یک جنبش اجتماعی، عبارت است از مجموعه همبستگیهای ضعیف بین گروههایی که اندیشه مشترک دارند و برای هدفهای مشابه فعالیت می کنند؛ جماعت‌های اقلیت و قشرهای کم درآمد، بیش از دیگران در معرض مخاطرات زیست محیطی قرار دارند. انتخاب ناگزیر محل زندگی موجب این وضعیت است. سیاستهای معطوف به حفظ محیط زیست و سلامت جامعه اغلب سمت گیری برابری خواهانه ندارند. بسیاری از کارگران از سلامت خود برای صناعی هزینه می کنند که سود آن به سایر افراد جامعه می رسد. در سطح جهانی، چنان که شواهد نشان می دهد، کشورهای جنوب در زمینه

اقدامات حفظ محیط زیست عملکرد ضعیف تری دارند و کارگران آنها در معرض مخاطرات بیشتری هستند.

کارگران و جماعت‌هایی که کمترین بهره را از صنعتی شدن می برند، همانهایی هستند که در معرض بیشترین صدمات صنعتی شدن قرار دارند. البته، تنها توزیع نامتوازن مخاطرات زیست محیطی نیست که نباید مقبول باشد، بلکه هرگونه قرار گرفتن افراد در برابر مخاطراتی که از رشد بی رویه صنایع ناشی می شود، غیرقابل پذیرش است.

گروههای مختلفی در جنبش عدالت زیست محیطی حضور دارند که می کوشند، تا کیفیت محیط زیست شهری ارتقاء یابد، صنایع مسمومیت‌زا تابع نظم بهتری شود، خطرات مواد سمی برطرف گردد، کارگران بخش صنعتی و کشاورزی تحت پوشش حمایتی قرار گیرند و فرایندهای تصمیم‌گیری اصلاح شوند.

برخلاف مبانی عدالت زیست محیطی و در قالب متعارف اقتصاد، نگاه افراد به مخاطرات و میزان پذیرش یا عدم پذیرش آن به وضعیت اقتصادی آنان و نسبتی که حاضرند سلامت آتی خود را برای مزد جاری هزینه کنند، بستگی دارد. به نظر می رسد، فردی که برای سلامت خود بیش از مزایای حاصل از یک شغل خاص اهمیت قائل است، آزاد است که شغل خود را عوض و یا آن را ترک کند. این واقعیت که افراد به تحمل مخاطرات یک شغل ادامه می دهند، به معنای آن است که ارزش برخوردار از اشتغال بیش از اهمیتی است که برای سلامت خود قائل است. برای یک کارگر مهاجر یا کارگر غیرماهر، آزادی انتخاب حرفه دیگر، به احتمال بیشتر به منزله آزادی در فقر است.

درباره علت توزیع نامتوازن مخاطرات زیست محیطی اختلاف عقیده وجود دارد. برخی می گویند، اگر مجاورت اجتماعات اقلیت با مخاطرات زیست محیطی ناشی از گرایشهای قوم پرستانه بوده باشد، استقرار صنایع مسمومیت‌زا می بایست بعد از استقرار این اجتماعات باشد؛ حال آنکه در بسیاری از محله‌های درون شهری، استقرار صنایع مسمومیت‌زا پیش از استقرار آن جماعتها در آنجا رخ داده است. این واقعیات که جماعت‌های اقلیت در محل صنایع مستقر شده‌اند و نه بالعکس، مؤید آن است که

آلاینده‌های سمی صنعتی و از بین بردن آنها به‌عنوان مسئله زیست‌محیطی مطرح شد. تخلیه پسماندهای زیانبار مسئله‌ای بود که فعالان جنبش عدالت زیست‌محیطی نخستین حرکت‌های خود را گرد آن سازمان دادند. فعالان این عرصه اغلب آغاز حرکت خود را به وضعیت شهرستان وارن در کارولینای شمالی ارجاع می‌دهند که در آن، یک جماعت افریقایی- امریکایی برای مبارزه با تخلیه غیرقانونی بیفنیل پلی‌کلرونیات و بعد پیشنهاد تسهیلاتی برای از بین بردن اثرات زیانبار آن سازمان پیدا کردند. هم‌سو با این مقاومت بود که برای نخستین بار عدالت زیست‌محیطی برای دلالت بر ارتباط بین جنبش حقوق مدنی و محیط زیست به کار برده شد. از آن زمان به بعد، اجتماعات و گروه‌های زیادی برای پشتیبانی از درخواست‌های عدالت زیست‌محیطی سازمان یافته‌اند.

فکر عدالت زیست‌محیطی به سازماندهی مقاومت در برابر وارد آوردن خسارت‌های زیست‌محیطی تازه در مجاورت اقلیتها و جماعت‌های کم‌درآمد کمک کرده است. فعالان عدالت زیست‌محیطی معیارهای معتبری برای مدیریت زیست‌محیطی مناسب‌تر و پیشبرد معیارهای منصفانه‌تر در بین این جماعتها تدارک دیده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

تارا کلاپ

(کمال پولادی)

عمران روستایی (در ایران)

Rural Development (In Iran)

آگاهی از عوامل مؤثر بر موفقیت هر فعالیتی را می‌توان از طریق مطالعه و بررسی پیشینه و تاریخچه آن فعالیت جستجو کرد تا نتیجتاً، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و

توضیحات اقتصادی درباره این قرابت از توضیحات قوی موجه‌تر است.

جنبش عدالت زیست‌محیطی نسبت به قوم‌پرستی و بی‌عدالتی نگرشی سیستمی دارد. بنابر این نگرش، قوم‌پرستی زیست‌محیطی جزئی از یک قوم‌پرستی بزرگ‌تر در سطح کل جامعه است که قشرهای کم‌درآمد، گروه‌های اقلیت و کسانی را که دایره انتخاب محدودتری در زندگی دارند، دربر می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، برای افراد اقلیت امکان کمتری وجود دارد که بتوانند (یا بخواهند) به قلمروهایی بروند که به‌طور تاریخی به سفیدها تعلق دارد، زیرا ممکن است در آنجا به‌طور روزمره با مظاهر تبعیض روبرو شوند. در اینجا، مجاورت جماعت‌های اقلیت با محله‌های در معرض مخاطرات زیست-محیطی، دلیلی بر قوم‌پرستی سیستمی است، نه تحمل بیشتر مخاطرات.

جنبش عدالت زیست‌محیطی به‌لحاظ تاریخی با سنت برنامه‌های حمایت از کارگران و حفاظت از محیط پیوند داشته است. در نخستین شهرهای صنعتی، کسانی چون آلیس همپلتون و جین آدامس در مجلس حل اختلاف از چهره‌های نمونه‌وار این سنت بودند. این اصلاح‌طلبان اجتماعی برای بهبود شرایط سلامت کارگران و توده‌های فقیر شهری تلاش داشتند.

سابقه جنبش عدالت زیست‌محیطی به‌شکل مدرن، اغلب به کتاب *بهار ساکت* نوشته راشل کارسون و نقادی نظام‌مند آن از جامعه‌ای باز برمی‌گردد که با سم حشره‌کش خود را می‌کشد. شهرتی که این کتاب به‌دست آورد، مسئله زیست‌بوم را به واژه‌ای آشنا تبدیل کرد، تا آنجا که طرفداری از محیط زیست به یک جنبش مهم در بین طبقه متوسط بدل شد. درحالی‌که کتاب *بهار ساکت* بیشتر دلمشغول وضع کارگران، زنان و سلامت بشری بود، تلاش نخستین طرفداران محیط زیست در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م متوجه محیط‌های بیرون از شهر بود.

جنبش عدالت زیست‌محیطی به‌عنوان جنبشی که نسبت به مسئولیت مشترک در آلوده کردن محیط زیست آگاهی دارد، از اوایل دهه ۱۹۸۰م آغاز شد. بعد از آشکار شدن وضعیت جماعت‌هایی که در معرض مسمومیت پسماندهای صنعتی قرار داشتند و معروفیت کانال عشق بود که

مجریان برنامه‌های توسعه در حال و آینده، با استفاده از ماهیت و پیامد آن فعالیتها، به پی‌ریزی برنامه‌های خود برای آینده- و آن هم در یک مقوله‌ای بسیار حیاتی چون آبادانی و عمران روستاها- پردازند.

اولین قوانین کلی مربوط به آبادانی و عمران روستایی در ۱۳۱۶ش با عنوان قانون کدخدایی دهات به تصویب رسید و در مراحل عملی خود، بجز سامان بخشیدن به امور عزل و نصب کدخداها و مدیریت امور روستاها به سبک سنتی، نظام غالب عمده‌مالکی در جوامع روستایی آن روزها، به راه و روش مشخصی برای کمک به آبادانی و عمران روستاها نینجامید. تقریباً در تمام طول سالهای اول دهه ۱۳۲۰ش، همزمان با نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی دوم و اشغال بخشهای عمده‌ای از کشور توسط قوای نظامی متفقین و در پی آن، بروز بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همین وضعیت- یعنی عدم توجه به اجرای قوانین مربوط به آبادانی و عمران در روستاهای کشور، همچنان ادامه داشت.

در عین حال، جریان نیمه دوم سده ۲۰م، در زمینه آبادانی و عمران روستایی، هر از گاه تلاشهای پراکنده، مقطعی و ناهماهنگی با اهداف و مقاصد گوناگون به توسط دولت و برخی از نهادهای خارجی و بین‌المللی در ایران صورت گرفت که به‌رغم ناپایداری آثار و پیامدهای مربوط، مطالعه و بررسی آنها می‌تواند مفید و مؤثر باشد. در این میان، بنیاد خاور نزدیک (N.E.F.) از جمله نهادهایی بود که پس از جنگ جهانی دوم، در زمینه آبادانی و عمران روستایی در ایران شروع به کار نموده.

این بنیاد که در بعضی منابع از آن به‌عنوان بنگاه خاور نزدیک نام برده‌اند، است به‌موجب سندی در مرکز اسناد و مدارک علمی وزارت کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی)، مؤسسه‌ای خیریه به مرکزیت شهر نیویورک در ایالات متحد آمریکا بوده. این مؤسسه در ۱۹۱۵م به نام مؤسسه امدادی خاور نزدیک تشکیل شد. برنامه این مؤسسه کمک به کشورهای آسیب‌دیده از جنگ جهانی اول در منطقه خاور نزدیک و خاورمیانه بوده.

در ۱۹۳۰م (۱۳۰۹ش) به دلیل تغییر مشی مؤسسه از

امور امدادی به امور آموزشی، آن نیز تغییر یافت. در سند دکتر هیدن، به ۳ اصل پذیرفته شده این بنیاد به‌شرح زیر اشاره شده است:

- میل داریم به مردمی که میل دارند به خودشان کمک کنند، کمک کنیم؛ و
- بنیاد در هیچ کشوری شروع به کار نخواهد کرد، مگر آن کشور به‌طور اختصاصی از بنیاد تقاضای کمک کرده باشد؛
- بنیاد تأکید می‌کند که کشور متقاضی در اداره برنامه مشارکت کند.

درباره این مؤسسه، دکتر لیل ج. هیدن، رئیس بخش ایران بنیاد خاور نزدیک از ۱۹۴۶-۱۹۴۸م (۱۳۲۵-۱۳۲۷ش)، ضمن اشاره به موارد بالا می‌گوید، برای یک دوره کوتاه، مؤسسه امدادی خاور نزدیک شعبه‌ای در تبریز داشت، اما هیچ اشاره‌ای به تاریخ تأسیس شعبه مؤسسه در تبریز و خدمات احتمالی آن در دوره کاری مربوط نکرده است.

در ۲۴ فوریه ۱۹۴۴م، به‌موجب تصویب‌نامه شماره ۲۰۹۲ هیئت وزیران، دولت ایران از بنیاد خاور نزدیک تقاضای یک برنامه توسعه روستایی را در ایران می‌کند که به دلیل شرایط خاص از جنگ جهانی دوم، پاسخ بنیاد تا خاتمه ۱۹۴۵م به تأخیر افتاد، اما به دلیل تغییر در هیئت دولت ایران، حصول توافق نهایی با برنامه پیشنهادی بنیاد، بعد از ۶ ماه اعلام می‌شود. بعد از حصول توافق با دولت ایران، قرار می‌شود که بنیاد با ۳ وزارتخانه کشاورزی، فرهنگ و بهداشت کار کند. گام بعدی، یافتن یک منطقه شاخص جهت اجرای عملیات عمرانی و توسعه روستایی بود که برای این منظور ۵ روستا در منطقه ورامین که دارای آنها وقف ایتم شده بود، به نامهای پلشت، مامازن، قها، قلعه نو و آرمبو انتخاب شدند.

دکتر هیدن دلایل این گزینش را قرار داشتن روستاهای فوق در فاصله یک ساعت رانندگی از پایتخت، خاک در حد متوسط، عرضه ناکافی آب (مشابه با سایر نقاط ایران)، وضع بد مردم از لحاظ پوشاک، مسکن و شیوع بیماری ذکر می‌کند.

از سوی دیگر، آقای نوئه، کفیل بنیاد خاور نزدیک، در

در منطقه که به دنبال این مطالعه مشخص شد که ۸۲٪ از مردم منطقه ناقل انگل مالاریا هستند؛

• معرفی ۲ گونهٔ پر محصول گندم و جو به روستائیان. برای این منظور، مقدار بذری را که زارع قصد داشت بکارد، از وی گرفته شد و معادل آن بذر مرغوب تحویل شد؛

• اجاره یک باغ ۴ هکتاری و استفاده از آن به عنوان یک مکان نمایشی و تجربی در مورد سبزی، میوه و تولید ماکیان؛

• احداث کلاس درس در ۳ روستا جهت مدارس و نشست اجتماعی؛ و

• برگزاری کلاسهای سوادآموزی برای آموزش خواندن و نوشتن به بزرگسالان در دوره‌های کمتر از ۶۰ روز و در زمانی که زارعان کار کمی در مزرعه داشتند.

برنامه تنظیمی بنیاد خاور نزدیک برای ۱۹۴۷م (۱۳۲۶ش) در ۳ زمینهٔ کشاورزی، بهداشت و فرهنگ موارد زیر را دربرمی‌گرفته:

کشاورزی

• سازماندهی آموزش کشاورزی برای پسرهای بزرگ‌تر به صورت پاره وقت؛

• ملاقات و رایزنی با زارعان؛

• آزمایش تولید محصول با وسایل مدرن در مقایسه با وسایل سنتی؛

• آزمایش کشت محصولاتی که غذای انسان را تشکیل می‌دهند، به‌ویژه میوه‌های دانه ریز، سبزیجات و سیب‌زمینی؛

• توسعه باغ ۴ هکتاری؛

• ترویج ابزار نوین کشاورزی؛

• حفر یک چاه عمیق در منطقه قلعه نو برای تأمین آب شرب ۱۲۰ خانوار ساکن آن و نیز تأمین آب آبیاری؛

• همکاری با انجمن اصلاح بذر وزارت کشاورزی، به منظور تولید بذر پر محصول؛

• احداث دفتر برای بحث و راهنمایی دربارهٔ مسائل کشاورزی؛ و

• همکاری با وزارت کشاورزی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به منظور توسعه برنامه پیشرفت کشاورزی ایران.

۱۳۲۸ش، در زمینه هدف و روش اجرایی بنگاه (بنیاد) می‌گوید: «هدف بنگاه بهبود وضع اجتماعی از طریق فرهنگ در مناطق روستایی است و از این رو، بهبود وضع کشاورزی که سرچشمه درآمد روستائیان است و نیز بهبود وضع بهداشتی مورد توجه است، زیرا شخص مریض قادر به پیشرفت نخواهد بود. همچنین بهبود وضع خانواده از کارهای نمونه بنگاه است که بانوان روستایی طرز صحیح بچه‌داری، خیاطی و مانند آن را بیاموزند. برای رسیدن به این هدفها، افرادی تربیت می‌شوند که در دهستانها رفته و عملاً روستائیان را به یاد گرفتن آنها تشویق کنند. روش بنگاه این است که فقط به مردمی کمک کند که آنها نیز به خود و هموعان خود کمک کنند. هدف عمده بنگاه این است که افرادی را تربیت نماید که در دهات عقب افتاده رفته و مردم را برای یک زندگی بهتر و راحت‌تر تربیت کنند. هنگامی که مردم به این سبک تربیت شدند و دولت ایران نیز توانست افرادی تربیت شده را به تمام نقاط ایران بفرستد، آن وقت وظایف بنیاد خاور نزدیک در این کشور پایان یافته است.»

نونه براساس تجربه بنگاه اشاره می‌کند که «در اثر سالها تجربه، بنگاه دریافته است که در جاهایی که مزایا به عنوان هدیه و مجاناً به اشخاص داده شده است، نتیجه‌ای به دست نیامده، و بنابراین، ما فقط کسانی را راهنمایی و کمک می‌کنیم که حقیقتاً مایل باشند وضع خود را بهبود بخشند.» بنابراین، گفته وی تأکید مجددی است بر اینکه در هرگونه فعالیت آبادانی و عمران روستایی باید مشارکت روستائیان را به بهترین وجه ممکن جلب کرد. وزارت کشاورزی ایران نیز در ازاء خدمات بنیاد خاور نزدیک برای اجرای برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی در مناطق مورد عمل خود در ایران، ماهیانه مبلغ ۵۰,۰۰۰ ریال (پنج هزار تومان) به بنگاه مزبور می‌پرداخت.

اقدامات بنیاد خاور نزدیک در ۶ ماههٔ آغاز کار خود در ایران - تیر تا دی ۱۳۲۵ش - به شرح زیر گزارش شده است:

• مطالعه شرایط اقتصادی و اجتماعی ۵۸ خانواده. از نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان به نرخ ۴۶٪ مرگ‌ومیر بچه‌های این کودکان اشاره کرد؛

• نصب یک لابراتوار کوچک برای مطالعه وضعیت مالاریا

بهداشت

- روستاها؛
- تأسیس آموزشگاه بهداشت در روستای پلشت برای تربیت نیروی اجرایی در دهات؛
- اجرای برنامه‌های خانه‌داری و تدبیر منزل؛
- تأسیس آموزشگاه تربیت معلم روستایی دختران در روستای قلعه‌نو ورامین؛ و

- اجرای برنامه‌های ساختمانی در روستای مامازن به صورت خانه‌های ۲ و ۳ اتاقه به‌عنوان الگوی آموزشی - نمایشی.
- علاوه‌براینها، بنیاد خاور نزدیک در طول فعالیت خود در

ایران نشریه‌هایی با عنوانهای زیر منتشر ساخت:

- راهی آسان برای آموزش بزرگسالان؛
- زندگی بهتر؛
- روش تدریس خواندن به بزرگسالان؛
- ساده‌نویسی به فارسی؛
- زندگی روستایی؛
- راهنمای خیاطی؛
- امدادهای اولیه پیش از فرا رسیدن پزشک؛
- مرغداری؛
- سبزی‌کاری؛
- مالاریا؛

- آغاز برنامه مبارزه با مالاریا؛

- بهبود کیفیت آب در منابع ذخیره‌سازی، از طریق نصب توری در مجراها؛
- استخدام یک پرستار سیار برای دیدار از منازل روستائیان.

فرهنگ

- تأسیس یک مدرسه یک اتاقه با ظرفیت پذیرش ۲۰ تا ۳۰ دانش‌آموز.

به فهرست فعالیت‌هایی که بنیاد خاور نزدیک در زمینه آبادانی و عمران روستایی انجام داده است، می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

- احداث مزارع نمونه؛
- ایجاد برنامه کشاورزی؛
- اجرای برنامه‌های بهداشتی در روستاها؛
- تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی؛
- ایجاد مرغداریهای نمونه؛
- تهیه آب آشامیدنی؛
- تأسیس مراکز آموزش کشاورزی در روستای مامازن برای آموزش مربیان، مروجان و دهیاران به‌منظور اعزام به



الگوسازیها بود که بعدها در سایر مناطق نیز متداول شد. براین مبنای، این بنیاد در روستای مامازن به ایجاد منازل روستایی با استفاده از مصالح محلی و طبق قواعد معماری بومی اقدام کرده بود و سپس در یک اقدام نمایشی-ترویجی، روستائیان علاقه‌مند را از روستاهای همجوار برای تماشا و گرفتن الهام و آموزشهای لازم درباره نحوه ساخت و ساز این بناها مرتباً به مامازن می‌آورد و حتی المقدور آنان را ترغیب می‌کرد تا طبق نمونه‌های عرضه شده و براساس آموزشهای ترویجی که به آنان ارائه می‌شد، نسبت به نوسازی و یا بازسازی منازل مسکونی خود اقدام کنند. بنابراین سابقه، شاید بنیاد خاور نزدیک نه تنها اولین بنیانگذار ترویج نوین کشاورزی، بلکه نخستین مؤسسه برای اقدام به ترویج روشهای بهبود مسکن روستایی در ایران بشمار می‌رود.

در ارتباط با سایر اقدامات آبادانی و عمران روستایی به راهنمایی این بنیاد و همکاری مردم، سالم‌سازی محیط روستایی و بهداشت محیط، احداث مدارس روستایی، درمانگاه، اصلاح معابر، انتقال فاضلاب، احداث شبکه آب آشامیدنی، اصلاح معابر، اندود کردن دیوارهای جانبی کوچه‌ها و احداث و مرمت پلها و کشتارگاههای دامی و فعالیتهایی از این قبیل، از جمله اقدامات بنگاه خاور نزدیک، عمدتاً در روستای مامازن و بعضاً در سایر روستاهای همجوار در اوایل نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش در دشت ورامین بود که بر مبنای روشها و ارتباط ترویجی با همکاری فعال مردم صورت می‌گرفت.

علاوه‌براین، مؤسسه خیریه CARE در سالهای دهه ۱۳۳۰ش به فعالیتهای توسعه بهداشت و عمران در مناطق روستایی ایران اشتغال داشت. از شاخص‌ترین اقدامات این مؤسسه می‌توان به شیوه جلب مردم روستایی برای شرکت در امور سازندگی، از جمله احداث و مرمت راههای روستایی اشاره کرد که با همکاری مسئولان طرحهای عمران اجتماعی به انجام می‌رسید و در ازای همکاری مردم در این گونه امور، به جای دستمزد، به آنان کیسه‌های آرد وارداتی اهداء می‌شد. نگارنده بهنگام خدمت در آموزشگاه حرفه‌ای کازرون برای آموزش عشایر آماده اسکان، در نیمه

• راهنمای معلمان روستایی؛
• استفاده از (د.د.ت) در ایران؛ و
• بهداشت مدارس روستایی.
این نشریات در نوع خود برای مناطق روستایی و منطقه آزمایشی، بسیار سودمند بوده.
به این ترتیب، پیش از طرح و اجرای برنامه ۷ ساله اول عمرانی کشور (۱۳۲۷ش)، این بنیاد به عنوان یک کمک‌کننده خارجی که در بعضی از مناطق ایران، به ویژه در منطقه ورامین و به مرکزیت روستای مامازن، فعالیت داشت، موضوع تهیه و به نمایش گذاردن الگوها و نمونه‌های مناسب هر پدیده قابل پذیرش به منظور آگاهی دادن به روستائیان را مورد توجه قرار داده بود. این بنیاد در جریان این فعالیتها، از طریق اعزام عوامل تغییر (مربیان، مروجان، دهیاران) به روستاهای حوزه عمل، و آموزش روستائیان در زمینه‌های اصلاح و بهبود اوضاع جاری و نتیجتاً آبادانی و عمران روستاها، نیل به اهداف توسعه همه-جانبه را به نوعی ممکن می‌ساخت.

فعالیتهای فرهنگی و فنی بنیاد خاور نزدیک به منظور کمک به آبادانی و عمران روستاها از بدو ورود به ایران تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش، عمدتاً مبتنی بر نمونه‌سازی و معرفی نمونه، آموزش و ترویج آن در سطح وسیع بود. این سیاست حتی در مورد ایجاد مدارس نمونه، آموزشگاههای بزرگسالان، مراکز آموزش خانه‌داری، بهداشت و واحدهای کشاورزی نیز به مورد اجرا گذارده شد. مدرسه کشاورزی پلشت (پاکدشت فعلی)، واحد ترویج کشاورزی مامازن، دانشسرای کشاورزی مامازن، آموزشگاه کمک آموزگاری و تربیت دهیار مامازن و همچنین، آموزشگاه خانه‌داری دختران روستایی در قلعه نو (ورامین) و دانشکده کشاورزی ملاثانی (اهواز)، از جمله مؤسسات فرهنگی و فنی بودند که برای تعلیم و تربیت نیروی انسانی ماهر و توسعه کشاورزی در دشت ورامین و بخشی از استان خوزستان ایجاد شدند. این مؤسسات نمونه‌هایی بودند که بعدها به عنوان الگو برای گسترش در سایر مناطق مورد استفاده قرار گرفتند. همچنان که وجود دانشسرای کشاورزی مامازن و آموزش عملیات کشاورزی آن تحت نظام بنه زراعی، از جمله همین

دوم ۱۳۳۹ش، دورادور شاهد برخی از فعالیتهای کارکنان این مؤسسه، شامل همکاریهای بهداشتی و عمرانی در مناطق جنوبی و جزایر و بنادر خلیج فارس بوده است.

یکی دیگر از برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی که ماهیت آموزشی- ترویجی داشت، برنامه‌ی *تعلیمات اساسی* (Fundamental Education) بود که با همکاری هیئت همکاریهای بین‌المللی توسط وزارت فرهنگ وقت (آموزش و پرورش فعلی) به‌وسیله‌ی یک زوج فرهنگی در روستاهای منتخب در هر شهرستان، در زمینه‌های سوادآموزی، ترویج خانه‌داری، بهسازی، عمران و بهداشت روستایی انجام می‌گرفت. استقرار دائمی این زوج آموزش دیده با سوابق فرهنگی در روستاها و تماس مستمر آنان با مردم روستایی بر مبنای ارتباطات ترویجی، افزون بر نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های مربوط، دارای ثمرات دیگری هم بود: برای مثال، با *پا* در میانی این زوج فعال برای راه‌یابی مروجان کشاورزی، مأموران بهداشت، مربیان سوادآموزی و دهیاران بنگاه عمران اجتماعی به جوامع روستایی در طول سالهای دهه ۱۳۳۰ش، روستاهای برخوردار از این برنامه‌ها تا حدود زیادی در آستانه‌ی آبادی و عمران همه‌جانبه قرار گرفته بودند.

البته در طول دهه ۱۳۳۰ش، بنگاه *عمران اجتماعی* وزارت کشور نیز بر مبنای قانون مربوط، در تعدادی از روستاهای استانهای مختلف کشور اقدام به تأسیس حوزه‌های عمرانی کرده؛ براین اساس، در مرکز هر دهستان یک نفر دهیار به کار گمارده شد که وظیفه او، افزون بر مشاورت در اداره امور روستا یا روستاهای مربوط، عمدتاً جلب همکاریهای جمعی و فردی و نیز کمکهای معنوی و مادی مردم روستایی برای آبادانی و عمران هر روستا، بر مبنای ارتباطات آموزشی- ترویجی، بود.

افزون بر اینها، از اوایل نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ش که *اداره کل ترویج خانه‌داری* در سازمان ترویج کشاورزی ایران تأسیس گردید، خانمهای آموزش دیده به‌عنوان مروجان خانه‌داری، در برخی از روستاهای مراکز دهستانها مستقر شدند. مروجان خانه‌داری، ضمن ارائه آموزشهای *اقتصاد خانه* به زنان روستایی، به‌عنوان یک بازوی یاری‌گر دهیاران،

و مروجان و مأموران بهداشت و مربیان تعلیمات اساسی، به اجرای امور مربوط به آبادانی و عمران روستایی کمکهای شایان توجهی می‌کردند. این اقدامات ماهیتاً ترویجی که در مجموع، در عداد برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی بشمار می‌رفت، در آن زمان از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مالی و فنی *اصل ۴* برخوردار بود (اصل چهار).

از سالهای آخر نیمه اول دهه ۱۳۴۰ش که سپاه ترویج و آبادانی در قالب حوزه‌های ترویجی قدیم و جدید وارد روستاها گردید، اقدامات آبادانی و عمرانی روستایی شکل سراسری، گسترده‌تر و جدی‌تری به خود گرفت. بدینسان که در اجرای تقویم کارهای اجرایی، ساخت‌وسازهای عمومی، از جمله راه‌سازی، پل سازی، اصلاح و مرمت کوچه‌ها و سایر اقدامات زیربنایی در خیلی از نواحی روستایی کشور، به هدایت سپاهیان ترویج و آبادانی و به‌دست مردم آغاز گردید. این سپاهیان اگرچه لباس نظامی به تن داشتند، ولی عموماً به‌نحوی آموزش یافته بودند که بتوانند در کسوت مروج، امکان اجرای آنچه را که آموزش ترویجی می‌دهند، به‌دست روستائیان عملی و امکان‌پذیر سازند. البته بدیهی است که با توجه به ویژگیهای غالب بر فرهنگ روستایی از یکسو، و پیچیدگی نظام اداری و اجرایی کشور از سوی دیگر، پیشرفت امور در این مسیر بسیار دشوار و اغلب با موانعی روبرو بود. انگیزه خدمت سپاهیان با اراده مردم روستایی ممزوج و توأم می‌شد، همواره دستاوردهای امیدبخشی عاید می‌گردید. با این وصف، افزایش روزافزون مأموریت‌های محوله به سپاهیان ترویج و آبادانی در مناطق روستایی، سوگیری مسئولین در گزینش داوطلبان مستعد خدمت در سپاه و علل و عواملی دیگر در نهایت سبب شدند تا آثار وجودی سپاهیان ترویج به‌تدریج کاهش یابد و تحلیل رود، تا آنجا که در آستانه انقلاب اسلامی، این نیروها نتوانستند حقانیت مأموریت خود را در وجدان جامعه روستایی تثبیت کنند. بدینسان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دیری نپایید که این سپاه نیز به مانند سپاهیان دانش و بهداشت منحل گردید.

دولت در سالهای نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ش، اقدام به تشکیل شرکتهای سهامی زراعی کرد و تا اواسط دهه

آغاز می‌شد و به روش آزمون/خطا اجرا، و اغلب به فرموده مقامات بالادستی، هریک جایگزین دیگری می‌شد.

در این راستا، یکی از صائب نظران بر مبنای تجربیات بین‌المللی خود، طی سالهای آخر برنامه چهارم و در طول برنامه پنجم عمرانی کشور، با نگرشی جامع و همگون برای آبادانی و توسعه روستایی در ایران طرحی پیشاهنگ برای توسعه منطقه سلسله (لرستان) پی‌ریزی کرد و در مدت کوتاهی در دهه ۱۳۵۰ش، در محدوده کوچکی از استان لرستان (بخشهای سلسله و دلفان و چغلوندی در حوالی خرم‌آباد) به مورد اجرا گذاشت. برنامه اجرایی این طرح حائز ۲ ویژگی بود:

• آموزش نیروی انسانی بومی، به‌منظور هرچه بیشتر رها شدن از قید وابستگی به نیروهای متخصص و ماهر شهری در کلیه زمینه‌های مربوط؛

• توجه به مشارکت روستائیان در طرحهای عمرانی، با هدف القا احساس تعلق خاطر در روستائیان نسبت به هریک از طرحها و در نتیجه، افزایش ضریب موفقیت آنها.

اگرچه خدمتگزاران در قالب طرح سلسله با عنوان مردم یاران از میان روستائیان بومی متقاضی انتخاب و اصولاً در ۳ زمینه کشاورزی، بهداشت و آموزش تربیت می‌شدند، ولی مفاهیم و مضامین آموزش خاصی در ارتباط با ساختمانهای روستایی در برنامه‌های دوره آموزشی و کارآموزی آنان منظور شده بود که از آن جمله می‌توان به آموزش عملی بنایی و نجاری و نیز اقدام عملی در زمینه بهداشتی کردن محیط و راهسازی اشاره کرد.

تجربیات این طرح مؤید اهمیت موارد زیر است:

• ضرورت توجه جدی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به اهمیت و ضرورت آموزش عامه روستائیان در زمینه‌های ساخت‌وساز؛

• ترغیب روستائیان به فراگیری این قبیل فنون و مهارتهای عملی در امور آبادانی و عمران روستایی؛ و

• فراهم ساختن زمینه‌های آموزشی و روابط حاکم بر جریان طرح و اجرای فعالیتها از طریق برقراری ارتباطات ترویجی بین سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، از یکسو و مردم‌یاران و مردم روستایی بر مبنای عملی و امکان‌پذیرترین وجه از

۱۳۵۰ش، هریک از شرکتهای سهامی زراعی در حوزه نفوذ خود، اقدام به احداث یک یا چند روستا-شهر کردند، تا روستائیان پراکنده در روستاهای تابع شرکت سهامی را در این روستای مرکزی، در یک جا متمرکز نمایند، و بدینسان، در کنار مورد دیگر، کار خدمات رسانی به روستائیان نیز با سهولت بیشتری انجام پذیرد. علاوه‌براین، پیشاپیش در حوزه هریک از شرکتهای سهامی زراعی که در بیشتر موارد قرار بود در مقر روستا-شهر باشند، اقدام به تأسیس یک خانه فرهنگ روستایی شد، تا پایگاهی برای فعالیتهای فرهنگی در آن حوزه عمرانی (روستایی) باشد.

در ۱۳۴۶ش و پس از تقسیم وظایف وزارت کشاورزی بین این وزارت و چند وزارتخانه جدیدالتأسیس، اداره کل ترویج خانه‌داری از وزارت کشاورزی منفک و به وزارت جدید آبادانی و مسکن انتقال یافت. در سالهای اول دهه ۱۳۵۰ش، این اداره کل از وزارت آبادانی و مسکن منفک و به تبعیت وزارت تعاون و امور روستاها در آن زمان درآمد. نهایتاً، پس از این‌گونه نقل و انتقالها، امور خانه‌داری روستایی بین خانه‌های فرهنگ روستایی، سازمان عمران روستایی، سازمان بهزیستی وزارت کشاورزی و عمران روستایی تقسیم و پراکنده شد.

بدین ترتیب، نهاد ترویج خانه‌داری به‌عنوان یکی از ارگانهای فراگیر در امور آبادانی و عمران روستاها در پیکره عظیم دولت «حل» گردید و اقدامات زیربنایی مروجان این نهاد از طریق آموزشهای ترویجی با استفاده از خانه‌های فرهنگ روستایی و بعضاً در جوار شرکتهای سهامی زراعی متوقف و در پی آن، امور آماده‌سازی زنان و کودکان روستایی برای آغاز کار آبادانی و عمران از داخل منزل، نیمه تمام رها شد. ناگفته پیداست که با انحلال شرکتهای سهامی زراعی، خانه‌های فرهنگ روستایی نیز تغییر ماهیت یافت و پس از مدتی، به‌تدریج از صحنه روستاها محو گردید.

شکستهای پی‌درپی برنامه‌های متعدد آبادانی و عمران روستایی موجب شد، تا کارشناسان و دولتمردان همواره در جستجوی راه و روشهای دیگری باشند. درواقع، اغلب این طرحها بدون مطالعات لازم و یا با جزئی مطالعات اولیه

ادغام دو مکتب آموزشی ترویج و عمران روستایی، از سوی دیگر.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تشکیل نهاد جوشیده از انقلاب اسلامی، با نام *جهاد سازندگی*، کمیته‌های مختلف جهاد سازندگی استانها در سراسر کشور در پاسخ به نیازهای مردم روستایی اقدامات بوم‌گرایانه وسیعی را به انجام رساندند (← جهاد سازندگی). اگرچه اغلب این اقدامات توأم با مشارکتهای مردمی بود، اما نقش ترویج، به‌عنوان یک عامل آموزش‌دهنده برای پایداری آبادانی و عمران روستایی و جلب کمکهای مردمی برای حفظ و نگهداری و توسعه آنها به تدریج کاهش یافت.

درعین حال، سوابق ذهنی و تجربیات متقدمان از چندین دهه پیش در نواحی مختلف روستایی کشور حاکی از این واقعیت است که برنامه‌های آبادانی و عمران روستایی در سالهای بعد از انقلاب اسلامی همواره مستلزم رنگ و بویی ترویجی برای اجرا در مناطق روستایی بوده‌اند. ازاین‌رو، هرکجا که کارهای عمرانی با این رنگ و بو ارائه شده‌اند، آثار آن از عملکرد پایداترتری برخوردار بوده است.

کتاب‌شناسی:

- شهبازی، اسماعیل. *روشهای ترویج و آموزش در طرحهای عمران روستایی*. تهران: گزارش پروژه پژوهشی معاونت عمران روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۰.
- شهبازی، اسماعیل. *توسعه و ترویج روستایی*. چاپ دوم با تجدیدنظر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵.
- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، *مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده* (۱۵ آبان ۱۳۷۵)، تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.
- نوروزی، عباس. «بررسی نقش سازمانهای امریکایی در ترویج کشاورزی ایران»، *مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور- کرمان ۹-۱۱ شهریور ۱۳۷۲*. تهران: دفتر تولید برنامه‌ها و انتشارات فنی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۳.
- آخوندی، عباس. «آموزش بهسازی مسکن در روستا یکی از وظایف بنیاد مسکن است»، *نشریه مسکن و انقلاب*، شماره ۴۵، آذر و دی ماه ۱۳۷۱.
- آکسین، جورج-اچ. *رهنمودی بر رهیافتهای بدیل ترویج*، ترجمه

- اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
- استیویس، بندیک. *ترویج کشاورزی در خدمت خرده مالکین*. ترجمه اسدالله زمانی‌پور، مجتمع آموزش عالی بیرجند. چاپ اول، بیرجند: چاپخانه دانشگاه فردوسی (مشهد)، مهرماه ۱۳۶۸.
- ایروانی، هوشنگ. *تاریخچه آموزش و ترویج کشاورزی در ایران*. چاپ اول، مشهد: نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- بافورد، جیمز آ. و آرتور جی. بدیان. *مدیریت در ترویج*، ترجمه محمد چیذری. چاپ اول، تهران: مدیریت مطالعات و بررسیها، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، بهار ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *بهار سازندگی، مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. کارنامه سال ۱۳۷۲ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران: دفتر روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش فعالیتهای سال ۱۳۷۴ و مروری بر عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از آغاز تاکنون*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۷۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *گزارش خلاصه عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۶*. تهران: روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۷.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *نگاهی به عملکرد پژوهشی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، آذرماه ۱۳۷۹.
- جوادیان، سید ابوالفضل و شهبازی، اسماعیل. «بررسی نقش رهبران محلی در پیشبرد برنامه‌های ترویجی و توسعه روستایی در جنوب خراسان»، *مجموعه مقالات هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور*. تهیه و تنظیم دفتر مطالعات و بررسی روشهای ترویجی، تهران: ناشر دفتر تولید برنامه‌های ترویجی و انتشارات فنی، معاونت ترویج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۷۶.
- حجازی، یوسف. *مهندسی فرایند فعالیتهای آموزشی ترویجی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی. مدیریت مطالعات و بررسیها، خدمات نشر شرکت صالحان روستا، چاپ الو، شماره ۵۴، ۱۳۷۵.
- راجرز، اورت ام. و اف. فلویڈشومیکر. *رسانش نوآوریها- رهیافتی میان فرهنگی*. برگردان عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنائی، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مرکز نشر دانشگاه شیراز، آذر ۱۳۶۹.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. «یادگار جاوید، دو دهه تلاش»، *ضمیمه مجله مسکن و انقلاب*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۸.
- روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *حساب ۱۰۰ یادگار جاوید امام (ره)*، عملکرد بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، فروردین ۱۳۷۹.
- زمانی‌پور، اسدالله. *ترویج کشاورزی در فرایند توسعه*. ناشر مؤلف، دانشکده کشاورزی دانشگاه بیرجند. چاپ اول، مشهد: چاپخانه

- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی. «ده مقاله درباره ترویج کشاورزی»، ویژه‌نامه روستا و توسعه، ترجمه ناصر اوکسانی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، بهمن ماه ۱۳۶۸.

- مسکن و انقلاب (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی): اخبار، شماره ۵۷.

- «عمران و نوسازی روستایی». مسکن و انقلاب (نشریه داخلی بنیاد انقلاب اسلامی)، شماره ۵۰.

- درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی. تهیه و تنظیم یوسف حجازی با همکاری غلامرضا مجردی و عوضعلی چگینی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، خدمات نشر صالحان روستا، تابستان ۱۳۷۳.

- ملک محمدی، ایرج. ترویج کشاورزی و منابع طبیعی، جلد اول، سیر تکاملی. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تحریر دوم، ۱۳۷۷.

- موشر، آرتور-ت. پیشبرد کشاورزی-لازمه‌های تحول و نوسازی. ترجمه اسماعیل شهبازی، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۶۷.

- ونتلینگ، تیمال. برنامه‌ریزی برای آموزش اثربخش، راهنمایی برای تدوین برنامه درسی، ترجمه محمد چیدری، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

اسماعیل شهبازی

عمران روستایی (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)

عمران، آبادانی و توسعه روستایی از جمله مقوله‌هایی هستند که در روند رسیدگی به امور روستاها در کشور، کاربرد گسترده‌ای دارند. گاهی این ۲ مفهوم، بدون مرزبندی مشخص، به‌طور مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرند. مفهوم عمران، به‌عنوان فرایند جامع تغییر و تحول در جامعه، مصادیق مختلفی دارد که از جمله می‌توان به مفهوم عمران اجتماعی اشاره نمود که بیانگر کاربرد واژه عمران در مفهوم جامع تحولات روستایی است یا همان چیزی که امروزه به آن توسعه روستایی اطلاق می‌شود. در دهه‌های اخیر، مفهوم عمران روستایی و توسعه روستایی از یکدیگر تفکیک و عمران بخشی از فرایند توسعه روستایی قلمداد می‌شود که عمدتاً به تأمین زیرساختها و خدمات مورد نیاز، نظیر راه دسترسی، آب آشامیدنی، انرژی برق، بهسازی بافت فیزیکی، مسکن و دیگر تأسیسات رفاهی و خدماتی منجر می‌شود و علاوه بر تأمین نیازهای زندگی روستائیان، زمینه لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

دانشگاه فردوسی مشهد، فروردین ۱۳۷۳.

- سازمان اسناد ملی ایران: «اسناد نخست وزیری». تنظیم ۱۱۱۰۰۰۳، شماره پکت ۲۰۸.

- سازمان برنامه و بودجه. پیوست لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۳-۱۳۷۷. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۲.

- سوانسون، برتون- ائی- (ویراستار). مرجع ترویج کشاورزی، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.

- سوانسون، برتون- ائی (ویراستار). مشورت‌های جهانی در مورد ترویج کشاورزی، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)، ترجمه اسدالله زمانی پور، چاپ اول، بیرجند: مؤسسه چاپ و انتشار دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۳۷۹.

- شهبازی، اسماعیل. «بابهای نوین پیش روی مکتب آموزشی ترویج در ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان (۲۲ تا ۲۴ در دی ماه ۱۳۷۵). چاپ اول، جلد اول، تهران: زمستان ۱۳۷۷.

- شهبازی، اسماعیل. توسعه و ترویج روستایی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم با تجدیدنظر، زمستان ۱۳۷۵.

- شهبازی، اسماعیل. «ریافتی نو در تحقق پیوند بنیانی فعالیتهای تحقیقی- ترویجی در جریان توسعه کشاورزی ایران»، مجموعه مقالات ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور (مشهد، ۱۲ لغایت ۱۴ شهریور ۱۳۷۰)، تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱.

- شهبازی، اسماعیل و نوروزی، عباس. «مکتب آموزشی ترویج و ساماندهی روستاها از طریق آموزش»، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده (۱۵ آبان ۱۳۷۵). تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶.

- کریمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. بررسی نظریه‌پردازها در ترویج. جلد اول ترویج و توسعه. چاپ اول، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی، خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.

- کریمی، عزت‌الله و فنائی، سید ابوطالب. بررسی نظریه‌پردازها در ترویج. جلد دوم مدیریت، نظامها و عوامل اجرایی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، تهران: خدمات نشر مؤسسه خدمات فرهنگی چشمه نامدار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.

- گراول، آی.اس و تامبر، ا.اس. (ویراستاران). مقدمه‌ای بر آموزش ترویج، ترجمه سیروس سلمان‌زاده. اهواز: مرکز انتشارات و چاپ دانشگاه شهید چمران، چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۷.

- گروورمان، ورناس. کار پیشبران گروه- راهنمای عملی تشکیل گروههای خودیاری روستایی، ترجمه جلال رسول‌اف، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

حوزه‌هایی همچون توسعه یکپارچه روستایی، توسعه اقتصادی اجتماعی مناطق محروم، سطح‌بندی روستاها و تجهیز مراکز روستایی، ساماندهی توسعه اقتصادی اجتماعی



فضاهای روستایی و توسعه اشتغال و درآمد در روستاها گسترش یافته است. به موازات فرایند کار بهسازی، طرح هادی روستاها در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تبیین و اجرایی شد (← طرح هادی روستایی). طرح هادی، طرحی است که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت موجود، میزان مکان گسترش آبی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری، کشاورزی و تأسیسات و تجهیزات و نیازمندیهای عمومی روستایی را حسب مورد، در قالب مصوبات طرحهای فرادست تعیین می‌کند.

به موازات برنامه‌ها و اقدامات فوق، در راستای عمران و آبادانی روستاها، برنامه‌های دیگری همچون راهسازی، آبرسانی، برق‌رسانی، ایجاد و تجهیز نواحی روستایی، طراحی و اجرای دفع فاضلاب و ضایعات روستاها، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن، بهسازی بافت‌های باارزش روستایی و مقاوم‌سازی سکونتگاههای روستایی در برابر بلایای طبیعی نیز به انجام می‌رسد.

در حال حاضر، حدود ۹۰٪ از روستاهای دارای ۲۰ خانوار جمعیت و بیشتر در سطح کشور، از تأسیسات آب آشامیدنی برخوردارند که ۵۹٪ آن، آب آشامیدنی بهداشتی است. همچنین حدود ۹۹/۹٪ از روستاهای دارای ۲۰ خانوار جمعیت، بیشتر از انرژی برق برخوردارند و ۷۹٪ آنها به راه روستایی مناسب دسترسی دارند. تاکنون ۱۹۹

عمران روستاها که همواره به‌عنوان جزئی از فرایند توسعه، کم‌وبیش مورد توجه قرار داشته، با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش) از سرعت فزاینده‌ای برخوردار شده است. تأسیس جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) به فرمان رهبر انقلاب اسلامی (۱۳۵۸ش) دایر بر بسیج امکانات و نیروهای کشور برای سازندگی روستاها، نشان از توجه جدی به رفع محرومیت‌های گسترده روستاها و کاهش فاصله موجود میان نقاط شهری و روستایی در برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های توسعه داشت. گستره جغرافیایی و موضوعی رویکرد نظام در توجه به آبادانی روستاها، با شروع به کار نهادهای دیگری، همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (← بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و کمیته امداد امام خمینی (ره)، گستره وسیع‌تری یافت و برنامه‌ها و طرحهای مختلفی در این زمینه تهیه و اجرا شد که هنوز ادامه دارد.

بهسازی روستاها (← بهسازی روستایی)، از جمله نخستین و مهم‌ترین برنامه‌های جهاد سازندگی برای توجه هدفمند به عمران روستاها و سرانجام توسعه روستایی است. طرح بهسازی، به‌عنوان تهیه و اجرای طرح جامعی تعریف شده بود که ضمن انجام بررسیهای اقتصادی و اجتماعی در سطح دهستان و روستاهای حوزه نفوذ با محوریت مرکز دهستان و یا روستاهای مرکزی، به امر سطح‌بندی خدمات، اعم از خدمات اجتماعی و زیربنایی در سطح دهستان و یا حوزه نفوذ پرداخته و در نهایت، به تهیه طرح هادی روستایی مرکزی منجر می‌شد. اهداف طرح بهسازی عبارت بودند از:

- ایجاد مراکز برای پشتیبانی از کشاورزی؛
- ایجاد مراکز برای استقرار واحدهای صنعتی؛
- رونق‌بخشی به خدمات تجاری؛
- بهبود اوضاع فیزیکی محیط زیست روستائیان؛
- نگهداشت جمعیت روستایی و تعدیل روند مهاجرت؛
- دستیابی به خدمات موجود در مراکز شهری؛ و
- تأمین نسبی عدالت اجتماعی (← عدالت اجتماعی) بین شهر و روستا.

بهسازی، در واقع رویکرد جامعی بود که به سرعت توجه آن از اصلاح بافت فیزیکی روستا فراتر رفته و به

ناحیه صنعتی روستایی آماده‌سازی و تجهیز شده و برای حدود ۹۷٪ روستاهای بالاتر از ۱۰۰ خانوار، طرح بهسازی یا هادی تهیه و در بسیاری از موارد به اجرا درآمده است.

کتاب‌شناسی:

- اداره کل بهسازی روستاها. *عمران روستایی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی*. معاونت عمران و صنایع روستایی وزارت جهاد سازندگی (سابق)، ۱۳۶۷.
- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. *سابقه و عملکرد توسعه روستایی در وزارت جهاد کشاورزی از ابتدای تأسیس جهاد سازندگی*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. *مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی*. معاونت عمران روستایی، ۱۳۸۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. *سند توسعه بخش عمران روستایی و عشایری در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۵.
- معاونت صنایع، عمران و توسعه روستایی. *عملکرد ۲۳ ساله تلاش در عرصه عمران و توسعه روستایی*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱.
- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. *گزارش عملکرد ۱۵ ساله بهسازی روستاها*. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱.

جانعلی بهزادنسب

ف-ق

فرانوگرایی

Postmodernism

جریانی در حیات فرهنگی جهان معاصر، از جمله در عرصه هنر و فلسفه اجتماعی و به‌طور خاص، در معماری که به‌دنبال نوگرایی (← نوگرایی) وارد عرصه شده است و وجه ممیزه آن، واکنش در برابر هنر و اندیشه مدرن است. زیبایی‌شناسی فرانوگرایی در برابر زیبایی‌شناسی نوگرایی که از اواخر سده ۱۹م تا دهه‌های آخر سده ۲۰م، اسلوب غالب در هنر بود، طی ۳-۴ دهه اخیر، به عرصه آفرینش‌های هنری وارد شده است. مرزهایی که فرانوگرایی را از دیگر اسلوب‌های هنری جدا می‌سازد و سرحداتی که فرانوگرایی را محاط کرده است، آنقدر سیال است که ارائه تعریفی جامع و مانع از آن نامی‌سر به نظر می‌آید. در عرصه آفرینش‌های هنری، همان‌طور که نوگرایی خود را در تقابل با رئالیسم تعریف می‌کرد، فرانوگرایی نیز خود را در تمایز با نوگرایی تبیین می‌کند. فرانوگرایی ابتدا در عرصه معماری حضور یافت؛ نوگرایی در معماری با ترسیم خط تمایز میان آثار نخبه‌گرایانه و فرهنگ توده و گرایش به آثار نخبه‌گرایانه مشخص می‌شد. فرانوگرایی با واکنش به این گرایش نخبه‌گرایانه به‌سوی مردم‌باوری تغییر جهت داد و به خلاف نخبه‌گرایی بی‌روح هنر و معماری آوان‌گارد، برگشت به سنت‌های محلی و فرهنگ عامیانه را مورد توجه قرار داد.

فرانوگرایی و پساتجدد

دو اصطلاح فرانوگرایی و پساتجدد را نباید با یکدیگر خلط کرد. پساتجدد به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی خاصی اشاره دارد که با ظهور اقتصاد پسا صنعتی و خدمات-محور در عصر جهانی شدن اقتصاد مطرح شده است، درحالی‌که فرانوگرایی برای جریان‌هایی از هنر و اندیشه به کار می‌رود که به تعبیری با دوران پساتجدد رابطه دارند، یا به تعبیر دیگر، زائیده پساتجدد هستند. فرانوگرایی در حوزه اندیشه اجتماعی، در درجه اول، با نقد دیدگاه‌های ساختارگرایی و عقل‌گرایی که از مشخصه‌های عمده تفکر مدرن بود، شناخته می‌شود. در تفکری که تفکر مدرن نام گرفته است، محور توجه اندیشمندان، ساختن جامعه‌ای بود که در آن دانش علمی و عقل بر همه امور حاکم شود و پیشرفت تاریخ را به‌سوی نیکبختی بشر هدایت کند. این اندیشه با اینکه پیش از این توسط نیچه نقد شده بود، اما اساساً در اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م بود که به‌شدت در معرض انتقاد قرار گرفت.

در فلسفه و نظریه اجتماعی مرتبط با فرانوگرایی، به‌رغم گوناگونی اندیشه‌ها و نظریه‌هایی که زیر این نام گرد آمده‌اند (رورتی، دریدا، فوکو، دولوز، لیوتار)، یک نکته محوری را می‌توان بازشناخت؛ این نکته عبارت است از تعبیر عقل. اندیشه مدرن عقل را ابزار اصلی بازسازی جامعه در مسیر رستگاری ارزیابی می‌کرد، اما در اندیشه‌های فرانوگرایانه، مفهوم عقل در معرض یک بازتفسیر عمیقاً متفاوت قرار می‌گیرد و چنین گفته می‌شود که عقل، در واقع شیوه‌ای از کنترل اجتماعی است که کارش نه کشف حقیقت، بلکه تولید حقیقت برای جهت‌دادن به کردارهای اجتماعی خاص است. به‌این ترتیب، درحالی‌که اندیشه مدرن در قالب روشنگری، عقل را نجات‌بخش محسوب می‌کرد، اندیشه فرانوگرا آن را وسیله سلطه از طریق تحریف

حقیقت بشمار می‌آورد.

در قلمرو هنر، فرانگرایی، به‌طور کلی، مجذوب دیگر بودگی فرهنگی، صدای به حاشیه رانده شدگان، مثل سیاه‌پوستان، محرومان، زنان و جهان‌سومیهاست. همین نگرش مثبت به صداها، تجربه‌ها و روایتهای دیگری است که در زبان فلسفه شکل نقد روایتهای بزرگ را به‌خود گرفته است. روایتهای بزرگ در عمده‌ترین وجه خود، یکی شامل روشنگری است که معتقد به پیروزی نهایی عقل عام بر بدویت و خرافه بود و دیگری، مارکسیسم که پرولتاریا را به‌عنوان یک طبقه انقلابی و عام، معمار جهان آینده معرفی کرده بود. پست‌مدرنیستها این نظریه اخیر را مظه‌ری از عقلانیت تمام‌خواه (توتالیتیر) تعبیر می‌کنند که هیچ‌گونه تفاوت، اختلاف‌نظر و تکثر را تحمل نمی‌کند. فرانوگرایان، مارکسیسم را نیز افسون شده پروژه سرکوبگر تجدد (← تجدد) ارزیابی می‌کنند. مارکسیستها نیز به‌نوبه خود فرانوگرایان را متهم می‌کنند که تاریخ را به بازی صرف فضاهای بی‌عمق تبدیل کرده‌اند و فاعل‌شناسا (سوژه) را چنان ناتوان تصویر می‌کنند که قادر به هیچ کنش سیاسی نیست.

جریان فرانوگرایی در مسائل شهری، به‌ویژه معماری، حامل تفکر و حرکت‌های نوینی بوده است. محورهای مورد تأکید فرانوگرایی در این حوزه، عبارت است از ایجاد فضاهایی که حسی از تداوم تاریخی را در ریخت شهر القا کنند. فرانوگرایی با سبک‌های التقاطی در معماری، آمیزش زیباشناسی مدرن و سنتی شناخته می‌شود. معماری فرانوگرا واکنشی علیه دانشگاهی کردن معماری، سبک بین‌المللی و اندیشه‌های مرتبط با آن، معطوف به نظم، عقلانیت، زاویه‌های راست‌گوشه، خلوص‌گرایی و استانداردسازی بود. چنان‌که واکنشی بود علیه هم‌نواختی تصنعی و سبک‌پردازانه (stilistic). به‌همین ترتیب، اعترافی بود علیه مقیاس‌های عظیم حجمی که از شاخصه‌های معماری مدرن محسوب می‌شود. فرانوگرایی، برخلاف معماری مدرن که متکی به فرایند برنامه‌ریزی جامع و عقلایی بود، از شکلهای سنتی شهری، ناهم‌نواختی اجتماعی و فرهنگی و حفظ شکلهای قدیمی بناها و ساختمانهای بازمانده از گذشته طرفداری می‌کرد.

کتابشناسی:

- Brossea, M. "The City in Textual Form: Manhattan Tranfer's New York", *Ecumene*. Vol. 2(1), 1995.
- Ellin, N. *Postmodern Urbanism*. Oxford: Blackwell, 1996.
- Caves, R. (ed). "Postmodernism", *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.
- Harvey, D. *The Condition of Postmodernity: An Enquiry into the Origen of Culture Change*. Oxford: Blackwell, 1995.
- *Theories of Moderenity and Postmodernity*. Turner, S. (ed). London, 1990.
- Woods, T. *Beginning postmodernism*. Manchester: Manchester University Press, 1999.

کمال پولادی

فرسودگی شهری ← احیاء شهری

فضا

Space

فضا، عینیتی حاصل از نقش‌پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان و یا به سخن دیگر، پیامد عملکردهای متعامل ۲ محیط اجتماعی- اقتصادی و طبیعی- اکولوژیک است. از این‌رو، فضا را می‌توان نوعی تولید اجتماعی در مکان بشمار آورد. از آنجا که فضا متشکل از اجزائی مرتبط است، می‌توان آن را یک نظام (سیستم) بشمار آورد و چون این نظام، واقعیتی مکانی- فضایی است، می‌توان از نظام مکانی- فضایی سخن گفت. مفهوم فضا و مفاهیم مرتبط با آن، عمدتاً از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰م، نخست در بین جغرافیدانان و بعضی اقتصاددانان (در ارتباط با مفهوم اقتصاد فضا) و سپس در بین سایر رشته‌های علمی مورد استفاده و بحث قرار گرفته است. امروزه در مباحث مرتبط با مطالعات سکونتگاهی و نیز برنامه‌ریزی توسعه، نه تنها از فضا در قالب یک کلیت، بلکه از برنامه‌ریزی فضایی، فضای شهری، فضای روستایی، فضای منطقه‌ای و مانند آن

فضا از لحاظ معرفت‌شناسی، از طریق درک ذهنی/تجربید دامنه و مرزهای واحد مکانی و به‌واسطه تبیین عرصه‌های خاص کنش-واکنش انسانی، یعنی توان برخورد گروه‌های اجتماعی در مکان تشخیص داده می‌شود. نوع و دامنه این برخورد، در عمل، شکل‌دهنده و درعین حال، متأثر از کارکردهای بنیادین آن اجتماع در واحد مکانی مورد نظر است. به این ترتیب، فضا مفهومی اساسی، اما کلی است. نحوه ادراک ذهنی فضا نزد افراد و گروه‌های مختلف انسانی، از لحاظ سطح و مقیاس، متفاوت است. توجه به بُعد مقیاس حاوی ۲ جنبه اساسی زیر است:

- مقیاس مورد استفاده در درک ذهنی پدیده‌های بیرونی-از جمله فضا- و تأثیر آن بر تعبیر و تفسیر آن؛ و
- نحوه و دامنه متفاوت درک و رفتار افراد نسبت به ادراک و رفتار گروه یا اجتماع کارکردی که به آن تعلق دارند.

علاوه بر مقیاس، بُعد فاصله نیز در درک فضا، عنصری تعیین‌کننده بشمار می‌آید. بنابراین، فضا ممکن است، به تفاوت، در مقیاسها و ابعاد متنوعی ادراک شود. این ابعاد و مقیاسها در انواع فضاها تجلی می‌یابند. بدینسان، انواع فضاها عبارتند از:

- فضای شخصی، یعنی عرصه‌ای که در آن افراد، به‌عنوان وجود مستقل، دست به عمل و نقش‌پذیری می‌زنند. این نوع فضا، قلمرویی کوچک و شخصی است که در اختیار هر فرد قرار دارد و او در قالب آن، نسبت به پدیده‌ها و رخداد‌های بیرونی (و دیگر افراد)، دست به ادراک و عمل می‌زند؛

- فضای زندگی، یعنی عرصه‌ای خصوصی که خانوار یا خانواده در آن زندگی می‌کند. فضای شخصی و فضای زندگی، بنابر ماهیت خود، ممکن است موجب نوعی تفاوت و جدایی‌گزینی نسبت به دیگران شود. درجه و دامنه این جدایی‌گزینی همیشه و همه جا یکسان نیست و به نوع ادراک، ارتباط و دامنه تعلق فرد یا خانوار به دیگر افراد و خانوارها بستگی دارد؛

- فضای کار که در آن، ضمن پرداختن به فعالیت فردی یا مشترک، مبادله اطلاعات نیز میان افراد و گروه‌های همگن و هم‌منفعت صورت می‌پذیرد. این فضا در محیط‌های

یاد می‌شود. بر این اساس، بررسی و شناخت فضا پیوسته بر مبنای مقیاس معین به انجام می‌رسد؛ از این رو، نظام‌های فضایی در مقیاس بزرگ (جهانی، کشوری و یا منطقه‌ای)، مقیاس متوسط (ناحیه‌ای، محلی، شهری و یا روستایی) و مقیاس کوچک (دهکده، مزرعه، محله، ...) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فضا در بستر مکان و در گذر زمان، همچون هر پدیده اجتماعی دیگر، در معرض تحول و دگرگونی قرار دارد. عنصر اصلی تحول در فضا، قابلیت‌های محیط فرهنگی (به مفهوم عام) و عوامل و نیروهای مادی و معنوی دخیل در آن است. بنابراین، با توجه به اینکه فرهنگ گروه‌های انسانی در اصل به آرامی دگرگون می‌گردد، دگرگونی نظام فضایی نیز پیوسته به‌کندی پدیدار می‌شود. البته، فضا به‌عنوان یک واقعیت مکانی، نه تنها تحت تأثیر نیروها و روندهای درونی جاری در یک مکان (شهر، روستا، منطقه، سرزمین و...) بلکه ضمناً از نیروها و روندهای بیرونی حاکم بر آن نیز به شیوه‌های مختلف تأثیر می‌پذیرد. این گونه تعامل نیروهای درونی و بیرونی، از قانونمندیهای حاکم بر نظام فضایی، و البته تمام نظام‌های محیطی و اجتماعی-اقتصادی، بشمار می‌رود.

فرایند تحول و دگرگونی فضایی را می‌توان در قالب زنجیره‌ای از تعامل عوامل و نیروها، به‌صورت ساده شده زیر ترسیم نمود:

- دگرگونی در نحوه برخورد با ارزشها، یعنی ارزیابی ارزشهایی که گروه‌های اجتماعی براساس آن ویژگیهای محیطی و اجتماعی-اقتصادی را به سنجش می‌گیرند، ممکن است کم‌وبیش به‌سرعت تغییر پذیرند؛ بدینسان،

- عملکردهای اجتماعی-اقتصادی در معرض تغییر و تحول قرار دارند که خود می‌تواند،

- روندهای اجتماعی-اقتصادی تازه‌ای را مطرح سازد که به‌نوبه خود بتواند پس از گذشت زمانی معین،

- به الگوهای پایداری منجر گردد که به‌علت وجود آنها، روندهای مکانی-فضایی تحت تأثیر قرار گرفته، در نهایت، ساختارهای مکانی-فضایی یا فضاها را جدید پدیدار گردند.

• فضای بین سکونتگاهی، یعنی عرصه‌ای که نوع و دامنه روابط و مناسبات یک سکونتگاه را با سکونتگاههای دیگر، اعم از شهری یا روستایی، تعیین می‌کند. به این ترتیب، روابط بین سکونتگاهی، از جمله روابط روستا-روستا، شهر-شهر و همچنین شهر و روستا، در این فضا جریان می‌یابد. دامنه این فضا، از لحاظ مقیاس، ممکن است محلی یا ناحیه‌ای و از نظر شعاع عینی عمل، ۱۰-۲۰ کیلومتر باشد؛

• فضای منطقه‌ای یا عرصه‌ای که مجموعه‌های شهری و روستایی را دربر می‌گیرد و تعامل بین افراد، گروهها و

روستایی یا کوچک شهری ممکن است دامنه‌ای بسیار وسیع و در حد کل سکونتگاه و یا دامنه‌ای محدود و در حلقه چند خانوار و یا حتی یک خانوار معین داشته باشد. نوع و مناسبات تولیدی و دامنه روابط فرهنگی-اجتماعی در تعیین دامنه این فضا نقش بارزی برعهده دارد؛

• فضای همسایگی، یعنی عرصه‌ای که ۲ یا چند واحد مسکونی را در محیطهای شهری و روستایی با یکدیگر در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌دهد. در همین عرصه فضایی است که روابط و منافع مشترک واحدهای همجوار تحقق می‌پذیرد و از آن حفاظت و پاسداری می‌شود؛



سکونتگاهها در آن، ابعاد دامنه‌داری را شامل می‌گردد. شعاع تعامل در فضای منطقه‌ای ممکن است تا چند ۱۰ کیلومتر و حتی بیشتر باشد. این گونه فضا برای محیطهای کوچک شهری و روستایی گاهی فضای اثرپذیری خوانده می‌شود؛

• فضای ملی، عرصه‌ای فراگیر که محیطهای شهری و روستایی را نه فقط در برابر عوامل و نیروهای تأثیرگذار بیرونی- از جمله برنامه‌ها و سیاستگذارهای عمومی- قرار می‌دهد، بلکه جایگاه کارکردی انواع سکونتگاهها را در محاسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی،

• فضای سکونتگاهی، شامل تمام انواع عرصه‌های محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی کل یک اجتماع و یا بخشی از آن، یعنی محله (← محله) یا واحد همسایگی (← واحد همسایگی) است. در این فضا، نه تنها روابط و مناسبات گوناگون افراد و گروهها جریان می‌یابد، بلکه کنترل اجتماعی نیز تحقق می‌پذیرد. فضای سکونتگاهی، به ویژه در محیطهای کوچک شهری و روستایی، در شرایط متعارف، گویای یکپارچگی و نوعی اتحاد جماعت در برابر دیگران است؛

کشاورزی، جنگلها، مراتع، چمنزارها، پارکها، عرصه‌های مستقل سبز و فضای سبز شهری (← فضای سبز شهری)، همچنین عرصه‌های آبی و سایر عرصه‌ها که در معرض تغییر و تبدیل نیستند و جزء چشم‌انداز جغرافیایی (← چشم‌انداز جغرافیایی) بشمار می‌آیند، تشکیل می‌دهند. خصوصیت اصلی چهره فضایی فضاهای باز، محفوظ ماندن و تداوم آنهاست. فضاهای باز، در چارچوب توسعه پایدار، عنصری از توسعه فضا بشمار می‌روند که مقدار آنها برابر است با عرصه‌های متراکم ساخته شده و عرصه‌هایی که برای ساخت‌وساز در نظر گرفته شده‌اند. فضاهای سبز، در عمل، شکل‌دهی مناسب و حمایت از عرصه‌های شهری را به‌نحوی امکان‌پذیر می‌سازند که امکان حفاظت و بهبود شرایط زندگی انسانی که در محیط‌های متراکم شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، فراهم آید. پشتیبانی یا حفاظت از کارایی زیست‌محیطی شبکه فضاهای باز بیش از هر چیز در گرو خصوصیتی، از جمله وسعت مناسب، حفاظت از تداوم فضایی، پایداری طبیعی اکوسیستم و بهره‌گیری مناسب است.

شبکه‌های فضای باز با هدف حفاظت از کارکردهای بوم‌شناختی آنها و خصوصیت و زیبایی چشم‌انداز و بسترسازی برای کانونهای استراحتگاهی و گذران اوقات فراغت شهروندان ایجاد می‌شوند. این اهداف تنها از طریق نگهداری و مراقبت از فضاهای باز در برابر موارد نامتناسب با کارکردهای متصور آنها، تحقق می‌پذیرد. عرصه‌های اولویت‌دار حفاظت از فضای باز عبارتند از: حفاظت اقلیمی و اکوسیستمها، پاکسازی هوا، حفاظت از چشم‌اندازها، آبها، خاکها و مانند آن.

ایجاد شبکه فضای باز به‌ویژه در مجموعه‌های بزرگ شهری و محیط‌های پیرامونی آنها، با توجه به ضرورت برقراری توازن بین هزینه‌های موجود و متصور زیست‌محیطی در درون فضاهای متراکم ساخته شده که به‌خصوص در نواحی شدیداً شهری، با حفاظت و بهبود استانداردهای زندگی نسلهای موجود و آینده ارتباط دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. بزرگ‌ترین خطری که حفاظت از فضاهای باز را تهدید می‌کند، رشد بی‌رویه

در مقیاس سرزمینی، مشخص می‌سازد؛ و

• فضای جهانی یا عرصه‌ای که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر محیط‌های شهری و روستایی در سطح ملی اثرگذار است و در مناسبات امروزی، در چارچوب دهکده جهانی، گویای دامنه تعامل، نحوه نقش‌پذیری و شکل پاسخگویی فضاهای مختلف در برابر تحولات جهانی است.

کتاب‌شناسی:

- Benko, G. and Strohmayer, U. (eds). *Space and Social Theory, Interpreting Modernity and Postmodernity*. Oxford and Cambridge: Blackwell, 1997.
- Bunge, W. *Theoretical Geography*. Lund, 1962.
- Cox, K. "Concepts of Space, Understanding in Human Geography and Spatial Analysis", *Urban Geography*. 16, 1995.
- Gregory, D. *Geographical Imaginations*. Oxford and Cambridge: Blackwell, 1994.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. London and New York: Edward Arnold, 1972.
- Hartshorne, R. "The Concept of Geography as a Science of Space", *Annals of the Association of American Geographers*. 48, 1958.
- Lee, R. and Wills, J. (eds). *Geographies of Economies*. London and New York: Edward Arnold, 1997.
- Keith, M. and Pile, S. (eds). *Place and Politics of Identity*. London: Routledge, 1993.
- Lefebvre, H. *The Production of Space*. Oxford and Cambridge: Blackwell, 1991.
- Thrift, N. *Spatial Formations*. London: Sage, 1996.

عباس سعیدی

فضای باز

Open Space

این اصطلاح در برنامه‌ریزی شهری به حوزه‌های ساخته نشده‌ای اطلاق می‌شود که برای ساخت‌وساز منظور نمی‌شوند و در بین عرصه‌های ساخته شده، به‌استثنای زیرساختهای حمل‌ونقل و میدانی شهری، قرار دارند. اجزاء اصلی فضای باز را عرصه‌های سبز شهری، شامل اراضی

شهری و فشار وارده از سوی بخش ساختمان، به بهانه محدودیت فضای آزاد ساخت و ساز در بسیاری از شهرها و جاذبه این عرصه‌ها برای سرمایه‌گذاری است. سیاستهای فضایی مرتبط با فضاهای باز، حفاظت از آنها را در برابر تراکم ساخت و ساز و درعین حال، حفاظت یا پیشبرد کارکردهای طبیعی و تفریحی آنها را مد نظر دارد.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge, 2005.

بوزنا دگورسکا

(عباس سعیدی)

فضای سبز شهری

Green Space

منظور از فضاهای سبز شهری، سطوحی از کاربری زمین (← کاربری زمین) شهری است که از پوشش گیاهی طبیعی یا مصنوعی پدید آمده باشد. فضاهای سبز شهری هم واجد بازدهی اجتماعی و هم واجد بازدهی اکولوژیکی هستند.

تمام انواع فضای سبز شهری واجد بازده اجتماعی نیست، برای مثال باغهای میوه در شهر، هم بازده اکولوژیکی و هم به خاطر محصولات خود، «بازده اقتصادی» دارند، اما فضای خصوصی تلقی می‌شوند و بازدهی اجتماعی یا عمومی ندارند.

منظور از بازدهی اکولوژیکی، سالم‌سازی محیط شهری، کاهش گرمای محیط، تولید اکسیژن و افزایش نفوذپذیری خاک در مقابل انواع بارشهای جوی است. از دیدگاه زیست‌محیطی، فضای سبز شهری، بخش جاندار یا بخش نرم کالبد شهر محسوب می‌شود.

فضای سبز شهری، از دیدگاه شهرسازی، دربرگیرنده بخشی از سیمای طبیعی شهر است که به عنوان عامل حیاتی در درون و یا پیرامون کالبد شهر، جزئی از ساختار

مرفولوژیک شهر را تشکیل می‌دهند.

بنابراین، دارایی سبز شهر، صرف‌نظر از فضاهای سبز عمومی، از فضاهای سبز خصوصی، فضاهای کوچک حیاط منازل، فضاهای بزرگ باغهای خصوصی و محوطه کاربریهای دولتی تشکیل می‌شود. فضای سبز علاوه‌بر تقسیم‌بندی از لحاظ مالکیت، از نظر گونه‌شناسی نیز طبقه‌بندی می‌شود: زمینهای با پوشش گیاهی کوتاه (نازک و کم حجم) به صورت علفزار و چمن‌زار، سطوح سبز نامیده می‌شوند و زمینهای با پوشش گیاهی بلند یا نسبتاً بلند، نظیر باغها، جنگلها و بیشه‌زارها، فضای سبز خوانده می‌شوند. از نظر طراحی شهری فضای سبز به علت تعدد حجم به‌عنوان فضای مثبت و سطوح سبز که عاری از درخت هستند و منحصر به چمن‌زارند، فضای منفی تعریف می‌شوند.

مهم‌ترین اثر فضای سبز در شهرها، کارکردهای زیست‌محیطی یا بازدهی اکولوژیکی آنهاست که شهر را به‌عنوان محیط زندگی انسانها مساعد زیستن می‌سازد، و با آثار مخرب گسترش صنعت و حمل‌ونقل مقابله می‌کند. بنابراین؛ فضای سبز سبب افزایش کیفیت زیستی شهرها می‌شود. مؤلفه‌های توسعه کالبدی و توسعه حمل‌ونقل شهری به محیط زیست طبیعی شهرها آسیب می‌رساند. در مقابل، فضای سبز مناسب شهری در کاهش اثرات این مؤلفه بسیار مؤثر هستند، به‌ویژه در رابطه با گردوغبار و آلودگیهای هوا. فضای سبز شبه جنگلی همانند ریه‌های تنفسی شهرها بشمار می‌روند. مهم‌ترین اثرات فضای سبز در شهرها، تعدیل دما، افزایش رطوبت نسبی، لطافت هوا و جذب گردوغبار و تولید اکسیژن است. با توجه به این اثرات حیاتی فضای سبز شهری باید از نظر کمی و کیفی متناسب با حجم فیزیکی شهر (راهها و ساختمانها) نیازهای جامعه (گذران اوقات فراغت و نیازهای بهداشتی) تأمین شود، تا بتواند به‌عنوان فضای سبز فعال، بازدهی زیست‌محیطی مستمری داشته باشد.

فضای سبز شهری اشکال گوناگونی دارد و بنابر کاربرد آن، دسته‌بندی می‌شود. به‌طور کلی، فضاهای سبز را می‌توان به ۲ گروه تقسیم کرد: فضای سبز برون‌شهری و فضای سبز درون‌شهری.

شهروندان در هنگام خطر سیل و زلزله تسهیلات پدافندی دارند. علاوه بر فضای سبز گسترده درون شهرها که باغ، بوستان و پارک نامیده می‌شود، فضای سبز کنار خیابانهای شهر که به صورت خطی امتداد می‌یابد در صورت به هم پیوستگی، شبکه‌ای فراگیر از درختان سبز را به وجود می‌آورد که ارزش اکولوژیکی آن بسیار بیشتر از پارکها و باغهای پراکنده است.

فضای سبز پارکها از نظر شهرسازی و برحسب عملکرد اجتماعی، در ۳ مقیاس طبقه‌بندی می‌شوند: پارکهای در مقیاس واحد همسایگی (← واحد همسایگی) و محله (← محله)، پارکهای کوچکی هستند با مساحت حدود یک هکتار در مرکز محله که اهالی محله در کمترین زمان با پیاده‌روی بدان دسترسی داشته باشند. پارکهای منطقه‌ای که در یک بخش مسکونی شهر قرار دارند و مساحت آنها بین ۸-۱۰ هکتار است و



فضاهای متنوع رفاهی، ورزشی و گردشگری دارند و نیازهای تفریحی یک منطقه مسکونی از شهر را جوابگو هستند.

پارکهای شهری بوستانهای بزرگی هستند، مجهز به تأسیسات و تسهیلات تفریحی گوناگون که برحسب موقعیت، نقش معینی را برعهده می‌گیرند. در شهرهای بسیار بزرگ، پارکهای شهری نیز به همان نسبت بزرگ و

• **فضای سبز برون‌شهری یا پیرامون شهری.** نقش فضاهای سبز پیرامون شهر متعدد است؛ نخستین نقش آن کنترل و مهار گسترش بی‌رویه شهرهاست. از این‌رو، به‌عنوان محدوده سبز یا کمربند سبز به‌شکل پارکهای جنگلی برای جلوگیری از توسعه گسترده شهرها ایجاد می‌شوند.

علاوه‌براین، پارکهای بسیار بزرگ تفریحی نیز در پیرامون شهر احداث می‌شوند، تا در هنگام لزوم مانند ایام تعطیلات، روزهای گرم تابستان و یا در تمام فصول برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، و گردش دسته‌جمعی مورد استفاده شهروندان قرار گیرد.

• **فضاهای سبز درون‌شهری.** این فضاها اغلب به‌صورت پارکها یا بوستانهای شهری احداث می‌شوند و از نظر شهرسازی، بافت نرم و فضای گشوده شهری (در مقابل بافت سخت و فضای پر ساختمانها) بشمار

می‌روند. فضاهای سبز علاوه بر بازدهی اکولوژیکی بازده اجتماعی برای گذران اوقات فراغت، پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، بازی، گردش و نظاره و پیک‌نیک نیز دارند. پارکها علاوه بر تأمین فضای سبز شهری، فضاهای عمومی، فضاهای بازی، ورزشی و تفریحی و آموزشی را نیز در خود جای می‌دهند. علاوه‌براین، پارکها برای

مجهزند. بنابراین، در کلانشهرها (← کلانشهر) این نوع پارکها متعدد و متنوع هستند و هریک پاسخگوی بخشی از شهروندان بشمار می‌روند.

معیارهای توسعه فضای سبز

پیش از هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه فضاهای سبز شهری، باید معیارها و استانداردهای توسعه فضای سبز مشخص شود. از دیدگاه حفاظت محیط زیست، از آنجا که فضاهای سبز بخش جاندار ساخت کالبدی شهرها هستند، منطق طراحی حکم می‌کند که میان بخشهای بی‌جان و جاندار ساخت کالبدی، تحت عنوان توده و فضا یا پر و خالی، نوعی تعادل برقرار شود.

وضعیت موجود شهرها به‌علت آلودگیهای صنعتی و به‌ویژه حمل‌ونقل اتومبیلها نه تنها ایجاد فضاهای سبز وسیع را می‌طلبد، بلکه فضاهای سبز به هم پیوسته را هم الزامی می‌کند. فضاهای وسیع و به هم پیوسته می‌توانند موازنه اکولوژیکی را در شهر برقرار سازند. البته استانداردها بیانگر وضعیت بهینه است. استاندارد فضاهای سبز و باز علاوه بر ارزشهای اکولوژیکی بُعد اجتماعی، رفاهی و فنی نیز دارند، که باید باتوجه به مکان و موقعیت اقلیمی و فرهنگی خاص ساکنان محل و نیازها و ارزشهای آنان، تأمین شوند.

باتوجه به تفاوت‌های اقلیمی، اکولوژیکی و نیز اجتماعی و فرهنگی شهرها، نمی‌توان برای سراسر کشور سطح یا حجم استاندارد واحدی برای فضای سبز پیشنهاد کرد، زیرا کمیت فضای سبز، و انتخاب گونه گیاهی مناسب به شرایط اقلیمی - به‌خصوص بیوکلیماتیک - هر منطقه بستگی دارد. برای مثال، مقدار و نوع فضای سبز شهر یزد با شهر ساری اساساً به‌علت تفاوت‌های اقلیمی و محیطی با همدیگر متفاوت است. برای تعیین وسعت و حجم فضای سبز مورد نیاز شهرها از دیدگاه محیط زیست، نخست بایستی شرایط طبیعی و محیطی شهر و منطقه آن بررسی شود؛ سپس براساس نیازهای معین و مشخص، به‌منظور تعدیل شرایط ناهنجار اقلیمی، تا آنجا که فضای سبز چاره‌ساز باشد، ارائه طریق شود.

براساس مطالعات و بررسیهای وزارت مسکن و

شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی)، سرانه متعارف و قابل قبول فضای سبز شهری در ایران بین ۷-۱۲ مترمربع تعیین شده است. البته این رقم در مقایسه با شاخصهای تعیین شده از سوی دفتر محیط زیست سازمان ملل متحد (سرانه ۲۰-۲۵ مترمربع)، رقم کمتری است.

از دیدگاه محیط اجتماعی، آنچه در ارتباط با فضای سبز شهری اهمیت دارد، میزان فضای سبز عمومی است؛ یعنی فضای سبزی که استفاده عمومی از آن بدون مانع انجام پذیرد. لازم به تأکید است که سرانه فضای سبز صرفاً در ارتباط با فضاهای سبز عمومی مطرح می‌شود، زیرا فضاهای سبز خصوصی و فضاهای سبز نیمه‌عمومی، مانند محوطه سبز بیمارستانها یا ادارات دولتی، هرچند در بازدهی اکولوژیکی نقش مؤثری دارند، اما بنابر عملکردشان، فاقد بازدهی اجتماعی هستند. بنابراین، مفهوم سرانه فضای سبز صرفاً مساحت کلیه فضاهای سبز عمومی (اجتماعی) را دربر می‌گیرد. این نحوه محاسبه به اتخاذ سیاستهای اجتماعی و تأمین رفاه عمومی برای ارتقاء کیفیت محیط شهری کمک شایانی می‌کند.

کتابشناسی:

- سعیدنیا، احمد. «فضای سبز شهری»، کتاب سبز شهرداریها. جلد نهم، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- بهرام سلطانی، کامبیز. «آثار فضای سبز بر بیوکلیمای شهر»، فصلنامه سازمان محیط زیست، ۱۳۶۹.
- بهرام سلطانی، کامبیز. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (محیط زیست). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، ۱۳۷۱.
- رهنمایی، محمدتقی. توانهای محیطی ایران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰.
- لقانی، حسنعلی. «برنامه‌ریزی و طراحی فضای سبز شهری»، فصلنامه علمی فضای سبز. سال ۲، شماره ۵ و ۶.
- مجنونیان، هنریک. مباحثی پیرامون پارکها، فضای سبز و تفرجگاهها. تهران: انتشارات سازمان پارکها و فضای سبز شهر، ۱۳۷۴.
- هببرو، بی.جی. جنگل‌داری شهری. تهران: انتشارات سازمان پارکها و فضای سبز شهر، ۱۳۷۴.

احمد سعیدنیا

فضای عمومی

Public Space

فضای عمومی، به طور معمول، به عنوان مکانهایی تعریف می شود که همه شهروندان به گونه ای آزاد (و قانونی) بدان دسترسی دارند. مکانهای عمومی شهر نه تنها خیابانها، میدانها و چهارراهها، بلکه فضاهای درونی ساختمانهای عمومی، چون کتابخانه ها و سالنهای اجتماعات شهرداریها را نیز دربر می گیرد. فضای عمومی فضایی است که بین فضاهای خصوصی - خانه ها - و فضاهای محل کار قرار دارد و غالباً به عنوان فضاهای آزاد گردهمایی و مشارکت سیاسی، جایی که قشرهای حاشیه ای جامعه می توانند حقوق خود را به زبان آورند، واجد اهمیت خاص است.

مطالبی که درباره شهر نوشته می شود با کمال تعجب غالباً این آئینها و چرخه های مربوط به فضای عمومی را در هنگامه توجه به اقتصاد سیاسی از یاد می برند. یکی از استثناهای برجسته در این زمینه طرح ناتمام والتر بنیامین با عنوان گذرگاههاست که می کوشد جزئیات زندگی مدرن در خیابانهای پاریس را موضوع نظریه پردازی قرار دهد. از کتاب جغرافیای طبیعی یان سینکلر تا نشر شفاف مایک دیویس، طی حدود ۵۰ سال پیش از اینکه نوشته های بنیامین الهام بخش شیوه خلاقانه تری در نوشتن خیابان قرار گیرد، نوشته های مذکور دائماً بین شرح وقایع جزئی در فضای عمومی از یکسو و تجزیه و تحلیل فرایندهای اقتصادی - اجتماعی از سوی دیگر، اعوجاج داشت. علاوه بر این، سنت پایداری در روانشناسی محیطی و برنامه ریزی شهری می کوشد تا دریابد، چگونه طراحی فضای عمومی می تواند مشوق همکنشی اجتماعی (یا برعکس، مانع همکنشی عمومی و امر جامعه پذیری) باشد.

در حال حاضر، یکی از دلمشغولیهای نظریه پردازان شهری مرگ رسمی فضای عمومی به دلیل خصوصی شدن روزافزون فضاهای شهری است. قرار گرفتن مجتمعهای تجاری به جای خیابان به عنوان محل خرید، سوق پیدا کردن سکونتگاهها به سوی مجتمعهای در بسته و تشدید نظارت بر فضاهای عمومی، مؤید این نگرانیهاست. علاوه بر این، در

فضای عمومی

فضاهای عمومی شهرهای غربی، با سیاستهایی که علیه زنان خیابانی، بی خانمانها و نوجوانان اتخاذ می شود، آشکارا حاکی از روحیه عدم رواداری نسبت به گروههایی است که دیگری محسوب می شوند. همه اینها موجب بروز نگرانی نسبت به افزایش نابرابری در دسترسی به عرصه عمومی است. البته برخی از مفسران معتقدند، مسئله طرد و شمول مسئله تازه ای نیست و همیشه فضای عمومی در حصار برداشت تنگ نظرانه از مفهوم شهروندی (← شهروندی) که نسبت به گروههای اجتماعی خاصی التفات بیشتری داشته، قرار گرفته است.

کتابشناسی:

- Caves, R. W (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

فیل هوبارد

(کمال پولادی)

فناوری اطلاعات

Information Technology (IT)

فناوری اطلاعات بنابر تعریف انجمن فناوری اطلاعات امریکا (ITAA)، عبارت است از مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده سازی، پشتیبانی یا مدیریت سیستمهای اطلاعاتی رایانه ای، خصوصاً برنامه های نرم افزاری و سخت افزاری. به سخن دیگر تبدیل، ذخیره، حفاظت، پردازش، انتقال و بازیابی اطلاعات به شکل مطمئن و امن را فناوری اطلاعات گویند.

به تازگی تغییر اندکی در این عبارت داده شده، تا این اصطلاح به طور روشن، دایره ارتباطات الکترونیک را نیز شامل گردد. بنابراین، بیشتر عبارت فناوری اطلاعات / ارتباطات (Information and Communications Technology) یا اختصار (ITC) به کار می رود.

فناوری اطلاعات بسیار فراتر و مبهم تر از علم رایانه

است. این اصطلاح در دهه ۱۹۹۰ م جایگزین اصطلاحات پردازش داده‌ها و سیستمهای اطلاعات مدیریت شد که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م بسیار رایج بودند. فناوری اطلاعات معمولاً به تولید، پردازش، نگهداری و توزیع اطلاعات در مؤسسات بزرگ اشاره دارد.

دانش فناوری اطلاعات و رایانه ضمن تفاوت اشتراکاتی با هم دارند. اگر علم رایانه را مشابه مهندسی مکانیک بگیریم، فناوری اطلاعات مشابه صنعت حمل و نقل است. در صنعت حمل و نقل، وسایل حمل و نقل، مانند خودرو، راه آهن، هواپیما و کشتی مطرح است که همه آنها را مهندسان مکانیک طراحی می‌کنند. در عین حال، در صنعت حمل و نقل مسائل مربوط به مدیریت ناوگان، مدیریت آموشد و تعیین راهبرد حمل و نقل در سطح شرکت، شهر و کشور مطرح است که ارتباط مستقیمی به مهندسی مکانیک ندارد.

فناوری اطلاعات متشکل از ۴ عنصر اصلی اساسی، یعنی انسان، سازوکار، ابزار و ساختار است. به این ترتیب، در این فناوری، اطلاعات از طریق زنجیره ارزشی که از به هم پیوستن این عناصر ایجاد می‌شود، جریان می‌یابد و پیوسته تعالی و تکامل سازمان را فرا راه خود قرار می‌دهد.

عناصر اصلی فناوری اطلاعات

- انسان. منابع انسانی، مفاهیم، اندیشه و نوآوری؛
 - سازوکار. قوانین، مقررات و روشها، سازوکارهای بهبود و رشد، سازوکارهای ارزش گذاری و مالی؛
 - ابزار. نرم افزار، سخت افزار، شبکه و ارتباطات؛ و
 - ساختار. سازمانی، فراسازمانی مرتبط و جهانی.
- از اینها گذشته، فناوری اطلاعات شامل فناوریهای است که فرد را در ضبط، ذخیره سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می‌دهند. این معنا شامل فناوریهای نوین، مانند رایانه، انتقال از طریق دورنگار و دیگر وسایل ارتباطی نیز می‌شود.

فناوری اطلاعات در رشته کتابداری، در دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، به این صورت تعریف شده است:

- توسعه و تدوین منابع اطلاعاتی به وسیله رایانه و ایجاد

ارتباط از راه دور به وسیله کانالهای الکترونیکی، به نحوی که دسترسی به پایگاههای اطلاعاتی از طریق تلفن و ارتباط تلویزیونی میسر گردد و برون داده‌های رایانه‌ای، در قالبهای الکترونیکی قابل انتقال به گیرنده‌های دور دست شوند؛

- مجموعه ابزارهای ارتباطی، اعم از وسایل ارتباط از راه دور، ابزارهای دیداری و شنیداری و ماشینهای مربوط، توأم با دانش و شیوه و مهارت استفاده از آنها در تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به جامعه استفاده کننده؛ و

- فراهم آوری، پردازش، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات شفاهی، تصویری، نوشتاری و رقمی به وسیله وسایل الکترونیکی، رایانه و ارتباط از راه دور.

فناوری اطلاعات در هزاره سوم، عمده ترین محور تحول و توسعه در جهان منظور شده است و دستاوردهای ناشی از آن، آنچنان با زندگی مردم عجین شده است که رویگردانی از آن، اختلالی عظیم در جامعه و در رفاه و آسایش مردم پدید می‌آورد. برای مثال، رایانه‌ای شدن بسیاری از امور جاری مردم، انجام بسیاری از کارهای روزمره بانکی با استفاده از اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در منزل، آموزش الکترونیکی و مجازی و عدم نیاز به حضور در کلاسهای درس و توسعه و ترویج تجارت الکترونیکی از نتایج و دستاوردهای فناوری اطلاعات است. اموری که هرچند در مراحل اولیه رشد و تکامل خود هستند، اما در همین حد نیز در رفاه و آسایش انسان نقش بسیار مهمی دارند.

از این رو، امروزه تمام کشورها در زمینه فناوری اطلاعات و عمومیت بخشیدن به آن در جامعه تلاشی پیگیر دارند. در ایران نیز برای تربیت نیروی متخصص و کارآمد در این زمینه و حرکت سریع در این عرصه، رشته مهندسی فناوری اطلاعات در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تدریس می‌شود.

تعریف فناوری

فناوری، شیوه و شگرد ساخت و کاربرد ابزار، دستگاهها، ماده‌ها و فرایندهایی است که گره‌گشای دشواریهای آدمیان اند. فناوری یک فعالیت انسانی است و از این رو، هم

شود. انتخاب گونه تعریف به تراز تجرید انتخابی و نیز به مجموعه شرایط مورد نظر بستگی دارد.

اطلاعات مجموعه‌ای از آگاهیهاست، که مبنای اکتشاف و تولید دانش است. واژه‌های داده‌ها و اطلاعات گاهی به جای هم به کار می‌روند، ولی اطلاعات از پردازش و پرورش داده‌های خام و پردازش نشده به دست می‌آید.

پردازش اطلاعات

پردازش اطلاعات - به طور کلی - عبارت است از تغییر و تبدیل اطلاعات موجود به صورتی دیگر. بدین ترتیب، هر آنچه که در جهان رخ می‌دهد، می‌تواند به نوعی پردازش اطلاعات تلقی گردد.

برای پیدایش اطلاعات، داده‌های خام باید پردازش شوند تا به اطلاعات پرورش یافته تبدیل شوند. گاهی اطلاعات را به ۲ دسته تقسیم می‌کنند:

• اطلاعات خام؛

• اطلاعات پرورش یافته.

باید توجه داشت که اقدام صرف پردازش داده‌ها به تنهایی باعث تولید اطلاعات نمی‌شود. در حالت کلی، داده‌های پردازش شده (اطلاعات) با پیش‌زمینه ذهنی، ارزشمند بشمار می‌آیند. به طور کلی، پردازش فرایندی است که طی آن، داده‌های ورودی (اطلاعات خام) با مجموعه عملیات منطقی یا محاسباتی به خروجی مطلوب (اطلاعات پرورش یافته) تبدیل می‌شوند.

ماهیت اطلاعات

۲ واژه داده‌ها و اطلاعات تفاوت زیادی با هم دارند. داده‌ها اعداد و ارقام خام تجزیه و تحلیل نشده و واقعیت‌هایی درباره رویدادها هستند. اطلاعات در عمل زمانی به دست می‌آید که این داده‌ها تنظیم یا به شیوه‌ای معنی‌دار تجزیه و تحلیل شوند.

داده‌ها

به اعداد، حروف، نوشته‌ها، نگاره‌ها و دیگر اطلاعاتی که از انسانها یا دستگاهها سرچشمه می‌گیرند، داده می‌گویند.

از دانش و هم از مهندسی دیرینه‌تر است.

بر این پایه، واژه فناوری اغلب به نوآوریها و نوازه‌هایی اشاره دارد که از اصول و فرایندهای تازه یافته دانش بهره می‌گیرند. حتی نوآوریهای بسیار کهن، مانند چرخ، نمونه‌هایی از فناوری بشمار می‌روند. از مصداقها فناوری در دوره باستان، فوت کوزه‌گری بوده است. فناوری توانایی انجام کار در تمام سطوح و زمینه‌ها، از جمله طراحی، ساخت، استفاده، تعمیر، نگهداری، تحقیق، توسعه و مانند آن است. امروزه، بسیاری از فناوریها در نتیجه پژوهش به دست می‌آیند و پژوهشگاههای فناوری زیادی در سراسر جهان برپا شده‌اند. به سخنی کوتاه، فناوری علم به کارگیری ابزار است.

تعریف اطلاعات

اگرچه تعریفی فراگیر و همه‌جانبه از اطلاعات در دسترس نیست، اما پدیده‌های گوناگونی را می‌توان برحسب زمینه و موضوع، اطلاعات نام داد. معمولاً از ۳ نوع پدیده به نام اطلاعات یاد می‌شود:

• اطلاعات به‌عنوان یک فرایند شناخت محور؛

• اطلاعات به‌عنوان دانش ارائه شده؛ و

• داده‌ها، اسناد، تصاویر، و موارد همانند آنها.

هرچند اطلاعات به خودی خود مهم است، اهمیت واقعی آن به سبب دانشی است که می‌تواند از آن ناشی گردد. شایان تأکید است که همچون تمام موارد دیگر، اطلاعات، و دانش برآمده از آن، مشمول ترازهای تجرید هستند: آنچه که در این لایه دانش نامیده می‌شود، خود اطلاعات است برای دانشی که در این تراز، بلافاصله بالاتر از آن واقع است. ساده‌ترین مثال، ارتباط چکیده یک مقاله با اصل مقاله است: هرچند مقاله می‌تواند پاسخگوی سؤالات و از نوع دانش باشد، اما به‌عنوان اطلاعات برای چکیده خود عمل می‌کند.

اطلاعات را به صورت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. از منظر فلسفه، اطلاعات پدیده‌ای است چندشکل (Polymorphic) و مفهومی است چندمعنا (Polysemantic). بنابراین، می‌تواند به صورت‌های چندگانه تعریف و تبیین

- پیاده‌سازی شبکه‌های رایانه‌ای؛
- مهندسی رایانه؛
- طراحی سیستمهای پایگاه داده؛
- طراحی نرم‌افزار؛
- مدیریت سیستمهای اطلاعاتی؛ و
- مدیریت سیستمها.

مهندسی فناوری اطلاعات

در بیشتر کشورها دانش فناوری اطلاعات در دانشگاهها با عنوان رشته فناوری اطلاعات شناخته می‌شود، درحالی‌که در ایران، عنوان مهندسی فناوری اطلاعات به کار می‌رود. همچنین، رشته بین رشته‌ای مدیریت فناوری اطلاعات وجود دارد که از ترکیب دو رشته مدیریت و فناوری اطلاعات پدید آمده است. رشته مهندسی فناوری اطلاعات به چگونگی سازماندهی و ساماندهی داده‌ها و رشته مدیریت فناوری اطلاعات به چگونگی تدوین سیستم و استفاده از داده‌ها می‌پردازد.

از جمله کاربردهای فناوری اطلاعات جمع‌آوری، دسته‌بندی و پردازش اطلاعات است. از این‌رو، کارشناس این رشته باید مبانی رایانه را بداند. به عبارت دیگر، هسته اصلی این رشته همان اصول مهندسی رایانه است، ولی چون یکی از توانمندیهای اصلی کارشناسی این رشته بهره‌وری به موقع و صحیح از اطلاعات است، کارشناس باید دارای اطلاعات جنبی در زمینه‌های مختلف باشد. برای مثال، فردی که می‌خواهد از این فناوری در تجارت الکترونیکی استفاده کند، باید با دانش مدیریت آشنا باشد یا فردی که می‌خواهد از آن در آموزش از راه دور بهره ببرد، باید به روشهای آموزش آشنا باشد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان بخش تولیدی

در این رویکرد بر راهبردها و سیاستهای توسعه و تقویت صنایع مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، از جمله صنعت سخت‌افزار، نرم‌افزار و ارتباطات تأکید می‌شود. این رویکرد برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بر توسعه ظرفیتهای ملی و یا حضور در بازارهای بین‌المللی عنایت ویژه دارد. به عبارت دیگر، صنعت فناوری اطلاعات

داده‌ها معمولاً از سوی انسانها یا دستگاهها به صورت نمادهایی قراردادی ارائه می‌شوند. به اطلاعاتی که هنوز روی آنها کار نشده یا به عبارتی پردازش نشده‌اند، داده‌های خام می‌گویند. عبارت داده خام یک عبارت نسبی است، یعنی اطلاعاتی که در یک مرحله پردازش شده بشمار می‌آیند، شاید از سوی دست‌اندرکاران مراحل بعدی هنوز داده‌هایی خام نامیده شوند.

داده‌ها، گروهی از نمادها هستند که رخدادهای را نشان می‌دهند؛ یعنی حقایقی هستند که از طریق مشاهده و تحقیق به دست می‌آیند و سرانجام، مواد خام و اولیه‌ای هستند که پردازش نشده‌اند. در اغلب گزارشها و یادداشتهای سازمانی، داده‌ها به چشم می‌خورند. برای مثال، تاریخ و مقدار یک صورت حساب یا چک، جزئیات فهرست حقوق و یا تعداد وسایل نقلیه‌ای که از نقطه خاصی در کنار جاده گذشته‌اند، نمونه‌هایی از داده‌ها هستند. داده‌ها از منابع خارجی و داخلی به دست می‌آیند. داده‌های گرفته شده از منابع خارجی، به آسانی قابل استفاده‌اند. از دیدگاه فرایند تولید داده‌ها، سیستمها می‌توانند به صورت خودکار داده‌ها را تولید کنند.

داده‌ها امروزه معمولاً از سوی انسان و یا رایانه پردازش می‌شوند. در داده‌پردازی رایانه‌ای اطلاعات خام به رایانه وارد می‌شوند. این اطلاعات در آنجا ذخیره شده و روی آنها عملیاتی صورت می‌گیرد؛ پس از اینکه این عملیات (پردازش) صورت گرفت، معمولاً داده‌ها به یک رایانه دیگر یا دوباره به انسانها منتقل می‌شود. به داده‌هایی که درباره داده‌های دیگر تهیه می‌شوند، *داده‌نما* می‌گویند.

زمینه‌های فناوری اطلاعات

امروزه، معنای اصطلاح فناوری اطلاعات وسعت بسیاری یافته است و بسیاری از جنبه‌های محاسباتی و فناوری را دربر می‌گیرد. متخصصان فناوری اطلاعات وظایف متنوعی دارند: از نصب برنامه‌های کاربردی تا طراحی شبکه‌های پیچیده رایانه‌ای و پایگاه داده‌های اطلاعاتی. برخی از زمینه‌های فعالیت متخصص فناوری اطلاعات عبارتند از:

- مدیریت اطلاعات؛

گرفته‌اند.

کاربردهای فناوری اطلاعات علاوه بر اینها، در بخش وسیعی از کسب و کار توسعه یافته است و نمی‌توان حوزه‌ای از فعالیتهای مرتبط را یافت که فناوری اطلاعات در آن رسوخ نکرده باشد. از این رو، در سالهای اخیر مفهوم کسب و کار الکترونیک پدید آمده است که بیانگر تبدیل و تحول کسب و کارهای مختلف در مواجهه با فناوری اطلاعات است. به عبارت دیگر، کسب و کار الکترونیک، چهره جدید کسب و کارهای بشری در عصر اطلاعات است. با ظهور و توسعه کسب و کار الکترونیک، مشاغل افراد تغییر ماهیت داده و در راستای ارائه خدمات الکترونیکی به ذی‌نفعان و مخاطبان، متحول می‌شوند. کسب و کار الکترونیک محدوده وسیعی از مفاهیم، از جمله تجارت الکترونیک، کشاورزی الکترونیک، تدارکات الکترونیک، گردشگری الکترونیک، بانکداری الکترونیک و مانند آن را دربر می‌گیرد.

کتاب‌شناسی:

- لاودن، کنت. *فناوری اطلاعات*. تهران: کتابدار، ۱۳۸۰.
- مهدوی، محمدتقی. *تکنولوژی اطلاعات و اطلاعات تکنولوژی*. تهران: نشر چاپار، ۱۳۷۹.
- *نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه آموزش و دانش با تأکید بر نقش کتابخانه‌های مجازی*. مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، بی‌تا.
- تیلور، آلن. *سازماندهی اطلاعات*. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۱.
- رولی، جنیفر. *مبانی سیستمهای اطلاعاتی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.
- رضائیان، رضا. *سیستم اطلاعات مدیریت*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۰.
- پائو، میراندالی. *مفاهیم بازیابی اطلاعات*. مشهد: دانشگاه فردوسی (مشهد)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹.
- رجایی، فرهنگ. *پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی*. تهران: آگاه، ۱۳۷۹.
- *Information Technology*. English Wikipedia, Retrieved from wikipedia. org/ wiki/on 026-09-2007.
- Dadashzadeh, M. *Information Technology Management in Developing Countries*. USA: IRM Press. 2002.

علیرضا شکیبا

و ارتباطات در این گونه کشورها، یا به‌عنوان یک صنعت صادراتی در نظر گرفته می‌شود و یا در راستای تأمین نیاز بازارهای ملی و محلی توسعه یافته است. در هر دو حالت، رشد و بالندگی صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان یک مزیت صنعتی و تولیدی مدنظر قرار دارد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان فرابخش توسعه آفرین

در این رویکرد بر راهبردها و سیاستهایی تأکید می‌شود که فناوری اطلاعات و ارتباطات را به‌عنوان زمینه‌ساز و عامل هم‌افزایی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی قلمداد می‌کند. فناوری اطلاعات و ارتباطات در این رویکرد زمینه‌هایی را فراهم می‌سازد، تا بهره‌گیری از قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تسهیل گردد. به عبارت دیگر، فناوری اطلاعات در خدمت رشد و شکوفایی توانهای اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار می‌گیرد. از مصادیق این رویکرد می‌توان توسعه کاربردهای فناوری اطلاعات در بخشهای صنعت، گردشگری، کشاورزی و بازرگانی را نام برد. به هر حال، رویکردهای توسعه فناوری اطلاعات در سطح استانی و ایالتی پیوسته از رویکردهای ملی متأثر است.

کاربردها و خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات ماهیت و شکل بسیاری از فرایندهای روزمره انسان را متحول ساخته، فرایندها و کاربردهای جدیدی را به جهانیان ارائه کرده است. یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از فناوری اطلاعات و ارتباطات، حوزه خدمات کاربردی در بخشهای عمومی و خصوصی است. در حوزه خدمات دولتی، دولت الکترونیک (← دولت الکترونیک) شکل گرفته، در عرصه کسب و کار، تجارت الکترونیک پدید آمده و در زمینه خدمات آموزشی آموزش الکترونیکی در کنار آموزش سنتی مطرح شده است. به این ترتیب، کمتر فعالیتی را می‌توان یافت که از فناوری اطلاعات و ارتباطات متأثر نباشد. کشاورزی و گردشگری نیز در این میان با رواج ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی تا حدودی تغییر ماهیت داده‌اند و شکل جدیدی به‌خود

قاعده رتبه - اندازه ← سلسله مراتب سکونتگاهی

الگوی فضایی استقرار فعالیتهای اقتصادی بیگانه بود. علاوه بر این، او به مفاهیم ضمنی رشد اقتصادی، از جمله عوامل و ساختهای درونی نظام اقتصادی و نیروهای اثرگذار و مرتبط با صنایع و نیز پیوندهای جاری بین واحدهای صنعتی که به نوبه خود می‌توانند در تغییر و تحول اجتماعی - اقتصادی به ایفای نقش بپردازند، توجهی نداشت. پرو نظریه خود را که در ۱۹۵۵م، قطب رشد خوانده بود، در آخرین مقاله خود به نام جایگاه جدید قطب توسعه در نظریه عمومی فعالیت اقتصادی، منتشر شده در ۱۹۸۸م، به قطب توسعه تغییر داد. او در این مقاله، قطب توسعه را مجموعه‌ای معرفی می‌کند که تأثیر آن به صورتی نوآورانه، افزایش پیچیدگی و توسعه کل را زمینه‌سازی و بازده چند بعدی آن را فراهم می‌سازد.

بودویل در ۱۹۶۶م، در عمل، نقطه نظرات پرو را درباره قطب رشد به زبان مفاهیم فضایی برگرداند. بودویل بر مبنای صرفه‌جوییهای برونی و صرفه‌جوییهای حاصل از تجمع، معتقد بود، مجموعه واحدهای صنعتی که قطب رشد را تشکیل می‌دهند، بایستی از لحاظ فضایی به صورتی مجتمع، در پیوند با یک کانون شهری استقرار یابند. او همچنین به تفاوت‌های منطقه‌ای رشد که این راهبرد فضایی ایجاد می‌کرد، اشاره داشت.

اساس نظریه قطب رشد بر پایه مفاهیمی چون صنایع پیشاهنگ و واحدهای پیشتاز اقتصادی، مفهوم قطبی شدن، و صرفه‌جوییهای ناشی از تجمع تشکیل می‌دهد. شاید بتوان گفت، تجمع صنایع و تسری نوآوریهای اقتصادی مهم‌ترین جنبه‌های این نظریه است. در چارچوب این مفاهیم، فرضها، اصول و راهبردهای نظریه قطب رشد را می‌توان بدین شکل ترسیم کرد:

- صرفه‌جوییهای داخلی، شامل کاهش هزینه واحد تولید به واسطه بزرگی مقیاس و کاربرد فنون جدید تولید، مستلزم وسعت واحدهای تولیدی است؛
- صرفه‌جوییهای خارجی، از جمله کاهش هزینه واحد تولید به خاطر بهره‌گیری از خدمات موجود شهری، موجب تجمع بیشتر واحدهای تولیدی می‌شود و بنابراین، گسترش واحدهای صنعتی بیشتری را تسهیل می‌کند؛

قطب رشد، رویکرد

Growth Pole Approach

قطب رشد مجموعه‌ای از فعالیتهای اقتصادی متمرکز در یک کانون معین است که بر اساس نظریه، قادر است به شیوه‌های نوآورانه، رشد سایر مجموعه‌ها را نیز زمینه‌سازی کند. با توجه به تأکید این رویکرد بر فعالیت نوین صنعتی، قطب رشد را مجموعه‌ای پویا و شدیداً هماهنگ از واحدهای صنعتی در اطراف یک بخش پیشاهنگ یا صنعت پیشتاز بشمار آورده‌اند. بر این اساس، قطب رشد قادر است موجبات رشد سریع اقتصادی را فراهم سازد و از طریق تبعات و تسری این رشد، بستر رشد فزاینده سایر بخشهای اقتصادی را مهیا سازد.

رویکرد قطب رشد بر نظریات فرانسوا پرو متکی است. او طی مقاله‌ای با عنوان فضای اقتصادی در ۱۹۵۰م و به دنبال آن در ۱۹۵۵م، چاپ مقاله نظریه رقابت انصار طلبانه - نظریه عمومی فعالیت اقتصادی، به معرفی و تکمیل بحث خود در این زمینه پرداخت. البته، ایده اصلی قطب رشد در اصل به اندیشه‌های شومپتر باز می‌گردد؛ او در بحث خود از خوشه‌های نوآوری، می‌گفت، چگونه نوآوری ممکن است شالوده مجموعه‌های کلی مبتنی بر تصمیمات کم‌وبیش اخذ شده در یک دوره کوتاه یا بلندمدت را فراهم سازد.

پرو معتقد بود، رشد اقتصادی همه جا یکسان پدیدار نمی‌گردد، بلکه کم‌وبیش و با درجه متفاوت، در کانونها و یا قطبهای معین رشد امکان بروز می‌یابد؛ تنها پس از برپایی صنایع پیشرو در این قطبها و رشد صنعتی آنها، با رواج نوآوری، رشد اقتصادی بر دیگر بخشهای اقتصادی تسری خواهد یافت. نقطه نظرات پرو در آغاز، صرفاً بر رشد اقتصادی تأکید داشت و در واقع، با جنبه‌های مرتبط با

علاوه بر این، در این گونه قالبهای فکری، فرض بر آن است که شهرهای هم اندازه الزاماً باید عملکردهای مشابه داشته باشند؛

• رویکردهای قطب رشد، سطح توسعه نواحی روستایی را در اغلب موارد، واپس مانده و وابسته می داند و توسعه آنها را به انگیزشها و محرکه های پخش یا تسری به پائین از سوی شهرها متکی می دانند؛

• در شیوه برنامه ریزی براساس رویکردهای مبتنی بر قطب رشد، گره ها یا کانونهای شهری مهم ترین کنشگر بشمار می آیند و بدینسان، تفکیک حوزه های نفوذ آنها امری بی ثمر و غیر لازم تصور می شود. به عبارت دیگر، مرزهای منطقه ای موجود نامشخص و مبهم باقی می ماند؛ و بالاخره،

• نوع سیاستگذاریها و خط مشی گذاری در رویکردهای مبتنی بر قطب رشد، اساساً حول ترغیب کننده های جلب فعالیت صنعتی دور می زند. به سخن دیگر، بر فراهم سازی عمومی زیرساختهای اقتصادی برای صنایع شهری و توسعه راههای اصلی در سطح ملی که مراکز اصلی و قطبهای رشد (شهری) را به پایتخت و در صورت گسترش، به بازارهای بین المللی متصل می سازد، تأکید می ورزد.

شواهد عینی حاکی از آن است که پیروی از رویکرد قطب رشد در برنامه ریزی منطقه ای، در اغلب موارد، به توسعه نامتعادل منطقه ای منجر شده است. البته باید توجه داشت که این رویکرد، همچون تمام راهبردهای فضایی، هرگز نمی تواند مستقل از پوشش زیربنایی مناسبات اجتماعی - اقتصادی جوامع مطرح گردد. قطب رشد نمونه ای آشکار و مستقیم از دخالت دولت در ساختار و پوشش جامعه بزرگ تری که خود جزئی از آن است، به دست می دهد.

کتاب شناسی:

- Andersen, E. S. *Evolutionary Economics: Post-Schumpeterian Contributions*. London: Printer, 1994.
- Brookfield, H. *Interdependent Development*. London: Methuen & Co., 1975.
- Hirschman, A. O. *The Strategy of Economic Development*. New Haven, Conn.: Yale University Press, 1961.
- Nelson, R. R., and Winter, S. G. *An Evolutionary Theory of Economic Change*. Mass. and London: Belknap Press, Cambridge, 1982.
- Perroux, F. "Note Sur la Notion de Pôle de Croissance",

• با تجمع واحدهای صنعتی، زمینه سازی برای جلب بیشتر سرمایه و فناوری به سوی کانون شهری مرتبط یا قطب رشد فراهم می گردد؛ ارائه امتیازات خاص برای جلب سرمایه و فناوری بیشتر به سوی قطب رشد، تسهیل کننده این روند خواهد بود؛

• بر این مبنا، از طریق رشد واحدهای صنعتی در این کانون، رشد اقتصادی میسر می گردد و زمینه تسری آن به سایر بخشها، در سراسر منطقه فراهم می آید؛ و

• بدین ترتیب، با توجه به کمبود منابع و امکانات برای رشد و توسعه تمام عیار منطقه ای، کانونها یا قطبهای رشد با تمرکز فعالیتها و خدمات مرتبط شهری و اقتصادی، ایجاد می شوند و زمینه رشد اقتصادی سرزمین را - هر چند همراه با عدم تعادل منطقه ای - فراهم می سازند.

سادگی آشکار این رویکرد، پیشنهادات آن مبنی بر تأکید بر رشد و پوشش اقتصادی و قابلیت آن در حل مسائل رشد و برنامه ریزی بخشی، همراه با برنامه ریزی کالبدی و رشد بین منطقه ای، موجب به کارگیری نسبتاً وسیع این رویکرد در برنامه ریزیهای منطقه ای و ملی شد. بدین ترتیب، از زمان طرح این نظریه، رویکرد قطب رشد منطقه ای در عمل، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بر کوششهای توسعه منطقه ای به نحوی بارز غلبه داشته است.

مایک داگلاس (۱۹۹۸م) که نگاهی بسیار نزدیک به جان فریدمن دارد، نقطه نظرات انتقادی و مقایسه ای خود را نسبت به رویکرد قطب رشد، به ویژه در مقایسه با راهبرد شبکه منطقه ای، به صورت جمع بندی شده، به شرح زیر ابراز می دارد:

• رویکردهای مختلف قطب رشد با تقلیل گرایی و مجردنگری، فعالیتهای صنعتی شهرها را به مثابه بخش راهبردی برای توسعه منطقه ای بشمار می آورند؛

• بیشتر سیاستهای مبتنی بر قطب رشد به دنیای واقعی نگاهی مطلق و بر مبنای سلسله مراتب (از بالا به پائین) دارند و بدین ترتیب، به نحو ضمنی چنین فرض می کنند که وسعت (اندازه) شهر می تواند به عنوان ملاکی اساسی برای تشخیص و تعیین شهر اصلی یک منطقه به کار رود.

- Economie Appliquée*. Vol. 8, 307-320 (reprinted in Perroux, 1969, 178-190), 1955.
- Perroux, Francois. "Economic Space: Theory and Applications", *Quarterly Journal of Economics*. 64, 1950.
 - Perroux, Francois. "The Theory of Monopolistic Competition; A General Theory of Economic Activity", *The Indian Economic Review*. 2, Feb. 1955.
 - Perroux, Francois. "The Pole of Development's New Place in a General Theory of Economic Activity", *Regional Economic Development: Essays in Honor of Francois Perroux*. B. Higgins and D. J. Savoie (eds), Boston: Unwin Hyman, 1988.
 - Porter, M. E. *Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance*. New York: Free Press, 1985.
 - *Evolutionary Theories of Economic and Technological Change: Present Status and Future Prospects*. P. P. Saviotti and J. S. Metcalfe (eds). London: Harwood, 1991.
 - Schumpeter, J. A. *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle*. London: Oxford University Press, 1934.
 - Watkins, M. "A Stable Theory of Economic Growth", *Canadian Journal of Economics and Political Science*. Vol. 29, 1963.
 - Witt, U. (ed). *Evolutionary Economics*. Aldershot: Elgar, 1993.

عباس سعیدی

ک-گ

کارآفرینی

Entrepreneurship

فرایند بسیج منابع برای براه انداختن کسب و کار جدید و تولید محصول یا خدمات جدید که با خطر از دست دادن سرمایه همراه است.

واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی Entrepredre به مفهوم تعهد کردن کاری است. براین اساس، کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد.

کارآفرین در زبان فرانسه، ابتدا به کسی اطلاق می‌شد که گروه موزیک یا دیگر فعالیتهای تفریحی و سرگرم کننده را سازماندهی می‌کرد سپس در اوایل قرن ۱۶م این مفهوم برای کسانی به کار برده می‌شد که به مأموریت‌های نظامی اعزام می‌شدند. به تدریج این واژه در قرن ۱۷م کاربرد بیشتری پیدا کرد و فعالیتهای مهندسی، همچون امور ساختمانی و سنگ‌سازی را نیز شامل شد. با شروع قرن ۱۸م، این اصطلاح برای فعالیتهای اقتصادی به کار گرفته شد. در این قالب، مفهوم کارآفرین، بیش از ۴ قرن مسیر تکاملی خود را پیمود. از این زمان به بعد بود که واژه کارآفرین برای فعالیتهای متنوع و در قالب دیدگاههای مختلف مطرح شد.

سیر تکاملی و تعاریف کارآفرینی

کارآفرینی موضوعی میان‌رشته‌ای است که رشته‌های مختلفی همچون اقتصاد، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت در تکامل آن نقش اساسی داشته‌اند. در تاریخ توسعه اقتصادی، اقتصاددانان کلاسیک، همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، نقش مهمی برای

کارآفرین در توسعه اقتصادی قائل نبودند. به نظر آنان عوامل تولید، عبارتند از: سرمایه، ماشین‌آلات و نیروی کار که به‌طور خودکار و خودتنظیم توسعه اقتصادی را موجب می‌شوند.

ریچارد کانتیلون در حدود سالهای ۱۷۳۰م برای اولین بار عوامل اقتصادی را به ۳ دسته تقسیم کرد:

- مالکان زمین؛
- عوامل اقتصادی دستمزدبگیر؛ و
- آن دسته از عوامل اقتصادی که با قبول خطر و ریسک در بازار بورس فعالیت می‌کنند.

ژان باتیست سی اولین کسی بود که بر نقش حیاتی کارآفرینان در بسیج منابع اقتصادی براساس اصول بهره‌وری تأکید کرد.

ژوزف شومپتر (۱۹۳۴م) اقتصاددان برجسته، کارآفرینی را موتور محرک توسعه اقتصادی می‌داند و از آن با نام تخریب خلاق یاد می‌کند. این بدان معنی است که کارآفرین، تعادل ایستا را در اقتصاد تخریب و تعادل پویایی را که لازمه توسعه اقتصادی است، ایجاد می‌کند. کار شومپتر در مورد توسعه اقتصادی و کارآفرینی، تأثیر بسزایی بر آثار بعدی در مورد کارآفرینی داشته است، به‌طوری‌که وی را پدر مفهوم کارآفرینی می‌نامند.

در مجموع، ۳ نگرش اصلی اقتصادی در حوزه کارآفرینی وجود دارد:

- مکتب نئوکلاسیک؛
 - مکتب اتریش؛ و
 - مکتب شومپتر.
- در مکتب نئوکلاسیک، کارآفرین یک صاعقه حسابگر است؛ افرادی که به‌سرعت رعدوبرق، گزینه‌ها و فرایندهای

تعریف کارآفرینی از دیدگاه صاحب نظران

ژان باتیست سی معتقد است کارآفرین فردی است که منابع اقتصادی را از حوزه بهره‌وری و سود پائین‌تر، به حوزه بهره‌وری و سود بالاتر، منتقل می‌کند.

ژوزف شومپیتر می‌گوید: کارآفرین فردی است که ترکیبات جدیدی را در تولید ایجاد می‌کند و کارآفرینی عبارت است از عرضه کالایی جدید، روشی جدید در فرایند تولید، ایجاد بازاری جدید، یافتن منابع جدید و ایجاد هرگونه تشکیلات جدید در کسب‌وکار.

کرایز نر بیان می‌کند، کارآفرینی بر بهره‌برداری از فرصتهای کشف نشده تأکید دارد. در مقابل، به نظر پیتر دراگر کارآفرینی بهره‌برداری از فرصتها برای ایجاد تغییر است و کارآفرین همواره به دنبال تغییر، پاسخ دادن به آن و بهره‌برداری از آن به عنوان یک فرصت است.

وسپر می‌گوید کارآفرینان افرادی هستند که رقابت را افزایش می‌دهند، به دنبال فرصتهای مناسبی هستند تا در محیط بازار، نیازهای برآورده نشده را برآورده کنند و عقاید جدید را خلق کنند.

در حالی که، تیمونز معتقد است، کارآفرینی، خلق چیزی ارزشمند از هیچ است، به نظر استیونسون کارآفرینی عبارت است از پیگیری فرصتها بدون توجه به منابعی که در کنترل قرار دارند.

پارستون می‌گوید کارآفرینی رفتاری مدیریتی است که فراتر از ظرفیتهای افراد به‌طور دائم از فرصتها برای دستیابی به نتایج، بهره‌برداری می‌کند. در همین راستا، به نظر تامپسون کارآفرینی موقعیت‌یابی و بهره‌برداری از فرصتهاست.

فری بیان می‌کند کارآفرینی به معنای آغاز یا رشد شرکت نوپا از طریق مدیریت نوآورانه و مدیریت مخاطره‌پذیر است.

لایوسی معتقد است کارآفرین کسی است که فرصت بازار را درک می‌کند و سرمایه لازم را برای بهره‌برداری یکپارچه می‌سازد.

به نظر استونر کارآفرین کسی است که کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدید و سازمان جدیدی را بنیانگذاری می‌کند.

مولد را بررسی و بهترین گزینه‌ها را انتخاب می‌کنند. مکتب اقتصادی اتریش، مفهومی پویاتر و غنی‌تر از کارآفرینی مطرح می‌کند. براساس رویکرد این مکتب، کارآفرینان فرصتهای بازار نامتعادل را کشف و از آنها بهره‌برداری می‌کنند تا بازار به موقعیت تعادل برسد.

شومپیتر که هوادار مکتب اتریش است، کارآفرین را فردی متفکر، جسور و رهبری الهام‌بخش می‌داند که باید با ترکیب منابع اقتصادی در قالب روشی جدید، عدم تعادل اقتصادی ایجاد کند.



علاوه بر اقتصاددانان، صاحب نظران روان‌شناسی، مدیران، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز به بررسی جنبه‌های مختلف کارآفرینی پرداخته‌اند. مطالعه کارآفرینی در روان‌شناسی بر درک این نکته که چطور صفات افراد مختلف با انگیزش و عملکرد کارآفرینانه آنان ارتباط دارد، متمرکز بوده است. جامعه‌شناسان در شناسایی گروه‌بندیهای اجتماعی براساس مذهب و نژاد و تأثیر آنها در فعالیتهای کارآفرینانه، تلاشهایی کرده‌اند و مردم‌شناسان نیز بر نقشهای فرهنگ و روابط اجتماعی در کارآفرینی تأکید داشته‌اند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰م نیز نویسندگان علوم مدیریت، به کارآفرینی و اداره امور کسب‌وکارهای کارآفرینانه توجه کردند.

کارآفرینی

- منجر به ایجاد اشتغال در مقیاس وسیع می‌شود. بنابراین، مشکلات بیکاری (← بیکاری) را که ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی-اجتماعی است، کاهش می‌دهد؛
 - به توسعه متوازن منطقه‌ای منجر می‌شود؛
 - باعث کاهش تمرکز اقتصادی در جامعه می‌شود؛
 - منجر به توزیع مجدد ثروت، درآمد و حتی قدرت سیاسی به صورت عادلانه در جامعه می‌شود؛
 - منابع، سرمایه‌ها و مهارتها را که ممکن است بی‌استفاده و سرگردان باقی مانده باشند، به طور مؤثر به تحرک وامی‌دارد؛
 - کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. کارآفرینان، پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات جدیدند. این گونه تلاشهای بدیع، موجب تولید فناوری و ماشین‌آلات بهتر و سیستمهای تولیدی مؤثرتر می‌شود و از این طریق، محصولات و خدمات ارتقاء می‌یابد و کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و زندگی را راحت‌تر و ساده‌تر می‌کند؛
 - تجارت خارجی را که جزء مهمی از توسعه اقتصادی کشورهاست، ارتقا می‌دهد؛ و
 - موجب افزایش سود اجتماعی از طریق دولت می‌شود. با درآمدهایی که دولت از طریق مالیات، حقوق گمرکی و واگذاری پروانه کارآفرینان به دست می‌آورد، می‌تواند در پروژه‌های مختلفی همچون احداث جاده‌ها و پلها، سرویسها و تسهیلات آموزشی و پزشکی، حفظ صلح و آرامش و دیگر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی سرمایه‌گذاری کند.
- علاوه بر موارد یادشده، می‌توان کارآفرینی را عامل تحریک و تشویق حس رقابت، ترکیب و مهیا کردن عوامل تولید، عامل ساماندهی منابع و استفاده اثربخش از آنها، عامل یکپارچگی و ارتباط بازارها، عامل رفع خلل، شکافها و تنگنای بازار و اجتماع، یکی از عوامل تولید، عامل کاهش دیوانسالاری اداری (← دیوانسالاری)، عامل تحول و تجدید حیات ملی و محلی، عامل شناخت، ایجاد و گسترش بازارهای جدید، عامل نوآوری و روان‌کننده تغییر و عامل تعادل در اقتصاد پویا، تلقی کرد.

انواع کارآفرینی

کارآفرینی قبول مخاطره در سرمایه‌گذاری و محرک توسعه

احمدپور و مقیمی معتقدند: کارآفرین فردی است که ایده و فکر جدید داشته باشد و با بسیج منابع از طریق فرایند ایجاد یک کسب‌وکار (کسب‌وکار الکتریکی یا اینترنتی، کسب‌وکار خانگی، کسب‌وکار خانوادگی، کسب‌وکار کوچک و متوسط) که توأم با مخاطره مالی و اجتماعی و حیثیتی است، محصول و خدمت جدید به بازار عرضه کند.

اهمیت و ضرورت کارآفرینی

بی‌شک، روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است، به گونه‌ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نقش محوری داشته‌اند و کشورهای توسعه‌نیافته اهمیت آن را در توسعه اقتصادی نادیده گرفته‌اند؛ سرمایه در دسترس کشورها را کشف و از آنها بهره‌برداری می‌کنند.

تاریخچه توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، مستنداتی برای حمایت از این واقعیت فراهم می‌آورد که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد علت توسعه کشورهای همچون امریکا، ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته‌اند، کارآفرینی است. کارآفرینی هم‌اکنون به عنوان یک حرفه ظهور کرده است و همانند دیگر حرفه‌ها باید توسعه یابد و از طریق برنامه‌های آموزشی و دانشگاهی خاص مبتنی بر مطالعات رفتاری و تجربی، پرورش پیدا کند.

پارسون و اسملسر، کارآفرینی را یکی از دو شرط ضروری توسعه اقتصادی می‌دانند. (شرط ضروری دیگر به نظر آنان عبارت است از خروجی افزوده سرمایه). شومپتر نیز از جهت نقش کارآفرینی در ایجاد نوآوری آن را محور کلیدی توسعه اقتصادی تلقی می‌کند.

امروزه، صاحب‌نظران بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند. مهم‌ترین این نقشها از این قرارند:

- موجب گردآوری پس‌اندازهای عمومی بی‌هدف و سرگردان می‌شود و روند تشکیل سرمایه را بهبود می‌بخشد؛

سرمایه‌گذاران جلب می‌شود؛ و

- راهبردها و برنامه‌کسب‌وکار. مشخص کردن اهداف کلی، راهبردها و برنامه‌های تفصیلی کسب‌وکار.

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. *کارآفرینی در سازمانهای دولتی*. تهران: انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- مقیمی، سیدمحمد و احمدپور، محمود. *مبانی کارآفرینی*. تهران: انتشارات مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- Anderson & Dunkelberg. *Entrepreneurship Starting a New Business*. Harper & Row, 1990
- Bygrave, William. "The Entrepreneurial Process", *The Probable MBA in Entrepreneurship*. New York: John Wiley & Sons, 1994.
- Echols, ana and Neck, Christopher. "The Impact of Behaviors and Structure on Corporate Entrepreneurial Success", *Journal of Managerial Psychology*. Vol. 13, No. 1, 1998.
- Fry, Fred. *Entrepreneurship: A Planning Approach*. New York: West Publishing Company, 1993.
- Hodgetts, Richard and Kuratko, Donald, F. *Effective Small Business Management*. Philadelphia Harcourt College, 2001.
- Holt, David. *Entrepreneurship: New Venture Creation*. New Delhi: Prentice-Hall, 2002.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A Contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, 2001.
- Prokopenko, Joseph and Pavlin, Igor. *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. International Labor Organization, 1991.

سیدمحمد مقیمی

کارآفرینی اجتماعی

Social Entrepreneurship

کارآفرینی فرایندی است که در محیطها و مجموعه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد و طی آن، از طریق نوآوریهای افرادی که به فرصتهای اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، تغییراتی در نظام اقتصادی رخ می‌دهد که در ابعاد فردی و اجتماعی، موجب ایجاد ارزشهای تازه‌ای می‌شود.

اساساً کارآفرینان و رفتار کارآفرینانه در هر زمینه‌ای

اقتصادی است. کارآفرینان که با سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز در جستجوی فرصت هستند خلاقیت، مهم‌ترین ابزار آنان برای موفقیت محسوب می‌شود.

کارآفرینی را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند. در یک تقسیم‌بندی ساده کارآفرینی به ۲ دسته شامل کارآفرینی فردی (مستقل) و کارآفرینی سازمانی تقسیم می‌شود:

• **کارآفرینی فردی (مستقل)**، حالتی است که فردی کسب‌وکار مستقلی را ایجاد می‌کند یا نمایندگی آن را از طریق شناسایی فرصت و بسیج منابع و امکانات لازم به دست می‌آورد، درحالی‌که تمرکز او بر نوآوری، توسعه فرایند، ایجاد محصولات یا خدمات جدید است.

• **کارآفرینی سازمانی یا درون‌سازمانی**، شامل پرورش رفتار کارآفرینانه در سازمانی است که قبلاً تأسیس شده است. در این نوع کارآفرینی، یک شرکت یا سازمان، محیطی را فراهم می‌سازد تا اعضا بتوانند در امور کارآفرینی شرکت کنند. در این‌گونه موارد محصولات، خدمات جدید یا فرایندهای نوآورانه از طریق ایجاد فرهنگ کارآفرینانه به ظهور می‌رسند.

فرایند کارآفرینی

کارآفرینی فرایندی است که از عناصر مختلفی تشکیل شده است. مهم‌ترین اجزای این فرایند به قرار زیر است.

• **کارآفرین**. فردی که به‌صورت آگاهانه تصمیم می‌گیرد کسب‌وکار مخاطره‌آمیز جدیدی را آغاز کند که کلیدی‌ترین جزء فرایند کارآفرینی است.

• **فرصت**. فرصتهای زیادی در جامعه برای کسب‌وکار وجود دارد؛ ولی کارآفرین با تجربه و تحلیل و شناسایی موقعیتهای بازار، فرصتهایی را که از ظرفیت بالایی برخوردارند، برای شروع کسب‌وکار خود برمی‌گزینند؛

• **ساختار**. کارآفرین برای انجام کسب‌وکار خود باید مشخص کند که در قالب چه نوع ساختاری (به‌صورت فردی، شراکتی یا شرکتی) می‌خواهد فعالیت خود را آغاز کند؛

• **منابع**. منابع مالی و انسانی شناسایی و حمایت

کارآفرینی اجتماعی

به انجام می‌رسد، ترکیب می‌کند. آشکار است که زمان رویکردهای کارآفرینانه در قبال مسائل اجتماعی فرا رسیده است، هرچند بسیاری از تلاشهای دولتی و بشردوستانه کمتر از انتظارات بوده‌اند. از آنجا که مؤسسات مهم اجتماعی ناکارآمد و فاقد کارایی مطلوب هستند، کارآفرینان اجتماعی باید الگوهای نوین را برای سده حاضر به کار گیرند.

ممکن است که زبان کارآفرین اجتماعی تازه و نو باشد، اما کارآفرینی اجتماعی پدیده‌ای جدید نیست. بسیاری از نهادهایی را که ما امروز از آنها بهره می‌گیریم، کارآفرینان اجتماعی بنا نهاده‌اند. علاوه بر سرمایه‌گذاریهی غیرانتفاعی و نوآوران، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند شامل شرکتهای تجاری با اهداف اجتماعی، همچون بانکهای انتفاعی توسعه و سازمانهای مختلط که عناصر انتفاعی و غیرانتفاعی را با یکدیگر ترکیب می‌کنند، و یا آموزش و استخدام افراد بی‌خانمان باشد. این اصطلاح جدید، حوزه عمل اجتماعی را گسترش می‌دهد، زیرا کارآفرینان اجتماعی از کارآمدترین روشهای خدمت به فعالیتهای اجتماعی بهره می‌گیرند. لاری شین معتقد است، مفهوم کارآفرینی اجتماعی، اصول کارآفرینی را با تمرکز بر کسب و کارهای سودآور، هم برای توسعه اقتصادی و هم برای کالاهای عمومی، به کار می‌گیرد.

اگرچه مفهوم کارآفرینی اجتماعی رواج یافته است، اما نزد افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. بسیاری از نهادهای کارآفرینی اجتماعی، به استثناء سازمانهای غیرانتفاعی، شروع به سرمایه‌گذاریهای انتفاعی یا درآمدزا می‌کنند. این در حالی است که بسیاری این مفهوم را برای تعریف کسانی به کار می‌برند که یک سازمان غیرانتفاعی را تأسیس کرده باشند. به این ترتیب، هنوز هم عده‌ای این اصطلاح را در مقابل مالکان شرکتهایی به کار می‌برند که مسئولیتهای اجتماعی را در فعالیتهایشان ادغام می‌کنند.

کارآفرینی اجتماعی به صورتیهای مختلف تعریف شده است. برخی از مهم‌ترین این تعاریف عبارتند از:

• کارآفرینی اجتماعی زمینه‌نویس وظهوری شامل سازمانهای غیرانتفاعی است که افراد را در شروع کسب و کارهای

یافت می‌شوند. مهم‌ترین این زمینه‌ها عبارتند از:

- کسب و کار تجاری؛
- امور اجتماعی، به ویژه در پیشگامیها و ابتکارات فردی (کارآفرینی اجتماعی) و پیشگامی و ابتکارات بخش عمومی (کارآفرینی مدنی)؛
- امور علمی؛
- امور هنری؛
- امور ورزشی؛
- خدمت سربازی و نظام وظیفه؛ و
- امور اکتشافی و ماجراجویانه.

مطالعات کارآفرینی همواره متوجه سطح فردی و جنبه‌های اقتصادی شروع یک کسب و کار جدید و توسعه آن بوده است. کارآفرینی اجتماعی با چارچوبی سروکار دارد که هم کارآفرینی در حوزه اقتصادی و هم کارآفرینی در حوزه اجتماعی را شامل می‌شود. مفهوم کارآفرینی اجتماعی به معنی کارآفرینی در یک زمینه اجتماعی برای سازمانهای غیرتجاری و اقتصاد اجتماعی را دربر می‌گیرد. سازمانها و افراد به دلایل مختلف به کارآفرینی اجتماعی متوسل می‌شوند؛ مهم‌ترین این دلایل عبارتند از:

- درک مناسب‌تر از نیازهای جامعه؛
- کیفیت بالاتر خدمات با تمرکز بر آنچه که سازمان بهتر انجام می‌دهد؛
- عملیات مؤثرتر و کارتر در سازمان؛
- افزایش منابع مالی؛
- استفاده بهتر از منابع مالی؛
- آزادی بیشتر و انتخاب منابع برای نیل به نیازهای جامعه؛
- بهبود هماهنگی بین هیئت‌مدیره و نیروهای انسانی؛
- روابط بهتر با مشتریان و سایر سهامداران بیرونی؛
- افزایش حس اعتماد ارباب رجوع و سرمایه‌گذاران؛ و
- تداوم یادگیری و بهبود.

مفهوم و تعاریف کارآفرینی اجتماعی

اندیشه کارآفرینی اجتماعی حساسیتهای زیادی را برانگیخته است. این اندیشه، مفهوم فعالیت اجتماعی را با تصویری از فعالیت تجاری گونه یا نوآورانه، که توسط پیشروان فناوری

انتفاعی یاری می‌دهند. این سازمانهای غیرانتفاعی که برای نقدینگی به منظور پیشبرد برنامه‌هایشان به ایجاد ارزش اقتصادی می‌پردازند، از منابع خود به صورت خلاقانه برای امور اجتماعی استفاده می‌کنند.

• کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه برنامه‌های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب‌وکار و قدرت مالی هستند و یا در استفاده از فرصتهای خدمات اجتماعی با محدودیت مواجهند.

• کارآفرینی اجتماعی زمینه نوظهوری است که به‌ویژه در میان سازمانهای غیرانتفاعی رواج دارد و فعالیتهای اجتماعی خطیر، کسب‌وکار با هدف اجتماعی و فعالیت در زمینه توسعه اجتماعی را شامل می‌شود.

• کارآفرین اجتماعی کسی است که کسب‌وکار غیرانتفاعی را برای ایجاد درآمد به منظور هزینه کردن برای خدمات اجتماعی متقبل می‌شود.

گریگوری دیز یکی از بهترین تعاریف از کارآفرینی اجتماعی را ارائه کرده است. به نظر او، کارآفرینی اجتماعی شور و شوق یک رسالت اجتماعی را با بینش تجاری و بازرگانی ترکیب می‌کند.

هر تعریفی از کارآفرینی اجتماعی باید منعکس کننده نیاز به یک جایگزین برای بازار باشد، که برای کارآفرینان اقتصادی کاربرد دارد. نمی‌توان فرض کرد که نظم بازار به‌طور خودکار باعث حذف آن دسته از سازمانهای اجتماعی می‌شود که استفاده بهینه و کارآمدی از منابع ندارند. تعریف زیر با تأکید بر نظم و قابلیت کاربرد عقاید ارزش‌آفرینی برگرفته از سی (Say)، عوامل تغییر و نوآوری شومپتر، پیگیری فرصتها نزد دراکر و تدبیر و چاره‌اندیشی استیونسون را با یکدیگر ترکیب کرده است. این تعریف رامی‌توان به شرح زیر بیان کرد: کارآفرینان اجتماعی نقش عوامل تغییر در بخش اجتماعی را به طرق ذیل ایفا می‌کنند:

۱. انطباق با رسالت ایجاد و حفظ ارزشهای اجتماعی (نه ارزش خصوصی)؛

۲. شناخت و پیگیری فرصتهای جدید در راستای آن هدف؛

۳. حضور در فرایند مستمر نوآوری، تطابق و یادگیری؛

۴. فعالیت بدون محدودیتهای وضع شده از سوی عواملی

که فعلاً در اختیار نیستند؛ و

۵. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در قبال نهادهایی که در راستای ایجاد نتایج مناسب هستند.

البته این تعریف، تعریفی ایده‌آل است. هرچه فردی به برآورده ساختن این شرایط نزدیک‌تر شود، بیشتر می‌تواند به یک الگوی کارآفرینی اجتماعی دست یابد. آنانی که کارشان نوآورانه‌تر است و پیشرفتهای اجتماعی بیشتری را باعث می‌شوند، کارآفرین‌تر به حساب می‌آیند. کارآفرینان اجتماعی در نظر شومپتر، کسب‌وکار خود را پیوسته اصلاح یا متحول می‌کنند. عناصر مرتبط با این تعریف عبارتند از:

• **عوامل تغییر در بخش اجتماعی.** کارآفرینان اجتماعی اصلاح‌کننده یا متحول‌کننده و درعین حال، دارای هدفی اجتماعی هستند؛ در نحوه انجام امور در بخش اجتماعی تغییرات اساسی ایجاد می‌کنند؛ دیدگاه آنها روشن و واضح است؛ به ریشه علل مشکلات می‌پردازند، نه صرفاً به بهبود آنها، و به جای برآوردن نیازها، آنها را کاهش می‌دهند؛ به دنبال ایجاد تغییرات سیستماتیک و پیشرفتهای پایدار هستند؛ و هرچند به‌طور داخلی و محلی فعالیت می‌کنند، اما فعالیتهای آنها توان بالقوه برانگیختن پیشرفتهای جهانی در عرصه‌های برگزیده آموزش، مراقبتهای بهداشتی، توسعه اقتصادی، محیط زیست، هنر یا هر بخش دیگر اجتماعی را دارد.

• **ترسیم هدف مشخص برای ایجاد و حفظ ارزشهای اجتماعی.** این امر نقطه ثقل وجه تمایز کارآفرینان اجتماعی از کارآفرینان اقتصادی و حتی شرکتهای دارای مسئولیتهای اجتماعی است. هدف اجتماعی برای یک کارآفرین اجتماعی الزامی و بنیادی است. این هدف برای پیشرفتهای اجتماعی است که نمی‌توان آن را به مزایای شخصی افراد (سود مالی یا مزایای مصرف) تنزل داد. سودآوری، ایجاد ثروت یا برآوردن نیازهای مشتریان، بخشی از این الگو است. اما اینها ابزار یک هدف اجتماعی هستند، نه خود آن هدف. در اینجا، سود مقیاس ایجاد ارزش نیست؛ حتی درجه رضایت مشتریان نیز ملاک نیست، بلکه تأثیرگذاری اجتماعی میزان است. کارآفرینان اجتماعی به دنبال سود بلندمدت اجتماعی حاصل از سرمایه‌گذاری، خواهان

می‌دانند، نه یک تراژدی فردی و شخصی.

• **فعالیت بدون محدودیتهای وضع شده از سوی عواملی که فعلاً در اختیار نیستند.** کارآفرینان اجتماعی اجازه نمی‌دهند که منابع محدود مانع از پیگیری دیدگاههایشان شود. آنها در انجام امور و جذب منابع از دیگران کم‌وبیش ماهرتر هستند؛ از منابع کمیاب به بهترین وجه استفاده می‌کنند و با در اختیار گذاشتن آنها برای شرکا و همکارانشان، این منابع محدود را افزایش می‌دهند؛ آنها تمام راههای استفاده از منابع، از فعالیتهای خیرخواهانه تا روشهای تجاری و بازرگانی را می‌آزمایند؛ چندان به ضوابط و رویه‌های بخشها متعهد نیستند و راهبردهایی را در قبال منابع برمی‌گزینند که در راستای اهداف اجتماعی آنها قرار داشته باشند؛ خطرات را می‌سنجند و زیانهای احتمالی را پاسخ می‌گویند و بدین ترتیب، عواقب شکست را کاهش می‌دهند؛ خطرات تهدید کننده سهامدارانشان را درک می‌کنند و از آن برای انتشار این خطر در میان کسانی استفاده می‌کنند که آمادگی پذیرش آن را دارند.

• **ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در قبال نهادهایی که در راستای ایجاد نتایج مناسب هستند.** از آنجا که نظم بازار، به خودی خود، باعث جمع‌آوری شرکتهای ناکارآمد نمی‌شود، کارآفرینان اجتماعی برای تضمین ارزش‌آفرینی خود گامهایی برمی‌دارند. این امر بدان معناست که آنها به دنبال درک نهادهایی هستند که برایشان کار می‌کنند. آنها مطمئن هستند که نیازها و ارزشهای افراد و جوامعی را که به آنها ارائه خدمت می‌کنند، به درستی ارزیابی می‌کنند. در برخی موارد، این امر نیازمند ارتباط نزدیک با آن جوامع است؛ آنها انتظارات و ارزشهای سرمایه‌گذاران، از جمله کسانی که سرمایه‌گذاری پولی و زمانی یا تخصصی می‌کنند را درک می‌کنند؛ به دنبال پیشرفتهای واقعی اجتماعی در قبال افراد ذی‌نفع یا جوامعی هستند که در آنها فعالیت می‌کنند؛ و همچنین سودآوری سرمایه‌گذارشان را پی می‌گیرند. ایجاد توازن میان ارزشهای سرمایه‌گذاران و نیازهای جامعه بخش مهمی از این چالش است.

• **کارآفرینان اجتماعی در صورت لزوم برای افزایش مسئولیت‌پذیری خود سازوکارهای مشابه بازار را خلق**

سرعت بیشتر و ایجاد پیشرفتهای ماندگار و همواره در اندیشه تأثیرگذاری مستمر هستند.

• **شناخت و پیگیر فرصتهای جدید.** آنجا که دیگران مسائل و مشکلات را مدّ نظر دارند، کارآفرینان فرصتها را می‌بینند. کارآفرینان اجتماعی تنها به دنبال درک یک نیاز اجتماعی یا دامنه‌های فعالیتهای خود نیستند، بلکه به دنبال تحقق پیشرفتهای کارآمد ساختن اندیشه خویش هستند؛ افرادی با استقامت و با پشتکارند و الگوها و رویکردهای آنها که اغلب نیز باعث تغییر می‌شود، موجب می‌گردد تا بدانند چه چیزهایی کارآمد یا ناکارآمد است. یک اصل اساسی استقامت آنهاست که با تمایل به فراهم آوردن شرایط لازم ترکیب می‌شود. کارآفرینان به جای برداشتن مانعی که با آن مواجه می‌شوند، از خود می‌پرسند: چگونه می‌توان بر آن غلبه یافت؟ چگونه می‌توان این کار را عملی ساخت؟

• **حضور در یک فرایند مستمر نوآوری، تطابق و یادگیری.** کارآفرینان نوآرند و به دنبال زمینه‌های جدید، ایجاد الگوهای نوین و تدوین رویکردهای تازه هستند. البته همان‌طور که شومپتر می‌گوید، نوآوری اشکال متعددی دارد. نوآوری نیازمند ابتکار و ساخت یک چیز کاملاً تازه نیست، بلکه دربرگیرنده استفاده از یک اندیشه موجود به روش تازه یا در موقعیتی جدید است. بدینسان، کارآفرینان نباید الزاماً مبتکر باشند، بلکه باید در کاربرد آنچه که دیگران ساخته‌اند، خلاق باشند. ممکن است نوآوریهای آنها در تدوین برنامه‌های اصلی یا ایجاد توازن میان منابع و هزینه‌های آنها نمود پیدا کند. در بخش تأمین بودجه، کارآفرینان اجتماعی به دنبال روشهای نوآورانه هستند، تا تضمین کنند که شرکتهای آنها امکان دستیابی به منابع و خلق ارزشهای اجتماعی را دارند. این تمایل به نوآوری، بخشی از نحوه فعالیت کارآفرینان است. البته، این خلاقیت به یکباره ظهور نمی‌کند، بلکه نوعی فرایند مستمر یافتن، یاد گرفتن و پیشرفت است. نوآوری آینده نامعلومی دارد و خطر ناکامی آن پیوسته وجود دارد. کارآفرینان لازم است در برابر ابهامات، شکیبایی بالایی از خود نشان دهند و مخاطرات پیش روی خود و دیگران را مهار و اداره کنند. آنها در عمل، شکست در یک پروژه را تجربه برای یادگیری

Potential", *Management Decision*. Vol. 38, No. 5, 2000.
- Thompson, John. "The World of the Social Entrepreneur",
The International Journal of Public Sector Management. Vol.
15, No. 5, 2002.

سیدمحمد مقیمی

کارآفرینی روستایی

Rural Entrepreneurship

روند توسعه روستایی در کشورهای توسعه یافته بیانگر این واقعیت است که توسعه آنها در گرو کارآفرینی است. در کارآفرینی روستایی، سرمایه در دسترس کشف و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و بر این اساس، شرکت‌های کوچک کارآفرین ایجاد می‌شوند و روستائیان به کالاها و خدمات مورد نیاز خود دست می‌یابند. این امر تأثیر زیادی در رشد اقتصادی روستاها و کاهش پدیده مهاجرت‌های ناخواسته دارد. روستاها نیز، همچون شهرها، مملو از فرصت‌های جدید و کشف نشده هستند که کشف و بهره‌برداری از آنها و ایجاد کسب‌وکارهای جدید و رقابت‌پذیر بر آن مبنای می‌تواند مزایای اقتصادی و اجتماعی چشمگیری برای روستائیان به همراه داشته باشد.

توسعه کارآفرینی راهبردی مناسب برای توسعه روستاهاست و از آنجا که نسبت به سایر راهبردها هزینه کمتری دارد، برای محیط‌های روستایی مناسب‌تر است. بر این اساس، دست‌اندرکاران توسعه کارآفرینی در روستاها بر ۲ فعالیت اصلی تأکید دارند: یکی تشویق و حمایت از کارآفرینان روستایی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید؛ و دیگری تشویق کسب‌وکارهای موجود به گسترش فعالیت‌های خود و حرکت به سمت تحقق اندیشه‌های جدید و کارآمد. توسعه کارآفرینی در روستاها مستلزم تأکید بر ۳ پیش‌نیاز اساسی است:

• توسعه فرهنگ کارآفرینی. فرهنگ کارآفرینی نوعی فرهنگ اجتماعی است که رفتار کارآفرینانه را ترغیب و حمایت می‌کند. در توسعه فرهنگ کارآفرینی چند هدف

می‌کنند. آنها پیشرفت خود در زمینه نتایج اجتماعی، مالی و مدیریتی و نه صرفاً حجم داده یا فرایندها را ارزیابی می‌کنند و از این اطلاعات برای اصلاح خود استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، کارآفرینی اجتماعی نمایانگر مجموعه رفتارهای استثنایی است. این رفتارها باید توسط افرادی که توانایی انجام آنها را دارند، ترغیب شوند. آیا هر فردی می‌تواند یک کارآفرین اجتماعی باشد؟ جواب منفی است. حتی رهبران بخش‌های اجتماعی نیز الزاماً نمی‌توانند کارآفرین باشند. همین موضوع در مورد شرکتها نیز صادق است. همان‌گونه که سی، شومپتر، دراکر و استیونسون نیز می‌گویند، هر مدیر شرکتی نمی‌تواند کارآفرین باشد. اگرچه آرزو می‌کنیم که در هر ۲ بخش شاهد کارآفرین‌های بیشتری باشیم، اما جامعه به انواع شبکه‌های مختلف رهبری نیاز دارد. کارآفرینان اجتماعی در واقع بذرها می‌باشند. این تعریف نمایانگر جایگاه ممتاز آنها و تضمین کننده آن است که نباید به کارآفرینی اجتماعی به شکلی محدود پرداخت. برای کمک به خود در یافتن روش‌های جدید پیشرفت اجتماعی، با ورود به سده جدید، به کارآفرینان اجتماعی نیازمندیم.

کتاب‌شناسی:

- مقیمی، سیدمحمد. کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی: پژوهشی در سازمانهای غیردولتی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- Echols and Neck Christopher. "The Impact of Behaviors and Structure on Corporate Entrepreneurial Success", *Journal of Managerial psychology*. Vol. 13, N. 1, 1998.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, 2001.
- Prokopinko, Joseph and Pavlin, Igor. *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. International labor Organization, 1991.
- Dess, Gregory & Hass Miriam and peter. *The Meaning of Social Entrepreneurship*. kaffiman Center for Entrepreneurial leadership, 1998.
- Point Park College. *Social Entrepreneurship Resources*. Carnegie library of Pittsburgh, 2001.
- Parbhu Ganesh. "Social Entrepreneurial Leadership", *Career Development Internationa*. Vol. 4, No. 3, 1999.
- Spear Roger. *The Nature of Social Entrepreneurship: Some Findings*, ISTR Conference, Dublin: 2000.
- Thompson, John; Geoff, Alvy and Lees, Ann. "Social Entrepreneurship: A New Look at the People and the

۲. حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای مدرنیزه شدن؛
۳. تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه همکاری و تشکیل شبکه.

انواع کارآفرینان روستایی

با توجه به اهداف و انگیزه‌های اصلی برای شروع فعالیتهای جدید، ۳ دسته کارآفرین کشاورز-محور وجود دارد:

• کشاورزان کارآفرین؛

• کارآفرینان منابع-محور؛ و

• کارآفرینان چندکاره.

این ۳ دسته ویژگی که در ۳ دیدگاه کارآفرینی بیان شد، با هم از نظر ویژگیهایی مانند ارتباط با کشاورزی، اهداف شغلی، ایده‌های شغلی، منابع و همچنین فضاها و رقابتی و همچنین در صفات ویژه شغلی، مثل وسعت شغل، حجم

احتیاجات، مالکیت و استخدام تفاوت دارند.

فعالتهای جدید در کنار کشاورزی توانسته‌اند یک نفر یا اکثر خانواده را درگیر کار کنند. درآمد خانواده‌های کشاورز می‌تواند از کشاورزی، سایر فعالتهای اقتصادی و یا دستمزد تأمین شود.

کشاورز کارآفرین

این کارآفرینان شامل کشاورزانی هستند که نسبت به محل انجام کار و محل درآمد، در سطوح ابتدایی و اولیه هستند، اما فعالتهای جدیدی را برای بقا و توسعه و یا ارتباط با کشاورزی شروع می‌کنند. تعهد جدی آنها ممکن است به انتخاب سبک زندگی جدید بینجامد که براساس آن، در یک خانواده کشاورز باقی بمانند. برای این افراد کارآفرینی یک راه افزایش درآمد حاصل از کشاورزی است. از زمانی که رشد محصولات کشاورزی سنتی محدود به تولیدات لبنی شده است، دسترسی به زمین زراعی در فصل کار کشاورزان مشکل است و رشد محصولات غیرلبنی باید از طریق سایر فعالتهای (کارآفرینانه) به وجود آید. کشاورزان، یک کار جنبی در کنار کشاورزی (که مرتبط با کشاورزی باشد) را به استخدام در شرکتها ترجیح می‌دهند، زیرا ترکیب و انجام کارهای استخدامی در کنار کشاورزی و هماهنگ کردن آن

اساسی دنبال می‌شود:

۱. ایجاد بستر لازم برای تربیت کارآفرینان روستایی؛
۲. ترغیب روستائیان به مشارکت فعالانه در طرحهای کارآفرینی روستایی؛ و

۳. تشویق سازمانهای دولتی و غیردولتی به حمایت از فعالتهای کارآفرینی در روستاها.

• آموزش کارآفرینی. راه‌اندازی و اداره یک واحد اقتصادی فعال در روستاها، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانشها و مهارتهاست. جوانان روستایی اغلب در این زمینه مهارت کمتری دارند. برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی و ارائه مشاوره در این زمینه، از سیاستهای عمده توسعه کارآفرینی در روستاهاست. در این گونه برنامه‌های آموزشی، بر ۴ گروه از مهارتهای مورد نیاز کارآفرینان تأکید می‌شود:

۱. مهارتهای علمی و فنی، براساس نوع فعالیت صنعتی؛

۲. مهارتهای مدیریتی، شامل مدیریت مالی، بازاریابی، اداری و امور کارکنان؛

۳. مهارتهای کارآفرینی، شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصتهای جدید در بازار و ارائه راه‌حلهای نوآورانه در مقابله با چالشها؛ و

۴. مهارتهای کارکنان، شامل خوداتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری.

کارکنانی که به سطح بالاتری از مهارتهای مورد نیاز دست یابند، می‌توانند شرکتهای خود را از یک شرکت تازه پا به یک شرکت در حال رشد و رقابت‌پذیر در عرصه جهانی تبدیل کنند.

• توسعه زیرساختهای کارآفرینی. فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه، به خصوص سرمایه‌های مخاطره‌پذیر، اعطای وام به کارآفرینان، توسعه امکانات حمل‌ونقل و گسترش سیستمهای اطلاعاتی و ارتباطی، اتصال به منابع اطلاعات و دانش همگانی و گسترش امکانات زندگی در روستاها، زمینه را برای توسعه کارآفرینی در روستاها فراهم می‌کند. کشور امریکا در این زمینه از دیرباز، سیاستهای عمده‌ای را برای ایجاد زیرساختهای کارآفرینی فراهم آورده است، که چند نمونه آن عبارتند از:

۱. اعطای تخفیفهای مالیاتی؛

کارآفرینان منبع محور

انگیزه این کارآفرینان، دستیابی به منابع منحصربه‌فرد و یگانه است. این منابع ممکن است حتی منابع غیرمادی مثل آموزش و تجارب شغلی باشند.

این منابع منحصربه‌فرد، اغلب با کشاورزی و اعضای خانواده کشاورزان در ارتباط هستند که البته در جوامع شهری نیز می‌توانند منبع کارآفرینی باشند.

کارآفرینان منبع-محور، زمین کشاورزی نیز دارند، اما برخلاف کارآفرینان کشاورزی-محور، وابستگی زیادی به کار کشاورزی ندارند و کشاورزی بخشی از درآمد آنهاست. بدینسان، شغل‌های جدید با توجه به درآمد، سطح زندگی و رضایت شغلی برای آنها مهم‌تر از کشاورزی است. آنها فرصت‌های دیگری مثل استخدام در شرکتها یا توسعه کشاورزی نیز دارند، اما این راهکارها به آنها اجازه بهره‌برداری از منابع منحصربه‌فرد را نمی‌دهد. این افراد نسبت به دسته قبل، حجم کار کمتری در کشاورزی دارند. فعالیت کارآفرینانه کشاورزی برای این دسته از کارآفرینان اغلب بزرگ‌تر و وسیع‌تر از فعالیت‌های جدید دسته قبل است، اما این کار را معمولاً فقط افراد خانواده‌های کشاورزان انجام می‌دهند. این مشاغل جدید الزاماً جزء فعالیت‌های کشاورزی نیست و از جمله ممکن است

به‌صورت کار تجاری جداگانه‌ای درآید و صورتهای مالی مستقلی از کشاورزی داشته باشند. عوامل رقابتی مطرح در این قسمت، دسترسی به منابع و ترکیب آنها برای بهره‌برداری است. برای مثال، سرمایه انسانی که نتیجه آموزش و تجارب شغلی است، فرصتهای مناسبی را برای شروع کارآفرینی ارائه می‌کند.

منابع و سرمایه‌های مرتبط با کشاورزی نیز می‌توانند رقابتهای سودآوری را در شروع کارآفرینی ایجاد کنند. اساساً فعالیت‌های کارآفرینانه منبع-محور، برای کمک به درآمد انجام می‌شود. کشاورزان منبع منحصربه‌فردی را کشف می‌کنند که هرچه این بهره‌برداری و کشف با کیفیت

با سبک زندگی روستایی مشکل است.

فعالیت‌های جدید آغاز شده اغلب بسیار کوچکند و با فعالیت‌های اصلی کشاورزی درآمیخته‌اند. بدینسان به‌عنوان دسته جداگانه‌ای از فعالیت‌ها محسوب نمی‌شوند، تا جایی که حتی صورتهای مالی درآمد و هزینه‌های این‌گونه فعالیت‌های جدید و کار کشاورزی از هم مجزا نیستند.



یکی از موضوعات مهم هنگام تصمیم‌گیری برای کارآفرینی این است که این اقدام چگونه با حجم کاری متنوع کشاورزان هماهنگ شود. برای اکثر کشاورزان تا مدتی کار کشاورزی نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه نقش بیشتری در درآمد دارد. فعالیت‌های جدید کشاورزی بر امکان استفاده از منابع ذخیره شده کشاورزی (مانند نیروی انسانی و ماشین‌آلات) و یا رضایت و میل برای کارآفرینی و یا ترکیبی از این ۲ عامل بنا شده است. موارد زیادی هست که کشاورزان بعد از مدتی از فعالیت‌های جدید دست کشیده و برای درآمد بیشتر به کار دیگری پرداخته‌اند.

این دسته از کشاورزان هم راه سنتی را دنبال می‌کنند و هم دنبال نوسازی شیوه‌های کشاورزی هستند.

مناطق روستایی تأکید دارد.

تفاوت سلیقه و کار کارآفرینان نشان می‌دهد که ابتکارهای جدید و متفاوت به افزایش فعالیتهای کارآفرینانه در بین کشاورزان نیاز دارد. این مسئله وقتی به‌خوبی پدیدار می‌شود که کشاورزان با انگیزه‌ها و اهداف مختلف، در سطوح متفاوت جامعه به کارآفرینی ترغیب شوند. البته، این امر به عکس‌العمل مناسب کارآفرینان به سیاستهای موجود بستگی دارد. تمام کارآفرینان می‌توانند در توسعه روستاها شرکت کنند. این مشارکت شامل به‌کارگیری افراد، ایجاد فعالیتهای اقتصادی با استفاده از منابع ویژه و محافظت از جنبه‌های فرهنگی است.

درواقع، کارآفرینی صرفاً برای ایجاد شغل انجام نمی‌شود، بلکه میراث و سودی است به‌جا مانده از کارهایی که برقرار شده‌اند. برای مثال، کشاورزی ممکن است به‌عنوان نتیجه کشف فرصتهای شغلی دیده شود، اما درواقع میراثی به‌جامانده از انگیزه شروع کارآفرینی است که می‌تواند الگویی برای کارآفرینان بعدی باشد.

کتاب‌شناسی:

- Khanka, S.S. *Entrepreneurial Development*. New Delhi: Chand and Company Ltd., 2003.
- Stathopoulou, Sophia; Psaltopoulos, Demetrios & Skuras, Dimitris. "Rural Entrepreneurship in Europe: A Research Framework and Agenda", *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*. Vol. 10, No. 6, Emerald Group Publishing Limited, 2004.
- Kuratko, Donald and Hodgetts, Richard. *Entrepreneurship: A Contemporary Approach*. Philadelphia: Harcourt College Publishers, 2001.
- Prokopenko, Joseph and Pavlin, Igor (eds). *Entrepreneurship Development in Public Enterprises*. Management Development Series. No. 29, International Labour Organization. 1991.
- Keeble, D. and Tyler, P. "Enterprising behaviour and the Urban-Rural shift", *Urban Studies*. Vol. 32, No. 2, 1995.

سیدمحمد مقیمی

بهتری انجام شود، فعالیتهای اقتصادی جدیدتری انجام خواهند شد.

کارآفرینان چندکاره

هدف و انگیزه اصلی کارآفرینان موفق، کشف ایده‌های جدید شغلی است. این ایده‌ها لزوماً از منابع کشاورزی سرچشمه نمی‌گیرند.

این نوع کارآفرینان نسبت به ۲ دسته قبل، سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کنند و ریسک‌پذیری بالاتری دارند، اما این ریسک فقط مالی نیست، بلکه وقت خود را صرف کارهای مخاطره‌آمیزی می‌کنند که ممکن است آنها را از شغل اصلی خود بازدارد. این کارها ممکن است افراد خانواده و سایر افراد روستا یا جامعه را نیز درگیر خود کند. این کارآفرینان در قید اینکه حتماً کار کشاورزی انجام دهند نیستند، بلکه به درآمد بیشتر می‌اندیشند. کارآفرینی ممکن است به یک منبع درآمد بزرگ برای آنها تبدیل شود. این فعالیتهای کارآفرینانه در واحدهای جداگانه‌ای سازماندهی می‌شوند و سرمایه آنها و تعداد افراد شاغل در آنها خیلی بیشتر از ۲ مورد قبل است.

فضاهای رقابتی شغل‌های جدید در این قسمت بر پایه ایده‌های خاص و منحصربه‌فرد کارآفرینی بنا شده‌اند، درحالی‌که در ۲ قسمت قبل، بر پایه تلاش کاری کشاورزان و وجود منابع استوار بود. کارآفرینان این بخش در پی یافتن فرصتهای منحصربه‌فرد هستند، مثل تفاوت محصولات آنها با محصولات دیگر و طراحی و بازاریابی محصولاتی که بر فروش بیشتر تمرکز دارند. این تمرکز نشان می‌دهد که این کارآفرینان قصد دارند ایده‌های شغلی خود را توسعه بیشتری دهند.

این ۳ دسته کارآفرین که عوامل محرک آنها مختلف است، شروع به کارآفرینی می‌کنند و این گوناگونی می‌تواند برای سیاستهای استخدامی و یا تحقیقات آتی اهمیت داشته باشد. دیدگاه فرصتها و کشف منابع (منبع - محور) به‌ندرت موضوع تحقیقات کشاورزی است. دیدگاه جامعه‌شناسی روستایی بیشتر بر کارآفرینی به‌عنوان راهبردی برای انطباق با تغییرات اقتصادی و استخدام در شغل‌های مختلف در

کاربری زمین

Land Use

کاربری زمین که از آن با عنوانهای دیگری، همچون کاربرد زمین، کاربری اراضی، کاربرد اراضی، نحوه استفاده از زمین یا نحوه استفاده از اراضی یاد می‌شود، دارای تعاریف مختلفی است، که کاربری زمین به‌طور کلی، عبارت است از الگوی توزیع فضایی - جغرافیایی عملکردهای مختلف شهر برحسب نواحی مسکونی، صنعتی، تجاری و فضاهای اختصاص یافته برای موارد استفاده اداری، مؤسسات و نهادهای اجتماعی و گذران اوقات فراغت. به سخن دیگر، کاربری زمین بدان معنی است که از هر واحد زمین در سطح شهر به چه صورتی استفاده می‌شود و چه فعالیت‌هایی در ترکیب با هم در قطعات مختلف زمین استقرار می‌یابند. نحوه استفاده از زمین به‌عبارت ساده، آن است که در وضع موجود در یک شهر، انواع فعالیت‌های شهری اعم از مسکونی، درمانی، آموزشی و مانند آن، در چه میزان، وسعت و سرانه‌هایی به‌نسبت انواع حوزه‌های شهری و کل

شهر و در چه نوع قطعه‌بندی‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است؛ از کل مساحت، نسبت هریک از این کاربری‌ها چه مقدار است و ارتباط آنها با یکدیگر چیست؟ علاوه‌براین، تا چه اندازه بین آنها ارتباط منطقی وجود دارد. شناخت این ارتباطات، قطعه‌بندی‌ها، مساحتها و موقعیتها در برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) مورد نیاز است. مطالعه کاربری زمین به برنامه‌ریزان کمک می‌کند، تا با توجه به وجود محدودیتها، میزان رفاه اجتماعی را گسترش دهند.

عناصر کاربری زمین، متشکل از موقعیت‌های مکانی مختلفی است که مردم در آن انواع فعالیت‌های خود را سامان می‌دهند.

به‌این ترتیب، مطالعات کاربری زمین

می‌تواند شامل انواع ساختارهای اساسی در مورد زمین باشد. پیکرننگاری، زمین‌شناسی، آب و هواشناسی، هیدرولوژی، مقبولیت اراضی خالی، کاربری انواع فعالیت‌های زمین، کیفیت ساختاری محیط، قیمت زمین، بافت‌های تاریخی، نواحی مسکونی برحسب انواع گروه‌های درآمدی و اقلار مختلف اجتماعی از جمله مباحث مورد مطالعه در برنامه کاربری زمین است.

زمین در برنامه‌ریزی شهری دارای ۲ مفهوم اصلی است:

- یکی به مفهوم یک منبع طبیعی - مانند آب و هوا - که بهره‌مندی از آن برای رفع نیازهای نسل‌های موجود و آینده اهمیت حیاتی دارد؛ و
- دیگر، به مفهوم نوعی دارایی است که در چارچوب مالکیت خصوصی، به‌عنوان یک کالا تلقی می‌شود و برای کسب منفعت و درآمد شخصی قابل تملک و خرید و فروش است. ایجاد توازن بین این ۲ مفهوم، موضوعی اقتصادی و سیاسی است که امروز در قالب توسعه پایدار مورد توجه قرار دارد. بنابراین، زمین به‌عنوان یک کالای محدود و تجدیدناپذیر، عاملی در تأمین نیازهای میرم و



حیاتی بشر، بستری برای فضای زندگی و یک عامل ارتباطی مهم در ایجاد محیطی قابل زیست، امن و زیبا برای تأمین آسایش بشری بشمار می‌رود، از این رو، کاربری زمین شهری و برنامه‌ریزی برای آن، مهم‌ترین ابزار دولتها و سازمانهای مدیریت شهری، به‌منظور اداره صحیح و منطقی شهرهاست. این عامل، مشخص‌کننده انواع گوناگون استفاده از زمین، میزان تراکم هر کاربری بر روی قطعه زمین، ارتفاع، اندازه و سیمای ساختمانها، چگونگی ترکیب و تداخل انواع کاربریها، اعم از تجاری، مسکونی، فضاهای عمومی و مانند آنها در شهر و حوزه‌های مختلف آن است که در کشورهای صنعتی براساس نظام حوزه‌بندی تنظیم می‌شود.

رویکرد برنامه‌ای به کاربری زمین، همراه با رشد و توسعه دانش برنامه‌ریزی شهر در دوران بعد از انقلاب صنعتی، ابتدا در اروپا و امریکا آغاز شد. در اوایل دهه ۱۹۶۰م، موضوع نحوه استفاده از زمین شهری به مفهوم خاص برنامه‌ریزی کاربری زمین، به‌صورتی مهم و جدی مطرح شد و براساس مفاهیم، مبانی و روشهای هدفمند و منظم استوار گردید. این اندیشه که چگونگی استفاده از زمین شهری موضوعی صرفاً کالبدی و اداری نیست، بلکه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی نیز دامنه وسیعی دارد، به تدریج مطرح گردید. تحقق این مهم، به مطالعات همه‌جانبه، آگاهانه و سنجیده‌ای نیاز دارد.

به‌طور کلی، اندیشه‌های مربوط به سیر تحول مطالعات کاربری زمین در جهان، به‌ویژه از نیمه دوم سده ۲۰م، به‌گونه‌های مختلف مطرح شده و این سیر تحول با تغییر نگرش به مفهوم کاربری زمین همراه گشته است. در رویکرد اول از برنامه عمومی در دهه ۱۹۵۰م یاد می‌شود که هدفهای کلی توسعه شهری را در قالب نقشه‌های تفصیلی بلندمدت مورد توجه قرار می‌داد. در رویکرد دوم که به سالهای دهه ۱۹۶۰م باز می‌گردد، برنامه کاربری زمین حاوی سیاستهای کاربری زمین و اهداف اجرایی آن بود؛ این برنامه نیز به‌صورت نقشه‌های تفصیلی و بلندمدت به انجام می‌رسید. در رویکرد سوم که در دهه ۱۹۶۰م شکل گرفت، برنامه طبقه‌بندی زمین اهمیت یافت. مکانیابی

فعاليتها و تعيين عوامل محرک رشد شهری در این برنامه به‌صورت نقشه‌های کلی و کوتاه‌مدت صورت می‌گرفت. در این برنامه پیوند اجرایی و مشارکت مردمی در تدوین برنامه‌ها به‌صورت نسبی مد نظر قرار داشت. در رویکرد چهارم که از اواخر دهه ۱۹۵۰م جریان داشت، برنامه‌های سیاستگذاری شهری که حاوی سیاستهای گوناگون توسعه شهری در قالب برنامه‌های میان مدت بود، مورد توجه قرار گرفت. این برنامه‌ها بدون ارائه نقشه کلی یا تفصیلی انجام می‌شد، زیرا پیوندهای اجرایی سیاستها و مشارکت عمومی شهروندان در تدوین برنامه‌ها و پیوندهای اجتماعی-سیاسی به‌صورت نسبی مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در رویکرد پنجم که سابقه آن به سالهای دهه ۱۹۷۰م و برنامه مدیریت توسعه شهری در کشورهای مختلف باز می‌گردد، توجه ویژه‌ای به مدیریت رشد و توسعه شهر در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت می‌شد. مشارکت عمومی و فعال شهروندان و اعمال سیاستهای ضروری برای سرمایه‌گذاری توسعه‌زا، در کانون تمرکز این برنامه بود. رویکرد ششم نیز به برنامه‌های ترکیبی کاربری زمین اختصاص دارد که در چارچوب آن، طراحی، سیاستگذاری و مدیریت در تدوین برنامه‌ها با یکدیگر پیوند می‌خورند. در این برنامه، سیاستهای توسعه شهری با اقدامات اجرایی ضروری همراه است و در آن، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، با استفاده از نقشه‌های کلی کاربری زمین، مورد توجه واقع می‌شود.

برای مطالعه کاربری زمین برحسب نوع انتظاری که از دریافت اطلاعات مربوط به آن مورد نظر است، روشهای مختلفی وجود دارد. یکی از روشهای معمول در این زمینه، تقسیم شهر به حوزه‌های همگن است. در این روش، هر حوزه همگن خود به بلوکهای مختلفی تقسیم و شماره‌گذاری می‌شود؛ آنگاه از طریق تکمیل پرسشنامه، نوع فعالیتی که در هر قطعه‌بندی زمین از بلوک وجود دارد، برداشت و با ذکر شماره‌های حوزه، بلوک و قطعه در پرسشنامه یادداشت می‌شود؛ بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها و تکمیل برداشت قطعات، فعالیت مربوط به آنها به‌صورت دسته‌بندی شده، و برحسب نوع فعالیتها معین می‌گردد. به‌عنوان مثال، برای یک قطعه مسکونی، مساحت زمین،

- اداری. مراکز اداری دولتی، نهادهای عمومی و مراکز اداری خصوصی؛
- فضای سبز. فضاهای سبز عمومی، فضاهای تفریحی و بازی کودکان، فضاهای سبز حفاظت شده، پارکهای جنگلی، باغها و فضاهای سبز خصوصی، مزارع و اراضی زراعی؛
- نظامی. کلیه اراضی نظامی مانند پادگانها؛
- صنعتی. صنایع سنگین، صنایع سبک، صنایع آلودگی‌زا، صنایع غیر آلودگی‌زا؛
- تأسیسات و تجهیزات شهری. تأسیسات آب، برق، گاز، تلفن، فاضلاب و همچنین آشنشانی، مراکز جمع‌آوری و دفع زباله، کشتارگاه، غسلخانه، گورستان، جایگاه توزیع سوخت و مانند آن؛
- حمل‌ونقل و انبارها. پایانه، فرودگاه، تأسیسات بندری، ایستگاه راه‌آهن، سردخانه، انبار، توقفگاه عمومی و مانند آن؛
- و
- سایر فعالیتهای شهری.
- نقشه‌کاربری زمین، باید به همراه جدولی ارائه شود که میزان مساحت (به مترمربع)، سرانه (به مترمربع) و درصد هریک از کاربریها را نسبت به کل شهر و حوزه‌های مختلف آن نشان دهد. ارائه موقعیت هریک از انواع فعالیتهای در شهر و جدول مربوط به آن، اصلی‌ترین نقشه‌کاربری زمین محسوب می‌شود. البته، در توجیه بهتر سایر مشخصات کاربری زمین، نقشه‌های دیگری وجود دارد که اهم آنها به قرار زیر است:
- پستی و بلندی زمین؛
- جهات شیب در شهر؛
- کیفیت ایستایی و مقاومت خاک؛
- موقعیت اراضی سیل‌گیر؛
- ساختار زمین‌شناختی؛
- موقعیت گسلها در شهر؛
- موقعیت و عمق آبهای زیرزمینی؛
- موقعیت رودخانه‌ها؛
- چشمه‌ها و قنوت؛
- موقعیت ساختمانها و بافتهای تاریخی؛
- مراحل گسترش تاریخی شهر؛

- مساحت زیربنا، طبقات ساختمان، نوع فعالیت، جنس مصالح ساختمانی، ارزش زمین، نحوه تصرف، کیفیت استحکام بنا، تعداد افراد خانواده ساکن، عمر ساختمان و مانند آنها در پرسشنامه یادداشت، و نسبت به هر موضوع به تهیه گزارش و نقشه اقدام می‌شود. این اطلاعات در ارتباط با نوع عملکرد در هر قطعه به صورت دسته‌بندی شده، رنگی یا سیاه و سفید، در یک نقشه که معمولاً مقیاس آن ۱:۲۰۰۰ است، نمایش داده می‌شود. برای سایر موارد نیز می‌توان به تهیه نقشه‌های جداگانه اقدام کرد. دسته‌بندی فعالیتهای در کشورهای مختلف با هم تفاوتی دارد. در ایران، دسته‌بندی انواع فعالیتهای مربوط به کاربری زمین به قرار زیر است:
- مسکونی. تراکم کم، تراکم متوسط، تراکم زیاد، تراکم ویژه؛
- تجاری. تجاری در سطح کل شهر - بازار، دفاتر خدمات، عمده‌فروشی، بانک و مانند آن؛ تجاری در سطح محله - خرده‌فروشی، خدمات تجاری محله‌ای، بازارهای غیر دائمی، مانند بازار روز، هفتگی و مانند آن؛
- آموزشی. مهدکودک، کودکستان، دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان؛
- آموزش حرفه‌ای و عالی. مراکز آموزش حرفه‌ای، هنرستانها، دانشگاهها؛
- فرهنگی. اماکن تاریخی و فرهنگی، مانند موزه، کتابخانه، تالار اجتماعات؛
- مذهبی. مسجد، حسینیه و تکیه، امامزاده، اماکن مذهبی اقلیتهای؛
- خدمات جهانگردی و پذیرایی. هتل، مهمانسرا، مسافرخانه، اردوگاه جهانگردی، تالارهای غذاخوری، قهوه‌خانه و مانند آن؛
- درمانی. بیمارستان، درمانگاه، خانه بهداشت، مراکز پزشکی و مانند آن؛
- بهداشتی. گرمابه عمومی، آبریزگاه، رختشویخانه و مانند آن؛
- ورزشی. تأسیسات ورزشی مانند استادیوم، تالار سرپوشیده، فضاهای ورزش روباز؛

کاربری زمین

ایجاد تعادل در برنامه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است. تصمیم‌گیری در خصوص تخصیص زمین بین فعالیتهای گوناگون، تا اندازه زیادی متأثر از نیروهای اقتصادی است. معیارهایی که در ارتباط با مطالعات کاربری زمین باید مورد توجه قرار گیرد، شامل جامعیت، عمومیت، وضوح، پایداری، سهولت، سودمندی و حساسیت نسبت به درک ماهیت این مطالعات در شناخت، تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی کاربری زمین، است. در تعیین مشخصات مکانی هر نوع استفاده از زمین، یا هر نوع فعالیت شهری، باید ۲ عامل هدایت‌کننده رفاه اجتماعی و رفاه اقتصادی ملاک سنجش قرار گیرد. بر مبنای این ۲ عامل بسیار کلی، ۶ معیار در مکانیابی عملکردهای شهری ملاک برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری قرار می‌گیرد. این معیارها شامل میزان سازگاری با کاربریهای زمین اطراف، سهولت دسترسی به تأسیسات و راههای ارتباطی، به صرفه‌بودن از نظر قیمت زمین و مخارج آبادانی، مطلوبیت از نظر حفظ عوامل محیطی، مانند طبیعت و منظر، سلامتی از نظر رعایت معیارهای بهداشتی و حفظ محیط زیست و حراست از آسایش اجتماعی، و بالاخره، ایمنی در برابر اتفاقات طبیعی و سوانح شهری، کاربریهای ناسازگار و مزاحم است.

در ارتباط با مطالعات کاربری زمین، ۴ دیدگاه ساماندهی، کارکردگرایی، نگرش نظام‌مند و توسعه پایدار قابل تشخیص است. در ساماندهی کاربری زمین، چگونگی تقسیم زمین و تعیین شرایط استفاده از آن به موضوعاتی، مانند مالکیت زمین از نظر وظایف بخش عمومی، جلوگیری از سوءاستفاده‌های اقتصادی از زمین، حفظ بهداشت، ایمنی و رفاه عمومی در برابر مخاطرات طبیعی و صنعتی مورد توجه قرار دارد. هدف اصلی دیدگاه کارکردگرایی، ساماندهی کالبدی- کارکردی فعالیتهای مختلف شهری به منظور افزایش سطح کارایی شهری و جلوگیری از بروز نابسامانی و آشفتگی در نظام کالبدی شهر است. دیدگاه نگرش نظام‌مند چون شهر نظامی پیچیده، چند بعدی و پویا است، پیش‌بینی تمام اجزاء و تغییر و تحولات آن و برنامه‌ریزی دقیق برای تمام عناصر و اجزاء آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین، برنامه‌ریزی برای آن باید با جامع‌نگری

- محله‌بندی؛
- تراکم جمعیتی؛
- مالکیت زمین؛
- قیمت زمین؛
- تراکم ساختمانی؛
- طبقات ساختمانها؛
- عمر ساختمانها؛
- جنس مصالح ساختمانی؛
- کیفیت مقاومت انبیه؛
- موقعیت اراضی ثبتي؛
- قطعه‌بندی زمین؛
- شبکه آب، تلفن، برق، گاز و فاضلاب؛
- شبکه دفع آبهای سطحی؛
- موقعیت انواع مراکز آموزشی؛
- موقعیت انواع مراکز درمانی؛
- موقعیت انواع مراکز بهداشتی؛
- موقعیت انواع مراکز تجاری؛
- موقعیت انواع مراکز فرهنگی؛
- موقعیت انواع مراکز مذهبی؛
- موقعیت انواع مراکز صنعتی؛
- موقعیت انواع فضاهای سبز؛
- موقعیت انواع مراکز ورزشی؛
- موقعیت انواع تأسیسات عمومی، مانند کشتارگاه، جایگاه توزیع سوخت، مراکز دفع زباله، پست؛
- درجه‌بندی و سلسله مراتب راهها؛ و
- جنس مصالح سطح معابر.
- بنابراین مطالعات کاربری زمین، به‌ویژه عرصه‌های کالبدی آن، دارای دامنه، وسیع مطالعاتی است. همچنین برحسب مورد، هر کدام از نقشه‌های بالا می‌تواند با نقشه‌های دیگر به توجیه تفصیلی‌تری از مطالعات بپردازد، مانند نقشه مراکز آموزش که برحسب دخترانه یا پسرانه بودن یا سطح مدرسه وارد وجوه تفصیلی و جزء به جزء می‌شود.
- هدف از مطالعات کاربری زمین شهری، پایداری، کارایی و برابری توزیع خدمات و فعالیتهای در سطح شهر و

همراه باشد. در نگرش نظام‌مند، هر فضای جغرافیایی و هر محیط ساخته شده (از جمله شهر) یک نظام مکانی - فضایی است که تحت تأثیر عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و کالبدی قرار دارد و شکوفایی یا رکود و توقف این عوامل با نحوه نگرش نظام‌مند ارتباط پیدا می‌کند. دیدگاه توسعه پایدار، نظر به اینکه زمین و فضا یک عامل طبیعی برای تأمین نیازهای اقتصادی و کالبدی شهر نیست، بلکه مهم‌ترین ثروت همگانی محسوب می‌شود که نقشی گسترده‌تر از یک کالای اقتصادی در حیات عمومی شهر و زندگی مردم دارد، زمین شهری را نمی‌توان یکسره به اقتصاد بازار و تمایلات مالکان و سوداگران زمین واگذار کرد، بلکه باید با جامع‌نگری به تلفیق اهداف کالبدی با اهداف محیطی و اجتماعی به کار پرداخت. در پایداری محیط زیست، کاربری زمین نقش اساسی دارد، زیرا نتایج عوامل جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی در نحوه استفاده از زمین بازتاب پیدا می‌کند.

الگوهای کاربری زمین به چند قسمت می‌شود. از آن جمله می‌توان به ۴ الگوی توصیفی، شبیه‌سازی، برنامه‌ریزی و ارزیابی اشاره کرد. الگوی توصیفی فقط به بررسی وضع موجود کاربری زمین و توصیف آن می‌پردازد. الگوی شبیه‌سازی نیز جهات گسترش آینده شهر را با استفاده از روند کاربری زمین گذشته آن و بدون توجه به محدودیت‌های کاربری زمین مورد بررسی قرار می‌دهد. الگوی برنامه‌ریزی، الگویی است که به کمک آن مقادیر یک متغیر تصمیم‌گیری تحت قیود خاص مورد محاسبه قرار می‌گیرد. این الگو در تصمیم‌گیری برای مکانیابی فعالیتها نقش ویژه‌ای دارد. در الگوی ارزیابی وضعیتهای گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد و با مقایسه بین آنها دست به انتخاب زده می‌شود. به همین خاطر الگوهای ارزیابی معمولاً چند معیاری هستند.

در توزیع عوامل کاربری زمین، می‌توان این توزیع را در توزیع فضایی عناصر، توزیع فضایی فعالیتها، توزیع فضایی اهداف و توزیع فضایی عملکردها مشاهده کرد. در برنامه‌های شهری ایران، مطالعه وضع موجود و پیشنهاد کاربری زمین شهری در انواع طرحها و برنامه‌ها،

به‌عنوان یکی از شقوق اصلی مطالعه به‌حساب می‌آید. طرحهای جامع شهری و تفصیلی، طرح آماده‌سازی زمین شهری، طرح هادی شهری، طرح بافتهای تاریخی، فرسوده و سکونتگاههای غیررسمی از این جمله هستند.

بعضی از کاربریهای شهری وجود دارد که توجه به آسیب‌پذیری شهرها در برابر سوانح و عوامل طبیعی یا مصنوعی، مانند سیل و زلزله یا آتش‌سوزی و نظایر آنها باید موقعیت موجود و آینده آنها را از حیث استقرار جمعیت، موقعیت راهها و دسترسیها مورد توجه دقیق قرار داد. این موارد شامل انواع مراکز آموزشی، دانشگاهها، بیمارستانها، مساجد، نیروی انتظامی، آتشنشانی، بانک خون، منبع آب آشامیدنی شهر، تأسیسات زیربنایی، شبکه‌های اطلاع‌رسانی می‌شود که علاوه بر تعیین موقعیت مناسب آنها، از نظر نوع قطعه‌بندی زمین، تراکم جمعیت، ساختمان و نحوه استقرار شبکه‌های ارتباطی نیز حائز اهمیت است. همچنین نحوه قرارگیری انواع کاربریهای زمین از نظر زیست‌محیطی، ارزش اقتصادی، عوامل محیط اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی شهری در مطالعات و برنامه‌های کاربری زمین جای مهمی دارد. برنامه‌ریزی کاربری زمین و برنامه‌ریزی حمل‌ونقل شهری دارای وجوه مشترک فراوانی هستند که نظریه‌های مختلفی را در این باره مطرح ساخته‌اند. همچنین، نیز برنامه‌ریزی کاربری زمین بدون توجه به زمینه‌سازی در مورد طراحی شهری و ایجاد فضای مناسب برای آن و خلق یا مطالعه ارزشهای هنری توده‌ها و فضاهای شهری ممکن نخواهد بود. از جمله عوامل تعیین‌کننده در این زمینه، می‌توان به نوع قطعه‌بندی زمین، ضوابط ساختمانی، همجواریهای شهری، شکل زمین و نحوه استفاده از راههای شهری اشاره کرد.

کتاب‌شناسی:

- اکالاگان، جی. آر. کاربری زمین، اثر متقابل اکولوژی و هیدرولوژی، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه. قرارداد تهیه طرحهای توسعه و عمران، حوزه نفوذ و تفصیلی شهرها. قرارداد تیب ۱۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- سعیدینا، احمد. «کاربری زمین شهری»، کتاب سبزه‌شهرداری. جلد دوم. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۷۸.

دهات نوعی ریاست داشتند. میزان مالیات ارضی که از مردم می‌گرفتند و مأخذی که از آن قرار، مالیات را محاسبه می‌کردند، کاملاً روشن نیست. در عهد نادر، کدخدای هر ده مسئول شکایات و حوادث قلمرو خود بود.

در آذر ۱۳۱۴ش (دسامبر ۱۹۳۵م)، قانون کدخدایان به نام *قانون کدخدایی* به تصویب رسید که برخی از مواد آن به شرح زیر است:

• ماده ۱. کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظام‌نامه‌هایی بود که از سوی دولت به او ارجاع می‌شد. برای هر ده یا قصبه، یک کدخدا تعیین می‌شود.

• ماده ۲. در خالصه‌جات از طرف مالیه محل، در موقوفات از طرف متولی یا نماینده او، در املاک اربابی از طرف مالکان و در دهات خرده مالکی، اشخاصی که اکثریت ملک را مالک هستند، یک نفر برای کدخدایی به حکومت یا نائب‌الحکومه محل معرفی می‌کنند که حاکم انتصاب او را صادر نماید.

• ماده ۳. شرایط کدخدایی عبارت است از تابعیت ایران، عدم محکومیت به جنحه و جنایت، معروفیت به درستکاری و امانت و لیاقت یا مقیم بودن در یکی از دهات محل مأموریت خود و داشتن رعیتی در یکی از محال مأموریت خود.

• ماده ۴. کدخدایان باید امور رعیتی و فلاحتی را مطابق دستور و نظریات مالک تحت مراقبت قرار دهند و می‌توانند دعاوی جزئی بین اهالی ده را که قیمت آن از ۵۰ ریال تجاوز نکند، با کدخدا منشی حل و تسویه نمایند و در منازعات و اختلافات حاصله بین اهالی را جلوگیری و در صورت وقوع حتی‌الامکان به صلح خاتمه دهند.

• ماده ۷. کدخدا مکلف است طبق ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزائی، در جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن اثرات جرم اقدام نموده و نتیجه اقدامات را در اسرع وقت به نزدیک‌ترین پست امنیه یا نائب‌الحکومه اطلاع دهد.

• ماده ۸. مالک یا مالکین تا ۱۵ روز اگر در تعیین و معرفی کدخدا تعلل نمایند، حکومت محل کدخدا را انتخاب خواهد نمود.

• ماده ۱۰. هرگاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فرد گذار

- سعیدنیا، احمد. «طرح‌های شهری در ایران»، کتاب *سبزه‌شهرداری*. جلد پنجم، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.

- شکویی، حسین. *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. جلد اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.

- شیعه، اسماعیل. *مبانی برنامه‌ریزی شهری*. چاپ هفدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۵.

- شیعه، اسماعیل. *کارگاه برنامه‌ریزی شهری*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.

- عابدین در کوش، سعید. *درآمدی به اقتصاد شهری*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

- لی، کولین. *مدلها در برنامه‌ریزی شهری*، ترجمه مصطفی عباس‌زادگان، تهران: جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۲.

- مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، شیوه‌های تحقق طرحهای توسعه شهری، *بررسی تجارب تهیه و اجرای طرحهای توسعه شهری در ایران*. جلد دوم، تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.

- Catanese, A. and Snyder, M. *Introduction to Urban Planning*. New York: McGraw Hill, 1998.

- Whittick, A. (ed). *Eyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill. Inc., 1974.

اسماعیل شیعه

کدخدا

کدخدا را به تفاوت متصدی امور ده، دهبان، دهدار، رئیس قبیله یا عشیره، رئیس صنف، رئیس محله تعریف کرده‌اند. علاوه‌براین، او را بزرگ محله دانسته‌اند، چه هر محله در جای خود به‌منزله خانه است و راتق و فاتق آن کدخداست. اصطلاح کدخدا، تاریخ مفصلی دارد که نشان می‌دهد، کاربرد و مفهوم این کلمه طی زمان، دچار دگرگونی‌هایی شده است.

امروز واژه کدخدا در ۲ مورد به کار می‌رود: یکی به معنی رئیس ده که مردم ده‌نشین را اداره می‌کند و دیگری، به معنی رئیس طایفه و قبیله که در میان ایلات و عشایر فارس و بختیاری و جاهای دیگر معمول و مصطلح است.

در زمان صفویه، اداره امور محلی با کدخدایان بود که ظاهراً مسئول وصول مالیات و عوارض بودند و بر سکنه

نماید، به تقاضای مالک یا مالکین منغرل می‌شود.

کدخدا در املاک اربابی در واقع حکم نوکر یا مباشر مالک را داشت و تمایل کلی بر این بود که کدخدا از مالک اجرت نقدی بگیرد و از مستأجران یا رعایایی که زیردست او براساس مزارعه کار می‌کردند، رسومات جنسی دریافت کند. میزان این رسومات به صورت مختلف حساب می‌شد و بیش از همه معمول بود، که رسومات را از قرار هر جفت زمین و هر سهم آب و برحسب خانوار حساب کنند. کدخدا گذشته از مزدی که به‌طور مرتب دریافت می‌کرد، دارای مداخلی هم بود. این شغل به او فرصت می‌داد، برخی دیون غیرعادی را بر رعایا تحمیل کند. کدخدا مسئول انتظامات عمومی ده بود و دزدیها، منازعات و اغتشاشاتی را که اتفاق می‌افتاد، به مقامات انتظامی گزارش می‌داد. هماهنگی خدمات عمومی، مانند لایروبی قناتها، برعهده او بود؛ اختلافات جزئی را حل و فصل می‌کرد و خطاکاران را به کیفرهایی مانند زندانی کردن و تازیانه زدن و جریمه دادن، محکوم می‌کرد. در بعضی نقاط، کدخدا یک جفت یا قسمتی از یک جفت زمین را به رایگان متصرف بود و بابت آن بهره مالکانه نمی‌داد. این نکته در بسیاری از دهات کردستان صادق بود. از این گذشته، در کردستان مالکان به‌عنوان رسومات، مقداری روغن از هر زارع برای کدخدا می‌گرفتند، تا او بتواند از عهده مخارج مهمانان و مأموران دولتی برآید. در این منطقه، کدخدا از همه مسافران و مأمورانی که از ده می‌گذشتند، پذیرایی می‌کرد.

لازم به ذکر است که کدخدا خود نیز معمولاً دارای نسق زراعی بود و برای پذیرایی از میهمانانی که به ده می‌آمدند و نیز انجام سایر وظایفی که بر عهده‌اش بود، سالانه از هر یک از روستائیان مقداری گندم دریافت می‌داشت.

به‌طورکلی در مناطق عشایری، اعم از فارس یا جاهای دیگر، خانها، کلانتران، کدخدایان و نوکران آنان، از هر فرد ایل روغن و گوشت برای تأمین مخارج خود می‌گرفتند. همچنین رؤسای قبایل کرد و خوانین، علاوه بر بهره مالکانه، باجهایی برای خان عشیره می‌ستاندند. در پاره‌ای از مناطق عشایری، کلانتران و کدخدایان مسئول وصول مالیات دولت بودند و درین گونه موارد، قسمتی از آنچه وصول می‌کردند

را به‌عنوان حق‌العمرل برای خود کنار می‌گذاشتند.

کدخدا از گذشته و قبل از مشروطیت، به‌عنوان پائین‌ترین رده از تشکیلات بزرگ مالکان، به اداره امور ده از نزدیک و تحت نظارت و اوامر مالکان یا مباشران اشتغال داشت. بعد از مشروطیت، مجلس دوره اول در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق (۱۲۸۴ش)، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام را به تصویب رسانید. برطبق این قانون، اداره امور ده به کدخدا واگذار شد و آن را در حد یک دایره حکومتی بشمار آورد. به‌این ترتیب، در سلسله مراتب حکومتی ابتدا حاکم، نایب‌الحکومه، اداره نظمیه شهری و بلوکی و بالاخره کدخدا در آخرین مرتبه آورده شد. در این قانون در این زمینه آمده است: اداره کردن امور ده به عهده کدخداست که به رضایت اکثریت ساکنان ده و به تصویب مباشر و مالک و امضاء نایب‌الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد.

وظایف کدخدایان طبق این قانون به قرار زیر بود:

- اجرای قراردادهای (بخش‌نامه‌ها) اداره ناحیتی، یعنی اجرای دستورات ضابط که منسوب حکومت بود؛
- نظارت بر اینکه حدود اراضی متعلقه و علائم آن محفوظ باشد، اعم از اینکه آن اراضی در مالکیت آنها باشد یا در اجاره آنها؛
- مراقبت در صحت راهها و معابر و کوچه‌ها و پلهای ده؛
- مواظبت در وصول مالیات و عوارض دولتی و حقوق مالک؛
- اجرای قراردادهایی که دهقانها مابین خود منعقد داشته‌اند یا با مالکین و اشخاص خارج بسته‌اند، در صورتی که این قراردادها متنازع فیه نباشد؛
- نظارت بر مکاتب و مریضخانه و دارالمساکین و غیره در صورتی که خود اهالی ده به خرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس کرده باشند؛
- نظارت بر دفاتر نفوس و اطلاعات راجع به آن و تقدیم صورت این دفاتر به‌جای لازم؛ و
- نظارت بر اموال و وجوهی که متعلق به خود ده است و همچنان به انبار غله که متعلق به اهالی ده است و صرف آن به‌طور صحیح.

دولت با روستائیان مطرح بود. اگرچه کدخدا کلاً نقش فرمانبرداری از مالک و اجرای مأموریت‌های محوله در جهت حفظ انتظام را برعهده داشت، برخی از وظایف نیز از طریق دستگاه اداری برعهده وی گذاشته شد. از زمان پهلوی اول که شیوه اخذ مالیات از مالکان تغییر کرد و مقرر شد که زارعان هم مالیات پردازند، کدخدا به‌عنوان مأمور وصول مالیات درآمد. به‌تدریج که برنامه‌های عمرانی و اصلاحی امور اجتماعی روستا در قالب قانون و مقررات مورد توجه قرار گرفت، کدخدا در داخل روستا نقش رابط را در اجرای برنامه‌های دولتی و یا گردآوری مبالغی از درآمد روستائیان یافت. مسائلی مثل تهیه آب شرب، احداث و مرمت مسجد، غسلخانه، پل، انبار، مدرسه و گسترش بهداشت از طریق رعایت نکات بهداشتی و نگهداری و سرپرستی یتیمان و افراد بی‌سرپرست و کارهایی از این قبیل را جزو وظایف شورای بخش و کدخدایان قرار دادند و حتی بنگاهی دولتی برای رهبری و سرپرستی این مؤسسات پدید آمد. با وجود مقررات مختلف در این زمینه، وجود روابط مالک و رعیتی و نقش بزرگ مالکان در شبکه و روابط تولیدی، امکان فعالیت را به کدخدا، جدای از خواست‌ها و دستورات مالک، نمی‌داد. از زمانی که دولت حضور خود را در روستاها اعلام کرد، کدخدا روی کاغذ و در قوانین، به‌عنوان واسطه بین دولت و روستائیان موردنظر بوده است، ولی عملاً کدخدا در ارتباط با مالک نقش خود را ایفا می‌کرد. اگرچه پذیرایی از مأموران دولتی، گرفتن کوپن سهمیه قندوشکر، سربازگیری، گرفتن شناسنامه برای روستائیان و کارهایی مثل این از وظایف کدخدا بود، ولی انجام وظایف مزبور در راستای اهداف و خواست‌های مالک و در هماهنگی با او صورت می‌گرفت. کدخدا بیشتر در رابطه با امور اجتماعی و سیاسی فعال بود و نقش عمده‌ای در رابطه با مسائل اقتصادی برعهده نداشت. اگرچه گاهی حکمی به‌عنوان دهبان از طرف بخشدار یا فرماندار برای آنها صادر می‌شد، کدخدا در هرم قدرت ده در رده سوم و بعد از نماینده و مباشر قرار می‌گرفت. اگرچه ممکن بود کدخدایان نقش نماینده مالک را نیز ایفا نمایند، ولی این امر عمومیت نداشت.

از شرح وظایف کدخدا معلوم می‌گردد که ده نیز به‌نوبه خود دارای شخصیت حقوقی بوده است.

از ۱۳۵۴ش، وزارت تعاون و امور روستا موضوع کدخدایی را با عنوان دهبان مطرح نمود.

دهبان فردی بود که امور اجرایی در سطح ده را برعهده داشت. شرایط لازم برای این شغل عبارت بود از بین ۲۲ تا ۶۰ سال سن، سواد خواندن و نوشتن، عدم اشتها به فساد اخلاقی و اینکه از تمام یا بخشی از حقوق اجتماعی محروم نشده باشد. دهبان به انتخاب انجمن ده و تأیید بخشدار و حکم فرماندار منصوب می‌شد.

اگرچه تا سال تصویب قانون و حتی بعد از آن، کدخدایان قبلی یا فرزندان آنها به‌صورت تقریباً موروثی این وظیفه را برعهده داشتند، ولی این قانون انتخاب دهبان را به انجمن ده واگذار می‌کرد که با تأیید بخشدار و صدور حکم دهبانی از جانب فرماندار، دهبان منتخب انجمن ده رسمیت می‌یافت.

مدیریت روستا تا انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای بود که کدخدا که طبق قوانین قبلی منتخب مالک بود، هنوز به فعالیت خود ادامه می‌داد، ولی برای هماهنگی مقرر شده بود تا تعاونی، دهبان را به فرمانداری معرفی نماید.

هرچه از صدر مشروطیت دور و به سالهای دهه ۱۳۴۰ش و دوره اجرای اصلاحات ارضی نزدیک‌تر می‌شویم، ملاحظه می‌شود که نقش مالک در تعیین و نصب کدخدا یا دهبان (اصطلاحی که پس از اصلاحات ارضی متداول گردید) کاهش یافته و دولت نقش بارزتری پیدا کرده است. پدیده کدخدایی که بنا بر ضرورت و مبتنی بر عرف محل است و از گذشته مطرح بوده، وظایف یا کارکردهایی داشته است. وظایف یا کارکردهای کدخدا از زمره کارکردهایی است که تا زمانی که روستا و روستایی برقرار باشد، با تفاوت‌هایی کم‌وبیش وجود خواهد داشت.

به‌دنبال تغییراتی که بعد از مشروطیت در تعدیل نقش مالکان بزرگ و منسوخ کردن تیول‌داری صورت گرفت، در واقع نقش دولت و مالک در روستا از هم تفکیک شد. از این دوره به بعد، زارعان یا روستائیان با ۲ منبع سروکار پیدا کردند: دولت و مالک. کدخدا، در نقش رابط رسمی

تحول وظایف کدخدا

- قبل از مشروطیت، مالک حامی و پشتیبان کدخدا بود. بنابراین، کدخدا با اینکه خود از روستائیان بود، با بهره‌گیری از قدرت مالک، مقتدرانه به اداره امور می‌پرداخت؛
- بعد از مشروطیت و تا جنگ جهانی دوم، مطابق قانون، کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظام‌نامه‌های دولتی که به او مراجعه می‌شد، بود. بدین ترتیب، دولت اعمال مالکیت خود را در روستا به کدخدا (که نماینده مالک بود) واگذار کرد. از ۱۳۱۶ش به بعد، کدخدا قانوناً و مدتی بعد از آن، عملاً در نقش نماینده دولت در روستا هم انجام وظیفه می‌نمود؛
- از جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی، با وجود تصویب برنامه‌های مختلف، مدیریت ده در دست مالکان و عوامل مربوط به آنها، از جمله کدخدا بود؛
- از اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی، صدور حکم کدخدایی از جانب دولت صورت می‌گرفت و آنها به صورت مأموران بی‌جیره و مواجب دولت عمل می‌کردند، درحالی‌که مقرری خود را از روستائیان و اغلب از محصول دریافت می‌داشتند و از آنجا که با مالک قبلی رابطه حسنه‌ای داشتند، عملاً ادامه کار آنها مشکل نبود.

کتاب‌شناسی:

- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی با همکاری عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. *نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل: اعتبارات روستایی در ایران*. معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲
- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- گونبلی، ابوالحسن. *فرهنگ کشاورزی ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- گلسرخی، حسینعلی. *بررسی قوانین عمران روستایی از مشروطیت تا حال*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقات تعاونی، ۱۳۵۱.

مهدی طالب

کشاورزی شهری

Urban Agriculture

فعالیت در بخش کشاورزی و زیربخشهای آن در حاشیه کانونهای شهری، به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته. کشاورزی شهری پیوسته در تأمین یکی از نیازهای اساسی تمام شهرها، یعنی امنیت غذایی، نقش مهمی برعهده داشته است، تا جایی‌که در حال حاضر، کشاورزی شهری ابزار مهمی برای اشتغال و تأمین مواد غذایی در بسیاری از شهرهای دنیای کمتر توسعه‌یافته بشمار می‌رود. در واقع، شیوع یا رواج روزافزون فقر در بین خانوارهای شهرنشین جهان سوم موجب تأکید مضاعف بر اهمیت و جایگاه تولید مواد غذایی و پاسخگویی به نیازهای اولیه غذایی توسط خود آنان شده است. از این رو، پژوهشگران و تصمیم‌سازان به‌طور روزافزونی بر نقش بالقوه محیطهای شهری و نیز حاشیه شهری در تأمین امنیت غذایی و ارتقاء جایگاه تغذیه فقرای شهری و مردمان حاشیه‌ای تأکید می‌ورزند.

گسترش کشاورزی شهری در بسیاری از شهرهای امروزی جهان سوم، گذشته از زمینه‌های تاریخی آنها، یادآور سابقه این‌گونه فعالیتها در شهرهای جهان اول، به‌ویژه اروپا، طی اواخر سده ۱۹م و بیشتر دهه‌های سده ۲۰م است. علاوه بر این، تولید کشاورزی حاشیه شهری که از شکل‌های کشاورزی شهری بشمار می‌رود، اغلب به‌عنوان یکی از راهبردهای اشتغال حاشیه‌نشینان فقیر شهری مطرح می‌شود. به این ترتیب، این پدیده باعث شده است تا بسیاری از افراد و خانوارهای شهری منبع درآمد خود را از فعالیتهای کشاورزی به‌دست آورند.

در شهرهای رو به رشد کشورهای در حال توسعه، تولید دامی پیوسته بخشی از کشاورزی شهری است که به‌صورت‌های مختلف، از جمله نگهداری دام بزرگ و کوچک، پرورش طیور و تولید شیر به انجام می‌رسد. برای نمونه، نگهداری دام در کنار فعالیت زراعی در اغلب شهرهای افریقایی، به‌عنوان مکمل درآمد خانوارهای شهری و تضمین غذایی خانوارهای فقیرتر رواج دارد. البته بیماریهای رایج دام در محیطهای شهری از مسائلی است که

فضای مناسب برای کشاورزی شهری اغلب موجب بروز تعارض و درگیری محلی نیز می‌گردد.

کتاب‌شناسی:

- Bellows, Anne C. et al. "Urban Livestock Agriculture in State of New Jersey", *Urban Agriculture Magazine*. No. 2, Leusden (The Netherlands), 2000.
- Food and Agriculture Organization (FAO). *Livestock and the Environment : Meeting the Challenge*. Rome, 1997.
- Freeman, D.B. *A City of Farmers, Informal Urban Agriculture in the Open Spaces of Nairobi (Kenya)*. Toronto, 1991.
- Iaquina, D.L. & Drescher, A.W. "Defining, Periurban: Understanding Rural-Urban Linkages and Their Connection to Institution Contextes", *Tenth World Congress of the International Rural Sociology Association*. (August 1, 2000), Rio de Janeiro, 2000.
- Lynch, Kenneth. *Rural-Urban Interaction in the Developing World*. London: Routledge, (2005).
- Misra, H. N. "Rae Bareli Sultanpur and Pratapgarh Districts, Uttar Pradesh (North India)", *Small and Intermediate Urban Centres; Their Role in Regional and National Development in the Third World*. Hardoy, J. E. and Satterthwaite, D. (eds.). USA, 1986.
- Rabinovitch, J. *Placing Rural-Urban Linkages in the Developing Abate*. UNDP, 2001.
- Satterthwaite, D. "Seeking an Understanding of Poverty that Recognizes Rural- Urban Differences and Rural- Urban Linkages", *The World Bank's Forum on Urban Poverty Reduction in the 21st Century*. April 2000.
- Schiere, Hans & Gera den Dikken. *Urban farming and animal Production, a Synthesis*. IAC, Wageningen (the Netherlands), 2002.
- Tacoli, C. *Rural-Urban Linkages and Pro-Poor Agricultural Growth*. IIED, Hesinki Workshop, 2004.
- Van Veenhuizen. *The Rural Urban Interface*. Leusden (The Netherlands), 2003.

عباس سعیدی

کلانشهر

Megapolis

منطقه‌ای شهری متشکل از چند شهر بزرگ و کوچک، همراه با حوزه وسیعی از حاشیه شهری و با جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر.

در کنار پیامدهای بهداشتی برای ساکنان شهرها و مصرف‌کنندگان، با ضرر و زیان تولیدکنندگان محصولات دامی در این‌گونه محیطها همراه است.

کشاورزی شهری در شهرهای اروپایی نیز هنوز رواج دارد، اما با توجه به رفاه روزافزون، امروزه بیشتر شکل تفننی یافته و اغلب به دلایل بوم‌شناختی و تولید مواد غذایی بیو به انجام می‌رسد. در شهرهای صنعتی ایالت نیوجرسی (ایالات متحد) که هنوز بقایای مکانهای نگهداری مرغ و خرگوش متعلق به مهاجران آلمانی و ایتالیایی اوایل



سده ۲۰م دیده می‌شود، مهاجران تازه‌واردی جایگزین آنان شده‌اند که سنتهای روستایی و شهری خود، از جمله پرورش دام را به همراه آورده‌اند. این خود نمایانگر اهمیت این نوع فعالیت برای تضمین غذایی، حتی در بین ساکنان برخی شهرهای کشورهای توسعه‌یافته، از جمله ایالات متحد است.

دیدگاه منفی مقامات و مدیران رسمی شهری نسبت به کشاورزی شهری، تا حدی به دلیل صدمات بهداشتی و زیست‌محیطی این فعالیتها در حوزه‌های شهری، همراه با تبعات گسترش بی‌رویه شهرهاست؛ علاوه‌براین، ایجاد

در یونان باستان، مجموعه چند شهر کوچک به هم پیوسته که در آرکادیا یک مجموعه شهری بزرگ و گسترده را به وجود می‌آورد، کلانشهر نامیده می‌شد. در عصر جدید، این اصطلاح را اولین بار جغرافیدان برجسته جان گوتمن به کار گرفت. در این تعریف، کلانشهر به چند مجموعه مادرشهری و یا حوزه‌ای که بیش از یک مادرشهر (← مادرشهر) داشته باشد، گفته می‌شد. حوزه‌های بزرگ و گسترده شهری در سواحل شرقی ایالات متحد آمریکا، شامل حوزه‌های مادرشهری بوستون، نیویورک و فیلادلفیا تا بالتیمور و واشنگتن دی.سی یا مجموعه‌های مادرشهری اطراف دریاچه‌های بزرگ پنجگانه در شمال ایالات متحد، نمونه‌ای از آنهاست.

امروزه، کلانشهر به یک مجموعه شهری چلیپایی یا چلیپاشهر (Staupolis) گفته می‌شود که از چند ناحیه مادرشهری در یک پهنشدت پدید می‌آید. این مجموعه‌ها

به صورت زنجیره‌ای پیوسته به هم و به صورتی مداوم با یکدیگر در ارتباط هستند. حومه‌ها و شهرکهای یک مادرشهر در اثر گسترش وسایل ارتباطی و افزایش سرعت وسایل نقلیه، با حومه‌ها و شهرکهای مادرشهرهای دیگر به یکدیگر پیوند خورده و از پیوند آنها با یکدیگر، یک بافت زنجیره‌ای متشکل از مادرشهرها و شهرها در حالت گسترده‌ترین شکل شهری تشکیل می‌شود که به آن کلانشهر گفته می‌شود. به نظر جان گوتمن، این حوزه وسیع باید بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. از جمله مشخصه‌های کلانشهرها، استقرار حوزه‌های مادرشهری آنها در یک مسیر خطی و به شکل دالانی در کنار هم است. حوزه‌های شهری بوستون- واشنگتن در طول ۱۰۰۰ کیلومتر استقرار یافته است. تراکم بالای جمعیت، بانکها و مراکز تجاری، بالا بودن قیمت زمین به نسبت سایر شهرها، فعالیت در حوزه‌های تخصصی، وجود مؤسسات بیمه‌ای،



جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان علوم مرتبط با شهر، نظرات متفاوتی ابراز شده است. از آن جمله، لوئیز مامفورد از اندیشمندان مطالعات شهری که نظراتش در خصوص توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی شهرها معروف است، در خصوص این پدیده‌ها نظرات قابل توجهی ابراز کرده است. به نظر او نیروهایی که به صورت خودکار و با فشار شاهراهها و اتومبیلهای سواری، محدوده گسترش خانه‌های شخصی را به درون روستاها بردند، به جای ایجاد شهر منطقه‌ای، موجب تراوش ماده بی‌شکل شهری شدند. کسانی که با خواندن ورد کوشش دارند این توده انبوه بی‌ریخت را به یک واقعیت طبیعی و سازمان‌یافته تبدیل کنند، تنها خود را گول می‌زنند. گذاشتن نام کلانشهر بر این توده انبوه یا اظهار آنکه دگرگونی در مقیاس فضایی به واسطه حمل و نقل سریع در ذات خود برای ایجاد یک شکل شهری نو و بهتر کافی است، در حقیقت به معنی نادیده گرفتن ماهیت پیچیده شهر است. به هم آمیختگی واقعی بافت شهری که اکنون به تعبیر بسیاری از جامعه‌شناسان، مرحله نهایی توسعه شهری را می‌گذرانند، در حقیقت تکوین نوع تازه‌ای از شهر نیست، بلکه به وجود آمدن ضد شهر- پادشهر- است. پادشهر مانند ضد ماده هر جا که با شهر برخورد کند، آن را نابود می‌سازد. چیزی که بر سر حومه شهر آمد، اکنون به درد ثبت در تاریخ می‌خورد. حومه شهر، دیگر یک واحد محله‌ای نیست، بلکه به انبوهی پراکنده و کم‌تراکم تبدیل شده است که با انباشت شهری یا شهر انباشت درآمد محاصره شده است. مامفورد در خصوص کلانشهرها و گسترش نواحی مادرشهری چنین اظهار می‌کند که به جای اینکه زندگی را به داخل شهر بیاورند، تا آنکه نادارترین ساکنان آن نه تنها از آفتاب و هوا برخوردار شوند، بلکه امکان بیابند تا زمین را لمس کنند، این رسولان ساده‌لوح ترقی، بیشتر ناباوروری را به بیلاق برده و در نهایت مرگ را به شهر آورده‌اند. شهر آینده آنها شهری است که به پائین‌ترین سطح امکان زندگی فعال و در عوض به یک زندگی خودکار و غیرارادی، بی‌احساس و عاطفه تنزل کرده و به سطح ملزومات ماشین سقوط کرده است. این امر تنها موجب آن خواهد شد که نیروهای موجود و فعال در بزرگ

مراکز عمده‌فروش و خرده‌فروش، مراکز پذیرایی و تفریحی، فعالیتهای شدید حمل و نقلی که با تراکم فعالیتهای دیگر، مانند امور مدیریت، تجارت، خرده‌فروشی، شرکتهای مسافری، سازمانهای تبلیغاتی، دفاتر وکلای حقوقی، دانشگاهها، دانشکده‌ها و کالجها و مؤسسات تحقیقاتی همراه است، از جمله مشخصه‌های دیگر کلانشهرها محسوب می‌شود. همچنین ممکن است بعضی از شهرهای آن با تخصص‌یابی به‌عنوان فعال‌ترین و پرتحرک‌ترین مراکز شهری جهان شناخته شود. اکثر حوزه‌های به هم پیوسته نیز تحت نفوذ یک مرکز شهری بزرگ قرار دارد. جریان دائمی در راههای زمینی، خطوط هوایی و ارتباطات مخابراتی، تمام سطوح کلانشهر را با یکدیگر در پیوند قرار می‌دهد و همزمان با افزایش جمعیت و رشد آنها، اراضی کشاورزی بیشتری به مسکن و شهر اختصاص پیدا می‌کند. همچنین چندهسته‌ای بودن قطبهای شهری از خصوصیات کلانشهرها محسوب می‌شود.

براساس تحقیقات مؤسسه دوکسیادس در سده ۲۰م، مجموعاً ۱۴ حوزه کلانشهری در سطح جهان وجود دارد. این مؤسسه مگاپولیس بزرگ را یک حوزه سکونتگاهی با جمعیت حدود ۱۵۰ میلیون نفر و حوزه مگاپولیس کوچک را با جمعیتی حدود ۲۵ میلیون نفر می‌داند. علاوه بر حوزه‌های کلانشهری جهان، حوزه‌های کلانشهری لندن به‌سوی سرزمینهای میانی بریتانیا تا چشایر، حوزه کلانشهری کالیفرنیا، شامل حوزه‌های مادرشهری لس‌آنجلس تا سن‌دیگو در ایالات متحد آمریکا، توکیو و یوکوهاما تا کوبه و آزاکا در ژاپن، حوزه‌های کلن تا دوسلدرف در آلمان و اترخت تا آمستردام در سطح جهان از حوزه‌های کلانشهری محسوب می‌شوند.

روند گسترش اغلب کلانشهرهای جهان، حالتی مشترک دارد. اغلب مادرشهرهای واقع در کلانشهرها تحت نفوذ یک مرکز بزرگ‌تر هستند و یک یا چند حوزه فرعی مادرشهری در هریک از کلانشهرها نحوه شکل‌گیری و کیفیت پیوستگی آنها را تعیین می‌کند.

در ارتباط با حوزه‌های مادرشهری و کلانشهری و در رد یا تأیید پیدایش چنین مجموعه‌هایی از سوی جغرافیدانان،

کمیته ملی توسعه پایدار ← توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)

کمیسیون ماده ۱۰۰

Article 100's Commission

براساس بند ۲۴ ماده ۵۶ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ ش، یکی از وظایف شهرداری، صدور پروانه برای کلیه ساختمانهایی است که در شهر احداث می‌شود. در قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ ش، به منظور الزام رعایت این بند و نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی، ماده‌ای تحت عنوان ماده ۱۰۰ تصویب گردید که براساس آن تمام مالکان موظف گردیدند، برای انجام عملیات ساختمانی از شهرداری پروانه اخذ نمایند. در این ماده، همچنین کمیسیونی به عنوان مرجع رسیدگی به تخلفات ساختمانی در داخل محدوده و حریم شهر پیش‌بینی گردید که هم اکنون تحت عنوان کمیسیون ماده ۱۰۰ شناخته می‌شود. متن این ماده به شرح ذیل است:

• **ماده ۱۰۰.** مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی ساختمانهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأمورین خود اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور یا غیرمحصور واقع باشد جلوگیری نماید.

• **تبصره ۱.** در موارد فوق‌الذکر که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای بدون پروانه یا خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد، کمیسیونی مرکب از فرماندار یا بخشدار، نماینده دادگستری شهرستان آن حوزه و نماینده انجمن شهر تشکیل و به ذی‌نفع اعلام می‌شود که هر نوع توضیحاتی دارد ظرف ۱۰

شهر، به هدف نهایی خود، یعنی نابودی کامل انسان برسند. اگرچه کلانشهر در اثر گسترش وسایط ارتباط جمعی و وجود انواع شبکه‌های حمل‌ونقل سریع، امکان جابه‌جایی کالا و انسان، تبادلات اقتصادی و اجتماعی، رفاه و خدمات مورد نیاز و بسیاری دیگر را در خود فراهم ساخته، ولی به‌نوبه خود مشکلات مهم و قابل توجهی را در پیش روی انسان قرار داده است. جمله این مشکلات، علاوه بر آلودگیهای زیست محیطی، به جنبه‌های مرتبط با خصلت بشر بازمی‌گردد. ناامنی، بی‌اعتمادی، غریبگی، جرم و جنایت، خشونت و سرقت در چنین شهرهایی بیش از شهرهای کوچک و نواحی روستایی است. شهرهای بزرگ حاصل دوران صنعتی است. افزایش مهاجرتها به گسترش خرده‌فرهنگها در چنین شهرهایی دامن زده است. این خرده‌فرهنگها علاوه بر گروههای قومی و نژادی در فرهنگهای حرفه‌ای و قشربندیهای اجتماعی نیز به‌طور قابل ملاحظه گسترش یافته است.

کتاب‌شناسی:

- آگ برن، ویلیام اف. و نیم‌کف، مایر اف. *زمینه جامعه‌شناسی*. اقتباس امیرحسین آریانپور، چاپ پنجم، تهران: فرانکلین، ۱۳۵۰.
- دورانت، ویل و آریل. *تاریخ تمدن*، ترجمه امیرحسین آریانپور و دیگران، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- سیف‌الدینی، فرانک. *فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شکویی، حسین. *جغرافیای شهری*. جلد دوم، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سیدمهدی. *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۴.
- فکوهی، ناصر. *انسان‌شناسی شهری*. چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- مامفورد، لوئیز. *مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ*، ترجمه احمد عظیمی بلوریان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, G.B., 2005.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill Inc., 1974.

اسماعیل شیعه

نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور و یکی از قضات دادگستری به انتخاب وزیر دادگستری و یکی از اعضای انجمن شهر به انتخاب انجمن مطرح می‌شود. کمیسیون پس از وصول پرونده، به ذی‌نفع اعلام می‌نماید که ظرف ۱۰ روز توضیحات خود را کتباً ارسال دارد. پس از انقضاء این مهلت، کمیسیون مکلف است موضوع را با حضور نماینده شهرداری که بدون حق رأی برای ادای توضیح شرکت می‌کند، ظرف مدت یک ماه تصمیم مقتضی برحسب مورد اتخاذ کند. در مواردی که شهرداری از ادامه ساختمان بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه جلوگیری می‌کند، مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از تاریخ جلوگیری، موضوع را در این کمیسیون مطرح نماید؛ در غیر این صورت، کمیسیون به تقاضای ذی‌نفع به موضوع رسیدگی خواهد کرد. در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد، مهلت مناسبی که نباید از ۲ ماه تجاوز کند، تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید، شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آئین‌نامه اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد کرد.

در ۱۳۵۶ش این قانون مجدداً اصلاح و ۶ تبصره به آن اضافه گردید. این اصلاحات عموماً در نتیجه تهیه و تصویب طرح‌های جامع شهری و وضع ضوابط و مقررات برای توسعه کالبدی شهرها و همچنین به منظور کنترل ساخت‌وسازها در محدوده شهرهای بزرگ، به خصوص تهران، انجام شد. در صدر قانون نیز به این موضوع اشاره شده است که تبصره‌های ۳، ۴ و ۵ فقط در محدوده تهران اجرا می‌گردد. با الحاق تبصره‌های ۳-۵ به این قانون، وظیفه نظارت بر انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن، به مهندسان ناظر محول گردید. همچنین دفاتر اسناد رسمی نیز موظف گردیدند، قبل از انجام هرگونه معامله، گواهی پایان کار یا عدم خلاف ساختمان را ملاحظه نمایند. سایر مواد الحاقی نیز به نحوه رسیدگی به تخلفات حادث شده قبل از تصویب این قانون و نحوه اعتراض به آرای صادره توسط کمیسیون می‌پردازند. مشروح اصلاحیه مورد اشاره با عنوان قانون

روز کتباً ارسال و کمیسیون تصمیم لازم را ضمن تعیین ضرب‌الاجل مناسب صادر می‌نماید و شهرداری مکلف است مراتب را به مالک ابلاغ نماید. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام ننمود، شهرداری رأساً اقدام و هزینه عملیات را طبق مقررات آئین‌نامه اجرایی وصول عوارض از مالک دریافت می‌نماید.

• **تبصره ۲.** اقدامات شهرسازی خارج از محدوده شهرها باید با موافقت وزارت کشور باشد.

در ۱۳۴۷ش و براساس تبصره ۴ ذیل ماده ۲۶ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ش، دستگاههای دولتی نیز موظف گردیدند، برای احداث ساختمان از شهرداری پروانه دریافت نمایند. متن این تبصره به شرح زیر است:

• **تبصره ۴.** وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و مؤسسات خیریه برای ایجاد ساختمان مؤسسات خود مکلف به دریافت پروانه ساختمان از شهرداری و رعایت ماده ۱۰۰ قانون اصلاحی شهرداری مصوب ۱۳۴۵ش و سایر مقررات مذکور در قانون شهرداریها و این قانون راجع به ایجاد بنا می‌باشند.

در ۱۳۵۲ش، تبصره یک ذیل ماده ۱۰۰ اصلاح شد و طی آن، تغییراتی در نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی ایجاد گردید. براساس این اصلاحیه، شروع عملیات ساختمانی خلاف نیز حسب درخواست شهرداری، برای رسیدگی به این کمیسیون ارجاع و کمیسیون مکلف گردید، ظرف مدت یک ماه تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. همچنین مقرر گردید، در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد، مهلت مناسبی که نباید از ۲ ماه تجاوز کند، تعیین گردد. متن این اصلاحیه که با عنوان قانون الحاق ۲ تبصره به ماده ۵۵ و اصلاح تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها در تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۷ش تصویب گردید، به قرار زیر است:

• **تبصره ۱.** در موارد مذکور فوق که از لحاظ اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی قلع تأسیسات و بناهای خلاف مشخصات مندرج در پروانه ضرورت داشته باشد یا بدون پروانه شهرداری ساختمان احداث یا شروع به احداث شده باشد، به تقاضای شهرداری، موضوع در کمیسیونی مرکب از

الحاق ۶ تبصره به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۵۶/۶/۸ ش، شامل موارد زیر است:

• **ماده واحده.** تبصره‌های ذیل به‌عنوان تبصره‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ به ماده ۱۰۰ قانون شهرداری الحاق می‌شود. مفاد تبصره‌های ۳، ۴ و ۵ فقط در محدوده شهرداری پایتخت اجرا می‌گردد و اجرای آنها در سایر شهرها، موکول به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیئت وزیران است.

• **تبصره ۳.** مهندسان ناظر ساختمانها مکلفند، نسبت به عملیات اجرایی ساختمانهایی که به مسئولیت آنها احداث می‌گردد، از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن، مستمراً نظارت کرده و در پایان کار، مطابقت ساختمان با پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی را گواهی نمایند. هر گاه مهندس ناظر برخلاف واقع گواهی نماید و یا تخلف را به موقع به شهرداری اعلام نکند و موضوع منتهی به طرح در کمیسیون مندرج در تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و صدور رأی بر تخریب ساختمان گردد، شهرداری مکلف است مراتب را به نظام معماری و ساختمانی منعکس نماید. شورای انتظامی نظام مذکور موظف است مهندس ناظر را در صورت ثبوت تقصیر، برابر قانون نظام معماری و ساختمانی، حسب مورد و با توجه به اهمیت موضوع، به ۶ ماه تا ۳ سال محرومیت از کار و در صورتی که مجدداً مرتکب تخلف شود که منجر به صدور رأی تخریب به‌وسیله کمیسیون ماده ۱۰۰ گردد، به حداکثر مجازات محکوم کند. مراتب محکومیت از طرف شورای انتظامی نظام معماری و ساختمانی در پروانه اشتغال درج و در یکی از جراید کثیرالانتشار اعلام می‌گردد. مأموران شهرداری نیز مکلفند در مورد ساختمانها نظارت نمایند و هرگاه از موارد تخلف در پروانه به موقع جلوگیری نکنند و یا در مورد صدور گواهی انطباق ساختمان با پروانه، مرتکب تقصیری شوند، طبق مقررات قانونی به تخلف آنان رسیدگی می‌شود. در صورتی که عمل ارتكابی مهندسان ناظر و مأموران شهرداری واجد جنبه جزایی هم باشد، از این جهت نیز قابل تعقیب خواهند بود. در مواردی که شهرداری مکلف به جلوگیری از عملیات ساختمانی است و دستور شهرداری

اجرا نشود، می‌تواند با استفاده از مأموران/جریبات خود و در صورت لزوم، با کمک مأموران انتظامی برای متوقف ساختن عملیات ساختمانی اقدام نماید.

• **تبصره ۴.** شهرداری مکلف است، از تاریخ دریافت تقاضای کتبی دایر به صدور گواهیهای مندرج در تبصره‌های ۳ و ۵، حداکثر ظرف یک ماه گواهی مورد تقاضا را صادر و به متقاضی تسلیم نماید و در صورت مشاهده تخلف مراتب را ظرف همان مدت کتباً به متقاضی اعلام کند.

• **تبصره ۵.** دفاتر اسناد رسمی مکلفند، قبل از انجام هر گونه معامله، اعم از قطعی و رهنی در مورد ساختمانها، گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام گواهی عدم وقوع تخلف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد، ملاحظه و مراتب را در سند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که پروانه آن قبل از تصویب این قانون صادر شده باشد، در صورتی که گواهی پایان ساختمان ارائه نشود و طرف معامله با علم به اینکه ممکن است مورد معامله مشمول مقررات تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری باشد، به انجام معامله رضایت دهد، ثبت آن با تصریح مراتب فوق در سند بلامانع است. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده و فاقد پروانه باشند، گواهی شهرداری مبنی بر اینکه ساختمان قبل از تاریخ مذکور ایجاد شده و یا احراز موضوع از طرف دفترخانه و یا رضایت طرف معامله به اینکه ممکن است مورد معامله مشمول مقررات تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری باشد، به انجام معامله، با درج هریک از مراتب فوق در سند، معامله آن بلامانع است.

• **تبصره ۶.** در مورد ساختمانهایی که تا تاریخ تقدیم لایحه این قانون (۱۳۳۵/۱۱/۲۴ ش)، پروانه ساختمانی آنها برای سکونت صادر شده، ولی به‌علت تبدیل پارکینگ یا زیرزمین به محل سکونت یا احداث ساختمان مسکونی اضافه بر پروانه، تصمیم به تخریب آنها طبق تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اتخاذ شده باشد، یا موضوع به کمیسیون ماده ۱۰۰ احاله شده، ولی منتهی به اتخاذ تصمیم نگردیده و یا با احراز تخلف تا تاریخ مذکور به کمیسیون ماده ۱۰۰

قانون شهرداری، به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ به ماده مذکور الحاق می‌گردد:

• **تبصره ۲.** در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمان واقع در حوزه استفاده از اراضی مسکونی، کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا، با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن باز یا بن بست)، رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد، تعیین و شهرداری مکلف است براساس، آن نسبت به وصول جریمه اقدام نماید. (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۳ برابر ارزش معاملاتی ساختمانی برای هر مترمربع بنای اضافی بیشتر باشد). در صورتی که ذی‌نفع از پرداخت جریمه خودداری نماید، شهرداری مکلف است مجدداً پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را بنماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

• **تبصره ۳.** در مورد اضافه بنا زائد بر مساحت مندرج در پروانه ساختمانی واقع در حوزه استفاده از اراضی تجارتي و صنعتی و اداری، کمیسیون می‌تواند در صورت عدم ضرورت قلع اضافه بنا، با توجه به موقعیت ملک از نظر مکانی (در بر خیابانهای اصلی یا خیابانهای فرعی و یا کوچه بن باز یا بن بست)، رأی به اخذ جریمه‌ای که متناسب با نوع استفاده از فضای ایجاد شده و نوع ساختمان از نظر مصالح مصرفی باشد، تعیین و شهرداری مکلف است، براساس آن، نسبت به وصول جریمه اقدام نماید (جریمه نباید از حداقل ۲ برابر کمتر و از ۴ برابر ارزش معاملاتی ساختمان برای هر مترمربع بنای اضافی ایجاد شده بیشتر باشد). در صورتی که ذی‌نفع از پرداخت جریمه خودداری نماید، شهرداری مکلف است مجدداً پرونده را به همان کمیسیون ارجاع و تقاضای صدور رأی تخریب را نماید. کمیسیون در این مورد نسبت به صدور رأی تخریب اقدام خواهد نمود.

• **تبصره ۴.** در مورد احداث بنای بدون پروانه در حوزه استفاده از اراضی مربوطه، در صورتی که اصول فنی و

احاله نشده باشد، در صورتی که ساختمان مورد تخلف به دیگری منتقل شده باشد، شهرداری با دریافت حق پارکینگ مصوب انجمن شهر به میزانی که در تاریخ تقدیم لایحه این قانون مقرر بوده است و در صورتی که ساختمان مورد تخلف به دیگری منتقل نشده و در ملکیت مالک باقی باشد، به‌جز در مورد تبدیل پارکینگ به محل مسکونی، مشروط بر اینکه احداث پارکینگ در نقشه پیش‌بینی شده و تبدیل مجدد آن به پارکینگ به اصل ساختمان لطمه وارد نسازد، با دریافت ۲ برابر حق پارکینگ مذکور برای هر مترمربع مورد تخلف، گواهی پایان ساختمان صادر و از تخریب مورد تخلف خودداری خواهد کرد. در صورتی که ساختمانهای مذکور به دیگری منتقل شده باشد، منتقل‌الیه می‌تواند وجوهی را که از این بابت به شهرداری پرداخت نموده، از متخلف مطالبه کند.

• **تبصره ۷.** ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است، از شمول تبصره یک ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف هستند.

• **تبصره ۸.** در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم‌مقام او از تاریخ ابلاغ رأی، ظرف مدت ۱۰ روز نسبت به آن رأی اعتراض نمایند، مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضاء آن غیر از افرادی باشند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته‌اند. رأی این کمیسیون قطعی است.

پس از انقلاب اسلامی و با توجه به اینکه نحوه برخورد با تخلفات ساختمانی، یکی از محورهای اصلی نارضایتیهای عمومی را فراهم آورده بود، ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، بار دیگر دستخوش اصلاحات گردید. این بار، شورای انقلاب، اقدام به اصلاح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و الحاق ۳ تبصره به آن نمود. براساس این اصلاحیه، کمیسیون ماده ۱۰۰ مجاز گردید، در موارد احراز تخلفات ساختمانی، به‌جای صدور حکم قلع بنا، اقدام به تجویز رأی مبنی بر اخذ جریمه نماید. متن اصلاحیه فوق که با عنوان لایحه قانونی اصلاح تبصره‌های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۷ ش به تصویب رسیده است، به قرار زیر است:

• **ماده واحده.** تبصره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ماده ۱۰۰

بهداشتی و شهرسازی رعایت شده باشد، کمیسیون می تواند با صدور رأی بر اخذ جریمه به ازای هر مترمربع بنای بدون مجوز (۱۰). (۱) ارزش معاملاتی ساختمان یا (۵). (۱) ارزش سرقفلی ساختمان، در صورتی که ساختمان ارزش دریافت سرقفلی داشته باشد، به هر کدام که مبلغ آن بیشتر است، از ذی نفع بلامانع بودن صدور برگ پایان ساختمان را به شهرداری اعلام نماید. اضافه بنا زائد بر تراکم مجاز، براساس مفاد تبصره های ۲ و ۳ عمل خواهد شد.

• **تبصره ۵.** در مورد عدم احداث پارکینگ و یا غیرقابل استفاده بودن آن و عدم امکان اصلاح آن، کمیسیون می تواند با توجه به موقعیت محلی و نوع استفاده از فضای پارکینگ، رأی به اخذ جریمه ای که حداقل یک برابر و حداکثر ۲ برابر ارزش معاملات ساختمان برای هر مترمربع فضای از بین رفته پارکینگ باشد، صادر نماید (مساحت هر پارکینگ با احتساب گردش ۲۵ مترمربع است). شهرداری مکلف به اخذ جریمه تعیین شده و صدور برگ پایان ساختمان است.

• **تبصره ۶.** در مورد تجاوز به معابر شهر، مالکین موظف هستند، در هنگام نوسازی براساس پروانه ساختمان و طرحهای مصوب، رعایت بره های اصلاحی را بنمایند. در صورتی که برخلاف پروانه و یا بدون پروانه، تجاوزی در این مورد انجام گیرد، شهرداری مکلف است، از ادامه عملیات جلوگیری و پرونده امر را به کمیسیون ارسال نماید. در سایر موارد تخلف، مانند عدم استحکام بنا، عدم رعایت اصول فنی، بهداشتی و شهرسازی در ساختمان، رسیدگی به موضوع در صلاحیت کمیسیونهای ماده ۱۰۰ است.

• **تبصره ۸.** دفاتر اسناد رسمی مکلفند، قبل از انجام معامله قطعی در مورد ساختمانها، گواهی پایان ساختمان و در مورد ساختمانهای ناتمام، گواهی عدم خلاف تا تاریخ انجام معامله را که توسط شهرداری صادر شده باشد، ملاحظه و مراتب را در ۳ بند قید نمایند. در مورد ساختمانهایی که قبل از تصویب قانون ۶ تبصره الحاقی به ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها (۱۳۵۵/۱۱/۲۴) معامله انجام گرفته و از ید مالک اولیه خارج شده باشد، در صورتی که مورد معامله کل پلاک را شامل نگردد، گواهی عدم خلاف یا برگ پایان

ساختمان الزامی نبوده و با ثبت و تصریح آن در سند، انجام معامله بلامانع است. در مورد ساختمانهایی که قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر ایجاد شده اند، در صورتی که اضافه بنا جدید حادث نگردیده باشد و مدارک و اسناد نشان دهنده ایجاد بنا قبل از سال تصویب طرح جامع شهر باشد، با ثبت و تصریح مراتب فوق در سند مالکیت، انجام معامله بلامانع است.

• **تبصره ۹.** ساختمانهایی که پروانه ساختمان آنها قبل از تاریخ تصویب نقشه جامع شهر صادر شده است، از شمول تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری معاف است.

• **تبصره ۱۰.** در مورد آراء صادره از کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، هرگاه شهرداری یا مالک یا قائم مقام او از تاریخ ابلاغ رأی، ظرف مدت ۱۰ روز، نسبت به آن رأی اعتراض نماید. مرجع رسیدگی به این اعتراض کمیسیون دیگر ماده ۱۰۰ خواهد بود که اعضای آن غیر از افرادی هستند که در صدور رأی قبلی شرکت داشته اند. رأی این کمیسیون قطعی است.

• **تبصره ۱۱.** آئین نامه ارزش معاملاتی ساختمان، پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب انجمن شهر در مورد اخذ جرائم قابل اجراست؛ این ارزش معاملاتی سالی یکبار قابل تجدید نظر خواهد بود.

کتاب شناسی:

- منصور، جهانگیر. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*. تهران: نشر دیدار، ۱۳۸۵.

غلامرضا مجیدی

کمیسیون ماده ۵

Article 5's Commission

براساس ماده ۹۷ قانون اصلاح پاره ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ش که در تاریخ ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ش به تصویب رسید، شورای عالی شهرسازی

معماری ایران به تصویب رسید، به این شرح است:
ماده واحده. تبصره ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح زیر اصلاح می‌شود:
• **تبصره.** بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در شهر تهران به عهده کمیسیون مرکب از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو (در حد معاونت مربوط)، سرپرست سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران است.

محل دبیرخانه کمیسیون در شهرداری و دبیر آن شهردار تهران و یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود. و جلسات آن با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون حداقل با ۴ رأی موافق معتبر است. ضمناً تا تشکیل شوراهای شهر، نماینده وزیر کشور به‌عنوان قائم‌مقام رئیس شورای شهر تهران هم در کمیسیون شرکت خواهد کرد.

در ۱۳۷۸ش آئین‌نامه نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور به تصویب هیئت وزیران رسید و براساس آن نحوه بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری مشخص گردید. وفق بند ۸ ماده ۳ این آئین‌نامه، نام این کمیسیون به کمیسیون طرح تفصیلی تغییر یافت. همچنین سازمان کشاورزی (وقت) استان به عضویت کمیسیون تعیین گردید. متن این مصوبه عبارت است از:

کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، که در این آئین‌نامه کمیسیون طرح تفصیلی نامیده می‌شود، در هر استان به ریاست استاندار و عضویت رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل میراث فرهنگی و رئیس سازمان کشاورزی استان (که سمت نمایندگی وزارتخانه‌های متبوع خود را به عهده خواهند داشت)، رئیس شورای شهرستانی که طرح تفصیلی مربوط به شهر یا نقاط واقع در قلمرو آن شهرستان در دستور کار کمیسیون قرار دارد، شهردار شهری که طرح تفصیلی مربوط به آن در کمیسیون مطرح است، نماینده مهندس مشاور یا ارگان دیگری که عهده‌دار تهیه طرح

باهداف رعایت اصول شهرسازی، بررسی و تصویب نقشه‌های مربوط به امر شهرسازی تشکیل گردید. تصویب این قانون و تشکیل این شورا، زمینه‌ای شد تا چند سال بعد، با تصویب قانون دیگری، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران شکل گیرد. پس از تشکیل وزارت آبادانی و مسکن و گسترش فعالیت در زمینه تهیه طرح‌های جامع شهری، با تصویب قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، این شورا به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاستگذاری و تصویب ضوابط معماری و شهرسازی و طرح‌های جامع شهرهای کشور تعیین گردید (← شورای عالی معماری و شهرسازی ایران). وفق ماده ۵ این قانون، وظیفه بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری بر عهده کمیسیون نهاد شد که از آن پس به‌عنوان کمیسیون ماده ۵ شناخته شد که متن آن عبارت است از:

• ماده ۵. بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان یا فرمانداری کل که به‌وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار یا فرماندار کل و به عضویت رئیس انجمن شهرستان، شهردار، نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر و آبادانی و مسکن و نماینده مهندس مشاور تهیه کننده طرح انجام می‌شود. آن قسمت از نقشه‌های تفصیلی که به تصویب انجمن شهر برسد، برای شهرداری لازم‌الاجرا خواهد بود. تغییرات نقشه‌های تفصیلی اگر در اساس طرح جامع شهری مؤثر باشد، باید به تأیید شورای عالی شهرسازی برسد.

• تبصره. شهرداری پایتخت از شمول این ماده، همچنین طرح‌های تفصیلی موضوع بند ۳ ماده ۴ و بند ۴ ماده مذکور مستثنی خواهد بود.

اگرچه شهر تهران از اجرای این قانون مستثنی شده بود، اما در ۱۳۶۵ش و با اصلاح تبصره ذیل ماده ۵، نحوه رسیدگی به طرح‌های تفصیلی در شهر تهران مشخص گردید. براساس این قانون، کمیسیونی شامل معاونان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو و نیز شهردار تهران به همراه برخی سازمانهای دیگر، عهده‌دار بررسی و تصویب این طرح‌ها شدند. متن این قانون که به نام قانون اصلاح تبصره ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و

بازسازی و مرمت بافت‌های شهری و نیز طرح‌های آماده‌سازی شهری تعیین کرده است. متن این مواد به این شرح است:

ماده ۸. طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات بعدی آنها پس از بررسی در کمیته کار به موجب ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی در کمیسیون‌های طرح تفصیلی بررسی و تصویب می‌شوند. طرح‌های تفصیلی و تغییرات بعدی آنها، در صورتی که با طرح‌های جامع شهری مغایرت اساسی داشته باشند، پس از بررسی و تصویب در شورای استان، برای رأی‌گیری و تصویب نهایی به شورای عالی ارائه خواهند شد. مغایرت‌های اساسی طرح‌های تفصیلی با طرح جامع شهر بر اساس مصوبات شورای عالی تعیین می‌شوند.

ماده ۹. طرح‌های بهسازی، نوسازی، بازسازی و مرمت بافت‌های شهری، به‌عنوان قسمتی از طرح‌های تفصیلی شهرها و طرح‌های آماده‌سازی، به‌عنوان طرح تفصیلی توسعه‌های جدید شهرها و طرح‌های شهری به تصویب کمیسیون طرح تفصیلی مربوط خواهند رسید. طرح‌های فوق‌الذکر که واجد ارزش خاص تاریخی یا طراحی شهری باشند، بنابه تشخیص دبیر شورای عالی، قبل از تصویب در کمیسیون طرح تفصیلی مربوط، در گروه تخصصی طراحی و بهسازی بافت‌های شهری مورد بررسی قرار خواهند گرفت. آن دسته از این طرح‌ها که با اساس طرح جامع شهر مغایرت داشته باشند، باید به‌ترتیب مندرج در ماده ۸ به تأیید نهایی شورای عالی برسند.

فصل ششم این آئین‌نامه، شامل مواد ۴۳-۵۱، به‌نحوه تشکیل کمیسیون طرح‌های تفصیلی و گردش کار بررسی و تصویب طرح‌ها می‌پردازد. ماده ۴۳ نحوه رسمیت یافتن جلسات، حد نصاب لازم آراء برای اخذ تصمیمات و تصویب طرح‌ها و نیز محل تشکیل جلسات را مشخص نموده است. ماده ۴۴ تأکید دارد که طرح‌های تفصیلی و تغییرات بعدی آنها در صورت تناقض با اهداف اصلی و اساس طرح جامع شهر، می‌باید به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایرن برسند. همچنین ماده ۴۵ به‌نحوه بررسی مغایرت اساسی این گونه طرح‌ها در شورای استان و شورای عالی یاد شده می‌پردازد. ماده ۴۶ دبیرخانه کمیسیون طرح‌های تفصیلی را موظف نموده است، تا قبل از بررسی

تفصیلی مورد بحث در کمیسیون است، در هر استان، برای بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات بعدی آن تشکیل می‌شود.

• **تبصره ۱.** از نماینده سازمان نظام مهندسی استان جهت شرکت در جلسات کمیسیون‌های ماده ۵ تهران و استانها (بدون حق رأی) دعوت به عمل خواهد آمد.

• **تبصره ۲.** محل دبیرخانه این کمیسیون در سازمان مسکن و شهرسازی استان و امور دبیرخانه آن زیر نظر معاون یا مدیر شهرسازی سازمان مسکن و شهرسازی استان که دبیر کمیسیون را به عهده دارد، انجام می‌شود.

• **تبصره ۳.** ترکیب کمیسیون طرح تفصیلی شهر تهران به موجب اصلاحیه مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۵ ش مجلس شورای اسلامی، از نمایندگان وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، کشاورزی (در حد معاونت مربوط)، سرپرست سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او و رئیس شورای شهر تهران تشکیل می‌شود.

محل دبیرخانه این کمیسیون در شهرداری تهران و دبیر آن شهردار تهران یا نماینده تام‌الاختیار او خواهد بود.

• **تبصره ۴.** تا تشکیل شورای اسلامی شهرستان، رئیس شورای اسلامی شهر مربوط عضو کمیسیون خواهد بود.

• **تبصره ۵.** از مدیرعامل آب و فاضلاب استان و مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان و مدیرکل دفتر فنی استانداری مربوط برای شرکت در جلسات کمیسیون، بدون حق رأی دعوت به عمل خواهد آمد.

از سایر رؤسای سازمان‌های ذی‌ربط، حسب مورد به تشخیص رئیس کمیسیون یا کمیسیون دعوت به عمل خواهد آمد.

در ماده ۸ این آئین‌نامه پیش‌بینی شده است که طرح‌های تفصیلی شهری ابتدا در کمیته کار بررسی و سپس در کمیسیون طرح‌های تفصیلی تصویب گردند. همچنین در این ماده آمده است که در صورت مغایرت اساسی میان طرح تفصیلی با طرح جامع شهر مربوط، مرجع تصویب نهایی طرح تفصیلی، شورای عالی شهرسازی و معماری ایران خواهد بود. ماده ۹ این آئین‌نامه، کمیسیون طرح‌های تفصیلی را مرجع تصویب طرح‌های بهسازی، نوسازی،

قرار دهد. بدیهی است هرگونه اقدام اجرایی در خصوص مصوباتی که با مغایرت اساسی تشخیص داده می‌شوند، قبل از تصویب شورای استان و تأیید نهایی شورای عالی مجاز نخواهد بود.

ماده ۴۶. دبیرخانه کمیسیون طرح‌های تفصیلی موظف است قبل از بررسی طرح‌های تفصیلی و تغییرات آن در کمیسیون، علاوه بر انجام بررسی‌های کارشناسی و تخصصی از طریق کمیته کار به عضویت نمایندگان دستگاه‌های عضو کمیسیون و ۲ نفر از کارشناسان ذی‌صلاح به انتخاب کمیسیون، نظر تهیه کنندگان طرح را نیز در مورد پیشنهاد تغییرات طرح‌های مذکور به‌طور کتبی اخذ و به جلسه ارائه نماید.

ماده ۴۷. پیشنهاد تغییر در طرح تفصیلی باید دارای توجیه کافی باشد و همراه با گزارش کارشناسی دبیرخانه کمیسیون که حاوی مشکلات موجود در اجرای طرح اصلی و راه‌حل جایگزین خواهد بود، توسط دبیر کمیسیون و پس از طرح در کمیته کار جهت بررسی و تصویب به کمیسیون ارائه شود.

ماده ۴۸. در صورت تصویب تغییرات پیشنهادی، نقشه جدید تفصیلی عیناً با همان مشخصات ترسیمی نقشه اصلی، توسط دبیرخانه کمیسیون تهیه و جایگزین نقشه قبلی شده و یک نسخه از آن برای اجرا به شهرداری ارسال خواهد شد.

ماده ۴۹. در بررسی تغییرات طرح تفصیلی باید کلیه ضوابط و معیارهای فنی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته باشد. برای اثبات کفایت بررسیها باید موارد زیر به جلسه توضیح داده شود:

- احراز ضرورت تغییر در طرح؛
 - پیشنهاد زمین مناسب برای جایگزین از حیث مساحت و محل وقوع در هماهنگی با طرح جامع، چنانچه تغییر مربوط به کاربریهای عمومی باشد؛
 - رعایت حقوق مکتسب اشخاص؛ و
 - نحوه تأمین خدمات و تأسیسات زیر بنایی شهری و امکان اصلاح و جابه‌جایی شبکه‌های موجود.
- ماده ۵۰.** تغییر در نقشه‌های طرح‌های تفصیلی خارج از

طرح‌های تفصیلی، ضمن انجام بررسی کارشناسی، نظر تهیه‌کنندگان طرح را نیز درباره تغییرات آنها اخذ نماید. مواد ۴۷ - ۵۰ آئین‌نامه نحوه طرح پیشنهاد تغییر در طرح تفصیلی و بررسی آنها را بازگو و ماده ۵۱ نیز چگونگی ابلاغ مصوبات را تعیین می‌نماید. مشروح متن این مواد به قرار زیر است:

ماده ۴۳. جلسات کمیسیونهای طرح تفصیلی با حضور رئیس، دبیر و ۲ نفر دیگر از اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات و مصوبات آن با ۴ رأی موافق منوط اعتبار خواهد بود.

• **تبصره ۱.** در صورت عدم حضور استاندار، معاون عمرانی استاندار ریاست جلسه را برعهده خواهد داشت.

• **تبصره ۲.** جلسات کمیسیون طرح‌های تفصیلی طبق نظر استاندار در استانداری و یا در سازمان مسکن و شهرسازی استان تشکیل می‌شود.

ماده ۴۴. طرح‌های تفصیلی و تغییرات بعدی آنها که حوزه عمل آنها صرفاً در داخل محدوده طرح جامع مصوب شهر باشد، باید طوری تهیه و تصویب شوند که با اهداف اصلی و عمده و اساس ضوابط مقرر در طرح جامع تناقضی نداشته باشند و در صورتی که مفاد طرح‌های مذکور با اهداف و رهنمودهای عمده طرح جامع که در مصوبات شورای عالی تعیین شده است، تناقض داشته باشد، پس از تصویب شورای استان و تأیید شورای عالی اعتبار خواهد داشت.

ماده ۴۵. دبیرخانه کمیسیون طرح تفصیلی و شورای استان موظف است یک نسخه از مصوبات کمیسیون را با ذکر مواردی که براساس مصوبات شورای عالی با اساس طرح جامع مغایر باشد، در اولین فرصت در شورای استان مطرح نموده و صورتجلسه مربوط را حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ تصویب، به دبیرخانه شورای عالی ارسال نماید. دبیرخانه شورای عالی موظف است ظرف ۱۵ روز از تاریخ وصول این صورتجلسات، نظر خود را در صورت عدم مغایرت اساسی مصوبات مذکور با طرح جامع شهر، به دبیرخانه مذکور اعلام و در صورت تشخیص مغایر بودن مصوبات مذکور با اساس طرح جامع شهر، آن را خارج از نوبت نسبت به سایر طرح‌ها، در دستور کار شورای عالی

بیشتری می‌یابد. گردشگری یکی از اجزاء در حال رشد بخش خدمات در درون شهرهاست.

گردشگری شهری را می‌توان هم از نظر گردشگران و هم از منظر مسائل شهری مورد ملاحظه قرار داد. گردشگران به دلایل گوناگونی به سوی شهرها جذب می‌شوند که از آن جمله است:

• میراث‌های تاریخی؛

• پارک‌های تفریحی؛

• آب‌وهوا؛ و

• نزدیکی به محل مراکز تفریحی، مانند چشمه‌های آب معدنی یا پیست‌های اسکی.

مدیران شهری نیز به‌نوبه خود فعالانه در جلب گردشگری فعالیت دارند. این فعالیتها، از جمله شامل هزینه برای طرح‌هایی چون برپا داشتن موزه‌هاست. از دیگر فعالیتها می‌توان، ایجاد مناطق تفریحی و حفظ مناطق دارای بافت تاریخی را نام برد.

علاوه بر شهرها، برخی صنایع نیز به تشویق گردشگری می‌پردازند و از گردشگری سود می‌برند: کشتیهای تفریحی و گشت‌زنی، بنگاه‌های اجاره اتومبیل، سازندگان هتلها و مهمانسراها و شرکت‌های هواپیمایی از جمله مهم‌ترین آنها هستند. گرچه کارآفرینان محلی اغلب در توسعه فعالیت‌های گردشگری نقش اساسی دارند، اما نقش سرمایه‌داران ملی و بین‌المللی در این زمینه هر روز اهمیت بیشتری می‌یابد.

حضور فعال سرمایه‌های ملی و بین‌المللی در صنعت گردشگری و فعالیت مدیریت شهری در جلب گردشگری، حاکی از منافی است که رشد گردشگری به همراه دارد. برخی منافع حاصل از گردشگری شهری عبارتند از:

• افزایش فرصت اشتغال برای ساکنان شهر؛

• فرصت‌های تازه برای کارآفرینان در زمینه تدارک نیازمندیهای گردشگران؛

• افزایش درآمدهای صاحبان کسب‌وکار در فعالیتهایی چون اداره مهمان‌پذیرها و غذاخوریها؛ و

• سرزندگی شهر و افزایش درآمد شهرها به‌واسطه کسب‌وکارهای تازه و رفت‌وآمد گردشگران.

با این حال، منتقدان نیز به‌نوبه خود به جنبه‌های منفی

بررسیهای کارشناسی، از نظر رعایت مقررات قانونی و اصول فنی، به‌ویژه در مورد زمینهایی که حق استفاده مجاز از آنها قبلاً تثبیت شده است یا برای آن براساس طرح تفصیلی پروانه ساختمانی صادر گردیده، یا براساس کاربری مصوب در آن‌احداث بنا شده باشد، به‌هیچ‌وجه مجاز نیست. ماده ۵۱. تصمیمات کمیسیون ماده ۵ به‌جز مواردی که به‌موجب ماده ۴۵ مغایر با اساس طرح جامع شهر تشخیص داده شود، بلافاصله توسط دبیر کمیسیون به مراجع مربوط اعلام شده و رونوشت آن برای اعضا ارسال خواهد شد و مصوبات و نقشه‌ها و مدارک مربوط متعاقباً، حداکثر ظرف یک‌ماه، با امضای رئیس کمیسیون به سازمانها و ارگانهای مجری طرح ابلاغ خواهد شد.

• تبصره. کلیه صفحات صورتجلسات و نقشه‌ها و اوراق و جدولهای پیوست مصوبات کمیسیون باید به امضای حداقل ۴ نفر از اعضای حاضر در جلسه کمیسیون طرح تفصیلی رسیده باشد.

غلامرضا مجیدی

کاوبندی ← نسق

گردشگری شهری

Urban Tourism

طی چند دهه اخیر، گردشگری شهری به‌شدت گسترش یافته است. گردشگری داخلی و خارجی، هر دو، از اجزاء مهم اقتصاد شهرهاست، تا جایی که فعالیت‌های بخش صنعت به‌عنوان منبع اشتغال شهری (← اشتغال شهری)، و درآمدهای مالیاتی به‌عنوان منبع درآمد شهرها، اهمیت خود را به‌طور نسبی از دست می‌دهند و در مقابل، بخش خدمات در اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری) اهمیت



ترتیبات مربوط به محافظت از محیط زیست یاد کرد. مشارکت اجتماع شهری در برنامه ریزی گردشگری می تواند به ارتقاء مزایای گردشگری یاری رساند.

کتابشناسی:

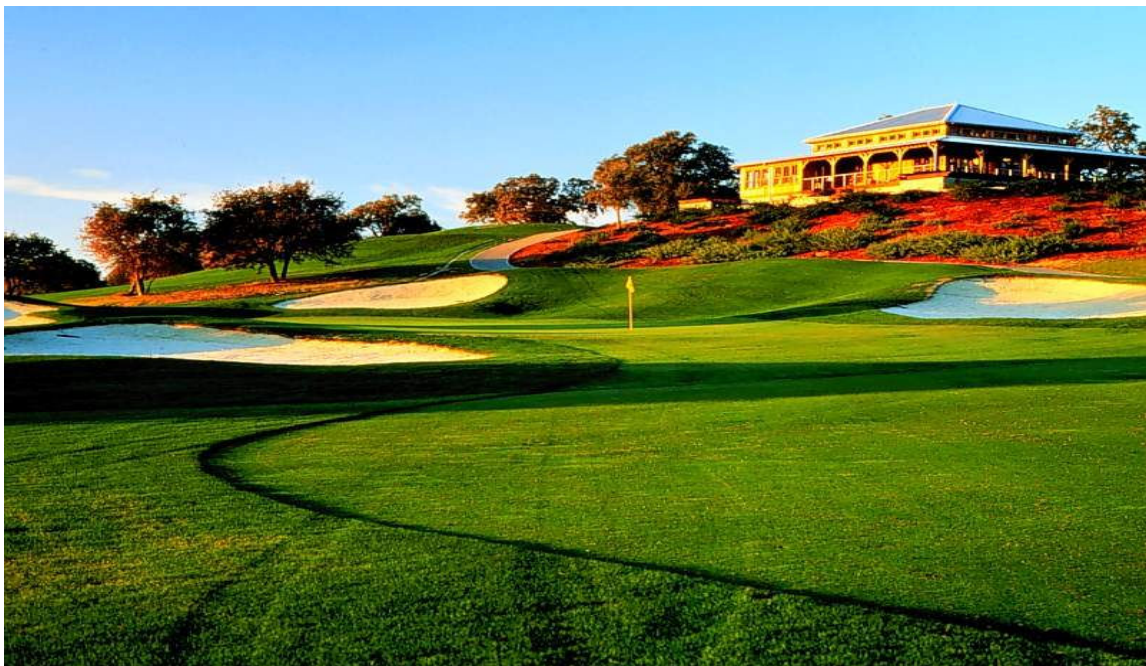
- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

رابرت کریستین
(کمال پولادی)

گردشگری اشاره می کنند که از آن جمله است:
• نزول کیفیات زیست محیطی؛
• رشد اشتغال در وهله اول در حوزه مشاغل دارای مزد پائین؛ و
• جابه جایی در سکونتگاههای مرتبط با گردشگری.

چنانچه طرحهای مربوط به گردشگری نتوانند درآمدساز باشند، هزینه های توسعه گردشگری ممکن است به بهای کاهش سطح خدمات برای ساکنان شهر منجر شود. از دید برخی منتقدان، حتی با وجود موفقیت طرحهای گردشگری، نمی توان زیان آن را به لحاظ از دست رفتن اصالت جماعتها نادیده گرفت، زیرا هم میزبانان و هم مهمانان به دلبستگیهای گردشگری مشغول می شوند و پیوستگیهای تاریخی و فرهنگی شهر را از یاد می برند.

در مورد مزایا یا زیانهای گردشگری نمی توان به یک تعمیم کلی دست زد. از جمله عواملی که بر مزایا یا زیانهای گردشگری تأثیر می گذارند، می توان از سطح رشد اتحادیه های کارگری در میان کارگران صنعت گردشگری، داشتن یا نداشتن سیاست سنجیده در مورد دستمزدها و نوع



گروه(های) هم آب

در عهد سامانیان، فن آبیاری نه تنها در بخشهای غربی قلمرو آن دولت، بلکه در نواحی شرقی آن، یعنی در حوضه مرغاب و هیلمند نیز به حد کمال رسید.

با کندوکاو در آثار تاریخی در این زمینه می توان دریافت که در دوره های مختلف تاریخی، چه در ایران، ترکستان، مصر و چین و بیشتر مناطق کم آب و کم باران، نظامهای پیچیده و متکاملی در زمینه آبیاری و چگونگی استفاده از آن شکل گرفته است که گروههای هم آب نمونه ای بارز از این نظام پیچیده و متکامل بهره وری از آب است.

اهمیت آب در کشاورزی

یکی از مشکلات اساسی و بنیادی کشاورزی ایران کمبود آب است. مهم ترین عامل پراکندگی زمین در واحد زراعی سنتی نیز همین کمبود آب بوده است. به عبارتی، هرچه ناحیه خشک تر بود، بنه قدرتمندتر و احتمال پراکندگی متصرفات و اراضی دهقانان نیز بیشتر بود. کمیابی آب همکاری میان افراد ده را برای ساخت و نگهداری قنات یا کاریز و نیز توزیع آن میان زارعان ترغیب می کرد. وجود سلسله مراتب و قشر بندی در نظام آبیاری حاکی از این واقعیت است. به عقیده لمبتون، آب یکی از عوامل مهم زراعتی ایران است، از این رو عجب نیست که مجموعه ای از قوانین مربوط به آبیاری که اساس آنها بر شرع و عرف است، به وجود آمده باشد. به عقیده عبدالله یف، شرایط جوی، به مسئله آبیاری در ایران جنبه حیاتی می داد، آب عاملی بود که در نوع رابطه دهقانان و مالکان تعیین کننده بود و تحت شرایط بسیار سختی در اختیار زارعان قرار می گرفت. باین وجود، تمام نوشته های موجود درباره کشاورزی ایران بر این مسئله تکیه داشته اند که در فعالیتهای این بخش، زمین عامل محدود کننده نیست، بلکه عامل آب از اهمیت بسیار زیادتری برخوردار است. این مسئله بدان جهت است که آب از مهم ترین عوامل تولید کشاورزی در بین عوامل پنجگانه سنتی تولید (آب، زمین، نیروی کار، فناوری و بذر) در شرایط طبیعی و اقلیمی کشور بود و شرط لازم در شکل گیری اجتماع روستایی نیز در شرایط اقلیمی و جغرافیایی ایران بشمار می رفت.

گروههایی از زارعان که سهم آب خود را روی هم می گذارند تا ضمن اشتراک در استفاده از آن بتوانند به نحو بهتر از آن بهره گیرند و در امر آبیاری و برخی کارهای کشت و زرع اشتراک مساعی کنند.

تاریخ استفاده از آب در کشاورزی و شکل گیری نظامهای حقوقی و اجتماعی آبیاری را می توان به دوران گذر از جامعه شکار و گردآوری خوراک و شکل گیری جامعه بستانکاری اولیه نسبت داد. در مناطقی از جهان که آب از مهم ترین عناصر حیات اجتماعی محسوب می گردید، انسان باتوجه به قدرت تخیل، اندیشه و نمادسازی خویش، علاوه بر اختراع فنون و روشهای مؤثر استفاده از منابع آب و مهار آن و استفاده از نیروی آب در موارد مختلفی، توانست نظامهای حقوقی - اجتماعی متنوع و مختلف در نحوه استفاده از این ماده حیاتی و مایه آبادانی به وجود آورد.

محدودیت منابع آب در ایران موجب شده است تا بهره برداری از آن در طول تاریخ به صورت نظام مند و در چارچوب ضوابط و معیارهای حساب شده انجام گیرد. به سخنی دیگر، نظام بهره برداری از آب در ایران یک امر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است. وجود واحدهای کار زراعی سنتی (بنه) نیز از این واقعیت سرچشمه می گیرد که آب، جز در یک یا ۲ ناحیه، کمیاب ترین منبع کشاورزی کشور است.

با این وصف، تاریخ تشکل در آبیاری پس دراز است و قواعد و ضوابط خاصی پدید آورده است. به عقیده بارتولد، در عصر هخامنشیان اقداماتی برای ارتقاء سطح زراعت و به کار بستن آبیاری مصنوعی در کشاورزی انجام می شد. این کوششها به سرزمینهای شرقی آن دولت نیز بسط یافته بود. پولیبی داستان مشهوری درباره آبیاری اراضی در عهد فرمانروایی ایرانیان دارد و از گفته وی چنین برمی آید که شیوه آبیاری کاریزی (قنات) هم در آن عهد پدید آمد. ضمناً این اقدام با پول و وسایل دولت انجام نشده بود، بلکه اشخاص در ایجاد آن دخیل بودند و دولت اراضی را که به وسیله امکانات مزبور مشروب می شد، برای استفاده ۵ نسل به بانیان آن واگذار می کرد.

گروه (های) هم آب

وضعیت زمین، آب، نظام بهره‌وری، زمان و مکان، فرهنگ و حتی نظام اجتماعی حاکم توجه شود. علاوه بر اینها، به‌خصوص در نظامهای آبیاری سنتی، نوع تولید، شیب زمین، جنس خاک و قطعه‌قطعه بودن اراضی با نوع آبیاری ارتباط دارد، به طوری که در اراضی واقع در تپه و یا دره نمی‌توان از آبیاری به طریقه نشتی و یا جویچه‌ای استفاده کرد. همچنین برای کشت محصولات مختلف، شیوه آبیاری فرق می‌کند.

امروزه، نظام بهره‌برداری از آب یا آبیاری را این‌گونه تعریف می‌نمایند که آبیاری شامل مجموعه‌ای از فنون و رویه‌های قانونی یا عرفی در زمینه‌های تأمین، انتقال و توزیع آب بین بهره‌برداران کشاورزی، نحوه تأمین نیاز آبی گیاهان و نباتات و ساماندهی مناسب عوامل انسانی و نیروی کار در موارد یاد شده است.

در گذشته منابع آب، اعم از سطحی یا زیرزمینی، برحسب رویه‌ای عرضی یا مکتوب و قانونی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. تشکیلات ناظر با دقت و اقتدار، قواعد و ضوابط توزیع و بهره‌برداری از آب را اعمال و نظارت می‌کردند.

در نظام سنتی بهره‌برداری از آب و آبیاری، واحدهای تقسیم آب در ۳ گروه دسته‌بندی می‌شدند:

- **واحدهای زمینی (سطحی)**، در این تقسیم‌بندی آب بر مبنای مساحت زمین تقسیم می‌شود، مانند سپیدرود؛
- **واحدهای حجمی**، توزیع آب برحسب میزان برآورد منبع برحسب حجم و تعداد بهره‌برداری و سطح اراضی مزروعی انجام می‌گیرد، مانند حبله‌رود؛
- **واحدهای زمان یا مدار گردش آب**، آب برحسب واحد زمانی تقسیم می‌شود. استفاده از این شیوه، به‌ویژه در مناطق خشک و کم‌آب، در گروه‌های هم‌آب متداول است. دو مورد اول در شبکه‌های مدرن آبیاری صورت می‌گیرد که از موضوع بحث ما خارج است.

سیر تکوینی گروه‌های هم آب

در ایران خانوارهای دهقان تنها واحد تولید کشاورزی محسوب نمی‌شوند، بلکه تا سالهای اخیر، تولید کشاورزی

و از آنجا که در موارد متعددی زمینهای قابل کشت و منابع آب فاصله‌ای نسبتاً طولانی با هم دارند که این امر انتقال آب را بسیار دشوار می‌نماید لذا مسئله آب در کشاورزی تناقضات عمده فنی و اقتصادی را به وجود آورده است که آن را به یکی از عوامل محدود کننده بخش کشاورزی تبدیل کرده است. براساس منطق اقتصادی، هر تولید کننده سعی بر آن دارد که در برنامه تولید خود، از کمیاب‌ترین عامل حداکثر استفاده را بنماید و بقیه عوامل را در ارتباط با آن عامل کمیاب چنان تخصیص دهد که حداکثر سود به دست آید. مزید بر این وضعیت، در نظام بهره‌برداری دهقانی، به دلیل کوچکی و پراکندگی قطعات و لزوم طی مسافتهای زیاد در شبکه نهرهای سنتی داخل روستاها، آبی که با هزینه فرصت زیاد به دست می‌آید، از طریق نفوذ و تبخیر به هدر می‌رود و راندمان آبیاری را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد.

به عقیده لمبتون، بر طبق خبری از عایشه، آب را نمی‌توان خرید و فروش کرد و تنها مجرای آن و حق استفاده از آن قابل فروش است. بنابر خبری از پیامبر (ص) صاحبان چشمه، قنات، چاه و نهر نمی‌توانند از دادن آب به مسافران و گله ابا و ورزند، اما کسی نمی‌تواند بدون اجازه قبلی آن را به مصرف آبیاری برساند. بنابر حدیثی، مردم در ۳ چیز شریکند: آب، آتش و غلف بیابان. حقوق آبیاری و قنات تا دوره‌های اخیر، یعنی تا ۱۳۴۶ش، سال ملی شدن آب، توسط مواد قانون مدنی و قانون مربوط به قنات ۱۳۰۹ش حل و فصل می‌شد، اما قانون مدنی درباره قنات مواد جداگانه‌ای ندارد و تنها ماده‌هایی در مبحث حریم املاک درباره قنات می‌توان یافت.

امروزه، پس از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) و به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، وضعیت آبیاری و اهمیت آب در کشاورزی به کلی دگرگون شده است. ورود فن‌آوریها و فنون مختلف کشت در زراعت امروزی، مسائل کهنه آبیاری را دگرگون ساخته و فنون جدیدی را در نظام آبیاری در کشاورزی برقرار کرده است.

آبیاری

در تعریف آبیاری، قبل از هر مسئله‌ای، بایستی به شرایط و

در واحدهای کار زراعی سنتی که بنه نام داشت، صورت می‌گرفت (← بنه).

این واحدهای کار زراعی، به‌ویژه در نقاط کم‌آب مرکزی و حاشیه کویر و یا در نیمه شرقی کشور رایج بود. این واحدهای کار زراعی سوابق کهن، ساخت اجتماعی و مناسبات اجتماعی پیچیده‌ای داشتند.

پژوهشگران، اهمیت توسعه این قبیل واحدها را در ایران به ۲ دلیل می‌دانند:

- نظام آبیاری که نیازمند کار گروهی در استفاده حداکثر از منابع آب، به‌ویژه حفر و نگهداری از قنات و مدیریت آب در سطح ده است؛
- مالکان غایب از ده این قبیل واحدهای زراعی را به‌منظور اداره بهتر املاک خود و کنترل آسان‌تر رعایا تشویق می‌کردند.

معادل بنه در خراسان و جنوب فارس صحرا، حرائه و در نواحی جنوب مناطق کوهستانی و عشایری خیش یا درکار، در خوزستان بنکو و در سایر مناطق طاق، سمکار، جوق، پنجال، سرکار، پیگال، پاگاو نامیده می‌شد (← پاگاو). به‌طور کلی بنه‌بندی در آب متأثر از نظام ارباب و رعیتی و به تبع آن، متأثر از نظام بنه‌بندی زمین بشمار می‌آمد. با اجرای قوانین ارضی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، بنه‌بندی آب تبدیل به گروههای هم‌آب گردید، زیرا با اجرای قوانین ارضی، به ترتیب ۲ عامل زمین و آب به دهقانان واگذار شد و به‌این ترتیب، دهقانان با در دست داشتن سایر عوامل تولید، عملاً حاکم بر جریان تولید گردیدند. از این رو، با اجرای قوانین ارضی، سلسله مراتب اجتماعی و حقوقی و مناسبات قدرت که در درون نظامهای واحد کار زراعی سنتی وجود داشت، دچار تغییر و دگرگونی گردید. با اجرای قوانین ارضی و مفروز شدن اراضی، قرعه‌کشی زمین تقریباً منسوخ شد و فقط تقسیم آب میان بنه‌های آب یا گروههای هم‌آب باقی ماند.

گروههای هم‌آب و ویژگیهای آن

در غالب روستاهای ایران، به‌منظور تسهیل در امر آبیاری و جلوگیری از اتلاف آب، تعدادی از دهقانان که اراضی

مزروعی آنان به یکدیگر نزدیک است و در نتیجه نوبت آبیاری آنها نیز به‌دنبال هم است، گروههای هم‌آب را تشکیل داده و در هر نوبت آبیاری از زمینهای نزدیک به منبع شروع کرده و تا پایان کار، به کمک یکدیگر، زمین را آبیاری می‌کنند. به سخن دیگر، تعدادی از زارعان که در هر گردش آب دارای ۲۴ ساعت حقاچه هستند و زمینهای آنها نزدیک یکدیگر است و دارای توافق اخلاقی نیز هستند، در مواقع آبیاری از افرادگروه هم‌آب خود کمک می‌گیرند، تا بهتر بتوانند اراضی خود را آبیاری کنند.

تشکیل گروههای هم‌آب از عوامل دیگری نظیر مقدار آب، فصول سال، مدار گردش آب و نوع محصول کاشته شده نیز تأثیر می‌پذیرد. در مناطقی از ایران که میزان آب بیشتری در اختیار زارعان قرار دارد، گروههای هم‌آب از انسجام کمتری برخوردارند، درحالی‌که در مناطق کم‌آب، می‌توان گفت که انتظام اجتماعی بیشتری حاکم بر روابط اعضا گروه هم‌آب است. در برخی از مناطق که کشت صیفی و تابستانه بیشتر متداول است، گروههای هم‌آب از فصل بهار تشکیل شده و تا زمان برداشت محصول و تمام شدن مشکل کم‌آبی و خشکی فصل، ادامه پیدا می‌کند. به علاوه، نزدیک بودن اراضی افراد به یکدیگر، توافق اخلاقی و سازگاری بین افراد در تشکیل گروه مؤثر است. هرچند که در برخی از موارد تشکیل گروههای هم‌آب براساس نظام بنه آب باقی مانده از دوران ارباب و رعیتی است. به‌عبارتی، افراد هر بنه آب بیشتر تمایل دارند که به‌صورت گروههای هم‌آب تشکیل گروه بدهند، البته با این تفاوت که در بنه آب انتخاب سرآبیار یا سربنه از سوی مالک صورت می‌گرفت، درحالی‌که در گروههای هم‌آب، این انتخاب براساس آراء اعضا گروه هم‌آب به انجام می‌رسد؛ به این معنی که سران اعضا هر گروه هم‌آب رئیس واحد را انتخاب می‌کنند. معمولاً تعیین نوبت آبیاری میان اعضا گروه براساس پائین دست قرار گرفتن اراضی و یا از طریق قرعه‌کشی (پشک) صورت می‌گیرد و به‌این ترتیب نوبت، آبیاری هر فرد تعیین می‌شود سپس افراد با کمک یکدیگر به آبیاری اراضی فردی که نوبت آب او فرا رسیده است، می‌پردازند. در برخی از موارد که تعداد اعضا گروه هم‌آب

گروه (های) هم آب

کشت بیشتر و دریافت عشر محصول از طرف مقابل، از زمره فعالیت‌هایی است که در درون گروه هم آب صورت می‌گیرد.

معمولاً در داخل هر روستا زارعان براساس میزان زمین تحت تصرف، از آب سهم می‌برند. در برخی از روستاها، آبیاری به شیوه گروهی و دسته‌جمعی صورت می‌گیرد. در پاره‌ای موارد تعداد اعضاء یک گروه هم آب به ۲۰ نفر بالغ می‌شود و بعضاً هر گروه ۲۰ نفری خود به ۲ دسته ۱۰ نفری از زارعان تقسیم می‌شود و در هر مدار گردش آب، این گروه ۲۰ نفری ۲۴ ساعت حقاچه دارد. در هر گروه ۱۰ نفری که ۱۲ ساعت سهم آب دارد، زمینهای زراعی افراد در کنار هم و به صورت پیوسته و متصل به یکدیگر است. در واقع، مبنای عضویت کشاورزان، مکان قرار گرفتن زمینهای کشاورزی آنان است. این امر از این جهت است که امر آبیاری تسهیل گردد.

آب قرضی به این معنی که زارعان برای یاری رساندن به یکدیگر و استفاده خردمندان از آب به این کار مبادرت می‌کنند. آب قرضی نه تنها در هنگامی که آب کمیاب است، بلکه در مواقعی هم که آب بسیار فراوان است، در میان گروههای هم آب دیده می‌شود؛ هر چند پراکندگی اراضی نیز سبب قرض دادن آب می‌شود.

• نوع دوم همکاری در سطح ده وجود دارد و آن ایجاد شورای آبیاری در سطح روستاست. این شورا از نمایندگان کلیه گروههای هم آب تشکیل می‌شود و از وظایف آن می‌توان به تقسیم آب میان گروههای هم آب، تعمیر و لایروبی نه‌رها، حفظ و نگهداری موتور پمپها، لایروبی جویهای منشعب از رودخانه، جمع‌آوری پول برای تأمین سوخت موتور چاه، پرداخت دستمزد موتورچی، میراب، خرید آب از اداره آبیاری و مسائلی از این دست اشاره کرد. برخی از تمهیداتی که این شورا به کار می‌گیرد، عبارتند از:

۱. برهم زدن مقررات مربوط به گردش آب. به این معنی که در مواقع کشت محصولات صیفی که نیاز آبی گیاه زیاد است، شورای آبیاری مدار گردش آب را با توجه به این نیاز آبی تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که همه زارعان بتوانند محصولات خود را آبیاری کنند. این کار که خود نوعی

از ۴ نفر بیشتر است، گروههای فرعی در درون گروه اصلی تشکیل می‌شود و اعضاء هر گروه هم آب دو به دو با یکدیگر به همکاری در امر آبیاری مبادرت می‌ورزند.

گاهی نیز اتفاق می‌افتد که برخی از اعضاء گروه هم آب، قسمتی از حقاچه خود را به صورت قرضی در یک نوبت آبیاری در اختیار عضوی از گروه هم آب خود قرار می‌دهد و در عوض، در گردش آب بعدی، علاوه بر استفاده از سهمیه آب خود، آب قرض داده شده را نیز پس می‌گیرد. ناگفته نماند که تقسیم آب میان اعضاء به گونه‌ای است که افرادی که از یک گروه هم آب نوبت آبیاری‌شان شب بوده، در نوبت بعدی در روز آب می‌گیرند.

به موازات تغییراتی که در واحدهای کار زراعی پس از اصلاحات ارضی به وجود آمد، تقسیم کار نیز در میان گروههای هم آب دچار دگرگونی‌هایی شده است. به این معنی که قبل از اصلاحات ارضی مسئولیت بر واحد کار زراعی بنه آب، برعهده یکی از افراد با سابقه و دارای مهارت در امور آبیاری و بذرپاشی بود. این فرد مسئول حفظ و نظم و ترتیب آبیاری بود و به دستور او آبیاری صورت می‌گرفت. تحویل گرفتن آب از واحد کار زراعی دیگر، هنگامی که نوبت آبیاری فرا می‌رسید و یا تحویل دادن آب به بنه بعدی پس از پایان یافتن مدت استفاده از آب، جزو امور و کار آبیاری بود. علاوه بر این، در پخش کردن آب در اراضی بنه، ایجاد جوی پشته، جلوگیری از هرز رفتن آب، درست کردن گوشه، کرت‌بندی و مانند آن، با سایر اعضاء بنه همکاری داشت. در هر واحد کار زراعی ۲ نفر کمک آبیاری نیز وجود داشت که یکی از آنها سرآبیاری را در هدایت آب به مزرعه و جلوگیری از هرز رفتن آب کمک می‌کرد و دیگری در کار آبیاری اراضی بنه آب همکاری می‌کرد.

در حال حاضر با توجه به وضعیت ایران از نظر میزان آب زراعی، همکاری و تعاون به ۳ صورت وجود دارد:

• اول همکاری در میان اعضاء گروههای هم آب به این معنی که زارعان هر گروه هم آب به یکدیگر در امور آبیاری کمک می‌کنند، تا بهتر بتوانند اراضی خود را آبیاری کنند. تعویض نوبت آب در میان گروه هم آب، خرید و فروش حقاچه و یا اجاره آب و یا در اختیار گذاردن آب به اعضا گروه به منظور

حسابداری و نظارت بر تقسیم درست حقاچه نیز از اینگونه افراد استفاده می‌شود.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که نوعی بهره‌برداری گروهی از آب طی سالهای اخیر در جامعه روستایی رواج پیدا کرده است؛ به این معنی که زارعان به تشکیل گروههای هم‌آب مبادرت کرده‌اند. گروه هم‌آب عبارت است از تعداد زارعانی که در هر گردش آب دارای ۲۴ ساعت حقاچه هستند و مشترکاً امور مربوط به آبیاری اراضی خود را انجام می‌دهند. در این حالت، اراضی تحدید می‌شود، اما زارعانی که حداقل یک یا ۲ قطعه زمینشان در مجاورت یکدیگر قرار دارد و یا با هم نسبت خویشاوندی و یا همسایگی دارند، چنین گروههایی را تشکیل می‌دهند. معمولاً دهقانان با تشکیل گروههای هم‌آب و تعویض و یا معاوضه قطعات اراضی خود، به یکپارچه کردن اراضی در داخل نسق خود مبادرت می‌ورزند و از تعداد قطعات اراضی خود می‌کاهند. ایجاد شورای آبیاری را که از سران گروههای هم‌آب تشکیل می‌شود، می‌توان معادل شورای سربنه‌ها در نظام بنه‌بندی قدیم تلقی کرد، با این تفاوت که سربنه‌ها (سرآبیاران) حالت انتخابی دارند و از سوی دهقانان هر گروه هم‌آب انتخاب می‌شوند و دیگر منصوب مالک و یا مباشر نیستند. از وظایف شورای آبیاری به هم زدن مقررات مربوط به گردش آب در مورد محصولات مختلف و تقسیم یک یا ۲ شبانه‌روز آب به‌طور مساوی میان گروههای هم‌آب است. تعیین روز آگیری از طریق قرعه‌کشی به انجام می‌رسد؛ چنین اشکالی از بهره‌برداری و تشکلهای گروهی آبیاری میان بهره‌برداران خانوادگی دهقانی در مناطق مختلف ایران، نظیر خراسان، مناطق مرکزی ایران، چهارمحال بختیاری و بسیاری دیگر از نواحی روستایی ایران وجود دارد.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران. چاپ پنجم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.
- ازکیا، مصطفی. آبرود، دهکده‌های از تربت حیدریه. تهران: بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۱.

تنظیم مجدد نوبت آب است، در موارد گوناگون دیگری نیز به کار می‌رود، مانند مواقعی که سیل بند رودخانه و یا جویی را که آب رودخانه از آن عبور می‌کرده است، با خود می‌برد؛

۲. بخشش دسته‌جمعی آب برای مقاصد مذهبی و یا مناسبتهایی که پیش می‌آید و یا تخصیص چند ساعت از آب برای مصارف عمومی؛ و

۳. آب بخشی. در برخی از آبادیها برهم زدن مقررات مربوط به گردش آب در میان گروههای هم‌آب جنبه بخشش پیدا می‌کند، به این معنی که شورای آبیاری در سال یک یا چند روز آب را به آن دسته از خوش‌نشینانی که دارای باغ و باغچه، اما فاقد حقاچه هستند، واگذار می‌کند و یا در اختیار زارعانی که به دلایلی با کمبود آب روبرو شده‌اند، قرار می‌دهد.

سازمان آبیاری گروههای هم‌آب

در مناطقی از ایران که گروههای هم‌آب، آب زراعی را از منابعی نظیر رودخانه‌ها و انهار منشعب از آن دریافت می‌کنند، مجمعی مرکب از نمایندگان گروههای هم‌آب روستایی که از آن رودخانه و یا نهر منشعب استفاده می‌کنند، به همراه نمایندگان شورای اسلامی، نمایندگان مرکز خدمات کشاورزی و اداره آبیاری، شورای انتخاب می‌کنند که با کمک و یاری یکدیگر در نگهداری منابع آب و آبراه‌ها، لایروبی فصلی و یا مستمر آن و بالاخره، تقسیم حساب شده آن میان روستاهایی که از آن نهر و یا رودخانه حقاچه دارند، نظارت می‌کند. آنها همچنین ممکن است با هم‌فکری یکدیگر کارگزارانی را که در امر آبیاری و تقسیم آن مهارت دارند، استخدام نمایند.

پیش از اصلاحات ارضی، در برخی موارد و مناطق، مزد این کارگزاران به عهده مالک و یا مالکان آب بود و یا سهمی از محصول هنگام خرمن برای این کارگزاران کسر می‌شد، اما پس از اصلاحات ارضی، مزد این‌گونه کارگزاران برعهده کشاورزان صاحب زمین است. وظیفه برخی از این کارگزاران تهیه منابع جدید آب و یا تحصیل آب بیشتر از منابع موجود و آبرسانی بهتر است. در برخی موارد، برای

- و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.
- مهندسان مشاور ویسان. *نظام بهره‌برداری از آب کشاورزی*. تهران: مجموعه مقالات دومین همایش نظام بهره‌برداری کشاورزی در ایران، وزارت جهاد کشاورزی معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، ۱۳۸۲.
- Ajami, E. "Agrarian Reform, Modernisation and Agricultural Development in Iran", *Aspen-Persepolis Symposium: Iran, Past, Present and Future*, 1975.

مصطفی ازکیا

گونه‌شناسی مسکن

Settlement Typology

واژه‌گونه را می‌توان به گروهی خاص با یک ویژگی یا مشخصه نسبت داد. هر پدیده صرف‌نظر از موجودیت عینی و منحصر به فرد خویش که متناظر با اسم خاص آن است، به دسته‌ای عام نیز تعلق دارد که دربرگیرنده ویژگی‌های عمومی پدیده‌های همسان است. بدین ترتیب، گونه یک مفهوم عام است که در زبان معماری، عهده‌دار سازماندهی عناصر و پدیده‌های مشابه در دسته‌ها و اسامی عام است. آنچه گونه‌ها را پدید می‌آورد، مشخصه‌هایی هستند که ذاتی پدیده‌های خاص بشمار می‌روند و اشتراک میان آنها، مولد یک موجودیت مشترک و قابل استنتاج از آنهاست که گونه انگاشته می‌شود.

گونه‌شناسی معماری در واقع، مبین تمام اندوخته‌های معماری یک مکان یا زمان خاص است که گونه‌های رایج در آن گرد آمده‌اند. شناخت این گونه‌ها به معنای شناخت مجموعه میراثی است که به‌صورت ترکیب اطلاعاتی ارزشمند در ضمیر ناخودآگاه معماران حاضر در آن شرایط وجود داشته است. بدین ترتیب، هر اثر منفرد معماری، به طبقه‌بندی کلی‌تری نیز تعلق می‌یابد که بدان هویتی فراتر از موجودیت خاص خود، به‌منزله یک خانه یا مدرسه یا هر بنای خاص دیگر می‌بخشد. بنابراین، گونه هم می‌تواند به کار طبقه‌بندی محیط در مقیاس کلان آمده و مولد مفاهیمی

- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴.
- ازکیا، مصطفی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی بنه‌بندی در فردیس*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ازکیا، مصطفی و احسانی، کاوه. *کتاب توسعه، مجموعه نظریه‌ها*، جلد دوم و سوم. تهران: نشر توسعه، ۱۳۷۱.
- وثوقی، منصور. *بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی ناشی از پراکندگی زمین در قالب واحدهای زراعی سنتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی ده در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستای ایران*. چاپ سوم. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۱.
- تقوی، نعمت‌الله. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۱.
- عبدالله‌یف. *روستایان ایران در اواخر قاجاریه*. تهران: مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.
- عظیمی، حسین. *توزیع زمین و درآمد در آستانه اصلاحات ارضی*. تهران: مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.
- عظیمی، حسین. *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
- صفی‌نژاد، جواد. *بنه*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری سنتی در ایران*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۹.
- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
- وثوقی، منصور. *طرح بررسی زمینه‌های ارتقاء مشارکتهای مردمی در ساماندهی و مدیریت منابع آب کشور پروژه تدوین استراتژیهای توسعه مشارکتهای مردمی در مدیریت منابع آب کشور*. تهران: مرکز مطالعات مدیریت و بهروری ایران دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.
- بارتولد، و. *آبیاری در ترکستان*، ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات توسعه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۶۹.
- لمتون، ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- عبداللهی، محمد. *نظامهای بهره‌برداری*. تهران: وزارت کشاورزی معاونت امور نظام بهره‌برداری، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، محمدعلی. *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمدرضا نفیسی

همچون روستا و شهر باشد و هم آنکه به عناصر خردتری، چون تفکیک ابنیه منفرد و حتی بخشهای یک بنای معین بپردازد. در ارتباط با گونه، مفاهیم هم ارز دیگری قابل طرحند که ارتباط میان آنها، مولد بیان معماری است. *سیماشناسی* (مورفولوژی) که ناظر بر چگونگی شکل محیط مصنوع است و در قالب آثار منفرد، به تفصیل صوری آنها می‌پردازد و *مکان‌شناسی* (توپولوژی) که با نظام فضایی مرتبط است و تبیین آرایش فضایی پدیده‌های معماری را برعهده دارد.

زمانی که گونه‌شناسی در ارتباط با مسکن قرار می‌گیرد، با تجلیات شیوه‌های گوناگون سکونت درگیر می‌شود. شیوه‌های گوناگون، هریک موجد یک گونه پایه واحد مسکونی هستند که معرف ویژگیهای فرهنگی، اقتصادی، معیشتی، اقلیمی، اعتقادی و... آن شیوه بشمار می‌روند. از این گونه پایه، با عنوان *گونه هادی* نیز نام می‌برند. گونه هادی، بافت محیط پیرامونی را محدود نکرده و بر آن مؤثر نیز هست. به‌عنوان مثال، یک گونه از مسکن، ممکن است مولد گونه‌ای از معبر باشد که آن نیز به‌نوبه خود، گونه خاصی از بافت و آبادی را به‌وجود آورد.

بدین ترتیب، مفهوم گونه‌شناسی، در ۲ مقیاس خرد و کلان، اهمیت می‌یابد و نمونه‌های کالبدی گونه را می‌توان در ۴ مقیاس استقرار، بافت، دانه و عناصر کالبدی مشاهده نمود. به تعبیر دیگر، آنچه که یک گونه کالبدی را پدید می‌آورد، علاوه بر آنکه در قالب آبادی یا خانه معنا می‌یابد، عمدتاً اجزای کالبدی آن را در مقیاسهای مختلف نیز شامل می‌شود. از آنجا که ساختار یک بنا از عناصر سازه، فضا و فرم تشکیل می‌شود، بنابراین اشتراک در این صفات کالبدی، به معنای در یک گروه قرار گرفتن مجموعه‌ای از بناهاست.

در نخستین گام برای معرفی و تبیین گونه‌شناسی، ماهیت آن مطرح می‌شود. به راستی گونه‌شناسی چگونه دانش یا روشی است؟ در کدام یک از رده‌های علوم جای دارد و موجب حصول کدام دسته از سطوح شناخت بشری می‌گردد؟ شناخت و کاربرد فراوان گونه‌شناسی در شاخه‌های مختلف علوم، از دیرباز تاکنون، بیانگر اهمیت بسزای آن است. اصطلاح گونه‌شناسی نتیجه ترکیب ۲

بخش یک مقوله، نخست اصل شناخت و دیگری موضوع شناخت است. باید در نظر داشت که این نوع شناخت، به خودی‌خود و به صرف آگاهی از برخی مشخصات موضوع نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت و تنها ذهن را با شمای کلی ویژگیهای آن موضوع آشنا می‌سازد. براین اساس، گونه‌شناسی را نمی‌توان دانشی با موضوعی ویژه تلقی نمود، بلکه روشی از شناخت است که نتیجه آن به تدریج در لایه‌های بعدی در متن علوم کاربردی، خود را نمایان می‌سازد. بدین ترتیب، گونه‌شناسی، شناختی مقدماتی و روشمند در راستای توصیف، تبیین و تحلیل ساختار گونه‌ها از طریق طبقه‌بندی آنها براساس خصوصیات عمده، اجزا و روابط به‌منظور کاربرد در علوم، از جمله معماری است. علاوه بر این، گونه‌شناسی مبتنی بر ۲ لایه از سطوح شناخت است:

- شناخت حالت وجودی یا عینیت گونه‌ها، یعنی شناخت وضع موجود و آنچه که هست و یا تحقق یافته است؛ و
- شناخت حالت تصویری یا ذهنیت گونه‌ها، به معنی شناخت آنچه که باید و می‌تواند باشد و یا شاید پیشتر بوده است.

به نظر می‌رسد، شناخت واقعی تنها زمانی حاصل می‌گردد که ذهن فارغ از تمرکز بر یکی از ابعاد فوق، در نوعی بازی آزاد، در حد فاصل ۲ حوزه عینیت و ذهنیت گونه‌ها قرار گیرد.

گونه‌شناسی یکی از زمینه‌های علمی است که روزبه‌روز از اقبال جهانی بیشتری برخوردار می‌شود. البته، سابقه گونه‌شناسی به حدود ۲۰۰۰ سال پیش و آثار بعضی نویسندگان بازمی‌گردد. ویتروویوس (Vitruvius) در کتاب مشهور خود به نام ۱۰ کتاب معماری، گونه‌های مختلف بناهای یونانی، شامل خانه‌ها، معابد و بناهای عمومی را دسته‌بندی کرده است. آلبرتی معمار معروف سده ۱۵م نیز بخشی از کتاب خود را به معابد و دسته‌بندی آنها براساس ویژگیهای شکلی اختصاص داده است. یکی از جالب‌ترین آثار دانشمندان ایرانی در زمینه معماری، کتابی است از غیاث‌الدین جمشید کاشانی به نام *مفتاح الحساب* که بخشی از آن به محاسبه هندسی و دسته‌بندی چفند، تاق و گنبد

همچون جامعه‌شناسی، اقتصاد و جغرافیا قرار می‌گیرد، فرع تلقی می‌شود. علاوه بر این، رویکرد کالبدی در گونه‌شناسی ممکن است کالبد را از منظرهای مختلف، همچون فرم، عملکرد، فضا، مصالح، نظام ساختمانی و مانند آن مورد بررسی قرار دهد.

بخشی از نمونه‌های گونه‌شناسیهای مسکن روستایی انجام شده در کشور، شامل دسته‌ای از تحقیقات گونه‌شناسی است که در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و در قالب گونه‌شناسی استانهای خوزستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری به انجام رسیده‌اند.

دسته دیگری از گونه‌شناسیهای مسکن روستایی در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و با هدف ساماندهی سکونتگاههای روستایی به انجام رسید که تلاش برای شناخت و مطالعه جوانب مختلف وضع موجود و گذشته روستا را عامل مهم در برنامه‌ریزی و طراحی و هرگونه اقدامی در راستای بهبود شرایط کالبدی در چارچوب حیات طبیعی این جوامع بشمار می‌آورد.

کتاب *الگوی مسکن روستایی، پژوهشی در معماری روستایی استان خراسان*، گونه‌شناسی مسکن روستایی استانهای لرستان، سمنان و اصفهان، گونه‌شناسی مسکن روستایی زنجان برحسب نوع معماری و مصالح و شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی در زمره تحقیقات گونه‌شناسی بودند که در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مؤسسات و ادارات وابسته به آن تهیه و نشر یافتند.

کتابهای گونه‌شناسی اولیه، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی برون‌گرا و گونه‌شناسی درون‌گرا و تیپولوژی ساختمانهای مسکونی حیاط‌دار از دیگر تألیفاتی هستند که گونه‌شناسی مسکن را از دریچه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند.

در نگرش غیرکالبدی به مسکن، زوایای دیگری از دیدگاههای جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، جغرافیایی، روانشناختی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این نگرشها، کالبد معماری فرع و در راستای اهداف رویکردی مورد نظر قرار می‌گیرد. میزان توجه به ویژگیهای بافتی

اختصاص یافته است. از جمله آثاری که به مفهوم گونه در عرصه معماری توجه ویژه دارد، کتاب *فرهنگ تاریخ معماری اثر دی کانس*، منتشر شده در ۱۸۴۴م است. این اثر گونه را یک طرح یا شما می‌داند که بر ذهن هنرمند اثرگذار است.

معماران معاصر به ظاهر با تفکر گونه‌شناسی و کاربرد آن در طراحی به این دلیل که مانعی بر سر راه خلاقیت پدید می‌آورد، به مخالفت جدی برخاسته‌اند. در واقع، این همان برداشت از گونه است که دکارلو از آن به عنوان *گونه* / *انجمادکننده* یاد کرده است. علاوه بر این، رویکرد دیگری با عنوان *پیش‌ساخته سازی یا تولید انبوه* با موضوع همگون‌سازی یا تیپ نمودن اجزا و ساختمانها جهت تسریع در امر احداث آنها مطرح است که توسط برخی معماران مدرن به کار گرفته می‌شود.

در ایران، نمونه‌هایی از گونه‌شناسی در روستاها، به‌خصوص با رویکرد جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی در دهه ۱۳۵۰ش به انجام رسیده است. پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه بعد از پایان جنگ و تخریب گسترده روستاها، به‌خصوص در مرزهای غربی کشور، بحث گونه‌شناسی با اهداف کاربردی در ساخت‌وساز مسکن روستایی آغاز شد. از آن پس با توجه به سانحه‌خیز بودن پهنه سرزمین و امکان تخریب گسترده در اثر وقوع سوانح و بازسازی مسکن در روستاهای آسیب دیده، لزوم شناخت صحیح گونه‌های موجود ساخت‌وساز در دستور کار قرار گرفت و طرحهای گونه‌شناسی با هدف بهسازی مسکن روستایی در بازسازیها و ساخت‌وسازها در نهادهای مرتبط، همچون بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن به اجرا درآمد.

ادبیات گونه‌شناسی مسکن از حیث معماری، گویای آن است که مطالعات انجام شده عمدتاً در ۲ حوزه نگرش کالبدی و غیرکالبدی به انجام رسیده‌اند.

نگرش کالبدی در گونه‌شناسی غالباً متناظر با اهداف عمرانی و یا دسته‌بندی بناها از حیث ویژگیهای معماری است. بنابراین، در این رویکرد، کالبد بنا به‌عنوان اصل تلقی می‌گردد و جنبه‌های دیگر آنکه در حوزه‌های علوم مختلفی،

• دست‌یافتن به آموزش صحیح معماری از طریق مفاهیم مشترک و پرهیز از فردگرایی در امر طراحی.

علاوه بر این، گونه‌شناسی به‌طور عام بر حلقه‌های ارتباط میان فرهنگ، اعتقادات و باورها و عوامل اقتصادی با شکل و شیوه ساخت معماری تأکید دارد. از آنجا که موضوع گونه‌شناسی مسکن از ابعاد متفاوتی، همچون معماری، جغرافیا، تاریخ، علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی کالبدی برخوردار است، این روند شامل ترکیبی از روشهای تحقیقی خواهد بود که به ترتیب از فنون و روشهای علوم اجتماعی نظیر مصاحبه و تحلیل آماری تا مشاهده و تحلیل بصری (که به رفتار انسانی نزدیکی بیشتری دارد) و نیز برداشتهای کالبدی و ثبت میدانی اطلاعات بهره می‌گیرد.

کتاب‌شناسی:

- پور محمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- شمایی، علی و پوراحمد، احمد. *بهبودی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- دلال پور محمدی، محمدرضا. *برنامه‌ریزی مسکن*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- گدیون، زیگفرد. *فضا، زمان و معماری*، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان اردبیل*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اردبیل، اردبیل، ۱۳۸۰.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان اصفهان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۹.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان فارس*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان فارس، شیراز، ۱۳۷۹.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان آذربایجان شرقی*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ۱۳۷۲.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان لرستان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان لرستان، خرم‌آباد، ۱۳۷۶.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان خراسان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خراسان، مشهد، ۱۳۷۲.
- *گونه‌شناسی مسکن روستایی استان گیلان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان تهران، تهران، ۱۳۸۷.
- *گونه‌شناسی ابنیه معماری و مسکن روستایی استان سمنان*. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان سمنان، سمنان، ۱۳۷۶.

مهران علی‌الحسابی

مسکونی در چنین رویکردهایی دارای سلسله مراتبی است که بسته به نوع نگرش متفاوت است. نگرش به مقوله گونه‌شناسی مسکن در رویکردهای غیرکالبدی، ابعاد ویژه‌ای از مسکن را در پیش روی ما قرار می‌دهد که حائز اهمیت است. در این راستا مطالعاتی نظیر گیلان و آذربایجان شرقی، نقشه‌ها و اسناد مردم‌شناسی، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، مونوگرافی ده طالب‌آباد و اورازان در زمره آثار قابل توجه بشمار می‌آیند.

این موضوع از آن جهت قابل تأکید است که گونه‌شناسی مسکن تنها ناظر به کالبد، سیماشناسی (مورفولوژی) و مکان‌شناسی (توپولوژی) تک بناها نیست و بیش از آن، با فرایند شکل‌گیری مسکن در ارتباط است. در واقع، مقتضیات کالبدی خود ماحصل پاسخ فرایند شکل‌گیری مسکن در زمان و مکان خاص است و بنابراین، واجد اصالتی قابل اتکا نیست، بلکه تنها به‌عنوان نمونه‌ای موردی محلی برای ورود و مکاشفه راهکارها و فرایند تبدیل یک سنت سکونت به تجسم کالبدی آن بشمار می‌آید.

از سوی دیگر، استخراج گونه‌های فرایند شکل‌گیری مسکن منتج به تبیین راهکارها و چگونگی دخالت در آن خواهد بود. در صورت تقید به این فرایند، آنچه که به تعاقب آن در محیط برپا خواهد شد، طبعاً در تداوم منطقی با ساخته‌های پیشین قرار خواهد داشت و نه صرفاً در تسلسل شکلی و کالبدی با آنها. بدین ترتیب، گونه‌شناسی شناختی مقدماتی و روشمند در راستای تحلیل و اصلاح ساختار گونه‌ها، از طریق طبقه‌بندی آنها براساس خصوصیات عمده، اجزا و روابط در جهت کاربرد در علمی نظیر معماری است. اهداف عمده گونه‌شناسی در معماری عبارتند از:

- رسیدن به اصول طراحی از طریق بنیانهای آن؛
- تجزیه و طبقه‌بندی مسائل دشوار در عرصه معماری به بدیهی‌ترین و ساده‌ترین شکل برای قابل فهم کردن و یافتن پاسخی مناسب برای آنها؛
- حل بحران هویت و انتقال ارزشهای گونه‌شناسانه از طریق پی بردن به ریشه‌ها؛
- خوانایی آثار معماری از سوی پژوهشگران؛ و

مادرشهر

بالا بودن امکانات فرهنگی و نقش فرهنگ‌ساز، از جمله ویژگیهای متمایز کننده مادرشهر از انواع دیگر شهر محسوب می‌شود. هنری جیمز در مورد لندن به‌عنوان مادرشهری مهم، بیان می‌کند که: «بزرگ‌ترین تجمع زندگی انسانی، کامل‌ترین ملخص جهان است و در آن بهتر از هر مکان دیگری، نژاد انسان در آن مجسم شده است».

در کنار چنین کیفیتهای برتری، متروپولیس را با ویژگیهای منفی نیز معرفی کرده‌اند. جایی است که در آن از خود بیگانگی به‌نحو چشمگیری افزایش یافته، انسان‌ستیزی، انبوهی و ازدحام آزاردهنده هم در آن زیاد است، لیکن در همان حال که جذبه دارد، جاذب نیز هست. تسلط انحصاری بر تجارت منطقه‌ای وسیع یا کل کشور از دیگر ویژگیهای مادرشهر است. وجود چند شهر در حوزه نفوذ مادرشهر، وسعت و جمعیت زیاد نسبت به سایر سکونتگاهها از ویژگیهای اصلی مادرشهر به‌حساب می‌آید.

کتاب‌شناسی:

- *أحسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، ۲ جلد، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

پرویز پیران

مفهوم و عملکردها

شهری که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر یک کشور، ایالت یا منطقه است. چنین شهری معمولاً محل استقرار مهم‌ترین مراکز تجاری و فرهنگی و فعالیتهایی نظیر آنهاست.

در فرهنگها از مادرشهر به‌عنوان شهر مرکزی یا یک واحد گسترده شهری یاد شده است که جمعیتی حدود ۴ میلیون نفر داشته باشد. مفهوم مادرشهر را به‌صورتهای

Metropolis

حوزه شهری با یک شهر بزرگ (مادرشهر) در مرکز و مجموعه‌ای از شهرها و شهرکها و حواشی به‌صورت اقماری و با وابستگیهای اجتماعی - اقتصادی مختلف در پیرامون آن.

سابقه و ویژگیهای عمومی

کاربرد مفهوم مادرشهر (متروپولیس) در زبان عربی و فارسی سابقه‌ای دور و دراز دارد. جغرافی‌نگاران ایرانی - اسلامی بارها از واژه ام‌القری استفاده کرده‌اند. مقدسی مادرشهر را برای آن دسته از شهرها به کار برده است که مرکز مهم حکومتی یا جایگاه شاهان بوده است. ام‌القری ضمناً به‌عنوان اسم خاص برای نامیدن مکه معظمه به کار رفته است.

در یونان باستان مادرشهر را برای نامیدن مرکز ناحیه‌ای تسخیر شده در خاک یونان (کُلنی) به کار می‌بردند. بعدها براساس این کاربرد، مرکز، پایتخت یا مهم‌ترین شهر هر کشور، محدوده حکومتی، ناحیه و منطقه را متروپولیس خواندند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م مادرشهر را با جمعیت بالا و وسعت زیاد، شهری تلقی می‌کردند که، نقشی جهانی به‌ویژه از نظر اقتصادی داشت. در نتیجه، تنها زیادی جمعیت و وسعت ملاک تشخیص متروپولیس یا مادرشهر به‌حساب نمی‌آید، بلکه آنچه مادرشهر را شاخص می‌سازد، کیفیات و نقش ویژه آن است؛ علاوه‌بر نقش جهانی، تنوع فرهنگ، اسکان گروههای متنوع انسانی،

شهر مرکز نظارت اقتصادی و بالاخره شهر مرکز راهبری اقتصاد منطقه‌ای می‌رسد. مورد اخیر را با توجه به تأثیراتی که از نظر نقش اقتصادی و حوزه‌های گسترده تحت پوشش در سطح منطقه‌ای و ناحیه‌ای دارد، می‌توان مادرشهر تلقی کرد.

به این ترتیب، منطقه مادرشهری شامل محدوده‌ای است که مقتضیات آن به صورت مستقیم به مادرشهر اصلی وابسته است و هدایت کلیه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی آن نیز برعهده مادرشهر است. همان‌گونه که مادرشهر رشد می‌کند، منطقه مادرشهری نیز گسترش می‌یابد. به همین خاطر در برنامه‌ریزی‌های شهری و ارائه برنامه‌های جامع، این برنامه‌ها باید در سطح شهری و منطقه‌ای ارائه شود. بنابراین، منطقه مادرشهری نیز حوزه‌ای است که شهر مرکزی را دربر می‌گیرد، و کانون مادرشهری، شهری است که در مرکز منطقه مادرشهری واقع شده است. در حالی که منطقه مادرشهری عبارت از منطقه‌ای است که به مرکزیت شهر اصلی کشور، ایالت یا پایتخت به وجود می‌آید، نواحی پیرامونی شهر اصلی را که زیر نفوذ مستقیم آن شهر است، تحت پوشش قرار می‌دهد. این شهر اصلی و حوزه منطقه‌ای آن از نظر اقتصادی و اجتماعی با مرکزیت شهر اصلی وجوه مشترک دارد.

هانس بلومفلد اشاره دارد که شناخت نواحی مادرشهری به شعاع حوزه‌های عملکردی شهر و فاصله بین محل سکونت و محل کار بستگی دارد. او شعاع عملکرد شهر از مرکز آن را با وسایط سریع و بدون راه‌بندان تا ۴۵ دقیقه و فاصله بین محل کار و محل سکونت را تا حداقل ۳۰ دقیقه می‌داند. در مادرشهرها برای مشاغل تخصصی، امور حمل و نقل، مؤسسات مالی و حقوقی، پخش و توزیع کالاها و خدمات، زمینه‌های مساعدی فراهم است. چنین شهرهایی صنایع سبک ناحیه‌ای را به موازات صنایع سنگین جذب می‌کنند و فروشگاه‌های بزرگ، تالارهای نمایش، میدانهای بزرگ ورزشی، مؤسسات بزرگ دانشگاهی دارند. مادرشهرها نقشهای مختلف شهری مانند نقش تجاری، اداری، سیاسی، دانشگاهی و خدماتی دارند. در چنین حوزه‌هایی بخش واحدهای مسکونی از سایر فعالیت‌های

مختلف بیان داشته‌اند: در تعریفی، مادرشهر به حوزه‌ای از سکونتگاه‌های شهری گفته می‌شود که از نظر مرکزیت اداری و فعالیت اقتصادی و فرهنگی بر دیگر سکونتگاهها برتری داشته باشد؛ یا آن را شهری دانسته‌اند که حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد و در سلسله مراتب شهری بتواند به صورت یک واحد نظارتی اقتصادی جدید عمل کند و بر ناحیه‌ای که ۵-۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد، مسلط باشد. مادرشهر ضمناً سکونتگاهی است که در فاصله زمانی ۴۵ دقیقه (با وسایط نقلیه پیشرفته) از مرکز آن، حداقل ۵۰۰,۰۰۰ نفر زندگی کنند، به نحوی که وسایل لازم برای پیمودن این فاصله برای جمعیت شهر در دسترس باشد. بنابراین، مادرشهر یک شهر مسلط اقتصادی و اجتماعی در یک حوزه وسیع ناحیه‌ای تحت استقرار خود، با جمعیت انبوه و دامنه کالبدی گسترده و با حوزه‌های اقماری متعدد است.

برای نخستین بار پاتریک گدس، دانشمند اسکاتلندی، در ۱۹۱۵م، شهرهای بزرگ دنیا را به عنوان مجموعه شهری (conurbation) که چند شهر دیگر را در حوزه نفوذ اطراف خود داشتند، معرفی کرد. البته لوئیس مامفورد اندیشمند آمریکایی، چنین ویژگیهایی را با کاربرد اصطلاح مادرشهر در تناقض می‌داند و اصطلاح پاتریک گدس را بر مفهوم مادرشهر ترجیح می‌دهد.

از دیدگاه اقتصاد منطقه‌ای، نظرات متفاوتی در ارتباط با موقعیت شهرها در سطح منطقه‌ای و کشوری ارائه شده است که موارد کلاسیک آنها به نظرات کسانی مانند آگوست لوش، فون توتن، والتر کریستالر و فرانسوا پرو باز می‌گردد. در نظریه «مکان مرکزی» کریستالر که از شهرها به عنوان «سکونتگاههای مرکزی» یاد شده است، برای شهرها و حوزه عمل آنها در سطح منطقه‌ای «سلسله مراتب» معینی پیش‌بینی شده است که از مراکز کوچک- واجد بازار- آغاز شده و به شهر بزرگ و مرکز ایالتی می‌رسد. فیل بریک می‌افزاید که ۷ رده بر کارکردهای مکانهای مرکزی قابل تصور است که از خانواده- در سکونتگاه کوچک- آغاز شده و به شهر مرکز خرده‌فروشی، شهر مرکز عمده‌فروشی، شهر مرکز صدور و ورود کالا، شهر مرکز معاملات ارزی،

مالک، آن بود که اینان غالباً مالک غایب بودند. مالک غایب، کارهای خود را به مباشر واگذار می‌کرد. در بسیاری موارد، مباشر از دهقانان اخاذی می‌کرد؛ این کار دلایل بسیاری داشت، اما مباشر غالباً می‌کوشید تا منافع خود را حفظ کند و اغلب هم در این کار، کامیاب بود، زیرا بارها اتفاق می‌افتاد که او خود در زمره مالکان جزء درمی‌آمد. علاوه بر این، رعیت مالک غایب، کمتر فرصت می‌یافت، تا ظلم مباشر را از خود دور کند و مانع از اخاذی او شود. از سوی دیگر، مباشر سخت پایبند حفظ منافع ارباب بود. از این گذشته، پیداست که در چنین چارچوبی، تمام هم‌مباشر متوجه افزودن به میزان عواید ارباب بود و می‌کوشید، از این راه به ارزش خدمات خویش نزد ارباب بیفزاید. از این گذشته، برای رعیت مزایایی قائل نبود و به قدر مالک نیز به ملک تعلق خاطر نداشت. در کردستان، بیشتر املاک اربابی به وسیله مباشران اداره می‌شد و مباشران غالباً قسمت معتناهی از عواید ملک را به خویش اختصاص می‌دادند. با این همه، کمتر اتفاق می‌افتاد که ارباب مباشر را اخراج کند. در تربت حیدریه در املاک اربابی وظایف کدخدا (← کدخدا) را مباشر مالک که به «صاحب کار» یا «مباشر» معروف بود، انجام می‌داد. در کرمان، مباشر کسی بود که به جمع‌آوری بهره مالکانه می‌پرداخت. در پاره‌ای از نقاط که مباشر، یعنی کسی که از کدخدا ممتاز بود و به امور مالک در روستا رسیدگی می‌کرد، غالباً قسمتی از حقوق خود را از دهقانان دریافت می‌کرد؛ مثلاً در هشتگرد، سابقاً عوارضی به‌عنوان «تخته» برای مباشر وصول می‌شد.

در گذشته مباشرانی در سیستان بودند که نماینده وزارت دارایی بشمار می‌رفتند و هرچند پس از توزیع خالصه‌ها، دیگر وظیفه‌ای به عهده نداشتند، اما تا مدتی بعد نیز به کار خود ادامه می‌دادند و ۶٪ مجموع محصول را دریافت می‌کردند. در پاره‌ای نقاط، دستمزد مباشر و ضابط را تماماً مالک می‌پرداخت. بعد از مشروطیت، اداره امور نواحی را ضابط (یا مباشر) ناحیه با کمک معاون خود و کدخدای روستاهای متعلق به آن ناحیه برعهده داشتند؛ ضابط یا مباشر که منصوب حاکم بود، مأمور دولتی بود و با مباشر مالکان که منصوب ارباب بود و زیر نظر وی کار می‌کرد،

شهری جداست. امکان سرمایه‌گذاریهای بزرگ، وسایل حمل‌ونقل پیشرفته و گسترده و خدمات خصوصی در این شهرها بسیار فراهم‌تر از شهرهای متعارف است. شهرهای لندن، پاریس، نیویورک، توکیو، لس‌آنجلس، پکن، بمبئی، مسکو، ازاکا، ریودو ژانیرو، هنگ‌کنگ، فیلادلفیا، قاهره و تهران از مهم‌ترین مادرشهرهای دنیا محسوب می‌شوند.

مادرشهر علاوه بر آنکه در پهنه‌ای وسیع دامنه‌های خود را گسترده است، قلب تپنده اقتصادی، اجتماعی و اداری، ورزشی، دانشگاهی و تفریحی، بیمارستانی، ارتباطی و خدماتی در حوزه‌های تحت استقرار خود محسوب می‌شود و شهرهای کوچک و بزرگ و سکونتگاههای اطراف خود را تحت پوشش قرار می‌دهد و در این زمینه‌ها نقش هدایت و راهبری را برعهده دارد.

کتاب‌شناسی:

- سیف‌الدینی، فرانک. فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۸.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سید مهدی. مبانی جغرافیای شهری. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۳.
- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هجدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۶.
- مجتهدی، احمد. شهرها و مسائل مربوط به آنها. اصفهان: مشعل، ۱۳۴۹.
- مزینی، منوچهر. مقالاتی در باب شهر و شهرسازی. تهران: دانشگاه ملی ایران، شهید بهشتی، ۱۳۵۰.
- Cowan, R. *The Dictionary of Urbanism*. UK: Streetwise Press, Ltd., 2005.
- Whittick, A. (ed). *Encyclopedia of Urban Planning*. McGraw Hill, Inc., 1974.

اسماعیل شیعه

مباشر

کسی که در نظام سنتی امور ارباب را انجام می‌داد و بر حفظ منافع او در روستا نظارت داشت. در نظام سنتی ملکداری وجه مشترک عام طبقه عمده

تفاوت داشت.

نحوه اداره روستا قبل از مشروطیت به این گونه بود که مالکان غایب و حاضر از طریق مباشران خود یا رأساً با انتصاب کدخدایان، امور مختلف روستا را رتق و فتق می کردند.

کتاب شناسی:

- طالب، مهدی. مدیریت روستایی ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- لمبتون، ا.ک.س. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مهدی طالب

مبلمان شهری

Urban Furniture

تسهیلات و تجهیزات رفاهی درون فضاهای شهری را مبلمان شهری می خوانند. مبلمان شهری محیط مناسبی برای زندگی و فعالیت در شهرها فراهم می آورد. از چند دهه پیش تاکنون، آگاهیهای تازه ای درباره فضاهای شهری پدید آمده است و بار دیگر خیابان، به عنوان فضایی برای زندگی و نه صرفاً محلی برای عبور و مرور و وسایط نقلیه، مطرح شده است. این نگرش را می توان بازگشتی به شیوه استفاده از خیابان پیش از تسلط خودرو دانست. بدینسان، تجهیزات مبلمان شهری، در همه سطوح سواره و پیاده، بر کیفیت منظر خیابانها می افزاید و ایمنی و راحتی شهروندان را تأمین می کند.

طراحی تجهیزات خیابان بخشی از مضمون کلی طراحی شهری است که به فضای شهر زیبایی و راحتی می بخشد. عناصر تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را نباید به صورت منفرد و مجزا طراحی کرد، بلکه باید به آنها به عنوان بخشی از یک نظام هماهنگ فضای شهری نگریست، که در آن همه اجزاء به طور هماهنگ مورد توجه قرار می گیرند و ارتباط مناسبی با ساختمانها (بدنه ها) و بستر خیابانها

(کفپوشها) برقرار می سازند. از این رو، حتی در طراحی کوچک ترین عناصر مبلمان شهری، برای مثال یک نیمکت یا آبخوری، نباید منظره کلی و فراگیر فضای شهری را نادیده گرفت.

امروزه بسیاری از شهروندان به محیط شهر خود همانند خانه خود می نگرند و با علاقه، به بهداشت و نظافت آن می کوشند، به زیبایی و مطلوبیت محیط آن نیز می اندیشند. با در نظر گرفتن ارزشهای معماری و شهرسازی و مجسمه سازی موجود، شهر یک اثر هنری بزرگ تلقی می شود که به اندازه وسعت و جمعیت خود، تجلی گاه روح آفرینندگی است. از سوی دیگر، هدف غایی طراحی شهری زیبایی با ایجاد محیطی سالم، ایمن و راحت است که برای این منظور، بایستی شهرها به وسایل لازم ایمنی و تسهیلات رفاهی مجهز شوند.

فضاهای شهری، فضاهایی هستند که در میان ساختمانها و ابنیه عمومی قرار گرفته اند و عموماً به صورت خیابانها و میدانها و گوشه ها مورد استفاده همگانی قرار دارند. این فضاها بایستی برای زندگی، فعالیت و آمدورفت مناسب سازی شوند. تجهیزاتی، همچون اثاثیه یک خانه، اسکان و زندگی در فضای محصور میان ساختمانها را آسان می سازد و بدان روح می بخشد. این تجهیزات اصطلاحاً مبلمان خیابانی یا اثاثیه فضای باز خوانده می شوند. البته اصطلاح مبلمان شهری بیش از ۲ اصطلاح دیگر رایج است و منظور از آن مجموعه وسیعی از وسایل، اشیاء، دستگاهها، نمادها، تابلوها، ابنیه و عناصری است که در شهر، به ویژه در خیابانها و میدانها و پارکها، احداث یا نصب می شوند و مورد استفاده همگانی قرار می گیرند. این وسایل بسیار متعدّدند، اما مهم ترین آنها عبارتند از:

- تابلوهای مؤسسات و مغازه ها، پلاکهای خیابانها و خانه ها، علائم راهنمایی و اطلاع رسانی؛
- علائم مقررات شهری، مانند پارک ممنوع، ایستادن ممنوع، گردش به چپ؛
- صندوقهای پست، تلفن، برق، آتشنشانی، پاراکومتر؛
- دکه های روزنامه فروشی، باجه تلفن، ماشینهای خودکار خدمات؛

مغازه‌ها و مؤسسات برای معرفی محل کار خود، از تابلوهای گوناگون و رنگارنگ به ابعاد مختلف استفاده می‌کنند، تا بیشتر به دید آیند. علاوه بر بدسلیقگی در انتخاب ابعاد، رنگ، لوگو و نور تابلوها، نحوه نصب آنها در سردر مغازه‌ها یا مؤسسات و یا به صورت عمود بر پیاده‌رو بر روی پایه‌های گوناگون، بیشترین آشفتگی و آلودگی بصری را در شهرها به وجود آورده است. این گونه تابلوها و علائم به خصوص در مرکز خرید شهر، دستخوش هرج و مرج است، به طوری که برخی از صاحبان مغازه‌ها تابلوهای خود را در پیاده‌روها در ارتفاع بسیار پائین نصب می‌کنند. در این میان، نصب تابلوهای راهنمایی و نشانه‌ها در لبه پیاده‌روها، اغتشاش بیشتری به وجود آورده است. این وضعیت به خوبی جایگاه مدیریت فضاهای شهری و طراحی و اجرای تجهیزات خیابانی یا مبلمان شهری را در شهرهای ایران آشکار می‌سازد.

یک شهر خوب آنچنان مدیریت می‌شود که اشخاص با کوچک‌ترین دخالتی در فضای عمومی با پیگرد قانونی مواجه شوند، زیرا سواى زیبایی و نظم، این قبیل امور ایمنی و سلامتی شهروندان را تهدید می‌کند و هر چیزی که سلامت و امنیت جامعه و افراد را به مخاطره بیندازد، مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرد.

در اینجا فقط مهم‌ترین عناصر مبلمان شهری که جنبه زیربنایی و اساسی دارد، معرفی می‌شوند:

• **سنگفرش (کف پوش).** منظور از سنگفرشها در سطح خیابان و پیاده‌روها، استفاده از مصالح و الگوهای روسازی برای بستر یکدست و هماهنگ خیابان و پیاده‌رو است، به طوری که تأثیر مطلوبی به منظر شهر و هویت متمایز و شاخص به بخشهای مختلف شهر ببخشد. برخی از خیابانهای قدیمی هنوز سنگفرش هستند، اما اغلب خیابانها امروز از آسفالت پوشیده شده‌اند. با این وجود، پیاده‌روها به خصوص در بخش مرکزی یعنی مراکز خرید و گردش از سنگ، موزائیک، آجر و مصالح بتونی و یا ترکیبی از آنها پوشیده می‌شود تا فضایی ویژه، متنوع و شاداب بخش در شهر یا بخشی از شهر پدید آید. سنگفرش باید با شیب مناسب در عرض طراحی شود، تا آب روی سطح سنگفرش

• وسایل استراحت، مانند نیمکت، سرپناه، سکوها؛
• عناصر حفاظت، مانند نرده، حصار، موانع فیزیکی، پله، دیوار؛

• عناصر هنری، مانند تندیس، یادبود، پرچم؛

• وسایل روشنایی، مانند تیرهای چراغ برق؛ و

• وسایل تزئینی، مانند گلدان، پرچین، آلاچیق.

طراحی مبلمان شهری موضوعی میان‌رشته‌ای است و گروه بسیاری از متخصصان مسئول طراحی و نصب آنها هستند؛ دامنه آن به قدری وسیع است که گاهی موجب آشفتگی و چندگانگی در مبلمان شهری می‌شود، حال آنکه یکی از شرایط اساسی در طراحی مبلمان شهری هماهنگی و یکپارچگی عناصر با فضاهاست. طراحان مختلف در ابداع تجهیزات شهری مشارکت دارند:

• طراحان صنعتی در طراحی نیمکتها، آبخوریها، صندوق پست، محفظه برق، کیوسکهای تلفن؛

• معماران در طراحی دیوارها، پله‌ها و سکوها، سردرها؛

• طراحان هنرهای تجسمی در طراحی احجام، تندیسها، مجسمه‌ها، ستونهای یادمانی؛

• نقاشان در نقاشی دیوارها و بدنه ساختمانها؛

• مهندسان تأسیسات در طراحی شیرهای آتشنشانی، درپوش تأسیسات آب، برق، گاز و سایر عناصر فنی؛

• مهندسان ترافیک در طراحی علائم راهنمایی و مقررات رانندگی؛

• مهندسان راه و ساختمان در طراحی جداول و کف‌پوش پیاده‌روها؛ و

• متخصصان فضای سبز در ایجاد باغچه‌ها و نظم کاشت و حفاظ درختان.

تنظیم چنین فعالیتهای متعددی به عهده سازمانهای مختلف شهری است که کمتر با یکدیگر هماهنگ هستند؛ البته بخش عمده آن به عهده سازمان زیباسازی شهرداریها و بخش دیگری به عهده سازمان ترافیک و نیز جزو وظایف سازمان پارکهاست.

تجهیزات لازم در شهرها بایستی در مکانهای مناسب مستقر شوند؛ بی توجهی به این نکته مهم، زمینه فضای شهری را برای آشفتگی فیزیکی و بصری فراهم می‌آورد.

مختلف در حد فاصل پیاده‌رو و خیابان قرار می‌گیرند. در نواحی پر رفت‌وآمد شهر حراست از درختان، به‌ویژه درختان کهنسال، ایجاب می‌کند که نرده محافظ فلزی (چدنی) در بن درخت نصب شود و در پیرامون درختان فضای مناسبی برای تنفس در نظر گرفته شود، تا از تجاوز مصالح سنگفرش پیاده‌رو یا آسفالت خیابان و یا اشیاء مخرب به بدنه درختان پیشگیری شود. نرده‌های محافظ پیرامون درختان از داخل شبکه به صفحه‌ای در زیر زمین پیچ می‌شود تا محکم قرار گیرند. نرده‌های محافظ بایستی از چدن یا فولاد تهیه شود تا در مقابل رطوبت و آب، زنگ‌زدگی پیدا نکنند و با طرحی همسان و استاندارد در سراسر یک خیابان مورد استفاده قرار گیرند.

• **محل‌های نشستن.** طراحی محل‌های نشستن در داخل پارکها و کنار میدانها و برخی پیاده‌روها به ۲ گونه است: محل نشستن بلندمدت و محل نشستن کوتاه‌مدت. برای نشستن طولانی بایستی از نیمکتهای پشتی‌دار و دسته‌دار استفاده کرد، تا شهروندان از شرایط راحتی بیشتری برخوردار باشند. محل‌های نشستن کوتاه‌مدت، ساده‌تر و چندکاره هستند، نظیر نیمکتهای سنگی یا بتنی بدون پشتی، یا لبه

جمع نشود. می‌توان مجراهایی در لبه سنگفرش قرار داد، تا آبهای سطحی را هدایت کند.

• **درپوش.** درپوش‌های مربوط به تأسیسات آب، برق و تلفن شهری که در پیاده‌روها و سنگفرش آن نصب می‌شود؛ بایستی با طرح سنگفرش به‌خوبی هماهنگ باشد؛ علاوه‌براین، اندازه و بلندی آنها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود، که از جابه‌جایی و کنده شدن و سروصدا پیشگیری شود. بهتر است سطح درپوشهایی که در الگوی سنگفرش قرار می‌گیرند، بدون لغزش و ثابت باشد. برای آنکه درپوشها جابه‌جا نشوند و بهنگام عبور عابران یا وسایل نقلیه نلرزند، باید در ۳ نقطه به زمین متصل شوند.

• **جدول.** نوع جدول باتوجه به درجه خیابان و مصالح به کار رفته در سنگفرش پیاده‌روها انتخاب می‌شود. معمولاً از جداول استاندارد، محکم و ایمن در خیابانهای درجه ۱ و ۲، به‌ویژه در خیابانهای پر رفت‌وآمد و جمع‌کننده‌های اصلی استفاده می‌شود. بتن بیش از هر چیز دیگری در ساخت جداول به کار می‌رود، زیرا علاوه‌بر استحکام و دوام، نسبتاً کم‌هزینه است؛ بااین‌وجود، در نواحی پرتردد و مرکز شهر، بهتر است از سنگ- به‌ویژه گرانیت- استفاده شود، زیرا



گلدانهای بسیار بزرگ سنگی یا بتنی. نیمکتهای چوبی یا فلزی داخل ایستگاههای اتوبوس.

سکوها و پله‌ها مانند آمفی‌تئاتر به‌صورت ردیفی، با اندازه‌های متناسب برای نشستن جوانان و نوجوانان در

جابه‌جایی و ترمیم جداول هزینه بسیار سنگینی دارد و نمی‌توان زودبه زود آنها را تغییر داد و یا جابه‌جا نمود.

• **نرده‌های محافظ درختان.** یکی از عناصر مهم و ثابت خیابانها و فضاهای شهری درختان هستند که به شکل‌های

می‌پذیرد. برخی اوقات، بعضی از این تیرآنها کج شده و خطرناکند. علاوه بر زشتی و زمختی، این نوع تیرکها برای افراد پیاده بی‌خبر بسیار خطرآفرین است، به‌خصوص برای کودکان و معلولین. انتخاب محل تیرکها برای نظم بخشیدن به عوامل و موانع خیابانی مسئله بسیار مهمی است؛ از این رو انتخاب آنها را به افراد فنی باید انجام دهند. فاصله میان تیرکها در جایی که مقصود ایجاد مانع برای عبور اتومبیل است، حدود ۱/۵ متر است. برخی اوقات می‌توان در طول مسیر پیاده‌رو زنجیر بست و از عبور موتورسیکلت نیز ممانعت به عمل آورد، اما زنجیر در عرض پیاده‌رو برای عبور و مرور عابران بسیار خطرناک است. ارتفاع تیرکها بین ۱/۱۲-۱/۵ متر مجاز است. در پیاده‌روها، تیرکها بایستی بسیار کوتاه باشند و هر جا که احتمال برخورد اتومبیل با تیرک هست، بایستی با عمق بیشتری در زمین نصب شود.

• نرده‌ها. ایجاد مانع کالبدی یا حصار به‌صورت نرده، در برخی از قسمتهای شهر از لحاظ ایمنی ضرورت حیاتی دارد، اما نصب نرده‌ها در همه قسمتهای خیابان، بین پیاده‌رو و سواره‌رو و در برخی از خیابانها، بین دو سوی خیابان ضرورت چندانی ندارد، زیرا یکی از عناصر بسیار زشت فیزیکی است که مبین رفتارهای نادرست شهروندان است. نصب نرده در برخی خیابانها به قدری افراطی است که حتی مقابل مسیر عابر پیاده از خیابان به پیاده‌رو نیز کشیده شده است. بدین ترتیب، جلوه‌هایی از بی‌سلیقگی در منظر شهر به نمایش گذاشته می‌شود. از نرده و حصار معمولاً برای نشان دادن یک مرز و ایجاد یک فضای حفاظت شده استفاده می‌شود، مانند حفاظت درختان از برخورد با وسایط نقلیه و یا برای حفاظت چمن. در برخی موارد، برای جدا کردن فضاهای نیمه‌عمومی از خیابان یا فضای عمومی، از ترکیبی از دیوار کوتاه و نرده استفاده می‌شود. این نوع حصارها بیشتر برای حصار دانشگاهها، بیمارستانها و مؤسسات بزرگ مناسب هستند. احداث نرده‌های بلند در خیابان با ارتفاع بیش از ۱/۵ متر (برابر ارتفاع سطح دید)، از لحاظ بصری آزار دهنده است، به‌خصوص برای کودکان. بنابراین، باید از نصب آنها در فضاهای عمومی احتراز کرد.

• پایه‌های چراغ. پایه‌های چراغ برق از تأسیساتی است که

محلهای مناسب تعبیه می‌شوند، مانند ورودی موزه‌ها، سینماها و سالنهای کنسرت. برای تشکیل اجتماعات کوچک یا شنیدن موسیقی در هوای آزاد، مصالح ساختمانی سکوها و پله‌ها باید از مصالح محکم، سنگ ریشه‌دار، نرده‌های چوبی و یا فلزی ضخیم و محکم باشد، به طوری که شهروندان از نشستن روی آنها احساس راحتی و امنیت کنند.

• گلدانها. معمولاً در مکانهایی در مرکز شهر، مرکز سیاسی و دیپلماتیک، مقابل موزه‌ها، سینماها و سالنهای فرهنگسراها نصب می‌شوند، به‌خصوص در محلهایی که امکان کاشت درختان وجود ندارد. گلدانها را می‌توان موانعی برای ورود به فضاها و پیاده‌روها در محل مناسب قرار داد و همچنین در محلهایی که میعادگاه افراد است، تا در لبه آن به انتظار بنشینند. آنها یکی از عناصر بسیار مهم و حساس منظر خیابان در بخش مرکزی محسوب می‌شوند که باید نسبتاً بزرگ و سنگین و از عمق مناسبی برای کاشت گیاهان برخوردار باشند.

• سطلهای زباله. یکی از مهم‌ترین تجهیزات خیابانی، سطلهای زباله است؛ استفاده از آنها بایستی راحت باشد و در محلهای مناسبی نصب شوند. آنها باید در خط مستقیم کنار یک خیابان و در فاصله‌های ۳۰ متری قرار گیرند. تعداد ظروف زباله در کنار سینماها، اغذیه‌فروشیها، شیرینی‌فروشیها باید بیشتر باشد. حداقل گنجایش یک ظرف زباله در مرکز شهر ۵۰ لیتر و حداکثر ۱۰۰ لیتر است. سطلهای زباله بایستی از مصالح محکم و سبک ساخته شود. رنگ و طرح آنها جزء منظر و سیمای خیابان محسوب می‌شود و نظافت آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

• تیرکها. تیرکها به‌منظور ایجاد مانع بر سر راه وسایط نقلیه در لبه پیاده‌روها و ورودی فضاهای شهری نصب می‌شوند. جنس تیرکها بیشتر از سنگ، بتن و فلز انتخاب می‌شود. شکل تیرکها فوق‌العاده حائز اهمیت است، در برخی جاهای شهر تهران دیده شده است که چند تیرآهن ضخیم و کج‌وکوله در ورودی یک فضای شهری و یا یک پیاده‌رو، به‌منظور ممانعت از ورود موتورسیکلت طوری نصب شده است که عبور و مرور شهروندان نیز به دشواری انجام

تلاشهای مضحکی صورت می‌گیرد. در میان شلوغی و آشفتگی خیابانها و به‌خصوص پیاده‌روها، از اثاثیه و تجهیزات قدیمی تقلید می‌کنند و به هرج و مرج فیزیکی محیط می‌افزایند.

یکی از بزرگ‌ترین منافع حاصل از نظام طراحی هماهنگ اثاثیه خیابانها، سهولت بیشتر حرکت و گردش شهروندان در خیابان است. طراحی تجهیزات خیابانها، مانند سایبان ایستگاههای اتوبوس، کیوسک تلفن، علائم، نیمکتها، تیرچراغ برق، تابلوها و مانند آن، نباید به‌عنوان بخشی جدا از طراحی فضاهای شهری تلقی شود، بلکه باید به‌مثابه‌شکل‌دهنده‌ی منظر خیابان در مقیاس وسیع مورد نظر قرار گیرد. چنانچه مضمون طراحی خیابان بخشی از محتوای کلی طراحی شهری باشد، به شهر انسجام و وضوح بیشتری می‌بخشد و فضاهای مطلوب‌تر پدید می‌آورد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «طراحی فضاها و مبلمان شهری»، کتاب سبز شهرداریها. جلد دوازدهم، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- مدنی‌پور، علی. طراحی فضاهای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران، ۱۳۷۹.
- مرتضائی، سیدرضا. رهیافتهایی در طراحی مبلمان شهری. تهران: سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۲.
- قائم، گیو. فضاهای شهری و معلولین. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۷۶.

احمد سعیدنیا

متروپولیس ← مادرشهر

مجموعه شهری ← مادرشهر

در شهر زیاد به چشم می‌خورد. لازم است برای تمامی پایه‌های چراغ در یک خیابان و یا یک ناحیه شهری، متناسب با قدیم و جدید بودن آن ناحیه، از سیستم استاندارد استفاده شود. این سیستم با سایر عناصر مبلمان شهری، مانند پایه‌های ظروف زباله و پایه‌های علائم، هماهنگ باشد تا به‌علت تعدد پایه‌ها از نظر بصری محیط منظم و آراسته به نظر آید. سطح و نوع روشنایی خیابانها از نظر عملکرد ناحیه و خصوصیات آن مشخص می‌شود. روشنایی نواحی پیاده به ۲ دسته آسایشی و تزئینی تقسیم می‌شوند. ارتفاع مناسب پایه‌های روشنایی در میدانها و پیاده‌روها بین ۳-۴ متر متغیر است. روشنایی در جداره پلها، رمپها و نقاط برآمدگی، در داخل دیوار نصب می‌شود. روشنایی ساختمانها، یادمانها و فواره‌ها توسط کارشناسان نورآرایی تنظیم می‌شود. استفاده نادرست از نورافکنها موجب آزار و اذیت عابرین پیاده و رانندگان خواهد شد.

پروژه‌های احیا و بازسازی

فضاهای شهری، چه بزرگ و چه کوچک و محلی، به‌صورت تعریض و ترمیم پیاده‌روها و به‌خصوص احداث پیاده‌راهها، فرصتهای جدیدی برای بهبود محیط شهر و ایجاد فضاهای نوین شهری فراهم می‌آورند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، ۱۰٪ جمعیت جهان به نوعی دچار معلولیت جسمی هستند. در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، پدیده معلولیت فزونی یافت. معلولان برای زندگی اجتماعی در شهر و گذران اوقات فراغت خود، به مسیرها و فضاهای ایمن و راحت نیاز دارند، حال آنکه فضاهای شهری در خیابانهای ایران موانع فیزیکی متعددی دارند. از سالها پیش مقرر شده بود که با سازگارسازی محیط شهری به نیازهای معلولان جسمی پاسخ مناسب داده شود.

اهمیت طراحی مناسب عناصر خیابان که خصلت گردشگاهی آن را فراهم آورد، امری است که در سالهای اخیر به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. صحنه خیابانهای شهری با به هم ریختگی فراوان اثاثیه و تجهیزات گوناگون نسبتاً جدید است. از سوی دیگر، در برخی مکانها،

شار بیرونی، یعنی منطقه وسیعی پیرامون شار میانی می‌زیستند. به این ترتیب، اختصاص محلات شهر به طبقات ممتاز اجتماع، محله را در این دوران با مفهوم محلات کاستی و طبقاتی معرفی می‌کند.

در دوره اسلامی، اگرچه اساس زندگی شهری از شهرنشینی دوره ساسانی مایه می‌گرفت، شهرها تغییراتی یافتند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام مجزا می‌کرد. عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی، شامل حکومت، اجتماع دینی یا امت، اصناف و محلات است و محله واحد اصلی روابط اجتماعی بشمار می‌رفت. در این دوران، نظام کاستی یا شهروندی منسوخ شد و در مقابل، محلات برحسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب و فرقه شکل گرفت.

بنه ولو در مورد خصوصیات شهرهایی که اعراب ساختند و یا تغییر شکل دادند، نوشته است، شهرها به صورت فشرده، محصور در دیوارهایی بود که آنها را به مناطق گوناگون تقسیم می‌کرد؛ منطقه مرکزی مدینه نامیده می‌شد و هر گروه قومی محله خاصی داشت. پیرنیا نیز شکل‌گیری محله‌های شهری در این دوران را بنابر زمینه‌های مشترک بین مردم، مثلاً براساس همشهری بودن (مثل محله شیرازیها و محله بهبهانیها)، یا بر مبنای فعالیت‌های مشترک (مثل محله شعرباها و محله حصیرباها) یاد می‌کند.



(Urban) Quarter

محله بخشی مشخص از یک ناحیه یا حوزه شهری است با ویژگی اجتماعی و اقتصادی معین.

ارکان ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران همواره بر تقسیمات محله‌ای قرار داشته و توزیع جمعیت، اقوام، اصناف، فعالیتها و خدمات شهری نیز بر همین ساختار استوار بوده است. در پی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در گذر تاریخ، به‌ویژه در سده اخیر، ساختار شهرها با تغییرات اساسی مواجه شد. متعاقباً ساختار محله‌ای شهرها نیز دگرگون شد و به‌جای آن، تقسیمات فضایی شهر براساس تفکیک‌های حاصل از شبکه‌های حمل‌ونقل، بلوکهای شهری و در حد ضعیفی بر توزیع خدمات قرار گرفت. به این ترتیب، مفهوم محله نیز دستخوش تغییرات زیادی شد. به همین دلیل ادبیات شهرسازی ایران فاقد مطالعات و متعاقباً تعریف مجدد مفهوم، عملکرد، شکل و اندازه محلات شهری است. بر این اساس، تعریف محله ابتدا مستلزم مرور کوتاهی بر مفاهیم متفاوت آن در گذر تاریخ شهرنشینی در ایران است. در دوران شهرگرایی (← شهرگرایی)، شهرنشینی (← شهرنشینی) و شهرسازی قبل از اسلام که حدوداً از سده ۹ قبل از میلاد آغاز شد و تا سده ۷م ادامه یافت،

ساختار شهرها (← ساختار شهری) از ۳ بخش اساسی دژ حکومتی، شار میانی و شار بیرونی تشکیل می‌شد. جایگاه محلات اصلی شهر به‌طور عمده در میان حصارهای شار میانی یا شهرستان بود که به استقرار طبقات متمایز جامعه اختصاص داشت. طبقات متمایز در دوران پادشاهیهای مختلف، ترکیبهای گوناگونی از اشرافیت دودمانی، مغان، روحانیون، دیوانسالاران و نظامیان، دبیران و پزشکان، اشرافیت دهقانی، بازرگانان و پیشه‌وران داشت. سایر اقشار جامعه که در طبقات ممتاز اجتماعی قرار نداشتند، در محلات و خانه‌های پراکنده در

را داشت و گروههایی که در این مناطق می‌زیستند، هویت، مذهب و قومیت مشترک خود را برای قرن‌ها حفظ می‌کردند.

عناصر اصلی تشکیل دهنده محلّه

در ایران عناصر اصلی تشکیل دهنده محلّه به قرار زیر بوده است:

• **خانه‌های مسکونی.** عنصر اولیه تشکیل دهنده محلّه‌های شهری؛

• **مسجد.** عنصر مرکزی و هویت بخش محلّه که در میدان مرکزی قرار داشت؛

• **میدان و میدانچه.** محل تجمع مردم، فعالیتهای همگرا و سازگار و خدمات که در مرکز محلّه قرار داشت. میدانها در محل سواره‌ها یا در مسیر گذرها قرار داشتند. مراسم مذهبی و اجتماعی در میدانها و حسینیه‌ها با حضور مردم انجام می‌گرفت؛

• **بازار یا بازارچه.** محل استقرار دکانهای محلی، شامل بقالی، قصابی، میوه‌فروشی، نانوايي و سایر خدمات، مثل آب‌انبارها و غیره، برای تأمین نیازهای روزمره و هفتگی مردم بود. بازارها، در میدانها، میدانچه‌ها و گذرها شکل می‌گرفتند؛

• **گذر و کوچه.** مسیرهای عبور و مرور در محلّه و دسترسی به خدمات و مکانهای مختلف. رفت‌وآمد در محلات پیاده یا با دوچرخه بود. کوچه‌های پیرامونی با گذرهای داخل محلات تفاوت داشت و درواقع، مرزهای کناری محلّه‌ها را تشکیل می‌داد. محلات را راههای بیرونی و دروازه‌ها به آبادیهای پیرامونی وصل می‌کرد؛ و

• **دروازه.** در محل ورودیهای اصلی محلّه‌ها ایجاد می‌شد و عامل تقویت کننده قلمرو هر محلّه بشمار می‌رفت.

ساختار سلسله مراتبی شهر

• توسعه شهر براساس نظام محلات مستقل و به‌عنوان واحدهای شهری نیمه مستقل سازماندهی می‌شد؛

• مراکز شهری و محلّه‌ای نیز متناسب با ساختار شهر سلسله مراتبی از مرکز اصلی شهر، مراکز بخشها یا نواحی شهری،

در شهرهای بزرگ، گاهی هر محلّه برای خود شهری بود نیمه مستقل، با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و سازمان اداری مشخص که وابسته به حکومت شهر بود. هر محلّه برای اعضای خود یک گروه بسته و یا نوعی گروه خودی بشمار می‌رفت که محلات دیگر برای آنان گروه بیگانه محسوب می‌شد. ساکنان اغلب محلات شهر پیوندی چند سویه و در هم تنیده با ساکنان روستاهای هم‌کیش، هم‌مذهب، هم‌زبان، هم‌قبیله و جامعه ایلی خود داشتند. در مواقعی محلات برای خود، علاوه‌بر دروازه‌ای خاص که به بیرون شهر باز می‌شد، دروازه‌ای نیز برای ورود به محلّه داشتند. از این رو، گاهی محلات شهر جلوه‌گاه تضادها و پراکندگیها و کشاکش بین محلّه‌ها بود.

محلات از این پس نیز همچنان مکانی نیمه مستقل بودند و به‌عنوان عنصر اصلی سازمان شهر به حیات خود ادامه می‌دادند. به تدریج، در دوران قاجار، وابستگی کهن محلات به روستاهای هم‌کیش خود کاهش یافت و در مقابل، به مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی تبدیل شد. به‌همین دلیل است که عناوینی مثل محلّه فرادستان و محلّه فرودستان، محلّه شمال (مثلاً محلّه دولت) و محلّه جنوب (مثلاً محلّه چالمیدان) شکل گرفت. در نقشه دارالخلافه تهران (۱۲۷۸م)، محلات کهن هنوز سازمان فضایی و مرکز و شبکه ارتباطی خویش را حفظ کردند، ولی محلّه‌های جدید در کنار خیابانهای تازه احداث شده قرار گرفته و خدمات مورد نیاز آنها، نه در مراکز درون محلّه، بلکه در حاشیه خیابانها جای گرفتند.

به‌دنبال تصویب قانون بلدیّه در ۱۳۰۹ش، اجرای خیابانهای چلیپایی، بافت کهن شهری را از هم گسیخت و سازمان محلّه‌ای دچار آسیب جدی شد. اگرچه همچنان حداقل تأمین برخی خدمات روزمره شهروندان، نظیر آموزش ابتدایی، تهیه مواد غذایی روزانه و استفاده از فضاهای سبز محلی، در محدوده‌های خاصی که هنوز محلّه نامیده می‌شد، تأمین می‌گردید.

در گذشته، شهر در سرزمینهای اسلامی، مجموعه‌ای از مناطق و محلات متجانس، همگن ولی متمایز بود. محلات در مکانهایی با مرزهایی فیزیکی یا عملکردی شکل می‌گرفت که هر یک عناصر و فضاهای عمومی خاص خود

حسینیه‌ها، تکیه‌ها، میدانچه‌ها و فضاهای حیاط مساجد صورت می‌گرفت؛

• عموم مردم از سایر فضاهای باز مشترک و عمومی مثل میدانها، گذرها و محورهای اصلی در اوقات مختلف برای انجام مراسم و عملکردهای اجتماعی و مذهبی استفاده می‌کردند؛

• عناصر خدماتی محلی، مثل بازارچه، مسجد، آب‌انبار، حمام، آسیاب و مانند آن، درون هر محلّه و در مرکز آن قرار داشت و به راحتی برای ساکنان قابل دسترس بود؛

• هر محلّه بازارهای کوچک محلی یا بازارچه‌ای برای تأمین نیازهای روزمره اهالی داشت؛

• بازار و بازارچه، میدان و میدانچه، درعین حال، محلّهای اصلی توقف مردم و برقراری ارتباطات اجتماعی - اتفاقی بود. خدمات عمومی و مهم، مثل مؤسسات دیوانی، آموزشی، مذهبی و مانند آن، در میدان اصلی شهر یا محلّه استقرار داشت و بر انسجام عملکردی هر یک می‌افزود؛ و

• مرکز محلّه، میدان، میدانچه، حسینیه‌ها، چهارسوقها، بازارچه‌ها و فضاهای باز در محل تلاقی راسته‌های اصلی محلات قرار داشتند. اینها فضاهای مشترک، آشنا و قابل تصویری را برای عملکردهای عمومی محلّه ایجاد می‌کردند.

انسجام و هماهنگی کالبدی بافت محلّه

• میدانهای محلی، میدانچه‌ها، بن‌بستها، بازار، بازارچه، گذرها و کوچه‌های خاص هر محلّه از عناصر انسجام‌دهنده بافت محلات بشمار می‌رفت. راههای خاص دسترسی و عبور درون محلّه‌ای را معابر محلی، گذرها و راههای همسایگی و بن‌بستها در هماهنگی با محیط طبیعی و خصوصیات بافت محلّه شکل می‌دادند. در نواحی خشک و نیمه‌خشک، گرم و سرد و کوهستانی، کوچه‌های تودرتو و خانه‌های به هم چسبیده و منطقه محصور مسکونی، انسجام بیشتری به محلات می‌بخشید؛

• شکل‌دهی بافت محلات و نواحی شهری مختلف از خصوصیات محیط طبیعی و زمینه پیرامون تبعیت می‌کرد و بافت هماهنگی را پدید می‌آورد؛

• شکل و نوع ساختمانها، مصالح و عناصر ساختمانی و

مراکز محلات، مراکز گروههای مسکونی را شامل می‌شد؛
• خدمات و تسهیلات نیز براساس سلسله مراتب در ظرفیتهای و مقیاسهای مختلف فضایی شهر، از سطح کلان تا سطح خرد، یعنی محلّه توزیع می‌شد. هر محلّه از نظر تأمین نیازهای معیشتی روزمره خودکفا بود؛ و
• در عین توسعه شهر، از گسترده کردن اندازه محلات موجود اجتناب می‌شد و در عوض، محلات جدید شکل می‌گرفت.

تمایز کالبدی و عملکردی

• افراد جامعه براساس ویژگیهای مشترک خود، از نظر صنف، مذهب، قومیت، کار و پیشه و موقعیت اجتماعی، در یک محلّه یا گذر زندگی می‌کردند و محلات متمایز را شکل می‌دادند. بر خورداری هر محلّه از نهادهای اجتماعی خاص خود، مثل شورای شهر، از دیگر وجوه تمایز آنها بود؛

• مرزهای محلات با استفاده از عناصر طبیعی یا انسان‌ساخت، مثل رودها، تپه‌ها، جنگلها، ردیفهای درختان بلند و راههای اصلی، شکل‌دهی و بر آن تأکید می‌شد. شکل و اندازه کوچه‌های پیرامونی یا جاده‌های اصلی با گذرهای درونی محلات تفاوت داشت و این تفاوت تمایز محلات و تفکیک مرز آنها را واضح‌تر می‌کرد. جاده‌های اصلی شهری از درون محلّه عبور نمی‌کردند. همچنین ایجاد دروازه‌هایی در مدخل راههای اصلی ورود به هر محلّه یا ناحیه خاص، آن محلّه را از محلّه یا ناحیه پیرامون متمایز می‌کرد؛ و

• نواحی و محلات مختلف شهر با به کارگیری ویژگیهای مشابه در شکل‌دهی بافت، با یکدیگر متمایز بودند. همچنین با استفاده از نمادهای خاص طبیعی یا انسان‌ساخت، به‌ویژه مساجد و بازارها یا هر عنصر مشخص دیگر، شکل فضاهای عمومی در نواحی و محلات مختلف شهر متمایز بود. خصوصیات منحصر به فرد شهر یا محلّه درحین توسعه آن، حفظ و تقویت می‌شد.

توزیع خدمات و عملکردهای عمومی

• عملکردهای اجتماعی و مذهبی در هر محلّه و در میدانها،

کتاب‌شناسی:

- اشرف، احمد. «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۴، تیر ۱۳۵۴.
- بنه ولو، لئوناردو. *تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی)*. ترجمه پروانه موحد، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- پیرنیا، محمدکریم. *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۱.
- توسلی، محمود. *ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک*. چاپ چهارم، تهران: دانشگاه هنرهای زیبای تهران، ۱۳۶۰.
- سیدعبدالعظیم، پویا. *سیمای باستانی شهر میبد*. یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۷۱.
- حبیبی، سید محسن. *از شار تا شهر، تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، تفکر و تأثیر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- «اصول و قواعد طراحی شهری پایدار در فرایند جهانی شدن شهرها»، *مجله محیط‌شناسی*. شماره ۳۳، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست، ۱۳۸۲.
- Faryadi, S. "Local Urban Design Guidelines for the Future Global Cities in Iran (with Emphasis in the sense of Place)", *Proceedings of 1st International Symposium and Workshop "Sustainable Resource Utilization: Local Structures and Globalization"*. German Academic Service and the Federal Ministry for Economic Cooperation and Development. Tehran-Iran. September 2003.

شهرزاد فریادی

محیط زیست

Environment

تمام عرصه پیرامونی حیات، شامل زمین، هوا و آب که افراد انسانی، گیاهان و جانوران در آن زندگی می‌کنند. بدینسان، محیط زیست جمع تمام شرایط و آثاری است که زندگی و رشد موجودات زنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر محیط زیست یا به عبارت ساده‌تر پیرامون زندگی موجودات زنده، از دو بخش زنده و غیرزنده تشکیل شده است. به این ترتیب، بررسی محیط زیست هر موجود زنده بدون مطالعه بخش غیرزنده امکان‌پذیر نیست، زیرا محیط

ترکیبهای ساختمانها در هر محله، مشابه و هماهنگ بود. از این رو، نوعی وحدت و هماهنگی در کل و اجزاء محله با فضاهای شهری آن و خانه‌ها وجود داشت؛ و

• ارتفاع کوتاه ساختمانهای مسکونی، میدانهای محصور محله با ابعاد کوچک و تناسب انسانی، به محله شخصیت انسانی می‌بخشید.

تنوع و جذابیت محیط محله

• استقرار بناهای عمومی شاخص، مثل مساجد، مدارس، آسیابها، آب‌انبارها و مانند آن، به ایجاد تنوع عملکردی در میان بافت همگن مسکونی منجر می‌شد. شکل و ارتفاع متفاوت بناهای شاخص، مساجد، مسجد جامع و مدارس، آنها را از بقیه بافت متمایز می‌کرد و بر تنوع شکلی محله می‌افزود؛

• عناصر طبیعی، مثل باغها، بوته‌زارها، درختان، پارکها و جنگلها، شکل و عملکرد محلات را متنوع‌تر می‌کرد؛ و

• هر محله انواع متفاوتی مسکن برای اقشار درآمدی مختلف و از انواع کاربریهای گوناگون برخوردار بود که از دیگر عوامل ایجاد تنوع در بافت محله بشمار می‌رفت. از فضاهای باز عمومی، مثل میداين، فضاهای باز، باغها، حواشی رودخانه‌ها و پلها برای گذران بخشی از اوقات فراغت ساکنان هر محله استفاده می‌شد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت، در اغلب شهرهای ایران مفهوم محله عبارت بوده است از یک واحد اجتماعی شهری که براساس وابستگیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گروههایی از مردم شکل می‌گرفته است. این واحد اجتماعی در ترکیب با عناصر کالبدی محیط پیرامون، محدوده فیزیکی متمایزی را برای سکونت، کار، تأمین خدمات و نیازها و تفریح روزانه و هفتگی آنها شکل می‌بخشیده است.

تقریباً همزمان با ضعیف شدن مفهوم، عملکرد و ساختار محله‌ای شهری در ایران، نظریات و تجربیات شهرسازی جهان غرب به سرعت به درک تازه‌ای از توسعه‌های شهری براساس مفهوم محله که شباهتهای ماهوی زیادی با مفهوم محله دارد، پرداخت.

محیط زیست

در ویژگیهای فکری، مذهبی، فرهنگی، تاریخی و نژادی جوامع انسانی، اشکال مختلفی در محیط زندگی کره زمین به خود گرفته‌اند؛ این درحالی است که در پدیدار شدن عقاید فکری جوامع انسانی، محیط زیست و اجزاء آن نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، ساده‌انگاری است که تفاوت ساختارهای انسان‌ساخت در جوامع انسانی مختلف را تنها به طرز تفکر آن جوامع نسبت داد. در واقع، نوع محیط زیست است که موجب پدیدار شدن یک نقطه فکری و در نهایت یک مکتب فکری می‌شود (صلح سبز در اروپا). از این رو محیط زیست دربرگیرنده تمامی عوامل طبیعی (عینی) و اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و ذهنی است.



از اهداف مطلوب سیاستگذاری در هزاره سوم، حمایت محیط زیست است که پس از گزارش براتلند (۱۹۸۷م) پیوسته تحت عنوان توسعه درخور و پایدار به صورت فراگیر مطرح شده است. حمایت محیط زیست و به تبع آن انجام توسعه مبتنی بر حمایت محیط زیست یا توسعه پایدار و درخور، به خاطر بروز آثار تخریبی در محیط زیست در دهه‌های اخیر است. آثار تخریبی محیط زیستی (نشانه‌های محیط زیست) در ایران و جهان فهرستی بس طولانی دارد، اما چکیده این فهرست را می‌توان به صورت زیر نشان داد: نابود شدن لایه اوزون؛ اثرات گلخانه‌ای؛ جنگل‌زدایی؛ بیابان‌زایی؛ افزایش جمعیت با احتمال ۲ برابر شدن در ۲۰۱۰م؛ افزایش آلودگیها؛ کاهش منابع طبیعی؛ افزایش سطح آب دریاها؛ افزایش ناراحتیهای روانی و افزایش

زیست در کل، از کنش و واکنش بین این ۲ بخش وابسته به یکدیگر شکل می‌گیرد. اجزا این ۲ بخش در سطح کلان عبارتند از: پرتوهای خورشیدی، پرتوهای کیهانی، ترکیب هواسپهر، فشار باد، آب، آتش، وضعیتهای زمین‌شناختی و پستی بلندی، نیروهای چرخشی گردش زمین، سنگ مادر، خاک، گیاهان، جانوران، انسان، دما و حجم پرتوهای زمین که در زمان بر هم اثر می‌گذارند.

به خاطر کاربرد زیاد و عمومی واژه محیط زیست در دنیای ارتباطات فعلی، معنای ماهوی و واقعی آن دچار خدشه و به گونه‌ای مسخ شده است، حال آنکه با تجزیه و تحلیل این واژه باید توجه اکید داشت که منظور از محیط

زیست، محیط پیرامونی زندگی است. این محیط برای ساکنان کره زمین دربرگیرنده تمام اجزائی است که از کهکشان راه شیری تا منظومه شمسی، خورشید و تمامی سطح و عمق کره زمین را دربر می‌گیرد.

امروزه مطالعات محیط زیست بستر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در جهانی پرآشوب و بحرانی و در تمام امور عمده انسانی، همچون سیاست، فرهنگ، صنعت، اقتصاد و طبیعت است.

تاکنون متفکرین بر این باور بودند که مسکن، مدرسه و دانشگاه، بیمارستان و درمانگاه، جاده‌ها و بزرگراهها، بندرها و فرودگاهها، معادن و کارخانجات، مسجدها و کلیساها، گورستانها و محلهای دفن زباله و یا تمامی ساخته‌های انسانی، ساختارهای انسان‌ساختی هستند که به خاطر تفاوت

اگر رقم ۱۷ تن در هکتار با رقم ۳۳ تن در هکتار ایران مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که فناوری برتر توانسته است رقم فرسایش را به نصف کاهش دهد. برخی دیگر اضافه بار جمعیت را مسئول می‌دانند که زیاد بی‌معنا نیست، اما بانی اصلی، توسعه اقتصادی جمعیت روبه رشد جهان در مقابل فعالیتهای اقتصادی سنتی است.

مایرز عقیده دارد که بزرگ‌ترین بازدارنده ایجاد جامعه پایدار، ماهیت رشد اقتصادی است. علی‌رغم وجود شواهد عینی دال بر نفی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی (← رفاه اجتماعی)، اغلب اقتصاددانان و سیاستمداران، هنوز این ۲ را مترادف همدیگر محسوب می‌کنند. چنین امری در مقیاس جهانی هرگز به واقعیت نپیوسته است و به نظر می‌آید، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هرگز رخ نخواهد داد.

البته بین رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی باید تفاوت گذارد. توسعه اقتصادی یعنی بهبود رفاه فردی و جامعه که وقوع این امر ممکن است نیاز به رشد اقتصادی داشته و یا نیازمند محدود کردن رشد اقتصادی باشد. در یک بررسی همه‌جانبه و بسیط که گروهی ۱۰ نفری از دانشمندان محیط زیست جهان انجام داده‌اند، همگی عقیده داشتند که با تهیه و تدوین و اجرای آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین، برنامه) یا برنامه‌ریزی محیط زیست می‌توان به درمان خرابیها پرداخت و از بروز پیامدهای ناگوار دیگر پیشگیری نمود.

کتاب‌شناسی:

- مخدوم، م. *شالوده آمایش سرزمین*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. شماره ۲۲۰۳، ۱۳۸۵.
- وزارت نیرو. *گزارش منابع و مصارف آب*. جلد اول. دفتر برنامه‌ریزی آب، ۱۳۷۴.
- Brundtland, G.H. *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press, 1987.
- Capon, D. "A Dynamic Model for Environmental Studies", *Intern j. Environ. Stud.* (IJES). 42, 1992.
- Cohen, J.E. "How Many People Can the Earth Support?", *The Sciences*. 35 (6), 1995.
- Makhdom, M.F. "Degradation Model, a Quantitative EIA Instrument, Acting as a Decision Support System (DSS) for Environmental Management", *Environmental Management*. 30 (1), 2002.
- *McGraw-Hill Encyclopedia of Environmental Science*. 2nd

جرائم؛ وابستگی بیش از اندازه به ماشین و وسایل ماشینی؛ شیوع بیماریهای ناشناخته مانند ایدز؛ خطر دستکاری ژنتیکی؛ اسیدی شدن آب شیرین و خاک حاصلخیز؛ شور شدن خاکهای حاصلخیز؛ خوراوری آبها؛ افزایش پسماند و پساب؛ نابودی و مورد تهدید قرار گرفتن گونه‌های گیاهی و جانوری؛ کاهش منابع آب شیرین و هدر رفتگی آن؛ صید بی‌رویه و بیش از اندازه آبزیان؛ نابودی کشتزارها به واسطه فرسایش خاک؛ نابودی منابع ژنتیکی؛ افزایش استفاده از سموم آفت‌کش و علف‌کش؛ افزایش جنگلها؛ و بالاخره گرسنگی جهانی.

جاری شدن سیل در سالهای اخیر در کشور، آلودگی شهرهای بزرگ، از بین رفتن سطح وسیعی از جنگلها، رشد بی‌رویه شهرها، بیابان‌زایی گسترده در کشور، متروکه ماندن کشتزارها به خاطر مهاجرت روستائیان به شهرها و واردات چند میلیاردی مواد غذایی و منابع طبیعی به کشور نمونه‌های ملی از هرج و مرج جهانی در کشور ماست.

کارشناسان اکولوژی طبیعی ایران، میزان تخریب سطح جنگلها و مراتع کشور را به میزان ۳۶۰ مترمربع در ثانیه برآورد می‌کنند. مقدار فرسایش آبی سالانه بیشتر از ۲ میلیارد تن و میانگین آن ۳۳ تن خاک در هکتار است؛ سالانه یک میلیون هکتار به وسعت بیابانهای ایران افزوده می‌شود؛ میزان رسوبات ورودی به ۳ سد مهم کشور (کارون، دز و سفیدرود) بیش از ۵۰ میلیون مترمکعب در سال است. تازه این رخدادهای در کشوری روی می‌دهد که ۵۲٪ آن کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر در سال بارندگی دارد و ۷۰٪ وسعت آن فاقد رودخانه دائمی است. این در حالی است که حجم اضافه برداشت از آبخوانهای آبرفتی دشتهای ممنوعه کشور تا پایان ۱۳۷۳ش، ۴،۳۹۷ میلیون مترمکعب برآورد شده است. بدینسان، به نظر می‌رسد که آثار تخریبی محیط زیست کشور دست کمی از وخامت اوضاع در مقیاس جهانی ندارد.

برخی، فناوری را مسئول و بانی خرابی محیط زیست می‌دانند. برای نمونه، با اشاره به این وضعیت در ایالات متحد امریکا بیان می‌دارند که این کشور به واسطه استفاده از فناوری برتر سالانه ۱۷ تن در هکتار فرسایش خاک دارد.

مقوله رابطه انسان و طبیعت است.

واژه محیط زیست تعاریف مختلفی دارد و معانی آن همگام با تحول جوامع، تغییر یافته است. در یک تعریف جامع، محیط زیست به نظامهای فیزیکی و بیولوژیکی اطلاق می شود که پایه های اساسی زندگی انسان را فراهم می آورند و با آسایش روانی ارتباط دارند. اگرچه محیط زیست انسان، کل فضای حیاتی کره زمین را دربر می گیرد و در قالب این مفهوم یک کلیت و یک واحد تفکیک ناپذیر بشمار می آید، اما این کلیت واحد همگن و یکنواخت نیست. بنابراین، در مفهوم کلی محیط زیست، ۳ نوع محیط قابل تشخیص است:

- محیط طبیعی شامل منابع طبیعی و فیزیکی؛
- محیط اجتماعی و اقتصادی که خصوصیات و کیفیات جوامع را شکل می دهند؛ و
- سکونتگاههای انسانی و به طور خاص شهرها یعنی مناطق و مکانهای مؤثر در ایجاد تعادل و رفاه و کیفیت جامعه.

شهر به عنوان بخشی از محیط زیست شامل سیستمهای زنده (طبیعی)، ساخته شده، تغییر شکل یافته و تجربه شده توسط مردم تعریف می شود. تعاملات بین فضا و جامعه در شهر ناشی از ارتباط تاریخی بین آگاهی انسان، ماده، انرژی و اطلاعات است. با تمرکز بر نقش تغییردهنده شهر در محیط زیست، شهر ترکیب تغییر شکل داده شده ای از منابع (زمین، آب، هوا، منابع کانی، و انسان) تلقی می شود. در نتیجه، شهر منبعی با نظم مجدد تعریف می شود که منافعی را برای شهرنشینها، منطقه و ملت فراهم می آورد. راپاپورت در تعریفی جامع شهر را تجلی یک مدل شناختی آگاهانه معرفی می کند که به عنوان نمادی از تفکرات، ایده ها و اندیشه هایی است که در قالب یک شکل فیزیکی تبلور یافته و آن قدر غنی است که مناطق وسیعی را به نظم درمی آورد. به عبارت دیگر، شهر جایی است که مجموع منابع، نیروها و عوامل تشکیل دهنده محیط زیست را برای ایجاد محیط مطلوب جهت زندگی انسان در رابطه ای تعریف شده به نظم درآورده است.

توجه به این تعاریف نشان می دهد که رابطه انسان و طبیعت است که شهر را به عنوان بخشی از محیط زیست

Edition. New York: McGraw-Hill Book CO., 1977.

- Myers, N. "The Cairo Crunch. People and the Plant", *UNEP*. 3 (3): 37, 1994.
- Pimental, D. et al. *Environmental and Economic Cost of Erosion and Conservation benefits. Science*. Vol. 276, 1995.
- Wu, j. and Hobbs, R. "Key Issues and Research Priorities in Landscape Ecology: An Idiosyncratic Synthesis", *Landscape Ecology*. Vol. 17, 2002.

مجید مخدوم

محیط زیست شهری

Urban Environment

شهروندان اغلب شهرهای جهان به بهبود شرایط محیط زیست خود بسیار علاقه مند شده و آن را پیگیری می کنند. آنها خواهان هوای تمیز، آب پاکیزه، کاهش سروصدا، فضای سبز بیشتر و حفاظت از مناطق زیستگاهی، امنیت در مقابل خطرات ناشی از شرایط ناپایدار خاک و در مجموع شهرهای زیست پذیرتری (Livable) هستند. این در حالی است که اغلب قوانین و برنامه های بهبود کیفیت محیط زیست در سطح مناطق فراشهری شامل حفاظت از منابع آب، حفاظت از اراضی کشاورزی و جنگلی، جانمایی اراضی دفع بهداشتی زباله، مدیریت خطوط ساحلی، چرخه های غذایی و حوزه های آبخیز است و در برنامه ریزی برای توسعه شهرها و مناطق شهری قرار ندارد. تنها با انقلاب محیط زیستی دهه ۱۹۶۰م بود که فعالان و سیاستگذاران برنامه های توسعه شهری بر آن شدند تا در مورد پیوند توسعه شهری و محیط طبیعی بیشتر فکر کنند و مواردی مانند حفاظت از محیط در برابر برخی نارواترین دخالتها در محیط زیست طبیعی شهرها را مورد توجه قرار دهند. بنابراین، شکل گیری عبارت محیط زیست شهری و تلاش برای حل تضادهای محیط زیست شهری، حاصل رابطه تخریبگرانه انسان با طبیعت در شهرهاست. به این ترتیب، درک بهتر محیط زیست شهری ابتدا مستلزم شناخت ۲ مفهوم محیط زیست و شهر و ارتباط آنها با

از طریق افزایش آلودگی هوا بر اتمسفر اثر می‌گذارد و همچنین جزیره‌های حرارتی را ایجاد می‌کند که درجه حرارت آنها بیشتر از محیط پیرامون است. زندگی شهری مقدار عظیمی مواد زائد تولید می‌کند، که به سازوکارهای پیچیده دفع مواد نیازمند است.

در دیدگاه‌های جدیدتر، محیط زیست طبیعی موجودیت جامعی تلقی می‌شود که گرچه به سادگی قابل دسترسی است، اما ماهیتی منفعل ندارد و نقش آن صرفاً تأمین نیازهای انسان نیست. براین اساس، این محیط به‌عنوان یک سلسله فرایندهای فعال با رفتار و الگوهای تعریف می‌شود که دارای ارتباط متقابل با انسان و هدایت کننده مسیر تحول او (به‌سوی پایداری) است. در اینجا، نه تنها شهر جدا از جهان طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه تعدیل کننده اصلی محیط زیست طبیعی نیز محسوب می‌شود. به سخن دیگر، شهر به محض ایجاد، با جهان طبیعی وارد تعامل و با آن ترکیب می‌شود و می‌تواند بر فرایندهای پایه‌ای فیزیکی طبیعت اثرگذار باشد. بنابراین، بررسی اینکه چگونه شهرها شرایط محیط زیستی را هم در

شکل می‌دهد. به‌همین دلیل، این ۲ واژه با یکدیگر رابطه هم‌پیوند و متقابل دارند. با این وجود، کنار هم قرار گرفتن ۲ واژه «محیط زیست» و «شهر» در ادبیات برنامه‌ریزی محیط زیست و برنامه‌ریزی شهری در واکنش نسبت به ارتباطات ناهمگون آن دو در دوران رشد سریع شهرنشینی در سده گذشته، چه در نظریه و چه عمل، یعنی به دلیل جدایی انسان از طبیعت و تمایز شهر از محیط زیست، بوده است.

مفهوم نظری محیط زیست شهری

در بسیاری از دیدگاه‌های گذشته به دلیل درکی که از انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات وجود داشته است، صرفاً بر نقش سودمندی محیط زیست طبیعی برای انسانها تأکید شده است. در این دیدگاه، محیط زیست طبیعی و شهر از یکدیگر متمایز دیده می‌شوند که این می‌تواند در عمل باعث تخریب و غارت محیط‌های زیست طبیعی گردد. به‌طور مثال، شهر بسیاری از ظرفیتهای فیلتر گونه خاک را نابود می‌کند و به‌سرعت به حوزه‌های آبرگیر انتقال می‌دهد و بنابراین، امکان سیل‌گیری را افزایش می‌دهد. ساخت شهرها



محیطهای زیست طبیعی درک می‌شوند و همچون خود انسانها، بخشی از طبیعت هستند. با این رویکرد، شهرها- وقتی که خوب طراحی شوند- از این ظرفیت برخوردارند که از منابع طبیعی به شکل بسیار بهتر و مؤثرتری استفاده کنند.

با رشد این نظریه‌ها و به دلیل درهم تنیدگی شهر و طبیعت، بسیاری از نظریه پردازان شهر را اساساً به عنوان یک اکوسیستم معرفی می‌کنند. شهرها در دیدگاه اکوسیستمی از ارگانیزمهای زنده و با ارتباطات متقابل ساخته شده‌اند، که زندگی و توسعه آنها به عرضه رضایت بخش مواد و منابع مختلف و بعد دفع مواد زائد بستگی دارد.

همچنین رویکردهای سیستمی در نگرش به شهرها در دهه ۱۸۹۰م با تعدیل و بازنگریها تولد دوباره‌ای یافت و به محرک مهمی برای ارزیابی فرایند شهرنشینی تبدیل شد. در این رویکردها، شهرها به عنوان سیستمهای باز، شامل زیرسیستمهای مختلف، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند و در نتیجه، بینشهایی را در مورد ساخت شهر، رشد آن و به‌طور کلی در مورد محیط زیست شهری به ارمغان می‌آورند.

به این ترتیب، با آشکار شدن معضلات محیط زیست شهرها بعد از دهه ۱۹۶۰م عبارت محیط زیست شهری شکل گرفت. اگرچه هم شهر و هم محیط زیست انواع متعددی، شامل محیطهای طبیعی، اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شوند، ولی بررسی ادبیات مربوط به آن نشان می‌دهد که مفهوم اصلی محیط زیست شهری بر پیوند دوباره شهر با طبیعت تمرکز دارد.

مفهوم محیط زیست شهری در عمل

بعد از شناسایی و درک آسیبهایی که متوجه شهرها است، بالاخره محیط زیست طبیعی به عنوان تمهیدی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری در سطوح جامعه و فرد دیده شد و شهر نیز در قالب پارادایمی جدید، در حوزه اندیشه‌های فرا نوگرایی مطرح شد. شهرها در این حوزه به عنوان محیطهای زیست شهری، مراکزی دربرگیرنده اقتصاد و جمعیت و به عنوان نقاط حیاتی در مسیر حرکت به سوی پایداری درک می‌شوند.

درون و هم بیرون شهر و در طول زمان تغییر می‌دهند، یکی از اهداف اولیه تاریخ‌شناسان محیط زیست شهری بوده است.

یکی از اولین تألیفات کلاسیکی که توجه به ارتباطات سیستماتیک بین طبیعت و شهرها را مطرح کرد، کتاب آن سپرین با عنوان باغ‌گرانیست بود. سپرین طبیعت را در درون شهرهای متراکم مورد ملاحظه قرار داد و نقش عناصر طبیعی متفاوت مثل خاک، آب، باد، و نور را در حوزه منظرهای شهری تجزیه و تحلیل کرد و نتیجه گرفت که شهر می‌بایست به عنوان بخشی از طبیعت دیده شود، نه به عنوان موجودیتی خارج از آن. از دیدگاه او، اگر در شهر به طبیعت توجه شود، محیط زیست شهری دلپذیری ایجاد خواهد شد، ولی اگر طبیعت نادیده گرفته شود، آسیبهای مختلف در انتظار ماست. به این ترتیب، شهر یک باغ‌گرانیست است، متشکل از تعداد زیادی باغهای کوچک‌تر که در باغ جهان واقع شده‌اند. بخشهایی از باغ‌گرانیست به شدت مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، ولی بخش بزرگ‌تر آن هنوز شناخته نشده و مورد غفلت واقع شده است. در دید او، اگرچه ممکن است که درختان و پارکها به عنوان تنها بقایای طبیعت در شهرها دیده شوند، ولی طبیعت در شهر خیلی فراتر از درختان و باغها هستند: هوایی که ما تنفس می‌کنیم، زمینی که بر روی آن ایستاده‌ایم، آبی که می‌نوشیم و دفع می‌کنیم، و ارگانیزمهایی که ما در سکونتگاهمان با آنها سهیم هستیم، همه جزئی از طبیعت است. طبیعت در شهر نیروی قدرتمندی است که می‌تواند زمین را تکان دهد، بلغزند، جابه‌جا یا خرد کند. به همین دلیل، شهر می‌بایست به عنوان بخشی از طبیعت و در هماهنگی با آن طراحی شود. شهر، حومه‌های شهری و روستایی باید به عنوان یک سیستم مستقل و در حال تحول در حوزه طبیعت دیده شود، و طبیعت نیز باید مثل یک باغ در شهر توسعه یابد، نه اینکه نادیده گرفته یا مقهور آن شود.

از جمله تلاشهای مشابه برای شناخت ویژگیهای گسترده محیط زیست شهری، بسط نظریه‌های بوم‌شناسی شهری (← بوم‌شناسی شهری) توسط جامعه‌شناسان و جغرافیدانان است. در این نظریه‌ها شهرها به عنوان

زیست‌پذیری بیشتر و ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری وام می‌دهد و با آنها همکاری می‌کند. اهداف مورد نظر از زیست‌پذیر کردن شهرها در راهبرد مزبور عبارتند از:

- حفاظت و تقویت سلامت محیط زیست در مناطق شهری؛
- حفاظت از کیفیت آب، خاک و هوا در مناطق شهری در برابر آلودگیها؛

- به حداقل رساندن آثار تخریبی شهر بر منابع طبیعی در مقیاسهای منطقه‌ای و جهانی؛ و

- محافظت از شهرها در برابر خطرهای طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی.

با توجه به اینکه محیط زیست یک کل یا واحد تفکیک‌ناپذیر محسوب می‌شود، جدایی برنامه‌ریزی و طراحی شهر از بستر طبیعی آن در دهه‌های آغازین سده ۲۰م باعث رشد ناهمگون شهر بدون توجه به محیط طبیعی شد. ناهمگونی و معضلات متعدد ناشی از این رویه ضرورت یکپارچگی محیط زیست را مطرح کرد. تلفیق مفاهیم محیط زیست و شهر تحت عنوان محیط زیست شهری به مفهوم تلقی شهر به‌عنوان محصول تعاملات دائمی هر ۳ بُعد طبیعی، اجتماعی-اقتصادی و انسان ساخت در زیست‌کره است. به‌عبارت دیگر هرگونه برنامه‌ریزی و طراحی برای هدایت تغییر و تحول محیطهای انسان ساخت، شامل شهرها و روستاها، باید با توجه به ۲ زمینه دیگر صورت پذیرد. البته از آنجایی که حدت مشکلات ناشی از نادیده گرفته شدن طبیعت در توسعه شهرها با آثار فیزیکی و ملموس همراه بوده و اهمیت این مشکلات در چند دهه اخیر بیشتر درک شده است، عبارت محیط زیست شهری و برنامه‌ریزی محیط زیست شهری معطوف به حفظ و ارتقاء طبیعت در شهرها مطرح شده است.

کتاب‌شناسی:

- بهرام سلطانی، کامبیز. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، محیط زیست. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.

- راپاپورت، امس. «منشأ فرهنگی مجتمعات زیستی»، تاریخ شکل شهر، ترجمه راضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۶۸.

- Bigio, A. G. and Dahiya, B., *Urban Environment and Infrastructure, Toward Livable Cities*. Washington, D.C.: The

از این پس، تلاشهای فعالان و سیاستگذاران توسعه شهری برای پیوند توسعه‌های شهری و محیط زیست طبیعی با هدف بهبود سیستمهای طبیعی تخریب شده در شهرها طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م سرعت گرفت. یکی از مهم‌ترین نوآوریها در این زمینه، طرح مقدماتی این ایده بود که باید برای پایداری شهرها برنامه‌ریزی کرد. به‌دنبال نشست ریو در ۱۹۹۲م، شهرها به‌عنوان عامل اصلی آسیبهای زیست‌محیطی جهانی تشخیص داده شدند و دستورالعملهای محلی ۲۱ به‌شکل فعالی توسط نظریه‌پردازان شهری در نقاط مختلف جهان مورد توجه قرار گرفت. مسئله پایداری سریعاً به یک سیاست عملیاتی جهانی در طرحهای شهری تبدیل شد. در این حرکت، شکل‌های جدیدی از همکاریهای بین‌بخشی در میان مسئولان شهر برای پیشبرد مقاصد پیچیده و همه‌جانبه توسعه‌های شهری مورد توجه قرار گرفت و به‌دنبال آن، در کنفرانسهای متعدد جهانی، به‌خصوص نشست زمین در ریو (۱۹۹۲م) و استانبول (۱۹۹۶م)، قواعد متعددی برای حفاظت از محیط زیست انسانی در مناطق شهری وضع شد.

همچنین در نشست سیاتل (۱۹۹۴م) سعی شد برای تغییرات نامطلوب محیط زیست ناشی از تأثیر فعالیتهای شهری بر آلودگی هوا، همچنین راه‌حلهایی برای آلودگیهای خاک و آب، ابزارهایی برای تسریع تغییرات مثبت زیست‌محیطی از طریق کاربریهای زمین، مثل حوزه‌های آبخیز و پارکها، جستجو شود.

علاوه‌براین، برخی از نهادهای جهانی اقدامات دولتهای محلی را برای بهبود کیفیت محیطهای زیست شهری مورد حمایت قرار می‌دهند که بانک جهانی یکی از مؤثرترین آنها است. گروه موضوعی محیط زیست شهری این بانک برای بسط دستورالعملهای قهوه‌ای تعریف شده در نشست زمین (۱۹۹۲)، در ۲۰۰۲م تأسیس شد. راهبرد همکاری بانک جهانی، توسعه محیط زیست شهری را به‌عنوان بخشی از فرایند تقویت زیست‌پذیری شهری مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین، بانک جهانی به کشورهای مشتری خود و همین‌طور به مالکین محلی برای ایجاد شهرهایی با

مدل خوشه‌ای ← شبکه منطقه‌ای راهبرد

مدل شبکه‌ای ← شبکه منطقه‌ای راهبرد

مدل مرکز-پیرامون ← مرکز-پیرامون، مدل

مدل قطب رشد ← قطب رشد

مدل وابستگی ← وابستگی، مدل

مدیریت

Management

اصطلاح مدیریت به‌طور سنتی به فعالیتها (و اغلب گروهی از افراد) باز می‌گردد که در ۴ کارکرد عمومی و کلی زیر دخالت دارند: برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ رهبری؛ و نظارت و هماهنگی.

باید توجه داشت که این ۴ کارکرد به‌صورتی تنگاتنگ در هم تنیده هستند و در تمام سازمانها اعمال می‌گردند.

• **برنامه‌ریزی.** برنامه‌ریزی در مدیریت شامل تبیین اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت، روشها، منابع مورد نیاز برای اعمال روشها، مسئولیتها و زمان‌بندی انجام امور است. از نمونه‌های برنامه‌ریزی در این زمینه می‌توان از برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی فعالیتها، برنامه‌ریزی نیروی کار و

World Bank, 2004.

- Bradshaw, Anthony D. "Natural ecosystems in Cities: A Model for Cities as Ecosystems", Berkowitz A., R., Nilon C. H., Hollweg S.K. (eds), 2003. *Understanding Urban Ecosystems, a New Frontier for Science and Education*. New York: Springer, 2003.
- Brand, P. and Thomas, M. *Urban Environmentalism, Global Change and the Mediation of Local Conflict*. London and New York: Routledge, 2005.
- Castells, M. *The City and the Grassroots: a Cross-Cultural Theory of Urban Social Movements*. UK, London: Edward Arnold, 1983.
- Harding, R. *Environmental Decision-Making. The Roles of Scientists, Engineers and the Public*. Federation press, 1998.
- Havlick, S.W., *The Urban Organism: The City's Natural Resources From an Environmental Perspective*. New York: MacMillan, 1974.
- Johnston, R.J. *The American Urban System: A Geographic Perspective*. New York: St. Martin's Press, 1982.
- Lein, J. *Integrated Environmental Planning*. Blackwell Science, 2003.
- Melosi, Martin V. "The Historical Dimensions of Urban Ecology: Framework and Concepts", Berkowitz A., R.; Nilon C. H. and Hollweg S.K. (eds). 2003. *Understanding Urban Ecosystems, A New Frontier for science and education*. New York: Springer, 2003.
- Miller, D. and De Roo, G. *Urban Environmental Planning, Policies, Instruments and Methods In an International Perspective*. England: ASHGATE, 2004.
- Selman, Paul. *Environmental planning*. London: SAGE, Thousand Oaks, New Delhi, 2000.
- Spirn, Anne Whiston. *The Granite garden*. Wheeler, Stephen M. & Beatley Timoty (eds.), New York: Basic Books. 2004.
- *The Sustainable Urban Development Reader*. London: Routledge, 1984.

شهرزاد فریادی

مدرنیزاسیون ← نوسازی

مدرنیسم ← نوگرایی

خود، به درستی به وظایف خویش عمل کنند. باید توجه داشت که گرایشهای مطرح در مدیریت، به طور کلی، بر این نکته تأکید دارند که رهبری از مدیریت جداست و سرشت چگونگی درهم تنیدگی کارکردهای چهارگانه آن بایستی زمینه ساز طرح پارادایمی نو در مدیریت بشمار آید.

کتابشناسی:

- <http://www.authenticityconsulting.com>

کارتر مک نامارا
(عباس سعیدی)

مدیریت بحران

Crisis Management

مدیریت بحران یکی از موضوعات نسبتاً جدید مطرحه در علم مدیریت است. به طور کلی، فعالیتهای مدیریت بحران به بخشهایی که وقوع احتمالی حوادث وجود دارد و همچنین پیش بینی بحرانهای بالقوه و برنامه ریزی درباره نحوه برخورد با آنها مربوط می شود. به سخن دیگر، مدیریت بحران به مجموعه سیاستگزاریها و تصمیم گیریهای مدیریتی و فعالیتهای اجرایی اطلاق می شود که مربوط به مراحل مختلف واکنش در برابر بحرانها هستند. بدینسان، مدیریت بحران از یکسو، آمادگی برای مقابله و تلاش برای پیشگیری از بحرانهاست و از سوی دیگر، به پاسخگویی و به حداقل رساندن پیامدهای جانی و مالی بحرانها و برقراری وضعیت عادی می پردازد. براین اساس، مدیریت بحران اغلب بر تمرکز مستمر بر ارتباطات عمومی، به منظور کاهش، بازسازی و مرمت خسارات عمومی تأکید می ورزد و در پی بررسی و جستجوی راههای مطمئن در این خصوص است. بنابراین، مدیریت بحران ۴ مرحله را دربر می گیرد: آمادگی؛ پاسخگویی؛ بازپروری و بازسازی؛ و

کارکنان و برنامه ریزی طرحهای اجرایی نام برد؛

- **سازماندهی.** شامل سازماندهی منابع برای دستیابی به اهداف، به شیوه ای بهینه است و از نمونه های آن می توان از سازماندهی بخشهای جدید، منابع انسانی، نظامهای نگهداری و بایگانی و تجدید سازمان فعالیتها یاد کرد؛
- **رهبری.** رهبری در سازمان شامل نظم بخشی به جهت گیریهای سازمان، گروهها و افراد و همچنین، هدایت کارکنان به منظور پیروی از آن است. مثالهای این مورد



عبارتند از: اعمال جهت گیریهای راهبردی (از جمله تبیین ارزشها و اهداف) و اعمال روشهای افزایش کارایی سازمانی به منظور حفظ جهت گیریهای سازمان؛

- **نظارت و هماهنگی.** هماهنگ کردن نظامها، روندها و ساختارهای سازمانی به منظور دستیابی مؤثر و بهینه به اهداف مختلف سازمان. این امر شامل توجه ویژه به مجموعه بازخوردها و هدایت و سازگاری نظامها، روندها و ساختارهاست. نمونه های این مورد، عبارتند از: بهره گیری مناسب از نظارتها، سیاستها و فرایندهای مالی، روندهای مدیریت کارآمدی، اقدامات لازم و مؤثر برای اجتناب از خطرات و مانند آن.

در نظر بسیاری از کارشناسان، واژه مدیریت به معنای افراد و مدیرانی است که اصولاً مسئولیت تصمیم گیریهای سازمانی را برعهده دارند، هرچند دیدگاههای نو در مدیریت براین مبنا استوارند که وظیفه مدیریت، حمایت از کوششهای کارکنان است، تا ایشان بتوانند به عنوان اعضای کاملاً مفید و مؤثر در سازمان و نیز به عنوان شهروند جامعه

فرماندهی و محوریت کماکان با دولت خواهد بود. اما هرچه از زمان بروز بحران بگذرد، نقش افراد و مردم در مدیریت بحران برجسته‌تر خواهد شد. از این رو، در بازسازی و همچنین خطرزدایی تا جایی که ممکن است، بر مشارکت مردم و استفاده از تواناییهای ایشان تأکید شده است. البته کارشناسان در زمینه دامنه و میزان مشارکت افراد متفق‌القول نیستند، اما همگی بر لزوم مشارکت تأکید دارند. عده‌ای عقیده دارند مدیریت بحران باید با محوریت مردم و با حمایت دولت صورت گیرد، اما از سوی دیگر، عده‌ای نیز بر محوریت دولت در کلیه فعالیت‌های مرتبط با مدیریت بحران تأکید می‌ورزند. به هر حال، نباید فراموش کرد که دولت نماینده مردم است و منابع جامعه به‌طور متمرکز در اختیار او قرار دارند. البته، به هر حال، نباید نقش مردم در مدیریت بحران را نادیده گرفت؛ برای مثال، در زمینه آمادگی، هرچه دانش و آگاهی افراد جامعه افزایش یابد، نیاز آنها به منابع و کمک‌های خارجی کاهش می‌یابد. این امر تا حدی استقلال و حس کنترل بر اوضاع را نیز به آنها می‌بخشد و یا در زمینه خطرزدایی، تا حد زیادی از وظایف دولت می‌کاهد. بنابراین، دولت وظیفه تجهیز، حمایت، هدایت و به کارگیری از تواناییهای مردمی را به عهده دارد. اصولاً در بخش مدیریت بحران اگر برنامه طراحی شده در کاهش و جلوگیری از وقوع بحران موفق عمل ننماید، لازم است مراحل ششگانه زیر سریعاً انجام پذیرد:

- انجام ارزیابی علمی و بی‌طرفانه از موارد بحران؛
- یقین اثرات بلندمدت یا کوتاه‌مدت بحران؛
- پیش‌بینی و تعیین وقوع حوادث احتمالی ناشی از بحران؛
- تمرکز بر تمام توانمندی افراد بر فعالیت‌هایی که منجر به کاهش و جبران مشکل ناشی از بحران است؛
- جستجوی علمی در خصوص فرصت‌های موجود در ارتباط با بحران حاصله؛ و
- اقدام عاجل به منظور حفظ منابع مالی.

رویکرد دولت در مدیریت بحران

در زمینه به کارگیری از تواناییهای مردمی، ۲ رویکرد کلی پیش روی دولت قرار دارد: مشارکت هدایت شده و

سرانجام، خطرزدایی.

مدیریت بحران شامل تشخیص دقیق بحران، برنامه‌ریزی درخصوص نحوه مقابله با بحران و کنترل و حل مسائل مرتبط با بحران است. مدیریت بحران در بیشتر زمینه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود، اما به‌طور متداول، در علوم ارتباطات بین‌الملل، علوم سیاسی، تجارت و بازرگانی و مدیریت شهری بیش از سایر علوم شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف اصلی مدیریت بحران، حفاظت از جامعه است. سؤالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که وظیفه مدیریت بحران برعهده چه افراد و نهادهایی است؟ آیا افراد جامعه باید بار اصلی مدیریت بحران را به دوش بکشند و یا اینکه بخش عمده مسئولیت مدیریت بحران در هر کشور برعهده نهادهای دولتی است. شواهد حاکی از آن است که در اغلب بحرانها، واکنش اصلی و بخش عمده پاسخ برعهده نهادهای ملی و بین‌المللی است. این امر به خصوصیت مخرب اکثر بحرانهای ثبت شده باز می‌گردد که اغلب به مداخلات وسیع نیاز دارند؛ این امر خود به منابع و امکانات زیادی نیازمند است که معمولاً فراهم کردن آن به همکاری دولتها و نهادهای بین‌المللی بستگی دارد. البته در دهه اخیر، روند رو به رشدی در راستای درگیر کردن افراد جامعه، اعم از جامعه بحران‌زده و یا دیگر افراد و گروههای جامعه و همچنین، سازمانهای غیردولتی در پاسخ به بحرانها به چشم می‌خورد. مثال بارز چنین مشارکتی، گردآوری کمک‌های مردمی پس از بروز بحران است. درعین حال، تجربه نشان می‌دهد، در پاسخ به بحران، سرعت عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین مشارکت دادن داوطلبان در پاسخ، می‌تواند کمک مؤثری به امدادسانی کند. با تمام این احوال، مرحله پاسخگویی، خصوصیتی دارد که حاکمیت محوری را الزامی می‌کند؛ از جمله این خصوصیات می‌توان نیاز به توان پشتیبانی لجستیکی، نیاز به فرماندهی مؤثر منطقه حادثه دیده، ضرورت حفظ امنیت و دسترسی به امکانات فوریتی را نام برد. در صورتی که دولت بتواند در مرحله آمادگی، جامعه را نیز درگیر سازد و بخشهایی از جامعه را جهت شرکت در پاسخگویی به بحران آماده سازد،

جمعیتها، گروهها و نهادهای انسانی و خودجوش و برآمده از مردمی هستند که مهم‌ترین شاخصه آنها در استقلال از دولت تبیین می‌شود. امروز، این سازمانها به صورت داوطلبانه در راستای رفاه و خدمات عمومی به انجام فعالیت می‌پردازند. دامنه فعالیت این سازمانها از امور امدادی، رفاهی و مذهبی، تا دفاع از حقوق بشر، پناهندگی، امور زنان، جوانان و توسعه علوم و فناوری را دربر می‌گیرد. می‌توان گفت، سازمانهای غیردولتی پل ارتباطی بین مردم و دولت هستند که نقش مؤثری در بلوغ اجتماعی برعهده دارند.

اصولاً به شرایطی بحرانی اطلاق می‌شود که تعادل بین نیازها و منابع برهم بخورد. به سخن دیگر، بحران حادثه‌ای است که از ظرفیت مقابله جامعه فراتر می‌رود. براین اساس، مدیریت بحران را می‌توان بازگرداندن مجدد تعادل بین سطح نیازها و منابع دانست. در مدیریت بحران می‌توان با ۳ ابزار شرایط را به حالت طبیعی بازگرداند. این ۳ ابزار عبارتند از:

- افزایش منابع؛
- کاهش نیازها؛ و
- جابه‌جایی تکیه‌گاه (فرماندهی بحران).

کتاب‌شناسی:

- Auf Der Heide. *Disaster Response: Principles of Preparation and Coordination*. St. Louis: Mosbe, 1989.
- Burby, Raymond J.; et al. *Building Disaster Resilient Communities Emmitsburg*, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, May 2002. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/downlo-ads/BuildingDRCdoc>
- Burby, Raymond. *Cooperating with Nature: Confronting Natural Hazards with Land-Use Planning for Sustainable Communities*. Washington D.C: Joseph Henry Press, 1998.
- Canton, Lucien G. *Emergency Management: Concepts and Strategies for Effective Programs*. Hoboken NJ: Wiley Inter-Science, 2007.
- Cutter, Susan L. (ed). *American Hazardscapes: The Regionalization of Hazards & Disasters*. Washington D.C: Joseph Henry Press, 2001.
- Drabek, Thomas E. and Gerard J. Hoetmer (eds). *Emergency Management: Principles and Practice for Local Government*. Washington DC: International City Managers Association, 1991.

مشارکت مردم محور. در مشارکت هدایت شده که تحت عنوان مشارکت ابزاری نیز شناخته می‌شود، مردم در برنامه‌های دولتی مشارکت داده می‌شوند. با این حال، برنامه‌ها کماکان توسط دولت آغاز، تأمین مالی و کنترل می‌شوند و مسئول نهایی آنها یکی از برنامه‌ریزان دولتی است. برنامه‌ریزان میزان مشارکت مردم را تعیین می‌کنند. در حقیقت، در قالب چنین مشارکتی، به مردم وظایفی مشخص در راستای برنامه محول می‌شود.

در مقابل این نوع مشارکت، مشارکت مردم محور قرار دارد. در این نوع مشارکت، مقوله اصلی بحث قدرت و کنترل است. به سخن دیگر، این نوع مشارکت تنها به برنامه‌ها و جنبه‌های مدیریتی یا فنی آنها محدود نمی‌شود، بلکه نوعی مداخله اجتماعی در جهت تقویت جامعه بشمار می‌رود. این مشارکت براین اساس قرار دارد که مردم عادی نیز می‌توانند تفکر نقادانه داشته باشند و دانش و آگاهی آنها می‌تواند در مدیریت بحران به کار آید. در این نگرش، افراد جامعه باید خود مشکلات و نیازها را شناسایی و ابزارها و راه‌حلهای طراحی کنند؛ علاوه‌برآن، برنامه‌ها را اجرا و سرانجام نتایج را ارزیابی کنند. بدینسان، در چنین مشارکتی، نقش دولت به یک نقش حمایتی نظارتی تقلیل می‌یابد.

مدیریت بحران، امری کلان است که در آن مداخله دولت و مشارکت مردم هر ۲ ضروری است. بنابراین، مدیریت بحران در حقیقت یک طیف است که در یکسوی آن مداخلات صرفاً دولتی و در طرف دیگر آن، مداخلات صرفاً مردمی قرار دارد. اینکه کجای چنین طیفی قرار بگیریم، به توانایی و ساختار دولت و از طرف دیگر، به ساختار اجتماع و تواناییها فرهنگ و امکانات جامعه بستگی دارد.

سازمانهای غیردولتی در نظام نوین جهانی، علاوه‌بر اینکه به‌عنوان نمودی از مردمسالاری (← مردمسالاری) در جوامع مطرح می‌شوند، به‌عنوان نهادهای موازی دولت، بخشی از بار اجرایی دولت را برعهده می‌گیرند. با توجه به ماهیت مردمی این سازمانها، درواقع ارگان نظارتی مردم بر فعالیت‌های دولت در اجرای خواسته‌های آنها نیز بشمار می‌روند. در تعاریف جهانی، سازمانهای غیردولتی شامل

مدیریت رشد

Growth Management

مجموعه منسجمی از برنامه‌ها و سیاستها به منظور شکل دهی و هدایت رشد شهری بر وفق نیازهای حصول به تعادلی پویا بین مقتضیات حفاظت از محیط زیست و توسعه و به همین ترتیب توازن میان توسعه و تسهیلات سرمایه‌ای مورد نیاز برای آن و سرانجام، صیانت از حس اشتراک اجتماعی. مدیریت رشد به طور معمول از برنامه‌ریزی کاربری زمین در شکل سنتی منطقه‌بندی شهری (- حوزه‌بندی شهری) و نظارت بر نواحی، هم از حیث اثرات آن بر توسعه (به ویژه از حیث زمان‌بندی و مالیه) و هم از جهت دامنه کاربرد قدرت دولتی، فراتر می‌رود. برنامه‌های معاصر کاربری زمین بر این نکته تأکید دارد که فرایند رشد شهری را به وجه آگاهانه ساماندهی کند و به این ترتیب، بیش از تلاشهای سنتی در برنامه‌ریزیهای کاربری، مثل منطقه‌بندی شهری و برنامه‌های جامع، که با وضعیت ایستا سروکار دارند تا وضعیت پویا، بر الگوهای رشد شهر تأثیر گذارند. امروزه، با تلاشهای روزافزونی که برای کاستن از گسترش بی‌رویه شهرها صورت می‌گیرد، مدیریت رشد در صدد است تا مقررات کاربری زمین را با برنامه‌ریزی تسهیلات سرمایه‌ای پیوند دهد و با بهره‌گیری از شیوه‌های مالی، رشد بی‌رویه را مهار کند.

برخی از هدفهای مدیریت رشد صورت بدیهی دارد:

- شکل دادن به مکان و محل رشد آتی؛
- حفاظت از کیفیات محیطی؛
- همساز کردن رشد شهر از منظر بودجه شهر؛
- مرحله‌بندی یا کند کردن توسعه شهر در راستای حفاظت از خصوصیات اشتراک اجتماعی اجتماعات شهری؛ و سرانجام
- مدیریت رشد در سطح محلی برای شناخت اثرات منطقه‌ای رشد.

برنامه‌های رشد مدیریت معمولاً بر یک یا چند هدف از این هدفها تأکید می‌ورزد.

با اینکه کنترل‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی در شکل سنتی

- Drabek, Thomas E. *Strategies for Coordinating Disaster Responses*. Boulder, CO.: Program on Environment and Behavior, Monograph 61, University of Colorado.
- Drabek, Thomas E. *Social Dimensions of Disaster*, 2nd Edition Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, April 2004. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/sdd.asp>.
- Flynn, Stephen. *The Edge of Disaster: Rebuilding A Resilient Nation*. N.Y: Random House, 2007.
- Godschalk, David R., Timothy Beatley, Philip Berke, David Brower, and Edward Kaiser. *Natural Hazard Mitigation: Recasting Disaster Policy & Planning*. Island Press, 1999.
- Haddow, George D. and Jane A. Bullock. *Introduction to Emergency Management 2nd* (ed). Burlington, MA: Elsevier Butterworth-Heinemann, 2006.
- Lindell, Michael K., Carla Prater, Ronald W. Perry. *Fundamentals of Emergency Management*. Emmitsburg MD: FEMA Emergency Management Hi-Ed Project, 2006.
- McEntire, David A. *Disaster Response Operations and Management*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, September. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/drom.asp>.
- Shaw, Gregory. *Hazards Risk Management*. Emmitsburg, MD: FEMA Emergency Management Higher Education Project College Course, January 2004. Accessed at: <http://training.fema.gov/EMIWeb/edu/hram.asp>.
- Waugh, William L. *Living With Hazards/Dealing With Disasters- An Introduction To Emergency Management*. Armonk, New York Y: M.E. Sharpe, Inc., 2000.

علیرضا شکبیا

مدیریت بلایا ← مدیریت سوانح

مدیریت پسماند(ها) ← بازیافت

به لحاظ قانون در دهه ۱۹۲۰م مورد پذیرش قرار گرفت، موضوع مدیریت رشد در دوره‌های متأخر، عملاً از اواخر دهه ۱۹۶۰م و اوایل دهه ۱۹۷۰م، آغاز شد. در این سالها، ۳ دلمشغولی عمده محیطی، مالی و روان‌شناختی در ارتباط با تداوم رشد شهرنشینی، موجب توجه تازه‌ای به شیوه‌های تازه‌تر و جدی‌تری در هدایت رشد شهری و حتی محدود کردن آن شد. رشد روزافزون آگاهی نسبت به مسائل محیط زیست در دهه ۱۹۷۰م، مسئله ناسازگاری بین شهرنشینی و زیست‌بومهای حساس، مانند مردابها و زیستگاههای بحرانی و برنامه‌های مصوب پیشین در مورد محدودیتها/مدیریت رشد را به نحو برجسته‌ای آشکار کرد. مفهوم ظرفیت محیطی رشد، یعنی حدودی که رشد و فعالیت انسانی در مرزهای فراتر از آن، موجب خسارتهای جبران‌ناپذیر به محیط زیست می‌شود، مورد تأیید برخی از صاحب‌نظران از جمله گادشالک (Godschalk) و پارکر (۱۹۷۵م) قرار گرفت. دومین دلیل طرح مسائل مدیریت رشد عبارت بود از آگاهی نسبت به هزینه‌هایی که گسترش شهری از حیث مالی و بودجه برای حکومتها داشت. در مناطق کم‌جمعیت حومه‌ها، درآمدهای مالیاتی با نیازهای مخارج عمومی که همراه با رشد شهری پدید می‌آمد (هزینه‌های گسترش لوله‌کشی آب و فاضلاب و توسعه خیابانها و احداث مدارس جدید)، همخوانی نداشت. سومین دل‌نگرانی مربوط بود به هزینه‌های روان‌شناختی از حیث آثاری که رشد متراکم شهرنشینی بر سبک زندگی و از دست رفتن خصوصیات اجتماعی شهرهای کوچک داشت.

نخستین برنامه‌های مدیریت رشد شهری تلاش داشتند، تا با استفاده از سهم رشد سالانه (شهرهای پتالوما و کالیفرنیا، ۱۹۷۳م، بولدر و کلورادو ۱۹۷۶م)، یا پیوند رشد به تسهیلات سرمایه‌ای (راماپو و نیویورک ۱۹۶۹م)، نرخ رشد و زمان رشد را هدایت کنند. با توجه به اینکه نخستین برنامه‌های معطوف به محدود کردن میزان رشد شهری، کمتر از روند موجود بود، از آنها به‌عنوان برنامه‌های کنترل رشد شهری یاد شده است. هنوز مدیریت رشد شهری محل مناقشه است. برخی معتقدند، این‌گونه کنترل رشد، حرکتی ضدپیشرفت و مداخله‌ای سنگین در فرایند توسعه است،

زیرا موانع قانونی را جلوی پای تحرک مردمان قرار می‌دهد. برخی دیگر از آن به‌عنوان ابزاری ضروری برای برقراری توازن در شیوه‌های رشد شهری حمایت می‌کنند. دادگاهها عموماً از برنامه‌های مدیریت رشد به‌عنوان ابزاری مناسب جهت قدرت انتظامی حکومت دفاع کرده‌اند، البته به شرط اینکه مقررات وضع شده و شیوه‌های استفاده از آنها، به‌طور منطقی با هدفهای بیان شده مدیریت رشد مرتبط باشد.

انواعی از مدیریتهای رشد شهری نیز هست که به هدایت یا شکل‌دهی رشد شهری، بدون تحمیل مدیریت بر آن معطوف هستند. از آن جمله است، اقدامات ضد گسترش بی‌رویه و پراکنده شهرها، از طریق تعیین محدوده توسعه شهری و تشویق رشد شهری در درون محدوده‌ها؛ استفاده از مشوقهای قانونی؛ تأمین هزینه زیرساختها توسط بخش عمومی، و متقابلاً، محدود کردن رشد شهری در خارج از محدوده از طریق وضع مقررات، محدودیت هزینه برای زیرساختها و به‌دست گرفتن فضاهاى باز (← فضای باز) توسط بخش عمومی. نمونه‌های این نوع برنامه را می‌توان در شهرهای مختلف ایالات متحد مشاهده کرد. حدود ۱۵ حکومت ایالتی در ایالات متحد نیز از اصول مدیریت رشد شهری بهره می‌گیرند. ایالتها در این‌گونه موارد، معمولاً به‌طور مستقیم به تنظیم یا مدیریت رشد نمی‌پردازند، بلکه معیارها و اصولی را تدارک می‌کنند که باید در برنامه‌های کلی یا جامع گنجانده شوند. از آن جمله، ایالتهای اورگون، فلوریدا، کالیفرنیا (برای مناطق ساحلی) نیوجرسی، جورجیا و مریلند است. در اورگون و فلوریدا برنامه‌های جامع شهری به‌مسئله گسترش بی‌رویه شهر می‌پردازند.

اگر حکومتهای محلی برنامه‌های محلی را با معیارهای ایالتی وفق دهند، ممکن است مشمول مجازات و محرومیت از بودجه ایالتی شوند. ایالتهای دیگری، چون نیوجرسی و مریلند، بیشتر از رویکرد تشویقی استفاده می‌کنند، به‌این ترتیب که بودجه‌های ایالتی را به‌سوی مناطق تعیین شده برای رشد شهری سوق می‌دهند.

برنامه‌های مدیریت رشد شهری در زمان ما به‌طور روزافزونی به‌سمت رشد متوازن سیر می‌کند و بر محدود

بخش روستایی به عنوان یک نظام (سیستم)، مسائل مبتلابه محیط روستا را به درستی دریابد و در رفع و چاره جویی آنها اقدام نماید. بدین ترتیب، مدیریت روستایی در عمل با تحول و دگرگونی جامعه روستایی سروکار دارد. به سخن دیگر، سازماندهی نهادهای محلی و هدایت مناسب عناصر دخیل در روند تغییر اجتماع محلی، از وظایف مدیریت روستایی است. گرچه در این راه مهارتهای مدیریتی الزامی است، اما علاوه بر آن، حساسیت نسبت به وظیفه اصلی مدیریتی، یعنی آگاهی بخشی به روستائیان در زمینه ضرورت دگرگونی و پیشرفت امور نیز ضروری است. در همین راستا، مشارکت و سازماندهی مردم روستایی، به ویژه آنانی که از منابع و فرصتهای موجود بی بهره اند، از وظایف مدیریت روستایی است. آشکار است که این امر نیازمند مدیرانی با تدبیر، برخوردار از توان رهبری و کسانی است که از اندیشه‌ها و ایده‌های قابل توجهی در راستای توسعه روستایی برخوردار باشند.

بدینسان، امروزه، مدیریت روستایی با نمایندگی نیازهای گوناگون گروه‌های معین روستایی در مناطق مختلف جغرافیایی، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در پیشبرد امور و توسعه روستایی برعهده گیرد؛ از جمله این وظایف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برنامه‌ریزی توسعه مداوم و نظام‌وار محدوده‌های تحت عمل؛
- شناسایی و انتظام بهره‌برداری از منابع محلی؛ و
- برپایی تشکلهای مردمی و مشارکتی، از جمله تعاونیها و صندوقهای اعتبارات خرد و مانند آن.
- برای انجام مناسب این وظایف، لازم است داده‌ها و اطلاعات کافی در حوزه‌های زیر در اختیار باشند:
- ساختار رسمی و غیررسمی اجتماع روستایی؛
- ویژگیهای جمعیتی؛
- هویت طبقاتی، گروهی و طایفه‌بندی اجتماع روستایی؛
- نقش و جایگاه جنسیتی در درون و برون نهاد خانواده؛
- نحوه توزیع سستی قدرت و اقتدار؛
- اخلاقیات، هنجارها و گرایشهای مؤثر بر فردیت، پایگاه (اجتماعی)، کار و فعالیت، مالکیت و تصرف، چانه زنی و

کردن گسترش بی‌رویه شهرها تأکید دارند، چنان‌که در تأمین بودجه زیرساختها کانون توجه خود را بیشتر بر تقسیم مسئولیتها بین بخش عمومی و بخش خصوصی قرار داده‌اند و تلاش خود را متوجه برنامه‌های تشویق تنوع در خانه‌سازی و خصوصیات محله‌ای در توسعه شهری کرده‌اند. مدیریت رشد، در توجه به کل دامنه مسائل شهری، از جمله کاربری زمین (← کاربری زمین) تنوع خانه‌سازی، فرصتهای اقتصادی، کارایی مالی و حفاظت از محیط زیست، هم از لحاظ مفهومی و هم از جهت عملیاتی، با اندیشه رشد هوشمندانه در آمیخته است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

اسکات بولنز
(کمال پولادی)

مدیریت روستایی

Rural Management

اداره امور روستا به نحوی که به توازن و تعالی روستا و ارتقاء سطح زندگی روستائیان یاری رساند. امروزه، مدیریت روستایی در اداره امور اجتماعی- اقتصادی روستا، به ویژه واحدهای تولیدی، از جمله تعاونیهای تولید با واحدهای نوین فراوری، نقش اساسی دارد. از این رو، نخبگان مدیریت روستایی در فروش و بازاریابی کالاهای تولیدی و مصرفی این گونه واحدها و موسسات به یاری می‌آیند. علاوه بر این، با زمینه‌سازی برای برپایی نهادهای و مؤسسات محلی می‌کوشند، قابلیت‌های نهفته در نواحی روستایی را به منصفه ظهور رسانند.

جامعه روستایی به صورت یک نظام اجتماعی پویا عمل می‌کند، به نحوی که عناصر و نهادهای مختلف آن در عرصه عمل به مثابه عوامل تغییر به ایفای نقش می‌پردازند. بر این اساس، مدیریت روستایی لازم است با در نظر گرفتن

بده- بستانها و مبادله، توافقه‌های نانوشته و نهادهای سستی روستا؛

- اشتغال و فعالیتهای اقتصادی و نحوه بازاریابی؛ و
- تبیین جایگاه معمرین و شوراهاى ریش سپیدی.

امروزه، مدیریت روستایی در ایجاد، گسترش و اداره امور تعاونیهای محلی نقشی شایسته برعهده دارد. بازتاب این گونه نقش‌پذیری مدیریتی، از جمله، عبارت است از:

- کارکردهای مدیریت روستایی که در روستا اثرگذار هستند و جنبه سازمانی- رفتاری این کارکردها. عناصر اصلی این کارکردها عبارتند از:

۱. ساختار منطقه‌ای تعاونیها به‌عنوان عامل پیوند روستا با مراکز شهری، به‌مثابه کانونهای قدرت، اطلاعات و سرمایه. همچنین، نقش تعاونیهای روستایی در ساختار کلی تعاونیهای سرزمینی؛

۲. رفتار فردی و گروهی و کارکردهای آموزشی و تخصصی شدن توسعه تعاونیها و سایر نهادهای روستایی، همراه با تأکید بر مشوقها، ترغیب و انگیزش و پاداش. توسعه و سازماندهی تعاونیها و سایر عوامل نوآورانه تغییر در محیطهای روستایی؛

۳. آموزه‌های ترویجی و نقش آن در برپایی و نگهداری از سازمانها و نهادهای روستایی؛

۴. دسترسی یکسان به خدمات تعاونیها؛ و

۵. جایگزینی هنجارهای نو به‌جای هنجارهای دست‌وپاگیر سستی.

• روند فایده بخشی سازمانها و فنون مرتبط برای مدیریت روستایی در حوزه عمل مدیران روستا. عناصر اصلی این مهم عبارتند از:

۱. توسعه ترویج و مشاوره؛
۲. پایش و ارزیابی پیشرفت نظامهای تعاونی روستا؛
۳. احیاء همیارها و تعاونیهای رهامانده در محیط روستا؛
۴. پیگیری و اعمال اقتدار در حل برخوردها و تعارضات فردی و گروهی، از طریق ملاقاتهای رسمی و غیررسمی بین افراد و گروهها؛
۵. برقراری روابط بین فردی و مدیریت اتحادیه‌ها و تشکلهای تجاری- اقتصادی روستا و کارگاهها و واحدهای

تولیدی روستا.

بدین ترتیب، مدیریت روستایی هم نوعی نظام فکری، متشکل از شیوه‌های اجرایی است و هم یک موضوع تخصص علمی؛ بنابراین، باید هم قابل تحقیق و هم قابل اندیشیدن و نیز قابل آموزش به دیگران باشد. در مباحث نوین مدیریت روستایی، توجه به ۵ نکته زیر اساسی بشمار می‌رود:

• ایجاد ساختار مناسب برای ورود به مبحث جایگاه و نقش مدیریت روستایی که در مباحث علمی مدیریت، به‌عنوان سازماندهی روستایی شناخته می‌شود؛

• تفکیک مقوله مدیریت روستایی به حداقل تعداد واحدها و مباحث و تعریف دقیق آنها به شیوه‌ای که بتواند به کارشناسان در بهره‌گیری کامل از دانش موجود یاری رساند؛

• تأکید بر بهره‌گیری کامل از مباحث مدیریتی که کارایی آنها در موارد دیگر به اثبات رسیده است؛

• بهره‌گیری از فنون تصمیم‌سازی به شیوه‌هایی که مشوق پذیرش آنها در الزامات فعالیت در محیطهای روستایی باشد؛ و

• بیان دستاوردهای علمی و آموزشی مدیریت روستایی به زبان ساده و قابل فهم برای روستائیان.

کتاب‌شناسی:

- رضانی، غلامرضا. طرح و برنامه‌ریزی در روستاهای ایران. تهران: انتشارات کانون پژوهشهای علمی و اجتماعی، ۱۳۵۲.
- سعیدی، عباس. سطح‌بندی روستاهای کشور. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی در ایران»، مجله مسکن و انقلاب. شماره ۸۷، تابستان ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. «روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری (یک بررسی ادراکی)»، جغرافیا (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران). دوره جدید شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۸۲ (چاپ ۱۳۸۴).
- شفیق، مسعود. عمران روستایی در ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۸.
- فرهنگ، منوچهر. زندگی اقتصادی ایران. تهران: انتشارات ابوریحان، ۱۳۵۴.
- ADB & Unicef. Local Governance Initiative (Rural Asia),

- وظایف تولیدی؛ و
- وظایف در رابطه با دولت.

وظایف کلی مالک

حمایت از ده

بزرگ مالکان به عنوان رابط بین روستائیان و دولت مرکزی عمل می‌کردند. به این ترتیب که در ازای دریافت مالیات، خراج، سرباز و مانند آن از روستائیان و در اختیار دولت قرار دادن بخشی از آن، حمایت دولت مرکزی را از روستا موجب می‌شدند. البته بسیاری از بزرگ مالکان، به دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود، در قدرت سیاسی نیز سهم بودند و از این قدرت برای حفظ مالکیت و منافع خود در قبال عوامل داخلی و خارجی استفاده می‌کردند. از آنجا که بزرگ مالکان و یا اعضای خانواده آنها در جامعه دارای مقام و مناصب بودند، دستگاههای دولتی با آنها همراهی می‌کردند. این وضعیت با عنایت به عدم دسترسی روستائیان به مقامات و نهادهای دولتی، موجب می‌شد تا مالکان اغلب با رعایای خود رفتارهای ظالمانه و حتی غیرانسانی داشته باشند. باین وجود، زمانی که منافع ده در تعارض با منافع دهات مجاور و یا عوامل خارج از ده قرار می‌گرفت، حمایت اساسی توسط بزرگ مالک صورت می‌گرفت، زیرا سوای حقوق عرفی و نسقی که زارعان در محدوده روستا داشتند، همه ده از آن مالک بود و براین اساس، در عمل، از دارایی و منبع اصلی درآمد و قدرت خود دفاع می‌کرد. علاوه بر اینها، بزرگ مالکان تنظیم امور اجتماعی روستائیان و حتی مسائل مورد اختلاف آنها، از مشکلات زناشویی گرفته تا سایر اختلافات را زیر نظر داشتند و با استفاده از خود روستائیان، از جمله کدخدا، دشتبان و داروغه، سعی می‌کردند، اختلافات آنها را حل و فصل کنند. در مواردی که ریش سفیدان و معمرین ده اجازه داده می‌شد، در موارد اختلاف، از طریق کدخدا منشی به مسائل پردازند. حمایت از روستا و روستائیان در مقابل عوامل اداری، سلف خران، پبله‌وران و دکانداران شهری نیز برعهده بزرگ مالک و ایادی وی بود. بدینسان، اجازه استثمار روستائیان را به احدی نمی‌داد، زیرا آنان را در

2004.

- Andand, Sudhir & Amartya K. Sen. *Sustainable Human Development (Concepts and Priorities)*. UN Development Programme, Office of Development Studies, Discussion Paper Series, 1996.
- Harris, J. M. *Basic Principles of Sustainable Development*. Medford: Tufts Uni.
- United Nations. *Indicators of Sustainable Development. Guidelines and Methodology*. New York, 2001.
- United Nations. *The Earth Is Our Habitat*, 1996.
- UNEP. *Small Island Environmental Management*. UN System-Wide Earthwatch Coordination, Geneva, 1998.
- Wahlen, J. P. *Some Considerations for Developing Village Design*. Plan Pacific Consultant;(USA), 2000.

عباس سعیدی

مدیریت روستایی در ایران

در ایران روستا به عنوان واحدی جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و واحد تولید است و معنای مالکیت و یا مدیریت در سطوح مختلف آن مطرح است.

در گذشته، در سطح روستا، معمولاً مالک یا نماینده و مباشر وی (در مورد مالکان غایب) و یا مستأجران بودند که بالاترین رده را در سطح روستا تشکیل می‌دادند و در رأس هرم قدرت و سلسله مراتب اجتماعی قرار داشتند. پس از آنها، سرچفتها یا سربنه‌ها و یا سالارها و در کنار آنها، کدخدا، داروغه، دشتبان و دیگران قرار می‌گرفتند.

هر روستا ملک نامیده می‌شد و اداره آن در اختیار ملکدار یا مالک بود. البته، در سطح روستا تقسیم‌بندیهای دیگری، از جمله بلوک، جفت، بنه، و مانند آن وجود داشت که اداره آنها، براساس نحوه اعمال مدیریت مالک، برعهده برخی از زارعان که مالکیتی بر زمین و آب نداشتند، قرار داشت.

مدیریت مالک بر روستا که وجهی از آن به *ملکداری* تعبیر شده است، دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود. با اینکه اغلب بزرگ مالکان در ده غایب بودند، اما مدیریت خود را مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مباشران و عوامل خود اعمال می‌کردند. وظایف مالک به عنوان مدیر ده، عبارت بود از:

- وظیفه کلی در رابطه با ابعاد اقتصادی- اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛

می‌کردند. بنابراین، جفت‌گاو و اجزای آن (فرد، پنا، سم و مانند آن) طاق و فنجان، خروار، من، جریب، درز و قفیس در روستاها متداول بود و نیروی کار، به‌علت وفور آن، مبنای نسق زراعی نبود. در رابطه با چگونگی انتخاب هریک از عوامل مزارعه به‌عنوان فعالیت عملی بر پایه نسق در مناطق مختلف روستایی، مشاهده می‌شود که اغلب عامل کمیاب تولید در هر منطقه پایه نسق قرار داده می‌شد: در مناطق کوهستانی و پر باران معمولاً عامل جفت‌گاو؛ در مناطق حاشیه کویر و کم‌باران عامل آب مثل طاس و فنجان؛ و در برخی دیگر از مناطق که مشکلی از لحاظ آب و عامل شخم وجود نداشت، بذر و میزان بذرپاش مبنای تعیین نسق قرار می‌گرفت.

بهره‌برداری و اداره نسق در روستا بدین ترتیب بود که معمولاً زمینهای روستا به ۳ آیش تقسیم می‌شد: آیش کشتهای زمستانه یا شتوی، آیش کشتهای تابستانه یا صیفی، و آیش نه‌کار و یا بخشی از زمینها که برای تقویت بیشتر یکسال رها می‌شد و هر واحد بهره‌برداری در هریک از آیشها سهمی داشت.

در اداره زمین و شروع کار زراعی، تقویمی سنتی وجود داشت. مالک از طریق عوامل خود، مثل مباشر (← مباشر)، کدخدا (← کدخدا)، سربنه و یا سالار، نسبت به یادآوری این تقویم و بسیج زارعان به‌منظور کارهای دسته‌جمعی، مثل لایروبی انهار و تنقیه قنوات، مواظبت از اراضی زراعی در هنگام سیل و مانند آن، اقدام می‌کرد. همه افراد مراقبت کافی می‌کردند که تقویم زراعی و کوشش زارعان و اعضای خانواده آنها در کار هرچه بیشتر بر روی زمینهای زراعی رعایت گردد.

تعیین نوع کشت نیز با مالک بود و ترکیب آن را مالک یا عوامل وی در رابطه با شرایط محل، وضع بازار و سایر ملاحظات، معین می‌کرد. تعیین زمان درو و برداشت محصول نیز عرفاً با مالک بود و محصول در خرمنگاه در حضور مالک و یا نمایندگان وی تسهیم می‌شد. مالک به‌خوبی بر میزان سهم هر زارع آگاه بود و حتی مراقبت داشت تا بدهیهای وی به دکاندارهای شهری و دیگران (در صورتی که مالک اجازه این کار را قبلاً داده بود) و نیز

انحصار خود می‌دانست و برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از روستا، زندگی روستائیان، حتی بخش خصوصی آن را دقیقاً زیر نظر داشت. به‌این‌منظور، علاوه بر کسب اطلاعات لازم از طریق عوامل خود، ترکیب جمعیتی و قومی متناسب با اهداف خود را در روستا ایجاد می‌کرد. بدینسان، سعی وافر داشت از سیاست اختلاف (تفرقه) بینداز و حکومت کن که شیوه‌ای متداول در حکومت در ایران بوده است، استفاده نماید.

حمایت از روستا و روستائیان در مقابل صحرائشینان، خاصه در خشکسالیها که عشایر را برای تنازع بقا به غارت در روستاها و امی داشت نیز برعهده مالک بود. او برای این منظور، با سازمان دادن روستائیان و ایجاد ابزار لازم، به این مهم می‌پرداخت. روستائیان حتی بهنگام مراجعه به شهرها برای تهیه مایحتاج و خدمات مورد نیاز خود، در پناه مالک بودند و با اذن او و در برخورداری از موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وی، با شهر در رابطه قرار می‌گرفتند. برخی از بزرگ‌مالکان با توجه به ایستارها و جهان‌بینی خود، در تأمین خدمات مورد نیاز روستائیان کوشا بودند و نسبت به ایجاد درمانگاه، مدرسه و مانند آن در روستا اقدام می‌کردند، ولی غالب آنها روستایی را از تماس با شهر و با وسایل ارتباطی به هر نحوی باز می‌داشتند. این نوع مدیریت بر روستا و دیگر روستاهای تحت مالکیت بزرگ‌مالکان موجب می‌شد، آنان برحسب تعداد روستاهای تحت مدیریت خود، اقتدار یافته و در حکومت جایگاهی بیابند.

نظارت بر مالکیت و بهره‌برداری

از مهم‌ترین وظایف بزرگ‌مالکان در سطح ده، استفاده از سازوکار نسق برای بهره‌برداری از منابع و امکانات موجود در روستا بود (← نسق). نسق را عبارت از مجموعه قواعد و مقررات نانوشته‌ای می‌دانند که تنظیم و تلفیق عوامل تولید، از جمله زمین، آب، بذر، عامل شخم، و نیروی کار را برای تولید تحت کنترل دارد. توزیع زمینهای زراعی در روستا را متناسب با یکی از عوامل تولید که معمولاً نادرترین عامل از میان عوامل تولید در منطقه بود، تعیین

تأمین آب توسط مالک ایجاد شده بود و یا به طور طبیعی و به صورت مزرعه کوچکی با برخورداری از آب چشمه وجود داشت. اراضی این مزارع اگر داخل نسق روستا محسوب نمی شد (که غالباً همین طور بود)، برای گشت به فرزندان روستائیان و یا حتی افراد دیگری که در روستا ساکن شده بودند، واگذار می شد. نظارت و مدیریت این اراضی نیز در کنار مدیریت اصلی روستا با مالک و عوامل وی بود. علاوه بر این، استفاده از مراتع حریم روستا و بهره برداری از زمینهای دیم نیز در محدوده مدیریت مالک قرار داشت.

اصولاً در هر روستا بخشی از اراضی خارج از نسق بود؛ این گونه اراضی عبارت بود از: اراضی موات؛ اراضی مرتع و یا جنگل و یا هر دو؛ اراضی کشت دیم؛ باغها؛ و بیشه و قلمستان.

حد و حدود این گونه اراضی را عرف مشخص می کرد. این عرف تحت تأثیر اقتدار مالک و یا هر عامل دیگر در حد روستا و معمربین محل شناخته شده بود؛ اگر در صورت ادعای دیگران، محل نزاع واقع می شد، مالک به رفع آن می پرداخت.

اراضی مرتع و جنگل اطراف روستا که حدود آن را عرف مشخص می کرد، در اختیار مالک بود و با مدیریت خود، آنها را برای استفاده گله های خود و روستائیان نگهداری و کنترل می کرد. در مواردی، حق چرای سالانه (انتفاع) آنها را به دیگران می فروخت. در مورد جنگلها نیز بهره برداری تحت نظارت و کنترل مالک بود و روستائیان حاشیه جنگلها برای سوخت سالیانه خود و احياناً ایجاد مسکن، با اجازه مالک، حق بهره برداری محدود از جنگل را داشتند. چرای علوفه داخل جنگلها و احياناً تراشیدن و به اراضی زراعی تبدیل کردن و یا اجازه قطع درختان و تهیه زغال با مالک بود.

باغها و قلمستانها در مالکیت و مدیریت مالک بود و خارج از نسق زراعی قرار داشت. بدین ترتیب، زارع فاقد باغ و اجازه احداث آن بود.

دشتیان، حمامی، سلمانی، نجار، آهنگر، کدخدا از محصول پرداخت گردید. فروش محصولات صیفی و یا محصولاتی که برای بازار کشت شده بود، مثل پنبه، چغندر و سیب زمینی با مالک بود و او پس از عرضه محصول به بازار و تحویل وجه آن، هزینه های مربوط را کسر می کرد و سهم زارع و یا زارعان را می پرداخت. به این ترتیب، مالک از ریز درآمد جنسی و نقدی زارع اطلاع داشت و آن بخش از درآمد وی را که از طریق مثلاً دامداری، نگهداری طیور، کندوی زنبور عسل و مانند آن کسب می شد، به راحتی برآورد می کرد و زندگی اقتصادی زارع را تحت نظر داشت. بدینسان، در صورتی که زارع در طول سال زراعی خدشه ای در گذران زندگی معمولش پدید می آمد، می توانست از مساعده مالک که جنسی یا نقدی بود، استفاده کند و مالک سعی می کرد، مانع از ایجاد اختلال جدی در روند زندگی معمول وی گردد؛ حتی در صورتی که زارع با مشکلی خاص مواجه می شد، مثلاً گاو نر و یا حتی ماده وی فوت می کرد، با دادن تقوای که وامی بلندمدت بود و الزاماً از محصول سال بعد برداشت نمی شد، آن را جبران می کرد. تأمین آب زراعی و مراقبت از محصول در برابر آفات نباتی از وظایف مالک بود که با استفاده از نیروی کار زارعان انجام می شد.

مالکان بخشی از اراضی زراعی خارج از نسق را در اختیار خود داشتند که از آن برای تشویق دیگر زارعان، به ویژه در مناطقی که کشت به صورت گروهی و در قالب بینه صورت می گرفت، استفاده می کردند. به این ترتیب که این زمینها در اختیار سربنه ای قرار می گرفت که بیشترین بهترین محصول را در سال به دست آورده بود و زارعان صاحب نسق موظف بودند از طریق بیگاری در این زمین به تولید محصول بپردازند، تا بین مالک و سربنه تقسیم شود؛ در واقع، این جایزه ای بود که مالک از طریق گرفتن بیگاری از زارعان، به سربنه می داد، بدون اینکه چیزی از منافع و یا درآمد خود بخشیده باشد.

نظارت بر بهره برداری از اراضی و امکانات خارج از روستا

هر روستا علاوه بر اراضی زراعی داخل محدوده خود، اراضی در مزارع و یا بیلاقات اطراف داشت که یا از طریق

وظایف تولیدی

وظایف تولیدی مالک را می‌توان در داخل نسق زراعی به ترتیب زیر مطرح کرد:

• **تأمین آب.** تأمین آب زراعی و طبعاً آب آشامیدنی، از عمده وظایف مالک محسوب می‌شد. سرمایه‌گذاری برای حفر قنات را مالک برعهده داشت و پس از آن، به مراقبت و نگهداری از آن از طریق نوکنی و تنقیه سالانه و مانند آن اقدام می‌کرد. استفاده از بیگاری زارعان در تنقیه قنات و ایجاد سیل‌بند برای حفاظت از آن صورت می‌گرفت، ولی تأمین هزینه‌ها از وظایف مالک بود. مالک با ایجاد مدار گردش آب که متناسب با اقلیم منطقه، نوع خاک، فاصله زمینهای زراعی از مظهر قنات، نوع و الگوی کشت محصولات زراعی و مانند آن تعیین می‌شد، طراحی نسق ده را معین می‌کرد. در نقاطی که با ایجاد قناتهای جدید در داخل روستا بر میزان آب زراعی افزوده می‌شد، نسق نیز متناسب با آن تغییر می‌کرد. برخورداری از آب قنات نه تنها بر ارزش اراضی نزدیک به منبع آب می‌افزود، بلکه گذر قنات از داخل روستا نیز به نوعی بر هرم قرارگیری مسکن روستائیان مؤثر بود. به‌این ترتیب که امکان برخورداری از آب قنات معمولاً با مالک بود.

در مناطقی که آب زراعی از رودخانه تأمین می‌شد، مدیریت مالک در حفر انهار آب و نظارت بر لایروبی آنها اعمال می‌شد. سرمایه‌گذاری برای آب، از طرق مختلف، از جمله حفر آب‌بند و ایجاد بند سار، علاوه‌بر احداث و نگهداری قنات، برعهده مالکان بود.

• **تأمین اعتبارات کشاورزی.** مالک علاوه‌بر تأمین هزینه‌های تولید زراعی، از جمله هزینه آب و معمولاً تأمین بذر، نسبت به تأمین اعتبارات مورد نیاز برای زندگی روستائیان نیز اقدام می‌کرد.

• **مدیریت تولید.** تولید زراعی را مالک از طریق تعیین نوع کشت و الگوی کشت، مدیریت می‌کرد. موضوع نوآوریهای دانش زراعی نیز با وی بود؛ به‌این ترتیب، در صورت برخورد با ابتکاری در این زمینه، نسبت به ترویج آن و استفاده از تجارب دیگران در روستا و یا سایر روستاها

اقدام می‌کرد. تشخیص آفت و چگونگی مبارزه با آن از طریق استفاده از دانش بومی و یا تغییر نوع و ترکیب کشت با مالک یا نمایندگان وی بود. در زمینه تولیدات دامی نیز نظارت بر بهره‌برداری از مراتع حریم روستا و استفاده از پس چر و ته چر اراضی زراعی و حتی تعداد دامهای روستائیان با مالک بود. پرداختن روستائیان به امور مربوط به صنایع دستی، مثل تولید فرش، اگرچه مستقیماً به مالک مربوط نبود، ولی مالک از طریق نظارت بر حضور نیروی کار خانواده‌های روستایی در امور مربوط به زراعت و ممانعت از تخصیص همه اوقات به امر صنایع دستی و نیز کنترل سرکارها و یا عوامل واسطه‌ای که تهیه مواد اولیه برای تولید صنایع دستی و عرضه آن به بازار کار را برعهده داشتند، بر این امور نیز اشراف داشت. مسائل مدیریت تولید در جامعه روستایی به‌گونه‌ای بود که براساس آن، حتی مدیریت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مالک نیز مطرح می‌شد.

• **نظارت بر اداره نسق.** محور تعیین نسق مالک بود و اختیارات عمومی آن در ید وی قرار داشت.

وظایف مالک در قبال دولت

تا قبل از اصلاحات ارضی، نه تنها دولت در روستا حضور نداشت، بلکه دارای نفوذی بیرون از حیطه نظارت مالک نیز نبود. بدینسان، مالک و عوامل او، رابط بین دولت و روستائیان بودند. بدین ترتیب، مالیات دولت را مالک جمع‌آوری می‌کرد و تحویل می‌داد. براین مبنای، نفوذ و اقتدار دولت در روستا از طریق مالک صورت می‌گرفت. حتی پس از ایجاد تغییراتی در نظام اداره کشور و تأسیس وزارتخانه‌های جدید، مأموران دولتی به‌واسطه مالک و یا کدخدا که وی نیز منتصب مالک بود، با روستائیان ارتباط داشتند. به سخن دیگر، نظارت در اجرای قانون و حق حاکمیت دولت در روستاها، از طریق مالک صورت می‌گرفت.

کتاب‌شناسی:

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۳.

به اجزاء گوناگون تشکیل دهنده نظام زیست، شامل اجزاء زیست‌شناختی، فیزیکی، انسانی و اجتماعی، و درک پیوند بین آنها از پایداری زیستبوم محافظت کند. آشکار است که در نگرش همه‌جانبه به زیستبوم، مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز از نظر دور نمی‌ماند، چرا که انسان به واسطه حیات اقتصادی و اجتماعی خود با محیط پیرامون وارد تعامل می‌شود.

مدیریت زیستبوم - محور دنباله اندیشه‌هایی است که نخست در میان طرفداران محافظت از محیط زیست، کسانی چون آلدو لئوپولد (Aldo Leopold) پیدا شد. این اندیشه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م در امریکای شمالی و اروپا، حرکت‌های تازه‌ای را در بوم‌شناسی، انسان‌شناسی و برخی رشته‌های دیگر ایجاد کرد. این جریان‌های فکری بر نگرش‌های مربوط به مدیریت منابع منطقه‌ای، مدیریت زیست - منطقه و سرانجام مدیریت زیستبوم تأثیر گذاشت و چارچوب‌های تازه‌ای را معطوف به رویکرد یکپارچه به مسائل زیستبوم ایجاد کرد. و سرانجام رشته آموزشی برنامه‌ریزی محیطی با تمرکز بر تأثیر حیات انسانی بر زیستبوم، به تثبیت رویکرد مدیریت زیستبوم - محور انجامید.

مدیریت زیستبوم - محور نیازمند دانش همه‌جانبه از نوع بین رشته‌ایست و با توجه به پیچیده بودن نظام زیستبوم، دامنه گسترده‌ای را، از اقیانوس‌شناسی گرفته تا جامعه‌شناسی، دربر می‌گیرد.

کتابشناسی:

- Gacia, A. Zerbi et al. *The Ecosystem Approach to Fisheries, Issues, terminology, Principle*. FAO Fisheries Technical Paper, No. 443, Rome, 2003.
- Grumbine, R. "What Is Ecosystem Management?" *Conservation Biology*. Vol. 8(1).
- Slocombe, S. "Lessons From Experience with Ecosystem-Based Management", *Landscape and Urban Planning*. Vol. 4.

کمال پولادی

- طالب، مهدی. *نگاهی جامعه‌شناسانه به مسائل اعتبارات روستایی در ایران*. تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی.
- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۴.

مهدی طالب

مدیریت زیستبوم - محور

Ecosystem-based Management

رویکردی در مدیریت منابع طبیعی است که با نگرشی همه‌جانبه، دانش - محور و نظام‌مند به‌نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی، به‌منظور حفظ سلامت، پایداری محیط و منابع زیستی انسان مشخص می‌شود.

خطرات گوناگونی که از فعالیت انسان به‌وجود می‌آید، زیستبوم را تهدید می‌کند. رشد انفجارآمیز جمعیت و شهرنشینی (← شهرنشینی) و همراه با آن، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع محیطی و ذخایر طبیعی از جمله عواملی است که بر زیستبوم تأثیر می‌گذارد و منابع مورد نیاز برای تغذیه و گذران سالم گروه‌های انسانی را در معرض تهدیدهای آشکار و پنهان قرار می‌دهد. زیستبوم یک نظام فراگیر است که حیات انسان یکی از اجزاء یا خرده - نظام‌های آن است. زندگی و فعالیت‌های انسانی به‌عنوان جزئی از نظام زیستبوم، کلیت این نظام را دستخوش عدم تعادل و تهدید به فروپاشی کرده است. تلاش در مدیریت زیستبوم - محور بر این است که به‌جای برخورد غیرعلمی و پراکنده با مسائل، نگاهی راهبردی به این مسائل داشته باشیم و منطبق با نظام‌وارگی زیستبوم، برنامه‌ای سنجیده و نظام‌مند برای آن تدوین کنیم. مدیریت زیستبوم - محور در برابر رویکرد سنتی قرار می‌گیرد. در رویکرد سنتی، زیستبوم عرصه اقدامات نامنسجم و فاقد برنامه حساب شده بود. بسیاری از دشواری‌هایی که برای شهرهای امروزی پدید آمده است، ناشی از همین اقدامات ناسنجیده بوده است.

مدیریت زیستبوم - محور می‌کوشد با رویکرد یکپارچه

مدیریت زیست محیطی شهری

Urban Environmental Management

هریک از مسائل زیست محیطی را که امروز ساکنان کره زمین با آن روبرو هستند و علت‌های آنها و تنگنانهایی که به وجود آورده‌اند در نظر بگیریم، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، ریشه در مسائل شهری دارند. نیروها و فرایندهایی که فعالیت شهری را تشکیل می‌دهند، آثار پدیده و بلندمدتی نه تنها برای مرز و بوم بلافصل خود، بلکه همچنین برای کل منطقه دارند.

محیط زیست شهری، در گسترده‌ترین مفهوم، شامل منابع (انسانی و غیرانسانی)، فرایندهای تبدیل این منابع به محصولات و خدمات قابل استفاده دیگر و آثار این فرایندهاست که ممکن است منفی یا مثبت باشند. مدیریت زیست محیطی شهری در عرصه شهر، ۳ عرصه اصلی را دربر می‌گیرد:

• **عرصه طبیعی.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به پوشش گیاهی، وجود انسانی، معادن، آب، خشکی، هوا، و مثل اینها؛

• **عرصه انسان‌ساخت.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به ساختمانها، خانه‌سازی، جاده، راه آهن، برق، ذخایر آب، گاز و مانند اینها؛

• **عرصه اقتصادی - اجتماعی.** منابع، فرایندها و آثار مربوط به فعالیتهای انسانی، آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت، هنر و فرهنگ، فعالیتهای تجاری و اقتصادی، میراثها و سبک زندگی شهری در مفهوم کلی.

تلاقی و تعامل این ۳ عرصه است که محیط شهری را می‌سازد. در نظر گرفتن هریک از این عرصه‌ها و حذف دیگر عرصه‌ها، خطر دیدن درختان و ندیدن جنگل را دربر خواهد داشت. در پیشبرد هماهنگ و مناسب سیاستها و برنامه‌ها برای مدیریت شهری باید در هم تنیدگی و خصلت میان‌رشته‌ای این ۳ عرصه را به‌درستی درک کرد.

این امر با توجه به کثرت بازیگران و فعالیتهای مربوط به این حوزه اهمیت خاصی دارد. هر روز درک این موضوع روشن‌تر می‌شود که دولت و سازمانهای وابسته به آن و نیز

فعالتهای آنها، تنها جزئی از طیف وسیع کارگزاران و فعالیتهایی است که در محیط شهری به انجام می‌رسند.

یکی از نکات کلیدی برای فرمول‌بندی سیاستهای زیست محیطی و تخصیص منابع برای بخشهای مختلف آن، درک دامنه مشکلات محیط زیست شهری است. چنین درکی به ما کمک می‌کند تا اطلاعات و داده‌های مختلف را در سطوح مختلف جمع‌آوری کنیم، منابع و عوامل مرتبط را که در هر سطح دخیل هستند را شناسایی کنیم، سیاستها را ترازبندی کنیم و اقدامات لازم را در مقیاس لازم انجام دهیم.

برای هر یک از مشکلات در مقیاسهای مختلف فضایی، به زیرساختها و خدمات خاصی نیاز است. ملاحظه دامنه و مقیاس مشکلات فضایی در کشورهای در حال توسعه چند مسئله مهم را آشکار می‌کند که عبارتند از:

• مسائل بهداشت و سلامت، چه در سطح خانوار و چه در سطح اجتماع محلی، هم پدیده‌تر و هم فوری‌تر است و همراه با افزایش مقیاس در فضا، از شدت آن کاسته می‌شود؛

• در مورد تدارک خدمات پایه در سطح خانوار و اجتماع محلی؛ و

• خروجیهای آن به لحاظ زمان در مقیاس منطقه و جهان، مسئله برابری به‌ویژه اثرات میان-نسلی آن را از حیث استفاده از منابع ناپایدار و مشکلات زیست محیطی جهانی مطرح می‌سازد.

سطوح مسئولیت و تصمیم‌سازی باید با سطح و حد تأثیرات انطباق داشته باشد، اما ترتیبات فضایی موجود غالباً این اصول را نقض می‌کند.

کتاب‌شناسی:

- hsrinivas@gdrc.org

(کمال پولادی)

مدیریت سنتی فضا

Traditional Spatial Management

گروههای انسانی از آغاز زندگی بر سطح زمین پیوسته کوشیده‌اند تا عرصه زیستی خود را با توجه به نیازها و دامنه فعالیت‌های خود انتظام بخشند. به این ترتیب، سرآغاز شکل‌دهی و نظم‌بخشی به عرصه‌های مکانی - فضایی را می‌توان با بهره‌گیری از منابع طبیعی، به‌ویژه منابع آب و خاک، همزمان دانست. البته، دامنه این نوع فعالیت در میان گروههای مختلف انسانی به درجه رشد فرهنگی آنها بستگی داشته است. به عبارت دیگر، با ارتقاء سطح فرهنگی گروههای انسانی، شیوه‌های مدیریتی و دانش فنی آنان رشد یافته و در نتیجه، دامنه دخالت در محیط و ساماندهی و آرایش فضایی پیشرفت پذیرفته است. نمونه‌های گوناگون این پدیده در بین فرهنگها و تمدنهای باستانی، به‌ویژه در چین، هندوستان، ایران، بین‌النهرین و سرزمینهای پیرامون دریای مدیترانه قابل مشاهده و بررسی است.

به‌عنوان مثال، بهره‌برداری جمعی از منابع آب و خاک و سازمان‌بندی گروهی تولید زراعی در سرزمینهای خاورمیانه که هنوز بقایای آن به شکل‌های گوناگون برجای مانده است، از نمونه‌های قابل بررسی است. این شیوه فعالیت و تولید اقتصادی اصولاً بر سازماندهی دقیق بهره‌برداری از منابع (به‌ویژه منابع محدود آب) و تشکیلات متکی بر مقررات سنجیده استوار بوده است. آشکار است که این‌گونه انتظام فضایی و روابط اجتماعی - اقتصادی حاکم بر آن، مستلزم تدابیر و قواعدی دقیق بوده و نوعی مدیریت را ایجاب می‌کرده است که آن را می‌توان مدیریت سنتی فضا نامید. شالوده اصلی تمام این‌گونه شیوه‌ها بر پایه چند وجه و ویژگی مشترک استوار بوده است که اهم آنها عبارتند از:

- آماده‌سازی، بهره‌برداری و نگهداری جمعی از منابع اصلی تولید (آب و زمین)؛
- ساماندهی گروه از طریق تقسیم کار و وظایف؛
- حفاظت و نگهداری از منابع اصلی تولید به‌ویژه آب و زمین؛
- بهره‌برداری بهینه از منابع محدود و کمیاب در قالب آنچه

که می‌توان صرفه‌جویی مقیاس نامید؛

- تقسیم محصول بین تولیدکنندگان اصلی، براساس نیروی کار و ابزار مورد استفاده؛ و
- همبستگی گروهی در بین همیاران در روند تولید محصول.



با توجه به اهمیت اساسی عامل تولیدی آب و حتی اهمیت زمین، تنها هنگامی که قابل آبیاری می‌بود، آشکار می‌گردد که در گذشته، دوام اقتصادی و پایداری روند تولید زراعی در اغلب سکونتگاههای روستایی در این منطقه از جهان، در گرو ایجاد و نگهداری از تأسیسات آبیاری در مقیاس محلی (و ناحیه‌ای) و سازماندهی و مدیریت بومی این منبع کمیاب استوار بوده است.

علاوه بر این، ایجاد و گسترش راههای بین ناحیه‌ای و منطقه‌ای، به‌عنوان شریان ارتباطی و عملکرد تجاری شهرها در مشرق زمین را می‌توان از نمونه‌های بارز مدیریت سنتی فضا بشمار آورد. مسلماً این‌گونه مدیریت تحقق

روستایی پیرامونی خود بشمار می‌رفتند و در یک کلام، نقش مکانهای مرکزی را برعهده داشتند. آبادیهای خان‌نشین در عرصه‌های عشایری و روستایی ایران نیز به‌عنوان مراکز تصمیم‌گیری درباره‌ی نوع و دامنه بهره‌گیری از منابع مرتعی و نیز مدیریت منابع آب و خاک و در نهایت، نظم‌دهی به امور اجتماعی - اقتصادی، نوعی دیگر از این‌گونه مکانهای مرکزی بشمار می‌آمدند.

کتابشناسی:

- سعیدی، عباس. «آبیاری (در ایران)»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. جلد اول، ۱۳۶۷.
- سعیدی، عباس و کفایی، ساره. «نقش مدیریت سنتی در بهره‌گیری از منابع کمیاب»، *مجله علوم زمین*. شماره ۹ و ۱۰، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۴.
- صفی‌نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- Smith, H. *History of Garden City*. London, 1963.

عباس سعیدی

نمی‌پذیرفت، اگر با سیاستهای هماهنگ‌سازی میان شیوه‌های زیستی روستایی، شهری و کوچروی و همچنین ایجاد امنیت در امکان فعالیت و تجارت بین سکونتگاهی همراه نمی‌شد.

بدینسان، در مقیاس کلان نیز مدیریت سنتی فضا در هماهنگی با مدیریت در سطح خرد و محلی عمل می‌کرد. از این‌رو، هر جا و هر زمان که این هماهنگی در سطوح مختلف مدیریت فضا گسسته می‌شد و توان مدیریتی سرزمین رو به ضعف می‌نهاد، اساس حیات اجتماعی - اقتصادی سکونتگاههای روستایی و شهری مختل می‌گردید. آشکار است که این‌گونه روابط و مناسبات در شکل‌گیری ویژگیهای اقتدار و تقسیم قدرت، تحکم سیاسی و در یک کلام، ویژگی‌بخشی به نظامهای سیاسی سنتی در سرزمینهای این منطقه نیز تأثیر فراوانی داشته است.

به‌همین ترتیب، بررسی سکونتگاههای سنتی یونان باستان دارای ارزش تطبیقی قابل توجهی است، زیرا ریشه‌های امروزی برنامه‌ریزی فضایی سکونتگاهها، به‌ویژه سکونتگاههای شهری (پولیس)، در این‌گونه سنتها قابل پیگیری است. در رُم باستان نیز جنبه‌های گوناگون بهره‌گیری مناسب از قابلیت‌های نواحی و ایجاد عرصه‌ها و فضاهای سکونتگاهی به‌خوبی مورد توجه بوده است. در همین ارتباط، احداث راههای سراسری و برپایی کانونهای مرکزی شهری برای اداره و خدمات‌رسانی به محیطهای روستایی پیرامونی، به‌ویژه در نواحی خارجی تحت اشغال و سلطه، از جمله در سوریه و فلسطین، قابل ذکر است. این‌گونه کانونهای سکونتگاهی براساس رده‌بندی فضایی و اصول بنیادی کارکردهای مکان مرکزی و البته، به‌منظور بهره‌گیری مناسب از اراضی زراعی و تنظیم بازارهای مبادله طراحی و برپا می‌شدند. به‌همین ترتیب، کاخها و عرصه سکونتگاهی پیرامون آنها در سده‌های میانه در اروپا به‌نحوی آگاهانه، با توجه به نیازها و الزامات گوناگون و بر مبنای عملکردپذیری فضایی برپا می‌شدند. این‌گونه کاخ - سکونتگاهها که به بزرگ شهرت داشتند، گذشته از سایر عملکردها، در عمل، مراکز ساماندهی شیوه‌های بهره‌گیری از زمین و کانونهای ارتباطی - مواصلاتی برای عرصه‌های

مدیریت سوانح

Disaster Management

سانحه رویداد یا واقعه‌ای ناگهانی است که با آسیبهای انسانی یا گسترده مادی و یا زمینه بروز این‌گونه آسیبها همراه و نیازمند انجام اقدامات فوری است. سانحه را از لحاظ نوع می‌توان به ۳ دسته عمده تقسیم نمود:

- **سوانح طبیعی.** رایج‌ترین این نوع سوانح عبارتند از: زمین‌لرزه، سیل، آتشفشان، توفان، گردباد، تندباد، بهمین زمین‌لغزش، جابه‌جایی توده‌ای (ریزش)، رانش و جریان مواد) و نشست و فروریختگی زمین؛
- **سوانح تکنولوژیک یا انسان‌ساز.** سوانح تکنولوژیک شامل رخدادهای برنامه‌ریزی نشده و یا اتفاقاتی است که در نتیجه فعالیتها و توسعه جوامع انسانی و یا به‌طور کلی، در

مدیریت سوانح

و محیطی که سانحه در آن به وقوع می‌پیوندد، متفاوت است.

مدیریت سوانح دانشی کاربردی است که به وسیله مشاهده علمی و منظم سوانح و یا تجزیه و تحلیل آنها، در جستجوی یافتن ایزاری است که بتواند از بروز سوانح پیشگیری کند و یا در صورت بروز، آثار سوء آن را کاهش دهد و همچنین آمادگی لازم برای امداد رسانی سریع و بهبودی اوضاع را داشته باشد. مدیریت سوانح در مراحل چندی به انجام می‌رسد:

• **پیشگیری و کاهش مخاطرات.** شامل کلیه اقداماتی است که با هدف کاهش احتمال وقوع یا اثرات ناشی از بلا یا انجام می‌شوند تا موجب پیشگیری از وقوع سوانح و همچنین باعث جلوگیری از اثرات مخرب آن در راستای کاهش مخاطرات بر جامعه گردند؛

• **آمادگی.** شامل مجموعه عملیاتی است که جوامع و افراد را بهنگام بروز سانحه قادر به انجام عکس‌العمل سریع می‌کند. این مجموعه عملیات عبارتند از:

۱. برنامه‌ریزی؛
۲. پژوهش؛
۳. آموزش؛
۴. تأمین منابع؛ و
۵. مانور.

• **مقابله.** ارائه خدمات اضطراری بلافاصله پس از وقوع بحران با هدف نجات جان افراد و کاهش خسارات مالی، امداد و نجات، بهداشت، درمان، تأمین امنیت، ترابری و کنترل مواد خطرناک؛

• **بازسازی و بازتوانی.** بازگرداندن جامعه آسیب دیده (در تمام ابعاد کالبدی، اجتماعی و روانی، اقتصادی) به حالت عادی و نه لزوماً حالت پیش از بحران. هریک از این مراحل شامل گامهایی است که به ترتیب مورد عبارتند از:

گامهای مرحله پیشگیری و کاهش مخاطرات

• **گام اول.** شناخت مخاطرات موجود در سطح منطقه و

نتیجه دخالت انسان در طبیعت روی می‌دهند. این‌گونه سوانح پیامدهای خطرناک متفاوتی دارند که رایج‌ترین آنها آتش‌سوزی و انفجار است. معمولاً اشتباهات علمی و آزمایشهای مخرب هسته‌ای از این‌گونه‌اند که در نهایت عده بسیاری را در معرض مخاطره و تهدید قرار می‌دهند. سوانح انسان‌ساز گاهی به صورت سوانح طبیعی بروز می‌کنند، مانند برخی زلزله‌ها که به دلیل فعالیتهای انسانی رخ می‌دهند. این زلزله‌ها نسبت به زمین‌لرزه‌های ناشی از فرایندهای تکتونیک شدت کمتری دارند، اما می‌توانند خسارت به بار آورند. همچنین، مخازن بزرگ آب می‌توانند موجب زلزله‌های کوچک شود؛ و

• **سوانح جنگی و تروریستی.** جنگهای منظم، جنگهای نامنظم، آشوبهای سیاسی - اجتماعی و سایر اقدامات مخرب انسانی که منجر به کشتار و تخریب اماکن می‌گردند، از این‌گونه سوانح بشمار می‌روند.



اهداف مدیریت سوانح

هدف از مدیریت سوانح، کمینه کردن خسارتهای جانی و مادی حاصل از وقوع سانحه و نیز به حداقل رساندن آثار سوء آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی است. براین اساس، مدیریت سوانح به مجموعه اقدامهایی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع، حین وقوع و بعد از وقوع سانحه، برای کاهش هرچه بیشتر آثار مخرب و عواقب و عوارض آن انجام می‌گیرد. این اقدامها باتوجه به نوع سانحه

- ردگیری افراد ناپدید شده؛
۴. تهیه غذا و امکانات رفاهی و بهداشتی برای افراد، اعم از سانحه دیده و تیمهای عملیاتی؛ و
 ۵. ارائه خدمات مربوط به کاهش فشار و ناراحتیهای روحی به افراد آسیب دیده و تیمهای عملیاتی.
- گام چهارم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه تخلیه در شرایط اضطراری و بحرانی؛
 ۲. تعیین مسیرهای تخلیه؛
 ۳. تعیین مکانهای تجمع و اسکان افراد پس از تخلیه؛
 ۴. تهیه برنامه تخلیه سریع و پیش‌بینی نشده؛
 ۵. تهیه برنامه تخلیه قابل پیش‌بینی؛ و
 ۶. تهیه برنامه امنیتی و انتظامی.
- گام پنجم. شامل موارد زیر:

۱. تمرین و آزمون برنامه‌های آمادگی در برابر وقوع سوانح و تجدید نظر و به‌روز کردن احتمالی آنها؛
۲. ایجاد هماهنگی بین سازمانهای دخیل در اجرای برنامه؛
۳. آموزش به نیروهای مسئول در جهت هرچه بهتر انجام برنامه؛
۴. برطرف کردن معایب احتمالی طرح با توجه به شرایط گوناگون، به‌منظور جامعیت برنامه؛ و
۵. به‌روز کردن برنامه با توجه به نوآوری در تجهیزات و الگوهای برنامه‌ریزی و مدیریت.



اولویت‌بندی احتمال وقوع هریک از آنها، با توجه به سابقه تاریخی و مطالعات علمی انجام گرفته در تبیین احتمال خطر؛

- گام دوم. تحلیل مخاطرات به‌منظور دستیابی به نقشه پهنه‌بندی خطر سوانح در سطح منطقه؛
- گام سوم. تحلیل کالبدی منطقه مورد نظر در راستای دستیابی به پهنه‌بندی آسیب‌پذیری کالبدی در اثر وقوع سانحه احتمالی؛
- گام چهارم. تحلیل امکانات و تأسیسات حیاتی؛
- گام پنجم. تحلیل اجتماعی منطقه مورد نظر؛
- گام ششم. تحلیل اقتصادی منطقه مورد نظر؛
- گام هفتم. تحلیل زیست محیطی منطقه مورد نظر؛ و
- گام هشتم. تحلیل فرصت‌های کاهش اثرات (پیشگیری).

گامهای مرحله آمادگی

- گام اول. تهیه یک برنامه پایه آمادگی در برابر سوانح، شامل موارد زیر:
 ۱. طراحی، آماده سازی و تجهیز مرکز مدیریت بحران؛
 ۲. تعریف وضعیت و شرایط بحرانی؛ و
 ۳. تعریف وظایف و مسئولیت هر یک از سازمانهای دخیل در مدیریت سوانح.
- گام دوم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه اطلاع رسانی عمومی شرایط بحرانی؛
۲. ارائه آموزشهای لازم به‌منظور تقویت منابع انسانی، به‌ویژه در سطح محلی؛
۳. امکان اجرای بهتر برنامه‌های امداد و نجات؛
۴. تقویت مشارکت مردمی از طریق آگاهی از وضعیت.

• گام سوم. شامل موارد زیر:

۱. تهیه برنامه خدمات اجتماعی در شرایط بحرانی؛
۲. مراقبت و نگهداری از افراد جابه‌جا شده در مراکز مخصوص پذیرش افراد؛
۳. ارائه خدمات ثبت‌نام و دریافت درخواستهای

غیرمترقبه، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۱۳۸۵.

- فرزاد بهتاش، محمدرضا. *راهکارهای مدیریتی مواجهه با بحران زلزله در بافتهای تاریخی شهرها*، اولین همایش ملی مدیریت بحران زلزله در شهرهای دارای بافت تاریخی، دانشگاه یزد، ۱۳۸۵.
- فرزاد بهتاش، محمدرضا. *نقش فناوری GIS در ارتقاء طراحی مدیریت بحران در کلانشهرها*، دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

- Alexander, D. E. *Principles of Emergency Planning and Management*. UK: Terra Publishing, Harpenden, 2002.
- Asgary, Ali. "Theorizing Disaster and Emergency Management", *Tsunami and Disaster Management*. Roj Kumar and Srivastava, D.K. (eds), Hong Kong: Thomson, 2006.
- Davis Ian. "Problems with Principles of Emergency Management", *2nd CRHNet Annual Symposium*, Nov 17-19, 2005.
- FEMA. *Integrating Historic Property and Cultural Resource Considerations into Hazard Mitigation Planning*. USA, 2005.
- Fred Cuny. *Disaster and Development*. New York: Oxford UN Press, 1983.
- Prabhas, C. Sinha. *Disaster Management Process*. New Delhi: SBS Publisher, 2007.
- UNDP. *Reducing Disaster Risk: a Global Report*, New York: Bureau for Crisis Prevention and Recovery, 2004.

محمدرضا فرزاد بهتاش

مدیریت شهری

Urban Management

جمعیت جهان بین سالهای ۱۹۶۰-۲۰۰۰م به دو برابر و حدود ۶ میلیارد نفر رسید. برای مقابله با مسائل مرتبط با این روند، ۲ نگرش عمده مطرح است: کاهش فشار جمعیتی و یا بهبود مدیریت شهری. مدیر شهری در چارچوب اختیارات خود براساس عدم تمرکز می تواند چارچوبه ای نظری را مدنظر قرار دهد. اما پیش از آن باید تعریفی از مدیریت شهری به دست داد.

شالوده مدیریت شهری عبارت است از برعهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری. هرچند این تعریف

گامهای مرحله مقابله (واکنش و پاسخ)

• هدف. شامل موارد زیر:

۱. ارائه کمکهای فوریتی به افراد آسیب دیده؛
۲. احیای زیرساختهای حیاتی مانند آب، برق، تلفن و گاز؛
- و
۳. اطمینان از ارائه خدمات حیاتی مانند پلیس و خدمات شهری.

• گام اول، شامل موارد زیر:

۱. تخلیه سریع؛ و
۲. سازمانهای مسئول: آتشنشانی، مراکز اورژانس، نیروهای انتظامی و نظامی و سازمانهای غیردولتی فعال.

• گام دوم، شامل موارد زیر:

۱. جستجو و نجات؛
۲. پیدا کردن افراد آسیب دیده در اثر سانحه؛
۳. تثبیت مکان قرار گرفتن آسیب دیدگان؛
۴. آزاد کردن و نجات آسیب دیدگان؛
۵. تغذیه افراد آسیب دیده؛ و
۶. دادن کمکهای اولیه به آسیب دیدگان.

• گام سوم، شامل موارد زیر:

۱. ارزیابی بحران؛
۲. مشخص کردن اندازه و ماهیت اثرات اصلی سانحه و ۳. مکانیابی نیازهای اساسی؛
۳. اولویت بندی اقدامات امداد و نجات؛
۴. تخصیص منابع کمیاب برحسب نیاز نواحی آسیب دیده؛ و
۵. درخواست کمکهای اضافی از شهرها و مناطق همجوار به صورت سریع و دقیق.

گامهای مرحله بازسازی و بازتوانی

نحوه انجام بازسازی و بازتوانی، در ابعاد کالبدی، اجتماعی و روانی، اقتصادی و نوع برخورد با این مقوله برحسب درجه توسعه یافتگی کشور یا منطقه سانحه دیده متفاوت است.

کتابشناسی:

- فرزاد بهتاش، محمدرضا. *تحلیل مراحل اجرایی مدیریت بحران*. همایش سراسری راهکارهای ارتقاء مدیریت بحران و سوانح

رویکرد یکپارچه مدیریت شهری، در عمل، به تأکید و توجه به تمام این مشکلات در پیوند و ارتباط با یکدیگر نیازمند است. بدینسان، مدیریت شهری روز به روز به صورت امری پیچیده و امری چند-نقشی و چند-بخشی درمی‌آید. در واقع، ساکنان، کارآفرینان، سازمانهای ساکنان و

می‌تواند رضایت‌بخش باشد، اما بسیار کوتاه و کلی است. در عمل، وظیفه و نقش مدیران شهری را می‌توان به‌عنوان مسئولیت‌پذیری در زمینه زیرساختهای ضروری شهری تلقی کرد. هرچند این جنبه مهمی از این وظیفه بشمار می‌رود، اما باز تعریفی بسیار محدود است.



کارآفرینان، فعالان محیط‌زیست و توسعه‌گران (یا سازمانهای این کنشگران) هر یک می‌خواهند نقشی برعهده گیرند. برای برخورد با چنین وضعیتی، مدیر شهری به وظایف شفاف و روشن نیازمند است. شاید بتوان گفت، توسعه شهری پیش از هر چیز به عدم تمرکز نیازمند است. استرن، مدیریت شهری را مفهومی چندوجهی بشمار می‌آورد که تعریف‌پذیر نیست. آنچه اهمیت دارد این است که او مدیریت شهری را مفهومی هماهنگ و یکپارچه بشمار می‌آورد. این خود مستلزم توجه به نحوه و ضرورت گذار از برنامه‌ریزی کالبدی به مدیریت شهری است. مدیریت شهری نوعی رویکرد هماهنگ و یکپارچه را

اگر بپذیریم که مدیریت شهری بر مهم‌ترین مشکلات شهری تمرکز دارد، باید پرسید، چه کسی تعیین می‌کند، این مشکلات کدامند؟ دوره مدیریت شهری بانک جهانی این مشکلات اصلی را به شرح زیر معرفی کرده است:

- حکمروایی و مالیه شهری؛
- ایجاد قابلیت رقابت بین شهرها؛
- توان فراگیر و عینی برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
- ترغیب اشتغال؛
- توان تأمین خدمات عمومی شهری به صورتی کارآمد؛ و
- توان مدیریتی محیط (شهری).

آنها در امور شهر نقشی برعهده دارند: ساکنان، سازمانهای غیردولتی (← سازمانهای غیردولتی)، مجریان طرحها، سایر شهرها، مشارکت بخش خصوصی و عمومی، مجامع و سازمانهای مالی برای زیرساختها. برای نمونه، دخالت دادن نهادهای مالی خصوصی در یک طرح شهری مستلزم برخورداری از یک شبکه مناسب است. بالاخره، مدیریت شهری به بیش از یک طرح جامع سستی نیاز دارد، زیرا ضرورت دارد، تصویری جامع تر و وسیع تر از آینده شهر پیش‌بینی و تصور شود.

به دلایل مختلف، مدیریت شهری در شهرهای کشورهای در حال توسعه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نهادهای لازم گاهی به‌درستی و به‌تناسب برپا نشده‌اند؛
 - ویژگیها و شایستگیهای مدیران شهری به‌درستی طبقه‌بندی و تبیین نشده است؛
 - نهادهای موجود، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، با یکدیگر هماهنگی ندارند؛
 - نقش بخشهای رسمی و غیررسمی به‌درستی ترسیم نشده و مدیران شهری اغلب به نقش بخشهای غیررسمی در زمینه‌هایی همچون اشتغال، فقرزدایی و توسعه شهری کم‌توجه هستند؛ و
 - مشارکت مردمی ضعیف است و شهروندان برای دخالت در امور شهری آموزش و آگاهیهای لازم را کسب نکرده‌اند.
- کتاب‌شناسی:

- <http://www.mpvandiik@few.eur.nl>

ماینه پیتروان دایک
(عباس سعیدی)

مدیریت محلی ← حکومت محلی

مدیریت مسکن ← برنامه‌ریزی مسکن

نسبت به مسائل شهری در کشورهای در حال توسعه ضروری می‌سازد. در بسیاری از این کشورها، دخالت حکومت محلی به سیاستهای حوزه‌بندی محدود می‌شود و تنها به برخی از استانداردهای حداقل بسنده می‌کند. این نقش‌پذیری محدود البته در ارتباط با ساکنان محله‌های فقیرنشین می‌تواند رضایت‌بخش باشد، اما در مرحله بعدی توسعه، رویکرد مدیریت شهری بایستی مهم‌ترین مسائل موجود در شهرها را به‌عنوان نقطه آغازین حرکت خود در نظر گیرد؛ مسائلی همچون: فقر، جرائم، آلودگی و تراکم. ادبیات مرتبط با این مقوله به‌درستی بر اهمیت مشارکت و نقش کنشگران مختلف و بخش اقتصادی/تجاری و غیراقتصادی/غیرتجاری تأکید دارند. آشکار است که مشارکت عمومی بخش خصوصی از اهمیت برخوردار است. در این میان، حضور نهادهای جامعه مدنی (← جامعه مدنی) نیز ضرورت دارد. علاوه‌براین، طرح فرصتهای جدید برای جلب منابع مالی بخش خصوصی الزامی است. نگرش یکپارچه مدیریت شهری، مستلزم توجه همه‌جانبه به دخالت در امور شهری است. برای نمونه، ساخت واحدهای مسکونی که نه تنها راه‌حلی برای مشکل مسکن بشمار می‌رود، بلکه ضمناً موجب اشتغال می‌شود، بر جهت توسعه شهری تأثیر می‌گذارد و جریان آمدوشد را باعث خواهد شد.

مدیریت شهری در اواخر دهه ۱۹۸۰م در کشورهای در حال توسعه مطرح شد. این امر به معنای پایان بخشی به ۳ ایده مورد قبول بشمار می‌رود:

- مسئولان شهری تنها مسئول تأمین آب و شبکه فاضلاب شهرها هستند؛ توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط و فقرزدایی نیز از مسئولیتهای یک مدیر شهری است؛
 - مدیران شهری نمی‌توانند مقامات بالاتر را سرزنش کنند و از آنان طلب اعتبار و بودجه لازم برای اداره شهر را بنمایند؛
- و

• طرح جامع دیگر تنها ابزار مهم برنامه‌ریزی شهری بشمار نمی‌آید.

مدیران شهری وظیفه دارند، منافع تعداد زیادی از بازیگران-کنشگران را در نظر داشته باشند، زیرا هر یک از

مدیریت مشارکتی

Participatory Management

مدیریت مشارکتی به مفهوم توانمندسازی کارکنان و شاغلان سازمانها به منظور مداخله در فرایند تصمیم‌گیری است. این شیوه مدیریت از دهه ۱۹۵۰م مطرح شده است. عمده‌ترین دلیل طرح مدیریت مشارکتی محدودیتهای ناشی از دیوانسالاری بیش از حد اداری بود که به ایجاد رویکردهای نوین مدیریتی که کلیدی‌ترین جزء آن را کار گروهی و توانمندسازی تشکیل می‌داد، منجر شد. از مواردی که در راستای فراهم ساختن بستر لازم برای مشارکت اعضای یک سازمان در نظام مدیریت و تصمیم‌گیری به شدت گسترش یافت، نظامی است که از آن به عنوان نظام پیشنهادات یاد می‌شود.

مدیریت مشارکتی در روند برنامه‌ریزی به فرایندی باز می‌گردد که طی آن، ابعاد مختلف مشارکت در مراحل مختلف برنامه‌ریزی مدیریت می‌گردد. این امر در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع طبیعی بیش از سایر عرصه‌ها گسترش یافته است.

مدیریت مشارکتی از ۲ بُعد قابل تعریف است: نخست، از نگاه دانش مدیریت و دیگر، از نگاه دانش برنامه‌ریزی.

مدیریت مشارکتی از نگاه دانش مدیریت

مدیریت مشارکتی به عنوان شیوه‌ای از انواع شیوه‌های مدیریتی است که براساس آن مدیران به افراد زیردست کاملاً اعتماد دارند و بسیاری از تصمیمات از طریق مشارکت گروهی اتخاذ می‌گردد. عقیده بر آن است که با اعمال این شیوه، کارکنان به ضرورت نظم بیشتر واقف شده، رضایت خاطر و روحیه آنها افزایش یافته و مقاومت آنها در مقابل تغییر کاهش می‌یابد. ارتقاء عملکرد اگرچه نتیجه مستقیم مشارکت نیست، اما مشارکت بی‌تردید اثر مثبتی بر رضایت خاطر و سطح انگیزه کارکنان مشارکت‌جو خواهد داشت. مدیریت مشارکتی بر ۲ اصل ارتباط متقابل و اعتماد به سطوح پائین‌تر سازمان استوار است. براین مبنا می‌توان از آن به عنوان عمل توانمندسازی کارکنان سازمان به منظور

شرکت در فرایندهای تصمیم‌سازی یاد کرد.

شیوه‌های مدیریت طیفی وسیع، از مدیریت غیرمشارکتی تا مدیریت کاملاً مشارکتی را شامل است. در مدیریت غیرمشارکتی، مدیر تصمیم‌گیر مطلق محسوب می‌شود و سایر افراد صرفاً تابع تصمیمات او هستند. در این شکل، افراد و کارکنان هیچ نقشی در فرایند تصمیم‌گیری ندارند، درحالی‌که در انتهای این طیف و در مدیریت مشارکتی، مدیر نقشهای لازم را به گروههای پائین دست واگذار کرده و آنان با تعیین محدوده‌های فعالیت، به صورت فعالانه در فرایند تصمیم‌گیری مداخله می‌کنند.

مدیریت مشارکتی از نگاه دانش برنامه‌ریزی

از این نگاه، مدیریت مشارکتی عبارت است از نوعی مدیریت که در آن مردم و نهادهای محلی، منطقه‌ای و ملی در فرایند مدیریت منابع و برنامه‌ریزی به یکسان مسئولیت داشته و به ایفای نقش می‌پردازند. به سخن دیگر، مدیریت مشارکتی سازوکار تسهیم قدرت بین مردم و نهادهای محلی، منطقه‌ای و ملی در فرایند تخصیص منابع و برنامه‌ریزی است. به این ترتیب، مدیریت مشارکتی بر مبنای ارزشهای قانونی خاص استوار است؛ این ارزشها براساس نظر انجمن بین‌المللی مشارکت به شرح زیر است:

- مردم باید بتوانند نظرات خود را درباره اقدامات و اثرات آن بر زندگی خود بیان کنند؛
- مشارکت مردمی در بردارنده پیمانی مبنی بر همکاری مردم و افراد اثرگذار در روند تصمیمات است؛
- فرایند مشارکت مردمی در تعامل با منافع مشارکت‌کنندگان و متضمن روندی برای تأمین نیازهای آنان است؛
- مشارکت در جستجوی تسهیلاتی است تا افراد بالقوه متأثر از آن بتوانند در این فرایند شرکت نمایند؛
- فرایند مشارکت متضمن درگیر کردن مشارکت‌جویان در تعریف راه و رسم مشارکت است؛
- در فرایند مشارکت، اطلاعات مورد نیاز مشارکت‌جویان برای مشارکت معنادار فراهم می‌شود؛ و بدینسان،
- مشارکت فرایندی است که در تعامل با مشارکت‌جویان، در پی تعیین نحوه اثرگذاری دروندادهای آنها در تصمیمات است.

خروجیهای مورد نظر حاصل گردد. براین اساس، وظیفه اصلی مدیریت مشارکتی نظام کنترل عوامل مؤثر، فرایند تحقق و مدیریت نتایج و انتظارات ناشی از اقدام مشارکتی است. به سخن دیگر، وظیفه مدیریت مشارکتی دستیابی به مشارکت واقعی است. مدیریت مشارکتی مستلزم ۴ جز اصلی زیر است:

- موضوع یا وضعیت؛
- ساختار اداری، نظام و فرایندهایی که مشارکت در آنها اتفاق می افتد؛
- مجریان نظام اداری؛ و
- شهروندان.

آنچه اغلب رخ می دهد، تمرکز بر سر موضوع است. در اینجا، درحالی که شهروندان نسبت به موضوع دور نگهداشته می شوند، کارگزاران اداری ارتباط نزدیکی با موضوع داشته و در حد فاصل موضوع و شهروندان قرار می گیرند. در نظام سنتی مشارکت، کارگزاران اداری کنترل توانمندی شهروندان برای اثرگذاری بر موقعیت یا فرایندها را عهده دارند و ساختار و فرایندهای اداری از نظر سیاسی و اجتماعی، چارچوبی را ایجاد می کنند که مشارکت در درون آن و توسط مجریان تعیین می گردد. این چارچوب به مجریان اداری این امکان را می دهد که براساس توان خود، به طرح موضوع و اتخاذ تصمیم پردازند. بنابراین، در چارچوب تعیین شده، مجریان از توان و اراده لازم برای تعریف موضوع یا دگرگون سازی فرایندها با هدف مداخله بیشتر شهروندان برخوردار نمی گردند. در چنین بستری، مشارکت بی اثر و دچار تناقض است و در عمل، با تأخیر و پس از تعریف موضوع و بعد از اینکه بسیاری از تصمیمات اخذ شد، رخ می دهد، یعنی به جای آنکه شهروندان موضوع را تعیین کنند، در برابر نتیجه عمل مجریان واکنش نشان داده، به قضاوت می پردازند.

به نظر آرشتاین، کارگزاران نظام اداری فاقد دوراندیشی لازمند. آنها در مقابل ارائه اطلاعات مقاومت می کنند و بر دانش فنی و تخصصی خود برای اعمال نقش ساختارهای اداری تکیه دارند. حاصل چنین فرایندی، مشارکت نمادین است تا مشارکت واقعی. بدینسان، شهروندان به جای ایفای

براین مبنای مدیریت مشارکتی عبارت است از نظامی که طی آن، بازتاب ارزشهای کانونی مشارکت در فرایند برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی عینیت می یابد.

نقش و وظایف مدیریت مشارکتی

مدیریت مشارکتی پیوند ناگسستنی با اصل مشارکت و مشارکت در فرایند برنامه ریزی دارد. مشارکت دارای ابعاد و بسترهای مختلفی است:

- نظریه های اجتماعی که ارائه دهنده بنیانهای فکری لازم برای ارزشها و فرضهایی است که طراحان و مجریان مشارکت بر آن تکیه دارند؛
- ویژگیهای نظام مشارکت، مانند ساختارها و فرایندهای مشارکت که در چارچوبهای گوناگون فکری و نظری تفاوت می پذیرد؛

- بستر مشارکت که مشارکت در آن رخ می دهد و ممکن است منجر به بهبود یا محدودیت بالقوه مشارکت گردد؛ و
- خروجیهای مشارکت که پیوندی دوجانبه با ابعاد قبلی و نقش ابعاد تعریف شده پیشین دارد.

بنابراین، مشارکت پدیده عام اجتماعی است که از افراد، نظام اجتماعی و نهادها و سازمانهای اجتماعی تأثیرپذیر و بر آنها اثر گذار است. این شرایط باعث می گردد تا مشارکت به امری چند بعدی و پویا تبدیل گردد که از یکسو، به عنوان معلول مطرح است و از دیگر سو، به عنوان علت. براین اساس، مدیریت مشارکتی عبارت است از کنترل عوامل اثرگذار بر مشارکت و کنترل اثرات مشارکت بر سایر مجموعه عوامل متأثر از آن. به این ترتیب، مدیریت مشارکتی وظیفه دارد تا عوامل اثرگذار، سازوکار اثرگذاری، شدت، ضرورت، نتایج و بازتابهای این عوامل را در مشارکت تبیین و شدت و ضعف آنها را بر مشارکت کنترل نماید. بدینسان، انتظار می رود مشارکت مورد نظر پس از طی فرایندی در زمان و مکان و با همراهی گروه معین هدف به وقوع بپیوندد. در این زمینه، وظیفه مدیریت مشارکتی عبارت است از نظام بخشی به ابزار، اقدامات و سایر موارد مورد نیاز به منظور تحقق مشارکت مورد نظر. علاوه براین، سازوکار عمل باید به نحوی طراحی و اجرا گردد، تا

نقش به‌عنوان همیار در تعریف موضوع، تعیین شاخصها و انتخاب فنون و روشهای مناسب برای حل مسئله، به مداخله غیرمستقیم محدود می‌گردند.

مشارکت واقعی، مشارکت مؤثر و مورد اطمینان است. این نوع مشارکت عمقی است و براساس آن، کلیه افراد ذی‌ربط پیوسته درگیر فرایندهای اداری و دارای توان اثرگذاری بر موضوع‌اند. نقش مدیریت مشارکتی در دستیابی به مشارکت واقعی، مستلزم اقدامات زیر است:

• کارگزاران باید هم بر فرایند و هم بر نتایج کار تمرکز داشته باشند؛

• کارگزاران باید در ورای امور فنی و تخصصی، با شهروندان در تعامل متقابل قرار گیرند و به کسب ورودیهای حاصل از فعالیت شهروندان اکتفا نکنند؛ و

• جایگاه شهروندان در کنار طرح موضوع است و باید پیوندی مستقیم با موضوع داشته باشند، در عوض فرایندهای اداری و کارگزاران نظام اداری باید از موضوع فاصله بگیرند. ضمن اینکه کارگزاران پل ارتباطی بین موضوع و فرایندهای اداری هستند، شهروندان باید قدرت اثرگذاری سریع بر فرایندها و خروجیها را داشته باشند و نقش کارگزاران در عمل متأثر از رابطه آنها با شهروندان باشد.

مدیریت مشارکتی برای ایفای نقش خاص خود در فرایند مشارکت، باید به مجموعه سؤالات زیر پاسخ مناسبی دهد:

• هدف و فرضهای اصلی منجر به مشارکت کدامند؟

• نظام مشارکت از چه ویژگیهایی برخوردار است؟

• مشارکت در چه بستری رخ می‌دهد؟

• چه زمانی باید مشارکت رخ دهد؟

• در کدام مرحله از فرایند و چرخه برنامه‌ریزی مشارکت مناسب‌تر است؟

• چه کسی یا کسانی و در چه سطحی باید مشارکت کنند؟

• چه میزان پذیرش مشارکت باید ایجاد شود تا منجر به اجرای تصمیمات توسط مردم گردد؟

• چه میزان و چگونه تصمیمات توسط فرایندها و سیاستها تحدید می‌گردد؟

• برای دستیابی به هدف و کسب بیشترین موفقیت چه گزینه‌هایی قابل طرح است و از چه طریقی می‌توان به این گزینه‌ها و اهداف دست یافت؟

• عوامل اثرگذار و خروجیهای مشارکت از ابعاد مختلف کدامند؟

• در فرایند مشارکت چه تناقضاتی ممکن است رخ دهد و چگونه با این تناقضات می‌توان مقابله نمود؟

• نتایج مشارکت چگونه ارزیابی و بازخورد آن چگونه در نظام مشارکتی و برنامه‌ریزی انعکاس خواهد یافت؟

پاسخگویی به این سؤالات محور اصلی فعالیتها و نقش مدیریت مشارکتی را روشن می‌سازد. باین‌وجود، مشکلات و مسائلی در فرایند مشارکت وجود دارد که توجه و چاره‌جویی برای آنها برعهده مدیریت مشارکتی است. این مسائل را می‌توان به‌شرح زیر طرح نمود:

۱. ماهیت زندگی روزمره و محدودیتهای ناشی از آن، مانند محدودیت زمان افراد، چند شغله بودن و توان اجتماعی و اقتصادی و مسائل مشابه که به‌شدت میزان و نوع مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

۲. مشکلات ذاتی موجود در فرایندهای اداری، مانند دیوانسالاری که تهدیدکننده مشارکت واقعی است؛

۳. بهره‌گیری از فنون کارآمد در فرایندهای مشارکتی و پرهیز از فنون ناکارا و یا کم‌اثر که ممکن است مشارکت را خدشه‌دار سازد؛

۴. دسترسی به تمام افراد ذی‌نفع به‌صورت همزمان که اغلب دشوار است؛ و

۵. عدم برخورداری مردم از سطح آموزش لازم و لزوم آموزش مردم در این زمینه.

پیوند مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی

ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی میان مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی وجود دارد، به‌نحوی که این امر به پیدایش سبک خاص برنامه‌ریزی به نام برنامه‌ریزی مشارکتی شده است. ماهیت فعالیت مدیریت مشارکتی در مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی متفاوت است. گامهایی از مشارکت که در مرحله برنامه‌ریزی باید مدیریت شود، در ۴

پاسخ مثبت داد.

در بعد دوم که به ارزیابی نتایج مشارکت باز می‌گردد، مدیریت مشارکتی به ارزیابی میزان دستیابی گروه‌های خاص به اهداف ویژه و از پیش تعیین شده در فرایند تصمیم‌گیری مشارکتی می‌پردازد. مشارکت در عمل زمانی می‌تواند به نتایج پیش‌بینی شده خود دست یابد که از فنون و روش‌های مناسب در زمان و مکان بهره برد.

کتاب‌شناسی:

- American Planning Association, *Planning and Urban Design Standards*. John Wiley & Sons, Inc, 2006.
- Beierle, Thomas; Konisky, C. and Valuer, David M. "Conflict and Trust in participatory Environmental Planning", *Journal of Policy Analysis and Management*. Vol. 19, No. 4, Autumn, 2000.
- Creighton, James L. *The Public Participation Handbook: Making Better Decisions Through Citizen Involvement*. Johan Wiley & Wiley & Sons, April 2005.
- Dachler, H. Peter & Wilpert Bernhard, "Conceptual Dimensions and Boundaries of Participation in Organizations: A Critical Valuation", *Administrative Science Quarterly*. Vol. 23, No. 1, Mar., 1978.
- Heckscher, Charles. "The Failure of Participatory Management", *Across the Board* 54 1995.
- King, Cheryl Simrell; Feltey, Kathryn M.; Susel, O'Neill, Bridget. "The Question of Participation: Toward Authentic Public Participation in Public Administration", *Public Administration Review*. Vol. 58, No. 4, pp. 317-326, p.320, (Jul.- Aug., 1998).
- Lichtenstein, Art A. "Participatory Management: A Critical Look", *Journal of Library Administration*. Vol. 31 (1), 2000.
- Rausch, Erwin. "Guidelines for participation in appropriate decision making", *Management Development Review*. Vol. 9 No. 4, 1996.
- Rausch, Erwin. "Guidelines for participation in appropriate decision making", *Management Development Review*. Vol. 9, No. 4, 1996.
- Warner, Gary. "Participatory Management, Popular Knowledge, and Community Empowerment: The Case of Sea Urchin Harvesting in the Vieux-Fort Area of St. Lucia", *Human Ecology*. Vol. 25, No. 1, 1997.
- Mselle, P.C.; Ngowi, A.B. "Community Participation in facility management", *Facilities*. Vol. 16, No. 11, November 1998.

حسن دارایی

گام زیر خلاصه می‌شود:

- ارائه اطلاعات پروژه و برنامه به افراد ذی‌نفع؛
- مشاوره و همفکری مدیران و طراحان و برنامه‌ریزان با افراد ذی‌نفع؛
- تصمیم‌گیری توأم با تفویض قدرت تصمیم‌گیری به افراد ذی‌نفع؛ و
- اولویت‌بندی اقدامات.

مرحله اجرا شامل ۲ گام است که عبارتند از:

۱. تسهیم هزینه‌های اجرایی. این امر خود به ۲ شکل می‌تواند به اجرا در آید: در حالت اول افرادی که از اجرای طرح و برنامه منتفع می‌گردند به نسبت بخشی از هزینه را عهده‌دار گردند. در شکل دوم، افراد براساس نظر خود اقدام به ارائه کمک و مشارکت در فرایند اجرای طرح می‌نمایند که این عمل کاملاً آزادانه صورت می‌گیرد.

۲. تجهیز منابع و نیروی انسانی. این گام نیز به ۲ شکل قابل اجرا است. در شکل اول، تأمین نیروی انسانی و تجهیز منابع به صورت مستقیم و در شکل دوم، پرداخت هزینه تأمین نیروی انسانی و تجهیز منابع توسط افراد براساس سهمی که برای هر فرد تعیین می‌شود، صورت می‌پذیرد.

مرحله سوم را نگهداری تشکیل می‌دهد. در این مرحله، وظایف مدیریت برعهده افراد ذی‌نفع گذاشته می‌شود.

مرحله ارزیابی از ۲ بعد می‌تواند مورد بررسی قرار

گیرد:

• ارزیابی فرایند مشارکت؛ و

• ارزیابی نتایج مشارکت.

در بعد اول، سؤالات زیر باید پاسخ داده شود:

- آیا مشارکت‌کنندگان نمایندگان کل جامعه هدف بوده‌اند؟
- آیا عضویت افراد به صورت متعادل صورت گرفته است؟
- آیا مشارکت وارد فرایند تصمیم‌گیری واقعی شده است؟
- آیا بحث متقابل و رو در رو میان نمایندگان اجرایی و مردم به وقوع پیوسته است؟

• آیا نمایندگان اجرایی متعهد به فرایندهای مشارکتی بوده و در مقابل درون‌دادهای مردمی مسئولیت‌پذیر بوده‌اند؟

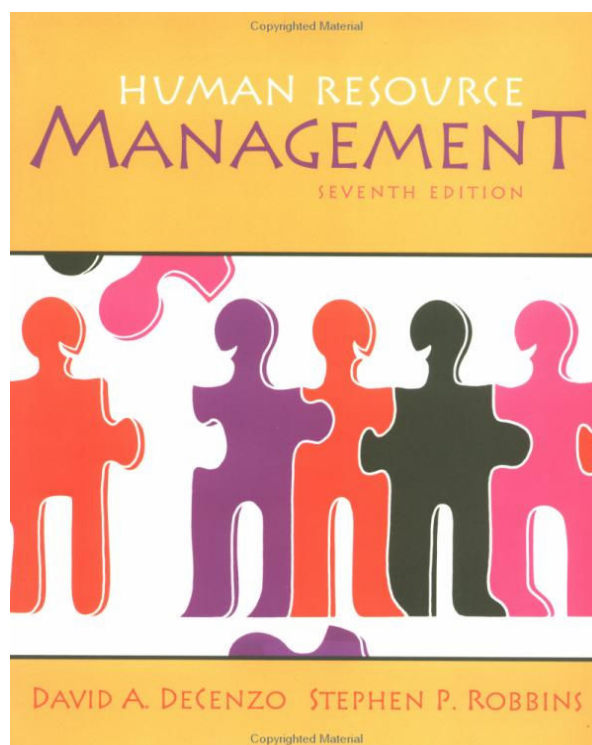
وظیفه مدیریت مشارکتی در این مرحله عبارت است از

فراهم آوردن شرایطی که براساس آن بتوان به این سؤالات

مدیریت منابع (انسانی)

Resource Management (Human)

مدیریت منابع در مطالعات تشکیلات عبارت است از بهره‌گیری مؤثر و کارآمد از منابع سازمانی بنابر ضرورت‌های مدیریتی و اجرایی. منابع مرتبط با این نوع مدیریت عبارتند از: منابع مالی، فهرست موجودی، مهارت‌های انسانی، منابع تولیدی و فناوری اطلاعات (← فناوری اطلاعات). در همین عرصه، روندها، فنون و اندیشه‌هایی برای اتخاذ بهترین رویکرد به تخصیص منابع مطرح شده است که شامل مباحثی درباره تخصیص منابع کارکردی- اجرایی و همچنین مباحثی توسط سازمان‌های جهانی مدیریتی در زمینه روش‌شناسی (← روش‌شناسی و شهر) می‌شود.



مدیریت منابع، در واقع، عنصری کلیدی در برآورد منابع فعالیتی و مدیریت منابع انسانی بشمار می‌رود. این ۲ وجه از اجزاء بنیادین برنامه مدیریت همه‌جانبه برای اداره و هدایت موفقیت‌آمیز برنامه‌های سازمانی بشمار می‌روند. مدیریت منابع انسانی، یعنی علم تخصیص منابع انسانی در برنامه‌های مختلف یا واحدهای فعالیتی (کسب‌وکار) که

موجب ارتقاء و به حداکثر رساندن بهره‌گیری از نیروی کارکنان در اختیار، به‌منظور دستیابی به اهداف سازمانی (شغلی، فعالیتی، کسب و کار) می‌گردد؛ علاوه‌براین، کارآمدسازی و اداره صحیح فعالیت‌هایی که در تأمین و نگهداشت نیروی کار، از طریق تشخیص الزامات و نیازهای کارکنان اثرگذار هستند و همچنین برنامه‌ریزی و نظارت بر حقوق، پاداش و منافع، آموزش و توسعه حرفه‌ای و اداره کردن نیازهای کاری- زیستی آنان، از وظایف این مدیریت بشمار می‌آید.

به‌این ترتیب، مدیریت منابع انسانی عبارت از این کارکرد است که به سازمان‌های مختلف در دستیابی به اهداف خود، از طریق دستیابی به نیروی کار و هدایت و حمایت مؤثر از آن، یاری رساند. برخی از وظایف مدیریت منابع انسانی به‌شرح زیر است:

- آموزش و تربیت نیروی کار به‌منظور حفظ قابلیت رقابت سازمانی؛
- ایجاد و توسعه و همچنین برقراری ارتباط بین روندها و سیاست‌های مرتبط با روابط حاکم بر فعالیت‌های سازمان؛
- دخالت در دستیابی به نظم و ترتیب کاری حاکم بر سازمان؛
- هدایت و پیشبرد گفتگوها و مذاکرات ضروری؛
- سنجش و مدیریت فضای سازمانی و روابط حاکم بر کارکنان؛
- برقراری هماهنگی با اتحادیه‌های مرتبط؛
- به اجرا درآوردن نتایج حاصل از توافقات و چانه‌زنی‌های جمعی با کارکنان و اتحادیه‌ها؛
- اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای جبران خسارات حاصل از تغییر در قانونگذاری، نیروها و سازوکارهای بازار و راهبردهای مرتبط با فعالیت‌های سازمان؛
- مدیریت هزینه‌های عمومی نیروی کار؛
- روزآمد کردن اطلاعات نیروی کار و کارکنان سازمان؛
- مشاوره دادن به مدیریت اجرایی سازمان، با توجه به روندهای مرتبط با داده‌ها؛ و
- هدایت و حمایت از مطالعات مدیریتی، با هدف حل مسائل جاری و آتی در سازمان.

مراجع سنتی ← مراجع محلی (روستایی)

مراجع محلی (روستایی)

(Rural) Local Authorities

منظور از مراجع محلی روستایی، افراد، نهادها و انجمنهای محلی است که به موجب قانون یا عرف، در پیشبرد و هماهنگی امور محلی دخالت و نقش دارند. در واقع، این گونه مراجع روستایی به نوعی در مدیریت توسعه روستایی نیز دخالت دارند.

قبل از اجرای اصلاحات ارضی در ایران، اداره امور ملکی، مدنی و حکم در جنایات و تقصیرات همه با ارباب بود و نوعی کنترل اجتماعی شدید از طریق اجبار به اقامت و انجام خدمات اجباری و یا اخراج و تبعید روستائیان از خانه خود و تصرف اموال آنها اساس حکومت ارباب را بر جامعه روستایی تشکیل می داد. دولت در اداره امور مردم روستاها دخالتی نداشت، مگر در مواردی که مسئله جمع آوری مالیات یا سربازگیری در میان بود که این امر نیز اغلب توسط حکام محلی (که خود نیز مالک بودند) و با همکاری مالکان انجام می شد.

پس از اصلاحات ارضی، همراه با تغییراتی که در روابط مالک و زارع پدید آمد، ضرورت تغییر در شیوه اداره ده نیز مطرح شد. مسائلی مانند کنترل اجتماعی، حفظ نظم موجود در ده و دادن کمکهای مورد نیاز کشاورزان که قبلاً توسط مالکان انجام می گردید و همچنین، اجرای برنامه های عمران اجتماعی و آبادانی در دهات، دخالت بیشتر دولت را در زندگی روستائیان ایجاب می کرد. از آنجا که بدون همکاری روستائیان این اقدامات نمی توانست پیشرفت کند، مسئله تشکیل سازمانها و مراجع محلی نظیر انجمنهای ده مورد توجه قرار گرفت.

به این ترتیب، با فروپاشی نظام ارباب-رعیتی، دیوانسالاری در روستاها تقویت شد و دولت امور روستا را به زیر نظر خود درآورد و بدینسان، به نیرومندترین عامل

یکی از فنون مدیریت منابع عبارت است از سطح بندی منابع. هدف از این گونه سطح بندی عبارت است از هماهنگی و هموارسازی مجموعه منابع در دسترس، کاهش موجودی مازاد و جبران کمبودها. داده های مورد نیاز در این زمینه عبارت است از تقاضا برای منابع مختلف طی دوره های زمانی تا آنجا که منطقی باشد و همچنین، نحوه شکل گیری منابع طی آن تقاضاها و عرضه منابع، که باز طی دوره های زمانی تا آنجا که منطقی باشد، به انجام می رسد. در ابعاد زیست محیطی و حفاظت از عرصه های محیطی، مدیریت منابع عبارت است از مجموعه ای از اقدامات برای تأمین و حفاظت از یکپارچگی نظامهای طبیعی. نمونه های این گونه مدیریت عبارتند از: مدیریت منابع هوا، مدیریت حفاظت از خاک، جنگل و حیات وحش و مدیریت منابع آب. این نوع مدیریت منابع، مدیریت منابع طبیعی خوانده می شود.

کتاب شناسی:

- Armstrong, Michael. *A Handbook of Human Resource Management Practice*. Kogan Page Limited, 1999.
- Burstiner, Irving. *The Small Business Handbook*. Prentice Hall, 1988.
- Green, Paul C. *Building Robust Competencies: Linking Human Resource Systems to Organizational Strategies*. Jossey-Bass, 1999.
- Gubman, Edward L. "The Gauntlet is Down", *Journal of Business Strategy*. November-December 1996.
- Johnston, John. "Time to Rebuild Human Resources," *Business Quarterly*. Winter 1996.
- Mathis, Robert L. and John H. Jackson. *Human Resource Management*. Thomson South-Western, 2005.
- Rossiter, Jill A. *Human Resources: Mastering Your Small Business*. Upstart Publishing, 1996.
- Solomon, Charlene Marmer. "Working Smarter: How HR Can Help," *Personnel Journal*. June 1993.
- Ulrich, Dave. *Delivering Results: A New Mandate for HR Professionals*. Harvard Business School Press, 1998.

محمدعلی حامدی

مراجع تصمیم گیری ← تصمیم سازی

مراجع محلی روستایی تأکید دارد. حاصل این امر، افزایش وابستگی مردم به دولت و تقلیل روحیه خوداتکایی و مشارکتی در آنها و تهی شدن محتوای شورایی بودن این مراجع بوده است.

در اینجا مهم‌ترین مراجع محلی روستایی که طی ۳ دهه اخیر در جامعه روستایی حضور فعال داشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کدخدا (دهبان)

کدخدا یکی از نقشهای اساسی در مدیریت جامعه روستایی را در گذشته از جانب مالک برعهده داشت؛ از این رو، در مدیریت و در سلسله مراتب قشریندی روستایی، از پایگاه بالایی برخوردار بود. کدخدا که فردی از خود روستائیان و عمدتاً از رعایای مرفه‌الحال جامعه روستایی بود، از جانب مالک منصوب می‌شد. اداره ده و حل اختلافات میان روستائیان از مهم‌ترین وظایف کدخدایان بود. در نظام سنتی روستایی ایران روستائیان موظف به تأمین نیازهای کدخدا بودند، ضمن اینکه مورد حمایت کامل مالک، به‌ویژه در زمینه مالی نیز بود. بی‌شک، مبنای اقتدار و مشروعیت کدخدایان قدرت مالکان بود. با آغاز تحولات جدید در ایران و نفوذ دولت به روستاها کدخدایان نقش رابطان رسمی دولت با روستائیان را پیدا کردند و به تسهیل‌گر اقدامات دولت در روستاها تبدیل شدند. عمده فعالیت‌های کدخدایان در روستاها ماهیتی اجتماعی و سیاسی داشت و در بعضی موارد، نقش نمایندگی مالک را نیز برعهده داشتند.

از لحاظ اجتماعی کدخدایان واسط بین مالکان و زارعان بودند و در واقع، روابط اجتماعی مالک بر زارعان توسط کدخدا انجام می‌گرفت. کدخدایان به‌لحاظ وارد بودن به امور زراعی و داشتن منشأ اجتماعی روستایی و سکونت در ده که قانوناً می‌بایست چنین باشد و به‌لحاظ وابستگی به نظام حاکم زمینداری، پایگاه مستحکمی برای این نظام بشمار می‌آمدند. قوانین کدخدایی به آنان اجازه می‌داد که مشکلات را با کدخدامنشی حل و فصل نمایند. کدخدایان در امور زراعی مشاوران مالکان محسوب می‌شدند (←

اقتصادی و سیاسی در روستا تبدیل شد. به سخن دیگر، بعد از اصلاحات ارضی به‌جای مالک یا نماینده او که به خاطر منافع شخصی و ملاحظات خودخواهانه، روستا را با کارایی اداره می‌کرد، نخبگان روستایی که عمدتاً از عوامل دولتی بشمار می‌رفتند، ابتدا در قالب تعاونیهای روستایی و سپس در قالب سازمانهایی چون انجمن ده، خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی و مانند آن، در روستاها سازماندهی و نظام تصمیم‌گیری و اعمال قدرت را در دست گرفتند. با این وجود، ضعف مدیریت و سازماندهی ناقص، ویژگی سازمانها و نهادهای جدید روستایی بود. در واقع، رابطه‌ای نیمه مردمسالارانه در روستاها ایجاد شد، اما فاقد محتوای عمل مردمسالارانه بود. به نظر فوران، عمده‌ترین پیامد برنامه اصلاحات ارضی این بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران بزرگ در روستاها کرد.

پس از انقلاب اسلامی، گرچه گسترش عدالت اجتماعی و مشارکت آحاد مردم در سرنوشت خود و کشور و نیز تمرکزگرایی مورد توجه قرار گرفت (اصولی از قانون اساسی کشور ناظر بر این واقعیت است)، اما به دلیل پاره‌ای مسائل داخلی و خارجی، نظیر بحرانهای داخلی اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، مردم در عمل شاهد تحقق و پیاده شدن این اصول نبودند. برای نمونه، طرح تشکیل شوراهای به‌مثابه یکی از مراجع محلی روستایی که در قانون اساسی کشور مطرح شده بود، در ۱۳۶۱ش در مجلس تصویب شد، سپس در ۱۳۷۵ش، با تغییراتی مجدداً مورد تصویب قرار گرفت و در نهایت، در ۱۳۷۷ش به‌دنبال تحولات اجتماعی و سیاسی که در جامعه حادث شد، یعنی ۲۰ سال بعد از انقلاب، دولت آن را به اجرا درآورد. به این ترتیب، برای اولین بار در سطح ملی، مردم اعضای شوراهای روستا را انتخاب کردند. ویژگی دیوانسالاری بعد از انقلاب همچنان ادامه پیدا کرد و به دلیل تمرکزگرایی در نظام برنامه‌ریزی کشور، موجب بسط دیوانسالاری و احاطه مراجع محلی روستایی توسط دولت گردید و ناکارآمدی آنان را پدید آورد. مهم‌تر اینکه دولت، به‌جای برعهده داشتن نقش هدایت‌گری، آموزشی و ترویجی، همچنان بر نقش مداخله‌گری، کمک‌کنندگی و عامل بودن تا ناظر بودن بر

کدخدا).

عمران دهات و استفاده از نیروی انسانی براساس خودیاری و همکاری و شرکت و دخالت ساکنان دهات در تنظیم و اجرای برنامه‌های اصلاحات روستایی، از تاریخ تصویب این لایحه قانونی اصلاح امور اجتماعی و کمک به عمران دهات به عهده انجمنهای ده محول می‌شود که تحت هدایت وزارت کشور انجام وظیفه نمایند.

انجمنهای ده دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بودند و در همه دهات، متشکل از ۵ نفر با رأی اکثریت مردم برای مدت ۳ سال تعیین می‌شدند. هرچند باید در تمام دهات انجمنهای ده تشکیل می‌شد، اما عملاً چنین نشد.

در ۱۳۵۳ش، با تصویب قانون انجمن ده و دهبانی، قانون انجمنهای ده مصوب ۱۳۴۲ش لغو و اداره امور ده تابع مقررات جدید شد. براساس قانون جدید، انتخابات انجمنهای ده باید مقارن با انتخابات انجمنهای شهر و شهرستان در یک روز در تمام کشور انجام می‌شد. برابر این قانون ده دارای شخصیت حقوقی بود و انجمن ده مسئول حفظ و اداره دارایی منقول و غیرمنقول ده و همچنین اقامه دعوی علیه اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه انجمن شناخته می‌شد.

این انجمنها وظیفه عمران و آبادی روستاها را برعهده داشتند و به‌عنوان یک هسته برنامه‌ریزی محلی در سطح روستاها، با همکاری و مشارکت اهالی روستا و نظارت و هدایت دولت، انجام وظیفه می‌نمودند. علاوه‌برآن، منابع مالی مشخصی در روستا داشتند به‌طوری‌که از طریق دریافت ۲٪ از عواید فروش کلیه محصولات کشاورزی و هرگونه عواید دیگری که در ده تحصیل می‌شد، به وظایف خویش جامه عمل می‌پوشاندند.

به‌منظور هدایت انجمنهای ده و نظارت در اجرای برنامه اصلاحات اجتماعی در کلیه نواحی روستایی، اداره‌ای به نام *اداره کل امور اجتماعی و عمران دهات* در وزارت کشور تشکیل شد و علاوه‌برآن، برای تلفیق برنامه‌های دولت در سطح ده، در مرکز هر بخش، *شورای عمرانی* بخش تشکیل گردید. بدینسان، زمینه مساعدی برای استفاده هرچه بیشتر از خودیاری مردم در راستای رفع مشکلات و تنگناهای

واژه دهبان به‌عنوان جایگزین کدخدا، با قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی در ۱۳۵۴ش رایج شد. براساس این قانون، انتخاب دهبان با انجمن ده بود که با تأیید بخشدار منطقه از جانب فرماندار حکم رسمی دریافت می‌کرد. وظیفه اصلی دهبان انجام مصوبات انجمن ده و برخی وظایف مشخص قانونی دیگر بود. دوره دهبانی ۴ سال بود و امکان انتخاب مجدد وجود داشت.

یکی از ابداعات قانون مزبور، تعیین شرط سواد و نیز تعیین و پرداخت حقوق و دستمزد برای دهبان بود، حال آنکه، پیشتر که کدخدا نماینده مالک و دولت و مأمور نظارت بر اجرای قانون در سطح ده بود، از دولت حقوقی دریافت نمی‌کرد. دهبان از محل درآمدهای انجمن ده و طبق آئین‌نامه‌ای که به تصویب وزارت تعاون و امور روستاها رسیده بود، حقوق خود را دریافت می‌کرد و نکته جالب اینکه در قانون برای دهبان نشان مخصوص دهبانی در نظر گرفته شده بود.

انجمن ده

با آغاز اصلاحات ارضی و حذف مالکان از امور اجتماعی - اقتصادی روستاها، در ساختار مدیریتی روستاها تغییر بنیادی صورت گرفت. از این‌رو، در شیوه جدید اداره ده که نیازمند همراهی روستائیان بود، تشکیل انجمن ده مورد توجه قرار گرفت.

درواقع، انجمن ده به‌عنوان یکی از سازمانهای محلی بشمار می‌رفت که قلمرو آن محدوده ده بود و امور خود را از طریق کدخدا که مجری تصمیمات آن بود، اداره می‌کرد. اعضای این انجمنها، به‌طور مستقیم و براساس جمعیت محل، از سوی اهالی انتخاب می‌شدند. اختیار این سازمانهای محلی صرفاً مالی بود و با کنترل و نظارت مرکز در عمل بسیار محدود می‌شد.

لایحه تشکیل انجمنهای ده در شهریور ۱۳۴۲ش تصویب و جایگزین برخی قوانین قبلی در امور روستاها شد. در ماده یک این قانون، اهداف انجمنهای ده چنین بیان شده بود: به‌منظور ایجاد هماهنگی در بهبود امور اجتماعی و

ضربه خورد و اختیارات قانونی کدخدا بسیار محدود گردید و از سوی دیگر، با تصویب این قانون گام‌هایی برای مشارکت اهالی روستاها برداشته شد.

خانه فرهنگ روستایی

از جمله سازمانهایی که در ۱۳۴۷ش به منظور ارتقای فرهنگ عمومی در مناطق روستایی تشکیل شد، خانه فرهنگ روستایی بود. این نهاد از جمله سازمانهایی بود که می‌توانست در افزایش معلومات زارعان و دیگر گروهها در جامعه روستایی در زمینه‌های مختلف مؤثر واقع شود. خانه فرهنگ روستایی زیر نظر مدیرعامل و توسط یک سپاهی ترویج اداره می‌شد. این سازمان روستایی در زمینه‌های فرهنگی و بعضاً ورزشی فعالیت می‌کرد و معمولاً دارای کتابخانه‌هایی با موضوعات مختلف کشاورزی، تاریخی، ادبی و مذهبی بود که مورد استفاده مردم و به‌ویژه محصلین قرار می‌گرفت. با این حال، در پاره‌ای موارد خانه‌های فرهنگ روستایی عملاً فعالیتی در تحقق اهداف خود نداشتند.

شورای اسلامی روستایی

پس از انقلاب اسلامی، ساختار قدرت ده به نظام از پائین به بالا تغییر کرد و شوراهای اسلامی در رأس هرم قدرت ده قرار گرفتند. بدینسان، مؤسسات قدیمی از میدان خارج و به جای آنها نهادی جدید جایگزین شد؛ کدخدا که مدیریت ده را برعهده داشت، کنار گذاشته شد و وظایف آن به شورای اسلامی روستا واگذار شد. شورای روستا نهادی چندمنظوره است و بنابر مواد مندرج در آئین‌نامه شورای روستایی، دارای نقشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. شوراهای اسلامی روستایی با قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور، مصوب ۱۳۶۱ش که مشتمل بر ۵۳ ماده و ۲۶ تبصره است، شکل گرفتند. در تشکیل شوراهای روستایی، فرمانداری، جهاد سازندگی و هیئتهای ۷ نفره نقش داشتند. این شوراهای با رأی مستقیم و مخفی مردم تشکیل می‌شوند و تعداد اعضای انتخابی آنها به ۵ تا ۷ نفر بالغ می‌شود. مدت اعتبار شورا از تاریخ رسمیت یافتن، ۲ سال است.

آنان، از جمله احداث مدرسه، راه، امور بهداشت، پاکسازی محیط و مانند آن به‌وجود آمد.

به این ترتیب، با توجه به اینکه در قانون وظایف مختلف در زمینه‌های اجرایی، نظارتی، همکاری با سازمانهای دولتی، ترویجی و تشویقی برای انجمنهای ده بیان شده بود، اما آنچه روشن بود اینکه بسیاری از این وظایف در میان دیگر نهادها و سازمانهای ذی‌ربط در امور روستاها تداخل و اشتراک داشت و علی‌رغم اهداف آنها، به‌عنوان مانعی در بهبود امور روستایی بشمار می‌آمد.

خانه انصاف

قانون تشکیل خانه انصاف در ۱۳۴۴ش تصویب و در ۱۳۴۸ش اصلاحاتی در آن صورت گرفت. در ماده ۱ این قانون آمده است که به منظور رسیدگی و حل اختلاف میان ساکنان روستاها، وزارت دادگستری به تدریج و با اعلام قبلی، شورایی به نام *خانه انصاف* برای یک یا چند ده تشکیل می‌دهد. در واقع، با تشکیل این سازمان وظایف قضایی که در گذشته عمدتاً در اختیار کدخدا و بزرگان ده بود، برعهده این نهاد گذارده شد. اعضای این نهاد از رهبران محلی روستاها و افراد مورد قبول عموم مردم روستایی انتخاب می‌شد و کدخدا طبق قانون نمی‌توانست به عضویت آن درآید. در ماده ۲ اشاره شده بود که این شورا مرکب از ۵ نفر از معتمدان محل است که از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف برای مدت ۳ سال انتخاب خواهند شد؛ ۳ نفر از اعضا، اصلی و ۲ نفر دیگر اعضای علی‌البدل بودند. قانون برای انتخاب‌کنندگان شرایطی چون تابعیت ایران، داشتن حداقل ۲۰ سال، اقامت در محل، نداشتن سابقه محکومیت کیفری و دارا بودن اهلیت قانونی و برای انتخاب‌شوندگان نیز شرایطی چون حداقل ۳۵ سال سن، تأهل، معروف بودن به دیانت و صحت عمل و نیز برخی شرایط عمومی دیگر را تعیین کرده بود. علاوه بر این، توصیه شده بود که در کلیه اختلافات و دعاوی بین ساکنان ده، خانه انصاف سعی کند اختلافات را به صلح و سازش خاتمه دهد.

با تصویب قانون خانه انصاف، نظام ارباب-رعیتی

(۱۰۰ نفر جمعیت) باشند، تشکیل می‌شود. انتخابات شوراها زیر نظر وزارت کشور است. یکی از شرایط مهم تعیین شده برای انتخاب‌شوندگان شورا، عدم وابستگی به رژیم سابق است، ضمن اینکه باید شرایط قانونی مندرج در قانون شوراها را نیز احراز کنند.

خانه همیار

توجه به مشکلات شوراها در انجام امور روستایی، مسئولان امر را به فکر تأسیس خانه‌های همیار انداخت. در ماده یک طرح تشکیل خانه‌های همیار اشاره شده است که شوراهای اسلامی روستایی می‌توانند به منظور انجام فعالیتهای اجرایی و بهره‌گیری بیشتر از مشارکت روستائیان در اجرا، حفظ و نگهداری خدمات عمرانی و بهداشتی، اقدام به تشکیل خانه همیار روستا نمایند. بنابراین، خانه همیار از نظر تشکیلاتی زیر نظر شورای اسلامی قرار دارد و اقدامات خود را از طریق تشکیلات خود در ۳ حوزه زیر انجام می‌دهد: فنی، عمرانی و بهداشتی؛ اداری؛ و آبرسانی.

روستاهایی با بیش از ۱,۵۰۰ نفر جمعیت حق تأسیس خانه همیار دارند. قانون برای خانه همیار وظایف مختلفی در زمینه‌های اجرایی و نظارتی در روستا تعریف کرده است. از نظر تأمین مالی، خانه‌های همیار به منابعی چون عوارض خدماتی، کمکهای دولتی و مردمی وابسته هستند.

همیار روستا که مسئولیت خانه همیار را برعهده دارد، و وظیفه اجرایی و نظارتی مستقیم دارد و به وسیله شوراهای روستایی، در صورت احراز شرایط مندرج در قانون، از طریق رأی‌گیری به جهاد سازندگی [جهاد کشاورزی] محل معرفی و برای آنان حکم رسمی صادر می‌شود. همیاران برای مدت ۴ سال تعیین می‌شوند و انتخاب مجدد همیار توسط شورا بلامانع است. اعضای شورا نمی‌توانند به‌عنوان همیار انتخاب شوند.

دهیاری

قانون تأسیس دهیاریهای خودکفا، در یک ماده و ۳ تبصره، در ۱۴/۴/۱۳۷۷ش به تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از ۲ سال، در تاریخ ۲۱/۱۱/۱۳۸۰ش اساسنامه

برخی وظایف شوراهای اسلامی روستا عبارت است از:
• ایجاد روحیه همکاری میان مردم و مسئولان کشوری، از طریق در جریان امور قرار دادن مردم؛

• جلب همکاری و همفکری مردم؛

• انعکاس مشکلات و مسائل به مسئولان اجرایی در امور اجتماعی، از قبیل همکاری در برگزاری رفراندومها، انتخابات سراسری و منطقه‌ای؛

• تهیه و تنظیم شناسنامه روستا و آمار جمعیت؛

• نظارت و همکاری با مسئولان اجرایی در امور فرهنگی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت بالا بردن سطح معلومات اهالی، از طریق نهضت سوادآموزی و تشکیل کلاسهای سوادآموزی.

شرح وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی روستایی نشان می‌دهد که شورای روستایی می‌باید از افرادی توانا و هوشمند در هر روستا تشکیل شود و آنان توسط مردمانی که سالها با یکدیگر زندگی و کار کرده و از کاستیها و مشکلات یکدیگر آگاهند، انتخاب شوند. این گروه پس از انتخاب، وظیفه دارند ضمن بررسی دقیق مشکلات و مسائل مردم روستا، آنها را دسته‌بندی کرده و به ترتیب اهمیت، برای هر کدام راه حل مناسب تهیه کرده و با ارائه طرحها و پیشنهادهای عملی به مسئولان برای رفع آنها و بهبود عمومی روستا تلاش کنند.

به‌طور کلی، شورای اسلامی نهادی مشارکتی است که به‌وسیله آن تلاش و کوششهای مردم روستایی به‌منظور بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌شان انجام و هماهنگ می‌گردد؛ این نهاد مرکب از نمایندگان اقشار عمده ده است. شورای اسلامی روستا رابط بین دولت و روستائیان بوده و به‌منزله مرجع رسمی روستا بشمار می‌آید. از این رو، این نهاد مرجع تشخیص‌دهنده نیازها و تعیین اولویتهای ده بشمار می‌رود و مدیریت تولیدی، فنی و اقتصادی را برعهده دارد.

شوراهای اسلامی روستا در حقیقت به‌جای انجمنهای ده پیشین به‌وجود آمدند، ولی از لحاظ آئین‌نامه داخلی، اهداف و نقش آنها در روستاها با آن تفاوت کلی دارند.

طبق قانون، شوراها در روستاهایی که دارای ۲۰ خانوار

۱۳۷۴ش، به دلیل تقلیل فوق‌العاده یارانه‌های دولتی و به اجراء درآمدن سیاستهای تعدیل ساختاری، آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، مراکز خدمات نتوانستند همانند سالهای اولیه تأسیس خود، خدمات لازم را در اختیار دهقانان قرار دهند. انقباضات بودجه‌ای تأثیر معکوسی بر فعالیتهای اقتصادی و کشاورزی این مراکز داشته است. در حال حاضر، مراکز خدمات کشاورزی بیشتر به فعالیتهای ترویجی می‌پردازند و به‌غیر از برخی از برنامه‌های کشاورزی، نظیر اجرای کشت محوری گندم و یکپارچه‌سازی اراضی، عمدتاً در زمینه فعالیتهای آموزشی و ترویجی اقدام می‌کنند.

شرکت تعاونی روستایی

کار تشکیل تعاونیهای روستایی با تشکیل صندوقهای تعاون در ۱۳۲۵ش در مراکز بخشها آغاز شد. تشکیل این صندوقها به‌مثابه نهادی اعتباری در روستاها به‌منظور ساده کردن شرایط اخذ وام کشاورزی صورت گرفت. صندوقهای روستایی در بدو تأسیس، از نوع تعاونیهای چندمنظوره بودند که براساس اساسنامه خود، می‌توانستند علاوه بر تأمین و پرداخت اعتبار به اعضاء، نسبت به بازاریابی محصولات تولیدی روستائیان، تهیه و توزیع نهاده‌های کشاورزی و خرید و فروش کالاهای مصرفی خانوار اقدام کنند. متأسفانه، به دلیل کمی منابع مالی، نبود تجربه مدیریت و بازرگانی در جامعه روستایی و ضعف مدیریتی و با تغییرات اساسنامه صندوقها، وظایف آنها در حد پرداخت وام به روستائیان محدود گردید (← تعاونی در ایران).

کتاب‌شناسی:

- ابولحمید، عبدالحمید. حقوق اداری. جلد یکم، سازمانهای اداری ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- آدمیت، فریدون. فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
- ازکیا، مصطفی. شرکت سهامی زراعی درگزین (همدان). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- ازکیا، مصطفی. «مراکز خدمات کشاورزی به‌مثابه الگوی توسعه روستایی»، نامه علوم اجتماعی. شماره ۲، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

تشکیلات و سازمان دهیاریها به تصویب هیئت وزیران رسید. با تصویب این مقررات در کنار قانون تشکیلات شورای اسلامی کشوری، زمینه‌های قانونی لازم برای شکل‌گیری و تحقق نهاد جدید مهمی در جامعه روستایی کشور تکمیل شد. به‌طورکلی، دهیاری سازمانی است که بخشهایی از مدیریت محلی روستا را برعهده دارد و ظاهراً نهادی مستقل است که به اتکای مشارکتهای اهالی روستا، در چارچوب مدیریت محلی فعالیت می‌کند (← دهیاری).

مرکز خدمات کشاورزی

این مراکز با تصویب قانون مورخ ۱۳۵۹/۳/۱۴ش توسط شورای انقلاب و تصویب آئین‌نامه اجرایی آن در ۱۳۶۰ش توسط هیئت وزیران، در مراکز دهستان ایجاد گردیدند. هدف از ایجاد این مراکز، توسعه فعالیتهای کشاورزی روستایی از طریق عرضه خدمات فنی، اعتباری، زیربنایی، رفاهی، آموزشی، تحقیقی و ترویجی و همچنین، تهیه وسایل، لوازم و نهاده‌های کشاورزی است. این فعالیتهای به‌طورکلی، برای تحقق خودکفایی اقتصادی، قطع وابستگی و تأمین قسط و عدل اسلامی صورت می‌گیرد.

در طرح اولیه ایجاد و راه‌اندازی مراکز خدمات کشاورزی، اهداف گوناگونی در زمینه‌های آب، خاک و زراعت، ماشین‌آلات کشاورزی، و دام و طیور، آموزش و ترویج و خدمات عمومی در نظر گرفته شده بود. در اواخر دهه ۱۳۶۰ش، با تقسیم وظایف میان وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی، قسمتی از این اهداف، از جمله دام و طیور، به جهاد سازندگی منتقل شد. به نظر می‌رسد، با ادغام این ۲ وزارتخانه در وزارت جهاد کشاورزی و یکپارچه‌شدن وظایف مربوط به بخش کشاورزی در یک وزارتخانه، باید مجدداً نوعی یکپارچه‌سازی وظایف مربوط به بخش کشاورزی را در سطح دهستان شاهد باشیم. براساس اطلاعات موجود، حدود ۳۷،۰۰۰ روستا تحت پوشش این مراکز قرار دارند. مراکز خدمات یکی از مهم‌ترین مراجع رفع نیازهای کشاورزان در محدوده دهستان بشمار می‌رود و با اعضاء شورای اسلامی روستایی و روستاهای تحت پوشش ارتباط مستمر دارند. از

مردمسالاری

به این ترتیب، مردمسالاری یعنی حکمروایی مردم. با این حال، مفهوم مردمسالاری ابهامات بسیاری در خود دارد و از هر ۲ جزء این ترکیب، یعنی مردم و حکمروایی، تفسیرهای گوناگونی شده است.

بحث نظری دربارهٔ مردمسالاری ابعاد گوناگون و دامنهٔ وسیعی دارد. با این حال، پیدایش انواعی از نظامهای مردمسالاری پیشینه‌ای طولانی‌تری از بحثهای نظری در باب منشأ یا فایده آن دارد. نخستین شکلهای اجتماعات بشری به صورت طایفه، قبیله، اتحادیه‌های طایفه‌ای، دولت‌شهرها و حتی نخستین شهریارها، عناصر قابل توجهی از شیوه مردمسالاری را در خود داشتند. پس از شکل‌گیری امپراتوریها، عناصر مشارکت مردمی در امور حکومتی به شدت نزول کرد.

مردمسالاری به لحاظ نظری، از خاستگاههای مختلفی سرچشمه گرفته است. مهم‌ترین این خاستگاهها به قرار زیر است:

• اندیشه جمهوریت در نظریه سیاسی ارسطو و متفکرین قرن ۱۴ و ۱۵م (مرسیله، ماکیاولی) در دولت-شهرهای ایتالیا؛

• اندیشه برابری انسانها در دینهای بزرگ (مسیحیت، اسلام)، فلسفه رواقی و حقوق طبیعی مدرن (هلوسوس)؛

• اندیشه آزادی، عرفی‌گرایی و عقلانیت برخاسته از رنسانس، اصلاحات دینی، نهضت علمی و عصر روشنگری؛

• نظریه قرارداد اجتماعی، صناعی بودن دولت در فلسفه توماس هابز و جان لاک؛

• نظریه مصلحت‌گرایی و اصالت سودمندی در فلسفه سیاسی بهام و استوارت میل؛ و

• نظریه اصالت عقل در اندیشه‌های ژان ژاک روسو، ایمانوئل کانت و فریدریش هگل.

مجموعه این جریانهای فکری و فرهنگی گنجینه بزرگی از منابع فکری و نظری در توجیه ضرورت و مطلوبیت مردمسالاری پدید آوردند. این منابع فکری، فرهنگی و نظری، به همراه جنبشهای اجتماعی گوناگون، مثل جنبش طبقات متوسط اروپا (بورژوازی) در سده‌های ۱۷ و ۱۸م و

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. چاپهای پنجم و ششم، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸.

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.

- انصاری، حمید. *پژوهش در تعاونیهای روستایی ایران*. مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شهابنگ شهریار، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۱.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی ده در ایران*. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستای ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۵.

- صبوری کاشانی، منوچهر. *جنبه‌های اجتماعی عمران منطقه‌ای- نقش ده در تصمیم‌گیری و... مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- طالب، مهدی و عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی- ابعاد تغییر در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

- فوران، جان. *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۹.

- *ماهنامه دیارها*، سال اول، شماره ۱، خرداد و تیر ماه ۱۳۸۲.

- نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ اول، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۷۹.

- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. چاپ اول، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

مصطفی ازکیا

مردمسالاری

Democracy

مردمسالاری نظامی حکومتی است که در آن افراد به‌طور برابر، از حق شرکت در اداره جامعه، از جمله تصویب قوانین و تعیین خط‌مشی همگانی، برخوردارند.

جنبش طبقه کارگر در نیمه اول سده ۱۹م، نظامهای مردمسالار را یکی پس از دیگری در اروپا پدید آوردند. این نظامها در سده ۲۰م، به ویژه در نیمه دوم آن به شکلهای گوناگون و با کیفیاتی متفاوت به سایر نقاط جهان انتقال یافتند.

مردمسالاری انواع گوناگونی دارد. در وهله نخست، مردمسالاری را می‌توان به مردمسالاری مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. مردمسالاریهایی که اکنون در پهنه جهان وجود دارند، از نوع مردمسالاریهای غیرمستقیم یا مردمسالاری نمایندگی هستند. نخستین شکلهای مردمسالاری، از جمله مردمسالاری در یونان باستان، از نوع مردمسالاری مستقیم بود؛ برای مثال در دولت-شهر آتن مردم، یا به سخن بهتر، شهروندان، یعنی کسانی که از حقوق مشارکت سیاسی بهره‌مند بودند، به‌طور مستقیم در فرایند قانونگذاری و تصمیم‌سازی سیاسی و فراتر از آن، حتی در امور قضایی و اجرایی شرکت می‌کردند. کوچک بودن این دولت-شهرها و کم‌شمار بودن شهروندان آنها، امکان مشارکت مستقیم را فراهم می‌ساخت. برای نمونه، تعداد شهروندان آتن حدود ۳۰,۰۰۰ نفر بود. از جمعیت ۴۰۰,۰۰۰ نفری آتن، تنها این ۳۰,۰۰۰ نفر بودند که شهروند محسوب می‌شدند و در اداره دولت-شهر مشارکت داشتند. بردگان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند و همچنین زنان و بیگانگان مهاجر که در آتن مقیم بودند، حق مشارکت در امور را نداشتند.

مردمسالاری نمایندگی

مردمسالاری نمایندگی در دولت-ملتهای عصر مدرن پدیدار شد و رشد کرد. مردمسالاری نمایندگی هم محصول تحولات تاریخی بود و هم با ساخت سیاسی دولت-ملت، واحدهایی بزرگ با جمعیت زیاد، تناسب بیشتری داشت. مردمسالاریهای مدرن به لحاظ تاریخی، به دنبال زوال نظام فئودالی در اروپا، رشد طبقات متوسط شهری و تقاضای آنها برای آزادی و حق مشارکت سیاسی شکل گرفتند. تبلور این فرایند، شکل‌گیری نظامهای لیبرال-دموکرات بود. در این نظامها در آغاز، حق رأی همگانی بسط نیافته بود؛

همگانی شدن حقوق مشارکت، فرایندی بود که به تدریج صورت گرفت. جنبشهای کارگری در نیمه اول سده ۱۹م، حق رأی را در میان مردان همگانی کرد. در نیمه اول سده ۲۰م، زنان نیز در مردمسالاریهای اروپایی و امریکا از حق رأی بهره‌مند شدند. به این ترتیب، در مردمسالاریهای نمایندگی حق رأی همگانی نهادینه شد.

در مردمسالاری نمایندگی به جای مردم، نمایندگان منتخب آنها کار تصمیم‌سازیهای سیاسی، قانونگذاری و اداره امور همگانی را انجام می‌دهند. در این مردمسالاریها مردم بهنگام تأسیس نظام، در ساختمان آن مشارکت دارند، ولی بعد از تأسیس نظام، کار حکمروایی را از طریق نمایندگان خود در مجلسهای قانونگذاری و انتخاب مسئولان درجه اول مجریه انجام می‌دهند. این نوع نظام مردمسالاری از دیرباز منتقدانی داشته است. منتقدان این نوع مردمسالاری را نوع ضعیف یا رقیقی از مردمسالاری بشمار می‌آورند؛ زیرا در آن مردم حق حاکمیت خود را تنها به شکل منفعل حفظ می‌کنند. در این شکل که شیوه رایج لیبرال-دموکراسیهای امروزی، است مردم به‌طور دوره‌ای در انتخابات شرکت می‌کنند و حکومت‌گران را برمی‌گزینند و آنگاه کارهای تصمیم‌سازی را به آنها می‌سپارند و خود به حوزه خصوصی زندگی عقب‌نشینی می‌کنند. با این حال، نظریه‌پردازان لیبرال این واقعیت را از معایب مردمسالاریهای نمایندگی بشمار نمی‌آورند، بلکه از محاسن آن محسوب می‌کنند. به نظر آنها، مشارکت گسترده مردم در امور حکومتی، از میزان کاربرد عقلانیت در پیشبرد امور می‌کاهد. از دید آنها بهتر آن است که به جای توده‌های نامتخصص، نخبگان متخصص در تصمیم‌گیریهای سیاسی دخالت داشته باشند و توده‌ها از طریق انتخابات و آراء خود، نخبگان سیاسی را مهار کنند.

مردمسالاری مشارکتی

مردمسالاری مشارکتی معطوف به شکلهایی از نظام مردمسالاری است که در آن مشارکت مردم تا حد ممکن به صورت مستقیم باشد و مردم، نه به‌طور منفعل، بلکه به‌طور فعال در حکمروایی شرکت داشته باشند. در ابعاد

مستقیم‌تر مردم، صورت گرفته است. وارد کردن حاکمیت مستقیم مردم در سطح محلی، یکی از این شکلهاست. در سوئیس رویه‌ای معمول است که مردم می‌توانند، خواهان همه‌پرسی برای اصلاح قانونها با رأی مستقیم خود شوند. در برخی از ایالت‌های امریکا، شیوه‌ای در مشارکت شهری معمول است که در آن، شهروندان با اجتماع خود، درباره مسائل مختلف شهری بحث می‌کنند و درباره خط‌مشیها تصمیم می‌گیرند. این همایشها که سالانه در چند نوبت برگزار می‌شوند، از جمله درباره مسائل منطقه‌بندی شهری، جاده‌سازی، آموزشگاهها و حتی مالیات به بحث می‌پردازند و در اصلاح امور مشارکت دارند. این نوع همایشها، در عین حال، عرصه‌ای برای آموزش مدنی است. هواداران مردمسالاری مستقیم معتقدند، این نوع همایشها باید گسترش یابد و شهروندان در آن از اختیارات بیشتری برخوردار شوند. به این ترتیب، مردمسالاری مشارکتی تا حدود زیادی متکی به نهادهای محلی، از قبیل این‌گونه شوراها و همایشهاست. این نوع مردمسالاری به رابطه منطقی‌تری بین بشر و طبیعت منجر می‌شود؛ زیرا مشارکت مستقیم در تصمیم‌گیریها، تصمیم‌سازان را با مسائل مستقیم محیط خود پیوند می‌زند و آنها را وامی‌دارد که نسبت به منافع فردی، به‌نحو بهتری تصمیم‌گیری کنند.

مردمسالاری گفتگویی

مردمسالاری گفتگویی که هنوز در عرصه نظر مطرح است، با نقد مردمسالاری لیبرال آغاز می‌شود. نکته اصلی نقد مردمسالاری لیبرال، از دیدگاه طرفداران مردمسالاری گفتگویی، این است که بنا به فرض رایج در مردمسالاری لیبرال، شهروندان آحادی هستند که رجحانهای ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای دارند و مشارکت سیاسی آنها برای پیشبرد این رجحانها یا منافع، با استفاده از نهادها و رویه‌های مردمسالارانه، همچون انتخابات و مجلس، امکان‌پذیر است. نهادها و روشهای مردمسالارانه نیز، برحسب دیدگاه طرفداران مردمسالاری لیبرالی، رسیدن به اصل مهم‌ترین رجحانهای بیشترین افراد است. طرفداران مردمسالاری گفتگویی این روش را برای نظام مردمسالاری

نظری، مردمسالاری مشارکتی مبتنی بر این اعتقاد است که مشارکت در امور سیاسی تنها یک حق نیست، بلکه از لوازم خودشکوفایی شهروندان و پرورش فضیلت مدنی است. ژان ژاک روسو، ایمانوئل کانت و هگل از مدافعان این نوع مردمسالاری بودند. ژان ژاک روسو معتقد است که حکومت مردمسالاری تجلی اراده عمومی است و اراده را نمی‌توان به نمایندگی سپرد. البته مردمسالاری مشارکتی، در شکل مطلوب خود، در واحدهای کوچک سیاسی با شهروندانی کم‌شمار و مسئول امکان‌پذیر است. حکومت‌های شهری و جمهوریهای روستایی در سوئیس، هلند، آلمان و ایتالیای سده ۱۸م از این نوع بودند.

برخی نظریه‌پردازان راههایی را پیشنهاد کرده‌اند که به واسطه آن بتوان مردمسالاری مشارکتی و مستقیم را با شرایط دولت-ملت‌های بزرگ امروزی تطبیق داد. برای نمونه، مارکس به‌صورت نظری، ساختاری هرمی از نمایندگی و انتخابات را پیشنهاد می‌کرد که در آن شهروندان به‌صورت سطوح چندگانه، شامل اجتماعات کوچک محلی، ناحیه‌ای و ملی تقسیم می‌شدند و هریک از آنها هم نمایندگان محلی و ناحیه‌ای خود را انتخاب می‌کردند و هم در انتخاب نمایندگان در سطوح بالاتر و ملی مشارکت داشتند. به این ترتیب، نمایندگان در هریک از سطوح محلی، ناحیه‌ای و ملی، در مقابل انتخاب‌کنندگان به‌طور مستقیم پاسخگو بودند و امور حیظه‌صلاحیت خود را با نظارت مردم انجام می‌دادند. بعد از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷م) در شوروی، با الهام از این نظر، نوعی مردمسالاری شورایی طرح شد که در آن شوراهای روستایی، بخش، شهرستان، جمهوری و شورای سراسری را به‌طور مستقیم مردم انتخاب می‌کردند و ضمن داشتن اختیارات وسیع در مقابل مردم محل، مسئول و در هر زمان قابل عزل بودند. این شوراها قرار بود که به آرمان مردمسالاری مستقیم و مشارکتی در جوامع بزرگ شکل اجرایی بدهند، البته، در عمل، سیطره حزب کمونیست بر همه ارکان جامعه، این شوراها را از مفهوم اصلی خود دور ساخت.

تلاشهای دیگری نیز برای اصلاح نظامهای مردمسالاری نمایندگی، به‌صورت آمیزش آن با عناصری از مشارکت

سوسیالیسم دست یافت؟ حزب سوسیال-دموکرات آلمان به این پرسش پاسخ مثبت داد. در مقابل، در حزب سوسیال-دموکرات روسیه بر سر این مسئله شکاف ایجاد شد، به گونه‌ای که به ۲ شاخه بلشویک و منشویک تقسیم گردید. بلشویکها به این پرسش پاسخ منفی دادند و اعلام کردند که بدون سرنگونی دولت نمی‌توان به هدفهای سوسیالیستی رسید.

سوسیال-دموکراسی در زمان حاضر با نفی راه انقلابی برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی و قبول راه مسالمت‌آمیز و سیاسی، متضمن احترام به نظام موجود دولتی و ایجاد چنین تغییراتی شناخته می‌شود.

شبه مردمسالاری

اگر شکل‌های مردمسالاری را روی یک پیوستار، از مردمسالاریهای غنی و پررنگ تا مردمسالاریهای رقیق، تقسیم‌بندی کنیم، به دسته‌ای برمی‌خوریم که به لحاظ کم‌رنگ بودن و جوه آن، شبه مردمسالاری خوانده می‌شوند. این رژیمها آنهایی هستند که ترجیح می‌دهند مردمسالار خوانده شوند، زیرا این صفت ظاهراً در مناسبات جهانی برای آنها احترام و در داخل کشور مشروعیت به همراه دارد. در نظامهای شبه مردمسالار و جوهی از قبیل تعدد احزاب و انتخابات رقابتی وجود دارد، نامزدهای حزبهای مخالف دولت در انتخابات شرکت می‌کنند و گاهی حتی به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شوند. با این حال، این نظامها با برخی از شرایط شالوده‌ای مردمسالاری انطباق ندارند. از جمله این شروط، اصل نامشخص بودن نتایج انتخابات پیش از اتمام انتخابات و شمارش آراست. نبود این شرایط به این معنی است که حزب حاکم به‌رغم نظر مردم، همچنان خود را در قدرت نگه می‌دارد. دیگر اینکه حزب حاکم قادر است با تقلب در انتخابات، نتیجه انتخابات را مهار و به میل خود دگرگون سازد. مسئله دیگر این است که حزبی که در قدرت قرار می‌گیرد، مانع قدرت حزب رقیب می‌شود. وجود چنین وضعیتی، معنای مردمسالاری را از آن نظام می‌گیرد، زیرا امکان جابه‌جایی قدرت از نیازهای اساسی مردمسالاری است.

کافی نمی‌دانند. آنها استدلال می‌کنند که فرایندهای مردمسالارانه باید به مردم امکان دهد، هم در مسائل خاص، از جمله مسائل جاری و هم درباره اساس نظام و قواعد آن، به گفتگو، بحث، استدلال، اقناع و تلاش برای رسیدن به اجماع پردازند. چه بسا که در این گفتگوها نظر شهروندان درباره منافع خود و نیز رجحانهای پیشین عوض شود و بتوانند به نظر واحدی درباره خیر مشترک برسند. البته، در صورت حاصل نشدن اجماع، می‌توان به رأی‌گیری اقدام کرد و رأی اکثریت را برای تصمیم‌گیری ملاک قرار داد.

سوسیال-دموکراسی

سوسیال-دموکراسی بیش از آنکه شکلی از مردمسالاری باشد، تعبیری از مضمون اصلی مردمسالاری است. سوسیال-دموکراسی به معنی جستجوی هدفهای سوسیالیستی با ابزار مردمسالارانه است. برخی از تحلیل‌گران، سوسیال-دموکراسی را نه یک آموزه سیاسی که یک جنبش به حساب می‌آورند. سوسیال-دموکراسی در تجربه تاریخی، بیشتر تلاش برای کسب و حفظ یک اکثریت در رقابتهای سیاسی برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی و نهادهای اجتماعی به منظور مقابله با بی‌عدالتیها و کاستن از نابرابریها بوده است. این وجه از سوسیال-دموکراسی مرزهای آن را، از یکسو، با اقتصاد آزاد و از سوی دیگر، با آموزه‌های جامعه‌گرایی انقلابی مشخص می‌کند. هدفها و برنامه‌های سوسیال-دموکراسی، در میانه راه بین سرمایه‌داری بی‌لجام و سوسیالیسم دولتی قرار داشته است. البته سوسیال-دموکراسی در دوره نخست پیدایش و فعالیت خود، بسیار رادیکال‌تر بود و در راستای دفاع از منافع طبقه کارگر و قشرهای محروم، مدعی دگرگونی کامل حیات اجتماعی جامعه بود. حزب سوسیال-دموکرات آلمان که نیرومندترین و شناخته شده‌ترین احزاب سوسیال-دموکرات بود، با چنین گرایشی مشخص می‌شد.

پرسشی که احزاب سوسیالیست-رادیکال مطرح می‌کنند، این است که آیا می‌توان از طریق عمل پرولتاریا در چارچوب اقدامات مسالمت‌آمیز و قانونی و با بهره‌گیری از شیوه معمول در مردمسالاریها، به دگرگونیهای مورد نظر

مردمسالاری شهری

Urban Democracy

مردمسالاری یا دموکراسی سابقه‌ای کهن دارد. ارسطو در کتاب سیاست خود، گرچه در مجموعه‌ای پرتناقض به لحاظ آرمانی حکومت اشراف یا نجبا را برتر می‌شمارد، اما یافتن اشراف یا نجبایی که بتوانند پدید آورنده نظامی اریستوکراتیک باشند و صرفاً خیر عمومی را دنبال کنند، کاری سخت معرفی می‌کند. از این رو، حکومتی بر پایه اراده شهروندان و انتخاب شده توسط آنان به نام حکومت پولیتی (جمهوری) تجویز می‌کند. البته او در ترسیم چنین حکومتی نه تنها بردگان، بلکه زنان، و مهاجران بیگانه (غیر یونانی) را کنار می‌گذارد. ارسطو کتاب چهارم از مجموعه سیاست، بیش از سایر بخشها به مردمسالاری پرداخته است. در این بخش ضمن مقایسه انواع مردمسالاری، لیگاری و استبداد، حکومت طبقه متوسط را در شرایط عادی و در حالتی که اریستوکراسی ممکن نیست، بهترین شکل حکومت معرفی می‌کند.

از نظر بسیاری از متفکران، مردمسالاری همان مردمسالاری نمایندگی است. در این شکل از مردمسالاری (← مردمسالاری)، شهروندان با رأی خود نمایندگانی را برمی‌گزینند، تا آنان امور جامعه را در دست گیرند.

ارسطو برای آنکه انتخاب افراد با آگاهی و شناخت رویاروی و نزدیک انجام شود، برای جمعیت پولیس حدی قائل بود. او معتقد بود، با رسیدن جمعیت هر پولیس به حدی معین، باید پولیس جدیدی به‌عنوان نوشهر ساخته شود، تا آشنایی نزدیک و رویاروی در گزینش نمایندگان رعایت شود. در پولیس آتن و پولیسهای رومی اکثریت مسئولیتهای انتخابی یکساله و در موارد معدودی - با فاصله زمانی - حق انتخاب شدن دوباره برای یک شغل در نظر گرفته شده بود، تا افراد به مدت طولانی عهده‌دار شغلی نباشند و گروه منافعی در کنار آنان شکل نگیرد.

این بحث ارزشمند کهن، با آشکار شدن محدودیتهای مردمسالاری نمایندگی، مطرح شده است. از ایرادهای این روش این است که در شهرهای بزرگ و در سطح ملی، رسانه‌های جمعی تنها وسیله معرفی داوطلبان است. از

مردمسالاری و پایداری

در میان انواع مردمسالاری، مردمسالاری مشارکتی متضمن توازن اخلاقی مناسب‌تری بین انسان و محیط است، زیرا در این نوع مردمسالاری مردم به‌نحو مستقیم در تصمیم‌سازیها مشارکت دارند. با این حال، آنجا که مسئله حفاظت از محیط زیست مطرح می‌شود، برخی از تحلیل‌گران که با گرایش نوهابزری مشخص می‌شوند، معتقدند که انسانهای طبعاً خودخواه را تنها با مناسبات متقابل پذیرفته شده قهری می‌توان به حفاظت از محیط واداشت. این تحلیل‌گران معتقدند، که برای نگه‌داشتن جامعه در محدوده رشد پایدار، باید به حافظان محیط زیست اختیارات بیشتری داد. /حزاب سبز استدلال می‌کنند که نمی‌توان انتظار داشت، رژیمهای اقتدارطلب به حفاظت محیط زیست و پایداری آن اهمیت زیادی بدهند. آنها معتقدند، با اضافه کردن عرصه مشارکتی به لیبرال - دموکراسی می‌توان مسئله پایداری را مورد توجه بیشتری قرار داد.

کتاب‌شناسی:

- Bernstein. *Evolutionary Socialism*. New York: Schocken, 1961.
- Campble, A. and Right T. (eds). *The New Social Democracy*. Oxford: Blackwell, 1999.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London & New York: Routledge, 2005.
- Clark (ed). *Encyclopedia of Democratic Thought*. London: Routledge, 2001.
- Huntington, S. *The Third Wave: Democratization in the later Twentieth Century*. Oclahoma: Oclahoma University Press, 1991.
- Pateman, C. *Participation and Democratic Theory*. Cambridge: Cambridge University Press, 1974.
- Schumpeter, J. *Capitalism, Socialism and Democracy*. New York: Harper, 1991.

کمال پولادی

سوی دیگر، دسترسی به رسانه‌ها، به‌ویژه در سطح ملی، هزینه‌های هنگفتی دارد. در نتیجه، تنها داوطلبانی شانس انتخاب شدن را خواهند داشت که امکان پرداخت این هزینه‌ها را داشته باشند؛ البته، این امر با جوهر مردمسالاری در تضاد است. در مقابل، عده‌ای پاسخ می‌دهند که معمولاً قوه مقننه در بسیاری کشورها متشکل از نمایندگان منتخب مردم محلی (شهر و روستا) است. با وجود چنین پاسخهایی، مشکلات مردمسالاری لیبرال سبب شکل‌گیری و رواج سایر انواع مردمسالاری شده است که مردمسالاری مشارکتی، مردمسالاری اجتماعی و مردمسالاری رادیکال از آن جمله‌اند. در عین حال، این ادعا نیز مطرح است که در سرمایه‌داری لیبرال نیز می‌توان دموکراسی محلی یا شهری را حفظ نمود. بدین معنا که مردم محلی چه از طریق انتخاب نمایندگان برای نهادهای محلی، مانند انواع شوراهای و چه به‌صورت مستقیم، می‌توانند در مورد برخی از امور محلی تصمیم‌گیری کنند. مردمسالاری اجتماعی گرچه از دخالت دولت در ارائه خدمات گسترده اجتماعی، مانند انواع یارانه‌ها دفاع می‌کند، اما آن را در تضاد با مشارکت شهروندان در امور محلی خود نمی‌داند. مردمسالاری رادیکال، تشکیل نظامی مبتنی بر تفاوتها و تضادها را که در لوای انسجام ظاهری مردمسالاری لیبرال نادیده گرفته می‌شود، هدف خود قرار داده است و با فعال‌سازی این تفاوتها و شکل‌دهی به جنبشهای اجتماعی بر پایه هویت‌های متکثر، زمینه دستیابی افراد در حاشیه مانده را به حقوق خود گسترش می‌دهد.

به هر تقدیر، مردمسالاری شهری دارای ۲ حالت یا ۲ شکل است. در حالت اول که شرایط حداقلی نام دارد، شهروندان به مشارکت در امور شهری در قالب مردمسالاری نمایندگی یا دموکراسی لیبرال فراخوانده می‌شوند. فعالیتهای محله‌ای گسترده که اکنون در بسیاری از جوامع غربی انجام می‌شود، از جمله دخالت‌های حداقلی بشمار می‌روند؛ اما در معنای حداکثری، مردمسالاری شهری در واقع جزئی از مردمسالاری مشارکتی است که می‌کوشد تا در فرایندی از بالا به پایین و با گرایش به عدم تمرکز، شهروندان را در تمام فرایندهای تصمیم‌گیری، اجراء، ارزیابی، نظارت و

بازبینی، به‌ویژه در عرصه‌های شهری، دخالت دهد و مجموعه‌ای گسترده از نهادهای مردم‌بنیاد و مردم‌محور، مانند شوراهای را درگیر تمام امور جامعه نماید تا به این شیوه نارسائیهای مردمسالاری لیبرال یا مردمسالاری نمایندگی را برطرف سازد. با وقوع جهانی‌سازی از بالا یا از دریچه اقتصادی، به‌ویژه شاخه‌ای از جهانی‌سازی که به مدل اجماع واشینگتنی موسوم است، نقش مردم و دولتها به‌طور روزافزونی کاهش می‌یابد و نقش اقتصاد به رهبری سازمانهای عظیم مالی و شرکتها یا در واقع، امپراتوریهای فراملیتی افزایش پیدا می‌کند. شهروندان به مصرف‌کنندگان و مشتری تقلیل داده می‌شوند. در چنین حالتی، نقد جهانی‌سازی نئومحافظه‌کارانه الزامی بود. مسائلی چون قطبی شدن جوامع (ثروت بیکران در یکسو و فقر بیکران در سوی دیگر)، یکسان‌سازی قهری، نابودی تنوع و متفاوت بودن، خردگرایی ابزاری تا سرحد خودبینی صرف و خودخواهی، بیگانه‌ستیزی، تقلب، جرم و بزهکاری و در یک کلام، به اوج رسیدن پریشان‌حالی جوامع یا آنومیک شدن شرایط، برای چنین نقدی بازاری گرم پدید آورده است. البته بی‌انصافی است، به توانمندیهای کم‌نظیر حاصل از تحولات انقلاب الکترونیک و جهانی‌سازی، اشاره نکنیم، اما چنین امکاناتی در سیطره نظام قدرت و شرایط نابرابر مطرح است و دستیابی به آنها نیز مشروط گشته است.

برای فایق آمدن بر این مشکلات، چاره کار مردمسالاری شهری به‌مثابه وجهی از مردمسالاری مشارکتی است. این‌گونه مردمسالاری به مشارکت شهروندان در امور زندگی محل زندگی خود محدود نمی‌شود، بلکه مردمسالاری شهری خواهان جامعه‌ای است که فرایند تصمیم‌گیری را مستقیماً به شهروندان محول سازد و تمامی امور از بودجه‌ریزی، کنترل و تخصیص منابع، طراحی الگوها و راهبردها، پروژه‌ها و برنامه‌ها، تا اجراء، نظارت، ارزیابی و بازبینی آنها، همگی به شهروندان سپرده شود و دولت، اجتماع کارشناسان و اندیشمندان، همگی به تسهیل‌گر بدل شوند. بدیهی است رمز موفقیت چنین نظامی، آموزش دائمی، توانمندسازی و از همه مهم‌تر، توانمندسازی شهروندان است.

- زیر نظر لیپست سیمور. *دایرةالمعارف دموکراسی*. تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
- Finley, M. *Democracy Ancient and Modern*. London: Chatto and Windus, 1973.
- Lipset, S. *Political Man: The Social Bases of Politics*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1981.
- Saffell, D. *State and Local Government*. New York: McGraw-Hill, 1993.

پرویز پیران

مرکز - پیرامون، مدل

Core-Periphery Model

مدلی برای تبیین نحوه پراکنش فضایی فعالیت انسانی بر مبنای توزیع ناهمگون قدرت از نظر اقتصاد، اجتماع و سیاست. اساس این مدل بر نظریه وابستگی و به‌ویژه نظریات پربیش درباره توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم، با تأکید بر ابعاد فضایی رابطه مرکز با پیرامون استوار است. مطابق این مدل، ۲ جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از: مرکز، به‌عنوان کانون قدرت و سلطه - که چه بسا خود نیز زیر سلطه مرکز بزرگ‌تری باشد) و پیرامون، به‌عنوان جزء وابسته به کانون مرکزی. این گونه وابستگی (←وابستگی، مدل) در نتیجه نابرابری بین مرکز و پیرامون در مبادله کالاهای تولیدی، تمرکز قدرت اقتصادی، نوآوری، رشد اقتصادی و فعالیت تولیدی پدیدار می‌گردد.

به‌طور کلی و در مقیاس جهانی، در این مدل، کشورهای صنعتی به‌عنوان مرکز و کشورهای غیرصنعتی به‌عنوان حاشیه یا پیرامون قلمداد می‌گردند. سازوکارهای حاکم بر نوع روابط و مناسبات جاری میان این ۲ دسته کشورها، شالوده اصلی توسعه نیافتگی بشمار می‌رود.

مدل مرکز- پیرامون در بسیاری از منابع با نام جان فریدمن همراه است. فریدمن این مدل ارتباطی را در ۱۹۶۶م با تأکید بر جنبه‌های فضایی و به‌عنوان دومین مرحله از مراحل چهارگانه توسعه اقتصادی- فضایی معرفی

مرکز - پیرامون، مدل

کرد. در نظریه فریدمن، مرکز به‌مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه‌ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و نیز کانون توسعه بشمار می‌آید و در مقابل، پیرامون، به‌مثابه فراهم‌کننده منابع تأمین نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته دارد.

ویژگیهای اساسی مدل مرکز- پیرامون به شرح زیر است:

• رابطه مرکز- پیرامون از نوع مناسبات سلطه است، ساختار قطبی این روابط با جریان جابه‌جایی عوامل اصلی تولید، نیروی انسانی، منابع، مواد خام، سرمایه و مانند آن، از پیرامون یا حاشیه به مرکز پدیدار می‌گردد؛

• با دوام روابط و بقای تقسیم کار فضایی سنتی بین شهر و روستا، و تا هنگامی که روستا تولیدکننده صرف مواد خام و محصولات کشاورزی است، مبادله تجاری به نفع مرکز دوام خواهد یافت؛ و

• با ادامه این روابط، نابرابریهای فضایی افزایش می‌یابند و زمینه‌ساز تقاضا برای برخورداری بیشتر پیرامون می‌شود. در پی آن، تحولات از مرکز به‌سوی پیرامون تسری می‌یابند و سبب توازن نسبی پیرامون با مرکز و نهایتاً، کل فضای منطقه‌ای و ملی می‌گردد.

بدینسان، کانونهای شهری در این مدل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و نه تنها به‌عنوان عامل وحدت‌بخش فضایی عمل می‌کنند، بلکه کانون به جریان انداختن نوآوری، اطلاعات، فناوری، مدیریت و توسعه بشمار می‌روند.

فریدمن تحقق فرایند توسعه اقتصاد فضا را در ۴ مرحله فرض می‌کرد؛ این ۴ مرحله عبارتند از:

• **مرحله جامعه ماقبل صنعتی و اقتصاد محلی.** در این مرحله، سکونتگاهها، از جمله شهرها، هنوز سازمان فضایی نیافته‌اند و هریک به‌صورت منفرد در سطح محلی عمل می‌کنند؛

• **مرحله شکل‌پذیری مناسبات مرکز- پیرامون.** در این مرحله، شهر کانونی پدیدار می‌گردد و سلطه اقتصادی- فضایی خود را بر پیرامون، یعنی شهرهای کوچک‌تر و محیطهای روستایی برقرار می‌کند و موجب انتقال منابع، تولیدات و سرمایه به‌سوی خود می‌شود؛

متفاوت (ملی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای) نیز قابل بررسی است. در همین ارتباط، و در تبیین روابط شهر و روستا، شهرهای بزرگ و مراکز تجمع فعالیتهای اقتصادی (عمدتاً صنعتی-تجاری) به‌عنوان مرکز و حوزه‌های روستایی پیرامونی به‌عنوان حاشیه/پیرامون مطرح می‌شوند. این روابط نابرابر در بسیاری موارد، با اتخاذ رهنمودهای خاص اقتصادی-تجاری که به نفع مرکز تمام می‌شود، گسترش یافته، نهایتاً به مهاجرت و جاری شدن هرچه بیشتر سرمایه از حوزه‌های پیرامونی به مرکز منجر می‌شود. در مطالعات جغرافیایی امروزی، گاهی از اصطلاح فضای حاشیه‌ای استفاده می‌شود که منظور عرصه‌های روستایی در چارچوب این مدل است.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
- Dicken, P. & Lloyd, P. *Location in Space, Theoretical Perspectives in Economic Geography*. London: Harper & Row 1990.
- Friedmann, J. *Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela*. Cambridge, 1966.
- Friedmann, J. *Globalization and the Emerging Culture of Planning*. University of British Columbia, 2005.

عباس سعیدی

مرکز تجاری شهر ← ناحیه مرکزی شهر

مرکز توسعه یکپارچه روستایی (سیرداپ)

Center on Integrated Rural Development for Asia and the Pacific (CIRDAP)

سیرداپ- مرکز توسعه یکپارچه روستایی در آسیا و حوزه اقیانوس آرام- سازمانی منطقه‌ای است که تعدادی از کشورهای آسیا و حوزه اقیانوس آرام به‌منظور استفاده

• **پراکنش فعالیت اقتصادی.** این مرحله در مناطق حاشیه و کنترل برخی بخشهای آنها روی می‌دهد؛ و

• **ادغام و یکپارچگی فضایی.** مطابق آن، بخشهای گوناگون و کم‌وبیش توسعه‌یافته اقتصاد با یکدیگر رابطه متقابل برقرار می‌کنند و از طریق امکانات ارتباطی، جریان نوآوری، اطلاعات، کالاها، خدمات و مانند آن تحقق می‌یابد.

برخی کارشناسان معتقدند، این روند بیشتر موجب تضاد بین کشورها می‌گردد تا برابری آنها و در نهایت، روند توسعه اقتصادی خصلتی نابرابر می‌یابد. بنابراین، مدل مرکز- پیرامون فریدمن دارای نارسائیهایی است که عمده‌تاً از تأکید این مدل بر روابط مبادلاتی و سرشت مطلق‌جویی قدرت ناشی می‌شود؛ درحالی‌که تمرکز اجتماعی قدرت الزاماً به تمرکز فضایی منتهی نمی‌شود و توزیع قدرت ضرورتاً با پیدایش و توسعه اقتصادی یکپارچه و هماهنگ فضایی همراه نیست.

قدرت اقتصادی، ناشی از تسلط بر ابزار تولید است و ویژگیهای خاص تاریخی آن تابع ماهیت این تسلط است. نظم و ترتیب فضایی و انتقال و تحول یک اقتصاد سرمایه‌داری در مقطع خاصی از زمان، بیش از هر چیز نتیجه الزامات انباشت است و نیز مرده‌ریگ تاریخی چشم‌اندازی است که در اثر دوره‌های پیشین این انباشت فراهم آمده است. بدینسان، توزیع فضایی فعالیت تولیدی و عدم تمرکز روند تصمیم‌سازی در جریان تولید ممکن است به ایجاد چشم‌اندازی منجر شود که ظاهراً شکل هماهنگی از سازمان فضایی را نشان می‌دهد، بدون آنکه تغییری در (مناسبات) قدرت حاصل از تسلط بر ابزار تولید به‌وجود آورد.

علاوه‌براین، در این روند موقعیت مکانی تسلط بر ابزار تولید الزاماً نامتمرکز نخواهد بود. براین‌اساس، مراحل دوم و سوم مدل فریدمن و رهنمودهای احتمالی آن در توسعه منطقه‌ای مطمئناً به مبادله نابرابرتری میان مرکز و پیرامون منجر خواهد شد.

مدل مرکز- پیرامون به‌عنوان مدلی برای بررسی نحوه سازمان‌پذیری فضای فعالیت انسانی مبتنی بر توزیع نامتعادل و نابرابر قدرت اقتصادی و اجتماعی در مقیاسهای

شورای راهبری، مرکب از وزیران توسعه روستایی و یا کشاورزی کشورهای عضو، عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سیرداپ است که هر ۲ سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و وظایف آن به این شرح است:

- تدوین و تصویب سیاستهای کاری سیرداپ؛
 - تصویب برنامه دوسالانه فعالیتها و بودجه سیرداپ؛ و
 - تصویب دستورالعملهای اجرایی مورد نیاز مرکز.
- کمیته اجرایی، متشکل از معاونان وزرای عضو، فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای پیشبرد مصوبات شورای راهبری و تدوین‌کننده دستور کار آن است.
- کمیته فنی سیرداپ با عضویت مدیران مؤسسات توسعه روستایی یا پژوهشی کشورهای عضو، سالانه یکبار در یکی از کشورهای عضو تشکیل جلسه می‌دهد و به مسائل زیر رسیدگی می‌کند.
- تهیه و تدوین گزارشهای فنی برای استفاده کمیته اجرایی، شورای راهبری و سایر مجامع مرتبط با سیرداپ؛
 - بررسی ابعاد فنی برنامه‌ها و بودجه مرکز.
- کلیه امور مربوط به دفتر مرکزی، ارتباط با کشورهای، اجرای برنامه‌ها و برگزاری اجلاسهای مختلف سیرداپ با مدیریت دبیرکل به انجام می‌رسد.
- فعالیتهای سالانه مرکز در چارچوب برنامه‌های ۶ ساله تدوین و اجرا می‌شود که براساس پیشنهادات کشورهای عضو استوار است. بخشی از بودجه این مرکز با پرداخت حق عضویت سالانه اعضا تأمین می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- بهزاد نسب، جانعلی. گزارش تخصصی بیست و دومین جلسه رسمی کمیته فنی سیرداپ (TC-22). دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، شهریور ۱۳۸۵.
- دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی. برنامه جامع همکاری با سیرداپ. ۱۳۸۴.

- Behzadnasab, J.A. "An overview on Rural Development in I.R. of Iran" 22nd, Technical Committee Meeting. Indonesia: Bundung, 2006.
- CIRDA. A Strategic framework for the millennium. Cirdap, 2006.
- Paudyal Durga, P. "Rethinking Rural Development", GC 14. Bangladesh, Dhaka, 2005.

جانعلی بهزادنسب

جمعی از دانش و تجربه‌های مشترک و گسترش همکاریهای متقابل در جهت توسعه یکپارچه و پایدار روستایی و فقرزدایی، تشکیل دادند. این مرکز با سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO) در ارتباط است و از حمایت تخصصی و مالی برخی سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی (NGO) (← سازمانهای غیردولتی) و بعضی کشورها بهره می‌برد. دفتر مرکزی این مرکز در بنگلادش قرار دارد و در حال حاضر، ۱۴ کشور شامل جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، بنگلادش، هند، اندونزی، جمهوری دموکراتیک خلق لائو، مالزی، میانمار، نپال، پاکستان، فیلیپین، سریلانکا، تایلند و ویتنام در آن عضویت دارند.

هدف سیرداپ پیشبرد امر توسعه روستایی با بهره‌گیری از همکاریهای متقابل و تبادل تجربیات به منظور ارتقاء شرایط زندگی مردم در کشورهای عضو است. سیرداپ می‌کوشد با طرح و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای عضو کمک کند. متناسب با رسالت و مأموریت فوق‌الذکر، اهداف اجرایی سیرداپ به این قرار است:

- بهبود بخشیدن به همکاریهای منطقه‌ای؛
 - فراهم کردن زمینه توسعه سیاستهای مؤثر بر فرایند توسعه روستایی؛
 - عرضه توصیه‌ها و پیشنهادات عملی و اجرایی برای توسعه روستایی و فقرزدایی؛
 - کمک به توسعه منابع انسانی در کشورهای عضو؛ و
 - زمینه‌سازی برای ایجاد و گسترش شبکه اطلاعات و اشتراک اعضا در منابع اطلاعاتی.
- فعالیت سیرداپ برای رسیدن به هدفهای بالا بر برنامه‌های تحقیقاتی، آموزشی، اطلاعاتی، ارتباطی و پیشبرد پروژه‌های پایلوت تأکید دارد.

فرایند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهای سیرداپ از طریق ارکان این نهاد و مدیرکل آن که مسئولیت اداره کلیه امور سیرداپ را برعهده دارد، به انجام می‌رسد. این مرکز ۳ رکن دارد که عبارتند از: شورای راهبری؛ کمیته اجرایی و کمیته فنی.

مرکز خدمات کشاورزی ← مراجع محلی (روستایی)

شهرهای بزرگ ایالات متحد، شامل چندین فروشگاه بسیار بزرگ بود که با فروشگاههای کوچکتر، شعبه‌های مرکزی بانکها، برجهای تجاری ۱۰-۲۰ طبقه، ساختمانهای دولتی، سینماها و تالارهای کنسرت و هتل‌های بزرگ احاطه شده بود. بسیاری از کوششهای مرتبط با برنامه‌ریزی شهری بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۲۰م، به بهبود شبکه حمل‌ونقل و تأمین فضاهای عمومی در این گونه حوزه‌های متراکم و در حال گسترش اختصاص داشت. این گونه مراکز خرید شهری در ایالات متحد، محل زندگی اغنیا و فقرا و ضمناً بعضی از اعضای طبقه متوسط است.

در آغاز سده ۲۱م، مراکز خرید شهری در امریکا نشانگر تصویری مخلوط است. در بسیاری از شهرهای متوسط، مراکز خرید شهری در نگهداشت انبوه کاربریهای خصوصی ناکام مانده‌اند. با انتقال بسیاری از امکانات خرید و اشتغال به حومه‌ها و جابه‌جا شدن دفاتر تجاری به مراکز تجاری، این گونه مراکز خرید شهری تنها با حفظ ادارات دولتی و برخی جاذبه‌ها ادامه حیات می‌دهند. در شهرهای بزرگ، با وضعیت رو به رشد اقتصادی، این تصویر متفاوت است.



مرکز خرید شهری

Downtown

داون‌تاون به حوزه متمرکز اشتغال، خرید و تفریح در شهرهای امریکا گفته می‌شود که از اواخر سده ۱۹ تا اواسط سده ۲۰ شکل گرفتند. این حوزه به واسطه مجموعه‌ای از بناهای بلندمرتبه، مؤسسات فرهنگی و تراکم شبکه حمل‌ونقل شهری (خطوط ریلی و اتوبوسرانی) مشخص می‌گردد. گرچه این اصطلاح پیشتر در مورد شهرهای ایالات متحد به کار می‌رفت، اما امروزه، به صورت پدیده‌ای رایج در شهرهای اروپایی در آمده است. نمونه‌های این پدیده در امریکا، با وجود تفاوت‌های موجود از لحاظ تاریخ و نوع مدیریت اراضی، در کشورهای دیگر، از جمله کانادا، زلاندنو، بریتانیا و پرو نیز پدیدار شده است.

اصل اصطلاح داون‌تاون ریشه در ساختار شهر نیویورک دارد که بناهای آن در منهاتن طی سده ۱۹م به تدریج به صورت بالاشهر (uptown)، وسط‌شهر (midtown) و پائین‌شهر (downtown) در آمد. از آنجا که پائین‌شهر منهاتن مرکز اولیه عمده‌فروشی و خرده‌فروشی بود، کاربرد این اصطلاح به همین معنا، در این گونه مراکز سایر شهرها نیز رواج یافت. بسیاری از شهرهای بزرگ اصطلاحات مشابهی، همچون مرکز‌شهر (در فیلادلفیا) و لوپ (در شیکاگو) را به کار می‌برند، اما واژه داون‌تاون، به صورت اصطلاحی رایج، کاربرد فراگیرتری دارد.

در آغاز، شاخصه‌های اصلی این گونه مراکز خرید عبارت بود از قدرت خرید طبقه متوسط در شهرهای رو به گسترش، ایجاد شبکه خیابانهای ماشین‌رو که از یک هسته منفرد مرکزی منشعب می‌شد و فنون معماری که امکان ساخت آسمان‌خراشها و فروشگاههای بسیار بزرگ را فراهم می‌ساخت. در آستانه سده ۲۰م، این گونه مراکز خرید در

مرکز شهر

و اکد معبد بزرگ (زیگورات) و در مرکز شهرهای نخستین اسلامی، دارالخلافه و مسجد جامع ساخته می‌شد و بازارها پیرامون آنها شکل می‌گرفتند.

در شهرهای قدیمی ایران، بازار هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌داد. محله‌های مسکونی در پیرامون بازار قرار می‌گرفتند و به‌وسیله گذرهایی به محور بازار وصل می‌شدند. بدینسان، بازار قلب اقتصادی و اجتماعی شهرهای ایرانی بشمار می‌رفت. بازارها علاوه بر فعالیت تجاری، مراکز مذهبی، آموزشی و اجتماعی نیز بودند و عناصر آنها به شکل خاصی به پیکر اصلی شهر متصل می‌شد.

در شهرهای امروزی، مرکز اصلی شهر در کانون تلاقی راههای اصلی شهر و خیابانها و تقاطعها و میدانهای محدوده مرکزی گسترش می‌یابند. در شهرهای امروزی که دارای شبکه منظم شطرنجی هستند، شرایط مناسب تری از الگوی شعاعی برای گسترش مرکز شهر به وجود آمده است. ناحیه مرکزی شهرهای نوین را به اختصار C.B.D (ناحیه کسب و کار مرکزی) یا ناحیه تجاری شهر می‌خوانند. در این مراکز انواع فعالیت‌های اداری، تجاری، کارگاهی، خدماتی و تفریحی و تأسیساتی مانند بانکها، هتلها، تماشاخانه‌ها و سفارتخانه‌ها در کنار یکدیگر مستقر شده‌اند. در مراکز برخی شهرها هنوز کاخها و کوشکها و خانه‌های قدیمی به جای مانده‌اند.

در بسیاری از شهرهای تاریخی مراکز جدید در جوار مراکز قدیمی رشد کرده‌اند. در برخی از شهرها مراکز جدید - جدای از مراکز قدیمی - در کانونهای ارتباطی نوین، مانند ایستگاههای قطار پدید آمده‌اند. در شهرهای ایران، الگوی اول بیشتر از الگوی دوم است. به این ترتیب، اغلب مراکز نوین شهری در خیابانها پیرامون بازار قدیمی و در فضاهای حکومتی دوره‌های گذشته شکل گرفته‌اند و آمیزه خاصی از کهنه و نو پدید آورده‌اند، مانند مرکز اصلی شهر تهران، که در خیابانهای اطراف بازار بزرگ رشد یافته و عناصر نوین خدماتی و فرهنگی، مانند موزه‌ها، و بانکها، مؤسسات مالی (در امتداد خیابان فردوسی)، سینماها، تئاترها (در امتداد خیابان لاله زار) و مراکز نوین خدماتی - تجاری (در امتداد خیابان خیام و ناصر خسرو) جای گرفته و

خدمات تجاری و شغلی و صنایع اطلاعاتی که تأمین کننده فرصت‌های همیشگی مشاغل دفتری و قدرت اقتصادی بشمار می‌روند، رونق خانه‌سازی در این مراکز و تأکید بر جنبه‌های فرهنگی و تفریحی، موجب رشد این گونه مراکز بوده است.

کتاب‌شناسی:

- Caves, R.W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge, 2005.

کارل ابوت

(عباس سعیدی)

مرکز شهر

City Center

مرکز شهرها مکانهای تمرکز یافته‌ای هستند که انواع فعالیتها و مشاغل بازرگانی و خدمات اجتماعی و عملکرد فرهنگی در آنجا متمرکز شده‌اند و معمولاً یک یا چند سامانه حمل و نقل سراسر شهر را به آنها مرتبط می‌سازد. مرکز شهرها از ۲ الگوی اصلی تبعیت می‌کنند: الگوی تک مرکزی و الگوی چند مرکزی.

الگوی تک مرکزی

در این الگو مرکز شهر از این لحاظ مانند نقطه مرکزی یک دایره است که توسط یک رشته خطوط شعاعی به تمام نقاط اطراف متصل می‌شود. البته باید توجه داشت که این تشبیه به این معنی نیست که لزوماً مراکز شهری در مرکز هندسی شهرها قرار می‌گیرند. مهم‌ترین عملکرد مراکز شهری فعالیت‌های تجاری، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، است که متناسب با شبکه خیابانهای مرکز شهر سامان می‌یابد.

در شهرهای باستانی ایران، ارگ یا کهندژ در نقطه مرکزی شهر قرار داشت، در حالی که در مرکز شهرهای بابل

به تدریج یک شبکه به هم پیوسته بسیار متراکم در مرکز شهر پدید آورده است.

الگوی چند مرکزی

در شهرهای بزرگ به علت حجم عظیم مبادلات اقتصادی و اجتماعی و تراکم شدید فعالیت و آمدو شد، کارایی مرکز شهر به حداقل کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، به علت دوری راه و دشواری دسترسی به قلب شهر به وسیله اتومبیل شخصی، مراکز جدیدی در نقاط گوناگون شهر پدید می‌آیند، که هر یک ویژگی عملکردی خاصی دارند. برخی مراکز جدید، محل خرید لباس، وسایل شخصی و لوازم خانگی هستند. بعضی دیگر مراکز تخصصی خدمات خاص، مانند خدمات پزشکی را عرضه می‌کنند. مرکز دیگری محل رستورانها، هتلها و گذران اوقات فراغت است. مراکز نوین فرهنگی و هنری در محلهای معین تمرکز پیدا می‌کنند و به همین ترتیب، مراکز عرضه مصالح و خدمات ساختمانی و همچنین کالا و خدمات وسایط نقلیه موتوری، در نزدیکی دروازه‌ها (ورودی) شهر مستقر می‌شوند. برخی مراکز به صورت یک کریدور خرید در یک خیابان شکل گرفته‌اند، مانند بازار کتاب در مقابل دانشگاه تهران و برخی به صورت مجتمعهایی به نام مرکز خرید، سامان گرفته‌اند که انواع کالا و خدمات را عرضه می‌کنند، مانند بازار گلستان در شهرک غرب. هر چند برخی از این محورها هنوز به سطح یک مرکز بزرگ نرسیده‌اند، با این حال، تنوع و گوناگونی آنها در داخل شهر، شهروندان را از رجوع به مرکز اصلی شهر بی‌نیاز ساخته و خود به محل مراجعه مشتریان خاص از تمام سطوح کلانشهر تبدیل شده‌اند. در کلانشهرها به علت درهم آمیزی انواع مراکز خدماتی-تجاری در مقیاسهای گوناگون محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، کانونهای بزرگ جدیدی به عنوان مراکز نوین و مراکز تخصصی به وجود آمده‌اند که با مرکز اصلی شهر رقابت می‌کنند.

مراکز نوین شهری

مراکز نوین شهری در کلانشهرها گاهی به صورت

فروشگاههای بزرگ و گاهی به شکل مجتمعهای متشکل از صدها مغازه و واحد تجاری- خدماتی ظاهر می‌شوند. این مراکز که به شیوه نوینی طراحی شده‌اند، همه نوع کالا از جمله پوشاک و کفش، وسایل و لوازم خانگی و اشیاء تزئینی و مواد غذایی را به بهترین وجه عرضه می‌کنند. در جوار این مراکز خرید، رستورانها و چایخانه‌ها نیز دایر است و محلهایی برای تجمع در آنها پیش‌بینی شده است. این فضاها و خدمات جانبی از جاذبه‌های این مراکز برای جلب جوانان است. این مراکز به شیوه امروزی از تسهیلات حمل و نقل و پارکینگ برخوردار هستند. برخی از این مراکز در محل ایستگاههای پر رفت و آمد قطار شهری (مترو) تأسیس می‌شوند، به شیوه‌ای که سالنهای فروشگاه و گالریهای مترو در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند، تا مسافران قطارهای شهری از آنجا خرید کنند. همین ترفند در مورد پارکینگ اتومبیلهای شخصی به کار بسته می‌شود، بدین ترتیب که ساختمان پارکینگهای طبقاتی و ساختمان فروشگاهها به گونه‌ای به همدیگر متصل می‌شوند که آسانسورها، راهروها و پله‌های برقی افراد را خودبه‌خود به بخشی از فروشگاههای بزرگ هدایت می‌کنند.

یکی از مراکز نوین خرید که در امریکا رایج است مال (Mall) نامیده می‌شود. مال نوعی مرکز خرید بزرگ چند منظوره و بسیار مجهز است که به صورت سرپوشیده و پیاده‌راه طراحی شده است. مال علاوه بر مرکز خرید انواع کالاها، مرکز عرضه انواع خدمات ورزشی و تفریحی برای گذران اوقات فراغت نیز هست. این مراکز خاص شهرهای بزرگ ایالات متحده امریکا است که دارای قدرت سرمایه‌گذاری بسیار کلان است. مرکز پن در فیلادلفیا، مرکز ویل ماری در مونترال کانادا در این خصوص شهرت جهانی دارند. بازار سرپوشیده مال در هوستن امریکا به دلیل آب‌وهوای گرم و مرطوب این شهر چنان فضایی با تأسیسات تهویه مطبوع ایجاد کرده است که مشتریان به خاطر هواخوری و گردش و ورزش نیز سری به آنجا می‌زنند.

در شهرهای اروپایی که مراکز شهری آنها از غنای فرهنگی و اجتماعی بیشتری برخوردارند، این گونه مراکز به

خدمات دانشگاهی، بیمارستانی، تجاری، آموزشهای گوناگون، تفریحی و فرهنگی. هر بخش یا منطقه به طور کلی دارای جمعیتی حدود ۲۵۰ هزار نفر، یعنی به اندازه یک شهر متوسط است و بایستی در همان مقیاس شهری، پاسخگوی نیازهای این جمعیت باشد. به این ترتیب، هر شهر به تناسب وسعت به چندین بخش تقسیم می شود، چنان که شهر تهران به ۲۲ منطقه و شهر اصفهان به ۶ منطقه و شهر لندن به ۳۳ کانتی تقسیم شده اند.

در اینجا بی مناسبت نیست که گفته شود، اصطلاح منطقه در تقسیمات درون شهری با تقسیمات سیاسی - عمرانی درون کشور متفاوت است؛ با این وجود، این ۲ با همدیگر اشتباه می شوند. در گذشته نه چندان دور، شهرداریها این تقسیمات را بخش می نامیدند، که واژگانی درست تر از منطقه بود (← منطقه).

مرکز ناحیه مسکونی. بر اساس تقسیمات شهرداریها، هر منطقه به تعدادی واحد کوچک تر به نام ناحیه تقسیم می شود که معمولاً جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر - به اندازه یک شهر کوچک - دارد. در هر ناحیه به تناسب جمعیت و وسعت یک مرکز تجاری - خدماتی شکل می گیرد، تا نیازهای حوزه پیرامون خود را تأمین نمایند. در شهرسازی نوین معیار مرکزیت ناحیه تأمین خدمات اجتماعی تا حد یک دبیرستان پسرانه و دخترانه است، به طوری که دانش آموزان این مقطع تحصیلی از فاصله یکسان در زمان نیم ساعت به مدرسه دسترسی داشته باشند.

اصطلاح ناحیه نیز مانند اصطلاح منطقه دارای کاربردهای مختلفی در سطوح مختلف است. اصطلاح ناحیه از نظر جغرافیایی مترادف یک زیرمنطقه است که یک یا چند شهرستان را دربر می گیرد (← ناحیه). البته این مفهوم با مفهوم ناحیه در شهر کاملاً متفاوت است. در گذشته نه چندان دور شهرداریها این قسمت از شهر را برزن می نامیدند که مفهومی بسیار گویا و بزرگ تر از کوی بود (کوی نام فارسی محله امروزی است).

مرکز محله. مرکز محله یا کوی کوچک ترین واحد اجتماعی در شهرهای قدیم ایران و به طور کلی، به معنی محل سکونت شهروندان است. هر محله بر حسب معیارهای

تازگی از نظر اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته اند. بعضی شهرها، خیابانها و کوچه های منتهی به مرکز شهر، تبدیل به بازارها یا گالریهای سرگشوده خرید شده اند. ورود اتومبیل به این مراکز ممنوع است. نمونه ممتاز آن، بازار شهر کلن در آلمان است که به تازگی خیابانهای منتهی به کلیسای اعظم کلن تبدیل به پیاده راه و بازار خرید شده است.

هماهنگی مراکز شهری قدیم و جدید در برخی از شهرها، به ویژه در شهرهای توریستی مشهور جهان، مانند پاریس، رم، فلورانس و کلن، آمیزه بسیار زیبا و جذابی را پدید آورده اند. برنامه ریزی و طراحی آگاهانه این مراکز سبب شده است که هر روز سرزنده تر، جذاب تر و پررونق تر شوند. یکی از ابزارهای موفقیت این مراکز شهری، ارتباط خلاق آنها با تسهیلات قطارهای شهری و دیگری زیباسازی یا به عبارتی درست تر، بهسازی فضاهای شهری در مراکز نوین است.

سلسله مراتب مراکز شهری

در شهرسازی نوین، شهرها بر حسب تقسیم بندی درونی و با ملاحظه مراکز خدماتی - تجاری، به صورت سلسله مراتبی به مراکز منطقه، ناحیه، محله و واحد همسایگی تقسیم می شوند. بر پایه این تقسیم بندی نظام شهری متشکل است از تعداد زیادی واحد همسایگی که در چارچوب تعدادی محله که به نوبه خود در قالب چندین ناحیه موجود در تعدادی منطقه سازماندهی می شوند. هریک از این قسمتها دارای مرکزی است که باید نیازهای جمعیت حوزه خود را تأمین نماید. بر همین اساس، مرکز اصلی شهر دارای نقش شهری - فراشهری و حتی ملی و بین المللی است و نقش سایر مراکز در سطوح پایین تر تأمین نیازهای شهروندان در مقیاسهای گوناگون مطرح است. الگوی سلسله مراتبی مراکز شهری بر حسب تقسیم بندی عدالت توزیعی دارای مشخصات زیر است:

مرکز منطقه. هر شهر بزرگ به تعدادی بخش یا منطقه قابل تقسیم است. هر بخش یا منطقه نیازمند مرکزی است که نیازهای عمده جمعیت حوزه خود را تأمین نماید، مانند

با توسعه فناوری حمل و نقل، به ویژه استفاده از اتومبیل شخصی، شهرها روبه گسترش گذاشتند و با توجه به سهولت دسترسی به حومه‌ها، به ویژه در امتداد بزرگراهها یا ایستگاههای قطار، این سکونتگاههای جدید رشد کردند و به تدریج، از مرکز شهر فاصله بیشتری گرفتند. طی مسافت بین حومه‌ها و مادرشهر به وسیله اتوبانها، بزرگراهها و قطار شهری سرعت زیادی گرفته است. البته به تناسب بزرگتر شدن شهرها، جمعیت و فعالیت و آمدوشد نیز در مرکز شهر روبه فزونی گذاشته است. به منظور دسترسی بهتر، سامانه‌های حمل و نقل همگانی، مانند اتوبوس، مترو و تراموا بهبود یافته است و در عوض تسهیلات مورد نیاز پارکینگ در مراکز شهری گسترش یافته است. توسعه فعالیتها باعث توسعه سامانه حمل و نقل و توسعه تأسیسات حمل و نقل موجب توسعه فعالیتها در مرکز یا مراکز شهری شده است.

تراکم در مرکز شهر

ناحیه مرکزی شهر به علت همگرایی راهها و سامانه‌های حمل و نقل عمومی، گره (Node) همبسته ارتباطات اصلی شهر است. راهها در مراکز شهر به محورهای تجارتي- خدماتی بسیار متراکم و پر رفت و آمد تبدیل می‌شوند. بالاترین حجم آمدوشد سواره و پیاده و وسایط نقلیه معمولاً در خیابانهای مرکز شهر اتفاق می‌افتد.

بر اساس یک بررسی در منطقه ۱۲ شهر تهران که قلب مرکز شهر تهران محسوب می‌شود، این منطقه در ۱۳۸۳ اش نزدیک به ۱۸/۸٪ از کل واحدهای تجاری- تولیدی شهر تهران را در خود جای داده بود. این مقدار بیش از ۶۰٪ کل واحدهای عمده‌فروشی و ۱۹٪ کل واحدهای خرده‌فروشی شهر تهران را دربر می‌گرفت.

به همین نسبت نیز نظام حرکت در مرکز شهر تهران پر تراکم و شلوغ است. دشواری حرکت در منطقه مرکزی (منطقه ۱۲) و بازار شهر تهران، به دلیل تداخل مداوم فعالیتهای بارگیری و باراندازی با حرکت انبوه پیاده‌ها، روزبه‌روز متراکم‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. البته دشواریهای مربوط به نفوذناپذیری راههای بافت قدیم و بازار نیز در این پیچیدگی مؤثر است. روزانه ۴۰۰ هزار نفر از مشتریان

شهرسازی نوین، متشکل از چند واحد همسایگی است. هر محله دارای جمعیتی بین ۱۰-۱۲ هزار نفر است. محله شهرهای قدیمی ایران شامل مسجد، مدرسه، حمام و تکیه بود. جمعیت هر محله از ۱۰,۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. هر محله بزرگ دارای تعدادی زیرمحله کوچک‌تر بودند که با واحد همسایگی امروزی برابری می‌کردند. در عصر جدید، به دلیل تراکم جمعیت و گستردگی شهرها، تأمین خدمات بهداشتی، آموزشی و ورزشی را بر پایه تقسیمات محله‌ای می‌توان به نحو عادلانه‌تری توزیع کرد. از این دیدگاه، مراکز محله‌ای دارای یک مدرسه راهنمایی پسرانه، یک مدرسه راهنمایی دخترانه، یک مسجد محله‌ای و چندین مغازه برای مایحتاج عمومی به صورت یک بازارچه در مرکز محله است.

مرکز واحد همسایگی. پایگاه اصلی تقسیمات شهری نوین برای توزیع عادلانه خدمات اجتماعی و کوچک‌ترین واحد شهری، واحد همسایگی است. در واحد همسایگی ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت را در نظر می‌گیرند. واحد همسایگی اجتماعی از مردمان بیگانه‌ای است که نیاز به آشنایی چهره‌به‌چهره با همدیگر و مشارکت و همکاری اجتماعی دارند. معیار مرکز یک واحد همسایگی یک دبستان ۱۰ کلاسه پسرانه و یک دبستان ۱۰ کلاسه دخترانه، به اضافه چند مغازه تأمین‌کننده مایحتاج، یک زمین بازی و یک فضای سبز برای قدم زدن بزرگان و بازی کودکان است. ایده اصلی واحد همسایگی بعد از پیوندهای اجتماعی، حرکت پیاده و رسیدن به مرکز آن است. (← واحد همسایگی)

مرکز شهر و شبکه ارتباطی

شهرها اغلب به تناسب شعاع دسترسی به خدمات متمرکز، به صورت یک مرکزی یا چند مرکزی شکل می‌گیرند. در الگوی تک مرکزی، تمام فعالیتهای تجاری- خدماتی و تفریحی در مرکز شهر متمرکز می‌شوند و مرکز شهر در واقع محل همگرایی راهها و شبکه دسترسیهای شهر است. در این الگو شبکه ارتباطی شهر به صورت شعاعی شکل می‌گیرند و از این رو، مرکز شهر بسیار متراکم و شلوغ است.

شخصی و وسایط نقلیه عمومی قرار دارند، دستخوش تنگناهای شدید ترافیکی هستند. از سوی دیگر، روزبه‌روز بر میزان فعالیت و تعداد شاغلان مرکز شهر افزوده می‌شود، در حالی که به همان نسبت امکان توسعه فضایی وجود ندارد. راهکارهای گوناگون برای این مسئله در شهرهای مختلف جهان عرضه شده است:

• **جداسازی تجارت عمده‌فروشی از خرده‌فروشی.** عمده‌فروشی به انبارها و فضاهای بزرگ نیاز دارد، مانند میدان تره‌بار (میوه). علاوه بر این، نوع فعالیت در این بخش مستلزم تردد کامیونها، وانت‌بارها و تعداد شاغلان و مراجعان زیاد است. بنابراین، انتقال آنها، همراه با انبارها به خارج از محدوده شهر، البته با قابلیت دسترسی خوب، باعث کاهش فعالیت و تقلیل آلوده‌شدن در مرکز شهر می‌گردد.

• **انتقال کارگاههای تولیدی بزرگ و آلودگی‌زا به خارج از محدوده شهرها.** این اقدام موجب کاهش آلودگی و تردد شاغلان و میزان آلوده‌شدن در مرکز شهر خواهد شد و بدینسان، فضاهای بیشتری برای خدمات عمومی و خرده‌فروشی برجای می‌ماند.

• **جداسازی ترافیک عبوری از ترافیک محلی.** این اقدام به منظور روان‌سازی آلوده‌رفت، تقلیل سروصدا و آلودگی هوا ضروری است. ترافیک عبوری به وسیله تونلهای زیرزمینی یا خیابانهای کمربندی درون شهری، از ترافیک مرکز شهر جدا می‌گردد.

• **ممنوعیت ترافیک.** در برخی از شهرهای بزرگ، برای تنظیم ترافیک مرکز شهر، آلوده‌رفتهای غیرضروری در محدوده معینی از مرکز شهر، طبق ضوابط خاص، ممنوع می‌شود. بدین ترتیب، ترافیک مرکز شهر در ساعات معینی از روز کاهش می‌یابد و تنها وسایط نقلیه عمومی و ساکنان و شاغلان با مجوز خاص حق آلوده‌رفت در خیابانهای مرکز شهر را دارند.

• **پیاده‌راه سازی.** در برخی از شهرهای بسیار خوب دنیا، محدوده مرکز شهر به کلی بر روی اتومبیلهای عمومی و خصوصی از هر نوع، (به جز آمبولانس و آتشنشانی، بسته می‌شود و تمام معابر و مسیرهای درون محدوده مرکز شهر

و شاغلان وارد بازار می‌شوند. حرکت پیاده‌ها در معبر بازار با عناصر مزاحمی، همچون موتور سیکلتها، کوله‌بارها و چرخ‌دستیها مواجه می‌شود. این عوامل باعث مزاحمتهایی برای مشتریان پیاده و آلودگی هوا و صدا در درون بازار شده است. خیابانها و پیاده‌روهای مرکز شهر مملو از پیادگانی است که برای خرید در آلوده‌رفت و برای سوار شدن در انتظار به سر می‌برند.

به تناسب تراکم شدید فعالیت و آلوده‌رفت تعداد بی‌شمار شاغلان و مراجعان، تراکم ساختمانی نیز در مرکز شهر افزایش می‌یابد. حجم ساختمانها نشانگر حجم عظیم سرمایه‌گذاری است، چنان‌که در برخی از شهرهای بزرگ دنیا، مانند نیویورک، شیکاگو، سیدنی و فرانکفورت، مرکز شهر با بناها و برجهای بلند شناخته می‌شود، در حالی که در نواحی اطراف این مراکز، ارتفاع ساختمانها یکباره کاهش می‌یابد.

در مرکز شهرهای ایران که با مرکز قدیمی شهر، یعنی بازار، ادغام شده است، تراکم ساختمانی به صور گوناگون رخ داده است. در بر خیابانها واحدهای کهنه و فرسوده تخریب و به جای آنها ساختمانهای چند طبقه جدید احداث شده است. اغلب این ساختمانها از نظر فرم و شکل با بافت قدیم ناهماهنگ است.

در بخشی از مرکز شهر در ساختمانهای قدیمی، تراکم فعالیت در واحد تجاری یا تولیدی، گاهی به ۱۰-۲۰ نفر می‌رسد که نسبت به سطح و فضای کارگاه و یا مغازه، فوق‌العاده متراکم است. در ۱۳۷۳ش در بخش بازار شهر تهران، ۴۰۲ هزار نفر شاغل بودند که در ۱۳۸۳ش به ۵۲۷ هزار نفر افزایش یافت. در عوض، از جمعیت ساکن بخش مرکزی شهر تهران پیوسته کاسته می‌شود، به گونه‌ای که طی سالهای ۱۳۵۹-۱۳۸۳ تعداد واحدهای مسکونی از ۱۶۳۰ به ۶۲۹ واحد کاهش یافته است. این بدین معنا است که خانه‌ها تبدیل به کارگاه یا انبار شده‌اند. در همین دوره، میزان جمعیت محله بازار از ۳/۴٪ کل منطقه ۱۲ به ۱/۲٪ رسیده است.

سیاستهای کاهش تراکم در مرکز شهر

مراکز شهرها که امروزه در سیطره عبور و مرور اتومبیلهای

در درون این مجموعه، به‌عنوان گره (Node)، محل‌های مناسبی برای تشکیل مراکز تجاری-خدماتی و یا مراکز تجاری-تفریحی فراهم آوردند. فروشگاه‌های بزرگ با استقرار در این نقاط و ایجاد پارکینگ‌های بسیار بزرگ و مجهز، مراکز نوینی را در درون و بیرون شهرها ایجاد کردند. البته دسترسی ساکنان پیرامون شهر و درون شهر به این مراکز بسیار آسان‌تر شد. این مراکز به دلیل تجهیز تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز مشتریان، به‌سرعت توسعه‌یافته، به مراکز نوین شهری ارتقاء یافتند.

مسائل مرکز شهر

مراکز شهرها دستخوش انواع مشکلات ناشی از تراکم آمدو شد، ازدحام شاغلان و تعداد خریدکنندگانی هستند که روزبه‌روز افزایش می‌یابند. مسئله دیگر، کهنگی و فرسودگی بافت‌های شهری و عناصر ساختمانی در ناحیه مرکز قدیمی شهرهاست. ساختمان‌های فرسوده، کوچه‌های کم‌عرض (کمتر از ۶ متر)، تراکم فعالیت‌های تولیدی و انبارداری قابلیت پذیرش عملکرد جدید در مرکز شهر را به حداقل کاهش داده است. از سوی دیگر، حفاظت از سرمایه‌ها و میراث‌های موجود در مراکز قدیمی ایجاد می‌کند که بناهای باارزش و بافت‌های باارزش شهری بازسازی شوند. البته بازسازی بی‌رویه ساختمان‌های کهنه به‌شکل ساختمان‌های چند طبقه با مصالح نامناسب و معماری ناهماهنگ در کنار خیابانها، به‌ویژه به‌شکل پاساژهای جدید، مشکلات ناحیه مرکزی شهرهای ایران را تشدید کرده است و ناهماهنگی سیمای شهری را فزونی بخشیده است.

اشباع کاربری‌های تجاری در بر خیابانها سبب شده است که اغلب این کاربریها به داخل کوچه‌های کم‌عرض نیز نفوذ کنند و فضاهای تجاری با فضاهای مسکونی درهم آمیخته، عملاً ساکنان مرکز شهرها را از زندگی در این ناحیه بیزار سازد، به‌نحوی که ایشان محل را ترک می‌کنند و به مشکلات مرکز شهر به‌صورت متروکه شدن خانه‌ها و غیرمسکونی شدن ناحیه مرکز شهر می‌افزایند. خانه‌ها به‌تدریج تبدیل به انبار و کارگاه شده، بیش از پیش فرسوده و مخروبه می‌شوند و با کاهش جمعیت ساکن در مرکز

به پیاده‌رو و پیاده‌راه اختصاص می‌یابد. این پیاده‌راهها را با انواع مبلمان شهری، مثل مجسمه‌ها، گلدانها و باغچه‌های زیبا، نورپردازی و زیباسازی می‌کنند تا خریدکنندگان علاوه‌بر خرید، از پیاده‌روی و گردش در مرکز شهر لذت ببرند. اتومبیل‌های شخصی نیز در خیابانهای کمربندی پیرامون مرکز شهر تردد می‌کنند و در صورت نیاز از پارکینگ‌های طبقاتی در کناره بیرونی مرکز شهر استفاده می‌کنند، تا خریدکنندگان پیاده در مرکز شهر رفت‌وآمد کنند.

البته دسترسی آسان به مرکز شهر، چندبعدی است و نمی‌توان تنها به دسترسی مترو بسنده کرد. افراد مختلف با مقاصد متفاوت از نواحی دور و نزدیک به مرکز شهر مراجعه می‌کنند و هر یک ممکن است برای استفاده از وسیله نقلیه عمومی یا خصوصی دلیل خاصی داشته باشند. نمی‌توان برخی از ضرورتها را در استفاده از اتومبیل شخصی نادیده گرفت. بی‌توجهی به این امر موجب سوق دادن خریداران به سوی مراکز خرید خاصی می‌شود که ممکن است بر کار و شغل و زندگی گروه وسیعی از مردم تأثیر نامطلوب داشته باشد.

توسعه فعالیت‌های گوناگون گردشگری، تفریحی و پذیرایی، بهبود سامانه‌های حمل‌ونقل عمومی و شبکه ارتباطات، کاهش آلودگی هوا و صدا، کاهش عبور و مرور و وسایط نقلیه خصوصی و عمومی، ایجاد پیاده‌راهها و مسیرهای دوچرخه، از جمله سیاست‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت مراکز شهری در شهرهای خوب جهان بوده است.

تحول در الگوی مراکز شهری

در سده ۲۰م، با گسترش قطار شهری و ساختن بزرگراهها الگوی آمدو شد در شهرها دگرگون شد و به‌دنبال سرعت رفت‌وآمد و گسترش پهنه‌ای شهرها، الگوی مراکز شهری نیز متحول شد و در حومه شهرهای بزرگ شهرکها و شهرهای جدید پدید آمدند. درواقع، شبکه بزرگراهها و شبکه قطارهای شهری این مجموعه پراکنده سکونتگاهها را به یکدیگر پیوند دادند و مجموعه شهری به‌صورت جدیدی شکل گرفت. ایستگاههای قطار شهری و محل تلاقی راهها

اغلب مغازه‌های مدرن، هتلها و دفاتر فنی و تجاری در داخل محدوده به مرز بیرونی آن منتقل شده است.

از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری ناپستی به مراکز شهرها به‌عنوان اندامهای فرسوده و یا موزه‌های تاریخی نگاه کرد، بلکه مرکز شهر قلب شهرها محسوب شده و کارایی و سلامت آن موجب سرزندگی اجتماعی و رونق اقتصادی شهرها می‌شود. بهسازی مراکز شهرهایی همچون پاریس و اصفهان تجربیات بسیار باارزشی است که می‌تواند مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

کتاب‌شناسی:

- ابوالحسنی، مهناز. «اثر دسترسی و محدودیت دسترسی بر ساختار فضایی - کالبدی شهرها»، فصلنامه مدیریت. شماره ۱۴، ۱۳۸۲.
- سعیدنیا، احمد. «نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی»، مجموعه کتاب سبز. جلد ۴. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.
- مهندسان مشاور باوند. بهسازی، نوسازی و تجهیز بازار تهران. تهران: منطقه ۱۲ شهرداری تهران، ۱۳۸۵.
- American Planning Association (APA), *Planning and Urban Design Standards*. Wiley, 2006.
- Caves, Roger W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.
- Gallion, Arthur; Eisern, Simon and Eisner, Stanley. *The Urban Pattern*. 6th ed. VNR, 1993.
- Watson, D. ; Plattus, A. and Shibley, R. *Standards for Urban Design*. McGraw-Hill, 2003.

احمد سعیدنیا

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

فعالیت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در ۱۳۵۲ش با تأسیس شورای نظارت بر گسترش شهر تهران آغاز شد. این شورا به‌منظور تعیین خط‌مشی و ایجاد هماهنگی و نظارت بر توسعه شهر تهران و جلوگیری از رشد نامحدود آن در حد فاصل بین محدوده خدمات شهری موجود و محدوده ۲۵ ساله، از طریق سیاستگذاری در زمینه صدور پروانه احداث مراکز اداری، صنعتی،

سرزندگی و جریان طبیعی زندگی در مرکز شهر عملاً از میان رفته و زمینه مناسبی برای بزهکاریهای اجتماعی فراهم می‌آید.

هویت تاریخی مرکز شهر

ناحیه مرکزی شهرها، معمولاً، ناحیه تاریخی شهر نیز هست و مظاهر گوناگون تمدنی، مانند موزه‌ها، کاخهای قدیمی، میدانها، مساجد، فضاهای تاریخی، بازارها و خیابانها قدیمی شهر در این نواحی قرار دارند.

مراکز شهری، در شهرهای تاریخی آکنده از نمادها و نشانه‌های قدیمی، گلدسته‌ها و گنبدهای مساجد و کلیساها هستند که بیشتر آنها جزو میراث فرهنگی آن شهر و یا کشور و در برخی موارد حتی میراث فرهنگی جهانی محسوب می‌شوند (مانند میدان نقش جهان اصفهان).

البته تأکید یک‌طرفه بر ارزشهای میراث فرهنگی و نادیده گرفتن کارکردهای جدید اجتماعی و کارایی مرکز شهر در ایفای نقش خود موجب تنزل موقعیت اجتماعی - اقتصادی مراکز شهری خواهد شد و به‌تدریج، این‌گونه مراکز بسیار باارزش شهری به‌صورت بافتهای فرسوده درمی‌آیند. بدین ترتیب، رفته‌رفته ناحیه مرکزی شهر سرزندگی خود را از دست می‌دهد و به موزه شهری مرده‌ای تبدیل می‌شود.

بازسازی مرکز شهر

بازسازی مرکز شهر پیچیده‌تر از بازسازی سایر بخشهای شهر است. بالا بودن قیمت زمین، ساختمان و سرقفلی از یکسو و فعال بودن واحدهای اقتصادی از سوی دیگر، از موانع اصلی بازسازی مرکز شهر هستند.

در بافتهای تاریخی ایران، اجرای ضوابط میراث فرهنگی، نوسازی مراکز شهری را غیرممکن ساخته است. اجرای برنامه محدوده ترافیکی در برخی از شهرها نیز به‌جای نوسازی و بهسازی بافتهای مخروبه، باعث انتقال بسیاری از عملکردها به خارج از محدوده ترافیکی شده و به فرسودگی بیشتر بافتهای تاریخی منجر شده است. این تجربه در تهران مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نتیجه،

بهداشتی، ورزشی، بناهای مسکونی و تفکیک اراضی شکل گرفته بود.

در ۱۳۵۶ش با تأسیس کمیسیون ماده ۵ (← کمیسیون ماده ۵) شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (← شورای عالی شهرسازی و معماری ایران) و تکمیل توسعه محدوده ۲۵ ساله شهر تهران، شورای نظارت بر گسترش این شهر عملاً تعطیل گردید و دبیرخانه آن به صورت مستقل و با عنوان دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به فعالیت خود ادامه داد.

کانون فعالیت‌های این مرکز از آغاز بر برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت شهری تهران استوار بود، اما تحولاتی که از اواخر دهه ۱۳۶۰ش در مدیریت شهرداری تهران به وجود آمد، نقطه عطف مهمی در تاریخچه این مرکز ایجاد کرد. بازخورد این دوره فعال را می‌توان در مطالعات شناخت وضع موجود ویژگی‌های مختلف شهر تهران، بررسی محیط درونی و بیرونی شهرداری تهران و تهیه و تدوین اولین برنامه راهبردی شهر تهران تحت عنوان تهران ۱۰ مشاهده نمود.

بر اساس انعقاد موافقتنامه‌ای بین شهرداری تهران و وزارت مسکن و شهرسازی (← وزارت مسکن و شهرسازی) مبنی بر تهیه همزمان طرح جامع و تفصیلی جدید شهر تهران در نیمه دوم ۱۳۸۲ش، محور فعالیت‌های این مرکز تغییر یافت. از آن پس، نهاد مدیریت تهیه طرح‌های توسعه شهری شهر تهران (طرح‌های جامع، تفصیلی، موضعی و موضوعی) در این مرکز مستقر شد و علاوه بر وظایف مطالعاتی و پژوهشی گذشته، تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران نیز در دستور کار آن قرار گرفت. در ۱۳۸۵ش با توجه به اتمام فرایند تهیه و بررسی طرح جامع و تفصیلی شهر تهران، نهاد مدیریت و برنامه‌ریزی تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران در فروردین ماه ۱۳۸۶ش از مرکز جدا شد.

با توجه به فقدان برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه برای توسعه مدیریت شهری تهران، همواره ضرورت نهادی که بتواند به صورت مستمر این نقش را ایفا نماید، وجود داشته است. تقویت بنیانهای فکری و راهبردی فعالیت‌های مدیریت

شهری تهران برای پی‌جویی راه‌حلهای کلان مسائل و مشکلات کلانشهری و ایجاد تعاملات درون و برون‌سازمانی نظام‌مند و مستمر در این خصوص، از الزامات آن بوده است. از این رو، ایجاد مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران به تصویب شورای مطالعات راهبردی شهرداری تهران رسید و از ابتدای ۱۳۸۶ش، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران دوره جدیدی را با تمرکز بر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی برای توسعه مدیریت شهری تهران آغاز کرد. هدف از فعالیت‌های این دوره، بیشتر، تولید گزاره‌های راهبردی و تصمیم‌سازی برای مدیریت شهرداری تهران است. بر همین اساس، این مرکز، که قبلاً در ذیل نمودار سازمانی معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی شهرداری تهران بود، در این دوره زیر نظر مستقیم شهرداری تهران قرار گرفت. شرح وظایف و تشکیلات سازمانی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در دوره جدید به قرار زیر پیش‌بینی شده است:

- تأسیس شورای عالی مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهرداری تهران؛
- ایجاد کمیته‌ها و کارگروه‌های مطالعات راهبردی شهرداری تهران؛
- شناسایی و بررسی نیازهای مطالعاتی و پژوهشی مقیاس راهبردی شهر و شهرداری تهران و تبدیل آن به پروژه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی برای ارائه به شورای عالی مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی شهرداری تهران؛
- انجام مطالعات و پژوهش‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛
- تهیه برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛
- مدیریت اجرای برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛
- بررسی تخصصی برنامه‌های ارائه شده توسط حوزه‌های مختلف مدیریت شهری تهران؛
- تعامل مستمر با دبیرخانه کلانشهرهای کشور؛
- تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی بلندمدت (۱۰ ساله) مدیریت شهری تهران؛
- تهیه و تدوین برنامه‌های اجرایی میان‌مدت (۵ ساله)

کتاب‌شناسی:

- اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. *اهم وظایف معاونتها و واحدهای شهرداری تهران*. ۱۳۶۷.
 - جهانگیر منصور. *مجموعه قوانین و مقررات شهر و شهرداری*، ۱۳۸۵.
 - جعفرزاده، علی. «سیری بر تاریخ تأسیس شهرداریها در ایران»، *ماهنامه شهرداریها*. شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
 - حجتی اشرفی، غلامرضا. *مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی*. چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
 - حیدرنیا دلخوش، تورج. «بررسی وظایف قانونی شهرداریها»، *ماهنامه شهرداریها*. شماره ۵۲، ۱۳۸۲.
 - سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران. *اساسنامه*، ۱۳۸۰.
 - شهرداری تهران، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات. *کارنامه عملکرد شهرداری تهران*، ۱۳۸۴.
 - *روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران*. مجموعه قوانین، ۱۳۷۳.
 - کمانرودی کجوری، موسی. *طرح تشکیلات کلی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران*. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۶.
 - مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران. *اطلاعات کاربریهای مختلف در مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران*، ۱۳۸۰.
 - مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و اداره کل تشکیلات و آموزش شهرداری تهران. *مطالعات اجمالی شرکتها و سازمانهای شهرداری تهران*، ۱۳۸۱.
 - مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. *پروژه مطالعاتی و پژوهشی طراحی نظام ارزیابی عملکرد مناطق و سازمانهای وابسته به شهرداری تهران*. گزارش مرحله دوم (جلد اول تا چهارم)، ۱۳۸۵.
- موسی کمانرودی

مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران

اساسنامه مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران در تاریخ ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۷۸ش و براساس پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی، به تصویب هیئت وزیران رسید. هدف از تشکیل این مرکز، هماهنگ کردن، متمرکز ساختن و اجرای برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه شهرسازی و معماری در کشور و تهیه ضوابط، معیارها و

مدیریت شهری تهران؛

- ایجاد و بهنگام‌سازی مستمر سامانه اطلاعات اشخاص حقوقی و حقیقی علمی، مطالعات، پژوهشها و برنامه‌های توسعه مدیریت و شهری تهران؛
 - مدیریت (نظارت، کنترل، ارزیابی) فرایند اجرای برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛
 - چاپ و انتشار و اطلاع‌رسانی مستمر نتایج مطالعات، پژوهشها و برنامه‌های راهبردی توسعه مدیریت و شهری تهران؛
 - تعامل منظم با نهادهای مطالعاتی، تحقیقاتی و مدیریتی مرتبط داخل و خارج کشور؛
 - برگزاری همایشهای داخلی و بین‌المللی و کارگاههای آموزشی.
- تشکیلات شامل:
- **حوزه دفتر ریاست شامل:**

۱. دفتر ریاست؛
۲. روابط عمومی و بین‌الملل؛
۳. کمیته‌ها و کارگروههای تخصصی مطالعات راهبردی، دبیرخانه شورای مطالعات راهبردی شهرداری تهران؛ و
۴. مشاوران.

• **معاونت پژوهشی شامل:**

۱. شورای پژوهشی مرکز؛
۲. مدیریت پژوهش (گروهها و کارشناسان پژوهشی)؛
۳. مدیریت آمار، اسناد و فناوری اطلاعات و ارتباطات (کتابخانه و مرکز اسناد، سایت کامپیوتر، پایگاه اطلاعات شهر (GIS)؛
۴. مدیریت تألیف، ترجمه و نشر؛ و
۵. مدیریت کنترل پروژه‌ها.

• **معاونت مالی و اداری شامل:**

۱. مدیریت اداری (امور اداری، دبیرخانه، آموزش، چاپ و انتشارات)؛
۲. مدیریت مالی (بودجه، حسابداری، امور حقوقی و قراردادهای)؛ و
۳. مدیریت پشتیبانی (تدارکات و اموال، خدمات فنی، خدمات عمومی).

- برگزاری همایشها و میزگردهای تخصصی و بین‌المللی با رعایت ضوابط مربوط؛
- عرضه خدمات کارشناسی، مشاوره‌ای و مطالعاتی به بخشهای دولتی، عمومی و خصوصی در زمینه‌های معماری و طرحهای توسعه و عمران در مقیاسهای ملی تا محلی؛
- تشکیل نمایشگاه از کارهای مختلف معماری و شهرسازی؛
- برگزاری و شرکت در مسابقات شهرسازی و معماری و جشنواره‌های تخصصی؛
- تهیه، تدوین و ترجمه آثار و نتایج تحقیقات علمی و فنی مرتبط با مسائل تخصصی، به منظور ارتقاء سطح دانش شهرسازی و معماری با تأکید بر جنبه‌های اسلامی در کشور؛ و
- چاپ کتب و نشریات و تهیه و توزیع فیلمهای آموزشی و تخصصی.

ارکان این مرکز متشکل از هیئت‌امنا، رئیس مرکز و شورای پژوهشی است. ترکیب هیئت‌امنا، متشکل از ۱۱ نفر است که عبارتند از: وزیر مسکن و شهرسازی (رئیس هیئت‌امنا)، معاون شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی (نایب‌رئیس)، رئیس مرکز و دبیر هیئت‌امنا، نمایندگان از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی، یکی از رؤسای دانشکده‌های معماری و شهرسازی (به انتخاب وزیر مسکن و شهرسازی) و ۴ نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران از میان خبرگان شهرسازی و معماری، به پیشنهاد معاون شهرسازی و معماری و تأیید وزیر مسکن و شهرسازی. وظایف هیئت‌امنا، به‌طور خلاصه، تعیین خط‌مشیها، سیاستها و بررسی برنامه‌های تشکیلاتی و پژوهشی و مالی و نیز آئین‌نامه‌های مرتبط با مرکز است.

رئیس مرکز بالاترین مقام اداری و اجرایی آن محسوب می‌شود که در ارائه خط‌مشیها، تهیه و پیشنهاد تشکیلات، تهیه و تدوین آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی و تنظیم برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه، پیشنهاد اعضای شورای پژوهشی به هیئت‌امنا و کلیه امور اجرایی مرکز دارای اختیار

آئین‌نامه‌های مرتبط، به‌ویژه در زمینه شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی و همچنین انجام راهنماییهای لازم در زمینه تهیه و اجرای طرحهای شهرسازی و معماری متناسب با نیازهای کشور است.

وظایف اساسی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، به‌طور خلاصه، به قرار زیر است:

- تحقیق و پژوهش در مبانی نظری و بنیادی شهرسازی و معماری اسلامی و رشته‌های وابسته؛
- تحقیق و بررسی در زمینه معماری مساجد و جایگاه آن در شهرسازی اسلامی و طراحی مناسب و تحول اساسی در آن؛
- تحقیق و بررسی در زمینه دوره‌های مختلف شهرسازی و معماری سنتی و ملی ایران، به‌ویژه در دوره اسلامی؛
- تحقیق و بررسی به‌منظور تهیه ضوابط، معیارها و آئین‌نامه‌های مرتبط با تهیه و اجرای طرحها و برنامه‌های شهرسازی در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی، منطقه‌ای و پیشنهاد آن به مراجع ذی‌ربط؛
- برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی و تکمیلی در زمینه شهرسازی و معماری با رعایت مقررات مربوط؛
- ایجاد ارتباط و همکاری و مشارکت با مراکز آموزش عالی، مؤسسات پژوهشی و تشکلهای حرفه‌ای مرتبط با فعالیتهای مرکز در داخل و خارج کشور با رعایت مقررات مربوط؛
- اعطای تسهیلات فنی به دانشجویان و پژوهشگران شهرسازی و معماری در ارتباط با تحقق اهداف مرکز؛
- ایجاد پایگاههای اطلاعاتی مناسب، به‌منظور ارائه خدمات پشتیبانی به تهیه‌کنندگان طرحهای شهرسازی و معماری و سازمانهای ذی‌ربط؛
- عرضه خدمات نرم‌افزاری (رایانه‌ای) در بخشهای شهرسازی و معماری و تهیه و تولید نرم‌افزارهای تخصصی مربوط با رعایت مقررات؛
- ایجاد ارتباط فعال و سازنده با مراکز، مؤسسات و جوامع علمی و پژوهشی داخلی و خارجی، از طریق گردهماییهای علمی و مبادله پژوهشگر یا اجرای طرحهای تحقیقاتی مشترک؛

مرمت

بدون کاربرد مصالح جدید تعریف کرده است. ویلیام موریس در بیانیه انجمن حفاظت از بناهای کهن، تدوین شده در ۱۸۷۷م، مرمت را به عنوان *ایده‌ای عجیب و جزمی* حاکی از اینکه گویا می‌توان این، آن یا بخشی از تاریخ، یعنی حیات یک بنا را حذف کرد و بعد برخی قسمتهای دیگر را دست نزد و آن را همچنان تاریخی، زنده، و حتی آنچنان که زمانی بوده است، انگاشت، محکوم می‌کند؛ او می‌نویسد، نتیجه همه این تلاشهای عبث، جعل بی‌روح و بلاهت بار قدمت بناهای تاریخی است. با این حال، موریس بر حفاظت از بناهای کهن تأکید می‌ورزید.

کتاب‌شناسی:

- Cowan, Robert (ed). *The Dictionary of Urbanism*. Norfolk: Streetwise Press, 2005.

(کمال پولادی)

مرمت شهری

Urban Restoration

به‌عنوان سرفصلی بسیار مهم و برخوردار از ادبیاتی غنی در زمینه‌های نظری و تجربی، در چارچوب دانش شهرسازی مدرن شکل گرفته است و - امروز - از مبانی فکری گسترده و ژرفی برخوردار است.

مداخله‌هایی که به دگرگونی در حوزه‌های تاریخی شهر و به فعالیت‌هایی معطوف بودند که درون فضاها کالبدی شهرها تحقق می‌یافتند، نه مترادف با مرمت شهری، بل زمینه‌ساز تلاش نظم یافته‌ای دانسته می‌شوند که به دانش مرمت شهری منتهی شدند. پس از این دوره کم‌وبیش کوتاه، آنچه امروزه در ادبیات شهرشناسی و شهرسازی درباره مرمت شهری می‌یابیم، نمایانگر آن است که می‌توان از مجموعه منابعی یاد کرد که به بازشناسی منظم و اصولی، به چگونگی بررسی و تدوینهای تخصصی، به ارائه مدل‌های کاربردی - کالبدی و به ارائه طرح‌های اجرایی در گستره

است.

شورای پژوهشی مرکز متشکل از ۸-۱۰ نفر است که از میان افراد صاحب‌نظر و متخصص در زمینه فعالیت مرکز انتخاب می‌شوند. وظایف این شورا اظهارنظر در زمینه خط‌مشیهای پژوهشی و علمی و فنی مرکز، طرحهای جامع تحقیقاتی، ایجاد هماهنگی بین برنامه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی و بررسی و تأیید نتایج مطالعات و تحقیقات علمی انجام شده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، علاوه بر حوزه تشکیلاتی ریاست، شامل تشکیلات مدیریت اطلاعات و روابط بین‌الملل، مدیریت پشتیبانی و امور مالی و معاونت پژوهشی و آموزشی است. معاونت پژوهشی و آموزشی مرکز متشکل از ۴ گروه مطالعات و پژوهشهای بنیادی، مطالعات و پژوهشهای شهرسازی، مطالعات و پژوهشهای معماری و مطالعات اقتصاد و مدیریت شهری است.

فصلنامه آبادی که در زمینه شهرسازی و معماری و تحقیقات و مطالعات مرتبط با آنها منتشر می‌شود، از جمله انتشارات این مرکز است.

کتاب‌شناسی:

- آئین‌نامه‌ها، مصوبات مرتبط با مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.

اسماعیل شیعه

مرمت

Restoration

عمل یا فرایند ترسیم دقیق شکل، عوارض و خصوصیت یک بنا در یک دوره معین، از طریق بازساخت عوارض از میان رفته آن طی دوره‌های قبلی. بورا چارتر مرمت را بازگرداندن وضعیت یک مکان به حالت اولیه از طریق حذف ملحقات بعدی و احیاء عناصر تشکیل‌دهنده آن،

نمی‌رسد، یا دچار از کار افتادگی موقتی یا دائمی می‌شود و یا این هر دو با هم و به طریقی نامطمئن و نامعین، به بی‌نظمی، ناکارایی و فروپاشی ساختاری آن منجر می‌گردد. در زبانها و فرهنگهای مختلف اروپایی واژه مرمت یکسان است. اما، موضوع چندان که به نظر می‌رسد، ساده نیست. مفهوم واژه مرمت را در ۲ دوره متمایز می‌توان پی‌گیری کرد.

• **دوره نخست.** در تمام سالهایی که این واژه نزد متخصصان و مردم به معنایی به کار می‌رفت که به کندوکاو و ویژگیهایی که دیدگاه و یا روشی خاص - و نتیجه‌ای مشخص - را مبنا و روش قرار می‌داد، نمی‌پرداخت. در این دوره، مرمت و حفاظت [و حتی بازسازیهای محدود و همچنین مرمتهایی که بر سبکی خاص (آناستیلوزی) استوار بودند]، معنایی یگانه داشتند. فرهنگ نوشتاری مرمت، فضاهایی را پوشش می‌داد که ابعاد جهانی نداشتند. دست‌نوشته‌ها و گزارشهای تک‌نگاری ویژه مرمت بناهای خاص (که نویسندگانشان چندان که امروزه در پی چاپشان نبودند)، حکایت از خلوصی داشتند که بر محتوا بیشتر تکیه داشت و کمتر پیجوی دستیابی به کمال نظری (تئوریک) بودند.

• **دوره دوم.** از تدوین و انتشار *قطعنامه آتن (۱۹۳۱م)* و *منشور آتن (۱۹۳۳م)* به بعد، بسیاری از نظریه‌پردازان، دارای یک صحنه یگانه برای پژوهش، سنجش، ارزیابی و تدبیر درباره مسائل مرمت معماری و مرمت شهری شدند. در این هنگام، پلاتفورم خاصی که فراگیر، آزاد اندیش و حکم‌گذار بود، شکل گرفت که هم طراحان حرفه‌ای، هم نظریه‌پردازان دست‌اندرکار تجربه‌های ویژه محلی، هم معلمان دانشگاهها و همچنین پژوهشگران آزاد شهرهای متفاوت اروپا به آن روی آوردند. به سخن دیگر، می‌توان گفت، پس از این دوره، رسم بر این شد که نظریه‌پردازیهای مربوط به مرمت معماری و شهری، نخست از یک صافی جهانی بگذرند و پس از تأیید، محک بخورند. سوای این ۲ رویداد جهانی که به تعبیری، زمینه‌ساز پهنه نظریه‌پردازی در زمینه مرمت شهری شدند - و براساس آنها، کنگره‌های جهانی‌ای، مانند نارا (۱۹۷۱م) و آمستردام (۱۹۷۵م) تشکیل

شهرهای تاریخی باز می‌گردند. به سخن دیگر، اینکه در فضای مشترک میان طرحهایی که به جایابی شهرهای تاریخی گسترش یافته می‌پردازند و طرحهای مرمت معماری - شهری و مرمت معماری، می‌توان به‌جای معینی رسید که مقوله مرمت بخش تاریخی شهر را به‌مثابه دانشی نو - نه مستقل از شهرسازی، بل وابسته و پیوسته به شهر و عرصه‌های آن - تعریف کرد. به‌این ترتیب، آنچه در باب مرمت و مرمت معماری روی داده است، در ارتباط با مرمت شهری نیز صادق است؛ جایی که مرمت به معنایی عام و فاقد جهت (یا جهت‌های) خاص به میان می‌آید و مرمت شهری، بدون در نظر گرفتن گزینشهایی که سخن از واگرایی دارند و حتی حاوی تضادها و محدودیتهایی در بینش پایه‌ای هستند، مطرح است. در واقع، ۲ جریان متفاوت و گاه متضاد، پشت اصطلاح مرمت شهری دیده می‌شود:

• جریانی که کلیت همراه با آسان‌نگری و تکیه بر مسئله‌های کالبدی - کاربردی شهر را موضوع اصلی می‌شناسد و تنها در صورت لزوم، به شاخصهای ثانوی (از همین نگرش کلی) عنایت دارد؛ و

• جریانی که برخاستن از جامعیت شهر تاریخی را به‌عنوان گام آغازین برای راه یافتن به گستره‌های علمی و تجربی گوناگون که به کندوکاو، بررسی و ارزیابی آنچه در شهر می‌گذرد، در نظر دارد.

راه نخست بر بینش کلی بر شهرسازی متکی است و راه دوم، بر پژوهش، بررسی و ارزیابی در گستره‌های علمی متمایز و همگنی استوار است که در نهایت، بار اجرایی دارند.

به سخن دیگر، تفاوت میان این دو راه، تکیه بر میان‌دانشی و به نظم دیدن مسئله است، در برابر سپردن همه چیز به دست مرمتگران شهری.

مفهوم مرمت، در نگاهی علمی - کاربردی

مرمت کردن از دیرباز به اقدامی گفته می‌شود که برای بهبود بخشیدن به وضعیت ماده و کاربرد و ساختار چیزی صورت می‌گیرد که، جز آن، یا کاری که باید به کمال به انجام

به تعادل پویا بردن وضعیت یک کتاب کهن آسیب‌دیده، همانند آنچه باید از این دیدگاه برای یک شهر تدوین و تدبیر کرد، روی به آینده‌ای دارد که علی‌رغم تمام نیازها و امکانهایی که می‌توانند در آینده مطرح شوند و امروز شناخته نیستند، تنها متکی بر امکانه‌ها و امتیازهای روز می‌توان تدوین کرد، به‌نحوی که برای فردا نیز کارایی داشته باشد و مقبول دانسته شود.

شهر و مرمت شهری

شاخه‌های اصلی پیکره شهر (که می‌تواند به درختی تشبیه گردد که در سرزمین خاص خود می‌روید)، نمایانگر توانهای مذهبی، حکومتی، اقتصادی و مدنی آن هستند که میان خود، تنها در لحظه‌هایی کم‌وبیش کوتاه، به تعادل و تفاهم و تعامل می‌رسند. به سخن دیگر، زیستگاههای انسانی، به قید تاریخ داشتن، گوناگونی و پرشمار بودن محفل‌های کاری و تولیدی موضوع تبادل بازرگانیشان، شهر نامیده می‌شوند.

شهرها را به این قصد بازشناسی می‌کنیم که در شرایط تعادل پویا قرارشان دهیم. برای شناخت معنا و مفهوم این امر به ناچار باید دست‌کم به ۲ خصیصه - که ذاتی شهر دانسته می‌شوند - توجه کرد:

- نخست، زندگی در شرایط تعادل پویا؛ و
 - دوم، زندگی در شرایط دگرپذیری و بحرانی مدام.
- ساکنان و شاغلان در شهر، به دشواری می‌توانند قبول کنند که خود زاینده سیری مترقی و متعالی نباشند؛ سیری که نزد دانشمندان دهه‌های پایانی سده ۱۹م و آغازین سده ۲۰م تحرک اجتماعی نام گرفت. این سیر مدام سرزنده، هم تک انسانها، هم خانواده‌های شهرنشین، هم گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی - قومی شهری را در شرایطی قرار می‌دهد که آنچه دارند را، به قصد بهره‌وری بیشتر و بهتر، از وضعیت سکون خارج سازند.

از این رو، هر شهر زنده‌ای، در پویایی می‌زید: هیچ چیز را چندان ثبات یافته نمی‌خواهد، مگر در لحظه‌هایی گذرا از تاریخ شهر؛ لحظه‌هایی که گاهی ممکن است تا یکی - دو نسل نیز طول بکشند.

شدند، تلاش‌های پیوسته‌ای به انجام رسیدند که به گسترش و ژرفای مرمت شهری پرداختند.

تلاش علمی - حرفه‌ای و فنی - آموزشی از ۷ دهه پیش تا امروز، واژه‌ها و اصطلاحاتی را روی میز کار مرم�گران قرار داده است. باید دانست که عنوانهای متقدم حفاظت، بهسازی و بهسازی بهداشتی، نوسازی و باز زنده‌سازی شهری بر بازسازی شالوده‌یی، بازفعال کردن شهری، دوباره فعال کردن و روان‌بخشی و توان‌بخشی دوباره شهرها تقدم نسبی دارند. در میان این اصطلاحات، ادغام دوباره شهری، بازآفرینی شهری و برون‌سازی بومیان شهری نوتر و یا جوان‌تر بشمار می‌آیند.

درباره تعریف مرمت

پیش از هرچیز، میان تعمیر و مرمت باید تفاوت بزرگی قائل بود. می‌توان ویژگیهای اساسی تعریف مرمت را، بدون در نظر گرفتن نام و یا شاخصهای عملیاتی این مهم، به میان آورد.

براساس این نکته، می‌توان گفت، مرمت، به تعادل پویا بردن یک وضعیت است. این تعریف که زاده پژوهشها و سنجشهایی است گسترده و نگران بر ژرفای معانی، تمامی تلاشهای مرمتگر - و امر مرمت - را به مقوله‌ای معطوف و مشروط می‌کند که تعادل پویا نامیده می‌شود: مقوله‌ای که اتکاء مرمتگر را بر ژرف‌ترین تعریف از موضوع کارش می‌طلبد؛ حیات موضوع یا سوژه نیازمند به مرمت را براساس بینشی پویا (دینامیک) باز می‌شناسد؛ بر تمام عاملها و متغیرهایی که وضعیت بحرانی خاصی را در موضوع مرمت به وجود آورده‌اند، ناظر است و بر آنها تکیه می‌کند، با آگاهی از این موضوع که طرح مرمت در زندگی آتی خود نیز در شرایط بحرانی متفاوتی قرار خواهد گرفت که بهنگام بازشناسیهای مربوط به زمان مرمت ناشناخته بوده‌اند، و با حرمتگذاری ژرف بر مفهوم زمان، به تدبیر می‌پردازد. این بینشها که پرتوانند و ژرف‌نگر، متعلق به دانش فرهنگ روزند و نگران بر آنچه، به لحظه زمانی بعدی و در شرایط زندگی متفاوت، برای چیزی که باید مرمت شود، پیش تواند آمد.

خصیصه دومی که ذاتی شهر دانسته می‌شود و چندان تعیین‌کننده وضعیتش می‌شود که بی‌آن قادر به شناخت ماهیتش نتوانیم بود، پدیده دگرگونی است.

همه چیز و هرچیز، درون فضای شهری و در سرزمین یاری‌دهنده و پرورش‌دهنده شهر دگر می‌شود: از ساکنان و شاغلان تا ترکیب و پیوند اینان در محفل خانوادگی و شغلی؛ از روابط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جاری میان ساکنان و شاغلان تا نظام حقوقی و منظومه‌هایی از معیارهای رفتاری عرفی حاکم بر اینان؛ از میزان آب لازم برای شهر و شهروندان تا طبقه‌های دستیابی به منابعی که باید بتوان در بلندمدت و در شرایط رشد جمعیت، شهرنشینان را در شرایط بی‌نیازی و رفاه قرار داد؛ از خانه‌های مسکونی شهر که به دشواری عمرشان به درازای زندگی ۴ نسل می‌رسد تا دکانهای بازار شهر، که به مناسبت ورود یا تولید کالایی نو، نگه‌داشت وضع موجود را تضمین نمی‌کنند و شکل و ساختار و توان ارتباطاتی محل خود را تغییر می‌دهند. و شهر، گستره فضایی خاص خود را، در هماهنگی با تغییر شکل و ظرفیت دگرگون می‌کند و هر بار که لازم آید، شکل و توان کارایی شبکه ارتباطاتی سواره و پیاده خود را نیز تغییر می‌دهد.

در برابر این ۲ خصیصه بزرگ است که شهرها به سازمان یافتن دوباره برای زیستن در شرایط بهینه نیاز دارند. تراکم این نیاز، در بخشهای تاریخی شهرها بسیار بیشتر از گستره‌های نوساز آنهاست.

مرمت شهری، اساساً هدفی جز این را دنبال نمی‌کند: چاره‌جویی برای مسئله‌های موجود در شهرهای تاریخی و تعیین و ترسیم دورنمایی مطلوب برای آینده آنها. بدینسان، آنچه موضوع کار مرمتهای شهری را تشکیل می‌دهد، پیوند دادن ۳ گستره زمانی - مکانی به یکدیگر است: دیروز شهر تاریخی، امروز و آینده آن. معیارهای تشخیص و تعیین ایده‌ها و ارزشها، نظریه‌ها و الگوهای پژوهشی لازم برای شناخت و تصمیم‌سازی درباره مسائل شهرهای تاریخی نیازمند به مرمت، در جوی نو مطرح می‌شوند. امروزه، کار مرمتهای شهری وسعت بیشتری یافته است؛ گسترده شدن فضای شناخت و نیاز به ژرفنگری در تدوین طرحهای مرمت شهری، بیشتر محسوس شده است؛ بازشناسی نیازهای روزمره و پیچیده ساکنان، شاغلان و حاضران در

شهرهای تاریخی، پای دانشها و پژوهشگران مختلف را به میدان تدبیر باز کرده است؛ مرمتهای شهری نمی‌تواند بدون برنامه‌ریزی مکانی - موضوعی - زمانی کارهایی که باید صورت گیرند و بدون پیوستگی مدام با سایر متخصصان، دست به اقدام بزند.

بر پایه این اصول و نکته‌ها، مرمت شهری به تعادل پویا بردن وضعیت شهر است و این امر، مستلزم آن است که پشتوانه نظری و تجربی ارجمندی که در باب مرمت شهری در جهان امروز فراهم آمده است، مورد توجه و تأکید قرار گیرد. شهرسازی و مرمت شهری مقوله‌ای میان‌دانشی است؛ گستره پژوهش و شناخت و ارزیابی پدیده‌های شهر تاریخی نیازمند به مرمت را همان حوزه نفوذ یا سرزمینی بدانیم که از دیرباز شهر را تغذیه کرده است؛ سرزمینی که شهروندانش دارای توانهای نابرابر شناخت و دانش، مادی - مالی و کاراییهای فنی خدماتیند، ضمن اینکه شخصیهایی دانسته می‌شوند برخوردار از حق شهروندی برابر، این معضلی است بزرگ و سد راه برای هرگونه تصمیم‌گیری متکی بر شناخت درست واقعیتها و حقیقتهای شهری زیستن.

کتاب‌شناسی:

- حبیبی، محسن و مقصود، ملیحه. مرمت شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- دانشمندان ایرانی و ایتالیایی. «مجموعه مقالات ارائه شده در همایش ۱۳۵۰ در دانشگاه تهران»، وجود و آینده مراکز مسکونی تاریخی. تهران: نشر فضا، ۱۳۸۶.
- فلامکی، محمدمنصور. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فلامکی، محمدمنصور. سیری در تجارب مرمت شهری. از وینیز تا شیراز. چاپ دوم، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۴.
- فلامکی، محمدمنصور. نوسازی و بهسازی شهری. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علمی دانشگاهها)، ۱۳۸۶.
- «مجموعه مقالات - اولین کنگره بم - ایران ۱۳۷۴ و دومین کنگره (با همین عنوان)، بم - ایران»، تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌کوشش دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸.

محمدمنصور فلامکی

برای سکونت فصلی برپا می‌شود. هنوز در بین برخی جوامع ساده، کلبه‌های بزرگ جمعی و اشتراکی رواج دارد. باید توجه داشت که این الگوی مسکن گاهی در بین مردمانی که یکجانشین هستند و فعالیت غالب آنها کشت و ورز است نیز دیده می‌شود؛ کپره‌های مورد استفاده ساکنان برخی روستاهای بشاگرد در ایران، از این نوع مسکن بشمار می‌رود.

خانه، برخلاف کلبه و چادر، واحد مسکونی دائمی در محیط‌های روستایی است که به‌طور متعارف، با استفاده از مصالح نسبتاً پایدار ساخته می‌شود و با فضاهای مختلف خود، واحدی برای زیست و فعالیت خانوارهای روستایی بشمار می‌آید.

به‌طور کلی، مهم‌ترین جنبه‌هایی که در بررسی خانه‌های روستایی مورد توجه و تأکید قرار دارند، عبارتند از:

- وسعت کلی بنا و شکل و اندازه فضاهای آزاد (مانند فضای حیاط، باغچه و مانند آن)؛
 - شیوه ساخت و ارتباط الگو و مصالح با محیط بومی و محلی؛
 - وسعت و فضابندی براساس موارد مختلف کاربری؛
 - نحوه ارتباط فضاهای مختلف باز و بسته؛
 - تعداد اتاقها و کارکردهای آنها؛
 - ارتفاع یا تعداد طبقات بنا؛ و
 - نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (مانند شبکه معابر، میدان و مانند آن).
- مسکن روستایی از جنبه‌های گوناگون با مسکن شهری متفاوت است. مهم‌ترین این جنبه‌ها به الگو و کارکردهای خانه روستایی در مقابل مسکن شهری مربوط می‌شود. خانه‌های روستایی، برخلاف خانه‌های شهری که عمدتاً کارکردهای زیستی دارند، دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون هستند. این خانه‌ها برای ساکنان روستایی خود فضاهای لازم را برای زندگی، کار و فعالیت، انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات، اجرای مراسم و مانند آن مهیا می‌سازند. به این ترتیب، کارکردهای مختلف خانه‌های روستایی، به‌طور کلی، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

مسکن روستایی

Rural Dwelling (House)

مسکن یا خانه روستایی محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به‌صورت تک‌خانواری یا چندخانواری در زیر سقف مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به‌صورت اختصاصی و یا جمعی است.

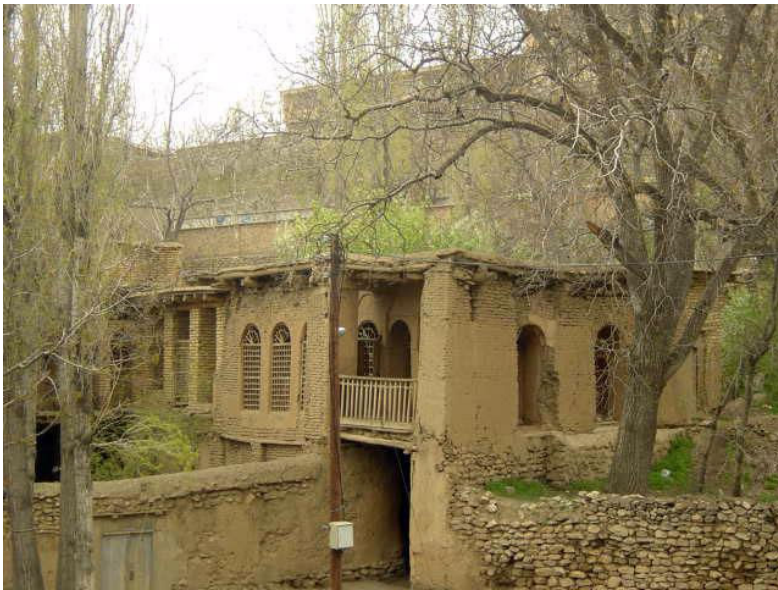
مسکن روستایی به‌طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی- معیشتی گروه‌های روستایی بشمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی- فضایی، به‌مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا. این نکته به‌ویژه در عرصه‌هایی که هنوز پیوندها و بستگیهای خود را با محیط طبیعی نگسسته‌اند و حرکت و فعالیت خود را به‌طور نسبی در سازگاری و هم‌نوبی با عوامل و نیروهای محیط طبیعی جستجو می‌کنند، بیشتر صادق است.

درجه رشد فرهنگی- اعم از فرهنگ مادی و معنوی- تعیین کننده نوع مسکن خانوارها و گروه‌های روستایی است. در عرصه‌های مختلف مکانی- فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی بخشی به مسکن روستایی می‌شود؛ برخی از این عوامل عبارتند از:

- سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه؛
- مناسبات و روابط اجتماعی- اقتصادی؛
- شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب؛
- نوع و شکل خانواده‌ها و خانوارها؛
- ستهای ساخت‌وساز و دسترسی به مواد و مصالح؛
- امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع؛ و
- ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه.

به این ترتیب، شکل، الگو و عملکرد مسکن روستایی نمایانگر نحوه تعامل عوامل محیطی- بوم‌شناختی، مناسبات اجتماعی- اقتصادی، مجموعه تصمیم‌گیریه‌ها و سیاستگذاریه‌ها و روندهای مکانی- فضایی در بستر زمان است.

مسکن روستایی انواع مختلفی دارد: کلبه، چادر و خانه. کلبه و چادر از انواع ساده مسکن روستایی است که اغلب



• کارکردهای زیستی؛

• کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی)؛ و

• کارکردهای تدارکاتی.

هریک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که در همه موارد، کارکرد فضاهای گوناگون واحدهای مسکونی روستایی به‌طور کامل از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. به‌عنوان مثال، ممکن است در اتاق نشیمن که کارکرد اصلی آن زیستی است، فعالیت تولیدی، مثلاً قالببافی، نیز به انجام رسد که کارکرد این فضا در این صورت، زیستی - اقتصادی خواهد بود.

و مدل‌برداری از شیوه‌های ساخت‌وساز و معماری شهری در عرصه‌های روستایی است. این‌گونه روندها در جهان سوم به ناهماهنگی‌های موجود در محیط‌های روستایی افزوده، به‌صورت پدیده‌ای بیگانه و ناسازگار با فضاهای بومی جلوه‌گر شده است.

کتاب‌شناسی:

- برومبزه، کریستیان. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: ۱۳۷۰.
- بوناین، مایکل. «قنات، شبکه زمین‌های زراعی و مورفولوژی روستایی»، ترجمه عباس سعیدی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۶۹.
- سعیدی، عباس. «الزامات اجتماعی - اقتصادی ساخت‌وساز مسکن روستایی»، مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳.
- سعیدی، عباس. شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی در مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی / برنامه عمرانی سازمان ملل، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. گونه‌شناسی معماری مسکن روستایی استان سمنان. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی / جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی‌نژاد، جواد. استقرار بهینه روستاهای پراکنده کهگیلویه و بویراحمد. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- لوبو، پیر. بنیادهای بزرگ زراعی، ترجمه محمود محمودپور، تبریز، ۱۳۵۴.

گروه‌های اجتماعی ساکن در روستا قاعدتاً دارای خانه‌های خاص با فضابندی معین و سازگار با جایگاه اجتماعی و فعالیت اقتصادی خود هستند. خانه‌های مالکان بزرگ روستا که معمولاً خانه اربابی خوانده می‌شود، نسبت به سایر واحدهای مسکونی روستا دارای طرح و الگوی متمایزی است. در مقابل، خانه‌های کارگران زراعی، خوش‌نشینان و لایه‌های بی‌بضاعت بسیار ساده و محقر است. این‌گونه واحدها معمولاً اجزاء و فضاهای جنبی کوچک و ناچیزی دارند و یا اصولاً فاقد فضاهای جنبی هستند. خانه‌های لایه‌های میانی در روستا، بر مبنای جایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان که عمدتاً به میزان دسترسی به عوامل اصلی تولید، یعنی آب و زمین، و نیز درجه استقلال آنها در فعالیتهای تولیدی بستگی دارد، شکل‌های متنوع و متفاوتی دارد. می‌توان گفت، علاوه بر ویژگی‌های محیط طبیعی، شکل و الگوی خانه‌های روستایی به‌نحوی آشکار، بازتاب روابط کالبدی - فضایی، مناسبات اجتماعی - اقتصادی و تأثیرات فرهنگی در گذشته و حال است که روند آتی آن را نیز به نمایش می‌گذارد.

امروزه، گسترش ارتباطات و دسترسی آسان به اطلاعات، دگرگونی‌های دامنه‌داری را در سطح سکونتگاه‌های روستایی به همراه داشته است؛ از جمله این دگرگونیها، کاربرد انواع مواد و مصالح ساختمانی غیربومی

مسکن شهری

به علت مهاجرت گروه‌های گوناگون و همچنین سرازیر شدن سرمایه‌ها به سوی آنها، مسائل مسکن پیچیده‌تر است. از این رو، به خاطر این جریانها، موضوع کمبود و گرانی مسکن و تراکم مسکونی در شهرهای بزرگ بحرانی است. جمعیت ساکن در یک شهر همواره با تعداد واحد مسکونی مورد نیاز برابر نیست، بلکه در اغلب شهرها بیش از یک خانوار در یک واحد مسکونی سکونت دارند و بسیاری از افراد مهاجر/ فقیر فاقد مسکن مجبورند در حاشیه شهرها و در آلودگی‌های غیرمجاز سکونت کنند. برخی وضعیت بدتری دارند و در محله‌های کار یا در گوشه و کنار فضاهای شهری یا ساختمانها، شب را به روز می‌رسانند. در بعضی شهرهای بزرگ صدها هزار نفر در پیاده‌روها و پارکها گذران می‌کنند.

مسکن شهری به تناسب درآمد خانوار و میزان توسعه یافتگی کشورها تنوع و گونه‌های متفاوتی دارد. برخی ساکنان شهر که دارای مسکن رسمی هستند، در خانه‌های کهنه و فرسوده و حتی مخروبه زندگی می‌کنند و بعضی در خانه‌های مدرن و نوساز؛ عده زیادی در خانه‌های بسیار کوچک و عده‌ای دیگر در خانه‌های وسیع، برخی در برجها و بعضی در خانه‌های ویلایی اقامت دارند. تنوع بناهای مسکونی و بافتهای شهری، کیفیت محیط شهری را مشخص می‌سازد. بدینسان بناهای مسکونی اجزایی از یک کل بسیار متنوع به نام ترکیب شهری بشمار می‌روند و از این رو، در سیما و چهره شهرها نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارند. معماری مسکن در شهرهای مختلف، برحسب شرایط محلی، وضعیت اقلیمی و اندازه شهر، ویژگیهای متفاوتی دارد. این تفاوتها بیانگر هویت شهری است. امروزه، به علت رشد فراگیر فناوری ساختمان و همسان‌سازی تمدنها، تفاوت بناهای مسکونی روزبه‌روز کاهش می‌یابد و همه، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، از یک الگو (بین‌المللی) پیروی می‌کنند و بنابراین، ساختمانهای مسکونی، از نظر شکل و فرم معماری، یکسان می‌شوند.

معیارهای مسکن شهری

معیارهای کمی مسکن شهری عبارتند از: اندازه، عمر،

- Bobek, Hans. "Entstehung und Verbreitung der Hauptflursysteme Irans, Grundzüge einer sozialgeographischen Theorie", *Mitteil. Der österreichischen geogr. Gesellschaft*, Bd. II u. III, 1976.
- English, P.W. *City and Village in Iran*. Wisconsin, 1966.
- Hudson, F.S. *A Geography of Settlements*. London, 1970.
- Lienau, C. *Ländlichen Siedlungen*. Braunschweig, 1986.
- Niemeier, G. *Siedlungsgeographie*. Braunschweig, 1977.
- Uhlig, H. U. C. Lienau: *Die Siedlungen des ländlichen Raumes*. Giessen, 1972.

عباس سعیدی

مسکن شهری

Urban Housing

مهم‌ترین بخش کاربری زمین هر شهر، محل زندگی و سکونت شهروندان است. در اغلب شهرها نیمی از سطح شهر به کاربری مسکونی اختصاص دارد. در شهرهای کوچک این مقدار به حدود ۷۰٪ و در شهرهای بزرگ به ۴۰٪ می‌رسد. مسکن، محل زندگی و آسایش مردمان است و بیشتر اوقات آنها در آن سپری می‌شود. از این رو، نوع، اندازه و کیفیت مسکن در آسایش جسمی و روانی آنها مؤثر است. مسکن علاوه بر سکونت انسان، دارای کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی است. این کارکردها در مسکن شهری، به علت تنگناهای کالبدی و حقوقی، به تدریج کاهش یافته، تا آنجا که در کلانشهرها مهم‌ترین کارکرد مسکن، نقش خوابگاهی آن است و سایر کارکردها در محیطهای عمومی خارج از مسکن انجام می‌پذیرد.

بخشهای مسکونی شهر اغلب پرجمعیت‌ترین بخش شهر است، زیرا مسکن هم محل زندگی است و هم محل آسایش؛ بنابراین، جمعیت در شب و در روز در آن ساکن است. بخش مهمی از مطالعات برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) و طراحی شهری (← طراحی شهری) به مسکن شهری اختصاص دارد.

مسکن شهری و کمبود آن به شرایط اجتماعی و اقتصادی ساکنان شهر بستگی دارد، اما در کلانشهرها

استکهلم به منظور حفاظت از منابع، به ویژه زمین حاصلخیز و دستیابی به توسعه پایدار، ایجاد شهرهای فشرده (پر تراکم) پیشنهاد شد. از آن زمان، تراکم به عنوان ابزار یا راهکار مؤثر برنامه ریزی و طراحی شهری در گسترش شهری و شکل کالبدی شهر به کار بسته می شود. بدین ترتیب، کنترل تراکم وسیله ای شده است برای کنترل مسائل ناشی از توسعه یا گسترش شهرها بر سطح کره زمین.

تراکم در شهرهای با اندازه، عملکرد، عمر و ویژگیهای اقلیمی و کالبدی متفاوت، اندازه های مختلفی دارد. در درون یک شهر نیز محله ها و نواحی مسکونی گوناگون از نظر تراکم مسکونی و ساختمانی کاملاً متفاوت هستند. معمولاً

برای شناسایی شهر، آن را به ۴ حوزه تقسیم می کند:

- مرکز شهر که در شهرهای ایران، مرکز خرید و محل بازار قدیمی و بافت سنتی سکونتی است؛
- حوزه میانی که در شهرهای ایران، مراکز اداری، تجاری و

استحکام، ارتفاع و شاخص مهم آن تراکم است. معیارهای کیفی مسکن عبارتند از: انسجام، تناسب، هماهنگی و شاخص مهم آن توده و فضا، یا فضای باز و فضای سرپوشیده است.

تراکم مهم ترین معیار سنجش مسکن شهری است. تراکم میزان استفاده از سطح یا فضای زمین و ساختمانی و نیز واحد مسکونی را مشخص می سازد. تراکم شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی است. در شهرهای بزرگ تراکم، بیش از هر عامل دیگر، تابع اقتصاد زمین و ساختمان است. نیاز به مسکن، به عنوان یک نیاز اساسی، از یکسو و کمبود زمین در شهرهای بزرگ، از سوی دیگر، منجر به استفاده بهینه (صرفه جویی بهینه) از زمین می گردد. البته، این امر به درآمد خانوارهای شهری بستگی دارد. حتی خانوارهای مرفه نیز به خاطر شرایط اجتماعی و امنیتی کلانشهرها، ترجیح می دهند در مجموعه های مترکم سکونت کنند. در ۱۹۷۲م، در کنفرانس



تراکم واحد مسکونی

در مطالعات شهری برای معلوم شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی مسکن از این معیار نیز استفاده می‌شود. تراکم واحد مسکونی عبارت است از تعداد واحد مسکونی در هر هکتار در محدوده معینی از شهر. هر قدر مقدار تراکم واحد مسکونی بیشتر باشد، به معنی کوچک بودن بناهای مسکونی (واحد مسکونی) و از سوی دیگر، بیشتر بودن تعداد طبقات ساختمانهای مسکونی است. معمولاً در شهرهای کوچک، به علت وسیع بودن واحدهای مسکونی، عدد تراکم واحد مسکونی کوچک‌تر و در شهرهای بزرگ (به تناسب) بزرگ‌تر است. تراکم واحد مسکونی، همچون تراکم مسکونی، به ۲ صورت خالص و ناخالص اندازه‌گیری می‌شود و تفاضل آنها نشانگر میزان کیفیت مسکونی در شهرها است.

تراکم در واحد مسکونی

تراکم در واحد مسکونی، یعنی متوسط تعداد افراد ساکن در یک واحد مسکونی (یا در یک اتاق از یک واحد مسکونی) در محدوده معینی از شهر. به این ترتیب، میانگین تعداد خانوار یا تعداد افراد (جمعیت) در یک واحد مسکونی یا در یک اتاق را نشان می‌دهد. به این تراکم، ضریب اشغال واحد مسکونی نیز می‌گویند.

در ۱۳۷۵ش، کمترین تراکم واحد مسکونی در شهرهای بزرگ ایران (بالای ۱۰۰ هزار نفر) برابر ۲۷۰ نفر در هکتار، در شهرهای متوسط ۲۰۰ نفر در هکتار و در شهرهای کوچک ۱۰۷ نفر در هکتار بوده است. مقایسه این اعداد با کشورهای پیشرفته میزان مشکلات مسکن در شهرهای ایران را بهتر نشان می‌دهد. در ۱۳۷۵ش، متوسط افراد یک خانوار شهری در ایران ۴/۹ و ضریب اشغال واحد مسکونی شهری ۵/۷ بود. اختلاف این ۲ رقم نشانگر میزان کمبود یا تنگنای مسکن در شهرها را در آن سال نشان می‌دهد.

سرانه مسکونی

سرانه مسکونی برابر است با نسبت تعداد فضاهای مسکونی موجود در یک شهر (یا ناحیه یا محله) برای هر یک از ساکنان آن شهر (یا ناحیه یا محله) بر حسب مترمربع. سرانه

سکونتی مدرن در آن قرار دارد؛

• حوزه بیرونی که در شهرهای ایران، حوزه سکونتهای گوناگون شهری، از محله‌های مرفه‌نشین تا نواحی آپارتمان نشین طبقات متوسط جدید است؛ و

• عرصه حاشیه‌نشینی یا سکونتهای غیررسمی گروههای تهیدست شهری.

تراکم شاخص یا معیار میزان استفاده از سطح زمین یا فضای ساختمانی و تعداد جمعیت در واحد سطح (هکتار) است. تراکم در برنامه‌ریزی و طراحی شهری در رابطه با کل یک شهر یا یک ناحیه درون شهر و یا یک محله مشخص می‌گردد. تراکم چندین گونه است:

انواع تراکم

تراکم مسکونی

تراکم مسکونی ابزار اندازه‌گیری میزان سکونت در یک شهر، ناحیه و یا یک محله است. تراکم مسکونی برحسب تعداد جمعیت ساکن در اراضی مسکونی یک شهر و براساس نفر در هکتار، به ۲ گونه محاسبه می‌شود: تراکم ناخالص مسکونی و تراکم خالص مسکونی.

• **تراکم ناخالص مسکونی.** تراکم ناخالص عبارت است از نسبت تعداد جمعیت ساکن در هر شهر (یا ناحیه یا محله) به سطح کل اراضی مسکونی همان شهر، برحسب نفر در هکتار. در این محاسبه، سطح خالص مسکونی اراضی مسکونی، به اضافه سطوح شبکه خیابانها و کوچه‌های شهری و خدمات عمومی وابسته به همان ناحیه مسکونی (منهای فضاهای بزرگ باز و صنعتی و تجاری و...) در نظر گرفته می‌شود.

• **تراکم خالص مسکونی.** تراکم خالص عبارت است از نسبت ساکنان یک شهر (ناحیه، محله) به سطح خالص اراضی که به کاربری مسکونی اختصاص دارد، برحسب نفر در هکتار.

تفاضل تراکم خالص و ناخالص مسکونی، نشانگر میزان فضای باز و فضای عمومی، شبکه دسترسی و تسهیلات شهری در نواحی مسکونی مختلف درون یک شهر است. درواقع، این تفاضل، به‌طور غیرمستقیم، نشان‌دهنده کیفیت زندگی شهری و به‌ویژه کیفیت سکونتی در شهرهاست.

سطح اشغال ساختمان

سطح اشغال میزان یا درصدی از مساحت قطعه زمین است که احداث ساختمان مسکونی در آن مجاز شناخته می‌شود. در طرحهای شهری ایران معمولاً به ۶۰٪ زمین برای سطح اشغال ساختمان مجوز داده می‌شود، درحالی‌که این مقدار در ساختمانهای بسیار بلند، به ۴۰ یا حتی ۳۰٪ کاهش می‌یابد. در اراضی دونیش و سه‌نیش سطح اشغال به ۸۰ و بیشتر نیز می‌رسد.

تعداد طبقات ساختمان یا نرخ سطح زیربنا عبارت است از سطح کل زیربنای مجاز بر سطح اشغال زمین. در صورتی که سطح زیربنا را برابر سطح قطعه زمین در نظر گیریم، نرخ سطح زیربنا ۱۰۰×۱۰۰ خواهد بود. در صورتی که همین مقدار را در نیمی از سطح زمین بسازیم، بازهم نتیجه یکی خواهد بود، حال آنکه ساختمان با ۲ طبقه بر روی نیمی از سطح زمین قرار گرفته است. در صورتی که بر روی ۶۰٪ از زمین، ۲ طبقه ساخته شود، اندازه آن ۱۲۰٪ و اگر ۳ طبقه ساخته شود، ۱۸۰٪ خواهد بود. در اراضی وسیع باغی در درون شهرها، به منظور حفظ فضای سبز، سطح اشغال تا ۱۵٪ کاهش می‌یابد و در باغهای کم‌وسعت ۳۰٪ زمین را به عنوان سطح اشغال در نظر می‌گیرند. در صورتی که تراکم ساختمانی داخل باغها را همان حوزه مسکونی پیرامون محاسبه کنند، با همان تراکم ساختمانی روی ۱۵٪ سطح اشغال، تعداد طبقات بیشتری را مجاز می‌دارند.

تراکم ساختمانی و ارتفاع، سیمای عمومی شهری را شکل می‌دهد. سیاست توسعه افقی و یا عمودی شهرها از طریق ارتفاع ساختمانی مشخص می‌گردد. در شهرهای کوچک که زمین ارزان و فراوان است، ضرورتی به ایجاد ساختمانهای بلندمرتبه نیست، درحالی‌که در شهرهای بزرگ، به خصوص در کلانشهرها، به علت کمیابی زمین، افزایش تراکم ساختمانی و در نتیجه، افزایش تعداد طبقات - به خاطر حفظ اراضی طبیعی و رعایت اصول توسعه پایدار - الزامی است.

به منظور ساماندهی شکل کالبدی شهرها، بایستی تراکم ساختمانی منطقه‌بندی شود. در برخی از نواحی با تراکم

مسکونی نیز یکی از شاخصهای مهم وضعیت مسکن از نظر توزیع تنگنا یا فراخنای مسکن در سطح شهر (یا ناحیه یا محله) است.

در الگوی مصرف مسکن در شهرهای بزرگ ایران، میزان سرانه مسکونی ۱۵ مترمربع/نفر، در شهرهای متوسط ۳۸ مترمربع و در شهرهای کوچک ۴۵ مترمربع است. مقدار سرانه مسکونی همواره به معنی تنگنای مسکن نیست، چنان‌که در ژاپن این امر ناشی از صرفه‌جویی در فضا، به علت کمبود زمین، اما در ایران نشان‌دهندهٔ تبدیل در فضا، به علت توزیع نامتعادل درآمد حاصل از نفت است. برای کنترل این ارقام از مقیاس شدت/استفاده/از زمین بهره می‌گیرند؛ نسبت میان سطح زیربنا و سطح کل قطعه زمین، مقیاس شدت استفاده از زمین نامیده می‌شود.

مبنای این اندازه‌گیری عدد یک است، یعنی تمام سطح زمین به عنوان سطح اشغال تلقی و یک طبقه ساختمان روی کل سطح زمین ساخته می‌شود؛ شدت ۲ برابر است با ۲ طبقه روی کل زمین. البته از آنجا که بخشی از زمین بایستی به عنوان فضای باز در نظر گرفته شود، اگر همان مقدار روی ۴ طبقه ساخته شود، شدت استفاده از زمین همان ۲ خواهد بود.

تراکم ساختمانی

تراکم ساختمانی از مهم‌ترین معیارهای میزان استفاده ساختمان از یک قطعه زمین شهری است. تراکم ساختمانی برای تمام عملکردها (فعالیتها)ی شهری محاسبه و از جمله برای ساختمانهای مسکونی نیز در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که بخش مسکونی در شهرها، بیش از نیمی از سطح آنها را فرا می‌گیرد و مسئله سکونت در شهرهای بزرگ بسیار اهمیت دارد، تراکم ساختمانی مسکونی جلوهٔ عینی تراکم مسکونی است.

تراکم ساختمانی عبارت است از نسبت سطح کل فضای ساخته شده (سطح کل زیربنا) در تمام طبقات بر سطح کل قطعه زمین.

سطح تماس آنها با انرژی خورشیدی به حداقل کاهش یابد. در این نواحی، فضاهای نیمه‌باز مطلوب‌تر از فضای باز است و سایه حیاتی‌تر از آفتاب بشمار می‌آید. در بافتهای مسکونی شهرهای قدیمی کویری در ایران، سطح اشغال ساختمان تا ۸۰٪ افزایش می‌یابد، درحالی‌که در نواحی گرمسیری مرطوب، مانند اهواز، تا ۴۰٪ کاهش می‌یابد، تا فضای باز بیشتری برای سکونت در اختیار ساکنان قرار گیرد.

انواع مسکن شهری

مسکن شهری از نظر تراکم و طبقات و معماری به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شود که هرکدام بافتهای مسکونی خاصی را پدید می‌آورند. از نظر اجتماعی نواحی مسکونی به ۳ دسته تک‌خانواری، چند خانواری و مجتمع مسکونی و از نظر معماری و سیمای کالبدی شهری، به واحدهای مسکونی ویلایی، آپارتمانی، مجتمع و بلندمرتبه یا برج مسکونی تقسیم می‌شوند.

• **مسکن مستقل ویلایی.** خانه‌های مستقل جدا از هم که دارای حیاط و فضای باز خصوصی هستند. در این خانه‌ها اغلب یک یا ۲ خانوار زندگی می‌کنند و در نواحی جدید با حیاط سبز، ویلایی خوانده می‌شوند. نواحی قدیمی شهرها اغلب دارای خانه‌های تک‌واحدی یک طبقه هستند. برخی از خانه‌ها کوچک (تک‌خانواری) و برخی بزرگ، با تعداد اتاق متعدد و چند خانواری هستند. از گذشته تاکنون، خانه‌های تک‌واحدی مطلوب‌ترین نوع مسکن شناخته شده است. اصطلاح عامیانه *چهار دیواری*، *اختیاری* مطلوبیت این نوع مسکن را به بهترین وجه بیان می‌کند.

محل‌هایی که از نوع مسکن (اعم از قدیمی و جدید) تک‌خانواری یک طبقه و دو طبقه تشکیل شده‌اند، ناحیه کم‌تراکم مسکونی شناخته می‌شوند. تا چندی پیش، بخش عمده ناحیه مسکونی شهرها از این دسته خانه‌ها تشکیل می‌شد و هم‌اکنون نیز در شهرهای کوچک این خانه‌ها بر سایر واحدهای مسکونی غلبه دارند. در حاشیه شهرها با جمعیت کم درآمد، این نوع مسکن بیش از سایر انواع خواستار دارد. گروه‌های کم‌درآمد به سختی می‌توانند یک

زیاد ساختمانی، بلندمرتبه سازی را مجاز می‌دارند و در برخی نواحی دیگر، تراکم متوسط و کم ساختمانی با خانه‌های ویلایی یک یا ۲ طبقه یا چند طبقه پیشنهاد می‌گردد. عوامل متعددی، از جمله گرانی زمین، استحکام زمین، وجود دسترسی کافی و ایمنی از زلزله در تعیین تراکم ساختمانی و تعداد طبقات نواحی مسکونی، مؤثر است.

تراکم ساختمانی از مهم‌ترین ابزار تعدیل قیمت زمین در شهرهاست. از طریق معیار تراکم ساختمانی می‌توان توسعه افقی و عمودی شهر را کنترل کرد.

ترکیب‌بندی موزون و متناسب کالبدی شهر، حاصل سیاستهای سنجیده منطقه‌بندی تراکم ساختمانی است. طراحی شهری برای ساماندهی فرم شهر، از این ابزار بهره بسیار می‌برد. نواحی مناسب تراکم ساختمانی زیاد در مرکز شهرها، اغلب در جوار پارکها و فضای گسترده باز و همچنین در پیرامون بزرگراهها و ایستگاههای مترو است.

توده و فضا

یکی از معیارهای اساسی در ساماندهی محیط شهر، مراعات نسبت توده ساخته شده ساختمانی و فضای باز است. این معیار هم در مقیاس کلانشهر محاسبه می‌شود، و هم در مقیاس خرد یک قطعه زمین. به همین منظور، در هر قطعه زمین فقط به بخشی از آن، بین ۱۵ تا ۶۰٪، اجازه ساختمان داده می‌شود و بین ۴۰ تا ۸۵٪ آن، به صورت فضای باز (باغ یا باغچه) پیشنهاد می‌گردد؛ بدین ترتیب، یک نسبت مطلوب بین توده (ساختمان) و فضا (باز) برقرار می‌گردد.

تعیین میزان فضای باز در شهرهای مختلف، چه از نظر اندازه و چه از نظر معماری، متفاوت است. این نسبت به دلیل گرانی زمین در شهرهای بزرگ، کمتر از شهرهای کوچک است؛ مگر اینکه با افزایش فضای باز، تعداد طبقات بیشتری مجاز باشد. در اقلیم گرمسیری (گرم و مرطوب) بیشتر اوقات ساکنان یک خانه در فضای باز و نیمه‌باز سپری می‌شود، درحالی‌که در نواحی سردسیر، عکس آن صادق است. در نواحی گرم و خشک کویری، برخلاف نواحی گرم و مرطوب، ساختمانها به همدیگر چسبیده‌اند، تا

پشت‌بام، حیاط و راهروها و پارکینگهاست. این نوع واحدهای مسکونی در اندازه‌های مختلف احداث می‌شوند: از آپارتمانهای بسیار کوچک مجردی ۴۰-۵۰ مترمربع، تا آپارتمانهای لوکس مرفه‌نشین ۴۰۰-۵۰۰ مترمربع، و همین‌طور آپارتمانهایی که به‌صورت تعاونی برای طبقات کم‌درآمد شهری ساخته می‌شود.

با توجه به الگوی معماری، کیفیت ساختمانی و نسبت فضای ساخته شده و فضای باز، انواع آپارتمانهای ارزان‌قیمت و گران‌قیمت در شهرها به بازار مسکن عرضه می‌شود. نگاهی به آمار صدور پروانه ساختمانی در شهرها توسط شهرداریها، گویای فراگیر شدن این نوع از ساختمانهای مسکونی در ایران است. امروزه، در کلانشهرها، اغلب ساختمانهای ویلایی و حتی ۲ یا ۳ طبقه و دارای عمر ۱۰ تا ۲۰ ساله، تخریب شده و به‌جای آنها، آپارتمانهای مدرن ۴-۵ یا ۷ طبقه ساخته می‌شود.

• **مجتمعهای مسکونی.** تجمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری که به‌شکلی یکپارچه ترکیب شده باشد، مجتمع مسکونی را پدید می‌آورد. معمولاً مجتمعهای کوچک مسکونی یک واحد همسایگی را پدید می‌آورند و برای ایمنی دارای در و دروازه و نگهبان هستند. برخی مجتمعهای مسکونی به‌منظور رفاه ساکنان دارای فضاهای مشترک برای ورزش همچنین استخر و مکانهای پذیرایی و پارکینگهای اختصاصی برای ساکنان و حتی میهمانان هستند.

البته، یک مجتمع مسکونی ممکن است تماماً از خانه‌های ویلایی مستقل و یا آپارتمانهای مستقل ساخته شود. برخی مجتمعهای مسکونی بسیار بزرگ و پرتراکم هستند، مانند مجتمع اکباتان با ساختمانهای ۸ و ۱۰ طبقه در تهران که خود به تنهایی یک شهرک مسکونی بشمار می‌رود. برخی دیگر بسیار کوچک و فشرده و متشکل از چند آپارتمان به هم پیوسته، به اندازه یک واحد همجواری هستند.

مسئله مهم در مجتمعهای مسکونی مدیریت نگهداری است که لازمه آن تشکیل هیئت مدیره مجموعه و تعیین مدیرعامل است. نگهداری مجتمعهای مسکونی از نظر

واحد مسکونی را یکباره و یکجا بسازند، بلکه به‌تدریج آن را به تناسب افزایش تعداد اعضای خانوار گسترش می‌دهند و سرانجام یک طبقه نیز برای اجاره یا اسکان فرزندان خود بدان می‌افزایند.

• **خانه‌های نیمه‌مستقل.** بخشهای میانی شهرهای ایران بیشتر از خانه‌های نیمه‌مستقل ۲ یا ۳ طبقه و به‌صورت کنار هم و ردیفی، در امتداد معابر شهری ساخته شده‌اند. مالکان این خانه‌ها، ضمن حفظ استقلال نسبی طبقه هم‌کف، سایر طبقات را که به‌واسطه راه پله مستقلی بدانها دسترسی می‌یابند، اجاره می‌دهند. اقتصاد مستغلاتی در شهرها سبب شکل‌گیری این نوع واحدهای مسکونی شده است.

خانه‌های ۲ یا ۳ طبقه مستغلاتی، صرف‌نظر از شیوه و سبک ساخت‌وساز، به ۲ دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، خانه‌های شمالی که آمدررفت ساکنان از فضای باز حیاط صورت می‌گیرد و افراد طبقه همکف استقلال خود را از دست می‌دهند و دسته دوم، خانه‌های جنوبی که آمدررفت ساکنان در فضای پله‌ها، جدا از ساختمان انجام می‌گیرد و هیچ‌گونه مزاحمتی برای طبقه همکف ندارند. نوع دوم از نظر آسایش ساکنان مطلوب‌تر از نوع اول است.

تراکم این نوع خانه‌ها ۱۸۰٪ برآورد می‌شود. هر خانه در قسمت شمالی ملزم به ایجاد یک حیاط خلوت در بخش شمالی است. درحالی‌که خانه‌های جنوبی که ضلع شمالی آن در بر خیابان قرار گرفته است، ملزم به داشتن حیاط خلوت نیست. البته، در بسیاری از کشورهای پیشرفته، این دسته از خانه‌ها مجبور به ایجاد حیاط خلوت در بر خیابان هستند که به‌صورت باغچه کوچکی درمی‌آید.

• **خانه‌های آپارتمانی.** بخش عمده‌ای از مسکن شهری، در شهرهای بزرگ و متوسط، از نوع آپارتمانی است. خانه‌های آپارتمانی از نظر تعداد واحد مسکونی، تعداد اشکوب (طبقه) و شیوه تقسیمات ساختمان (یک یا ۲ یا ۳ یا انواع مختلفی دارند و به تناسب کوچکی و بزرگی واحدهای مسکونی، یا به‌نسبت فقیر یا ثروتمند بودن ساکنان، تنوع زیادی دارند.

از ویژگیهای خانه‌های آپارتمانی، استقلال نسبی هر واحد مسکونی و اشتراک در فضاهای مشاع، مانند پله‌ها،

تعمیرات، زندگی در برجها مستلزم درآمد زیاد است. در تهران برجهای اسکان و آ.اس.پ و لويزان، نسل نخستین برجهای مسکونی بشمار می‌روند. نسل دوم برجها به صورت تک برج یا برجهای دوقلو در ناحیه شمیران و شهرک قدس به تعداد زیاد ایجاد شده‌اند. این نوع ساخت‌وسازها سیمای شهری را دگرگون کرده است، به نحوی که شهر به صورت جنگلی از برجهای پراکنده به نظر می‌رسد، که بدون نظم و انضباط خاصی در همه جا پراکنده شده‌اند.

برجها و آپارتمانهای بلندمرتبه یکی از عناصر مهم در بافت جدید شهرهای بزرگ است. توزیع آنها در سطح شهر مستلزم ضوابط و مقررات ویژه‌ای است. همان‌طور که در مورد تراکم ساختمانی گفته شد، لازم است به تناسب ارتفاع ساختمانها، زمین بیشتری به فضای باز اختصاص یابد. ضرورت این استاندارد در حفظ دید و منظر، تأمین نور آفتاب و پیشگیری از افتادن سایه برج بر روی سایر ساختمانهاست.

در کلانشهرها به دلایل جمعیت زیاد، سرمایه فراوان، گرانی زمین و عناصری مانند بزرگراهها، نمی‌توان از پدید آمدن برجهای مسکونی جلوگیری کرد. معیارهای استقرار برجها در شهرها عبارتند از:

- استقرار در لبه‌های محدوده شهری، برای تقویت مرزهای شهر و استفاده از چشم‌اندازهای طبیعی؛
 - استقرار در کنار (نزدیک) بزرگراهها، برای تسهیل دسترسی و آمدورفت سواره؛ و
 - استقرار در لبه پارکها، دریاچه‌ها، رودخانه‌های شهری، برای پیشگیری از قرار گرفتن برجها در مقابل یکدیگر و مسدود کردن چشم‌اندازهای یکدیگر.
- مهم‌ترین مسئله در استقرار برجها در شهر، مسدود کردن چشم‌انداز سایر خانه‌ها، ایجاد سایه و ممانعت از حرکت نسیم برای ساختمانهای همجوار است.

کتاب‌شناسی:

- سعیدنیا، احمد. «نظام مراکز شهری و فضاهای مسکونی»، کتاب سبز. جلد چهارم، تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.

تأسیسات، تعمیرات، نظافت و فضای سبز کار بسیار حساس و پرهزینه‌ای است. از این رو، مجتمعهای مسکونی با ساکنان کم درآمد، همواره با مشکلات و اختلاف بین ساکنان روبرو هستند؛ در حالی که مجتمعهایی با ساکنان پردرآمد، از فضای ایمن و سالم با خدمات رفاهی مناسب برخوردارند. مجتمعهای سازمانی. برخی از مجتمعهای مسکونی تعاونیها و یا بخش دولتی برای کارکنان اداری و کارگران، معلمان و نظامیان می‌سازند. تعداد این قبیل مجموعه‌های مسکونی - سازمانی در شهرهای جدید و در شهرهای بزرگ روبه افزایش است. این مجموعه‌ها بسیار فشرده و به سبک خاصی، به صورت یکنواخت، طراحی می‌شوند. در نسل اول این مجموعه‌ها، خانه‌های یک یا ۲ طبقه با حیاطهای سبز ساخته می‌شد و به وسیله پرچینهای سبز در کنار خیابانها قرار می‌گرفت؛ محوطه مجموعه گسترده و محیط مناسبی برای دوچرخه سواری و پیاده‌روی ساکنان بود (برای مثال، مجموعه دهکده کرج). در سالهای اخیر، به علت گرانی زمین و ساختمان و جمعیت زیاد کارکنان کم درآمد، مجموعه‌های سازمانی به صورت ردیف آپارتمانهای چسبیده به هم احداث می‌شوند. معماری آنها عموماً یکسان و از نظر برخی تسهیلات و تأسیسات عمومی و به خصوص نگهداری، دارای مشکلات زیادی هستند.

• **برجهای مسکونی.** آپارتمانهای بلندمرتبه با بیش از ۱۰ آشکوب را اصطلاحاً برج یا بلندمرتبه می‌نامند. معمولاً ساختمانهای بلندمرتبه هم برای سکونت و هم برای خدمات اداری ساخته می‌شوند. در کلانشهرهای ایران بیشترین برجها یا ساختمانهای بلندمرتبه برای مصارف مسکونی ساخته شده‌اند.

برجها مانند مجتمعهای مسکونی، هم برای گروههای کم درآمد و هم برای گروههای پردرآمد ساخته می‌شوند. نوع اول در ایران توسط سازمانهای دولتی و تعاونی برای کارکنان اداری، کارگران و نظامیان ساخته شده‌اند و مانند مجتمعهای مسکونی، دارای مشکلات زیادی در نگهداری، تأسیسات و تعمیرات هستند.

برجهای مسکونی مرفه‌نشین در نواحی با اراضی بسیار گران قیمت ساخته شده‌اند. با توجه به گرانی نگهداری و

- سعیدنیا، احمد. «کاربری زمین شهری»، کتاب سبز. جلد دوم، تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، ۱۳۷۸.
- عزیزی، محمدمهدی. *تراکم در شهرسازی*. شماره ۲۶۳۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- مدنی، هوشنگ. «مسکن در برنامه‌ریزی شهری»، *مجموعه مقالات دومین سمینار توسعه مسکن در ایران*. جلد دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و یونسکو، ۱۳۷۴.
- وزارت مسکن و شهرسازی. *مجموعه مقالات سمینار توسعه مسکن در ایران*. ۶ جلد، تهران: سازمان ملی زمین و مسکن، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

احمد سعیدنیا

مسکن غیررسمی ← سکونتگاه غیررسمی

مشارکت

Participation

کاربرد بسیار متنوع و گوناگون مشارکت باعث ایجاد ابهام در معنا و مفهوم آن شده است. به همین دلیل تعاریف بسیار متنوعی از مشارکت ارائه شده است. مراجع مختلف علمی و اجرایی، برحسب نوع نگرش خود تعاریف متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. آن دسته از مراجع که مشارکت را به‌عنوان ابزار تلقی می‌کنند، از جمله سازمان ملل، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی، آن را وسیله‌ای برای رشد آگاهیهای اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیتهای محلی بشمار می‌آورند و هدف این است که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله مردم را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند. گروه دیگر مشارکت را به‌عنوان هدف تلقی می‌کنند. کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین و بسیاری از کارشناسان از جمله اوما لیل، اوپف، کوهن، پیرس، رابرت چمبرز و پل ساموئل از این گروه هستند. در این نگرش، مشارکت مجموعه روشها و فرایندها، نگرشها و فعالیتهایی اتلاق می‌گردد که منجر به افزایش تواناییهای مردم می‌شود و آنها

را در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی یاری می‌کند. مشارکت در برنامه‌ریزی فرایندی از تحقیق و گفت‌وگو است که از طریق آن افراد عقاید خود را به متصدیان امور اعلام می‌دارند تا به این وسیله درکی چندجانبه از نیازهای خود به‌دست دهند. متصدیان از سوی دیگر، علل و اثرات این نیازها را تجزیه و تحلیل می‌کنند و به تصمیمی مشترک و مؤثر دست می‌یابند.

در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م، مباحث توسعه متمرکز بر ابعاد اقتصادی توسعه بود. طی دهه ۱۹۷۰ با توجه به اینکه بسیاری از فعالیتهای پیشین به نتیجه مطلوب نرسیده بود، کارایی الگوهای توسعه رایج مورد تردید قرار گرفت. یکی از بنیادی‌ترین انتقادات وارده بر الگوهای توسعه در آن زمان، عدم توجه شایسته به ابعاد اجتماعی آن بود. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه از بالا به پایین، بدون توجه به ابعاد اجتماعی و نقش مردم، باعث شد تا برخلاف انتظار، نتایج پیش‌بینی شده حاصل نشود. در این میان، عدم توفیق طرحها و پروژه‌های توسعه در بهبود وضع اکثریت فقیر کشورهای درحال توسعه موضوع را بغرنج‌تر می‌کرد. از سوی دیگر، توجه خاص کشاورزی در ابعاد بزرگ طی انقلاب سبز (← انقلاب سبز) منجر به حاشیه راندن کشاورزان خرده‌پا، افزایش بیکاری و فقر گردید.

با گسترش روزافزون انتقادات از فرایندهای توسعه، تلاش شد تا زمینه‌های مشارکت فقرا در برنامه‌های توسعه افزایش یابد و مردم در کانون برنامه‌های توسعه قرار گیرند. فلسفه اساسی این تغییر جهت بر تغییر رویکرد از رویکرد تولید محور به رویکرد مردم/انسان محور بود. به این ترتیب، عوارض ناشی از سیاستهای کشاورزی بزرگ مقیاس و تجاری از یکسو و عدم موفقیت طرحهای توسعه در نقاط مختلف جهان از دیگر سو، همزمان با گسترش مباحث نوین دموکراسی در علوم سیاسی موجب شد که مسئله مشارکت به‌طور جدی و متفاوت مطرح شود.

گونه‌های مشارکت

مشارکت از نظر زمانی و مکانی درجات متفاوتی دارد. مشارکت ممکن است بسیار کوتاه و موقت و یا بنیادین و درازمدت باشد. به این ترتیب، مشارکت دربرگیرنده طیف

گسترش بیشتر قدرت شهروندان است.

در مقابل، گورالدو اقدام به ارائه الگوی مشارکت برای کشورهای توسعه نیافته کرده است. از دیدگاه وی، مشارکت تنها ابزاری برای اثرگذاری در تصمیمات سیاسی نیست، بلکه ابزاری برای پیشگامی به منظور بهره‌گیری از کمک دیگران در پاسخگویی به نیازهاست. براین مبنای سلسله مراتب مشارکت به شرح زیر خواهد بود:

• **توانمندسازی.** اعضای جامعه در بدنه رسمی تصمیم‌گیری دارای اکثریت هستند و زمانی که جامعه قادر به بهبود شرایط خود نیست، با استفاده از این اهرم بر فرایند توسعه از بیرون تأثیر می‌گذارد و برای خود موقعیت مناسب‌تری فراهم می‌سازد؛

• **همیاری.** اعضای جامعه و تصمیم‌گیران برنامه‌ریزان غیرمحلی توافق می‌کنند در مسئولیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سهیم باشند. جامعه در مسئولیت پروژه‌های توسعه، از طریق نهادهایی چون کمیته‌های برنامه‌ریزی، و با استفاده از سازوکارهای غیررسمی در حل مشکلات و تناقضات سهیم می‌شود؛

• **توافق/ مصالحه.** این امر زمانی رخ می‌دهد که راه‌حلهای پیشنهادی دولت نهایتاً با رأی مردم به تأیید می‌رسد. این امر ممکن است از طریق تعدادی از افراد برگزیده اجتماع (نمایندگان) و یا افراد حاضر در بدنه تصمیم‌گیری به وقوع بپیوندد؛

• **برخورد دوگانه.** کارشناسان، به منظور دستیابی به امکان مشارکت مردمی، نقش مشورتی یا گروه‌های مشورتی را ایفا می‌کنند. هدف صریح آنان آموزش مردم و یا به تحرک واداشتن آنها برای کسب حمایت بیشتر است؛

• **دیپلماسی.** دولت به دلیل فقدان منابع مالی یا نارسایی انتظار دارد، آحاد جامعه خود به اقدامات مورد نیاز دست بزنند و از طریق سازمانهای غیردولتی مورد حمایت قرار بگیرد. بدین ترتیب، با شکل‌گیری و ورود سازمانهای غیردولتی، دولت ممکن است نوع برخورد خود را تغییر دهد و کمکهای محدودی را فراهم سازد. دیپلماسی ممکن است به شکل مشاوره، بررسی نگرشها، شنیدن حرف مردم، بازدید و یا ملاقات با ساکنان جامعه، بروز یابد. در این

وسیعی است که ممکن است از کمک افراد ذی‌نفع به انجام یک پروژه آغاز و تا آخرین سطح آن، یعنی توانمندسازی ادامه یابد. براین اساس، گونه‌های متفاوت مشارکت طبقه‌بندی می‌شود. مهم‌ترین گونه‌شناسی مشارکت، طبقه‌بندی آرنشتاین است. او معتقد است، اگر شهروندان توانمند شوند، کسانی که در حال حاضر از فرایندهای سیاسی و اقتصادی محروم هستند، در آینده جایی در این فرایند خواهند یافت. مشارکت از نظر او، بدون باز توزیع قدرت مفهومی ندارد. او گونه‌های مشارکت را بسط داده و بر مبنای میزان قدرت شهروندان، هر بخش و مرحله از آن را از یکدیگر تفکیک می‌کند. براین مبنای، مراحل پائینی نردبان مشارکت، مرحله غیرمشارکتی تعریف می‌شود که هدف واقعی آن توانمندسازی مردم در جریان مشارکت نیست، بلکه امکان آموزش فاقدین قدرت توسط افراد صاحب قدرت را فراهم می‌سازد. پله‌های سوم و چهارم به عنوان سطوح سمبلیک معروف هستند که طی آن، فقرا امکان می‌یابند صدای دیگران را بشنوند و صدای خود را به گوش دیگران برسانند. با این وجود، فقدان قدرت باعث می‌شود، نقطه‌نظرات آنان توسط قدرتمندان مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد.

امید بخشی در سطح بالاتری از مرحله قبل قرار دارد و به افراد اندکی بیشتر اجازه مداخله می‌دهد، ولی هنوز قدرت تصمیم‌گیری در دست افراد رأس هرم قدرت قرار دارد. در مرحله همیاری، افراد اجازه مذاکره و درگیری با دارندگان قدرت سنتی را می‌یابند. در سطح قدرت نمایندگی و شهروندی، دولت کنترل شده و شهروندان کرسیهای تصمیم‌گیری را کسب و قدرت مدیریتی به دست می‌آورند.

نقد وارد به این طبقه‌بندی، عبارت است از اینکه مراحل گذار مشارکت در اندیشه آرنشتاین با کمال در جامعه توسعه نیافته فاصله دارد. در دنیای توسعه یافته آرنشتاین مراحل را تعیین می‌کند که طی آن شهروند فاقد حقوق شهروندی در ایجاد تغییر عمده اجتماعی موفق می‌شود و در تسهیم منافع کلی جامعه دولتمند شرکت می‌کند. بنابراین، در هر مرحله از مراحل مشارکت، به مفهوم

مواقع، کارگزاران دولتی تلاش می‌کنند تا از نگرشها دربارهٔ پروژه‌های بالقوه آگاه شوند و از برخی فعالیتها حمایت نسبی به عمل آورند؛ با این وجود هیچ تضمینی وجود ندارد که پروژه جدیدی اجرا گردد؛

• اطلاع‌رسانی. این مورد شامل جریان یک‌طرفه اطلاعات از مأموران رسمی به جامعه است؛ اطلاعاتی دربارهٔ حقوق، مسئولیتها و گزینه‌ها، بدون اینکه اعضاء جامعه حق مذاکره و یا ارائه بازخورد را داشته باشند؛

• تبانی. در این مورد، هیچ‌گونه مشارکت رسمی در فرایندهای تصمیم‌گیری رسمی مجاز نیست و نه تنها مشارکت مورد توجه قرار ندارد، بلکه هر اظهارنظری برای کمک به محرومان را رد می‌کند؛

• خودمدیریتی. زمانی رخ می‌دهد که دولت هیچ اقدام مؤثری برای حل مشکلات محلی انجام نمی‌دهد و اعضای اجتماع خود برای بهبود وضعیت اقدام به طراحی، اجرای برنامه و نظارت بر آن می‌کنند؛ البته همیشه هم موفقیت‌آمیز نیست. گاهی جامعه از حمایت سازمانهای غیردولتی نیز برخوردار می‌شود و به نتایج مثبت بیشتری دست می‌یابد.

کوهن و اوپف مشارکت را براساس نوع مداخله، گروههای مشارکت‌کننده و نحوه وقوع آن، طبقه‌بندی کرده‌اند. دشلر و ساکس با تأکید بر اهمیت قدرت نسبی افراد ذی‌نفع، سطوحی از مشارکت مجازی تا مشارکت عینی را براساس گستره و قدرت نظارت مشخص کرده‌اند. وایت مشارکت را براساس شکل آن، از بالا به پائین و برعکس، و همچنین با توجه به کارکردهای آن، طبقه‌بندی کرده است.

پیامدهای مشارکت

قدرت موضوع اصلی مشارکت است و کنش مشارکتی مستلزم دارا بودن قدرت جمعی افراد ذی‌نفع است. مشارکت مردمی جزء اساسی اداره/امور خوب (← اداره امور خوب) و پیش‌نیاز هر نوع برنامه توسعه‌ای است که نگران پاسخگویی به نیازها، مشکلات آموزه‌ها و تعلقات مردم است. مشارکت با توجه به دامنهٔ آن، دارای پیامدهای متفاوتی است. براین اساس، می‌توان ۳ گروه از پیامدها را

مشخص کرد:

- پیامدهای مشارکت به‌عنوان ابزار؛
- پیامدهای مشارکت به‌عنوان هدف؛ و
- پیامدهای مشارکت در حالت بینابین ابزار و هدف.

در گروه اول ماهیت پیامدها با توجه به نوع نگرش به مشارکت، مورد توجه قرار می‌گیرد و براین مبنای پیامدها طبقه‌بندی می‌شوند. در این گروه می‌توان پیامدها را به شرح زیر برشمرد:

۱. کاهش هزینه؛
۲. پایداری پروژه‌ها؛
۳. افزایش کارایی و افزایش بهره‌وری؛
۴. بهبود طراحی پروژه‌ها؛
۵. توزیع مناسب‌تر منابع؛
۶. تحرک بخشی به منابع؛
۷. افزایش مقبولیت پروژه‌ها؛
۸. تضمین موفقیت برنامه‌ها؛
۹. تسهیم هزینه‌ها؛
۱۰. کسب اطلاعات لازم از محل؛
۱۱. ارزیابی مناسب علتها و نیازها؛
۱۲. برنامه‌ریزی هماهنگ با واقعیتهای محلی؛
۱۳. انتخاب گزینه‌های مناسب با شرایط و نیازهای مردم؛ و
۱۴. ایجاد احساس تعلق.

در شکل دوم، مشارکت به‌مثابه هدف مطرح است. ازاین‌رو، انتظار از مشارکت و پیامدهای آن اگرچه محدودتر، ولی اساسی‌تر است. پیامدهای این شکل از مشارکت عبارتند از:

۱. تعدیل توزیع قدرت در جامعه؛
۲. ایجاد قدرت کنترل منابع؛
۳. تحرک بخشی به جامعه و اجتماعات؛
۴. بسترسازی برای استقرار در نظام برنامه‌ریزی دموکراتیک؛
۵. بسترسازی تغییر ساختار در نظام تصمیم‌گیری؛
۶. سهیم شدن مردم در منابع کمیاب؛
۷. ایجاد فرصت تحول برای گروههای فرودست؛
۸. نهادسازی؛ و
۹. تمرکززدایی.

- Development, 1995.
- Chambers, Robert. "Participatory Rural Approach Challenge", *World Development*. Vol. 22, No. 10, 1994.
 - Kelley, K. et al. "Participation Processes in Community Development", *Evaluation and Program Planning*. Vol. 18, No. 4, 1995.
 - Samuel, Paul. *Community Participation in Development Projects*. World Bank, 1987.
 - Story, David. "Issue of Integrated Participation and Empowerment, The Case of Republic Ireland", *Journal of Rural Studies*. Vol. 15, No. 3, 1999.
 - Uma Lete. *The Design of Rural Development*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1975.
 - United Nation. *Participatory Rural Development in Selected Countries*, Emergency Committee on Integrated Rural Development for Asia & Pacific. United Nation, 1990.

حسن دارابی

مشارکت (در امور شهر)

Participation (in Urban Affairs)

در علوم اجتماعی و شهرشناسی، مشارکت از جمله مفاهیم مهم و درعین حال سهل و ممتنع است. در معنای کلی، شراکت ۲ نفر یا بیشتر در به سرانجام رساندن کاری را مشارکت گویند. این معنای مشارکت، با مفهوم همکاری و همیاری مترادف است. در معنای تخصصی، مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری در حیطه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مکانی-فضایی و مذهبی. در این معنا، تصمیم‌گیری اهمیتی اساسی در مشارکت دارد، اما در معنای دوم، مشارکت زمانی رخ می‌دهد که افراد، حقوقی غیرقابل انکار داشته باشند. منابعی که مشارکت را به معنای دوم آن به کار می‌برند، فوراً از شهروندی (← شهروندی) یاد می‌کنند. بحث ممتنع بودن مشارکت از معنای دوم نشأت می‌گیرد، زیرا به این پرسش اساسی باز می‌گردد که در جوامعی که جمعیت آن شهروند به حساب نمی‌آیند، آیا مشارکت به معنای تخصصی آن ممکن است؟ برخی بدین سؤال پاسخی منفی داده‌اند. درعین حال، در معنای دوم با مفاهیمی همچون اقتصاد مشارکتی، سیاست مشارکتی،

در مواردی حالت بینابینی از ۲ نوع مشارکت به‌عنوان ابزار و هدف مطرح است. بنابراین، انتظارات و پیامدهای حاصل از مشارکت نیز ترکیبی از مجموع پیامدهای این ۲ شکل خواهد بود.

نقد مشارکت

شدیدترین واکنش در برابر مدل‌های تصمیم‌گیری توسعه را مدافعان گزینه رویکردهای مشارکتی در توسعه نشان داده‌اند. پیشبرندگان اولیه فنون مشارکتی در توسعه و تحقیق مدعی بودند که استفاده از روشهای مشارکتی، فرایند توسعه را توانمندتر، مردمسالارانه، روزآمد و مؤثرتر می‌سازد. روشهای آنها تسهیم قدرت در ارزیابی و برنامه‌ریزی مراحل توسعه را، همراه با نحوه مداخله در چشم‌انداز و درک ساکنان محلی بهبود می‌بخشد. درعین حال، برخی کارشناسان به روشهای توسعه و مشارکت با دید انتقادی می‌نگرند. مهم‌ترین انتقاد از جریان توسعه و به تبع آن، از مشارکت عبارت است از اینکه توسعه اجتماعی در اصل نشأت گرفته از دانش و تصمیم کارشناسان غربی بوده است. فرایند توسعه برای ایشان معادل مدرن، عقلایی و صنعتی شدن و پیروی از الگوهای غربی بود، هرچند که با هزینه بالای فرهنگی و زیست‌محیطی همراه باشد.

بخش عمده‌ای از ادبیات موجود حاکی از آن است که روشهای پیشنهادی مشارکت در عمل در هیچ‌جا به فرایند مشارکت از پائین به بالا و فرایند باز توسعه که به‌صورت عام از آن دفاع می‌شود، پدید نیامده است. به سخن دیگر، مشارکت ایده‌آل و نظری، اغلب فاقد کارایی است و به‌عنوان ابزاری برای آزادی و توزیع قدرت که در مفهوم پیشنهادی آن مطرح است، به کار نمی‌رود، بلکه تلاشهای مشمول مشارکت عمدتاً بر مبنای روابط موجود قدرت توضیح داده می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- Bamberger, M. *The Role of Community Participation in Development Planning and Project Management*. EDI, World Bank, 1988.
- Bass, Stephen. *Participation in Strategies for Sustainable Development*, International Institute for Environment &

مشکلات شهری

مدیریت مشارکتی مواجه هستیم.

به نظر آرنشتین، مشارکت تنها با توانمندسازی (← توانمندسازی) شهروندان و کنترل آنان در برنامه‌ها و پروژه‌ها تحقق پیدا می‌کند. آرنشتین مشارکت شهروندان را چنین تعریف کرده است: توزیع مجدد قدرت به نحوی که شهروندان تهبیدست، یعنی آنانی که از فرایندهای سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند و به حساب نمی‌آیند، به نحوی توانمند شوند که در آینده عالماً و عامداً به حساب آیند. کونور (Conor) در ۱۹۸۸م *نردبان جدید مشارکت شهروندان* و وایلدمن و فمرز (Wildemann & Femers) در اثر مشترکشان به نام *مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری مدیریت دورریزها: تجزیه و تحلیل مدیریت تضادها در ۱۹۹۳م* و بالاخره دورسی و همکارانش، در ۱۹۹۴م در رساله خود به نام *درگیری مردم در تصمیم‌گیریهایی حکومت: انتخاب مدل مناسب، نردبانهای مشارکت مشابهی را مطرح ساخته‌اند که در تمام آنها، نظارت شهروندی کلید واژه اصلی بحث بشمار می‌رود.*

در سالهای اخیر، از روش‌شناسی مشارکت‌محور و فنون گردآوری مشارکتی، نخست در مطالعات و برنامه‌ریزی روستایی و سپس شهری یاد شده است.

کتاب‌شناسی:

- پیران، پرویز. *فقر در ایران*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.
- شریفیان، مریم. «مشارکت شهروندی، حکم شهری و مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۸، سال دوم ۱۳۸۰.

پرویز پیران

مشارکت سنتی (روستایی) ← مدیریت روستایی

Urban Problems

دیدگاههای گوناگونی نسبت به شهرنشینی و مشکلات شهری وجود دارد. برخی محققان معتقدند، شهرها کانون مسائل و مشکلات اساسی، از جمله تخریب محیط زیست، انتشار انواع آلودگیها و بروز جرم، خشونت و انواع مسائل اجتماعی هستند. هرچند، در مقابل، محققان دیگر شهرها را جایگاه فرصتها و جزیره امتیازات می‌پندارند و با وجود مسائل و مشکلات، بر این فرصتها و امتیازات تأکید می‌کنند.

درواقع، انقلاب صنعتی بود که تغییرات شگرفی در شیوه زندگی، امکانات و تواناییهای انسان و شرایط محیط به وجود آورد. امروزه، صاحب‌نظران معتقدند، ریشه بسیاری از مشکلات غامض شهری، برخاسته از همین تغییرات و پیامدهای انقلاب صنعتی است، که از آن جمله‌اند:

- انفجار جمعیت؛
- گسستگی رابطه شهر با طبیعت؛
- گسستگی روابط اجتماعی؛ و
- تغییرات شدید در شالوده، سیما و ساختار شهری.

در مقابل این مشکلات، از همان زمان تلاش برای نجات شهرها از سوی ۲ گروه آغاز شد: گروه اول معتقد بودند، برای رفع این مشکلات باید از نو آغاز کرد و شکلهای نوینی از همزیستی ایجاد کرد. گروه دوم، کارشناسانی در حوزه‌های مختلف بهداشتی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی بودند که تلاش واقع‌بینانه‌ای برای حل مسائل و مشکلات شهری پیشنهاد می‌کردند.

به‌رغم همه این تلاشها، امروزه دامنه مشکلات شهری نه تنها کاهش نیافته، بلکه بر شدت و گستره آن نیز افزوده شده است. علاوه‌براین، در ۱۰۰ سال گذشته، تغییر فوق‌العاده‌ای در کره زمین به وقوع پیوسته است: شهرها به سکونتگاههای اصلی انسانی تبدیل شده‌اند، حال آنکه در ۱۹۰۰م، جمعیت شهری جهان ۱۳٪ بود، در اواسط این سده به ۲۹٪ و در پایان آن، به ۴۸٪ بالغ گردید.

مشکلات شهری در شهرهای کشورهای درحال توسعه،

بنابراین، مشکلات زیست محیطی شهرهای فقیر از نظر نوع و مقیاس با مشکلات شهرهای صنعتی و حتی با شهرهای با درآمد متوسط، متفاوت است ساکنان شهرهای فقیر، به طور رودررو و مستقیم، هر روز با مسائل زیست محیطی مواجه هستند، درحالی که ساکنان شهرهای ثروتمند این مسائل را در زندگی روزانه خود تجربه نمی کنند. در واقع، درحالی که شهرهای کشورهای توسعه یافته نیز حل مشکلات شهری خود را سرلوحه اهداف و مقاصد برنامه ریزان و مدیران قرار می دهند، ولی به لحاظ آنکه شهرها در کشورهای در حال توسعه با نرخ رشدی بیشتر از گذشته در حال گسترش هستند، مسائل و مشکلات این دسته از شهرهای جهان نگران کننده تر و اسف بارتر است. به طور کلی، شهرنشینی در این کشورها با مشخصه مهاجرتهای انبوه روستا-شهری و مشکلات درونی، مانند کمبود خدمات و تسهیلات عمومی، تراکم ترافیک، گسترش افقی و معضل سکونتگاههای غیررسمی، شناخته می شوند.

وقتی که این نوع مشکلات شهری غیرقابل حل به نظر می رسند و سرنوشت شهر از این حیث به مرحله وخیمی می رسد، این مشکلات به بحران شهری (← بحران شهری) تبدیل می شوند. در واقع، عمق و شدت مشکلات در زمانها و شهرهای مختلف متفاوت است. در صورتی که شهرها با این بحرانها مواجه شوند، می بایست برای جلوگیری از انحطاط و زوال شهری، سخت مبارزه و تلاش کنند.

تغییراتی که به همراه رشد یک شهر از یک سکونتگاه کوچک به یک شهر بزرگ مطرح می شوند، ژرف ترین اثرات را بر نظامهای محیطی زیست برجای می گذارند. رشد شهری تغییرات عمده ای بر شکل زمین، شبکه های زهکشی، آب و هوا، نظامهای اقتصادی و اجتماعی برجای می گذارد. هرچه این گونه تغییرات شدیدتر و نامتوازن تر باشد، مشکلات شهری هم پیچیده تر و عمیق تر خواهند بود. از طرف دیگر، هرچه فاصله زمانی رشد کوتاه تر باشد و میان رشد شهر با توسعه فاصله زمانی بیشتری به وجود آید، مشکلات شهری به همان نسبت پیچیده تر و بغرنج تر خواهند بود. مشکلات اغلب شهرهای جهان سوم از این گونه هستند، این در حالی است که طبق برآوردهای

در ۲ مقطع از این تاریخ، (اواخر سده ۱۹م به دنبال بروز پیامدهای گسترش صنعت در شهر و در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م) به صورت بحرانهای شهری متجلی شد و این جوامع تقریباً در هر ۲ مقطع در مبارزه با آنها، موفق عمل کردند. در مقابل، به دنبال گسترش فزاینده شهرنشینی در این کشورها در عرض چند دهه آخر سده ۲۰م و پیدایش ابرشهرهای جهان سوم، مانند لاگوس، بمبئی، مکزیکو سیتی، سائوپولو، تهران و قاهره، مشکلات بسیار پیچیده تر و بحرانی تری پدید آمده است. در مقابل رشد شدید و افسار گسیخته این شهرها، تلاش بیشتر به منظور خانه سازی، خدمات رسانی شهری و همچنین حفاظت از محیط زیست ضروری است. امروزه، مشکلات سکونتگاههای شهری ماهیتی چند بعدی دارند و در بستری بزرگ تر و در ارتباط با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، هیچ شهری در هیچ گوشه از جهان فارغ از مشکل نیست. با این وجود، نوع و ماهیت مشکلات شهری در کشورهای توسعه یافته و مثال، از دید برخی از نظریه پردازان مشکلات محیط زیست شهری را می توان در قالب ۲ دستور کار دسته بندی کرد:

• موضوعاتی که مربوط به بهداشت عمومی یا بهداشت محیط زیست می شوند (یا دستور کار قهوه ای). چنین مشکلاتی آثار مستقیم بسیار زیادی بر بهداشت محیط زیست دارند و به خصوص در بین اقشار کم درآمد جامعه بروز می کنند. این گونه مشکلات در مناطق فقیر و یا کمتر توسعه یافته چون افریقا و سطح وسیعی از آسیا و امریکای لاتین، بیشتر در قالب مشکلات بهداشت محیط زیست، نمودار می شوند؛ و

• مشکلاتی که در سالهای اخیر توسط طرفداران محیط زیست، اغلب در کشورهای توسعه یافته و شهرهای مدرن (و در قالب دستور کار سبز) مطرح می شوند؛ از آن جمله اند، مسائلی از قبیل تولید بیش از اندازه در شهرها، مصرف گرایی، تولید مواد زائد و تحمیل آن بر اکوسیستم، تهی سازی منابع طبیعی و تغییرات آب و هوایی در سطح جهانی. این مشکلات در درازمدت، پایداری زیست محیطی را در سطح جهان تهدید می کنند.

- عدم آبرسانی کافی و بهداشتی؛
- توسعه شهری ناهماهنگ؛
- نرخ بالای رشد جمعیت؛
- استمرار روندهای مهاجرت روستائیان؛
- افزایش آسیب‌پذیری در مقابل بلایا؛ و
- ضعف نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.

این مشکلات به‌طور جدی، به‌ویژه در شهرهای کشورهای جهان سوم، مطرحند و در همه سطوح توسعه اقتصادی، اجتماعی و حفظ محیط زیست، به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل در کیفیت زندگی مردم، کیفیت محیط و توسعه پایدار تأثیرگذار هستند.

رتیل و وبر از این‌گونه مسائل با عنوان *مسائل پلید* یاد می‌کنند. در جوامعی که با این‌گونه مسائل روبرو هستند، هیچ فرمول معینی برای حل مسائل و مشکلات وجود ندارد؛ هیچ راهی برای متوقف کردن آنها نمی‌توان سراغ گرفت؛ و امکان هیچ نوع آزمایش مستقل و نهایی هم وجود ندارد. هر راه‌حلی خود، آخرین فرصت تلقی می‌شود و فرصتی برای آزمون و خطا وجود ندارد.

کتاب‌شناسی:

- بنه‌ولو، لئوناردو. *سرچشمه‌های شهرسازی نوین*، ترجمه محمدتقی کاتبی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- مک گراهانان و ساترتویت. «بهداشت محیط زیست یا پایداری اکولوژیکی»، *شهرهای پایدار: در کشورهای درحال توسعه*، ترجمه ناصر محرم‌نژاد، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳.
- Aplin, G. and others. *Global Environmental Crises*. Oxford: Oxford University press, 1995.
- Arawal, p. "Urban Land Consolidation: a Review of Policy and Procedures in... Asian Countries", *Geo Journal* 49. Kluwer Academic Publisher, 2000.
- Beauregard, R. A. "Sustainable Urban Development", *Encyclopedia of the City*. Roger W. Caves (ed), Canada: Taylor & Francis Group, 2005.
- Girardet, Herbert. *Cities People Planet, Livable Cities for a Sustainable World*. England: Wiley- Academy, 2004.
- Harris, N. *Urbanization, Economic Development and Policy in Developing Countries*. Habitat International, Vol. 14, 1990.
- Lee N, Kai. "An Urbanizing World", *The State of the World 2007- Our Urban Future*. UK: Earthscan, 2007.
- Rittel and Webber. "Dilemmas in a General Theory of Planning", *Policy sciences*. 1973.

سازمان ملل در آینده نیز تقریباً تمام رشد جمعیت جهان در شهرهای کشورهای با درآمد کم و متوسط اتفاق خواهد افتاد. انتظار می‌رود، جمعیت شهری آسیا و آفریقا با بیشترین حجم جمعیت روستایی، تا ۲۰۳۰م دوبرابر شود و به ۳/۴ میلیارد افزایش یابد. هم‌اکنون، حدود یک میلیارد نفر از ساکنان شهرها در زاغه‌ها یا سکونتگاههای غیررسمی زندگی می‌کنند (عرصه‌هایی که مردم بدون دسترسی مناسب به نیازهای اولیه زندگی نظیر آب سالم آشامیدنی، بهداشت، فضای مناسب و کافی، مسکن مقاوم و ایمن به سر می‌برند).

از همین‌رو، امروزه مشکلات شهرنشینی به چالشهای عمده برای توسعه انسانی و حقوق بشر در سطح بین‌المللی تبدیل شده است، زیرا وضعیت نواحی شهری جهان به‌طور گسترده در تقابل با توسعه پایدار قرار گرفته است. شمار مردمی که در زاغه‌ها زندگی می‌کنند، به‌طور مداوم افزایش می‌یابد و آلودگیهای صنعتی ناشی از رشد سریع اقتصادی، آب‌وهوا را می‌آلاید. هنوز جریان مهاجرت به‌سوی شهرها ادامه دارد و حتی به نظر نمی‌رسد که در آینده متوقف و یا حتی از سرعت آن کاسته شود، زیرا فرصتهای اقتصادی، حتی برای فقرا، در شهرها بیشتر است.

به‌رحال، از دید مجامع جهانی مهم‌ترین مشکلات شهرها و ساکنان شهری فهرست‌وار عبارتند از:

- منابع مالی ناکافی؛
- فقدان سرمایه‌گذاری مناسب؛
- بیکاری؛
- گسترش بی‌خانمانی و سکونتگاههای غیررسمی؛
- افزایش فقر و تشدید فاصله طبقاتی؛
- رشد نامنی و افزایش نرخ جنایت؛
- بدتر شدن شرایط ساختمانی، خدمات و زیرساختها؛
- نبود بهداشت و تسهیلات آموزشی؛
- کاربری نادرست اراضی؛
- اجاره‌نشینی نامطمئن؛
- افزایش تراکم ترافیک؛
- افزایش آلودگیها؛
- کمبود فضاهای سبز؛

مطالعات شهری

برنامه‌ها، مانند توزیع فضایی برنامه‌های کالبدی، انواع خدمات اجتماعی، بهداشتی و مذهبی و سایر خدمات مورد نیازی که احتیاج به مشخصات افراد یا گروه‌های مختلف مردم، سازمانها، گروه‌های اقتصادی و اجتماعی شهری دارد، کمک شایان توجهی می‌کند.

در عرصه‌های شهرسازی و در ۲ گرایش طراحی شهری (← طراحی شهری) و برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهری) مطالعات شهری در الگوها و دسته‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. در یک تقسیم‌بندی مطالعات شهری شامل مطالعات تاریخی، مطالعات ساختمانی و معماری، مطالعات سازمان و ساختار طبیعی، زمین‌شناسی، مطالعات تأسیسات عمومی، مطالعه فرایندهای شهری - شامل اداره و حکومت شهر، اقتصاد و توسعه شهر، قوانین و ضوابط شهری، مطالعات حفاظت محیط و برنامه‌ریزی شهری - و مطالعات فرهنگ و مردم شهر - شامل روان‌شناسی شهری، نظام اجتماعی شهر، مطالعات انسان‌شناسی و ارتباط شهر با محیط‌های اطراف و جهان و بالاخره مطالعات چشم‌اندازهای شهر می‌شود.

در تقسیم‌بندی دیگر، مطالعات شهری مطالعات منطقه‌ای شهر و حوزه‌های نفوذ آن، مطالعات طبیعی و اقلیمی، مطالعات اجتماعی و جمعیتی، مطالعات اقتصادی، مطالعات کاربری زمین، مطالعات کالبدی - ساخت و بافت شهری - مطالعات تأسیسات عمومی و زیربنایی و بالاخره مطالعات حمل‌ونقل و راه‌های ارتباطی را دربر می‌گیرد. اگرچه مراحل مختلف مطالعاتی خود براساس شناخت وضع موجود شهر، تجزیه و تحلیل مطالعات و تدوین برنامه‌های پیشنهادی قابل تقسیم‌بندی است.

با پیشرفت برنامه‌ها و مطالعات شهری به کمک کارشناسان امور شهری، بسط هرچه بیشتر مطالعات با استفاده از فنون و روش‌های ویژه و با بهره‌گیری از علوم طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و فنی است. امروزه در پیشبرد مطالعات شهری، علاوه بر ۲ تخصص اصلی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و طراحی شهری که در مرحله تصمیم‌گیری در برنامه‌ها نقش اساسی دارند، استفاده از علوم جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق،

- UN. *World Urbanization Prospect: The 2005 Revision*. Department of Economic and Social Affairs (Population Division), 2005.

اسماعیل صالحی

مطالعات شهری

Urban Studies

حوزه‌ای میان‌رشته‌ای برای مطالعه کلیت وجوه شهر به منظور درک سرشت پیچیده آن. مطالعات شهری در قالب چندین رشته و در چندین شاخه به انجام می‌رسد. اتصال و ارتباط بین رشته‌ها و چشم‌اندازهای مرتبط با آنها نقش مهمی در استحکام بخشی به این گونه مطالعات دارد، زیرا مفاهیم و نظرات تخصصی در مطالعات و ارتباط بین‌رشته‌ای آنها در عرصه‌های شهر، به مطالعات شهری عمق بیشتری می‌دهد و چشم‌اندازهای مرتبط با مبانی نظری، سیاست‌گذاریها و تدوین برنامه‌های اجرایی شهرها را غنی‌تر می‌سازد.

در عرصه‌های علمی، مطالعات شهری از چندین جنبه حائز اهمیت است؛ یکی از این جنبه‌ها به نقش حرفه‌ها و گروه‌های تخصصی در این مطالعات بازمی‌گردد. علاوه بر آن، چشم‌انداز نظریه‌های علمی مرتبط با رشته‌ها دومین کلید موفقیت در عرصه‌های مطالعاتی محسوب می‌شود. معرفی شهر از دیدگاه‌های مختلف و عواملی که بر عرصه‌های آن تأثیر می‌گذارد، هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که به تدوین برنامه برای آینده شهر می‌پردازند؛ بدیهی است، مطالعه تأثیرات متقابل عوامل مختلف شهری از دیدگاه تخصص‌های مختلف، نقش بسزایی در میزان موفقیت این نوع برنامه‌ها خواهد داشت.

در حقیقت، می‌توان به این نتیجه رسید که مطالعات شهری یک سلسله مطالعات نظام‌یافته است که تلاش دارد از طریق فنون و رفتارهای علمی، فرایند برنامه‌ریزی را تکمیل کند. این مطالعات نظام‌مند به بهبود محتوایی

مکان مرکزی، نظریه

Central Place Theory

اصل مرکزیت یا نظریه مکان مرکزی را والتر کریستالر، جغرافیدان آلمانی، با انتشار کتاب مکانهای مرکزی در جنوب آلمان (۱۹۳۳م) که حدود ۷۵ سال از انتشار آن می‌گذرد، معرفی کرد. او به انگیزه درسهای استاد خود، روبرت گرادمان، و با توجه به مطالعات یوهان فن تون، آدنا ویر، ورنر زومبارت، آلفرد ویر و ماکس ویر، به شناسایی مکانهای مرکزی در جنوب آلمان پرداخت، تا ضمن فراهم آوردن زمینه‌های تئوریک-اقتصادی لازم برای طبقه‌بندی منطقی سیاسی-اداری، به قانونمندیهای جغرافیایی-اقتصادی حاکم بر تعداد، وسعت و پراکندگی سکونتگاههای شهری دست یابد. به سخن دیگر، کریستالر به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی بود که چگونه می‌توان به تبیین وسعت، تعداد و پراکنش شهرها پرداخت، تا از آن طریق، بتوان به قانونمندیهای دست یافت؟ او می‌پرسید، آیا وسعت و پراکندگی شهرها اصولاً تابع قانونمندی است؟ و آیا شناخت این قانونمندی امکان‌پذیر است؟ به این ترتیب، او با دستیابی به شبکه‌ای معین-متشکل از کوچک‌ترین آبادیهای روستایی تا بزرگ‌ترین واحدهای شهری-اظهار داشت، درعین حال که استقرار سکونتگاهها بی‌قاعده و خود به خودی به نظر می‌آید، پراکنش آنها از نظم و انتظام خاصی تبعیت می‌کند که چه بسا از نظر ما پنهان باشد؛ این نظم را باید جستجو کرد و قانونمندیهای مرتبط با آن را دریافت.

پرسش اساسی دیگر، این واقعیت بود که چرا در پاره‌ای نواحی بیشتر سکونتگاههای روستایی و در برخی دیگر، کانونها و مراکز شهری، حتی به صورت متراکم و ظاهراً بی‌معنی، استقرار یافته‌اند، و در مقابل، بعضی نواحی اصولاً فاقد مرکز شهری و یا حتی مرکز بازاری هستند؟ بدینسان، کریستالر به معرفی ۳ جنبه اساسی، به شرح زیر، می‌پردازد:

• در سطح مناطق پیوسته با تعداد زیاد مکانهای مرکزی با رتبه پائین، یعنی با اهمیت و وسعت کمتر و در مقابل، تعداد نسبتاً کم مکانهای مرکزی با اهمیت و وسعت نسبی بیشتر و همچنین تعداد معدودی مکانهای مرکزی با رتبه بالا

معماری و محوطه‌سازی، آمار و جمعیت‌شناسی، اقتصاد، تأسیسات شهری، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، مدیریت شهری و برنامه‌ریزی و تحلیل سیستمها در تعمیق مطالعات مربوط به شهر بسیار حائز اهمیت است.

حوزه مطالعات شهری، در قالب دسته‌بندیهای دیگری که با استفاده از تخصصهای فوق صورت می‌گیرد، شامل مطالعاتی مانند جغرافیای شهری، جامعه‌شناسی شهری، انسان‌شناسی شهری، اقتصاد شهری (← اقتصاد شهری)، شناخت فضاهای شهری، زیباشناسی شهری، بوم‌شناسی شهری (← بوم‌شناسی شهری)، نوسازی (← نوسازی) و بهسازی شهری (← نوسازی شهری)، مدل‌های شهری، نظامهای شهری، مدیریت شهری (← مدیریت شهری) و همچنین برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی اقتصادی، برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی محیطی، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل، برنامه‌ریزی کالبدی (← برنامه‌ریزی کالبدی)، برنامه‌ریزی مسکن (← برنامه‌ریزی مسکن) و برنامه‌ریزی تأسیسات عمومی و تفریحی و زیربنایی می‌شود که محور اصلی آن برنامه‌ریزی طراحی شهری (← طراحی شهری) است. اغلب مطالعات فوق خود نیز زیربخشهای مطالعاتی دیگری دارند که بعضی از آنها با یکدیگر تداخل دارند. از دهه ۱۳۵۰ش (دهه ۱۹۷۰م) در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان و برخی از کشورهای در حال توسعه نسبت به ایجاد مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی شهری به منظور تدوین برنامه‌ها و مطالعات در جهت تعادل‌بخشی به نواحی شهری اقدام شده است.

کتاب‌شناسی:

- شیعه، اسماعیل. مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶.
- Cowan, R. (ed). *The Dictionary of Urbanism*. U.K.: Streetwise Press, Limited, 2005.
- Steinbacher, B. & Benson, V.O. *Urban Studies*. U.S.A: Kendall/ Hunt Publishing Co. 1995.
- Whittick, A. *Encyclopedia of Urban Planning*. New York: McGraw Hill Inc., 1974.

اسماعیل شیعه

جایگاه هریک از سکونتگاهها به میزان کالاها و خدماتی که به منظور برآوردن نیازهای خود و جمعیت نقاط پیرامونی عرضه می‌کنند، بستگی مستقیم دارد. به سخن دیگر، مقدار و دامنه کالاها و خدمات عرضه شده، تعیین‌کننده درجه مرکزیت و دامنه کارکردهای مرکزی آن مکان بشمار می‌رود. از این رو، شهرها با برخورداری از حوزه پیرامونی، اغلب مکان مرکزی بشمار می‌آیند و سکونتگاههای روستایی که در اصل دریافت‌کننده کالاها و خدمات هستند، از راههای مختلف با شبکه مکان مرکزی در ارتباط قرار می‌گیرند. کریستالر با تأکید بر تفاوت‌های موجود میان سکونتگاههای شهری و روستایی، آنها را از لحاظ جمعیت و عملکرد ۲ پدیده ماهیتاً متفاوت بشمار می‌آورد. هرچند، در مواردی، روستاها ممکن است از برخی کارکردهای مرکزی کم اهمیت‌تر برخوردار باشند.

بدینسان، مفهوم مرکزیت بر مبنای یک سلسله مراتب منظم، شامل تمام سکونتگاههای یک عرصه مکانی می‌شود؛ یعنی نه تنها حوزه‌های کوچک شهری که صرفاً مرکز حوزه پیرامونی خود (سکونتگاههای روستایی) بشمار می‌روند، بلکه شهرهای بزرگ‌تر را نیز دربر می‌گیرد. بدینسان، مکانهای مرکزی نه تنها حوزه پیرامونی بلافصل خود، بلکه در عمل، شبکه‌ای متشکل از چندین حوزه کوچک‌تر را شامل می‌گردد. به سخن دیگر، هریک از حوزه‌ها مراکز نزدیک‌تر به خود را تحت پوشش دارند، اما در مجموع دارای مکان مرکزی بزرگ‌تری هستند که نیازهای روستاها و شهرهای کوچک‌تر را برآورده می‌سازند، نیازهایی که شهرهای کوچک‌تر قادر به پاسخگویی به آنها نیستند.

براین اساس، مراکز واقع در هریک از سطوح سلسله مراتب، با آمیزه‌ای از کالاها و خدمات با مقادیر آستانه خاص خود مشخص می‌گردند. مطابق نظر کریستالر، در بالاترین درجه و یا مرکز کلانشهری، تمام کالاها را می‌توان یافت. هرچند این مراکز به لحاظ نظری، تمام کالاهای درجه پائین‌تر را نیز تهیه می‌کنند، اما به علت حیطه بعضی از کالاها، می‌توان آنها را در سایر مراکز نیز یافت. هر مرکز در سطح معینی از سلسله مراتب می‌تواند کالایی را که مقدار آستانه خاصی در میان کالاهای نهایی سلسله مراتب دارد و

و نهایتاً، با یکی - دو مکان مرکزی برخوردار از بالاترین رتبه روبرو هستیم. این بدان معناست که به طور کلی، در کنار تعداد زیادی لکه‌های بازاری و سکونتگاههای کوچک و بسیار کوچک، تنها تعداد معدودی سکونتگاههای بزرگ وجود دارد. به این ترتیب، هرچه سکونتگاهها بزرگ‌تر باشند، تعداد آنها در سطح مربوط به خود کمتر خواهد بود؛

• در سطح مناطق، در جاهایی سکونتگاههای شهری بزرگ با جمعیت زیاد و مترکم و در جاهای دیگر، این نوع سکونتگاهها معدود و با جمعیت کمتر مشاهده می‌شوند. بنابراین، پراکنش فضایی مکانهای مرکزی متعلق به سطوح بالا، اتفاقی نیست و استقرار فضایی آنها در هر ناحیه یا منطقه از قانونمندیهایی معین تبعیت می‌کند؛ و

• استقرار سکونتگاههای یک منطقه، از سکونتگاههای کوچک منزلگاهی تا لکه‌های بازاری و تا بزرگ‌ترین کانونهای شهری (کلانشهرها)، براساس وسعت و اندازه (سطح)، از نظم و ترتیبی خاص تبعیت می‌کند. براین مبنای، می‌توان سکونتگاههای مختلف را برحسب وسعت و اندازه و به تبع آن، عملکردهای هریک، در چارچوبی منظم، سطح بندی نمود.

با توجه به این پیش‌فرضهای مبنایی، محتمل‌ترین شکل سازمان فضایی، شبکه مکانهای مرکزی، خواهد بود، شبکه‌ای که متشکل از مراکز و کانونهای مختلف سکونتگاهی بر مبنای یک سلسله مراتب منظم است. به این ترتیب، شبکه مکان مرکزی براساس ۲ اصل عمده پدیدار می‌گردد:

• نخست اینکه، تمام کالاها و خدمات مورد نیاز کل منطقه توسط تعداد معدودی از مراکز تأمین و عرضه می‌شوند؛ و
• دیگر اینکه، یک مکان مرکزی با سطح و رتبه معین، کالاها و خدمات مرتبط با جایگاه خود و ضمناً تمام کالاها و خدمات با رتبه کمتر از سطح خود را عرضه می‌کند.

براین مبنای، کریستالر سکونتگاههایی را که برای حوزه پیرامونی خود مرکزیت دارند، مکان مرکزی می‌نامد؛ یعنی مراکز که نه تنها کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند، بلکه علاوه بر آن، نیازهای مرتبط سکونتگاههای کوچک‌تر پیرامونی را نیز برآورده می‌سازند. به این ترتیب،

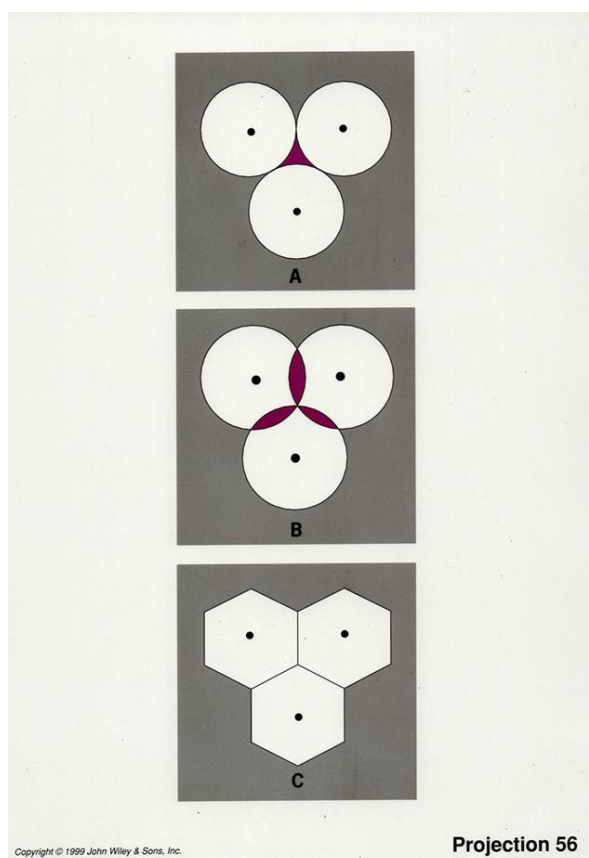
براساس اصول بالا و به خاطر محدودیتهای حد آستانه، آشکار است که امکان عرضه تمام کالاها و خدمات در همه مراکز وجود ندارد. تعداد نقاط تولید یا عرضه خدمات با رتبه کالا یا خدمت نسبت معکوس دارد؛ یعنی کالاها و خدماتی که دارای کمترین رتبه هستند، در مکانهای بیشتری یافت و عرضه می‌شوند، اما کالاها و خدماتی که بالاترین رتبه‌ها را دارند، تنها در نقاط معدودی در دسترس هستند. بنابراین، استقرار فضایی مکانهای بازاری و سکونتگاهها به شکل سلسله مراتبی منظم تحقق می‌یابد. برای درک چگونگی این سلسله مراتب باید به اصل بنیادین نظریه مکان مرکزی مراجعه کرد: هر مکانی با سطح معینی در این سلسله مراتب، نه تنها تمام کالاها و خدماتی را که با رتبه آن متناسب است، تهیه و عرضه می‌کند، بلکه تمام کالاها و خدمات با رتبه کمتر از سطح خود را نیز تأمین و عرضه می‌کند.

بنابراین، مدل کریستالر میان هر سطح از سلسله مراتب، نسبت ثابتی را الزامی می‌شمارد. این نسبت به عنوان مقدار K شناخته شده است و نشانگر این است که هر مرکز، علاوه بر حوزه خود، تعداد مشخصی از حوزه‌های بازاری و مراکز با درجه کمتر را زیر نفوذ کارکردی خود دارد. بر این اساس، شبکه‌ای پدید می‌آید که بر مبنای آن، نحوه شکل‌پذیری سلسله مراتب مطابق قاعده سه‌ها است؛ یعنی هر مرکز بر سر راه ۳ مرکز دیگر که بالاترین درجه بعدی را دارند، قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هر مرکز جدید (و حوزه بازاری آن) نیز با ۳ مرکز با درجه بالاتر اشتراک عملکردی می‌یابد. کریستالر اصطلاح *اصل بازار* را برای توصیف نحوه سازمان‌پذیری یک شبکه $K=3$ به کار می‌برد، زیرا این نحوه سازمان‌پذیری بر اساس رفع نیازهای حداکثر تعداد مصرف‌کننده (که به صورت موزون پراکنده شده باشند) از طریق حداقل تعداد مکانهای مرکزی استوار بود.

کریستالر تصور می‌کرد، همین که مقدار K در یک حوزه مشخص شد، در تمام طول سلسله مراتب ثابت باقی می‌ماند، به طوری که تعداد مراکز و حوزه‌های بازاری موجود در سطوح بعدی سلسله مراتب، بر اساس این تضاد مرتباً افزایش می‌یابد. به عنوان نمونه، یک کلانشهر باید کالاهایی

نیز تمام کالاهای بعدی با آستانه کمتر را تأمین و عرضه کند.

کریستالر معتقد بود، کارآمدترین شکل نظری (تئوریک) حوزه‌های بازاری، شش ضلعی است، زیرا در این قالب، شکل‌گیری و استقرار حداکثر تعداد حوزه‌های بازاری، همراه با حداقل هزینه‌های حرکت (جابه‌جایی) امکان‌پذیر است. البته آنچه که در این میان اهمیت ویژه دارد، ۲ عنصر اصلی، یعنی حد آستانه و حیطة یا بُرد کالاها و خدمات است. آشکار است که حدود این ۲ عنصر برای کالاها و خدمات گوناگون متفاوت است. برخی کالاها و خدمات دارای مقدار آستانه ناچیزی هستند و بر این اساس، حیطة یا بُرد محدودتری دارند، بنابراین می‌توان آنها را کالاها یا خدمات رتبه پائین نامید. در مقابل، برخی کالاها و خدمات نیازمند سطح بالاتری از تقاضا و بالطبع حیطة یا بُرد وسیع‌تری هستند که به آنها کالاها و خدمات رتبه بالا گفته می‌شود. برای نمونه، نان یک کالای رتبه پائین و خدمات یک جراح متخصص دارای رتبه بالاست.



به تعداد کالاها و خدمات عرضه شده، تفاوت خواهد کرد. در نظر کریستالر، شبکه سلسله مراتبی از مجموعه سطوحی معین و مجزا از هم تشکیل می‌شد، حال آنکه شبکه مورد نظر لوش به یک توزیع مداوم و پیگیر سلسله مراتبی مراکز اشاره دارد. در شبکه لوش، شهرهای کوچک هم اندازه ممکن است برخلاف شبکه کریستالر، کارکردهای اقتصادی کاملاً متفاوتی داشته باشند. به این ترتیب، مدل لوش، با وجود ابهامات موجود در آن، قابل انعطاف‌تر و روشن‌تر از مدل کریستالر است. در واقع، لوش مدعی است، ضرورتی ندارد مانند کریستالر ۳ اصل مجزا و در حال کشمکش را در برابر یکدیگر قرار دهیم، بلکه می‌توان شبکه‌ای را مجسم کرد که هر ۳ اصل را به طور یکجا در بر داشته باشد. برداشت لوش ۲ نتیجه مهم به همراه داشت:

• صورت‌بندی بخشی شبکه، مستلزم خطی بودن حرکت در طول راههاست؛ و

• در این شبکه، با وجود تأکید بر ضرورت نظم و ترتیب مکانی، پراکندگی جمعیت، موزون نیست و از نظر مکانی - فضایی ناهمگون است.

بر این اساس، نتیجه می‌شود که جابه‌جایی کالاها و خدمات، و حرکت افراد و گروه‌های انسانی برای دستیابی به آنها، در شکل‌پذیری ساختار چشم‌انداز سکونت و فعالیت، اهمیت بنیادی دارد. با نگاهی کلی به عوامل و نیروهای موجد این حرکت، آشکار می‌گردد که جابه‌جایی و حرکت در گستره فضایی چشم‌انداز مفروض را می‌توان بر اساس ۲ دسته نیروهای زیر تبیین کرد:

• عوامل یا نیروهای موجد حرکت، یعنی نیروهای متعامل عرضه و تقاضا؛ و

• عوامل یا نیروهای بازدارنده حرکت، یعنی تأثیر مسافت. این‌گونه عوامل با اصول کلی مطرح در قانونمندیهای علم فیزیک، به‌ویژه قانون حرکت نیوتن شباهت دارد. این شباهت در اواسط سده ۱۹م توسط کری مورد شناسایی قرار گرفت و بعدها در ۱۹۴۷م توسط *استیوارت*، با نام *مدل* *جاذبه معرفی* شد.

نتیجه دیگر اینکه، حتی اگر سطح زمین منطقه مفروض کاملاً همگون باشد، باز فعالیت‌های اقتصادی موجود در آن از

با بالاترین درجه را برای ۲ شهر بعدی (به اضافه خودش)، ۶ شهر کوچک، ۱۸ روستا، ۲۷ دهکده و... را تأمین کند. به این ترتیب، شبکه مکان مرکزی بر مبنای ۲ اصل عمده زیر پدید می‌آید:

• تمام کالاهای مورد نیاز منطقه مفروض کریستالر از طریق تعداد معدودی مرکز تأمین می‌شد؛ و

• یک مکان مرکزی با سطح معین در سلسله مراتب، کالاها و خدمات مربوط به سطح خود و تمام کالاها و خدمات سطوح پایین‌تر را عرضه می‌کرد.

خداشه در هریک از این ۲ اصل، ترتیب سلسله مراتب را به هم می‌زد و این واقعیتی بود که خود کریستالر نیز تشخیص داده بود. بنابراین، علاوه بر نحوه نظم‌پذیری سلسله مراتبی بالا که آن را *قاعده* یا *اصل بازاریابی* می‌نامید، ۲ قاعده یا اصل دیگر را نیز معرفی کرد: *اصل ترافیک* ($K=4$) و *اصل اداری - اجرایی* ($K=7$). در نظر کریستالر، گسترش یا تغییر الگوی حوزه‌های بازاری مطرح نبود. بنابراین، شبکه‌های مکانهای مرکزی ممکن بود بر اساس یکی از این ۳ اصل عمده، به صورت ثابت و تنها با تغییر جهت و وسعت شش ضلعیها، بدون آنکه این شکل هندسی تغییر پذیرد، پدیدار شوند.

کریستالر در بحث خود از الگوهای گوناگون سلسله مراتبی، پا را از این ۳ ساختار اصلی فراتر نهد، اما لوش، جغرافیدان دیگر آلمانی، به نتیجه عملی‌تری دست یافت. به این ترتیب که در یک مجموعه بی‌پایان، با تغییر وسعت و جهت شش ضلعیها، مقادیر K ممکن است برابر ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۱ و... باشد. به این ترتیب، برخی حوزه‌های بازاری امکان بروز بیشتر نمی‌یابند و فقط بعضی از آنها، به‌ویژه آنهایی که دارای مرکز بازاری مشترک نیستند (یعنی K برابر ۷، ۱۳، ۱۹)، بیش از سایر حوزه‌ها پدید می‌آیند. تحت این شرایط، هریک از کالاها یا خدماتی که در شبکه مکان مرکزی عرضه می‌شوند، می‌توانند مناسب‌ترین حوزه بازاری را از لحاظ وسعت *انتخاب* کنند. به این ترتیب، یک شبکه عینی مکان مرکزی از چندین شبکه شش ضلعی که هر کدام دارای وسعت و جهت متفاوتی هستند، پدید خواهد آمد و بدینسان، وسعت حوزه‌های بازاری در کل شبکه، با توجه

نظر فضایی متنوع خواهند بود. بنابراین، در اینجا نوعی *اقتصاد فضا* که علی‌رغم تأثیر محدودکننده‌های اساسی، با پیچیدگی زیاد ساختاری و نظم فضایی همراه است، مطرح می‌شود که شکل (مورفولوژی) ویژه آن، از ماهیت مبتنی بر نظم رفتار اقتصادی، با توجه به اینکه کالاها و خدمات در شرایط معین نظریه، تولید، مبادله و مصرف می‌شوند نشأت می‌گیرد. این رفتار مبتنی بر نظم در فضا، به صورت کنش متقابل تجلی می‌یابد: حرکت مصرف‌کنندگان به سوی مکانهای مرکزی، جابه‌جایی کالاها به سوی مصرف‌کنندگان و انتقال تولیدات کشاورزی به بازارهای مرکزی. حساسیت این گونه جابه‌جاییها در برابر اثر فرسایشی مسافت که برحسب هزینه حمل‌ونقل تعیین می‌شود، کلید فهم نظم مکانی - فضایی را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، این نظام فضایی متشکل از مجموعه‌ای از عناصر در حال تأثیر و تأثر متقابل (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مزارع و مکانهای مرکزی) است که به واسطه جریان مداوم کالاها، خدمات و افراد با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. بر این اساس، *نظام اقتصادی فضا* به عنوان کلیتی جامع عمل می‌کند و اگرچه هریک از قسمتهای گوناگون آن نقشی مجزا در کار نظام برعهده دارند، اما هیچ کدام به‌طور کامل مستقل از سایر اجزاء نیست. در این مجموعه پیچیده، تغییر در نقش عملکردی یک قسمت، تأثیری مهم بر کار سایر قسمتها و نیز بر ساختمان عملکردی کل مجموعه وارد می‌آورد. بنابراین، چشم‌انداز اقتصادی فضا، در شرایط مطلوب، نمایانگر نظامی است که افراد از طریق آن، با توجه به تفاوت‌های مکانی - فضایی موجود میان نیازها و منابع ضروری، می‌کوشند تا نیازهای خود را برآورده سازند. آشکار است که برای فهم و درک نحوه استقرار و سازمان‌پذیری فضایی سکونت و فعالیت گروههای انسانی، نظریه‌پردازی محض کافی نیست، اما هدف از این گونه مدل‌سازیهای نظری و ساده شده، همچون نظریه مکان مرکزی، بازسازی صرف الگوی عینی دنیای واقعی نیست، بلکه، علاوه بر آن، کمک به درک پیچیدگیهای واقعیت بیرونی است. به این ترتیب، مدلهایی کارآمد هستند که ضمن این نکته، گویای لافل برخی جنبه‌های خاص واقعیت باشند.

در این ارتباط، ممکن است پاسخ به انطباق این گونه مدل‌های نظری با نحوه استقرار در دنیای واقعی، به هیچ وجه باشد، زیرا در دنیای واقعی هیچ گونه الگوی شش ضلعی و منظمی از سکونتگاههای انسانی وجود ندارد و به ندرت می‌توان شاهد شکل‌گیری حوزه‌های کاملاً متحدالمرکز فعالیت و تولید کشاورزی در پیرامون شهرها بود. البته، این گونه نگاه به مسئله نیز سطحی و ناکارآمد است. از این رو، پیش از پذیرش یا رد هرگونه مدل توضیحی درباره نحوه شکل‌پذیری سازمان فضایی، لازم است جنبه‌های مختلف این مقوله، از جمله ساختار سلسله مراتبی، نحوه و دامنه حرکت متقاضیان کالاها و خدمات گوناگون به مکانهای مرکزی و مانند آن را در دنیای واقعی مورد مشاهده و بررسی دقیق قرار دهیم.

به هر تقدیر، نتایج حاصل از بررسی اجمالی نظریه مکان

مرکزی را می‌توان به شرح زیر به اختصار مطرح ساخت:

• سکونتگاههای انسانی، اعم از شهر و روستا، بر اساس نظم مکانی - فضایی آشکار یا پنهان استقرار و سازمان یافته‌اند. این نظم، نظم سلسله‌مراتبی است که بر مبنای آن، هر سطح با ویژگیهای اساسی زیر همراه است:

۱. سازوکار ویژه عملکردی با توجه به نسبت برخورداری از جمعیت، فعالیت، امکانات و دامنه روابط بیرونی؛

۲. سازوکار عملکردی ویژه در هر سطح؛

۳. تأثیر ویژه عامل فاصله یا مسافت بر هم‌نوایی استقرار مراکز هم سطح در سلسله مراتب؛ و

۴. حوزه‌بندی مبتنی بر وسعت - فعالیت سکونتگاهها، بر اساس استقرار منظم فضایی نسبت به مراکز بازاری محلی، ناحیه‌ای و ملی.

این ویژگیهای هم‌پیوند، انعکاسی هستند از شرایط متفاوت و متنوع آستانه کالاها و خدمات گوناگون و نیز حیطه تقاضا برای آنها؛

• آرایش فضایی فعالیت کشاورزی، مستلزم حوزه‌بندی خاص و متحدالمرکز کاربری اراضی زراعی در پیرامون مراکز بازاری بزرگ است؛ و

• حرکت در طول فضا، به‌طور کلی، با افزایش فاصله، کاهش می‌پذیرد. به سخن دیگر، حرکت و امکان جابه‌جایی افراد و

- تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, 1962.
- Christaller, Walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, 1933.
- Galpin, Charles J. "The Social Anatomy of Agricultural Community", *Agricultural Experiment Station, Research Bulletin*. 34, Madison, 1915.
- Gradmann, Robert. "Das Landliche Siedlungswesen des Konigsreichs Wurttemberg", *Forschungen zur Deutschen Landes- und Volkeskunde*. 21. Bd., Heft. 1. 2. Auflage, Stuttgart, 1925.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, 1971.
- Ibid. *Allgemeine Wirtschaftsgeschichte*. Munchen und Leipzig, 1923.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, 1960.
- Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, 1977.
- Loyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, 1972.
- Sombart, Werner. "Einige Anmerkungen zur Lehre von Standort der Industrien", *Archive fur Sozialwissenschaften und Sozialpolitik*. 30, 1910.
- Von Thunen; Johann Heinrich. *Der Isolierte Staat in Beziehung auf Landwirtschaft und Nationalokonomie*. Rostock, 1842.
- Weber, Max. "Wirtschaft und Gesellschaft", *Grundriss der Sozialökonomik*. III, 2. Auflage, Tübingen, 1925.
- Ullman, E.L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*. 46, 1940-41.
- Weber, Adna Ferrin. *The Growth of Cities in the Nineteenth Century*. New York and London, 1899.
- Weber, Alfred. "Industrielle Standortlehre (Allgemeine und Kapitalistische Theorie des Standorts)", *Grundriss der Sozialökonomik*. 6. Abt. Tübingen, 1914.

عباس سعیدی

مکانیابی

Site-Selection

انتخاب مناسب‌ترین مکان برای استقرارهای جدید، با توجه به شرایط و ویژگیهای عمومی زمین. عوامل و نیروهای گوناگونی در مکان‌گزینی و شکل‌پذیری سکونتگاههای انسانی دخالت دارند که باید- براساس اصول- در هرگونه

گروههای انسانی با بعد فاصله یا مسافت که در دامنه روابط فضایی بین سکونتگاهی نقشی بنیادی و تعیین‌کننده دارد، نسبت معکوس دارد.

از زمانی که برای نخستین بار نظریه مکان مرکزی مطرح گردید (۱۹۳۳م)؛ تحولات شگرفی در سطوح مختلف؛ و به‌ویژه در زمینه توسعه و فراگیر شدن فناوری، امکانات جابه‌جایی و حمل‌ونقل، گسترش ارتباطات گروهها و جوامع انسانی، مناسبات تولید و روابط بازار، دامنه و مبادله اطلاعات، تغییر در فهرست نیازها و تقاضاهای افراد و گروهها... و همراه با آن، گسترش شهرگرایی و شهرنشینی، رشد بی‌سابقه مراکز شهری و دگرگونی در روابط و مناسبات بین سکونتگاهی پدیدار شده است که خود مؤید و شاهد آن است که اصول و پیش شرطهای اولیه نظریه مکان مرکزی نمی‌تواند به‌صورت اولیه و کارآمد باشد. با وجود این، ایده و آرمان اولیه آن در ارتباط با وجود نظم، سامان‌پذیری فضایی و روابط مکمل بین سکونتگاهی طی این مدت، هنوز مورد توجه کارشناسان و دانشمندان مباحث استقرار سکونتگاهی و انتظام فضایی بوده و براساس ویژگیها و قواعد اولیه آن، نظریات و مدل‌های تازه و متنوعی ارائه شده است. این نکته حتی زمانی که مدل مبتنی بر نظریه مکان مرکزی را به دور از تحولات زمانی و ایستا می‌دانیم، صادق است. زیرا مرور این ویژگیها و قواعد برای بررسی نظریه‌ها و مدل‌های بعدی ضروری پیوسته اساسی بوده است. از مهم‌ترین نتایج حاصل از مطالعات نظری کریستالر این است که حتی در شرایط پایدار و ثابت قالب‌های نظری، بازهم آنجا که سکونتگاههای انسانی و فعالیتها و روابط خاص آنها مطرح است، تفاوت‌های مکانی- فضایی قابل مشاهده هستند. از این‌رو، در بررسی استقرار فضایی سکونتگاهها شایسته است، از بهره‌گیری محض از قواعد و اصول متعارف علم اقتصاد که قاعدتاً به این ویژگیها و تنوعات مکانی- فضایی بی‌توجه است، هم در مطالعات پایه و هم در مطالعات برنامه‌ریزی، جداً پرهیز کرد.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. «ضرورت آرایش مکانی- فضایی سکونتگاههای روستایی»، *مجموعه مقالات ساماندهی روستاهای پراکنده*. ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*.

اثرگذاری بسیاری از این عوامل را، به‌ویژه در برپایی سکونتگاههای روستایی، هنوز هم می‌توان، برای مثال، در نام بسیاری از شهرها و روستاها، نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان، باز یافت. علاوه بر این، همین‌گونه عوامل در شکل بخشی به سکونتگاههای جدید پیوسته اهمیت داشته‌اند. به سخن دیگر، شکلها و الگوهای سکونتگاهی هسته‌ای، خطی، پراکنده، مجتمع و مانند آن، خبر از اثربخشی این عوامل دارد. از این گذشته، اندازه و وسعت و نیز امکان رشد و گسترش واحدهای سکونتگاهی و نیز جایگاه آنها در سلسله مراتب سکونت (مزرعه مسکونی، دهکده، روستا، شهرک روستایی، شهرک، شهر و ...)، در بسیاری از موارد، بازتابی گویا از دامنه اثربخشی این عوامل بشمار می‌رود (← سلسله مراتب سکونتگاهی).

برنامه‌ریزی اسکان، مکانیابی و انتخاب محل به‌منظور تأمین سرپناه، پیوسته مستلزم فراهم‌سازی سایر زمینه‌ها، کمکها و امکانات بوده است. بنابراین، در ارتباط با ارزیابی کلی نیازها و برنامه‌ریزی برای پاسخگویی فوری به آنها، چنین الزاماتی را باید در نظر گرفت. آنچه در این میان اساسی بشمار می‌رود، این است که در هر شرایط و وضعیتی، نقطه نظرات مردمان ذی‌نفع پیوسته بایستی در اولویت قرار گیرد. به سخن دیگر، تصمیم‌گیرها بایستی به‌عنوان جزئی از رویکرد هماهنگ برآمده از مشورت با کارشناسان و نیز نقطه نظرات افراد و گروههای ذی‌ربط به‌حساب آید. در این ارتباط، گذشته از مشارکت مردمی، همکاری متخصصان رشته‌های مختلف، از جمله زمین‌شناسی، معماری، جغرافیا و برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی، مهندسی عمران و بهداشت عمومی مورد نیاز است. به‌طور کلی، مکانیابی سکونتگاهها به دلایل مختلف مطرح می‌شود؛ از آن جمله است:

- بروز سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه؛
- جابه‌جایی سکونتگاهها به دلایل مختلف محیطی، اجتماعی - اقتصادی و یا سیاسی؛
- ادغام سکونتگاههای کوچک روستایی؛ و
- ضرورت ایجاد و برپایی سکونتگاههای جدید، اعم از شهری و روستایی.

مکانیابی مدنظر قرار گیرند. اگرچه نحوه اثرگذاری این عوامل و نیروها، بیش از هر چیز، به ویژگیهای زیربنایی بستر محیطی و ساختهای بوم‌شناختی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرایند، مجموعه انگیزه‌هایی است که برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادی، به صور مختلف، در میان گروههای انسانی بروز می‌یابد. از این‌رو، شکل‌پذیری مکان‌گزینی متنوع سکونتگاههای انسانی در واقع، نتیجه اثربخشی نحوه عینیت‌یابی این انگیزه‌ها، به شکلهای متفاوت است. از این‌رو، سکونتگاهها از یک ناحیه به ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ کارکردی، به شکلهای مختلف پدیدار می‌گردند.

گرچه به‌واسطه وضعیتهای اضطراری، همچون بهنگام بروز سوانح طبیعی، مانند سیل و زلزله، ممکن است برپایی فوری مکانهای جدید برای اسکان افراد و گروههای انسانی آسیب‌دیده، امری اجتناب‌ناپذیر جلوه کند، اما ایجاد و برپایی اصولی مکانهای جدید سکونت، قاعدتاً بایستی پس از بررسی راههای بدیل، حتی‌المقدور، راهکار/اسکان نهایی بشمار آید. بدینسان، نوع و موقعیت محل جدید اسکان ممکن است از یک سکونتگاه موجود یا استقرارگاه خودجوش و ناگهانی (اضطراری) در ناحیه‌ای وسیع، تا سکونتگاهی منظم و برنامه‌ریزی شده و حتی یک کانون جمعیتی (مثلاً شهرک) در یک ناحیه معین تفاوت پذیرد.

مکان یک سکونتگاه عبارت است از محل استقرار و برپایی آن بر سطح زمین. تصمیم‌گیری در انتخاب این مکان از سده‌ها پیش پیوسته در ارتباط با عوامل مکانی - موقعیتی چندی به انجام می‌رسید. برخی از این عوامل در طول تاریخ عبارت بوده‌اند از:

- امکان امنیت و دفاع؛
- دسترسی به آب کافی و مناسب؛
- سهولت در دسترسی به سکونتگاههای دیگر و مکانهای مختلف دور و نزدیک؛
- دوری از خطر سیل و سیلاب؛
- وجود اراضی حاصلخیز قابل زرع؛ و
- دسترسی به مواد تأمین‌کننده سوخت و مصالح ساختمانی.

• منابع آب. از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکانیابی و انتخاب محل جدید، دسترسی به مقدار کافی آب دائمی و در دسترس در طول سال است. همین موضوع، درعین‌حال، پیوسته یکی از دل‌مشغولیهای هم‌کارشناسان و هم‌مردمان ذی‌ربط، بشمار می‌رود. آشکار است که نمی‌توان (و نباید) به انتخاب مکان در دسترس برای اسکان پرداخت، با این فرض که آب مورد نیاز را می‌توان بعداً از طریق حفر چاه و یا انتقال، یا حتی حمل آن از جای دیگر به محل مورد نظر، تأمین نمود. حفر چاه در اغلب موارد یا با هزینه‌های زیاد همراه است و یا ممکن است اصولاً آب کافی درعمل در دسترس نباشد. از سوی دیگر، نمی‌توان برای مدت طولانی و یا به‌طور دائمی، آب را از جای دیگر به مکان مورد نظر حمل نمود. در مقابل، در پاره‌ای موارد- به‌ویژه در نواحی مرطوب و یا عرصه‌های در معرض سیلاب- ممکن است آب کافی در دسترس باشد، اما در این ارتباط آنگیربودن اراضی و زهکشی آنها به‌عنوان معضلی جدی مطرح باشد. بنابراین، در این‌گونه موارد نیز ضروری است، تا کل عرصه انتخابی برای سکونت بالاتر از سطح آنگیر قرار داشته باشد. این مقدار معمولاً بیش از ۳ متر بالاتر از سطح آنگیر و ترجیحاً بر عرصه‌ای با شیب ملایم انتخاب می‌شود، زیرا مکانهای هموار و تخت، معمولاً در دفع هرزابه‌ها و سیلابها با مشکلات جدی روبرو هستند. آشکار است که حتی‌المقدور باید از انتخاب مکان در اراضی ماندابی، مردابی و یا عرصه‌های در معرض آنگیری دائمی و یا فصلی (بهنگام بارش) جداً اجتناب نمود. در این‌گونه موارد، خط طبیعی تقسیم آنها می‌تواند مکان نسبتاً مناسبی به‌حساب آید؛

• فضای آزاد. مکان انتخابی اساساً باید از عرصه‌های باز قابل استفاده کافی برای جمعیت مورد نظر (با توجه به رشد آتی) و نیز تأسیسات مورد نیاز برخوردار باشد. سازمان بهداشت جهانی در ارتباط با وقوع سوانح در محیطهای روستایی و ضرورت جابه‌جایی و ایجاد سکونتگاههای جدید، فضای سرانه مورد نیاز را حداقل ۳۰ مترمربع برای هر نفر، به اضافه زمین کافی برای فعالیتهای اقتصادی تعیین کرده است. همین مقدار در موارد اسکان موقت، فضایی برابر ۳/۵ مترمربع است. البته، قابلیت عرصه فضایی انتخابی

علاوه‌براین، مکانیابی به معنای جایابی مناسب برای تأسیسات و پدیده‌های انسان‌ساخت، همچون سدها و مجموعه‌های صنعتی، نیز به کار می‌رود.

در فرایند مکانیابی، آشنایی با شرایط محلی، هم از نظر شناسایی خصوصیات محل اولیه زندگی افراد و گروههای ذی‌ربط و هم ویژگیهای محل جدید و همچنین، بررسی و پندآموزی از تجربه‌های گذشته در زمینه‌های مشابه، از اهمیت زیادی برخوردار است. در مواردی، این امر نیز ضروری خواهد بود که پیش از انتقال افراد و گروههای ذی‌ربط به مکان جدید و دائمی اسکان، آنان را در مکان یا مرکزی موقتی و یا انتقالی (در حال گذار) سکونت دهند، تا افراد و گروههای ذی‌ربط بتوانند خود را با شرایط متفاوت زندگی در آینده دمساز سازند. این‌گونه کانونها یا مراکز قاعدتاً بایستی، به‌طور نسبی، دارای همان شرایط سکونتگاه دائمی باشند و یا لاقلاً با شرایط سکونتگاه جدید چندان بیگانه نباشند.

آنچه که به‌عنوان معیارهای اولیه مکانیابی مطرح می‌شود، در عمل، بر زمینه‌ها و نیازهای اساسی زندگی جمعی در یک مکان استوار است. برخی از این نکات و جنبه‌ها عبارتند از:

• نیازهای اجتماعی. بهنگام تعیین محل و موقعیت سکونتگاه، بایستی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و گروههای ذی‌ربط مدنظر قرار گیرد. البته، در اغلب موارد و شرایط، انتخاب محل یا مکان مورد نظر با محدودیت همراه است. به‌عنوان نمونه، ممکن است حتی عرصه‌ای که با حداقل استانداردها مطابقت دارد، کمیاب و حتی نایاب باشد. هنگامی که مکانی انتخاب شد و در آن استقرار صورت پذیرفت، لازم است این پرسش ظاهراً بدیهی، مطرح گردد که چرا این محل پیش از آن توسط مردم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار نگرفته است (؟) و دلایل این عدم بهره‌برداری چه بوده است (؟)؛ برای نمونه، ممکن است فقدان آب کافی و یا آب‌گرفتگی به‌واسطه وضعیت خاص رژیم بارش در منطقه و مانند آن، از علل عدم اشغال آن بوده باشد. نهایتاً، در صورت وجود این‌گونه علل و دلایل، باید از استقرار در آن مکان خودداری شود؛

برای رشد کالبدی آتی نیز باید پیش‌بینی و ارزیابی گردد. نکته اساسی، اجتناب از انتخاب مکانهایی است که در معرض ادعاهای ملکی - عرفی و یا منازعات سنتی - محلی قرار دارند؛

• **امکانات دسترسی.** محل انتخابی باید از امکان بهره‌مندی از وسایل نقلیه و راههای مواصلاتی برخوردار باشد. در همین ارتباط، دسترسی به امکانات و خدمات گوناگون، نظیر آموزش، بهداشت و درمان و نیز بازارهای مبادلاتی، از پیش شرطهای مکانیابی سکونتگاههای جدید بشمار می‌رود؛

• **ملاحظات زیست محیطی.** عرصه انتخابی حتی‌المقدور باید به دور از خطرات و آسیبهای محیطی، از جمله سیل، زلزله، طوفان ریگ و همچنین محیطهای بیماری‌زا باشد. در همین ارتباط، شرایط اقلیمی قاعداً باید با آسایش زیستی در طول سال همراه باشد. برای نمونه، مکان مناسب در فصل خشک ممکن است در فصل مرطوب و بارش نامناسب باشد؛ یا درحالی‌که بادهای معتدل و خنک در یک فصل از سال، امتیاز بشمار می‌آیند، ممکن است بادهای شدید و یا گرم‌از در فصل دیگر، نامناسب و مزاحم باشند. قدر مسلم آنکه محیط مکانیابی شده جدید نباید از لحاظ اقلیمی با تفاوت‌های شدید با محیط زندگی مألوف پیشین همراه باشد؛

• **پوشش زمین و خاک.** خاک مکان انتخابی باید از نفوذپذیری مناسب و کافی برخوردار باشد. بنابراین، طبعاً باید از انتخاب محل‌های سنگی برخوردار از خاکهای غیرقابل نفوذ پرهیز نمود. علاوه‌براین، به‌ویژه در ارتباط با سکونتگاههای روستایی، قابلیت و حاصلخیزی خاک کافی برای زراعت و باغداری نیز باید مورد عنایت و تأکید جدی قرار گیرد. به‌همین ترتیب، پوشش گیاهی محل انتخابی نیز از اهمیت برخوردار است. از این‌رو، توجه به برخورداری زمین از گیاهان علفی، درختچه‌ای و درختان طبیعی اساسی بشمار می‌رود، چرا که این‌گونه پوشش نه تنها عاملی در جلوگیری از فرسایش خاک، برپایی گرد و غبار و مانند آن به حساب می‌آید، بلکه در ایجاد محیط دلپذیر و قابل زیست و نیز پذیرش محل جدید نزد ساکنان نقش مهمی ایفا می‌کند. طبیعی است که پوشش گیاهی، به‌ویژه درختان و

درختچه‌های محل، نباید از سوی کارشناسان و یا ساکنان به‌عنوان ماده سوختی مورد نظر باشد، بلکه پیوسته لازم است تأمین سوخت بدیل، مثلاً نفت، گاز و مانند آن، مورد توجه جدی قرار گیرد. در همین ارتباط، تعیین کاربری زمین و تبیین فضاهای مختلف مکان انتخابی، از جمله محل استقرار خانه‌ها، تأسیسات و اراضی مختص تأسیسات و خدمات باید با دقت کافی برای موارد مرتبط تخصیص یابند؛ و

• **حقوق ملکی زمین.** اراضی محدوده انتخابی باید از هر جهت از لحاظ مالکیت، چرای سنتی دام (حقوق مرتع) و سایر موارد حقوقی - عرفی جمعیت بومی محل مستثنی باشند، زیرا این‌گونه حقوق محلی، در اغلب موارد، موجب تعارضات بین‌گروهی و اجتماعی بعدی خواهند بود. حتی در مواردی که عرصه انتخابی از اراضی ملی و دولتی بشمار می‌رود، ممکن است ساکنان بومی پیرامون به‌طور سنتی چنین حقوقی در بهره‌برداری برای خود قائل باشند. بنابراین، توجه به این نکته در بررسیهای مکانیابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه مسلم است این‌که اراضی تخصیصی باید از لحاظ قوانین رسمی و نیز حقوق عرفی، وضعیتی کاملاً روشن و شفاف داشته باشند.

مکانیابی و ابعاد توسعه پایدار

در انتخاب محل و مکانیابی سکونتگاههای انسانی رعایت اصول و ابعاد توسعه پایدار که مورد وفاق عام کارشناسی است، از الزامات بنیادی بشمار می‌رود. برای توسعه پایدار، از دیدگاههای مختلف، ابعاد گوناگونی مطرح شده است، اما آنچه که قاعداً به‌عنوان ابعاد اصلی این نوع رویکرد به توسعه مطرح می‌گردد، عبارت است از:

• بُعد محیطی - اکولوژیک؛

• بُعد اجتماعی - فرهنگی؛

• بُعد اقتصادی؛ و

• بُعد نهادی - سیاسی (← توسعه پایدار).

براساس ابعاد بالا و تلفیق برخی از آنها، ضوابط مکانیابی را می‌توان به‌شرح زیر مطرح ساخت:

ضوابط محیطی - اکولوژیک

- ملاحظات مربوط به مهارت‌های شغلی، در کنار نوع معیشت و نحوه گذران اقتصادی؛
- توجه به میزان و دامنه تولید ناخالص سرانه؛
- فعالیت اقتصادی و تولیدی و انواع آن، با توجه به الزامات و فضاهای لازم برای هریک از آنها؛
- امکان دسترسی به بازارهای محلی و شهری؛
- امکان و دامنه اضافه تولید و امکانات مبادله کالایی؛
- توجه به میزان اشتغال لازم برحسب گروه‌های مختلف سنی و جنسی و پیش‌بینی نسبت‌های بیکاری؛ و
- امکان دسترسی به مؤسسات مالی - اعتباری (صندوق‌های مختلف محلی، بانکها و دیگر مؤسسات مالی) در سطح منطقه‌ای و ملی.

ضوابط حقوقی

- وضعیت مشخص حقوقی در بهره‌گیری از اراضی و عرصه‌های پیرامونی از اهم مواردی است که در هرگونه مکانیابی مورد توجه و تأکید قرار گیرد.

ضوابط سیاسی - اداری

- جایگاه مشخص اداری - سیاسی محل جدید؛
- نسبت برخورداری از برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای؛
- انجمنها و نهادهای مختلف محلی؛ و
- بررسی امکانات در زمینه نوع و دامنه دخالت در سوانح طبیعی، اعم از پیش‌بینی، آموزش، کمک رسانی و مانند آن.

ضوابط فضایی - عملکردی

- آشکار است که هرگونه حرکت توسعه‌ای به طرق مختلف دارای تبعات و در نتیجه بُعدی فضایی است. به سخن دیگر، سرزمینها، مناطق و واحدهای سکونتگاهی، اعم از روستایی یا شهری، کانونهای زیستی منزوی و مجزایی نیستند که زندگی و فعالیت در آنها صرفاً ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به عبارت دیگر، تنها ابعادی درون سکونتگاهی، داشته باشند، بلکه در واقع، دامنه و نوع کنش متقابل موجود میان آنها، در سطوح مختلف، می‌تواند

گرچه ضوابط یا ویژگیهای محیطی - اکولوژیک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصولی است که بایستی در هرگونه مکانیابی مورد توجه اکید قرار گیرد، در اغلب موارد مورد غفلت واقع می‌شود. از این رو، در بسیاری از موارد، اقدامات و اعتبارات هزینه شده برای استقرارهای جدید انسانی، به‌ویژه در پروژه‌های اضطراری، همچون بازسازیها و یا برپایی آبادیهای جدید پس از وقوع سوانح طبیعی، با عدم اقبال مردمی و مسائل مختلف پس از اسکان روبرو می‌گردد. بدینسان، اهم این‌گونه ضوابط عبارتند از:

- موقعیت طبیعی. قرارگیری در موقعیتهای دشتی، دامنه‌ای و یا کوهستانی، هر کدام ضرورتها و محدودیتهای خاص خود را به همراه دارد که در تعیین مکانهای جدید باید به تفاوت مورد توجه قرار گیرد؛
- ساختار زمین. این جنبه از مکانیابی، در کنار انتخاب موقعیت طبیعی مناسب، می‌تواند گویای انتخاب مناسب شالوده‌های طبیعی استقرار باشد؛
- شکل ناهمواری و شیب زمین؛
- فقدان سوانح طبیعی. سیلخیزی، آب‌گرفتگی، زلزله‌خیزی، رانش و ریزش از رایج‌ترین سوانحی است که معمولاً در عرصه‌های مختلف برخی کشورها - از جمله ایران - موجب بروز خطرات جانی و بروز خسارتهای مالی برای ساکنان می‌گردد؛
- دسترسی مناسب به منابع کافی آب سطحی یا زیرزمینی؛ و
- وجود خاک کافی به‌منظور بهره برداریهای مختلف.

ضوابط اجتماعی - اقتصادی

- جمعیت کافی و متعادل و با ترکیب متناسب، از لحاظ گروه‌های مختلف سنی و جنسی؛
- توجه به فرهنگ، سابقه و سنت‌های یکجانشینی؛
- امکانات بالقوه برای برپایی و توسعه آموزشهای عمومی؛
- توجه به نرخ باسوادی جمعیت داوطلب سکونت در محل جدید؛
- عنایت به روابط و پیوندهای قومی، مذهبی، طایفه‌ای و... همسایگی و مجاورت کالبدی و درون سکونتگاهی؛

اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۷۳.

- Bonine, M. *Yazd and Its Hinterland*, 1975.
- Chisholm, M. *Rural Settlements and Land Use*. London, 1962.
- Christaller, Walter. *Die zentralen Orte in Suddeutschland*. Jena, 1933.
- Galpin, Charles J. *The Social Anatomy of Agricultural Community*. Agricultural Experiment Station, Research Bulletin 34, Madison, 1915.
- Haggett, P. *Geography, A Modern Synthesis*. London, 1971.
- Haggett, P. *Locational Analysis in Human Geography*. New York, 1971.
- Isard, D.W. *Methods of Regional Analysis*. MIT Press, 1960.
- Loyd, P. & Dicken, P. *Location in Space*. London, 1990.
- Mezer, I.R. & Huggett, R.J. *Settlement*. London, 1981.
- Ullman, E.L. "A Theory of Location for Cities", *American Journal of Sociology*. 46, 1940-41.

عباس سعیدی

مگا پولیس ← کلانشهر

منابع ← مدیریت منابع (انسانی)

منافع عامه

Public Interest

اصطلاح منافع عامه برای سیاستها یا هدفهایی در جامعه به کار می‌رود که همه افراد یا اعضای جامعه، صرف‌نظر از موقعیت، ثروت یا قدرت، به یکسان از آن بهره‌مند هستند. منافع عامه اغلب در برابر منافع شخصی یا ملاحظات خاص قرار می‌گیرد و از لحاظ معنایی با اصطلاحاتی، چون خیر مشترک و اراده عمومی نزدیک است. با این حال، اصطلاح منافع عامه، مثل بسیاری از اصطلاحات مشابه که به منافع جمع و گروههای وسیع مربوط می‌شود، خالی از ابهام

در عمل زمینه‌های توسعه را هموار و یا در صورت فقدان یا نارسایی، حتی محدود سازد. با این حال، در شاخص‌گذاریهای گوناگون برای مکانیابی براساس توسعه پایدار، نباید این بُعد اساسی، یعنی بُعد فضایی - عملکردی، نادیده گرفته شود و صرفاً ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی مدنظر قرار گیرند. بنابراین، ضوابط فضایی - عملکردی مستلزم توجه به معیارهای زیر است:

- وضعیت راههای مختلف ارتباطی (آسفالته، شوسه، خاکی و...) و امکان دسترسی به آنها؛
- برخورداری از تأسیسات مختلف خدماتی؛
- فاصله از سکونتگاههای پیرامونی، اعم از روستایی و شهری؛
- فاصله تا نزدیک‌ترین سکونتگاه مرکزی؛
- امکان و دامنه دسترسی به مصالح ساختمانی بومی و غیربومی؛
- امکان ساخت و ساز مسکن و تأسیسات مرتبط با آن؛ و
- جایگاه عملکردی مشخص در تعاملات فضایی.

نکته مهم دیگر در مکانیابی، توجه به این جنبه اساسی است که سکونتگاهها، علاوه بر کارکرد سکونتی، باید از برخی کارکردهای دیگر، همچون کارکردهای اجتماعی - اقتصادی نیز برخوردار باشند. آشکار است که کارکردهای هر مکان، به وجود امکانات، فعالیتها و روابط آن بستگی تام دارد. بنابراین، وفور یا کمبود و یا حتی نبود آنها در یک سکونتگاه، تعیین‌کننده جایگاه کارکردی و دامنه نفوذ فضایی آن خواهد بود.

کتاب‌شناسی:

- سعیدی، عباس. *شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مسکن روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- سعیدی، عباس. *روندهای مکان‌گزینی و مکانیابی سکونتگاههای روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دفتر برنامه‌ریزی و هماهنگی طرحها، ۱۳۸۵.
- طالب، مهدی؛ سعیدی، عباس و صفی‌نژاد، جواد. *طرح ساماندهی روستاهای پراکنده (استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویراحمد)*، بخشهای بهمنی و لنده. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

در برابر منافع خاص به کار می‌رود.

در معنای دقیق‌تر و در حوزه دانش سیاسی، مفهوم منافع عامه اساساً با فضای فکری و سیاسی جوامع امروزی یا جوامع مدرن و مسائل سیاستگذاری آن مرتبط است. در جوامع پیش-مدرن آنچه اصالت داشت، نه عرصه ملی، بلکه حوزه قلمروها بود. قلمروها حوزه منافع افراد خاص بودند، نه منافع عام. با شکل‌گیری دولتهای ملی است که عرصه منافع عامه پدیدار شده است. وقتی از منافع عامه سخن می‌گوییم، در واقع اشاره ما به این مسئله است که چه سیاستها و هدفهایی با منافع عموم همخوانی دارد یا ندارد. مفهوم منافع عامه با مفاهیم مدرن دیگری، چون حقوق، تکلیف، مسئولیت و عقلانیت ارتباط دارد. منافع عامه وقتی معنا پیدا می‌کند که شخص به شهروند تبدیل می‌شود و حکومت در برابر عموم شهروندان، پاسخگو است.

منافع عامه و خیر عمومی

اصطلاح منافع عامه گاه با مفهوم خیر عمومی با معنایی یکسان و گاه با معنایی متفاوت به کار می‌رود. یکسان یا نایکسان گرفتن این ۲ مفهوم، محصول و همچنین موضوع منازعه عقیدتی بین ۲ مکتب فکری فردباوری و جامعه‌باوری است. فردباوران، چه به لحاظ وجودشناسی، چه به لحاظ نظام ارزشی و سرانجام چه از حیث تجویزهای سیاسی، فرد را بر جمع مقدم می‌شمارند. شاخه‌هایی از فردباوری اصولاً واژه جامعه را فاقد معنا می‌دانند و معتقدند، جامعه چیزی جز جمع افراد نیست و اصولاً واژه جامعه چیزی جز یک برساخته نیست. برای فردباوران، چه فردباوران کلاسیک (لاک، بتام، میل) و چه فردباوران جدید (نوزیک، برلین)، منافع عامه در واقع، منافع مشترک افراد یک جمع است. فردباوران کلاسیک منافع عامه را سرجمع منافع تک‌تک افراد یک واحد سیاسی تلقی می‌کردند. به همین دلیل می‌گفتند، هدف سیاست عمومی باید تأمین بیشترین منافع بیشترین تعداد افراد باشد. منافع عامه به این معنا، با جمع و کسر کردن منافعهای مختلف به دست می‌آید. بر همین اساس، این دسته از نظریه‌پردازان دولت را به‌مثابه دستگاه سازش دادن منافع مختلف بشمار می‌آورند.

نیست. مدیران عرصه عمومی، از جمله مدیران شهری و روستایی، با این اصطلاح و حوزه کاربرد آن به‌وفور سروکار دارند. باین‌حال، تحلیل‌گران سیاسی به‌خوبی می‌دانند که هدفهای زیادی نیست که بتوان بی‌دغدغه مفهوم منافع عامه را برای آنها به کار برد.

واژه منفعت که از جمع آن واژه منافع ساخته شده است، عبارت است از آنچه که برای یک شخص یا یک گروه از اشخاص سودمند محسوب می‌شود، بدین سبب که به آنها چیزی را می‌دهد که خواستارشان هستند. اگر جمعی از افراد در چیزی به‌طور مشترک نفع داشته باشند، گفته می‌شود که این جمع در آن چیز دارای نفع مشترک هستند یا آنها منافع مشترک دارند. گرچه در بسیاری موارد، ۲ اصطلاح منافع مشترک و منافع عامه به‌صورت هم‌معنا و گاهی، حتی به جای هم به کار می‌روند، اما این ۲ اصطلاح معنی یکسانی ندارند. در این اصطلاح، واژه عامه در اصل به‌عنوان قیدی برای اشاره به منافع، مصالح یا علایق خاص به کار می‌رود که از قرار، در میان تمام اعضاء یک واحد سیاسی مشترک است. این‌گونه منافع که همه اعضاء یک جامعه سیاسی در آن سهیم باشند، در واقع چندان زیاد نیست. منافعی که اغلب اعضاء یک جامعه سیاسی (یا کشور) در آن سهیم هستند، به‌ویژه در رابطه با واحدهای سیاسی دیگر (کشورهای دیگر)، منافع ملی خوانده می‌شود. باین‌حال، منافع عامه در معنای محدودتر نیز به کار می‌رود. منافع عامه در معنای محدودتر، به منافع جمعی از اشخاص نامعین و ناشناخته اشاره دارد که از یک سیاست، یک هدف و یا یک برنامه منتفع می‌شوند. وقتی یک پارک عمومی یا یک ورزشگاه عمومی ساخته می‌شود، همه مردم می‌توانند از آن استفاده کنند، اما اینکه در عمل کدام شخص از آن استفاده می‌کند، مشخص نیست. در این‌گونه موارد نیز از اصطلاح منافع عامه سخن گفته می‌شود.

منافع عامه گاهی در برابر منافع خاص به کار می‌رود. برای نمونه، حفاظت از محیط زیست منطبق با منافع عامه است، اما با منافع کارخانه‌دارانی که کارخانه‌های آنها در انطباق با ضوابط قانونی تعطیل می‌شود، یا باید متحمل هزینه‌های اضافی شوند، انطباق ندارد. در اینجا منافع عامه

آنچه در تاریخ اندیشه سیاسی به عنوان مکتب اصالت فایده معروف شده است، با چنین نگرشی شناخته می‌شود.

خیر عمومی اصطلاحی است که با نگرش جمع‌گرایان یا جامعه‌گرایان ارتباط دارد. بنابه نگرش این دسته از متفکران، بیرون از منافع فردی یا گروهی مربوط به اعضاء منفرد جامعه، یک خیر عمومی نیز وجود دارد که منطبق با منافع عموم یا در واقع منطبق با منافع کلیت جامعه است. نظریه *ازاده* عمومی، متعلق به ژان ژاک روسو، با چنین رویکردی به این موضوع نگاه می‌کند. بنا بر این برداشت، منافع عامه فراتر از منفعت‌های تک‌تک افراد است.

همسو با همین مباحث نظری، باید به ۲ اصطلاح *منافع واقعی* و *منافع عینی* نیز اشاره کرد. منافع واقعی منافی است که یک فرد، گروه یا طبقه در حیطه زندگی بلافصل و درخواست‌های بلاواسطه و کوتاه‌مدت خود آن را در زمره نفع شخصی تلقی می‌کند، در حالی که خیر عمومی، یا منافع عامه به تعبیر جامعه‌گرایان، منافع بلندمدت و مبتنی بر آگاهی است که بنابر سرشت خود، از محدوده بسته فردی و گروهی و کوتاه‌مدت فراتر می‌رود. منافع به این مفهوم همیشه با کلیتهای بزرگ‌تر مرتبط است. اگر به جامعه بشری در کلیت آن نظر کنیم، می‌بینیم که مسائلی مثل پایداری محیط، صلح و برابری، بیشترین همسویی را با سعادت بشر دارد، اما وقتی به سطوح داخلی مجموعه‌های انسانی می‌رسیم، مشاهده می‌کنیم که هر مجموعه‌ای یا هر گروهی دلمشغول علایقی است که نه تنها با علایق دیگران در تضاد قرار می‌گیرد، بلکه در نهایت، مصالح خود او را نیز دستخوش انواع تهدیدهای گوناگون می‌سازد. مفهوم توسعه پایدار (← توسعه پایدار) و *جامعه سالم* در رابطه با چنین نگرشی (خیر عمومی) شکل گرفته است.

جانبداری از خیر عمومی از گذشته‌های دور در میان متفکران رایج بوده است. افلاطون از نخستین فیلسوفانی است که با نگاهی به رستگاری به عنوان یک ارزش عینی، موضوع خیر عمومی را مطرح کرد. البته، منافع عامه در معنایی که فردگرایان از آن مراد می‌کنند، با مکتبهای فکری جدید که از سده ۱۷م در غرب رشد کرد، به‌ویژه با مکتب *اصالت فایده*، وارد عرصه اندیشه شد.

طی دهه‌های اخیر، در برخی کشورهای توسعه‌یافته، منافع عامه در قوانین جایگاه حقوقی نیز کسب کرده است، به این معنی که افراد، گروهها و احزاب می‌توانند به نام منافع عامه در دادگاهها طرح دعوا کنند. توضیح اینکه، قوانین به افراد، گروهها یا احزاب حق می‌دهد، هر جا شاهد نقض مقتضیات منافع عموم بودند، یا هر اقدامی را از جانب افراد، شرکتها و حتی خود دولت تهدید نسبت به منافع عامه ارزیابی کردند، علیه آن طرح دعوا کنند. دادگاهها موظف به رسیدگی به این دعاوی هستند. موضوعاتی چون آلودگی محیط زیست، به خطر انداختن سلامت عمومی، نقض حقوق زنان و نقض حقوق اقلیتها، از جمله مسائلی است که به عنوان مصادیقی از منافع عموم موضوع شکایتها و بررسیهای قضایی قرار می‌گیرد.

به این ترتیب، در عرصه‌های شهر و روستا، مدیران با ۳ دسته منافع سروکار دارند:

- منافع خاص؛
- منافع مشترک؛ و
- منافع عامه.

با توجه به اینکه در عرصه‌های محلی درخواستهای محلی، منطقه‌ای و ملی با یکدیگر تلاقی می‌کنند، حفظ توازن بین این ۳ نوع درخواست کار پیچیده‌ای است و به بیش خاصی نیاز دارد. مدیران محلی از یکسو با منافع خاص، مثل منافع شرکتها و محله‌ها و از سوی دیگر، با منافع مشترک واحد تحت مدیریت خود، مثل منافع بخش، روستا یا شهر و سرانجام با منافع عامه، هم در ابعاد محلی و هم در ابعاد ملی (مثل حفاظت از محیط زیست، امنیت اجتماعی)، سروکار دارند. تلفیق این منافع که بسیاری اوقات با یکدیگر همخوانی ندارند، تنها با تعهد نسبت به یک برنامه منسجم سراسری میسر است.

کتاب‌شناسی:

- آربلاستر، آنتونی. *لیبرالیسم از ظهور تا سقوط*، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- بویو، نوربرتو. *لیبرالیسم و دموکراسی*، ترجمه بابک گلستان. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- پولادی، کمال. *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب*. جلد سوم، تهران: نشر

- گولدر، جولوس و کولب، ویلیام. «منفعت» و «عموم»، *فرهنگ علوم اجتماعی*. ویراسته زاهدی مازندرانی. تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- Barnard, Chester. *The Function of Executive*. Cambridge: Harvard University Press, 1962.
- David, Miller (ed). "Interest", *Encyclopedia of Political Thought*. New York: Blackwell.
- Hawkesworth, M. and Kogan, M. (eds), *Encyclopedia of Government and Politics*. London: Routledge, 1992.
- Rowls, John. *Political Liberalism*. New York: Clumbia University, 1996.

کمال پولادی

منطقه

Region

به‌طور کلی، محدوده‌ای مشخص از سطح زمین با یک یا چند عارضه یا ویژگی معین (طبیعی یا انسان-ساخت) که به آن نوعی یکپارچگی دهد و آن را از محدوده‌های پیرامونی متمایز سازد. از این رو، براساس نحوه طبقه‌بندی فضایی، می‌توان از منطقه طبیعی، منطقه فرهنگی، منطقه سیاسی و یا منطقه اقتصادی یاد کرد. علاوه بر این، در مباحث شهری و روستایی، معمولاً از منطقه عملکردی، منطقه شهری و یا منطقه برنامه‌ریزی سخن به میان می‌آید.

در ادبیات کارشناسی، منطقه را به صورت مختلف و در قالب‌های متفاوت تعریف کرده‌اند؛ این تنوع در تعریف، هم از نظر مفهوم و هم از نظر مقیاس، پیوسته ناظر بر اهداف مورد نظر از این تعاریف بوده است، تا جایی که گاهی به واسطه اختلاف در هدف، این تعاریف با یکدیگر در تقابل قرار می‌گیرند؛ با این وجود، جوهره اصلی در تعریف منطقه پیوسته به خصوصیت موجود در تعریف بالا باز می‌گردد. گذشته از این، با توجه به هدف مورد نظر در تعریف منطقه، وسعت آن از یک مورد به مورد دیگر تفاوت می‌پذیرد؛ بعضی وسعت منطقه را عرصه‌ای به وسعت بین یک شهر و یک کشور تعریف کرده‌اند؛ بعضی دیگر، آن را

منطقه

عرصه یا فضای پیرامونی یک سکونتگاه معین (شهری) معرفی کرده‌اند، برای نمونه، منطقه تهران یا هامبورگ؛ و برخی دیگر، آن را عرصه‌ای فضایی با ویژگی (های) معین و مستقل از وسعت آن دانسته‌اند؛ و گاهی، منطقه را یک عرصه فضایی معین و به‌مثابه یک واحد اداری-اجرایی بشمار آورده‌اند. در ایران، منطقه، به‌طور رسمی، عرصه‌ای فضایی است که از نظر وسعت ممکن است یک یا چند استان یا قسمتهایی از چند استان را شامل گردد. از سوی دیگر، بر سر تعریف و تبیین منطقه و نحوه کاربرد آن و نیز تفاوت آن با مفاهیم دیگر، از جمله ناحیه (area)، در بین کارشناسان-به‌ویژه در سالهای اخیر- اختلاف نظرهایی پدید آمده است. در این میان، این مفاهیم گاهی، حتی در ادبیات کارشناسی، به دلخواه و بدون توجه به معانی و مفاهیم اصلی آنها به کار می‌روند.

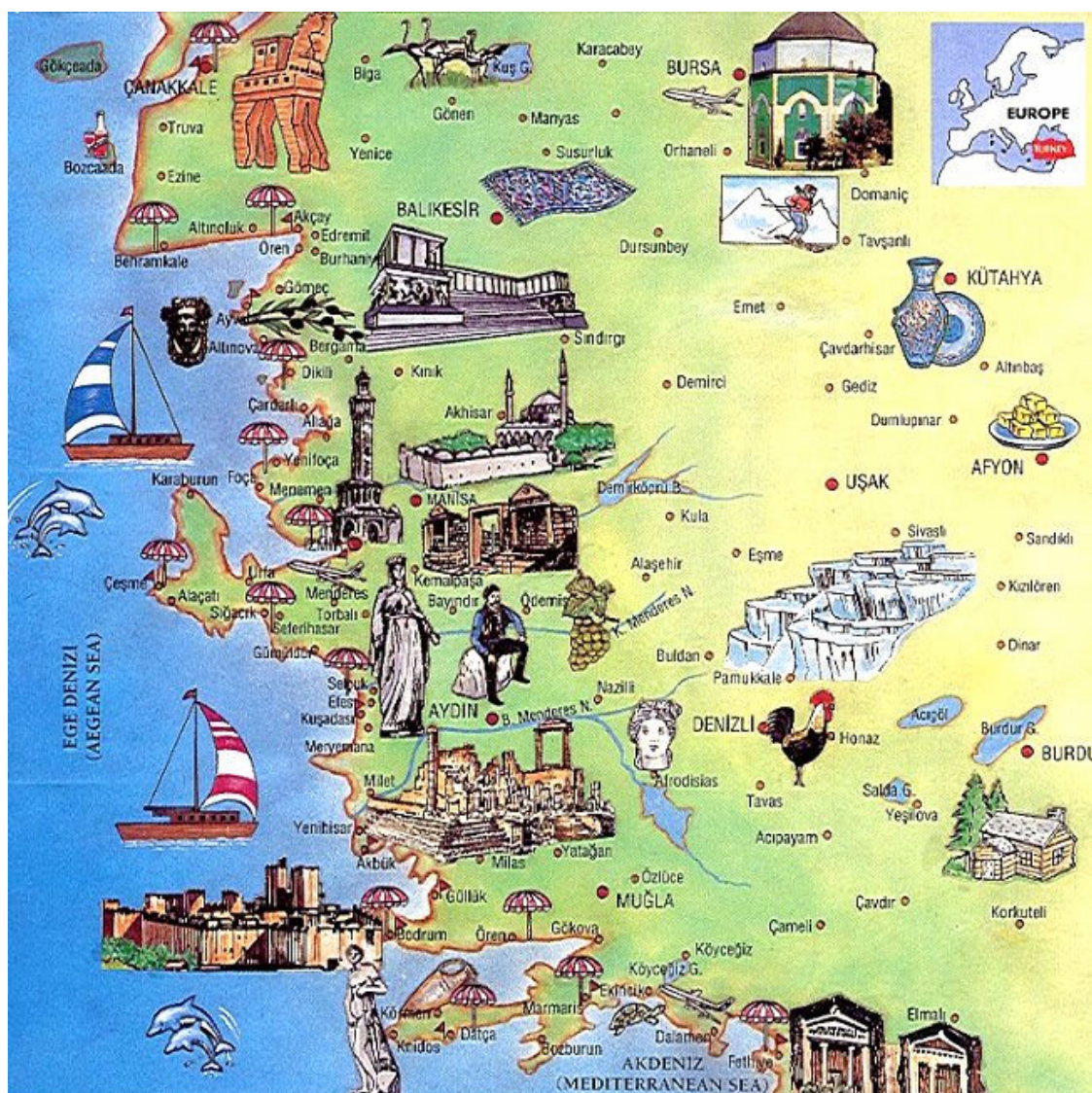
منطقه از ریشه مَطَقَ، لفظی عربی است به معنای کمر، کمر بند، میان، میان‌بند و آنچه بدان کمر کسی یا میان چیزی را بندند. علاوه بر این، به معنای دایره و گره نیز آمده است، چنان‌که در ترکیب منطقه البروج به معنای دایره عظیمه فلکی که مانند کمر بندی ۱۲ برج در آن واقع شده، به کار رفته است. به همین معنا، ترکیبات دیگری در نجوم قدیم مطرح بوده است، مانند: منطقه حرکت (دایره بزرگ میان دو قطب)، منطقه پروین (کمر بند پروین)، منطقه جبار (نام ۳ ستاره که بر کمر بند صورت جبار واقع است)، منطقه جوزا (حلقه ۳ ستاره) و منطقه فلک اعظم و مانند آن. به همین ترتیب، در جغرافیای کهن و اسلامی، اصطلاح منطقه به هریک از ۵ قسمت بزرگ زمین گفته می‌شد که در میان ۲ قطب و ۲ دایره قطبی و مدار رأس السرطان و مدار رأس الجدی قرار داشت: منطقه محترقه (که در وسط آن خط استوا واقع شده)؛ منطقه معتدله شمالی؛ منطقه معتدله جنوبی؛ منطقه منجمده شمالی؛ و منطقه منجمده جنوبی.

در دهه‌های اولیه سده ۱۴ش و با آشنایی ایرانیان با علوم غربی، از جمله جغرافیای نوین، مفاهیم تازه‌ای مطرح شد؛ به این ترتیب، با استفاده از معنای لفظی واژه Belt (به معنای کمر بند و همان منطقه عربی)، واژه منطقه به‌عنوان جایگزین این مفهوم جغرافیایی در زبان فارسی رواج یافت.

موارد به صورت مترادف اصطلاح region مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مقابل، مفهوم ناحیه (در زبان عربی و فارسی) که در ادبیات علمی معمولاً به جای واژه بیگانه area به کار می‌رود، مفهوم نزدیک‌تری به معنای تخصصی region دارد و از همین رو، اغلب در ادبیات کارشناسی نیز به جای یکدیگر و به یک معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ناحیه، در منابع کهن اغلب به معنای طرف، کرانه، ساحل و همچنین ولایت، کشور و یا قسمتی از ولایت و نیز به معنای اصطلاح ستی و کهن کوره (خوره) به کار رفته است. به این ترتیب، به نظر می‌آید، در تبیین محدوده‌های فضایی بتواند کاربرد مناسب‌تری داشته باشد.

به این ترتیب، در برگردان این اصطلاح در سنت تقسیمات عمومی سطح زمین به بخشهای کلان (belts) گیاهی و یا آب‌وهوایی، استفاده از این واژه به عنوان اصطلاحی جغرافیایی و به معنای ناحیه‌ای که از مهم‌ترین مشخصات آن وجود گیاهان مشابه است (منطقه گیاهی، مثلاً منطقه استوایی) و یا هریک از بخشهای وسیع از سطح زمین که از لحاظ دریافت نور و گرما مشابه باشند (منطقه اقلیمی)، باب گردید.

البته، همان‌گونه که در زبان فارسی گاهی واژه کمربند (برای نمونه، کمربند خشک و نیمه‌خشک) به جای منطقه (مثلاً منطقه خشک و نیمه‌خشک) به کار می‌رود، واژه belt به این مفهوم، در ادبیات تخصصی بیگانه نیز در اغلب



این مفهوم در بحثهای شهرشناسی معاصر به معنای ناحیه مادرشهری وسیعی است که حداقل ۱۰ میلیون جمعیت داشته و شدیداً از ویژگیهای شهری شدن بهره‌مند باشد. در برخی منابع، تراکم جمعیتی برابر ۲۰۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع نیز به‌عنوان ویژگی منطقه یا ناحیه شهری کلان یا کلانشهر به کار رفته است.

منطقه شهری کلان می‌تواند از مادرشهری بسیار گسترش یافته و یا از وصل شدن ۲ مادرشهر یا بیشتر پدید آید. آنگاه که ۲ مادرشهر یا بیشتر به هم وصل می‌شوند، مفاهیمی چون ۲ کلانشهر (Conurbation) و متروپلکس (Metropolplex) نیز برای مشخص کردن آنها به کار می‌رود. در ۲۰۰۰م، ۱۸ محدوده شهری کلان وجود داشت که توکیو، مکزیکوسیتی، سائوپولو، بمبئی و نیویورک از آن جمله محسوب می‌شدند. تخمین زده می‌شود که در فاصله‌ای ۲۵ ساله تنها مناطق کلانشهری واقع در آسیا به ۱۰ مورد برسد که جاکارتا، کراچی، شانگهای و بمبئی از آن جمله خواهند بود. لاگوس در نیجریه اولین تجربه منطقه کلانشهری در افریقا است درحال حاضر ۲۱ منطقه کلانشهری در جهان وجود دارد که جمعیت آنها از ۳۵ میلیون (توکیو) تا ۱۰ میلیون نفر (پاریس) در نوسان است. مهم‌ترین منطقه کلان شهری در امریکا قرار دارد که از شهر بوستون شروع و تا واشنگتن دی.سی را دربر می‌گیرد. در ساحل ایالت میامی نیز کیلومترها کاملاً شهری گردیده است که طی کردن شمال تا جنوب آن در شرایط عادی ترافیک بیش از ۳ ساعت زمان می‌برد. تهران به زودی به فهرست مناطق شهری کلان اضافه می‌شود. گرچه برخی آن را درحال حاضر نیز یکی از مناطق شهری کلان می‌دانند. علاوه بر منطقه شهر کلان بوستون، واشنگتن دی.سی که نیویورک، فیلادلفیا، بالتیمور را نیز در خود جای داده است، منطقه شهری کلان لس‌آنجلس، شیکاگو، میلواکی، توکیو، ناگووا، اوساکا، کوبه، کی‌یوتو، سان‌خوزه، سان‌فرانسیسکو، اوکلند و ریودوژانیرو و سائوپولو از جمله مهم‌ترین مناطق شهری کلان هستند.

کتابشناسی:

- Gottmann. J. "Megalopolis, or the Urbanization of the

- سعیدی، عباس و دیگران. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۳ جلد، ۱۳۷۱-۱۳۷۷.

- Cowan, Robert (ed). *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire: Streetwise Press, 2005.

- Johnston, R.J. et al. *A Dictionary of Human Geography*. Mass: Blackwell Publishers Lid, 2000.

- Clark, A.N. *Longman Dictionary of Geography (Human & Physical)*. UK: Harlow, Essex, 1985.

عباس سعیدی

منطقه‌بندی شهری ← حوزه‌بندی شهری

منطقه شهری کلان

Megalopolis

مگالوپولیس یا مگاپول در زبان یونانی به معنای شهر بزرگ است. اما کاربرد امروزی این مفهوم به معنای منطقه یا ناحیه شهری شده عظیمی است که ۲ یا چند مادرشهر (متروپولیس) (← مادرشهر) را در خود جای داده است. به‌همین دلیل منطقه شهری کلان یا ناحیه مادرشهری کلان به معنای امروزی آن نزدیک‌تر است. برای درک سابقه منطقه شهری کلان بیش از هر نقطه دیگری باید به امپراتوری رم رجوع کرد. اساساً امپراتوری رم را یک امپراتوری شهری و نوشهرساز خوانده‌اند. چنین شهرهایی در اروپا، شمال آفریقا و آسیای صغیر به دفعات ساخته شدند. گفته شده است که امپراتوری رم در خارج از رم ۴۰۰ نوشهر ساخته است. در مواردی شهرهای موجود و یا نوشهرها در اثر رشد شدید به هم وصل می‌شدند، مگالوپولیسها را شکل می‌دادند. معمولاً شهرهای ساخته شده در خارج از رم را کُلنی می‌خواندند. مفاهیم دیگری چون شهرهای آزاد، شهرهایی با حاکمیت قوانین شهری رمی و شهرهای خراج‌گذار رم نیز برای نامیدن چنین شهرهایی به کار رفته است.

روستایی می‌تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد جاذبه بصری روستا باشد. جدای از آن، محیط مصنوعی شامل خانه‌ها، کوچه‌ها، گذرها و غیر آن نیز اغلب زیبایی خاص خود را دارد که عدم شناخت عوامل آن می‌تواند منجر به نابودی این سرمایه ارزنده گردد، آنچنان که امروز مبتلا به نواحی روستایی کشور است.

منظر روستایی در معرض آسیب

بدون تردید ورود عوامل و عناصر خارجی، از جمله مصالح ساختمانی وارداتی از مناطق شهری و جایگزینی الگوهای معماری بیگانه در کنار بافت بومی و سنتی، به تدریج منظر روستا را مخدوش و در نهایت می‌تواند باعث تخریب آن شود.

روستاهایی که از سوی شهرنشینها به‌عنوان ییلاق انتخاب می‌شوند، با ساخت‌وساز ویلاهای رنگارنگ چهره می‌بازند. در صورتی که شرایط اقتصادی روستا و ارتباط روستائیان با شهر تقویت شود، آنچنان که وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در این زمینه دارند، گرایش روستانشینها به تبدیل به احسن کردن خانه‌هایشان رواج می‌یابد. البته در اینکه تجدید ساختمان حق هر خانوار روستایی است، تردیدی نیست، ولی اغلب الگوهای مطلوب و مناسبی برای این کار وجود ندارد.

مداخلات برنامه‌ریزی شده و متمرکز دولتی در این فرایند تخریبی نقش مهم‌تری دارد. اجرای طرح‌های هادی روستایی (← طرح هادی روستایی) که در بیشتر موارد به اصلاح معابر و تهیه نقشه کاربری و توسعه برای روستا می‌پردازد، از جمله مواردی است که می‌تواند منظر روستا را کاملاً دگرگون کند.

اقداماتی که در قالب مقاوم‌سازی و یا بازسازی روستاها (← بازسازی روستا) پس از بلایای طبیعی، از جمله زلزله انجام می‌گیرد نیز چنین نقشی را دارند. خصوصاً در روستاهایی که در اثر فاجعه فقط قسمتهایی از بناها تخریب می‌شوند، ساخت‌وسازهای ناهمگون چهره روستا را چند پاره و ناموزون می‌کند. برای نمونه می‌توان از جایگزینی بافت خشت و گلی روستا با شالوده اسکلت فلزی و آجری

- Northeastern Seaboard", *Economic Geography*. 33, 1957.
- Mumford, L. *The Cultures of Cities*. London: Secker. Band Warburg.
- Fuchs, R. Brennan, E. et al. *Mega-City Growth and the Future*. Tokyo: United Nations University Press, 1999.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of the City*. London and New York: Routledge, 2005.

پرویز پیران

منطقه کلانشهری ← کلانشهر

منطقه مادرشهری ← مادرشهر

منظر روستایی

Rural Scape

ایران سرزمین تنوع جغرافیا و فرهنگی است. در هر جای این سرزمین روستا هست؛ در میانه کویر، بر بالای سستیغ کوهها، در دشتهای سرسبز و یا در میانه جنگلهای سر به فلک کشیده. روستانشینان ۶ هزار سال یا بیشتر برای تأمین امنیت خود از گزند گرما و سرما و دیگر عوامل نامناسب محیطی برای خویش سرپناه ساخته‌اند. در هر جا به یک شکل؛ در جایی گندهای خشتی بر دیوارهای گلی استوار ایستاده و در جای دیگر، سقف تیرپوش و گاهی برای گریز از باران، بام شیبدار ساخته‌اند. سلیقه مردم هم متنوع است. گاهی در یک روستا دو پاره فرهنگ، دو نوع معماری پدید آورده است. البته رمزگشایی و بازخوانی معماری روستایی کاری شیرین و صد البته تخصصی است. یکی از مرموزترین ویژگیهای این معماری بومی منظر آن است. محیط اطراف و بستر طبیعی سکونتگاههای

افزودن به بنا، گاهی از مصالح بومی و مشابه آنچه در بنای قدیمی به کار رفته، استفاده کند. به نظر می‌رسد کشور ما تا رسیدن به چنین مرحله‌ای راه درازی را در پیش داشته باشد.

درباره منظر روستا مقاله‌های اندکی به زبان فارسی نوشته شده است. نویسنده مقاله کیفیتهای مطلوب منظر روستایی بر گرایش فطری انسانها به طبیعت اشاره کرده است. همچنین وجه آیه‌ای طبیعت را نیز با ارائه شواهدی از عرفا و شعرا یادآوری کرده است.

نگارنده در مقاله حفاظت منظر روستا، درباره بی‌توجهی به تبعات درازمدت مداخلات تک‌بعدی در روستا به صاحب‌نظران هشدار داده است. نوشته‌های موجود فراتر از این گامی بر نداشته و در متن آنها، پاسخ به سؤال مهم سیمای مطلوب روستایی در عصر حاضر چه ویژگیهایی دارد؟ مفقود است. مهم‌ترین تلاشی که در زمینه شناخت عوامل خرد تشکیل‌دهنده منظر روستا در دوره معاصر به انجام رسیده است، رساله مهندس علی معماریان است. در این رساله پژوهشگر کوشیده است تا گامی در جهت رمزگشایی زیبایی طبیعی مناظر روستایی بردارد.

زیبایی منظر روستایی

اگر سؤال شود کدام عامل باعث زیبایی ترکیب کلی مناظر روستایی می‌شوند، شاید بتوان پاسخ ساده‌ای برای آن داشت. ساخت‌وساز فطری، اگر ذوق و هنری که در بافت یک گبه یا خرسک توسط زنان عشایر، بدون طرح و نقشه و صرفاً با ابداع و ابتکار شخصی بافنده، به کار رفته را در قالب مصالح ساختمانی و حجیم تسری دهیم، نباید از زیبایی ساختمانها و مجموعه روستا تعجب کنیم.

الکساندر جمله معروفی دارد که بسیار آموزنده است؛ او می‌گوید، چطور ممکن است که یک روستایی ساده بتواند خانه‌ای بسازد هزار بار زیباتر از آنچه از آرشیوهای پنجاه سال اخیر حاصل شده است؟ ناگفته نماند که سؤالات بسیار جدی و مهم دیگری نیز وجود دارد که پاسخ آنها مشکل می‌نماید؛ از جمله اینکه آیا برای اهالی بومی روستا، همانند کسانی که از شهر و خارج منظر روستا را زیبا می‌بینند، چنین درکی وجود دارد؟ آیا زیبا دیدن روستاها توسط

که نه از نظر شکل و رنگ و نه از نظر حجم ساختمان، شباهتی با ساختمانهای بومی ندارند، یاد کرد. پس از زلزله ۱۳۸۵ش در بروجرد، بسیاری از روستاها با تخریب جزئی پس از بازسازی دچار چنین عارضه‌ای شدند.

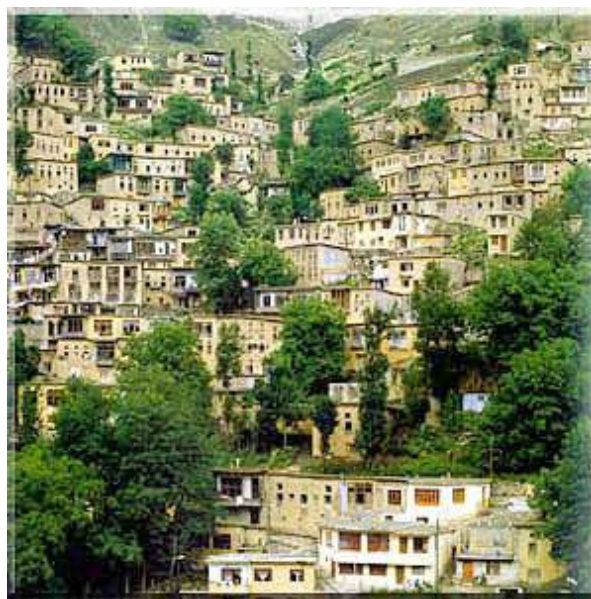
ضرورت حفاظت از منظر روستا

در هر جامعه‌ای اولویتها و حساسیت مردم و دولتمردان متناسب با شرایط پیشرفتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن تعیین می‌شود. واقعیت این است که تا امروز، حتی برای منظر شهرهای کشور، ضابطه، الگو و قانون نداریم. چهره شهرهای بزرگ ما به لحاف چهل تکه‌ای می‌ماند که در نهایت بی‌سلیقگی و آشفتگی شکل گرفته است. هر مالکی مخیر است، ساختمان مورد نظر در زمین خود را به هر شکل و با هر مصالحی که مایل است، بسازد. برای کسب مجوز از شهرداری صرفاً رعایت تراکم و یا خرید تراکم و بعضی دیگر مسائل مرتبط با استحکام بنا کفایت می‌کند. شهرداری اساساً نقشه‌های نمای ساختمان را کنترل نمی‌کند و از آن بدتر، هیچگونه ضابطه و محکی برای ارزیابی نماها در اختیار ندارد.

در چنین شرایطی، نباید تعجب کرد که کسی به فکر منظر روستاها و نواحی روستایی نیست. در حال حاضر به صورت تک‌بعدی موضوع استحکام ابنیه در برابر بلایا و عوامل غیرمترقبه و عمدتاً زلزله، به عنوان مسئله اصلی در ابنیه روستایی تلقی می‌شود و مقاوم‌سازی اولویت اول را به خود اختصاص داده است.

در جاهای دیگر دنیا، از جمله در کشورهای صنعتی، دغدغه منظر شهر، روستا و منظر طبیعی با اهمیت تلقی می‌شوند. ساخت‌وساز در شهر مستلزم رعایت قواعد کلی از نظر نوع مصالح، شکل و حجم ساختمان و حتی هماهنگی نمای ساختمان جدید با بناهای اطراف است؛ از جمله در بریتانیا، حتی در مناطق روستایی، ساخت‌وساز پس از ارائه نقشه و کسب جواز و طبق دستورالعملهایی است که مقامات دولتی تعیین می‌کنند. برای صیانت از منظر طبیعی که میراث ملی تلقی می‌شود، مناطق وسیعی تحت حفاظت قرار دارند. در این مناطق، مالک موظف است برای

شهرنشینها عکس‌العمل فطری ایشان به‌لحاظ دوری از طبیعت که خود جزئی از آن هستند، نیست؟ آیا این احساس خوشایند صرفاً جنبهٔ زیباشناختی ندارد؟ چرا که بیننده تجربه زندگی واقعی در روستا را نداشته و ندارد و چه بسا حاضر به زندگی در این خانه‌ها و مجموعه‌های روستایی نباشد.



با بهره‌گیری از دانش معماری منظر شاید بتوان بخشی از عوامل مؤثر در شکل دادن منظر روستا را نیز شناسایی کرد. بدین ترتیب، شاید معلوم شود که چرا بعضی از روستاها به‌طور خاص بیشتر مورد توجه بینندگان قرار می‌گیرند. روستاهای ایبانه، ماسوله و کندوان را نوعاً همه می‌شناسند و بدون تردید یکی از عوامل این شناسایی، جاذبه قوی منظر آنهاست.

عناصر منظر روستا

در یک طبقه‌بندی کلی منظر را به ۲ دسته منظر نرم و منظر سخت طبقه‌بندی می‌کنند. منظور از منظر نرم، عمدتاً بستر طبیعی مجموعه و پوشش گیاهی آن و منظور از منظر سخت، بخشهای مصنوعی، مانند خانه‌ها، کوچه و امثال آن است.

درواقع، بخشی از زیبایی منظر روستا به بستر یا محیط طبیعی که در آن قرار گرفته است، باز می‌گردد. به سخن دیگر، تماشای طبیعت، خواه یک دشت سرسبز باشد و یا

صخره‌های عظیم و یا بیابانی خشک، اگرچه هر کدام به‌گونه متفاوتی احساس بیننده را تحریک می‌کنند و اثرات متفاوتی در او می‌گذارند، اما تأثیر مشترکی نیز در بیننده به‌وجود می‌آورند. شاید ناخود آگاه او را به یاد خلقت و خالق، مبدأ و معاد و یا تاریخ و گذشت زمان بیندازند. در تماشای طبیعت می‌توان زندگی، رویش، سکون، صلابت، آرامش و بی‌نهایت را تجربه کرد. گاه شاهد آن هستیم که طبیعت چهره‌های استثنایی و شگفتی را به تماشا می‌گذارد. یک آبشار بلند، یک صخره دست‌نیافتنی عظیم و یا ترکیب وهم‌آلود جنگل، دریا و ابر و بسیاری دیگر از این نمونه‌ها، می‌تواند چنین احساسی را در نظاره‌گر به‌وجود آورد. بی‌شک، در بسیاری از موارد اگر مجموعه مصنوعی روستا را از صحنه حذف کنیم هنوز منظر کلی موجود ارزش تماشا دارد.

از همین جنس می‌توان به اجزاء طبیعت، مانند انواع درختها و گلها، اشاره کرد. تنوع رنگ و بافت در گیاهان وقتی با ۲ عامل مهم دیگر، یعنی موسیقیهای طبیعی صدا و بو همراه می‌شود، تجربه‌ای استثنایی را برای شهرنشینهای آزرده از دود به‌وجود می‌آورد. بدینسان، ضرورت دارد، از تخریب و مخدوش کردن طبیعت یکپارچه که سرمایه‌ای خداداد و متعلق به همه مردم است، خودداری کنیم.

به نظر می‌رسد قسمت پیچیده‌تر منظر، بخش مصنوعی آن است. با توجه به تنوع وسیع ساخت‌وساز در روستاهای کشور، بعضی از مهم‌ترین عواملی که در شکل‌گیری منظر مؤثرند را می‌توان به‌شرح زیر برشمرد:

- ترکیب مناسب و هماهنگی منظر سخت با منظر نرم. این هماهنگی و یا یکپارچگی به طرق مختلف پدید می‌آید؛
- کاربرد مصالح بوم‌آورد. ساخت‌وساز با مصالحی که از محیط اطراف تهیه و تأمین می‌شود، از لحاظ بصری، رنگ، بافت و امثال آن، باعث می‌شود که ساخته‌ها با محیط به‌خوبی ترکیب شوند. از طرف دیگر، بیننده به قدرت ابتکار سازندگان ابنیه که با مهارت و زیرکی از مواد مصالح در دسترس و غالباً پیش پا افتاده، مثل گل، سنگ، نی و سرشاخه درختان، توانسته‌اند سرپناه ایجاد کنند، دردل خود احترام گذارده و شاید ذوقزده می‌شود؛
- هماهنگی و شباهت بین ساختمانها. هماهنگی و شباهت

تنوعی را در مجتمع‌هایی با طرح بافت هندسی نمی‌توان تجربه کرد؛

• **تقارن در نما و حجم.** جالب است، درحالی‌که روستا بافت به هم پیچیده و غیرخطی دارد، در درون خانه هندسه‌ای کاملاً متقارن حاکم است که گاه منظر آن از معابر و یا از دوردست و نقاط مرتفع حاشیه روستا قابل تشخیص است. این تقارن و نظم هندسی که هم در صحن و حیاط و هم در نمای ساختمان حک شده است، تأثیر خوشایندی بر بیننده می‌گذارد. نوعی احساس مشترک، مانند بدن انسان که کاملاً متقارن خلق شده است؛ و

• **تناسبات موجود در بنا.** شاید کمتر کسی به فکر افتاده باشد که ارتباط عددی میان ابعاد مختلف ساختمانهای روستایی را بررسی کند. مطالعات، نشان می‌دهد که اولاً نوعی *اندازه رایج* در معماری هر منطقه وجود دارد که احتمالاً در بسیاری از انتخاب آنها تصادفی نیست. ثانیاً، همانند معماری سنتی مناطق مرکزی، در معماری روستایی نیز جستجوی مدول یا پیمون کار بیهوده‌ای نیست. رعایت این مدول که منشأ آن نیز در همه جا یکسان نیست، نه تنها در نقشه ۲ بعدی خانه، بلکه در نما و مقطع آن نیز قابل پیگیری است. در روستاهای منطقه طالش پیمون تبردم یا طول معمول یک تیر و دسته آن، عددی است که در تمام وجود ساختمان قابل پیگیری است. در مناطق مرکزی این پیمون احتمالاً به *ارش*، *زرع* یا *زرع* تبدیل می‌شود.

رعایت این مدولاسیون، گونه‌های تناسب هندسی را بر جسم ساختمان حاکم می‌کند که در ایجاد خوشایندی سیمای آن می‌تواند مؤثر باشد.

کتاب‌شناسی:

- الکساندر، کریستوفر. *معماری و راز جاودانگی*، ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- زرگر، اکبر. *درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران*. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- میری و سرتیپی پور، محسن. «کیفیت‌های مطلوب مسکن روستایی»، *مسکن و انقلاب*. شماره ۱۰۰، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۸۱.

اکبر زرگر

بین ساختمانها در عین وجود تنوع نیز از عوامل مؤثر در جاذبه منظر است. در یک روستا غالباً اصول مشابهی در ساخت‌وساز بناهای مختلف به کار می‌رود و اگرچه همه خانه‌ها یک شکل نیستند، ولی در مجموع و در عین تنوع و تفاوت، تابلوی موزونی را تصویر می‌کنند؛

• **سطوح پر و خالی و سایه روشنها.** سطوح پر و خالی و سایه‌روشنها- ریتم بازشوها در نمای ابنیه- در زمره دیگر عوامل مؤثر در ایجاد جاذبه زیبایی‌شناسانه هستند؛

• **بافت ارگانیک روستا.** معابر پیچ و گاه شیبدار و تنوع پرسپکتیو برای عابری که از آنها می‌گذرد، در زمره عوامل جاذبه در منظر روستاست. گاه سیمای کلی روستا که مثلاً در درون برج و باروی قلعه‌ای عظیم و یا بر دامنه کوهی به صورت پلکانی استوار قرار گرفته، نوعی احساس شگفتی پدید می‌آورد. ابتکار شگفت روستائیان در حفر خانه‌ها در درون صخره‌ها در کندوان اسکو و یا کندوان میمند از آن جمله‌اند؛

• **ابعاد و مقیاس.** برای کسی که در درون روستا حرکت می‌کند، ابعاد و مقیاسها نیز می‌توانند عامل ایجاد احساس خوشایندی شوند. خصوصاً مقیاس انسانی یا به قول استاد دکتر پیرنیا *مردم‌موری* که از ویژگیهای معماری ایرانی است، در معماری روستایی به بهترین وجه دیده می‌شود. ابعاد و اندازه در، دیوار، ساباط و گذر به قاعده‌ای است که ضمن عملکرد صحیح برای عابر، احساس آرامش ایجاد می‌کند؛

• **عدم وجود عنصر بیهوده و لغو.** در معماری روستایی از عناصر بیهوده و لغو اثری نیست. اگر چیزی ساخته شده، برای کاری با هدفی معین پدید آمده است. این الزاماً به معنی داشتن عملکرد فیزیکی و مکانیکی نیست. باورها و درونیات مردم نیز به اندازه نیازهای مادی ایشان در این موضوع دخالت دارد. این اصول‌گرایی و استفاده بهینه از هر چیز که در دسترس است و پرهیز از بیهودگی که در معماری کانونهای شهری رواج دارد، چنین احساسی را در بیننده روستایی تقویت می‌کند؛

• **تجربه کشف فضاهای متنوع.** بافت ارگانیک روستاها غالباً لبریز از مناظری است که بیننده را به تجربه بی‌هراس منظری تازه و درعین‌حال، رمزگونه دعوت می‌کند. چنین

منظر شهری

Urban Landscape

منظر شهری یا زمین‌آرایی، علم کاربرد گیاهان بر سطح زمین است، به صورتی که موجب بهبود جلوه‌های دیداری محیط شهری گردد. مهم‌ترین معیارهای طراحی محیطی یا منظرسازی عبارتند از: انسجام فضایی، فضا سازی، تنوع و نظم، تکرار و سازگاری.

• **انسجام فضایی.** سازماندهی موزون محیط از طریق زمین‌آرایی و نظم کاشت، مناسب‌ترین شیوه ایجاد منظر زیباست، علت آشفته‌گیهای بصری گیج‌کننده در محیطهای شهری، جدا افتادگی بخشهای مختلف از یکدیگر و تکه‌تکه شدن فضاهاست، درحالی که ردیف درختان خزان‌پذیر سایه‌دار به‌خوبی فضاهای تکه‌تکه را به همدیگر پیوند می‌دهند و انسجام فضایی را برقرار می‌سازند. درختان عناصر مهمی در طراحی محیطی بشمار می‌روند که می‌توانند بخشهای یک شهر را به یکدیگر پیوند دهند.

• **فضاسازی.** منظور از فضا در طراحی منظر ۲ گونه فضاست: فضای باز و فضای بسته. یا از دیدگاهی دیگر، فضای پر و فضای خالی. نحوه ترکیب این ۲ فضا از نظر منظرسازی، حالت‌های گوناگونی را پدید می‌آورد که برحسب عملکرد و یا در شرایط اقلیمی مختلف، حال و هوای متفاوتی را به بیننده القاء می‌کند. اصولاً فضای باز، نشاط‌انگیز و دلگشااست، به‌خصوص اگر بلافاصله از میان یک فضای محصور و محدود به بیرون گشوده شود. فضای بسته خلوتگاهی است ایمن برای پناه بردن و دوری جستن از مزاحمت‌های مختلف. در چنین فضایی با محصور کردن فضاها و مکانها، می‌توان حالت‌های مختلف از فضا سازی را انجام داد. برای مثال، در فضای باغهای ایرانی که فضای نسبتاً بسته‌ای است، نوعی سازگاری بین عناصر فیزیکی ابنیه و دیوارها با عناصر گیاهی و آب برقرار است. در اینجا، گذرگاهها و جویها و حوض و ایوان، فضاهایی پدید می‌آورند که با همدیگر هماهنگ هستند.

• **نظم و تنوع.** در کنار همدیگر، معرف یک تعادل ظریف و ترکیب متناسب در طراحی منظر محسوب می‌شوند. از نظر

زیباشناسی، نظم بیش از اندازه در هر فضایی، باعث یکنواختی و کسالت می‌گردد و تنوع زیاد نیز موجب آشفته‌گی و هرج‌ومرج می‌شود. ایجاد تعادل بین نظم و تنوع هنری است که تنها طراحان برجسته قادر به پدید آوردن آن هستند.

• **تکرار.** در طراحی به مفاهیم نظم و تنوع معنی می‌بخشد و بین عناصر و فضاهای مختلف وحدت و همبستگی ایجاد می‌کند. در طراحی پارکها نیز تکرار برخی از عناصر طبیعی، مانند درختان، موجب به هم پیوستگی عناصر پراکنده می‌شود.

• **سازگاری.** منظرسازی در هر مکان باید با شرایط اقلیمی و طبیعی محل سازگار و به بیان دیگر، همخوانی داشته باشد. علاوه بر عناصر طبیعی، سازگاری با کاربریهای مجاور و سیمای کالبدی ساختمانها نیز موجب افزایش مطلوبیتهای بصری می‌شود. یکی از نکات اساسی در طراحی منظر، انطباق با شرایط ناهمواری و شبکه آبهاست. این نوع هماهنگیها پایگاه اصلی طراحی منظر مطلوب است.

• **حرکت آزاد طراحی.** زمینه‌ای برای رفتار راحت افراد در فضاست. رفتار راحت در نشستن، راه رفتن، دویدن و جهت‌گیری، نیازمند فضاهایی است که از طریق طراحی آزاد تأمین می‌شوند. طراحی بسیار منظم هندسی که اصطلاحاً طرحهای سیمتریک نامیده می‌شوند، با رفتار آزاد انسانی ناسازگارند. پیروی از خطوط زمین و جریان آب، این حس آزادی را ارضاء می‌کند.

اصول زیباشناسی در منظرسازی

در طراحی یک منظر شهری یا منظر یک پارک (← تفرجگاههای شهری)، ترکیب هنرمندانه عناصر معماری و عناصر طبیعی به‌گونه‌ای دلپذیر حس زیباشناسی انسان را ارضاء می‌کند. عناصر زیباشناسی فضا عبارتند از: فرم، بافت و رنگ.

• **فرم.** شکل خارجی اشیاء است که یالهای آن از خطوط متعددی تشکیل می‌گردد. برای مثال، توده کلی یک درخت متشکل از شاخه‌ها و برگها و ساقه آن، به‌طورکلی، فرم درخت را به‌وجود می‌آورد. در طراحی منظر، فرم کلی منظر

منظر شهری

زندگیند. کیفیت بازتابی رنگها در روشنایی طبیعی روز و تغییر سطح نورگیر شگفت‌آفرین است. تنوع رنگ طبیعت در چهار فصل و دگرگونی رنگ درختان در خزان و نحوه ترکیب گیاهان به رنگهای مختلف سبز و رنگهای پاییزی، نمی‌تواند مناظر بدیعی همچون طبیعت آزاد را بیافریند. هنگامی‌که این رنگهای طبیعی در فضای ساختمانهای خاکستری رنگ قرار می‌گیرند، روح انسان را از نشاط آکنده می‌سازند.

باغراه یا سبزه‌راه

در داخل بافتهای شهر مسیرهایی هستند که از میان فضاهای سبز انبوه می‌گذرند. سبزه‌راهها، راههایی هستند که در خارج از شهر، از میان جنگلها، بیشه‌زارها یا مزارع سرسبز می‌گذرند و مسیرهایی سبز داخل شهرها برای پیاده‌روی، هواخوری، تفریح و ورزش مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرند. نوع دیگری از سبزه‌راهها، مسیرهایی هستند که در ساحل رودخانه‌ها، رود دره‌ها، از درون شهر شروع می‌شوند و به جنگلها، برکه‌ها و یا دره‌های کوهستانی پیرامون شهر منتهی می‌گردند.

از شکل زمین تأثیر می‌پذیرد و درواقع، تابعی از فرم زمین است. مناظر پرفراز و نشیب جنگلهای پارک مانند، یا مناظر کربندی شده مزارع در دشتهای بزرگ، زمین را با پوشش کوهی و نظم کاشت متنوعی متجلی می‌سازند.

• **بافت.** رابطه و یا همبستگی ساختاری بین مجموع بخشهای مختلف هر جسم یا هر شیئی را بافت آن می‌نامند. در طراحی، منظر بافت به ۲ دسته تقسیم می‌شود: بافت طبیعی و بافت مصنوع.

بافت طبیعی معمولاً از ترکیب عوامل یا گیاهان تشکیل می‌گردد و بافت مصنوع از مصالح و یا عناصر ساختمانی. هر یک از این بافتها به ۳ گونه‌اند: بافت نرم، بافت زبر و بافت خشن.

بافت نرم، بیانگر سرزندگی است و در بیننده تأثیرات غیرجدی دارد، درحالی‌که بافت خشن، با تحکم، تأثیرات جدی به‌جای می‌گذارد. با استفاده از تباین میان بافتها، طراحی منظر می‌تواند فضا و حالتها متنوعی را پدید آورد.

• **رنگ.** رنگ تأثیرات حسی گوناگونی را در افراد به‌وجود می‌آورد. رنگهای روشن و پررنگ، نشاط‌آور و روح‌بخش هستند، اما رنگهای تیره و کم‌رنگ، معمولاً عاری از



باغراه و یا سبزه‌راهها که فضای سبز طبیعی پیرامون شهر را به فضای درون شهر متصل می‌سازند، گویی طبیعت را به درون شهر سرریز کرده‌اند و به همراه خود، زیبایی، طراوت و هوای تازه آورده‌اند.

نوع دیگری از سبزه‌راهها به صورت سواره طراحی می‌شوند که آنها را پارک‌وی می‌نامند. در این مورد، افراد برای تفریح در آن رانندگی می‌کنند، و با عبور خودرو، از مناظر و زیباییهای طبیعی که هر لحظه به رنگ و فرمی درمی‌آیند، لذت می‌برند.

بیشتر باغراهها به صورت مسیرهای پیاده یا پیاده‌راههای سبز، طراحی می‌شوند که افراد، با راهپیمایی و دوچرخه‌سواری و دویدن آرام در میان عناصر طبیعی و فضاهای سبز حرکت می‌کنند و به آرامی از زیباییها و تماس با فضای سبز و هوای تازه بهره‌مند می‌شوند.

در اغلب شهرهای ایران که در نواحی پایکوهی قرار گرفته‌اند، رودخانه‌های فصلی از داخل آنها عبور می‌کنند؛ برخی از این رودها در فصل تابستان، خشک و در بهار پرآبند. با طراحی محیطی / شهری می‌توان آنها را به باغراههای تفریحی زیبا و یا پارکهای خطی تبدیل کرد و از مسیر آنها، تا عمق کوهستان در فضای سبز و در سایه درختان، راهپیمایی نمود.

امروزه، بدنه بزرگراههای درون شهرها را می‌توان با ایجاد فضای سبز به صورت مناظر بدیع شهری درآورد و آنها را به پارک‌وی مبدل ساخت، تا شهروندان بهنگام آمدورفت روزانه در بزرگراههای شلوغ، از نظاره فضاهای طراحی شده پیرامون لذت برند و اکسیژن بیشتری را استنشاق نمایند. نمونه این نوع طراحی منظر را در بزرگراههای چمران و مدرس تهران می‌توان مشاهده کرد.

بلوارهای چندمنظوره

ترکیبی از خیابان، پیاده‌رو، پیاده‌راه و آب‌راه هستند که بیشتر نقش گردشگاهی دارند و محل گذران اوقات فراغت شهروندانند. بخش سواره‌رو در بلوارها به ۲ قسمت تندرو و کندرو تقسیم می‌شود که از همدیگر جدا شده و به وسیله مسیرهای خاصی به همدیگر راه می‌یابند. تندروها مسیرهای

عریضی هستند که از هر طرف آمدورفت دو باند سرعت دارند و به ترافیک عبوری اختصاص دارند؛ بنابراین، توقف در آنها ممنوع است. کندروها، مسیرهای باریکی هستند برای ترافیک محلی و دسترسی به فضاها و معابر مجاور بلوار.

بخش مهم بلوارها در ۲ طرف و در وسط، مسیرهای پیاده‌روی برای گردش و تفریح است. پیاده‌روها در بلوارها عریضند و با باغچه‌ها و درختان بلند سایه‌دار از سواره‌روها جدا می‌شوند. در برخی از بلوارها، مانند چهارباغ اصفهان، مسیر وسط به صورت پیاده‌راه مستقلی است که پیادگان به راحتی می‌توانند در آن قدم بزنند و یا روی نیمکتها نشسته و گذر مردمان را نظاره کنند. در بخش وسط برخی از بلوارها نهر آبی جریان دارد. بعضی از بلوارها، مانند شانزله‌یزه در پاریس، پیاده‌رو وسط ندارند و پیاده‌روهای کناری بسیار عریض هستند، به طوری که بخشی از آن به رستورانهای مجاور بلوار اختصاص یافته است و کافه‌های خیابانی (کافه تراسه) ایجاد کرده‌اند. برخی بلوارها که در ساحل قرار دارند، از یک سمت به رودخانه و یا به دریا مشرف هستند.

بلوارها از نظر شهرسازی، خیابانهای ساحلی هستند که نقش گردشگاهی دارند. مانند بلوارهای ساحل زاینده‌رود در اصفهان و بلوار بندرعباس که در ساحل خلیج فارس قرار دارد. بلوارها گاهی در امتداد رودخانه و یا ساحل دریا تا بیرون از محدوده شهرها نیز امتداد دارند و به صورت مسیرهای گردشگاهی به باغراهها می‌پیوندند. اخیراً امتداد بلوار زاینده‌رود اصفهان به سمت غرب، به مسیرهای سبز و پر درخت باغهای ناژوان متصل شده است که بسیار مصفا و مفرح است و محل گردشهای دسته‌جمعی، خانوادگی و پیک‌نیک روزهای تعطیل شهروندان اصفهانی درآمده است.

کتابشناسی:

- بل، سایمون. منظر، ترجمه بهناز امین‌زاده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- سعیدنیا، احمد. «فضای سبز شهری»، کتاب سبز شهرداریها. جلد نهم، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۳.
- ماتلاک، جان. ل. آشنایی با طراحی محیط و منظر، ترجمه معاونت

مهاجرت

کنش متقابل است. چنین تعریفی از مهاجرت، چندین نکته مثبت برای مطالعه جامعه‌شناختی مهاجرت دارد:

- مهاجرت صرفاً یک پدیده جمعیت‌شناختی نیست؛
- مهاجرت فقط به خاطر مسائل اقتصادی و شغلی نیست؛
- متغیرهایی مانند سن و جنس، نقش محوری در مهاجرت پیدا نمی‌کنند؛
- مهاجرت به‌عنوان یک فرایند بین دو خرده نظام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود؛ و
- عناصر ساختاری در مسئله مهاجرت در نظر گرفته می‌شود.

سرخ‌بندی مهاجرت به گونه‌های متفاوتی می‌تواند انجام گیرد:

- طبقه‌بندی، شامل مهاجرت‌های *نوآورانه* در مقابل مهاجرت‌های *محافظه‌کارانه*؛
 - طبقه‌بندی مبتنی بر مهاجرت‌های *داخلی* در برابر مهاجرت‌های *بین‌المللی*؛
 - طبقه‌بندی بین مهاجرت‌های *اجباری* در کنار مهاجرت‌های *داوطلبانه*؛
 - طبقه‌بندی مهاجرت‌های *انفرادی* در مقابل مهاجرت‌های *دسته جمعی*؛
 - مهاجرت‌های *دائمی* و مهاجرت‌های *موقت*؛
 - مهاجرت‌های *روستا-شهری* در برابر مهاجرت‌های *بین شهری*؛ و
 - مهاجرت‌های *پناهندگی* در مقابل مهاجرت‌های *آوارگی*.
- ۳ دیدگاه عمده در مورد مهاجرت وجود دارد:
- کارکردنگری؛
 - تضادباوری؛ و
 - نظریه سیستمی.

هریک از این دیدگاهها، مهاجرت را مرتبط با علل، ماهیت، جهت و نتایج خاصی دانسته‌اند. کارکردنگران بر این باورند که نوعی عدم امنیت برای شخص باعث می‌گردد تا تصمیم به مهاجرت بگیرد. از جمله این احساس که جامعه مبدأ وسایل و امکانات کافی برای سازگاری وی با جامعه مبدأ ارائه نمی‌دهد؛ بسیاری از اهداف او در جامعه مبدأ برآورده نمی‌شود؛ و با جمع پیرامون نمی‌تواند

- آموزش و پژوهش سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۷۹.
- مهندسان مشاور آمایش محیط. *اصول و ضوابط طراحی پارکهای شهری*. سازمان پارکها و فضای سبز، تهران: شهرداری تهران، ۱۳۷۲.
- مهندسان مشاور بافتشهر. *طراحی بدنه بزرگراه مدرس*. تهران: سازمان پارکهای شهرداری تهران، ۱۳۸۰.
- مهندسان مشاور بافتشهر. *طراحی رود دره فرحزاد*. تهران: سازمان زیباسازی شهرداری تهران، ۱۳۷۶.
- Hough, Micheal. *City Form and Natural Process*. Routledge, 1989.
- Marsh, W. M. *Landscape Planning*. Environmental Applications, Wiley, 2005.

احمد سعیدنیا

مهاجرت

Migration

از آنجا که پدیده مهاجرت مورد توجه اندیشمندان اجتماعی در رشته‌های مختلف قرار دارد، تعاریف گوناگونی از آن عرضه شده است. همین گوناگونی تعاریف باعث شده است تا برخی مواقع درک نامناسبی از مهاجرت به دست آید. برخی مهاجرت را یک پدیده تصادفی در نظر گرفته‌اند که حاصل تصمیم کاملاً فردی است. برخی دیگر، مهاجرت را مرتبط با مفهوم‌بندی فیزیکی و زیست‌شناختی دانسته‌اند. تعدادی از اندیشمندان مهاجرت را مبتنی بر جابه‌جایی جغرافیایی در نظر گرفته‌اند و بالاخره، عده‌ای هر مهاجرتی را یک حالت خاص در نظر می‌گیرند و بر این باورند که تعریف عام و تفسیر قابل تعمیم درباره مهاجرت وجود ندارد.

اگرچه حقایقی در هریک از این مفهوم‌بندیهای عرضه شده وجود دارد، اما توجه جامعه‌شناسی به پدیده مهاجرت با گذر به فراسوی این مفهوم‌بندیها، مهاجرت را یک حرکت نسبتاً دائمی از اجتماعی در یک منطقه جغرافیایی به اجتماعی دیگر در منطقه دیگر در نظر می‌گیرد که علت آن، تفاوت در ارزشهای مبدأ و مقصد و نتیجه آن تغییر در نظام

به دور خود دیوار فرهنگی می‌کشد و سازگاری با محیط جدید برایش دشوار است. بنابراین، سعی می‌کند، ارزشهای خود را حفظ کند. در واقع مهاجر نه تنها از لحاظ فیزیکی در حاشیه جامعه مقصد قرار می‌گیرد، بلکه از لحاظ اجتماعی به پایگاهی با نقشهایی بسیار پائین سقوط می‌کند. نتیجه چنین فرایندی، برخورد های اجتماعی بین مهاجران و شهروندان جوامع مقصد است.

نظریه سیستمی به طرز جامعی مفاهیم جا افتاده و مورد پذیرش جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و اقتصاد را در زمینه‌های قشر بندی، تحرک اجتماعی، تغییرات اجتماعی و کنشهای اجتماعی به خدمت گرفته و پدیده مهاجرت را در رابطه با عوامل ساختاری و تغییرات ساختاری مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهد. طرفداران این نظریه، مهاجرت را به صورت فرایندی در نظر می‌گیرند که در سطوح مختلف نظام اجتماعی اتفاق می‌افتد. در سطح فردی، تنش ناشی از آنومی در یک نظام باعث می‌گردد که فرد عضویت خود را از یک نظام رها کند و به عضویت در نظام جدید دیگر درآید. به عبارت دیگر، تنش با مهاجرت حل می‌شود. در سطح اجتماعی، مهاجرت به عنوان مبادله بین نظامها در نظر گرفته می‌شود که باعث مدیریت بحران در نظام کلی اجتماع می‌گردد.

در نظریه سیستمی، ملاحظه مسئله مهاجرت در چارچوب نظام جهانی بسیار اهمیت دارد و مهاجرت بین خرده سیستمهای بین المللی بحث محوری است. به باور طرفداران این دیدگاه، مهاجرت های داخلی و بین المللی از یکدیگر جدا نیستند. در سطح جهان و باتوجه به ساختارهای داخلی، نظام بین المللی از ۴ خرده نظام تشکیل شده است:

- خرده نظام «الف»، شامل کشورهای جهان سوم؛
 - خرده نظام «ب»، شامل کشورهای در مراحل اولیه توسعه صنعتی سریع؛
 - خرده نظام «ج»، شامل کشورهای صنعتی اروپایی؛ و
 - خرده نظام «د»، شامل کشورهای پسا صنعتی، مانند امریکا و کانادا.
- ویژگی خرده نظام «الف»، میزان بالای مهاجرت های

همبستگی داشته باشد. از این رو، بنابراین به دنبال راه حلی در جایی دیگر می‌گردد. شخص در یک تصمیم عقلانی با محاسبه سود و زیان، به طور داوطلبانه، اقدام به مهاجرت می‌کند. جهت حرکت او از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته است که در واقع، عامل جاذبه های مقصد در آن قوی تر است. در جامعه مقصد به علت آنکه تحرک اجتماعی روبه بالا وجود دارد، مهاجر از مزایای تحرک اقتصادی و اجتماعی بهره مند می‌شود. نتیجه این مهاجرت، همنوایی و احساس یگانگی با جامعه مقصد خواهد بود. اگرچه در ابتدا مهاجر با بیکاری در مقصد روبرو می‌گردد، اما این بیکاری موقتی است و مهاجر در درازمدت، همانند اهالی محل به وضعیت تثبیت شده اقتصادی می‌رسد. مهاجر قادر خواهد شد از منابع موجود در جامعه مقصد به نفع خود استفاده کند و در واقع، کمبود های خود را برطرف نماید.

در باور نظریه پردازان مکتب تضاد، مهاجرت پدیده ای چند بُعدی است که ریشه ای طبقاتی دارد و علت های آن از نتایجش جدا پذیر نیست. در این دیدگاه، مهاجرت ناشی از توسعه نابرابر در نظام اجتماعی است که مهم ترین مظهر آن، توسعه ناموزون سرمایه داری است. مهاجرت بین المللی در اثر هم پیوندی اقتصادی بین کشورها و تجمع سرمایه در شهرها پدید می‌آید. بدینسان، مهاجرت یکی از عناصر وابستگی است. مهاجرت به صورت اجباری است و عمدتاً تحت تأثیر فشارهای اقتصادی و یا سیاسی صورت می‌گیرد و جهت آن از مناطق عقب نگهداشته شده به مناطق تجمع سرمایه است. به باور این نظریه پردازان، عامل دافعه قوی تر از عامل جاذبه است و مهاجر در مقصد با رقابت، جدایی و تبعیض روبرو می‌گردد. از آنجا که جامعه مقصد کاملاً قشر بندی است، مهاجر در رده طبقات و اقشار پائینی جامعه قرار می‌گیرد و شدیداً استثمار می‌شود. همین امر احساس از خود بیگانگی او را تشدید می‌کند. در واقع، مهاجر از یک فلاکت در مبدأ به فلاکت سنگین تر در مقصد وارد می‌گردد. او در مقصد با بیکاری طولانی مدت و در حاشیه قرار گرفتن ساختاری روبرو می‌شود. به نظر این دانش پژوهان، مهاجر در جامعه مقصد، به علت قرار گرفتن در مدار تضاد،

- Urban Migration”, *Geographical Analysis*. Vol. 2, No. 1, 1970.
- Mangalam, J.J. & Schwarzweiler, H.K. *Some Theoretical Guidelines Toward a Sociology of Migration*, Working Paper. USA. Virginia: University of West Virginia, 1968.
- Nikolinakos, Marios. “Notes Towards a Theory of Migration in Late Capitalism”, *Race and Class*. Vol. 16, No. 1, 1975.
- Richmond, Anthony H. & Ravi P. Verma. “The Economic Adaptation of Immigrants: A New Theoretical Perspective”, *International Migration Review*. Vol. 12, No. 1, 1978.

عبدالعلی لهسایی زاده

مهاجرت روستایی - شهری

Rural-Urban Migration(s)

از بارزترین نمونه‌های تحرک جمعیتی است که به صورت ترک روستا برای زندگی در شهر بروز پیدا می‌کند. مهاجرت روستایی - شهری، از دیرین‌ترین و پایدارترین پدیده‌های تاریخ و تمدن بشری است که در پی انقلاب صنعتی و در عصر نوین، ابعاد بسیار بزرگی پیدا کرده است. اندیشمندان نحله‌های مختلف برای تبیین علل مهاجرت‌های روستایی - شهری، نظریه‌های متفاوتی را مطرح کرده‌اند: مهاجرت‌های روستا - شهری یکی از انواع بسیار با اهمیت و شایع مهاجرت است. تقریباً در طول تاریخ بشر، در تمام کشورها و همه زمانها، مهاجرت از روستا به شهر وجود داشته است. این پدیده را اندیشمندان با توجه به دیدگاه‌های نظری رایج در علوم اجتماعی تفسیر و تبیین می‌کنند.

جامعه‌شناسان کارکردباور و محققان و پژوهشگران پیرو دیدگاه نوسازی (← نوسازی)، به دنبال تبیین دلایل و پیامدهای مهاجرت روستا - شهری هستند. در رابطه با دلایل این گونه مهاجرت‌ها، آنان فرضشان این است که تمام نیازهای اجتماعی روستائیان در چارچوب جامعه روستایی آموخته می‌شود و روستائیان به نیازهایی باور دارند که ممکن است در روستا برآورده نشود. از آنجا که خصایص ساختی

داخلی و گسترش بی‌رویه شهری و سطح بالای مهاجرت از آن به خارج است. خرده نظام «ب» دارای نرخ بالای مهاجرت‌های بین شهری و خارجی است. در این خرده نظام، کلانشهرها رشد سریعی دارند. در خرده نظام «ج»، مهاجرت بین‌المللی از هر ۲ نوع درون‌کوچی و برون‌کوچی وجود دارد که درون‌کوچی آن، عمدتاً مهاجرت کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر به این کشورهاست و برون‌کوچی بیشتر مهاجرت نیروی کار ماهر از این جوامع به خارج است. خرده نظام «د»، پذیرنده مهاجران ماهر و غیرماهر است. ضمناً مهاجرت کارگران غیرماهر به این دسته از کشورها عمدتاً مهاجرت کارگران غیرقانونی است که اغلب باعث پائین نگه داشتن سطح دستمزد و سوء استفاده از نیروی کار ارزان دیگر جوامع به نفع ساختار پسا صنعتی است.

در باور نظریه پردازان سیستمی، علت مهاجرت سازگاری با تغییرات اقتصادی - اجتماعی است که در واقع، چند علتی است. جهت مهاجرت حرکت تدریجی در میان جوامعی است که در مراتب مختلف توسعه قرار دارند. نتیجه مهاجرت، به وجود آمدن جوامع چندفرهنگی است که یک فرایند سازگاری کلی در آنها به وجود می‌آید، اما در عین حال، هویت‌های جداگانه هم حفظ می‌شوند. تنوع فرهنگی و وابستگی متقابل گروه‌های اجتماعی - فرهنگی به یکدیگر از مشخصه‌های این جوامع است.

به هر حال، مهاجرت پدیده‌ای کاملاً پیچیده و چند بعدی است که در مفهوم‌بندی آن باید مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اکولوژیکی مورد توجه قرار گیرد. در مطالعات مهاجرت، با توجه به دیدگاهها و نظرات مختلف، سطوح سه گانه خرد، میانه و کلان در نظر گرفته می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- لهسایی زاده، عبدالعلی. *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۸.
- Amin, Samir. “Modern Migration in Western Africa”, Samir Amin (ed), *Modern Migration in Western Africa*. Oxford: Oxford University Press, 1974.
- Lahsaeizadeh, Abdolali. *Migration and Urbanization*. Shiraz: Zar Publication, 2002.
- Lee, Evertts. “A Theory of Migration”, *Demography*. Vol. 3, No. 1, 1966.
- Mabogunje, Akin I. “System Approach to a Theory of Rural

جریان انتقال مهارت و شخصیت قرار گرفته، فرهنگ قدیمی را از دست می‌دهد و فرهنگ جدید شهری را می‌پذیرد.

بنابر تبیینات کارکردباور، نظام شهر نهایتاً مهاجران روستایی و نسلهای برخاسته از آن را، نظیر سایر اعضا، به‌عنوان اعضاء دائمی خود می‌پذیرد. پذیرش روستایی در شهر توأم با همانندگردی آنها در شهر است. مهاجر روستایی ارزشهای جدید شهری را در خود درونی می‌کند و می‌کوشد، خود را با دیگر شهریان همانند سازد. در بسیاری از موارد، مهاجران روستایی در شهرها فرایند تقلید را پیش می‌گیرند، تا مشخص نشود که با فرهنگ شهری بیگانه هستند. همین روند تقلید، به مرور زمان، مهاجران روستایی را با ارزشهای شهری عادت داده و تشابهی بین آنها و شهریان ایجاد می‌کند. به روستائیان در شهرها فرصتهای شغلی و پایگاههای اجتماعی جدید عرضه می‌شود که در اثر آن سازگاری با شهر به‌وجود می‌آید.

بعد از همانندگردی مهاجر روستایی در شهر، بین او و محیط اجتماعی شهر رابطهٔ متقابلی به‌وجود می‌آید که همان یگانگی است. در این مرحله، تنشهای احتمالی بین مهاجر روستایی و محیط اجتماعی شهر از بین رفته، شهر به شخص مهاجر روستایی روی خوش نشان می‌دهد و در مقابل، مهاجر روستایی نیز دیگر با محیط اجتماعی شهر در ستیز برنمی‌آید. مهاجر روستایی به این باور می‌رسد که دیگر او از شهر و شهر از اوست. اگرچه شخص مهاجر روستایی، فرهنگ روستایی را توأم با فرهنگ شهری با خود حمل می‌کند، اما تمام کوشش او ایجاد وحدت بین فرهنگ روستا و شهر است. چون فرهنگ شهر بر او مسلط می‌شود، روند امور در جهت ایجاد یک فرهنگ واحد قرار می‌گیرد که در نهایت، این همان فرهنگ شهر است. بدینسان، دوگانگی و دوقطبی بودن شخصیت و ارزشهای روستایی از بین رفته و مهاجر روستایی به فردی با شخصیت واحد تبدیل می‌شود. بی‌شک، هرچه شهر وسیع‌تر، بزرگ‌تر و تقسیم کار در آن پیچیده‌تر باشد، درجه یگانگی مهاجر روستایی با آن بیشتر است. بنابراین، شهرهای بزرگ‌تر، سریع‌تر در فرد مهاجر روستایی ایجاد وحدت می‌کند. دلیل

روستاها و روستائیان هرگز در طول زمان ایستا نیست، ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان حصول آن در روستا اتفاق بیفتد. درک ناهماهنگیهای بین خصایص روستایی و روستا منجر می‌شود. چون تعادل در نظام روستا به هم می‌خورد، مهاجرت روستایی به شهر یک عنصر الزامی برای برقراری تعادل مجدد در روستاست. در بسیاری از جوامع درحال توسعه، شهرها از لحاظ توسعه از روستاها پیشی گرفته و فرصتهای مختلفی را برای افراد به‌وجود آورده‌اند، درحالی‌که مناطق روستایی توانایی جذب استعدادهای موجود را ندارند. بنابراین، نیروی اضافی انباشت شده در روستا در پی فرصتهای مختلف به مناطق شهری کشیده می‌شود که در آنجا فرصتها بیش از ظرفیت افراد است. از این جهت، مهاجرت از یکسو به سازوکار تطابق روستایی با تغییرات ایجاد شده بدل می‌شود، و از سوی دیگر، تعادل از دست‌رفته را به جامعه باز می‌گرداند.

بعد از تعیین علل مهاجرت‌های روستا-شهری، کارکردباوران و محققان نوسازی به اثرات این‌گونه مهاجرت بر ساخت روستا، شهر و شخص مهاجر روستایی می‌پردازند. به باور این محققان، مهاجر روستایی در شهر وارد یک ساخت اجتماعی از قبل ساخته و پرداخته می‌شود که این ساخت (شهر) به‌لحاظ اندازه و تراکم از روستا بسیار بزرگ‌تر و از تقسیم کار پیچیده‌تری برخوردار است. شهر ابتدا روستایی مهاجر را در خود جذب و سپس با خود همانند می‌سازد. روستایی مهاجر بعد از همانند شدن با محیط شهر، به یگانگی می‌رسد.

فرایند جذب روستائیان در شهر شامل چند مرحله به هم پیوسته است: ابتدا روستایی مهاجر مجبور است که مهارتهای جدید را بیاموزد، زیرا بدون استفاده از مکانیزمهای جدید احتمال دوام او در شهر کم است؛ سپس می‌آموزد، چگونه نقشهای مورد نیاز شهر را فرا گیرد؛ و سرانجام، به تدریج یاد می‌گیرد که چگونه به ایده‌های جدید بیندیشد و تصویری تازه از خود براساس ارزشهای جدید شهری ارائه دهد. در فرایند جذب، روستایی مهاجر در

توسعه سرمایه‌داری در این کشورها ناشی می‌شود، حرکت توده‌ای جمعیت از روستا به شهر باید در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. ۲ دسته عوامل برای بیان علت مهاجرت از روستا به شهر در نظر گرفته شده است:

- عوامل تغییر دهنده؛ و
- عوامل رکودی.

عوامل اول با نفوذ سرمایه‌داری در مناطق روستایی و ایجاد تغییر در فنون تولیدی ارتباط دارد. فنون جدید، کارگر اضافی در روستاها ایجاد می‌کند و آنها را مجبور به مهاجرت می‌کند. در مقابل، عوامل رکودی زمانی عمل می‌کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی در روستاها پیشی می‌گیرد و نیروی کار اضافی را به مهاجرت به شهرها مجبور می‌سازد. بنابراین، ماهیت مهاجرت روستائیان، دگرگونی ساختی روستاها در اثر ادغام در نظام سرمایه‌داری مرتبط است.

بعد از آنکه سرمایه‌داری وابسته در کشورهای واپس‌مانده تثبیت شد، مهاجرت افراد از روستا شکل خاصی به خود می‌گیرد.

• در آغاز، مهاجرت همه افراد روستایی را دربر نمی‌گیرد، بلکه بخشی از جمعیت روستایی را وادار به مهاجرت از روستا می‌کند؛

• دوم، تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر داوطلبانه نیست، بلکه برای آن دسته از روستائینی که مهاجرت می‌کنند، راه دیگری برای زندگی باقی نمی‌ماند و آنها مجبور به مهاجرت هستند؛

• سوم، مهاجرت به جاهای نامعین نیست، بلکه از روی الگویی خاص به شهرها و بخشهای معینی از شهر صورت می‌گیرد؛

• چهارم، نیروی اجبار و تحریک‌کننده مهاجر روستایی صرفاً عامل اقتصادی است و اگر جز این باشد، به صورت توده‌ای انجام نمی‌شود؛ و

• پنجم، مهاجرت از روستا به شهر، مهاجرت نیروی کار و کارگر است، لذا تعریف مهاجرت از روستا به شهر حرکت نیروی کار (البته در بسیاری موارد با خانواده) است.

در نظر محققان مکتب وابستگی، این سرمایه‌داری

آنکه مهاجران از روستا به شهر تمایل بیشتری دارند که به شهرهای بزرگ‌تر بروند، همین فرایند ایجاد یگانگی با محیط است.

بالاخره، کارکردباوران بر این عقیده‌اند که مهاجران روستایی در شهرها از تحرک اجتماعی روبه بالا برخوردار می‌شوند. مهاجر در شهرها این احساس را به دست می‌آورد که ممکن است در یک شغل موفقیت نداشته باشد، اما زندگی برای او تمام شده نیست. او باید چندین شغل را در شهر بیازماید، تا بالاخره، در یکی از آنها موفق شود. همین امر به طور ناخودآگاه، مهاجر روستایی را به یک تحرک شغلی وامی‌دارد. مهاجران روستایی تحرک عمودی روبه بالا در شهر دارند؛ اگرچه در مقایسه با ساکنان شهر، مشاغل پائین‌تری را برعهده می‌گیرند. همچنین مهاجران روستایی جوان‌تر از تحرک بیشتری برخوردارند. بالا رفتن سن مهاجر، قدرت خطر کردن او را برای دستیابی به مشاغل برتر، کمتر می‌کند. هرچه شخص مهاجر روستایی مدت زمان بیشتری در شهر مانده باشد، از پایگاه اجتماعی والاتری برخوردار خواهد شد؛ به سخن دیگر، محیط اجتماعی شهر میزان تحرک روبه بالا را تعیین می‌کند.

جامعه‌شناسان تضاد باور و پیروان مختلف آنها، به‌ویژه محققان مکتب وابستگی، بر این باورند که علت‌های مهاجرت از روستا به شهر را نمی‌توان از اثرات آن جدا کرد، زیرا مهاجرت از روستا به شهر از یکسوی معلول توسعه نابرابر شهر و روستاست و از سوی دیگر، خود عامل گسترش و تعمیق این توسعه نابرابر است. اگرچه این محققان علت و معلول مهاجرت از روستا به شهر را در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار می‌دهند، اما به هر رو، برای ارائه بهتر نتایج تحقیقات خود، در بحث‌های خود علت‌ها و اثرات مهاجرت روستا به شهر را جداگانه ارائه می‌کنند.

در علت‌یابی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای توسعه‌نیافته، محققان مکتب وابستگی بیان می‌کنند که ابتدا باید به مسئله عدم توسعه توجه نمود و در این رابطه، باید نابرابری ساختی و مکانی بین بخش‌های جامعه را در نظر گرفت. از آنجا که عدم توسعه و نابرابری ساختی و مکانی در توسعه کشورهای در حال توسعه، از شکل گسترش

روستایی در واقع هدایایی هستند که به منطقه شهر و سرمایه‌داران شهری عرضه می‌شوند؛ کار ارزان در شهرها به سرمایه‌داران عرضه می‌شود و در یک جمله، توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی ادامه می‌یابد؛ مهاجر روستایی در شهر، به علت نداشتن مهارت‌های مورد نیاز جامعه شهری، در کارهای دون‌پایه جذب می‌شود؛ مهاجر از یک فقر بیرون رانده شده و به فقر دیگری وارد می‌شود؛ بدینسان، او در شهر قشر خاصی از طبقه کارگر را به وجود می‌آورد.

مهاجر روستایی در شهر روی ساخت شهری هم اثر می‌گذارد. سرمایه‌داران با استفاده از کارگران مهاجر ارزان، دستمزدها را پائین نگه می‌دارند. کارگران مهاجر در مقابل کارگران بومی قرار می‌گیرند و تضاد در شهرها تشدید می‌شود. این شرایط باعث عدم رشد آگاهی طبقاتی طبقه کارگر می‌شود و در نتیجه، جنبش‌های اجتماعی به تأخیر می‌افتد. از لحاظ فضایی، جامعه شهری مهاجران را در حاشیه شهرها اسکان می‌دهد و مهاجر روستایی جذب جامعه شهری نمی‌شود. اینان اجتماعات خاص خود را تشکیل می‌دهند و فرهنگ خاص خود را ادامه می‌دهند و به این ترتیب، در اطراف خود دیوار فرهنگی می‌کشند؛ به سخن دیگر، به لحاظ فرهنگی در تضاد با ساکنان بومی شهرها قرار می‌گیرند. مهاجر در ظاهر، از بسیاری از ارزش‌های شهری تقلید می‌کند، اما عملاً به از خودبیگانگی دچار می‌شود. همین از خودبیگانگی است که در شهرها مهاجران را به سوی اعتراض نسبت به محیط و روابط جدید وامی‌دارد. در کشورهای توسعه‌نیافته، مهاجران در شهرها از نیروهای اصلی انقلابها بشمار می‌آیند. اگرچه خروج مهاجران از روستاها، عامل بالقوه ایجاد حرکت‌های انقلابی در روستاها را کم می‌کند، اما از سوی دیگر، به امکان بروز جنبشها در شهرها می‌افزاید.

برای تبیین مهاجرت از روستا به شهر در جوامع در حال توسعه، دیدگاه سیستمی سعی در نگرش جامع نسبت به این پدیده دارد و مهاجرت را در یک بُعد وسیع اجتماعی قرار می‌دهد، تا از یکسو، ارتباط بین ساخت‌های خرد و کلان قابل تبیین باشد و از سوی دیگر، کنش متقابل

وابسته است که شرایط مهاجرت از روستا به شهر را فراهم می‌آورد. یکی از خط‌مشی‌های سرمایه‌داری در این کشورها، صنعتی کردن (البته از نوع صنایع وابسته) و تمرکز هرچه بیشتر سرمایه در شهرهاست. همین خط‌مشی، عدم توجه به روستاها را - به صورت خودآگاه و یا ناخودآگاه - به وجود می‌آورد. اگر هم توجهی به روستاها می‌شود، در جهت سرمایه‌داری کردن کشاورزی و همزمان با آن مکانیزه کردن آن است. این ۲ فرایند، نیروی کار اضافی در بخش کشاورزی به وجود می‌آورد. گسترش برخی فعالیت‌های خاص در شهرها این عقیده را در روستائیان پدید می‌آورد که شهرها محل بعدی برای ادامه حیات آنهاست. پس، انباشت سرمایه در شهرها و مکانیزه شدن کشاورزی، هر دو عامل دفع جمعیت از روستاهاست.

در کشورهای توسعه‌نیافته، دولت‌ها توجه خود را هرچه بیشتر به جوامع شهری مبدول می‌دارند و در این راستا، منابع کمیاب را به توسعه صنعتی در شهرها اختصاص می‌دهند که در نتیجه، اقتصاد روستا مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، تغییر الگوهای تولید در روستاها به نفع عده‌ای محدود است و به فقر فزاینده اقشار مختلف دهقانی می‌انجامد، که این همه، بر تحرک روستائیان و حرکت به سوی شهرها اثر دارد. حتی نوع تولید روستایی هم بر مهاجرت اثر می‌گذارد. با معمول شدن فناوری سرمایه‌بر، تولیدات در روستاها اگرچه افزایش می‌یابد، اما از نیروی کار کمتری استفاده می‌شود. در مناطق روستایی که در آنجا کشاورزی سرمایه‌داری مسلط است، افراد بیشتری از زمین‌های کشاورزی بیرون رانده می‌شوند. به طور کلی، این محققان علت مهاجرت‌های روستایی - شهری را نابرابری سطح توسعه بین شهر و روستا می‌دانند.

از نظر محققان مکتب وابستگی، اثرات مهاجرت روستا - شهری از یکسو، عامل تقویت وابستگی روستاها به شهرهاست و از سوی دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارسائی‌های مناطق شهری است. با خروج مهاجران از روستا، نیروی کار در روستا و در نتیجه، تولیدات روستایی کاهش می‌یابد و باعث ایجاد الگوی نابرابر نیروی کار می‌شود؛ روستا از نیروی تحول‌زا تخلیه می‌شود؛ افراد فقیر

در یک وضعیت فرهنگ مجزا قرار می‌گیرند و به از خودبستگی دچار می‌شوند. این از خودبستگی زمانی شدت می‌گیرد که مهاجران به خیل کارگران بیکار یا نیمه‌بیکار می‌پیوندند.

از نظر محققان تحلیل سیستمی، مهاجرت از روستا به شهر قابل کنترل ریشه‌ای نیست، مگر اختلاف بین شهر و روستا که حاصل توسعه ناموزون شهر و روستاست، از میان برود. این توسعه ناموزون به گونه‌ای در روستاها عمل می‌کند که حتی در درون روستاها هم نابرابری را تشدید می‌کند و عده‌ای را از روستا به سوی شهرها سوق می‌دهد. باید ریشه‌های نابرابری بین شهر و روستا و بین بخشها و اقشار مختلف روستایی را زدود، تا جمعیت روستایی در روستاها تثبیت شود و مجبور به حرکت به سوی شهرها نباشد. البته، این امر در رابطه با قطع وابستگی ممکن است. بدون شک، برابری امکانات اقتصادی - اجتماعی بین شهر و روستا مانع از حرکت جمعیت روستایی به شهرها می‌شود.

کتاب‌شناسی:

- Amin, Samir. *Modern Migration in Western Africa*. Oxford: Oxford University Press, 1974.
- Bacon, Llyod. "Poverty Among Interregional Rural-to-Urban Migrants", *Rural Sociology*. Vol. 36, No. 2, 1971.
- Castles, S. and Kosack, Godula. "The Function of Labor Immigration in Western European Capitalism", *New Left Review*. May-June, 1972.
- Castles, S. and Kosack, Godula. *Immigrant Workers and Class Structure in Western Europe*. London: Oxford University Press, 1973.
- Eisenstadt, S. N. *The Absorption of Immigrants*. Glenco, The Free Press, 1954.
- Lahsaeizadeh, Abdolali. *Migration and Urbanization*. Shiraz: Zar Publication, 2002.
- Lec, Everett S. "A Theory of Migration", *Demography*. Vol. 3, No. 1, 1966.
- Mabogunje, Akin L. "System Approache to a Theory of Rural-Urban Migration", *Geographical Analysis*. Vol. 2, No.1, 1970.
- Nikolinakos, Marios. "Notes Toward a General Theory of Migration in Late Capitalism", *Race and Class*. Vol. 16, No. 1, 1975.
- Petersen, W. "A General Typology of Migration", *Reading in the Sociology of Migration*. C. J. Jansen (ed), New York: Pergamon Press, 1970.
- Portes, Aleyandro. "Migration and Underdevelopment", *Politics and Society*. Vol. 8, No. 1, 1978.

بین بخشهای سنتی و مدرن نمایان شود. از نظر محققان این دیدگاه، حرکت جمعیت از روستا به شهر، نتیجه یک فرایند ساختی است. این حرکت مسئله تحول در نظام اجتماعی را مطرح می‌کند. بنابراین، ابتدا باید دید، چگونه ساختی تحول پیدا می‌کند که حاصل آن حرکت جمعیت از روستا به شهر است. ساخت اجتماعی موجود در کشورهای در حال توسعه در قالب ۳ مفهوم بررسی می‌شود:

• اقتصاد جهانی؛

• صورت‌بندی اجتماعی؛ و

• نظامهای تولیدی.

شکل مهاجرت از روستا به شهر در این کشورها از این ۳ ساخت جدا نیست. امروزه، اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که یک فرایند واحد بر تولید جهان حاکم است. این فرایند، توسعه ناموزون بین کشورهای مرکز و پیرامون و بین شهر و روستا در کشورهای پیرامونی را ایجاد کرده است. همین امر، جمعیت را از روستا به شهرها روانه می‌کند. در صورت‌بندی اجتماعی پیرامونی، نظامهای سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری در جوار هم قرار دارند و نظام سرمایه‌داری بر نظامهای ماقبل خود که بیشتر در روستاها مستقر هستند، فشار وارد می‌کند و از لحاظ تولیدی، عرصه را بر آنها تنگ می‌کند. بیکاری در نظامهای ماقبل سرمایه‌داری به وجود می‌آید و جمعیت بیکار مجبور به مهاجرت از روستا می‌شود.

در نتیجه، نوعی توسعه خاص در شهرهای کشورهای پیرامونی وجود دارد و به لحاظ عدم مهارتهای مورد نیاز شهرها در وجود مهاجر روستایی، مهاجر در بخشهای معینی جذب می‌شود. یکی از این بخشها، بخش ساختمان است که به نیروی کار غیرماهر زیادی نیاز دارد. از سوی دیگر، در بخش غیررسمی اقتصاد، بیشتر مهاجران به صورت کارگران ساده مشغول به کار می‌شوند. مهاجران از روستا به شهر بیشتر به شهرهایی می‌روند که امکان این ۲ گونه فعالیت در آنها بیشتر باشد. در کشورهای در حال توسعه، این شهرهای اصلی محل چنین فعالیتهایی هستند؛ در نتیجه، مهاجران به این شهرها می‌روند. از ویژگیهای این شهرها وجود حاشیه‌نشینی است. با توجه به این مسائل، مهاجران

- Richmond, A. H. and Verma, P. P. "The Economic Adaptation of Immigrants: A New Theoretical Perspective", *International Migration Review*. Vol. 12, No. 1, 1978.
- Wallerstein, Immanuel. *Urbanization and Migration in West Africa*. California, Berkely: University of California Press, 1965.

عبدالعلی لهسایی زاده

ن

نابرابری ← برابری

اعتبارات مالی و مانند آن است.

تأثیر این عوامل به صورتهای گوناگون ظاهر می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه، هنجارها، عرفهای اخلاقی و آداب و رسوم، ممکن است در محدودیت زنان برای ورود به بازار کار نقش مهمی داشته باشند.

نابرابری جنسیتی

Gender Inequality

نابرابری جنسیتی عبارت از تبعیضی است که در حیطه‌هایی از حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به شکل‌های مختلف و در ابعاد متفاوت علیه زنان اعمال می‌شود. اگرچه امروزه در بیشتر کشورهای جهان، منابع رسمی بر برابری جنسیتی و حقوق قانونی مردان و زنان تأکید دارند، اما اطلاعات منتشر شده در سطح جهانی، همچنان نشانگر تبعیض جنسیتی است. تبعیض جنسیتی ریشه در صورت‌بندیهای اجتماعی، گفتمانها و اندیشه‌هایی دارد که هویت افراد را برحسب جنسیت آنها تعریف می‌کند و برای جنس زن، موقعیتی پائین‌تر از مرد قائل است.

نقش عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی

عوامل مختلفی در پیدایش نابرابری جنسیتی دخالت دارند. برخی از این عوامل را می‌توان به هنجارها و قراردادهای اجتماعی نسبت داد. این عوامل به ۲ دسته عوامل اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی قابل تفکیکند. عوامل یا متغیرهای اجتماعی عبارتند از: آموزش، بهداشت، تغذیه، باروری، قوانین، آداب و رسوم اجتماعی و سن ازدواج. در مقابل، عوامل و متغیرهای اجتماعی - اقتصادی شامل دسترسی به منابع، از جمله مالکیت، کنترل بر درآمد و دسترسی به

اطلاعات درباره نابرابریهای جنسیتی در جهان عمدتاً بر داده‌های گزارش توسعه انسانی سازمان ملل و آمار جهانی زنان این سازمان تکیه دارد. به این ترتیب، سنجش نابرابریهای جنسیتی با محاسبه شاخصهایی برای سنجش اختلاف در تغذیه، بهداشت و آموزش شاید مهم‌تر از سنجش اختلاف درآمد بین زنان و مردان باشد. با این وجود، برخی از شاخصهای اجتماعی، مانند مرگ‌ومیر کودکان و یا بزرگسالان، به شدت تحت تأثیر سطح درآمد مناطق و بین زنان و مردان تفاوت چشمگیری دارد.

دسته‌ای دیگر از شاخصها، از جمله تفاوت در نسبت وزن به سن بین دختران و پسران زیر ۵ سال، درصد کودکان دختر نسبت به کل کودکان زیر ۵ سال، تفاوت در واکنش‌ها و مراقبتهای بهداشتی بین دختران و پسران زیر ۵ سال و تفاوت در سنوات تحصیلی بزرگسالان زن و مرد، در سنجش نابرابریهای اجتماعی - جنسیتی به کار می‌روند.

مطالعات بین‌المللی تبعیض در مورد زنان را اغلب به صورت اختلاف در برخورداری از آموزش، مراقبتهای بهداشتی و سایر شاخصهای اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهند. مجموعه‌ای از این شاخصها که بیشتر مورد توجه قرار داشته‌اند، عبارتند از: شاخص توسعه جنسیتی (GDI) و شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM). این شاخصها از ۱۹۹۴م به بعد، در گزارشهای سالانه

نابرابری اقتصادی

از دیگر حوزه‌های تبعیض آمیز، عرصه فعالیت‌های اقتصادی، به خصوص دسترسی به منابع درآمد، مالکیتها و فرصتهای شغلی است. مقایسه و اندازه‌گیری نقش اقتصادی زنان و مردان بسیار مشکل است، زیرا اصولاً ماهیت کار زنان و مردان متفاوت است و در جامعه نوعی تقسیم کار پنهان براساس جنسیت وجود دارد.

اطلاعات موجود در خصوص ابعاد مختلف اشتغال در کشورهای جهان، بیانگر وجود تبعیض وسیع و گسترده در رابطه با زنان است. پائین بودن نرخ مشارکت، نسبت اندک زنان در مشاغل واجد ایمنی بیشتر، درآمد بهتر و امکان ارتقاء به مدارج بالاتر و همچنین نرخ دستمزد پائین‌تر در مشاغل مشابه با مردان، از این‌گونه تبعیضهاست.

تحلیل علل و روند شکل‌گیری تبعیض جنسیتی در حوزه اقتصاد، مستلزم دقت نظر بیشتری است. اینکه زنان برای رسیدن به مهارتها و سرمایه انسانی کمتر از مردان توانایی دارند، اینکه کار آنها هم‌تراز کار مردان نیست و یا اینکه آنها شرایط لازم برای حضور مستمر در بازار کار را ندارند، همگی از عوامل توجیه‌کننده تبعیض بشمار می‌رود. این‌گونه تفاوتها بین زنان و مردان ظاهراً همیشه دلیل اصلی نیست و تبعیض شغلی، علاوه‌براین، بخشی از تبعیض اجتماعی است.

بدین ترتیب، تحلیل جنسیتی را نباید تنها به جنبه تقاضا محدود کرد، بلکه لازم است آن را همراه با تبعیض در حوزه عرضه دید که جامعه و ساختارهای موجود اجتماعی، مهارت و تحصیلات و امکان مشارکت محدودیتهای گوناگون را برای زنان فراهم می‌سازد.

شرایط فوق موجب شده است که زنان نسبت اندکی از کل نیروی کار را، به‌ویژه در بخشهای غیرکشاورزی و در مناطق شهری، تشکیل دهند و بیشتر در مشاغل کم‌درآمد مشغول به کار باشند. همچنین میزان بیکاری زنان، به‌ویژه در کشورهایی که با بحران اشتغال روبرو هستند، جدی‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر است. این امر زمینه‌های سوءاستفاده از نیروی کار زنان را در بخشهای غیردولتی و غیررسمی فراهم می‌سازد. مصر، ایران، ترکیه و شیلی، از جمله

سازمان ملل متحد (← سازمان ملل متحد) برای کشورهای مختلف محاسبه می‌شوند.

مطالعات انجام شده براساس این ۲ شاخص در ۱۹۹۹م نشان داد، جوامعی که طی ۳۰ سال گذشته و قبل از آن از توسعه بیشتری برخوردار بوده‌اند، برابری بیشتری را در توزیع منافع توسعه بین زنان و مردان به ثبت رسانده‌اند و شکاف جنسیتی آنها از نظر آموزش و بهداشت، به‌سرعت کمتر شده است. البته، در کشورهای درحال‌توسعه نیز در شاخصهای تحصیلی، فاصله بین زنان و مردان هر روز کمتر می‌شود.

در ایران، به‌ویژه در مناطق مبتنی بر معیشت کشاورزی، دختر بچه‌ها هنوز کودک کم‌اهمیت‌تر شمرده می‌شوند. بررسیهای انجام شده در کشور نشان می‌دهد که ۱۰٪ پسران زیر ۵ سال شهری دارای وزن کمتری از حداقل استاندارد هستند، حال آنکه این نسبت در دختران به ۱۷٪ می‌رسد. در نواحی روستایی، این میزان برای پسران ۱۵٪ و برای دختران ۲۳٪ است. البته، تبعیض جنسیتی در تغذیه در بسیاری از کشورها مشاهده می‌شود.

از سوی دیگر، دسترسی زنان به منابع، از جمله زمین، درآمد و اعتبارات مالی، نقش اقتصادی آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، احتمال موفقیت شغلی و یا افزایش درآمد برای زنانی که به تحصیل، کار و مراقبتهای بهداشتی دسترسی دارند، بیش از افرادی است که به این منابع دسترسی ندارند. در کشورهای درحال‌توسعه، به‌طور خاص، وضعیت اجتماعی زنان، امنیت و استقلال، دسترسی به منابع را برای آنان محدود می‌سازد. در بیشتر کشورها درآمد زنان به وضعیت همسرانشان وابسته است و اگر زنی مطلقه یا بیوه شود، این درآمد را از دست می‌دهد. در کشورهایی که دسترسی برابر زنان و مردان به زمین تضمین شده است، زنان اغلب یا از این حق آگاهی ندارند و یا آداب و رسوم موجود عملاً مالکیت آنان را تضعیف می‌کند. به‌عنوان نمونه، در زیمبابوه، بورکینافاسو و کامرون، زنان به‌طور قانونی می‌توانند مالک زمین و درختان باشند، ولی در عمل تقریباً تمام دارائیها در اختیار مردان است.

نابرابری جنسیتی

بود که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته (۱۸٪)، فاصله نسبتاً زیادی را نشان می‌دهد. البته حضور زنان در پارلمان، در سطح کشورهای جهان، شکاف بزرگی را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، در ۲۰۰۲م نسبت زنان به کل نمایندگان نشانگر رقمی از ۴۲/۷٪ در سوئد، تا صفر درصد در چند کشور خاورمیانه بود. در همین سال، زنان بحرین برای اولین بار توانستند حق رأی و کاندیدا شدن را کسب کنند.

در دهه گذشته برخی کشورها، مانند برزیل، فرانسه، هند، اوگاندا و فیلیپین، برای زنان سهمیه‌هایی را در مجلس قانونگذاری در نظر گرفته‌اند. در آفریقای جنوبی، به دنبال خاتمه یافتن آپارتاید در ۱۹۹۴م و شکل‌گیری نهادها و سازمانهای جدید که بر احیای حقوق زنان تأکید داشتند، نسبت زنان در مجلس از ۱٪ به ۳۰٪ افزایش یافت. از سوی دیگر، به دلیل لغو سهمیه جنسیتی در کشورهای کمونیستی سابق در اروپای شرقی، شاهد نزول نسبت زنان منتخب از ۲۵٪ به ۷٪ بوده‌ایم.

بدین ترتیب، دولت‌ها نقش مهمی در تعدیل روابط جنسیتی دارند. سیاستهای دولتی اغلب تحت تأثیر نهادهای پدرسالارانه قرار دارد.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی، به دنبال حضور گسترده زنان در عرصه‌های مختلف و از جمله در دانشگاهها، بر مشارکت فعال سیاسی آنان تأکید شده است، اما هنوز در ورود زنان به پستهای مدیریتی و جایگاه سیاستگذاری، موانع فرهنگی و ساختاری جدی وجود دارد.

نابرابری جنسیتی در عرصه مدیریت

مدیریت هم در ادبیات موضوعی و هم در حیطه عمل در سازمانها، پدیده‌ای خنثی (بی‌جنسیت) توصیف شده است، چراکه مهارت‌های مدیریتی به هیچ وجه به ویژگیهای جنسیتی مرتبط نیست. اما واقعیت آن است که در حیطه مدیریتهای ارشد این پدیده به شدت با سمت‌گیری جنسیتی همراه است، به گونه‌ای که سلطه مردان در این حوزه، امری طبیعی و بدیهی تلقی می‌شود.

براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، مردان در سراسر دنیا بالاترین مقامهای مدیریتی را در اختیار دارند.

کشورهایی هستند که نرخ بیکاری زنان در آنها تقریباً ۳ برابر مردان است.

از جمله تبعیضهای ناروا در مورد زنان شاغل، تفاوت دستمزد زنان با مردان در مشاغل مشابه است. با افزایش جهانی سطح تحصیلات، به خصوص در سطوح عالی، امکان پرداخت مزد کمتر به زنان برای کار معین، آنان را به صورت منبعی از مهارت‌های گوناگون درآورده است که مستقیماً مورد سوءاستفاده کارفرمایان قرار می‌گیرد. تفاوت دستمزد زنان در مقایسه با مردان هنوز در سراسر جهان پابرجاست، اما در کشورهای جهان سوم، زنان از تبعیضهای شغلی و درآمدی بیشتری در بازار کار رنج می‌برند.

علاوه بر این، در اکثر معیارهای اقتصادی، از جمله تولید ناخالص ملى و تعاریف موجود از کار، بسیاری از فعالیتهایی که زنان انجام می‌دهند، فاقد ارزش اقتصادی ارزیابی می‌شود و در محاسبات منظور نمی‌گردد. در واقع، زنان ساعتهای بیشتری نسبت به مردان - به خصوص در نواحی روستایی - کار می‌کنند اما از مزایای کمتری بهره‌مند می‌شوند.

تبعیض جنسیتی در بازار کار را باید از نظر اقتصادی و اجتماعی به صورت توأم بررسی نمود. ایجاد روند مطلوب در بازار کار زنان و کاهش تبعیضها، مستلزم بهبود و اصلاح سطوح تحصیلی و مهارت زنان است. البته باید توجه داشت، تبعیض جنسیتی تنها با افزایش سطح تحصیلات و مهارت زنان رفع نمی‌شود. برای بهبود وضع شغلی زنان باید زیرساختهای حقوقی و ساختار اجتماعی نیز در جهت مطلوب تغییر کند.

نابرابری جنسیتی در عرصه سیاسی

برخی از کشورها به دنبال درخواست اعتراضی زنان، سهمیه‌هایی را در مجلس نمایندگان برای زنان در نظر گرفته‌اند. نگاه اجمالی به وضعیت زنان از حیث حضور در مجلسهای قانونگذاری، نشانگر آن است که در ۲۰۰۱م زنان به طور متوسط ۱۴٪ از کل کرسیهای مجلس را در اختیار داشته‌اند. این رقم نسبت به ۱۹۸۷م که ۹٪ بود، افزایش نشان می‌دهد. این نسبت در کشورهای در حال توسعه، ۱۲٪

- مشیرزاده، حمیرا. *مقدمه‌ای بر مطالعات زنان*. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- نیکو برش، فرزانه. «توسعه و لزوم برنامه‌ریزی جنسیتی»، *مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان*. نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.
- هودر، روبرت. *جغرافیای توسعه در جهان و ایران*، ترجمه فضیله خانی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۶.
- Bardhan and Klasen. "On UNDP's Revisions to the gender-related Development Index". Available on-line: <http://www.hdr.undp.org/docs/statistics/undprevisions-gender-related.Pdf> (accessed 20 December 2002), 2000.
- Boutros-Boutros, Ghali. *The United Nations and the advancement of women 1945-1996*. New York: United Nations, 1996.
- Fried, Susana T. (ed). *The Indivisibility of Women's Human Rights*. New Jersey: Centre for Women's Global Leadership, 1994.
- Klasen Stephen and White. *Does Gender inequality reduce Growth and development? Evidence from Cross-Country Regressions, Policy Research Report on Gender and Development, Working paper servies*, No. 7, The world Bank, 1997.
- Marcoux, A. "Sex differentials in under nutrition: a look at survey evidence", *Population and Development Review*. 28(2), 2002.
- Norris, Pippa. "Breaking the Barriers: Positive Discrimination Policies for Women", *Has Liberalism Failed Women: Parity, Quotas and Political Representation*. Klausen, Jytte and Maier, Charles (eds), New York: st Martin's press.
- Parpart, J.L. "Who is the other. A postmodern feminist critique of women and development theory and practice", *Development and Change*. 24(3), 1993.
- Sass, Justine. "Women of Our World". Washington, DC: Population Reference Bureau, available on-line: <http://www.prb.org>, 2002.
- Williamson, O. "The new institutional economics: Taking Stock, looking ahead", *The Journal of Economic Literature*. 38(3), 2000.
- World Bank. *World Development Indicators*. Washington, DC: World Bank.

فضیله خانی

نابرابریهای موجود بین زنان و مردان موجب می‌شود که آنها برای دستیابی به سلسله مراتب بالای سازمانی با محدودیت مواجه باشند. بزرگ‌ترین پیشرفت زنان در دنیا، دستیابی به مقامهای مدیریتی سطح پائین بوده است؛ دستیابی به پستهای مدیریتی سطح میانی برای آنان قدری مشکل است، اما رسیدن به موقعیتهای مدیریتی سطح بالا به مراتب مشکل‌تر است. در سطح بین‌المللی، تنها ۲٪ از کرسیهای مدیریت ارشد شغلی توسط زنان اشغال شده است. میزان مشارکت زنان در مقامهای مدیریتی و اجرایی کشورهای توسعه‌یافته حدود ۳۳٪، در آفریقا ۱۵٪، و در آسیا و منطقه اقیانوسیه ۱۳٪ است. هرچند آمار تعداد زنان در پستهای مدیریتی در آفریقا، آسیا و منطقه اقیانوسیه اندک است، اما نسبت به ۲۰ سال گذشته، ۲ برابر افزایش یافته است. با این وجود، این آمار حضور کم زنان در جایگاه تصمیم‌گیری را در سطح جهان نشان می‌دهد. در کنفرانس جهانی زن در چین اعلام شد که اگر زنان با روند کنونی پیش روند، ۴۰۰ سال طول خواهد کشید تا به مرتبه‌ای هم‌مطراز با مردان در جامعه برسند.

بررسی داده‌های موجود درخصوص تعداد شاغلان در پستهای مدیریتی و سرپرستی برحسب جنس، نشان می‌دهد که سهم زنان از پستهای مدیریتی از ۲/۸٪ از کل مدیران بخش دولتی فراتر نمی‌رود. زنان در قیاس با مردان، برای دستیابی به شغل مدیریتی در رده‌های بالاتر، باید تحصیلات بالاتری داشته باشند. برای نمونه، بیش از ۶۰٪ زنانی که به منصب مدیریتی در رده‌های بالا دست یافته‌اند، دارای مدارک بالاتر از لیسانس بوده‌اند، درحالی‌که این رقم برای مردان ۵۴٪ بوده است. پژوهشی در امریکا نشان داده است که در ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰م، مدیران زن تمام‌وقت کمتر از مدیران مرد تمام‌وقت با احتساب تحصیلات، سن و وضعیت تأهل و نژاد، دستمزد دریافت می‌کردند.

کتاب‌شناسی:

- حکیم‌پور، محمد. *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد: تأملی در مبادی هرمونوتیک حقوق زن*. تهران: انتشارات نغمه نواندیش، ۱۳۸۲.
- خانی، فضیله. *جنسیت و توسعه*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵.

نابرابری شهری ← پایداری شهری

Area

عرصه‌ای فضایی که به واسطه یک یا چند ویژگی معین، از عرصه‌های پیرامونی متمایز باشد. این مفهوم را در چارچوبه‌های مختلف، به صورت‌های متفاوت تعریف کرده‌اند؛ از رایج‌ترین این تعاریف، می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

- بخش، عرصه یا منطقه‌ای از سطح زمین، مستقل از وسعت و مساحت آن؛
- عرصه‌ای معین از لحاظ عملیاتی خاص، و در مباحث برنامه‌ریزی؛ و
- محدوده‌ای فضایی با خصوصیت معین (در قانون آمایش سرزمین انگلستان: عرصه‌ای با زیبایی طبیعی ویژه).

در ادبیات کارشناسی، ۲ مفهوم منطقه (Region) و ناحیه (Area) به مفهوم عام، به صورت هم‌معنا به کار می‌روند. اما به مفهوم خاص، ناحیه را بخشی از منطقه بشمار می‌آورند. از این رو، ناحیه در مباحث مرتبط با سطح‌بندی و منطقه‌بندی سرزمین، از نظر وسعت و جایگاه، عرصه‌ای کوچک‌تر را دربر می‌گیرد و در سطح پائین‌تری از منطقه قرار می‌گیرد (← منطقه). در ایران، به‌طور رسمی، ناحیه عبارت است از عرصه‌ای فضایی، شامل یک یا چند بخش، یک شهرستان و یا حتی قسمتهایی از دو یا چند بخش یا شهرستان.

گرچه امروزه بسیاری از کارشناسان مسائل شهری و روستایی کشور اصطلاح منطقه (کمربند) را مناسب‌تر تشخیص می‌دهند، اما در این میان، جایگاه تاریخی - فرهنگی مفهوم ناحیه اغلب مغفول می‌ماند. کاربرد این مفهوم در دوره تاریخی سرزمین ایران از سابقه بیشتری برخوردار است؛ ناحیه در مباحث شهری و روستایی کهن، شامل محدوده‌ای فضایی بود که از یک شهر اصلی نسبتاً کوچک یا متوسط و چندین روستای پیرامونی که با یکدیگر تعامل عملکردی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی داشتند، تشکیل می‌شد.

ناحیه به مفهوم عام خود، گاهی با مفاهیم دیگر، از جمله حوزه و عرصه نیز به صورت مترادف به کار می‌رود،

مانند حوزه شهری یا روستایی، عرصه شهری، عرصه روستایی و مانند آن. در این معنا، عرصه روستایی یا شهری، به تفاوت، محدوده‌ای است که عمدتاً به واسطه ساختارها و عملکردها، همچنین از لحاظ محیط زیست، جمعیت و فعالیت، حاوی خصوصیات روستایی یا شهری باشد. به همین ترتیب، حوزه روستایی در مطالعات منطقه‌ای عبارت است از محدوده روستایی معین و برخوردار از ویژگی یا ویژگیهای خاص که آن را از سایر حوزه‌ها متمایز می‌سازد؛ این اصطلاح گاهی نیز با مفهوم ناحیه روستایی مترادف است. ناحیه روستایی در ایران، به‌طور اخص، محدوده‌های اداری - سیاسی معین با خصوصیات روستایی را شامل می‌گردد که در ایران، اغلب شامل محدوده‌های دهستانی است. در برنامه‌های اجرایی کشور، محدوده‌های معین روستایی، متشکل از یک یا چند روستا که برای عملیات مشخص و مشترک عمرانی (مثلاً آبرسانی یا خدمات‌رسانی) تعیین شده باشند، حوزه روستایی خوانده می‌شوند.

کتاب‌شناسی:

- ابن بلخی. *فارسانامه*، به کوشش علی تقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۳.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر. *الاعلاق النفیسه*. لیدن، ۱۸۹۱.
- ابوالفدا، ابن شاهنشاه بن ایوب. *تقویم البلدان*. پاریس، ۱۸۴۰.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم. *مسالك و ممالک*، ترجمه فارسی قرن ۵ق، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷.
- *حدود العالم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- سعیدی، عباس. *سطح‌بندی روستاهای کشور*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. *نزهت القلوب*، به کوشش گای لیسترانج، تهران، ۱۳۶۲.
- Allen, John, et al. *Rethinking the Region*. London and New York: Routledge, 1998.
- Clark, A.N. *Longman Dictionary of Geography (Human & Physical)*. Longman, Essex, 1985.
- Cowan, Robert. *The Dictionary of Urbanism*. Wiltshire, 2005.
- Johnston, R.J. et al. *A Dictionary of Human Geography*. Oxford: Blackwell, 2001.

عباس سعیدی

ناحیه تجاری شهر ← ناحیه مرکزی شهر

اقتصادی مرکز شهر، با مرکز کار و کسب یا ناحیه C.B.D مطابقت دارد. در این حلقه، فعالیتهای تجاری و خدماتی تمرکز دارند و خطوط حمل و نقل از هر جانب شهر بدان راه می‌یابد. این ناحیه یا هسته مرکزی شهر، توسط ناحیه در حال تحول فرسوده و قدیمی احاطه شده است. مغازه‌ها و کارگاههای هسته مرکزی به تدریج به داخل خانه‌ها و کوچه‌های این ناحیه رخنه می‌کنند؛ اغلب خانه‌ها متروکه هستند و یا به محل سکونت مهاجران مجرد که در کارگاهها و مغازه‌های مرکز شهر کار می‌کنند، تبدیل می‌شوند. ناحیه مرکزی شهر شامل محله‌های فرسوده فقیرنشینی است که انواع آلودگیهای فیزیکی و بزهکاریهای اجتماعی در آن مشاهده می‌شود.

ناحیه کسب و کار شهر ← ناحیه مرکزی شهر

ناحیه مرکزی شهر

Central Business District

• ناحیه مرکزی شهری یا نواحی داخل شهر، مجموعه محلات قدیمی هستند که مرکز تجاری/خدماتی شهر را احاطه کرده‌اند. ناحیه مرکزی شهر به علت دگرذیسی اجتماعی و کالبدی، اصطلاحاً منطقه تحول نامیده می‌شوند. در حالت عمومی، منطقه تحول دستخوش تباین اجتماعی - شغلی، برتری جمعیت کم درآمد و علائم فرسودگی کالبدی است.

• کاهش متوالی تعداد ساکنان ناحیه مرکزی بر اثر جابه‌جایی جمعیت محلی و توسعه انواع فعالیتهای تجاری، کارگاهی و انبار به داخل عناصر محله‌های قدیمی، به تدریج هویت آن را دگرگون می‌سازد. ایجاد ایستگاههای حمل و نقل، توقفگاههای اتوبوس و کارگاههای وسائط نقلیه، و به‌ویژه انبارداری، تحول منطقه یا ناحیه مرکزی شهرها را تقویت می‌کند.

• اساس اصطلاح ناحیه مرکزی شهرها، به نظریه الگوی متحدالمرکز ساختار داخلی شهرها باز می‌گردد که توسط ارنست و بورگس مطرح شد. براساس این نظریه، ساختمان داخلی شهرها به ۵ حوزه یا منطقه متحدالمرکز تقسیم می‌شود که هسته مرکزی آن، محل دادوستد و حلقه دوم، ناحیه در حال تغییر و تحول است.

• حلقه یا حوزه اول، به‌علت ویژگیهای اجتماعی -

• جمعیت اصلی ساکن در ناحیه مرکزی شهر به تدریج، به علت هجوم فعالیتهای وابسته به مرکز دادوستد شهر، محله‌های مرکزی را ترک می‌کنند و گروههای کم‌درآمد در آن سکنی می‌گزینند. فرایندهای خاص جمعیتی در این ناحیه را جریانهای اکولوژیکی و نحوه اسکان طبقات کم‌درآمد و مهاجران در آن را هجوم می‌نامند. این جریان طی چند دهه، چندین بار تکرار می‌شود و هر بار گروه فقیرتر و مهاجران تازه وارد جایگزین گروه قبلی می‌گردد. این فرایند را اصطلاحاً *توالی* می‌خوانند.

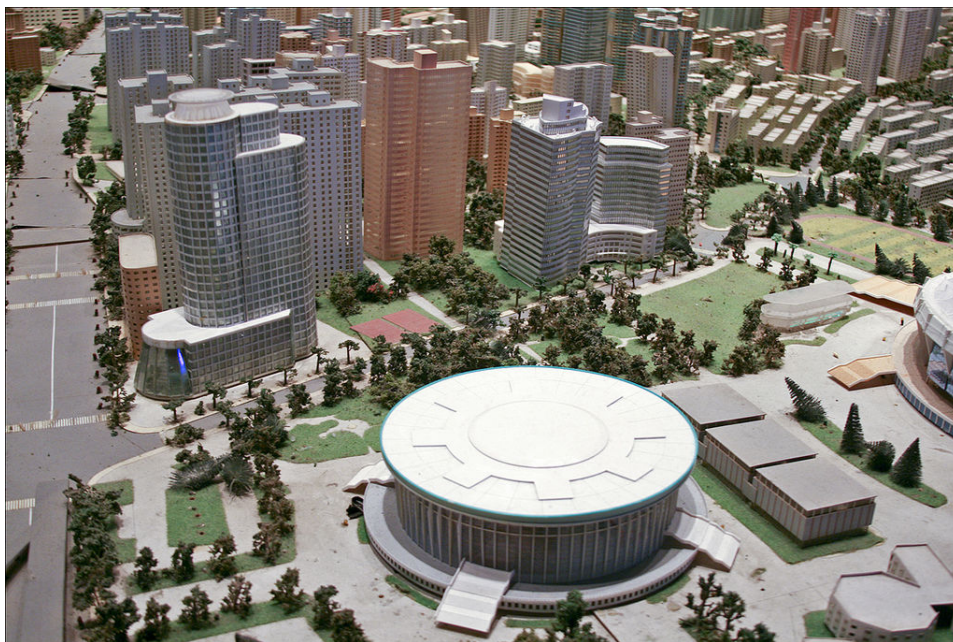
• آمارهای سرشماری سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۸۵ ش در تهران نشان می‌دهد که به تدریج ناحیه مرکزی شهر در حوالی بازار، از جمعیت اصلی تخلیه و توسط گروههای مهاجر خارجی اشغال شده است. این وضعیت باعث فرسودگی و ویرانی بیش از پیش ساختمانها شده است، به طوری که مهم‌ترین یا مشکل‌ترین مسئله این ناحیه، نوسازی محله‌های قدیمی، مانند عودلاجان، است که طی ۵ دهه گذشته همواره مطرح شده، ولی هیچگاه تحقق نیافته است.

قبل از ارنست و بورگس، در اواخر سده ۱۹ م، چارلز بوت شهر را به‌مثابه پیکربندی فضایی در حال دگرذیسی بررسی می‌کرد. این نگرش بیانگر روابط میان گروههای اجتماعی در شهرهاست که دارای مفهوم کار و زندگی مردم است. این نگرش از ۲ عنصر تشکیل یافته است:

• محله مسکونی یا مکان زندگی؛ و

ناحیه مرکزی شهر

و بهسازی مرکز تجاری/خدماتی (بازار)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نوسازی بافت‌های مرکزی در شهرهای اروپایی، مانند استراسبورگ و مونپلیه در فرانسه، هانوفر و اسن در آلمان، ورشو و استکهلم (به‌ترتیب در لهستان و سوئد)، تجربیات ارزشمندی به‌دست آمده است. بازسازی ناحیه مرکزی شهر، موجب بازآفرینی هویت تاریخی و اجتماعی آن می‌گردد و با جلب گردشگران داخلی و خارجی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی ناحیه مرکزی احیاء بافت‌های قدیمی فراهم می‌گردد.



• پایگاه اجتماعی. نوآوری چارلز بوت در استفاده از نقشه‌های آماری برای شناسایی پایگاه اجتماعی ساکنان محله‌های شهری، زیربنای مدل بوم‌شناختی مکتب شیکاگو را تشکیل داد. او شهر را به‌مثابه موزائیکی از سامانه‌های طبیعی معرفی می‌کند که براساس آن، قطعه‌بندی شهر و شبکه ارتباطی آن نتیجه فرایندهای اجتماعی است.

• میراث تاریخی شهرها، شامل کاخها، مساجد، میدانها و خانه‌های اعیانی، اغلب در پیرامون هسته مرکزی، در محله‌های قدیمی ناحیه مرکزی شهرها قرار دارند. در تهران،

• برخی اوقات با ایجاد یک قطب جدید فرهنگی-اجتماعی، مانند فرهنگسرای بهمن در تهران یا مرکز بوبرگ یا مرکز پمپیدو در پاریس، زمینه نوسازی ناحیه مرکزی گسترش می‌یابد. بر اثر اثرات القایی این اقدامات در سطح محله، فکر احیاء سایر ساختمانها برانگیخته می‌شود. نتیجه این اقدامات در تجدید حیات ساختمانهای قدیمی و فعالیتهایی را که بازده ضعیف اقتصادی دارند، ولی به فضاهای بیشتری نیاز دارند، به انتقال به ناحیه مرکزی علاقه‌مند می‌سازد. این جریان موجب جایگزینی فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی به‌جای فعالیتهای کارگاهی و انبارداری می‌شود و این عمل، به‌تدریج، زمینه تصفیه فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی در ناحیه مرکزی را فراهم می‌سازد.

کاخ گلستان و کاخ دادگستری، وزارت دارایی، باغ ملی، با ساختمانهای با ارزش اداری و نظامی و دهها خانه اعیانی قدیمی، از جمله منزل محمدحسین خان امین‌الضرب، در این ناحیه قرار گرفته است. برای مثال، در خیابان سپه، ساختمان باسیتول و ساختمان اداره آمار؛ در خیابان لاله‌زار، ساختمان گراند هتل، سینماها، خانه‌های قدیمی، از جمله خانه اتحادیه که فیلم دای جان ناپلئون در آن برداشته شده است؛ و همچنین در خیابان منوچهری، خانه پیرنیا ارزشهای تاریخی، معماری و اجتماعی ناحیه مرکزی را نشان می‌دهد که همچون گوهری در میان بافت‌های فرسوده شهر باقی مانده‌اند.

• احیاء و نوسازی ناحیه مرکزی شهرها در رابطه با تجهیز

کارخانه چیت‌سازی و بلور و دخانیات و بنگاههای حمل‌ونقل)، زمینه توسعه تجاری/ خدماتی آن را به‌عنوان مرکز تجارت جهانی فراهم می‌سازد.

• از اثرات جانبی راهبرد احیاء مجدد ناحیه مرکزی شهرهای جهان و از جمله در شهرهای ایران، خرابی بافتهای محلات قدیمی است. در این مورد نیازمند طرحهای راهبردی و گذراندن قوانین حفاظتی برای فضاهای عمومی داخل شهرها و مراقبت از ساختمانهای باارزش و مراعات تناسبات کالبدی است. حفاظت از بافتها و عناصر معماری بافتهای تاریخی شهرها، برای آشکار نمودن هویت آنها ضرورت حیاتی دارد.

کتاب‌شناسی:

- بهنام، جمشید و شاپور، راسخ. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۸.
- سعیدنیا، احمد. «نوسازی تخریبی یا بهسازی مردمی»، *مجله معماری و شهرسازی*. شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۵.
- شالین، کلود. *دینامیک شهری*، ترجمه اصغر نظریان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- فروید، یداله. *شهرشناسی*. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
- فیالکوف، یانکل. *جامعه‌شناسی شهرها*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۳.
- مزین، منوچهر. *مقالاتی درباب شهر و شهرسازی*. انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۰.

احمد سعیدنیا

نتایج به‌دست آمده از تجربیات نوسازی در ناحیه مرکزی شهرهای اروپایی نشان می‌دهد، بعضی مغازه‌های کهنه و تمام فعالیتهای انبارداری و کارگاهی مکانهای خود را به نفع فعالیتهای دفتری و خدمات فرهنگی که با همدیگر اشتراک منافع دارند، از دست می‌دهند.

• عناصر تشکیل دهنده نوسازی ناحیه مرکزی شهرهای اروپایی عبارتند از: بناهای عظیم با گسترش عمودی که خدمات عمومی و مؤسسات خصوصی را در خود جای می‌دهند؛ مانند ساختمان وزارتخانه‌های صنایع، راه، دارایی، شهرداری تهران و ساختمان مخابرات که در این ناحیه قرار دارند.

• یک واقعیت شگفت‌انگیز، نقش تأسیسات دانشگاهی در این ناحیه است که باعث جنب‌وجوش اجتماعی و ایجاد جاذبه‌های خاص در بخش مرکزی شهر شده است. نمونه‌هایی از این تأسیسات در شهرهای شیکاگو و نیویورک دیده می‌شود. وجود مدرسه مروی و دبیرستان دارالفنون در ناحیه مرکزی تهران نیز از همین نمونه‌هاست. تفویض ساختمان قدیمی وزارت جنگ به دانشگاه هنر و تبدیل ساختمان شهربانی و پست به موزه و وجود موزه ایران باستان، کتابخانه ملی و موزه آگینه، سرمایه‌ها یا میراثهای تاریخی ناحیه مرکزی پایتخت ایران که به‌وسیله آنها می‌توان زمینه نوسازی ناحیه مرکزی شهر تهران را فراهم آورد، بشمار می‌روند.

• غیرصنعتی کردن ناحیه مرکزی شهرها از طریق جابه‌جایی صنایع مزاحم و ایجاد شهرکهای خدماتی/صنعتی در نزدیکی شهر، زمینه مساعدی برای نوسازی است. برخلاف مرکز تجاری شهر (بازار)، رقابت سختی برای به‌دست آوردن فضا بین فعالیتهای مختلف وجود دارد. در ناحیه تحول مجاور مرکز شهر، با تعطیلی کارگاهها و آزادسازی زمینهای مربوط به کارخانه‌ها و کاروانسراهای قدیمی و تبدیل آنها به ساختمانهای اداری/خدماتی یا تجاری/مسکونی، انگیزه قدرتمندی برای نوسازی محله‌های فرسوده قدیمی به‌وجودخواهد آمد. هم اکنون، طرح جامع تهران با تغییر کاربری نواحی جنوبی منطقه بازار که آکنده از انبار و کارخانه‌های متروکه و فرسوده است (مانند

نسق

حق سستی و عرفی در استفاده از منابع آب و زمین و شرکت در فعالیت زراعی در روابط تولید کشاورزی سستی. تا پیش از اصلاحات ارضی و در چارچوب نظام ارباب و رعیتی، سازوکارهای متنوع و پیچیده‌ای در مدیریت کشاورزی و تنظیم و ساماندهی امور زراعی حاکم بود. هریک از این رویه‌های عرفی نظیر بنه و بنه‌بندی، جفت

که در سراسر ایران به نامهای گوناگونی وجود داشت، شرکت کنند. به عنوان عضو بنه، رعایا نه تنها به منابع آب ده، بیشه‌زارها و مراتع، بلکه از همه مهم‌تر، به اراضی مالک و منابع آب دسترسی پیدا می‌کردند.

رعایای صاحب نسق این حق را با پیدا کردن حق ریشه، یعنی با کارکردن بیش از یکسال در زمینهای زراعی، پیدا می‌کردند. نسق به عنوان ارث به فرزندان رعایا منتقل می‌شد و گاهی نیز مورد دادوستد قرار می‌گرفت. در بنه‌های کوچک، حق نسق اغلب به پسر از خانواده که به کار زراعی اشتغال داشت، می‌رسید و بقیه فرزندان از نسق محروم می‌ماندند، ظاهراً این امر به منظور جلوگیری از پاره‌پاره شدن زمین صورت می‌گرفت و به این ترتیب، مدیریت یکپارچه در امر کاشت، داشت و برداشت از اراضی زراعی محفوظ می‌ماند.

در برخی از روستاها اصطلاح نسق آب و خاک از یکدیگر مجزا بود. در خراسان اصطلاحات نسق شروع شد و نسق تخته شد رایج بود. مراد از نسق شروع شه، کار زراعی بود که از اواخر شهریورماه یا اوایل مهرماه آغاز می‌شد و مقصود از نسق تخته شه پایان کار زراعی بود که در اواخر مهرماه یا اوایل آبان‌ماه انجام می‌گرفت.

صفی‌نژاد در این باره معتقد است، در عرف جامعه روستایی ایران نسق‌دار به کسی گفته می‌شود که در ده حقوقی در امر زراعی داشته و عرف محل این حقوق را به رسمیت بشناسد و از آن دفاع کند. روستائیان معتقدند که نسق‌داران در ده حق آب و گل داشته و به دلیل همین حق است که به عضویت بنه درمی‌آیند. به اعتقاد صفی‌نژاد، نسق عبارت است از قوانین حاکم بر نظام روابط میان عوامل پنج‌گانه تولید (آب، زمین، بذر، نیروی شخم و نیروی کار) در رابطه با یکدیگر. این قوانین تعیین‌کننده خط‌مشی و رفتار گروههایی است که به شکلی در کار تولید زراعی جمعی سستی عضویت دارند و یا به گونه‌ای با آن در ارتباطند و سهمی از محصول را دریافت می‌دارند. تا هنگامی که حقوق و مزایای سستی این افراد و تقسیم کار مربوط به آنها مسیر طبیعی و معمولی خود را طی می‌کند، مقاومتی از سوی رعایا دیده نمی‌شود، ولی با هرگونه تغییر

گاو، نسق، گروههای هم‌آب و مثل اینها کارکردهای ویژه‌ای داشتند، به طوری که این کارکردها در چارچوب یک نظام و سامانه عرفی برای دهقانان شناخته شده بود و آنها را در یک کلیت واحد که اجزاء و عناصر ویژه‌ای داشتند و به طور سیستمی عمل می‌کردند، قرار داده بود.

در این دوره، مالکان و عوامل آنها کارکردهای معینی در مدیریت تولید کشاورزی و در زندگی اقتصادی و اجتماعی ده برعهده داشتند. یکی از این وظایف، مدیریت تولید کشاورزی و برنامه‌ریزی فعالیتهای کشاورزی در طول یکسال زراعی بود. این برنامه‌ریزی، اصطلاحاً به نسق‌بندی در ده معروف بود.

در این دوره، سازمان مدیریت تولید کشاورزی در ۳ سطح بنیان نهاده شده بود:

- سطح ده؛
- سطح واحد کار زراعی یا سازمان تولید کشاورزی؛ و
- سطح جفت گاو.

این شکل از مدیریت تولید در اکثر نقاط ایران، به استثنای مازندران و گیلان در شمال و جنوب بلوچستان، قابل مشاهده بود. رعایا در این دوره صاحب زمین نبودند، اما حق شرکت در واحد تولید کشاورزی را در داخل ده به منظور کشت مقدار معینی از زمین داشتند. مدیریت واحد تولید در سطح ده را هیئتی مرکب از رعایای باتجربه که در رأس واحدهای تولید کشاورزی قرار داشتند، کدخدا، میراب و مالک یا نماینده او انجام می‌دادند. معمولاً در اوایل هر سال زراعی، یعنی در پائیز، این افراد دور هم جمع می‌شدند و در مورد توزیع زمین در بین واحدهای تولید کشاورزی (بنه‌ها) تصمیم می‌گرفتند. این گروه، برنامه توزیع و تقسیم آب را مشخص می‌کرد و معلوم می‌کرد، کدام قسمت از زمینهای ده باید زیر کشت برود. در سطح ده، مالک و یا مباشر مسئولیتهای اداره تولید را برعهده داشت. رعایا آن دسته از روستائینی بودند که به فعالیت زراعی مشغول بودند و براساس تقسیم محصول بین خود و مالک زمین، سهمی از آن را دریافت می‌کردند. رعایا سهمی از نسق ده را در اختیار داشتند و به عنوان نسق‌دار می‌توانستند به عضویت گروههای تولید کشاورزی (بنه‌ها)،

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نسق و نسقبندی نوعی مدیریت در تولید کشاورزی در دوره بزرگ‌مالکی بشمار می‌رفت. در این چارچوب، تقسیم آب مورد نیاز زارعان از طریق قرعه‌کشی بین سازمانهای تولید زراعی و سایر فعالیتها که به زراعت ارتباط پیدا می‌کرد، انجام می‌گرفت.

نسق و گاوبندی

به‌طور کلی، گاوبندی در ۳ معنا به کار می‌رود که در مواردی با مفهوم نسق نوعی هم‌پوشی پیدا می‌کند. در برخی موارد، گاوبندی و حق نسق مفهوم یگانه‌ای داشتند. حقی که رعیت صاحب نسق در این باب در عرف ده داشت، حق گاوبندی خوانده می‌شد. اصطلاح داشتن یا نداشتن گاوبندی به معنای داشتن نسق یا نداشتن آن بود. خسروی می‌نویسد، گاوبندی، حقی بود که زارعان پس از کار بیش از یکسال در واحدهای تولید کشاورزی برای کاشت، داشت و برداشت پیدا می‌کردند. گاوبندی ارتباط نزدیکی با صاحب نسق بودن داشت. به‌عبارت دیگر، کسانی که صاحب نسق بودند، گاو بند محسوب می‌شدند. گاهی خرده مالکان هم در بعضی مناطق حق گاو بندی را برای خود محفوظ نگاه می‌داشتند.

در برخی از نقاط ایران گاو بند به کسی اطلاق می‌شد که مالک زمین نبود، اما با داشتن یک یا چند عامل زراعی و با استفاده از کارگر یا برزگر در زمین مالک زراعت می‌کرد و در ازای برداشت محصول، مقداری از آن را به‌صورت جنسی به مالک می‌داد و یا اینکه سهم مالک را به‌صورت نقدی پرداخت می‌کرد. در این معنی، حق گاو بندی نیز معادل حق نسق تلقی می‌شد، با این تفاوت که این‌گونه گاو بندان از طبقات نسبتاً مرفه جامعه روستایی به‌حساب می‌آمدند. در این‌گونه موارد، گاو بند نقش واسطه بین مالک و رعیت را ایفا می‌کرد. در اکثر روستاهای مناطق مرکزی ایران، گاو بند نقش مؤثری در نظام ارباب- رعیتی برعهده داشت.

بنابر پژوهشهای صفی‌نژاد، حق گاو بندی براساس موافقت گاو بندها خرید و فروش می‌شد. حق گاو بندی

در این روند، رعایا به مقابله می‌پردازند، زیرا این امر با حق نسق آنها منافات پیدا می‌کند. به‌همین دلیل، به‌هنگام اجرای قوانین ارضی دهه ۱۳۴۰ش که مبنای تقسیم زمین، داشتن حق نسق رعایا بود، نسق و میزان آن اهمیت خاصی در جامعه روستایی پیدا کرد. اکثر پژوهشگران روستایی در تعریف نسق و نسقبندی نظرات مشابهی ابراز کرده‌اند. برای مثال تعریفی که وثوقی در باب نسق و نسقبندی بیان می‌کند، با آنچه که تاکنون پیرامون نسق گفته شده است، تفاوت بارزی ندارد. به عقیده وی، نسق به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که عرف محل برای زارعی که برای مدتی در روی زمینی کار کرده بود، قائل می‌شد. این حق معمولاً از پدر به پسر انتقال می‌یافت. یا در جایی دیگر اشاره دارد که یکی از معانی نسق، نظم و ترتیبی است که در مورد توزیع آب و زمین بین روستائیان معمول است. علاوه‌براین، نسق به مقدار آب و زمینی که زارع حق استفاده از آن را داشت و نیز به نظام گردش آب و توزیع زمین به‌صورت قرعه‌کشی (پشک) هم اطلاق شده است.

در این باره حسین ملک می‌گوید، در اکثر مناطق روستایی ایران، هر ده از تعدادی سازمان سنتی تولید کشاورزی تشکیل می‌شد که روستائیان به فعالیتهای کشاورزی در آنها می‌پرداختند. ملاک اساسی در تشخیص سازمان هر ده نسق بود که از لحاظ تاریخی، به حق استفاده دهقانان آن ده از منابع آب و خاک گفته می‌شد. در برخی نقاط حق نسق در بین دهقانان به‌طور مساوی تقسیم می‌شد. از این‌رو، هر دهقان از حق استفاده از چندین قطعه زمین زراعی در نقاط مختلف، با کیفیات گوناگون، برخوردار بود. در مناطق مختلف ایران اصطلاحات مختلفی برای نسق به کار برده می‌شد: در آذربایجان آن را *جُر/یا جَرَر*، در فارس *سرقفلی*، در یزد و رفسنجان *دسترنج*، در ارومیه *طنابداری*، در گرگان *تراشی* و در مازندران، *کارانه* می‌گفتند.

نسقبندی در هر روستا متفاوت بود. در نسقبندی ممکن بود محل‌های کشت و سهمیه آب برای آبیاری در هر سال، مثلاً به‌سبب اجاره دادن و فروش آب یا تقلیل وسعت کشت (یا قرعه‌کشی)، تغییر کند و زارعان می‌توانستند در سطح کشت خود، با حفظ حق نسق تغییراتی بدهند.

است و از زمره دانش بومی در اداره امور زراعی روستاهای ایران محسوب می شود.

کتاب شناسی:

- ازکیا، مصطفی. *جامعه شناسی بنه بندی در فردیس*. تهران: بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و تعاون پلی کپی، ۱۳۶۱.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.
- ازکیا، مصطفی. *مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی*. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.
- الوندی، مینو. «در باره تقسیم محصول براساس عوامل پنجگانه تولید»، *مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۱.
- تقوی، نعمت اله. *جامعه شناسی روستایی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۱.
- خسروی، خسرو. *پژوهشی در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
- خسروی، خسرو. *جامعه شناسی ده در ایران*. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- خسروی، خسرو. *جامعه شناسی روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۲۵۳۵.
- سوداگرم. *نظام ارباب رعیتی در ایران*. تهران: چاپخانه گلشن، ۲۵۳۶.
- صفی نژاد، جواد. *بنه، نظامهای زراعی سنتی در ایران*. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- صفی نژاد، جواد. *نظامهای آبیاری سنتی در ایران*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- فرهادی، مرتضی. *فرهنگ یاریگری در ایران*. جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ملک، حسین. *وضع کشاورزی ایران*. سازمان برنامه و بودجه، پلی کپی، ۱۳۵۶.
- نیک خلق، علی اکبر. *جامعه شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کلمه، ۱۳۷۹.
- وثوقی، منصور. *بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی ناشی از پراکندگی زمین در قالب واحدهای زراعی سنتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- وثوقی، منصور. *جامعه شناسی روستایی*. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.

مصطفی ازکیا

واحدهای کار زراعی ممکن بود در تصرف مالک، اداره خالصه جات، اداره موقوفات و یا شخص گاو بند باشد که خریدار بایستی با موافقت آنها، حق گاو بندی را خریداری می کرد. به عبارت دیگر، حق گاو بندی نیز حقی بود که عرف محل آن را برای گاو بندان به رسمیت شناخته بود. البته، مالکان و اربابان در فسخ حق گاو بندی، در مقایسه با حق نسق، از اقتدار بیشتری برخوردار بودند. ارباب به میل خود می توانست گاو بندان جدیدی را به ده بیاورد و یا حق گاو بندی را فسخ کرده و گاو بند را از ده اخراج کند. البته این مسئله به معنای آن نیست که حق نسق در تسلط یا اختیار مالک نبوده است، بلکه به این معنا است که مالکان حق گاو بندی را آسان تر از حق نسق فسخ می کردند.

در مواردی، گاو بندان به گروهی از روستائیان اطلاق می شد که تا قبل از ماشینی شدن کشاورزی و رواج ابزار جدید کشاورزی، به اجاره گاو کار می پرداختند و از این بابت ۲۰٪ محصول را دریافت می کردند. وجود گاو داران نیزاری در سیستان با ۳۰ هزار رأس گاو و حرکت آنان به سمت مناطقی از خراسان، گرگان و سایر نواحی دیگر مؤید این مسئله است. این گروه از گاو بندان فاقد حق نسق بودند و تنها وسیله شخم را در اختیار رعایا قرار می دادند.

نسق و جفت گاو

در جامعه روستایی ایران، جفت گاو یا جفت در چند معنا به کار می رود: نخست، دام کاری یعنی ۲ رأس گاو که به گاو آهن بسته می شد؛ دوم، واحد مساحت و واحد سنجش بنه ها و نسقها (اصطلاح حقوقی). در واحد مساحت، جفت گاو مقدار زمینی است حدود ۴-۶ هکتار که در یک فصل زراعی با یک جفت گاو شخم زده می شود و یا به زیر آیش می رود. در اصطلاح حقوقی، این اصطلاح در نسق بندیهای زراعی به کار می رود، مانند داشتن حق یک جفت گاو بندی (نصف آن یک لنگه گاو بندی). جفت گاو اصطلاحی برای سنجش پذیر کردن نسق و واحدی برای اندازه گیری است و آن مقدار زمینی است که یک زارع در یک تقویم زراعی با ۲ گاو توانایی شخم زدن آن را دارد.

به طور کلی می توان گفت، نسق بندی نوعی مدیریت تولید زراعی و فعالیتهای کشاورزی و منابع طبیعی بوده

• مهار و تحدید.

به این ترتیب، سرشتها عبارتند از: خواص این فراسنجه‌ها. طبعاً یک سرشت اساسی نیز برای کل نظام مطرح است؛ همین سرشت فراسنجه‌ها امکان می‌دهد برای آنها مقیاس و ارزش در نظر گیریم. نظامهای اجتماعی و اقتصادی از این رو با نظامهای ساده زیستی متمایز می‌شوند. روابط پیوندهایی هستند که سرشتها و برون‌دادها را به هم متصل می‌کنند.

نظامها هدفهایی را تعقیب می‌کنند که حاصل چگونگی کارکرد روابط و تغییر و تحول اجزاء آنهاست و برون‌داد یا خروجی نظام نامیده می‌شود. کارکرد روابط را سازوکار نظام می‌نامند. این سازوکار که در نظامهای اجتماعی، مانند شهر، مشمول تحول تاریخی است، در نظامهای بسته مکانیکی تنها وظایف تکراری از پیش تعیین شده را انجام می‌دهد. پیچیدگی نظامها نیز از رسیدن به مرحله تحولی و تکاملی آنها نشأت می‌گیرد.

نظامها با محیط پیرامونی خود ارتباط دارند؛ شماری از اجزا یا عناصر، کارکرد ارتباط درون نظام با برون آن را دارند. به سخن دیگر، نظامها از محیط بیرون تغذیه می‌کنند، همچون درخت از هوا، اما نظامها با آن رابطه پیچیده اطلاعاتی دارند. محیط بیرون، نظام را میرا و ماندگار یا زایا و عقیم می‌سازد که این خود به ماهیت نظام بستگی دارد. به هر حال، محیط بیرونی اثرگذار است، اما چگونگی تولد، تحول و میرایی نظام، به ماهیت درونی آن بستگی دارد.

نظریه عمومی سیستمها، در واقع، کوشش برای شناخت مفهوم انتزاعی نظامها و اجزاء و کارکرد آنها و همچنین سازگار کردن واقعیت با آنهاست. جهان واقعی هرچه پیچیده‌تر و متغیرتر می‌شود، نظریه عمومی سیستمها نیز تکامل می‌یابد، تا ابزاری روش‌شناسانه برای شناخت واقعیتها و رابطه متقابل جزء-کل باشد.

به این ترتیب، رویکرد یا نگرش سیستمی روشی است که با آن پدیده‌ها با نظریه عمومی سیستمها سازگار و از آن یک نظام انتزاعی ساخته می‌شود تا سپس این نظام انتزاعی به نظامی مطلوب تبدیل و با واقعیت سازگار شود.

شهرها از پیچیده‌ترین نظامها هستند. اجزاء اصلی شهرها

نظام ← نگرش سیستمی

نظام استقرار ← ساماندهی فضایی

نقشه عمل ← برنامه عمل

نگرش سیستمی

Systematic Approach

سیستم یا نظام مجموعه‌ای از اجزاء همبسته است که هر یک از اجزاء آن با کارکرد معین، آن را به سوی هدف (یا اهداف) مشخص پیش می‌برند. هر نظام برون‌دادی دارد که خاص همان نظام است. درست است که هر نظام کلیتی است که از اجزاء به هم پیوسته تشکیل شده است، اما اجزاء آن نیز خود سیستم بشمار می‌آیند. به این ترتیب، از دیدگاه سیستمی جهان، منظومه‌ای از نظامهای تودرتو است.

ساختار کلیت یک نظام را نمی‌توان به سادگی از طریق روابط تعریف کرد. البته روابط پایدار مهمند، اما از آن مهم‌تر این است که یک نظام وقتی معنادار می‌شود که اجزاء آن در واقع با یکدیگر آرایه‌بندی شوند. از آنجا که بحث سیستم یا نظام از زیست‌شناسی وارد سایر علوم شده است، باید توجه داشت که آرایه‌بندی صرفاً به معنای نظم و ترتیب طبیعی، که خاص نظامهای زیست‌شناختی است، در نظر نگیریم.

برون‌دادها، در واقع، فراسنجه‌های نظام بشمار می‌آیند که

عبارتند از:

• نهاد؛

• فرایند؛

• ستانده؛

• بازخوراند؛ و

زیادی حل کرده‌اند.

کتاب‌شناسی:

- رئیس‌دانا، فریبرز. «برنامه و طرح‌ریزی منطقه‌ای دستگاه شهر»، تو معمار می‌کنی ولی من آن را می‌سازم، جودت و دیگران، تهران: مرکز نشر سمر، مهندسین مشاور جودت و همکاران، ۱۳۷۱.
- رئیس‌دانا، فریبرز. بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران. جلد دوم، ص ۸۰۷-۸۴۰ و جلد اول، ص ۴۱۳-۴۴۶.
- رئیس‌دانا، فریبرز. رویکرد و روش اقتصاد. فصل ۹، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳.
- سادوسکی، ون؛ بلاوبرگ، او. و یورین، ا.گ. نظریه سیستمها، ترجمه کیومرث پریانی، تهران: نشر تندر، ۱۳۶۱.
- فرشاد، مهدی. نگرش سازواره‌ای. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.

فریبرز رئیس‌دانا

نوسازی

Modernization

نوسازی در عام‌ترین معنا، دگرگونی در ارزشها و شیوه‌های زندگی است، به‌صورتی که جوامع مدرن را پدید آورد. تلاش جوامع درحال توسعه، برای حرکت به سوی این مطلوب، از راه بازسازی نظامهای سیاسی و اقتصادی بوده است، واژه نوسازی و به‌همین ترتیب، واژه‌های مدرن‌سازی و نوین‌سازی معادل‌هایی برای این اصطلاح است که همچون بسیاری از اصطلاحات که کاربرد گسترده دارند، با معانی چندگانه‌ای به کار می‌روند. دست‌کم ۳ کاربرد متفاوت، اما مرتبط را می‌توان برای این واژه از یکدیگر تفکیک کرد:

- واژه نوسازی یا مدرن‌سازی با جریان فکری خاصی در میان جامعه‌شناسان و علمای سیاسی ایالات متحد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م ارتباط پیدا کرد. در این کاربرد، واژه نوسازی (مدرنیزه شدن) بیشتر به معنای حرکت نظامهای اجتماعی و سیاسی به سوی پیچیده‌تر شدن، تفکیک نقشها و کسب قابلیت بیشتر در مسئله‌گشایی به کار

نظامهای فرعیند که خود از عناصر خاص خود تشکیل شده‌اند. ارتباط محیطی (بیرونی) نظام بسیار پیچیده و چندگانه است. شهرها کلیت دارند، تغییر می‌کنند و محل بروز تضادها، تعارضها، تعاون و سازگاری هستند. نظریه جدید سیستمها هرگز در پی کشف راههای تعادل ابدی نیست، بلکه در واقع می‌خواهد وحدت، تضاد، تعادل و ناسازگاری درونی نظامها را کشف کند و نقش اجزاء و رابطه آنها را دریابد.

تناقضهایی در رویکرد و بینش سیستمی وجود دارد که خود را در علوم گوناگون به‌گونه‌های مختلف می‌نمایاند. کاربرد منطق دیالکتیکی به‌بهترین وجه می‌تواند ابزارهای شناخت در رویکرد سیستمی را توانمند سازد. به‌هرحال، تناقضها از آن رو پدید می‌آیند که مسائل نظامها به خودی خود پرتناقضند. تناقضها از میان نمی‌روند، بلکه شکلهای جدید به‌خود می‌گیرند. از این رو، منطق دیالکتیک مفید می‌افتد و وحدت و تضاد همزمان در هر مرحله از تعادل کشف می‌شود.

یکی از تناقضهای اساسی، تناقض سلسله‌مراتبی است: توصیف هر نظام فرعی از یک نظام اصلی فقط در صورتی امکان‌پذیر است که آن نظام فرعی خود به‌عنوان یک نظام مشخص توصیف شود. در عین حال، یک نظام فرعی وقتی می‌تواند به‌عنوان یک نظام مشخص توصیف شود که به‌عنوان جزئی از یک نظام بالاتر که دربردارنده آن است، ارائه شده باشد.

تناقض دیگر، تناقض کلیت است. شناخت یک نظام به‌عنوان یک کلیت بی‌آنکه درون نظام واکاوی و اجزاء آن تجزیه و تحلیل شود، نامیسر است. برای این کار ۲ روش موجود است. در یک روش، اجزائی که ویژگیهای کلیتی نظام اولیه را دارا هستند، شناسایی می‌شوند و در روش دیگر، در واقع، اجزای یک نظام یا سازنده‌های ابتدایی که ویژگیهای کلیتی نظام اولیه را دارند، در درون یک کلیت منسجم مشخص می‌شوند. روش‌شناسیهای ابطال‌پذیری، پوزیتیویستی و پوزیتیویسم منطقی با استفاده از منطق دیالکتیک در حوزه‌هایی که تاکنون ارزش خود را نشان داده‌اند، تناقض روش‌شناختی رویکرد سیستمی را تا حد

می‌رفت؛

• نوسازی گاهی با واژه توسعه، به مفهوم کلی آن، مترادف شد. هرچند که در ۲ دهه اخیر، برخی دانش پژوهان سعی کرده‌اند، توسعه به معنای دقیق‌تر و جوه کثیرتر و پیچیده‌تری دارد، از مدرن شدن، که فقط به معنی اخذ تجهیزات جدید در عرصه فناوری است، جدا کنند؛ و

• نوسازی به مفهوم توسعه سیاسی، در معنای دموکراتیزه کردن نظام‌های سیاسی.

موضوع نوسازی در مفهوم وسیع کلمه، از موضوعاتی است که بعد از جنگ جهانی دوم وارد گفتمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شد و به سرعت رواج یافت و ذهن و عمل سیاستمداران و دولتمردان و همچنین تحقیقات و تأملات نظریه پردازان را به خود جلب کرد. نوسازی به عنوان یک جریان سیاسی، در عین حال در بسیاری از جوامع با مسائلی مانند استعمارزدایی، ملت‌سازی و توسعه درآمیخت و به یک جریان گسترده تبدیل شد. کشورهای نورسته (از بند استعمار)، آینده خود را در اخذ الگوی کشورهای اروپایی و امریکای شمالی می‌دیدند و می‌خواستند در ابعاد مختلف زندگی در مسیر آنها حرکت کنند و احتمالاً به آنها برسند. رهبران ملی‌گرا برای پیشبرد آرمان ترقی‌خواهی خود، گفتمان مدرن شدن و توسعه را به کار گرفتند و این واژه‌ها و همچنین سیاست‌های متناسب با این مطلوب، به بحث‌های روز تبدیل شد. این شور و غوغا دانشمندان علوم اجتماعی را نیز به بحث و نظریه‌پردازی دربارهٔ زمینه‌ها، عوامل و امکان توسعه برانگیخت.

تحول اندیشه توسعه

و اما در عرصه بحث‌های نظری و نظریه‌پردازی می‌توان گفت، نظریه‌های نوسازی در مفهوم عام و با معنایی نزدیک به مفهوم توسعه، ۳ مرحله را طی کرده است:

• مرحله اول، که در عین حال با رویکرد خوشبینانه نیز همراه بود، طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م رواج داشت. در این مرحله که اغلب نظریه‌پردازان امریکایی حضور داشتند، گفتمانی پدید آمد که به‌طور خاص نام *مکتب نوسازی* را بر آن نهادند. این نظریه‌ها ملهم از تجارب انگلوساکسون در

توسعه بود که به‌ویژه، بر مردمسالاری سیاسی و انباشت سرمایه متکی بود. نظریه‌پردازان مرتبط با این جریان فکری، با نظر به گذشته جوامعی چون انگلستان و ایالات متحد، این‌طور تصور می‌کردند که همه کشورهای دیگر ضرورتاً همین مسیر را طی خواهند کرد یا به‌هرحال، می‌توان کاری کرد که همین مسیر را طی کنند؛

• مرحله دوم در نظریه‌پردازی که در عین حال تجارب برخی از کشورهای توسعه‌نیافته را در تلاش برای نوسازی منعکس می‌کرد و به‌همین جهت بدبینانه نیز بود، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م رواج پیدا کرد. این دیدگاه در برابر دیدگاه پیشین، از نوع دیدگاه جهان‌سومی بود. در این سلسله از نظریات به‌طور خاص، دغدغه‌های کشورهای توسعه‌نیافته منعکس می‌شد. در این نوع گرایش نظری، ۲ دسته نظریه بیش از سایرین شهرت پیدا کردند. نکته مشترک در این ۲ دسته، ربط دادن توسعه یا عدم توسعه کشورهای توسعه‌نیافته به مسئله وابستگی این کشورها به جهان سرمایه‌داری پیشرفته بود. این ۲ دسته نظریات توسعه را گذر از نظام سرمایه‌داری و ورود به نظام تولید تازه‌ای به نام سوسیالیسم پیوند می‌زدند؛ و

• مرحله سوم، دوره بازنگری در نظریات پیشین و ارزیابی مجدد پیش فرضها و اندیشه‌های پیشین بود. در این مرحله، ضمن افسون‌زدایی از مفاهیم و نظام‌هایی چون سرمایه‌داری و سوسیالیسم، بر توجه بیشتر به رشد متوازن، استفاده منطقی‌تر از منابع، سیاست‌های تازه در برخورد با محیط زیست، کاستن از نابرابریها و به‌طورکلی، توسعه پایدار تأکید شد.

منابع نظری

مفهوم نوسازی نسبت نزدیکی با مفاهیم پیشرفت و ترقی دارد که در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰م، موضوع نظریه‌پردازیهای دامنه‌داری بود. این مباحث که در آن زمان در حوزه جامعه‌شناسی طرح شده بود، به حوزه اقتصاد، علوم سیاسی و شهرسازی گسترش داده شد. دورکهایم، اسپنسر، مارکس، وبر، تونایس و پارسونز از جمله جامعه‌شناسانی بودند که هریک به‌نوبه خود، منبع الهام

کرد. عقلانی شدن متضمن گذر از نظام سلطه و مشروعیت سنتی به نظام سلطه و مشروعیت مدرن است. نظام سنتی بر حکام موروثی و مناسبات تثبیت شده توسط سنت موروثی متکی است و نظام مدرن بر ساختارهای عقلانی-قانونی و دیوانسالاری (← دیوانسالاری) اتکاء دارد.

تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس امریکایی، از آمیزش این بصیرتها در مورد جامعه سنتی و جامعه مدرن، متغیرهای الگویی خود را ساخت که به‌مثابه معیار، دو سنخ جوامع مدرن و جوامع سنتی را از یکدیگر مجزا می‌کرد. این متغیرهای الگویی به‌صورت جفتی مفهوم‌بندی شده‌اند و در آنها نوع نقشهای افراد در دو جامعه سنتی و مدرن از یکدیگر بازشناخته شده‌اند:

• **خاص‌گرایی - عام‌گرایی.** در جوامع سنتی هر رابطه‌ای قواعد خاص خود را دارد که تنها در همان وضعیت قابلیت کاربرد دارد. درحالی‌که در جوامع مدرن، هنجارها و قواعد جنبه عام دارند و صرف‌نظر از وضعیتها، به ضوابط کلی نظر دارند؛

• **قدسی بودن - عرفی بودن.** در جوامع سنتی نقشها جنبه قدسی دارند؛ به‌این‌معنا که در آنها جای چون‌وچرا نیست، درحالی‌که در جوامع مدرن، نقشها با ملاک فایده‌گرایانه و میزان کارایی سنجیده می‌شوند؛

• **عاطفی بودن - بی‌طرفی عاطفی.** در جوامع سنتی نقش افراد عاطفی است، درحالی‌که در جوامع مدرن، بیشتر به بی‌طرفی عاطفی گرایش دارد؛ و

• **انتساب محوری - شایسته‌محوری.** در جوامع سنتی نقشها به‌صورت محول هستند. به‌این‌معنا که با تولد فرد، برای او تعیین شده‌اند، درحالی‌که در جامعه مدرن، به شایستگی عملکرد او بستگی دارند؛ و

• **منتشر بودن - محدود بودن.** در جوامع سنتی تکالیف طرفهای ارتباط حد و مرز مشخصی ندارد، درحالی‌که در جوامع مدرن، این روابط از حیث کار ویژه، مشخص و محدود هستند.

پارسونز یادآور می‌شود که این تقسیم‌بندی به‌صورت جفتی مبتنی بر صورت نوعی (ایده‌آل تایپ) و مسلماً در دنیای واقعی به‌صورت خالص یافت نمی‌شود. در دنیای

نظریه‌پردازانی قرار گرفتند که می‌خواستند مسئله نوسازی و توسعه را موضوع تحقیقات و نظریه‌پردازی خود قرار دهند. نخستین نظریه‌پردازانی که موضوع نوسازی را مورد بحث قرار دادند، دانشمندان امریکایی بودند که با الهام از نظریات وبر، دورکهایم و اسپنسر، مکتب کارکردگرایی را رشد دادند. پارسونز، آلموند، وربا و بسیاری دیگر در این زمره بودند. این دانش‌پژوهان نوسازی را به مفهوم رشد اقتصادی در چارچوب لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه‌داری ارزیابی می‌کردند. در این مجموعه نظریات، مسئله نوسازی بیشتر در چارچوب مفهومی سنتی-مدرن و گذار جامعه سنتی با نقشهای خاص آن به جامعه مدرن، همراه با نقشهای مربوط به این جامعه مطرح شد. در یک نگاه کلی، جوامع سنتی جوامعی هستند مبتنی بر شئون، درحالی‌که جوامع مدرن جوامعی هستند مبتنی بر قرارداد. در جوامع مبتنی بر شئون، نقش یا وظایف افراد برحسب پایگاه آنها به دقت تعریف شده است و هرکس می‌داند که بر مبنای سنتهای تثبیت شده، چگونه باید عمل کند. درحالی‌که در جوامع مدرن، افراد آزاد هستند که وضعیت خود را برحسب قراردادهای جدیدی که وارد آن می‌شوند، به‌نحو معقول تعیین کنند.

فردیناند تونایس (۱۹۳۶-۱۸۵۵م)، جامعه‌شناس آلمانی، تفاوت جامعه سنتی و جامعه مدرن را با توسل به مفاهیم جفتی گماینشافت-گزلشافت مفهوم‌بندی کرد. جامعه سنتی بر بنیاد وابستگیهای عاطفی و شخصی و جامعه مدرن بر پایه بستگیهای عقلانی و غیرشخصی شکل گرفته است. پس مدرن شدن به معنی عقلانی شدن و غیرشخصی شدن نقشها و روابط است.

امیل دورکهایم، جامعه‌شناس فرانسوی، تفاوت بین جامعه سنتی و مدرن را بر مبنای نوع پیوستگی اجتماعی مفهوم‌بندی کرده بود و بر همین مبنای جوامع سنتی را جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی و جوامع مدرن را متکی بر همبستگی ارگانیکی تعریف و از یکدیگر تفکیک کرده بود. همبستگی اجتماعی در جوامع سنتی متضمن تحمیل آمرانه عقاید مشترک و در جوامع مدرن، بر تقسیم کار مترتب است.

ماکس وبر مدرن شدن را به معنی عقلانی شدن تبیین

واقعی، این ملاکها را تنها به صورت نسبی باید مورد ملاحظه قرار داد.

توسعه سیاسی به عنوان محور

در نظریاتی از نوع نظریات بالا، نوسازی بیشتر از زاویه توسعه سیاسی یا نوسازی سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. نظریه پردازانی که با این رویکرد و بر مبنای نگرش ساختاری- کارکردی درباره نوسازی بحث کرده اند، نظریه ها و مدل های گوناگونی را در این زمینه عرضه کرده اند که با صرف نظر از تفصیل آن، حاصل آنها را می توان در ۳ مفهوم عمده جمع بندی کرد. این سه مفهوم که توضیح گر نوسازی سیاسی هستند، عبارتند از: *انفکاک*، *ظرفیت* و *برابری*.

- *انفکاک* یا تمایزیابی، مربوط است به تقسیم کار، تخصصی شدن امور و بهره گیری از فناوری پیشرفته؛
- *ظرفیت*، مربوط می شود به میزان نفوذ نهادی به نام نهاد دولت در لایه های جامعه و همین طور عقلانیت دستگاه دولتی و کارایی دستگاه اداری حکومت؛ و بالاخره،
- *برابری*، معطوف است به موضوعاتی، مانند مشارکت عمومی، شایسته محوری، وجود قوانین و قواعد عام برای همه شهروندان و حقوق شهروندی (← شهروندی).

نوسازی و وابستگی

در برابر نظریات بالا که نظریات نوسازی نام گرفته اند، مجموعه نظریاتی مطرح شده اند که نظریات وابستگی خوانده می شوند. در این نظریات، مسئله نوسازی با تمرکز بر مفهوم وابستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و بر این نکته تکیه می شود که وابستگی گروهی از جوامع، کشورهای توسعه نیافته، به گروهی دیگر، کشورهای توسعه یافته، مانع اصلی نوسازی کشورهای دست نخسته است. نظریات نوسازی اساساً بر عامل درونی جوامع در توسعه تمرکز داشتند، در حالی که نظریه وابستگی عامل بیرونی را محور توجه قرار می داد.

مقصر اصلی در توسعه نیافتگی در نظریه وابستگی، نظام سرمایه داری جهانی، گروهی از کشورها معرفی شد. نظام

سرمایه داری به شیوه ای شکل گرفته است که در آن گروهی از کشورها به عنوان متروپول، گروه دیگر را به عنوان حاشیه، به خود وابسته کرده اند و به این طریق، ساختاری پدید آمده است که لزوماً باید از دو قسمت پیشرفته و عقب افتاده، صنعتی و غیرصنعتی، تولید کننده کالاهای پیشرفته و تولید کننده مواد خام تشکیل شده باشد. نظریات وابستگی، نظریات نوسازی را سخت مورد نقد قرار می دادند و آنها را نوعاً *ایدئولوژیک* و *ابزار سیاست امریکا* در عرصه نظر ارزیابی می کردند.

مکتب وابستگی یا نظریات وابستگی، به نوبه خود، مورد نقد مکتب دیگری قرار گرفتند که نظریه نظام جهانی خوانده شده است. نظریه نظام جهانی مسئله نوسازی را در ابعاد جهانی و با تمرکز بر ساختار سرمایه داری جهانی مورد ملاحظه قرار می دهد. در این نظریه که نظریه پرداز برجسته آن ایمانوئل والرشتاین است، گفته می شود که سرمایه داری در تحول خود طی تاریخ، یک ساختار سه وجهی را ایجاد کرده است که شامل مناطق مرکزی، مناطق نیمه پیرامونی و کشورهای پیرامونی است. در این نظریه، ساختار ۲ وجهی مرکز- پیرامون که نظریه وابستگی آن را طرح کرده است، مورد نقد قرار می گیرد و گفته می شود که ساختار ۲ وجهی در نظریه وابستگی نمی تواند توسعه سریع تعدادی از کشورها، از جمله کشورهای آسیای جنوب شرقی را توضیح دهد (← مرکز- پیرامون).

مکتب فکری دیگری، متمایز از مکتبهای بر شمرده، وجود دارد که بر شیوه تولید به عنوان ملاک ارزیابی توسعه و نوسازی تکیه دارد. در این مکتب، رابطه انسانها با کار آنها و امکاناتی گذار از صورت بندی پیشا سرمایه داری به سرمایه داری و از سرمایه داری به سوسیالیسم موضوع اصلی نوسازی و راههای دستیابی به آن بشمار می آید.

چندوجهی بودن توسعه

با نقد نظریه های نوسازی که بیشتر بر وجه سیاسی مسئله توسعه تکیه کرده بودند، عده ای اصولاً در مفید بودن مفهوم نوسازی و توسعه به عنوان مفاهیم تبیین گر تردید کردند. اما بسیاری با تأیید بر مفید بودن آن، بر واقعیت چندوجهی آن

کلاً تجربه غرب گرفته شده بود، برنامه‌های عمرانی پیش از انقلاب بیشتر بر انباشت و تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری در راستای رشد صنعتی و به‌طور کلی، اقتصاد شهری تأکید داشتند. شاخص درصدی رشد (مثلاً رشد ۶٪ در آمد ملی) هدفهای برنامه عمرانی را در خود خلاصه می‌کرد. در این برنامه‌ها، رشد بخش کشاورزی کاملاً در حاشیه بود و همچنین مسئله توزیع درآمد و توجه به نیازهای اولیه اقشار مختلف مردم، کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. بعد از انقلاب اسلامی اولویت‌های تازه‌ای وارد برنامه‌های توسعه شد، که حرکت در جهت خودکفایی، توجه به نیازهای اولیه مناطق محروم شهر و روستا، به‌ویژه در زمینه‌های راهسازی، برق‌رسانی و آبرسانی و همچنین توجه به کشاورزی از مهم‌ترین آنها بود. به‌ه‌رتقدیر، تأثیر نظریه‌های وابستگی بر نگرش اقتصادی دولتمردان و برنامه‌ریزان ایران به روشنی آشکار بوده است. ممنوعیت سرمایه‌گذاری خارجی و دولتی شدن تجارت خارجی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، برای تضمین حرکت جامعه به سوی خودکفایی و رهایی از وابستگی بود. حمایت‌گرایی در عرصه صنعت بازناب دیگری از همین اندیشه‌هاست.

با این حال، موج نئولیبرالیسم با تجدید ساختار سرمایه‌داری غرب در دهه ۱۹۸۰م و فروپاشی بلوک شرق در پایان این دهه، به همراه مسائل تعدیل اقتصادی به‌منظور بازتر کردن میدان برای بازار، به‌نوبه خود، برنامه‌ریزی توسعه و تفکر توسعه در ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد. به این ترتیب، جهت‌گیری برنامه‌ها به سوی کاستن از میزان تصدی‌گری دولت، که در دهه نخست انقلاب به‌منزله شروط توسعه و خودکفایی شمرده می‌شد، سوق پیدا کرد و حرکت خصوصی‌سازی (← خصوصی‌سازی) جهت انتقال حجم عظیم منابع و فعالیتی که در دست دولت قرار داشت، به بخش خصوصی در اولویت قرار گرفت.

توسعه و پایداری

در زمان ما چه در کشورهای پیشرفته صنعتی و چه در کشورهای درحال توسعه، مباحث توسعه به عرصه‌های جدیدی، از جمله حوزه مسائل شهری و روستایی، کشیده

تأکید داشتند. این دسته از دانش‌پژوهان یادآور شدند که توسعه چنان‌که در تجربه تاریخی جوامع به‌خوبی نمایان است، عبارت است از تحول فراگیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و همچنین سامان مسلط در تولید، توزیع و مصرف جامعه. توسعه با این تعبیر، هیچگاه نمی‌تواند فرایند شکوفایی تدریجی، آرام و هم‌نواخت به‌لحاظ زمان و مکان باشد. توسعه فرایندی چندوجهی است. توسعه، فرایندی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در همه سطوح است که هم فرد و هم کلیت جامعه را دربر می‌گیرد. نظریه‌های نوسازی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰م، تنها بر وجه سیاسی تحول جامعه تمرکز کرده بودند. با تشخیص چندوجهی بودن توسعه، در مطالعات دانشگاهی نیز تغییراتی صورت گرفت و موضوع نوسازی و توسعه از مطالعات تک‌رشته‌ای به مطالعات چند رشته‌ای تبدیل شد. به این ترتیب، در ابعاد سیاسی مسائل مربوط به مردم‌سالاری نمایندگی و مشارکتی و چگونگی برنامه‌ریزی توسعه و در ابعاد اجتماعی، مسئله چگونگی تأمین نیازهای اولیه مردم و در ابعاد فرهنگی، موضوعات چگونگی تقویت روحیه همکاری، وحدت و مسئولیت‌پذیری مورد توجه قرار گرفت.

از سوی دیگر، ساموئل هانتینگتون با طرح این موضوع که دگرگونی سیاسی لزوماً پیش رونده نیست، پیشنهاد کرد که به جای نوسازی، واژه دگرگونی سیاسی را به کار ببریم، زیرا هر نوع تغییری به معنی توسعه نیست و چه بسا که به جای توسعه، تباهی به همراه داشته باشد؛ چون نوسازی در وهله اول، مستلزم استقرار نظم سیاسی است. بدون استقرار نظم سیاسی، هیچ دولتی قادر به اجرای سیاست‌های عمومی نیست. بنابراین، نوسازی در صورتی که به تضعیف نظم سیاسی منجر شود، تباهی سیاسی است.

برنامه‌ریزی توسعه در ایران

برنامه‌ریزی توسعه در ایران از نظریه‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، به تفاوت تأثیر همه‌جانبه پذیرفته است. آغاز برنامه‌ریزی توسعه در ایران با نظریه‌های نوسازی دهه ۱۹۵۰م همزمان بود. منطبق با الگویی که از این نظریات و

ارزشها و شیوه‌های ارزشگذاری روستائیان نسبت به زندگی و فعالیت در زمان حاضر و دنیای در حال تغییر سریع است. به عبارت دیگر، برداشتها و تصورات روستائیان، به ویژه جوانان روستایی، با گسترش ارتباطات و وسعت گرفتن دامنه دسترسیها به امکانات متفاوت آموزشی و منابع نسبتاً وسیع اطلاعاتی، با برداشتها و تصورات گذشته آنان تفاوت‌های اساسی یافته است. در این میان، تعدیل کنترل سنتی اجتماعی و فاصله نسلها در محیطهای روستایی از جنبه‌های بنیادین این دگرگونی است.

واقعیت این است که در اغلب موارد، عرضه اشتغال و وجود تأسیسات زیربنایی بیشتر در سطح شهرها و حوزه‌های پیرامونی آنها متمرکز است. براین مبنای یکپارچگی زندگی و اشتغال در روستاها در معرض خطر و علاوه بر این، ساختهای اصیل روستایی در معرض نابودی قرار دارد. عرصه‌های جدید ساخت‌وساز بسیاری از محیطهای روستایی را به عرصه‌های خوابگاهی تبدیل می‌کند و این روند می‌رود که ماهیت تاریخی روستاهای مرتبط را مورد تهدید قرار دهد. به طور کلی، این فرایند با جنبه‌های مشکل‌ساز زیر مشخص می‌گردد:

- از میان رفتن اراضی حاصلخیز و واحدهای تولید زراعی؛
- از دست رفتن فرصتهای اشتغال در بخش تولیدی کشاورزی و صنایع دستی؛
- پدیداری نارسایی در زیرساختها (از بین رفتن مدارس، دفاتر پستی، تأسیسات اداری، مغازه‌ها و مانند آن)؛
- از میان رفتن شیوه‌های بومی و سبکهای معماری محلی؛ و بالاخره؛
- کاهش و حتی نابودی تنوع زیست‌محیطی (از بین رفتن عرصه‌های درختان مثمر، چشمه‌های طبیعی، گیاهان و جانوران بومی و محلی).

به این ترتیب، نوین‌سازی عرصه‌های روستایی پیش از هر چیز وظیفه تمام افراد و گروههایی است که در عرصه‌های روستایی زندگی می‌کنند؛ البته در این میان، دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزان و نیز سازمانها و نهادهای درگیر در توسعه روستایی، قاعدتاً از طریق طراحی برنامه‌ها و اجرای متناسب آنها از طریق پروژه‌های مشارکتی محلی

شده است. مسائل توسعه پایدار (← توسعه پایدار) حفاظت از محیط زیست، مقابله با رشد آلودگیها، سامان دادن به رشد انفجاری جمعیت شهرها، توزیع منطقی تر درآمد بین مناطق- شهر و روستا- و همچنین گسترش امنیت اجتماعی در شهر، از جمله مسائلی هستند که در دل مسئله نوسازی جای گرفته‌اند.

کتاب‌شناسی:

- Almond, G. and Coleman, J.(ed). *The Politics of Developing Areas*. Princeton: Princeton University Press, 1960
- Apter, D. *The Politics of Modernization*. Chicago: University of Chicago Press, 1965.
- Apter, D. *Rethinking Development: Modernization, Dependency and Post-Modern Politics*. New York: Cambridge University Press, 1987.
- Brown, L. R. et al. *State of World: A Worldwatch Institute Report on Progress Toward Sustainable Society*. New York: W.W. Norton and Co., 1990.
- Chilcote, R. "Development", *Encyclopedia of Government and Politics*. M. Hawkesworth and M. Kogan (eds), London: Routledge, 1992.
- Foster-Carter, Aidan. "The Modes of Production Controversy", *New Left Review*. Vol. 107, 1978.
- Frank, A. G. "The Development of Underdevelopment", *Monthly Review*. 18, 1966.
- Rustow, W.W. *The Stages of Economic Growth: A Non-Communist Manifesto*. Cambridge: Cambridge University Press, 1960.
- Wallerstein, I. *The Modern World System*. Vol. I, New York: Academic Press, 1974.

کمال پولادی

نوسازی روستایی

Rural Renewal

روستاها نه تنها از لحاظ کالبدی و اقتصادی در حال دگرگونی هستند، بلکه تحول دیگری در عرصه‌های آنها جاری است که کمتر به طور عینی بروز یافته و یا کمتر مورد مشاهده قرار گرفته است. این تحول، دگرگونی در مجموعه

نوسازی روستایی

• از شالوده‌های طبیعی زندگی حفاظت نماید.
براین مبنای نوسازی روستایی، بخش و جزئی از اهداف محلی بهسازی ساختار زراعی- روستایی در سطح منطقه‌ای و ملی بشمار می‌رود.
در آلمان فدرال که این‌گونه برنامه‌ها در چارچوب برنامه‌های ایالتی به انجام می‌رسد، انتخاب نوسازی روستا براساس تقاضای شوراهای محلی و موافقت وزارت کشاورزی و ایالتی تحقق می‌یابد. به‌این ترتیب، در روستاهایی که بنا باشد نوسازی روستایی به انجام رسد، طرحها و برنامه‌ها، هدایت و مشاوره درباره آنها و مقررات

می‌توانند در این راستا به اقدامات لازم دست زده، از این‌گونه روندهای منفی جلوگیری نمایند. آشکار است که نوسازی روستایی نمی‌تواند به درستی مطرح گردد، مگر آنکه بتواند،

- از لحاظ پذیرش و پذیرایی جمعیت لازم، کارآمد؛
- از لحاظ زیست‌محیطی، پایدار؛
- از لحاظ اقتصادی، فعال؛ و
- از لحاظ جایگاه و عملکرد فضایی، به‌نحوی مناسب نقش‌پذیر باشد.



لازم توسط اداره کل امور ساختاری روستاها تهیه می‌شود و براین مبنای سهم بخشهای عمومی و مردمی (خصوصی) در انجام و پیشبرد برنامه مشخص می‌گردد. علاوه براین، آنچه که باید به انجام رسد، تبیین می‌گردد، به‌نحوی که اثربخشی هر یک از اقدامات در بهبود شرایط زندگی در روستا مشخص می‌شود. در این‌گونه برنامه‌ها فرض بر این است که مشارکت افراد و گروههای ذی‌ربط در روند برنامه‌ریزی، نقشی اساسی در درستی اقدامات انجام شده و پایداری/

اهداف نوسازی روستایی

نوسازی روستایی می‌بایستی حافظ روند چند صد ساله روستاها باشد و درعین حال خود را با الزامات تازه و مطابق زمان انطباق دهد. نوسازی روستایی به‌عنوان ابزار مهمی در روند توسعه هماهنگ و پایدار روستاها باید برآورنده موارد و جنبه‌های زیر باشد:

- حمایت از اقتصاد زراعی و مرتع- جنگلی؛
- زمینه‌ساز توسعه محلی و ناحیه‌ای باشد؛ و

- زمینه‌سازی برای اشتغال؛
- هدایت و حمایت از روندهای اجتماعی - فرهنگی؛
- زیباسازی محیط روستا؛ و
- برنامه‌ریزی با مشارکت همه‌جانبه مردمی.

کتاب‌شناسی:

- Burchell, Robert W. *Richland County Comprehensive Plan* (Town & Country). Palmetto Foundation, 2000.
- Das Ministerium für den ländlichen Raum, Ernährung, Landwirtschaft und Verbraucherschutz, *Dorferneuerung in Niedersachsen*, 2003.
- Gaia Trust & The Global Eco-Village Network: *The Earth Is Our Habitat* (Proposal for Support Programme for Eco-Habitats as Living Examples of Agenda 21 Planning), June 1996.
- Institut für Kommunalwissenschaften der Konrad Adenauer-Stiftung e.V., *Für das Dorf, Gestaltung des ländlichen Lebensraums durch Dorfentwicklung*, Bonn, 1983.
- United Nations, *Indicators of Sustainable Development, Guidelines and Methodology*, New York, 2001.
- United Nations, *The Earth Is Our Habitat*, 1996.
- Wahlen, J.P. *Some Considerations for Developing Village Design*, Plan Pacific Consultantm 2006.

عباس سعیدی

حفاظت بعدی از آنها برعهده دارد. بنابراین، مشارکت مردمی در مراحل مختلف اقدامات از اهم جنبه‌های نوسازی در این کشور بشمار می‌آید. بدینسان، عقیده بر این است که درگیر کردن کارشناسان و طراحان و مسئولان محلی، همچنین جمعیت ساکن در آبادی در تحقق عملی ایده‌ها و هدایت اقدامات در جهت هماهنگی با نیازها و تقاضاها نقشی اساسی برعهده دارد.

نوسازی روستایی در عمل، روندی است که گامهای لازم در جهت آن مستلزم صبر و تأمل است. در روند نوسازی روستایی به منظور دستیابی به توسعه همه‌جانبه روستایی، نوسازی روستایی را در ترکیب و تلفیق با انتظام فضایی و ارضی در نظر می‌گیرند.

در اروپا، به‌ویژه کشورهای صنعتی، جابه‌جائیهای فضایی واحدها و تأسیسات صنعتی از کانونهای پرتراکم شهری به محیطهای باز و مجاور روستایی، از روندهایی است که در دو دهه اخیر شدت گرفته است. براین اساس، مسئله توسعه روستایی از ابعاد متفاوتی برخوردار است که اگر در عرصه‌های جهان‌سومی نیز دیده شود، روند و ماهیت آن مسلماً متفاوت خواهد بود.

در قالب برنامه‌های نوسازی، برنامه‌ریزی متناسب با ویژگیهای محیطی و خصوصیات اجتماعی - فرهنگی و فعالیتهای اقتصادی روستاها در کنار معاضدت و مشارکت فعال روستائیان با این هدف به انجام می‌رسد که ارزشهای سنتی روستاها محفوظ مانده، انگیزه‌های لازم برای توسعه پایدار زمینه‌سازی و اعمال شود. بدینسان، از آنجا که برنامه‌های نوسازی قاعداً با تغییر و تحولات ساختاری همراه است، کوشش می‌شود تا از این طریق ضمن حفاظت از ارزشهای فرهنگی و محیطی، جلوه‌های جالب و جاذبه برانگیز روستا تقویت گردد.

اقدام به نوسازی روستایی و از این طریق، برآمدن روستاها با چهره و عملکردهای جدید، به‌عنوان جزئی اساسی از سیاستهای توسعه در محیطهای روستایی بشمار می‌رود. در برنامه‌های نوسازی روستایی معمولاً اهداف و اقدامات زیر به انجام می‌رسد:

- تقویت عناصر شاخص (تیبیک) روستا؛
- بهسازی مسکن روستایی؛

نوسازی شهری

Urban Renewal

احیاء و باز زنده‌سازی بخشهایی از عرصه‌های شهری که پائین‌تر از سطح استانداردهای متعارف عمومی قرار دارند. این عرصه‌ها معمولاً به حوزه‌های درون‌شهری محدود می‌شوند و با مسائلی، همچون مسکن نامناسب، مخلوطی از کاربریهای متعارض و ناهماهنگ، تراکم آلوده‌شد، نارسایی زیست محیطی، ناهنجاری اجتماعی و دلمردگی جمعی دست به گریبان هستند. راهکارهای نوسازی شهری را می‌توان برحسب مقیاس فضایی، دامنه و فنون و روشهای اجرایی به صورت مختلف به کار گرفت.

نوسازی شهری معمولاً توسط نهادهای عمومی پیگیری می‌شود، زیرا قسمتهای کوچک متعددی از شهر، عرصه‌هایی

- Johnston, R. J. et al (eds). *The Dictionary of Modern Geography*. 4th ed., Oxford: Blackwell, 2001.

آنتونی هور

(عباس سعیدی)

نوسازی شهری، بستر مفهومی

واژه نو می‌تواند به معنایی نه پرشمار، اما بسیار متفاوت در نظر آورده شود: نو می‌تواند به معنای چیزی از بُن نو یا نوظهور؛ به معنای چیزی نو نسبت به- و در قبال- آنچه پیشتر بوده و شناخته آمده است؛ و به معنای چیزی نو، برای فرد (یا افرادی) که پیشتر، با آنچه نشان داده می‌شود، آشنا نبوده‌اند، تعریف می‌شود. علاوه بر اینها، نو بودن، به‌عنوان فرآورده‌ای خاص، می‌تواند شکلی قراردادی و محلی داشته باشد و به زمان، بی‌پیوستگی‌هایش با مکان، نظر داشته باشد: چیزی نو برای ساکنان جزیره سیسیل ایتالیا می‌تواند برای کسانی که در جزیره‌العرب تجربه اندوخته‌اند، نو نباشد. برای بازساخت نو بودن اول سنجش براساس آنچه می‌دانند و دوم، سنجش براساس آنچه باید دانسته باشند، الزامی به نظر می‌آید. از این رو، عمل نوسازی- پیش از آنکه به محفل معماران و شهرسازان آورده شود- با ابهامهایی سخت روبرو است. موضوع آنگاه پیچیده‌تر می‌نماید، که ساخت را نیز به میان بیاوریم و بخواهیم بدانیم که، در نهایت، چه چیز نو یا چنان است که دیگری را از دیدگاههای شکل ماده زیر پوشش خود می‌برد. این پرسش در امر ساختن چیزی که استوار بر ماده به دنیا می‌آید- و نه مانند شعر و موسیقی که انتزاعی‌اند و نمی‌توانند به عالم «عینی» یا واقعی- کالبدی درآیند، با پیچیدگی همراه است. «نو»، به زمان سنجش وابسته می‌شود و از این رو به محدوده مکانی خاصی معطوف است؛ محدوده‌هایی که پدیده‌هایی در آنها جاریند: چه اندیشه‌ای باشند و چه کالبدی، چه شکلی باشند و چه نمادین. نوسازی می‌تواند هرگونه فرآورده‌ای را در برگیرد؛ هر کسی می‌تواند به ساختن چیزی از ریشه نو دست یازد؛ و هرکسی می‌تواند، آنچه نو برایش ساخته‌اند را نپذیرد. دقتی بیش در این زمینه می‌تواند دستیابی به معنایی مطلوب برای نوسازی را میسر دارد؛ توجه به نکات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

با زمین بسیار گران، فراتر از توان منابع تجاری خصوصی، محیطهای فقیرنشین فاقد جاذبه برای توسعه نزد بخش خصوصی، محدودیتهای اداری (یا منطقه‌بندی شهری) و نیاز افراد و گروههای کم‌درآمد و فرودست که نمی‌توانند در بازار آزاد برآورده شود را دربر می‌گیرد. البته، منابع خصوصی و عمومی نیز اغلب در برنامه‌های نوسازی مشارکت دارند.

یک بررسی در ۱۹۷۷م نشان می‌دهد، چگونه برنامه نوسازی شهرهای امریکا از یک مسئله اولیه صرفاً مرتبط با تأمین مسکن، به معضلاتی بس فراتر در نوسازی اجتماع شهری، فضای باز و تأمین شبکه حمل‌ونقل تبدیل شد.

در بریتانیا، قانون خانه‌سازی ۱۹۳۰م با پاکسازی خانه‌های زاغه‌نشینان شهری و انتقال آنان به واحدهای جدید توسط مسئولان شهری آغاز شد، هرچند هر یک از مسئولان، تفسیر و تعبیر خاص خود را از این روند داشت. پس از جنگ جهانی دوم، نوسازی شهری تغییر جهت داد و دامنه و مقیاس آن گسترش یافت؛ این تحول تا حدی به خاطر جبران خسارتهای جنگ، اما ضمناً به خاطر اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری بود. مسئولان، این بار، در برنامه‌های توسعه‌ای خود می‌توانستند نواحی توسعه همه‌جانبه را برای توسعه یا بازتوسعه، با تأکید بر مزیت‌های محیطی برنامه‌ریزی هماهنگ، برخلاف گذشته که صرفاً خانه‌سازی مد نظر بود، به پیش برند. از آنجا که بازتوسعه اغلب با تراکم کمی همراه بود، پدیده اضافی این مرحله از نوسازی شهری به‌صورت پراکنده و مجزا برنامه‌ریزی شد.

از ۱۹۴۹م در بریتانیا، بخشودگی‌هایی مالیاتی و وام‌هایی برای ارتقاء وضعیت شهری موجود اعطا شد و نوسازی تا حدی به خاطر هزینه، ناآرامی اجتماعی و شکست برنامه‌های بازتوسعه، به تدریج جای تأکید بر انتقال و این برنامه‌ها را گرفت. این تغییر جهت به‌واسطه قانون خانه‌سازی ۱۹۶۹ و ۱۹۷۴م که به ترتیب نواحی گسترش عمومی و نواحی عمل خانه‌سازی را که براساس آنها شهروندان می‌توانستند از وام‌های توسعه‌ای و برنامه‌های همزمان برای ارتقاء محیط طبیعی توسط مسئولان محلی بهره‌مند گردند، ترغیب شد. مشارکت عمومی در این‌گونه برنامه‌های محلی با استقبال همراه شد.

کتاب‌شناسی:

ساختن می‌تواند به قصد یا هدف به‌دست دادن معنایی نو صورت گیرد. آدمی زاده می‌تواند، برای اینکه در فاصله میان خود و دیگران فضایی یگانه بسازد، از ابزارهایی استفاده کند که بار معنایی دارند؛ دیدن و لمس کردنشان، و همچنین شنیدن و استشمامشان، احساس و سپس ادراک نکته‌ای را میسور بدارد که به معنایی خاص متوجه است. در این صورت است که ساختن چیزی که بتواند معنایی تعیین شده به ذهن آورد، زنده کند و یا ثبات بخشد، به جویندگان تعریف مدخل ساختن کمک می‌کند.

ساختن، تدبیر برای دست‌یافتن و متکی شدن بر نظم خاصی است که بتواند فرآورده‌ای مطلوب به‌دست: چه برای بهره‌وریهای روزمره باشد و چه برای فراهم آوردن شرایط لازم و کافی برای نکته‌ای در جهان معنا و چه در بینشهای اساطیری خاصی به پیش رود که دارای ارزشهای انسانی- الهی، مذهبی و مدنی و الزاماً بار انتزاعی بس گسترده‌تری دارند.

در این صورت است که ساختن می‌تواند برپا داشتن یک بنا و یا حتی یک شهر باشد، با این شرط که هنرمند توانسته باشد، در راه تحقق بخشیدن به معضل بزرگ این امر، حساب کاربریهای روزمره را از کاربریهایی که صرفاً انتزاعی‌اند، جدا سازد. در گستره فعالیت‌های روزمره می‌توان به عالم معنا توجهی نداشت و برعکس، در جهان معنا (که ظاهراً به روزمرگی توجهی ندارد)، به همه چیز و هرچیز، به نکته‌هایی می‌توان نگریست که ذاتی فرآورده‌اند و به دور از مضمون‌هایی کاربردی و مادی و یا اجتماعی- تولیدی، بشمار می‌آیند.

بنابر آنچه آمد، ساختن می‌تواند تولید یک شیء سفالین، برپا داشتن یک بنا و حتی یک شهر نیز دانسته شود؛ و هرآینه قرار باشد، این امر به ارزیابی ارزشی گذارده شود، کار طراح خواهد بود که به میزان مداخله دادن، تعیین نسبت کاربریهای مکانیکی روزمره و کارائیهای هنری و مفهومی یا انتزاعی آنچه می‌سازد، توجهی خاص داشته باشد. چنان‌که دانسته شده است، صرفاً کار طراح اثر است که در ارجحیت بخشیدن به توان بار معنوی- الهی و توان کارهای مکانیکی (که از طریق آن در بیرون و در درونش

جاری خواهد شد)، به ارزیابی بنشیند.

در هر حال، ساختن یا به دنیا آوردن یک اثر معماری، همانند یک معماست؛ هر آینه خواسته باشیم در زمینه جهت ارزش بخشیدن به آنچه می‌خواهیم بنا کنیم، تعمق کنیم: تولید یک بنای نوساز، نمی‌تواند از دیدگاه آدمیانی که با آن سروکار خواهند داشت، امری بی‌تفاوت بشمار آید و به نقشی که در نوسازی (در مقیاسهای معماری و شهری) ایفا خواهد کرد، موجودیتی بی‌تفاوت دانسته شود: چه در گستره کاربردی و روزمرگیهایش و چه از دیدگاه معنوی و اثرگذاریهای ارزشی‌اش در فضای اجتماعی و فرهنگی و مدنی. در هر دوی این گستره‌ها، چیزی نو به دنیا آورده می‌شود. و این نو بودن- نوساختن- موضوع توجه ماست.

نو و بستر آفرینشی آن

موضوع دلیل و جهت اندیشی بخشیدن در ساختن چیزی نو را می‌توانیم، بدون کندوکاو در چندی و چونبهایش، به ارزیابی سلیقه آدمیانی که با آن سروکار خواهند داشت، وا بگذاریم. نیز می‌توانیم این نکته را به میان بیاوریم که آفریننده هر اثری، بدون بهره‌وری از آموخته‌های فردی و یافته‌ها و داده‌های فنی و کاربردی محیطی و همچنین بدون انجام دادن گزینشهایی که شخصی و ذهنی خود وی بشمار می‌آیند، نمی‌تواند بر نو بودن آن پای فشرود. در واقع، آنچه می‌تواند بر صفت نو بودن هر فرآورده‌ای دلالت کند، به میزان و چگونگیهای خیزش آن نسبت به آنچه در محیط رایج است، وابسته می‌شود. به این گونه است که می‌توانیم درباره نو ساختن، نو بودن، نوخاستن و یا بر گرایش نو استوار بودن فرآورده‌های انسانی سخنی داشته باشیم.

هرآینه، به ویژگی نو بودن فرآورده‌ای معین بنگریم، این پرسش مطرح می‌شود که مگر ممکن است آدمی زاده بتواند، هر لحظه‌ای که اراده به ساختن چیزی کند، جز نو نیافریند؟ از همین جاست که مقوله سنجش فرآورده‌های آدمیان در گستره‌های زمانی- مکانی خاص به میان می‌آید؛ نو بودن هر فرآورده‌ای، به چگونگیهای فنی- ساختاری یا به مجموعه ابزارهای ماده‌ای و اندیشه‌ای چیزی که نو دانسته می‌شود، معطوف و مشروط گردد و خلاصه اینکه، سنجشی مطرح

با مقوله مدرنیته، همدلیها و همراهیها و نیز واگراییهایی را پیدا می‌کند، چندان که از زمینه گفت‌وشنود ما خارج می‌شود؛ چارچوبی پیدا می‌کند که نمی‌توان در این مناسبت محدود به آن پرداخت. یادآوری این نکته را بی‌جا نمی‌دانیم که ساختن، در گستره‌ای که بار کاربردی- کالبدی‌اش به تجربه‌های آدمیان مشروط و معطوف است، در همه حال، عین نو ساختن است؛ چه فرآورده به‌دست داده شده، ویژگی نو بودن خود را بر کرسی قبول و پسند مردمانی که با آن سروکار خواهند داشت، بنشانند و چه- برعکس- آن را وا بزنند و پذیرا نشوند و یا نسبت به آن ابراز بی‌تفاوتی کنند. اینجا فرصتی بسیار گذرا داریم تا به آنچه در باب مدرنیته دوست داریم بدانیم، بنگریم: نو ساختن، نو بودن و نو ساختن، حتی اگر از مقبول بودن و مورد پسند واقع شدن حکایت کنند، الزاماً با مدرنیته انطباق معنایی پیدا نمی‌کنند. هر فرآورده‌ای نو، الزاماً مدرن نیست؛ اما هر فرآورده مدرن، نمی‌تواند نو نباشد.

نوسازی فضای کالبدی برای زندگی انسانها؛ نوسازی شهری

به‌دست دادن فرآورده‌ای نو و ساختن چیزی به مقیاس شهر که روی به جهان کاربردی- کالبدی‌ای دارد که باید در آن زندگی کنیم، در واقعیت امر، نوسازی است و می‌تواند بر این ادعا تأکید کند و نه حکایت از حقیقت. نوسازی اما، می‌خواهد معنایی دگر داشته باشد و، به‌شکلی مستقیم، با ۲ کلمه‌ای که می‌سازندش، ارتباط ندارد.

در مقوله مرمت شهری، برداشت و یا دریافت مستقیم، از فعلی که بر صفتی خاص- زیر عنوان نوساخته- متکی است، حکایت از خواسته‌ای دارد برخوردار از جهت و هدفی روشن: نوساختن چیزی (که هست) و نه ساختن چیزی نو. این مفهوم را در زبانهای اروپایی نیز به روشنی می‌یابیم. در این زبانها، برای ساختن چیزی نو، واژه‌ها و اصطلاحاتی دیگر به کار برده می‌شوند و، به همان‌گونه که ما به زبان فارسی نوسازی را وجهی خاص از اقداماتی می‌دانیم که بر روی چیزی داده شده صورت می‌گیرند، در گزارشهای علمی و فنی‌ای که به زبانهای پیش‌گفته

می‌شود که نخست موجودیت کالبدی و موجودیت ساختاری فرآورده موضوع ارزیابی را به میدان شناخت می‌آورد و سپس، به ریشه تجربه‌هایی که فنون تولید و کار کردن ساختار شیئی را تحقق بخشیده‌اند، می‌پردازد. این امر، بدون پیش‌داوری ارزشی در باب طول عمر تجربه‌ها و با تکیه بر گستردگی بستر ظهور آنها صورت می‌گیرد. از این‌رو، ساختن (و نو ساختن) هر فرآورده‌ای نمی‌تواند، بدون شناخت و سنجش در گستره تجربی (با تکیه بر فنون یا فناوری و با تکیه بر مفاهیمی که در ساختارش تبلور یافته‌اند)، فهم شود.

ساختن شهر، یعنی به‌دست و تدبیر ساختن هر شهری، به معنای آفرینش فرآورده‌های حجمی- کاربردی روزمره‌ای که از مواد اولیه یا بن‌مایه‌های معماری در فضای زندگی جمعی خاصی که آدمیان می‌سازند و می‌زیند، امری همیشه نو تلقی می‌شود، حتی اگر تقلیدی باشد بر مبنای بازسازی مطلق.

به‌جاست، یادآور شویم که گفتگوی ما- تا این‌جا- روی فرآورده‌هایی متمرکز بود که بسیار بیشتر به جهان کاربردی مکانیکی روزمره متعلق بودند و نمی‌خواست به آن دیگر فرآورده‌هایی بنگرد که ذاتی انتزاعی دارند: هنری‌اند، فلسفی یا ادبی و تغزلی‌اند، در گستره ریاضی فهم می‌شوند و یا چندان بار معنایی و مفهومی زیادی دارند که ابزارهای ماده‌ای نمایانگرشان، صرفاً بار ابزاری پیدا می‌کنند؛ مانند بوم نقاشی و ماده رنگی گذارده بر روی آن، جز ابزاری برای نمایان کردن معنا تلقی نمی‌شوند؛ همانند صوتهایی که نغمه موسیقایی را شکل می‌دهند و خود، بدون شگردهایی که به ترکیب و به طول زمانی که می‌پایند، موجودیت مفهومی ندارند. اینجا، موضوع نو بودن و نوساخته بودن، شکلی متفاوت پیدا می‌کند و بحث گفت‌وشنود میان هنرمندان آن رشته‌های آفرینشی، معیارهایی ویژه خود را پیدا می‌کند. نو بودن، برای شاعران و برای نقاشان و سینماگران هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که بر وجود مفهومی نو و نیز بر چگونگیهای نمایان کردن- عرضه کردن- انگیزش و یا ترغیب آفریدن- بازتاب ذهنی آفریدن- به عالم ادراک بردن، گامی تازه برداشته شود. نو بودن و نو ساختن، الزاماً

می خوانیم، معمولاً، پس از این واژه، موضوعش نیز آورده می شود: نوسازی معماری، نوسازی شهری، نوسازی جامعه، نوسازی اقتصادی و جز اینها، شکل کامل مطلب را می نمایانند. از این روی شایسته است که به هر دو وجه موضوع نگاهی داشته باشیم: وجه اول، نوسازی به معنای عام و وجه دوم، نوسازی به معنای خاصی که می خواهد- در پی تعیین موضوعش- به آن توجه دهد.

نوسازی، نه به معنای ساختن چیزی نو، اما به معنای شکلی نو دادن به چیزی که هست، ریشه در گذشته دارد و بی الزام در اعلان کهنه بودنش، نیاز به آن دارد که به روز یا بهنگام شود، به همراه زمانه بزید و پذیرای نو شود. تمام دگرگونیهایی که در بستر محیط جاریند و موضوعشان چرخه های زندگی، پدیده هایی دانسته می شوند، حاکی از نوسازی. در جهان مصنوع ما نیز حکایتی کم یا بیش به همین منوال جریان دارد؛ رنگ و پوسته بیرونی دیوار خانه های ما، رنگ خودروهای ما، همانند لایه چرمی ای که کتابهای قدیمی ما را پوشش می دهند، مدام ماده های رویشان را از دست می دهند، تا نیاز به نوسازی را بنمایانند. پیر شدگی یاخته ها و مولکولهایی که روی پوسته بیرونی هر چیزی روی می دهد، در دنیای درونی ماده نیز جاری است؛ چندان که آد미ان و ساختمانهایشان- هر دو- به تزریق موادی می پردازند که تقویتشان می نامند و جز اینها. هر آینه یادآوری کنیم که دگر شدن مدام، بزرگ ترین راز ماندگاری موجودات دانسته می شود و یا تکرار کنیم که هر شالوده ساختاری، برای ماندگاری، نیاز به دگرگونیهایی دارد که معمولاً فرعی یا ثانوی (بر شالوده ساختاریش) دانسته می شوند. اینجا، اگر نقطه نظر خود را بر ساختمان یک اثر معماری و یا بر نظام کالبدی شهری معطوف کنیم که در حال زندگی است و مدام دگر می شود تا بماند، نیاز به نوسازی محیط مصنوع با چهره ای نو، برایمان آشکار می شود.

اما نیاز به نوسازی می تواند شکل پیچیده تری نیز پیدا کند و مسائل و مشکلاتی را بنمایاند که، علاوه بر چهره موجودیتهای کالبدی ای که به مقیاسهای متفاوت در سیر زندگی ما رخ می کنند، بر ساختار اینها نیز اثرگذاری داشته

باشند. به دیگر سخن، چنین می توان گفت که ساختارهای کالبدی ای که شهرهای ما را تشکیل می دهند، با توانهایی متفاوت، پاسخگوی نیازهای گونه گون و پر شمار زندگی فردی و اجتماعی مردمان می شوند، دست کم از ۳ سوی متمایز با پدیده دگرگونی مواجه اند:

- دگرگونیهای ماده ای (که ساختار کالبدی یک ساختمانهایی که عناصر تشکیل دهنده به محیط شهراند)؛
- دگرگونیهای کاربردی- کالبدی بناهای شهر (که ساختار کالبدی بناها را تا حد فرسایش استاتیکی و فروپاشیهای ثانوی سبب می شوند)؛ و
- دگرگونیهای شهر و ساختار محیطی آن (که چه زاده کاربریهای فرساینده عناصر مجاور و مجاور نزدیک باشند و چه زاده آنچه نامطلوب و ویرانگر فضای شهری دانسته می شود و چه مقیاسی جهانی داشته باشد و ریشه در فعالیتهای بزرگ ناسنجیده و نامطلوب سوذجویان در برابر محیط طبیعی).

این ۳ رده عامل دگرگون کننده، هر یک فرساینده و ویرانگر نیز می شوند و می توانند بهره وری کنندگان از فضای شهری یا پیکره های کالبدی- کاربردی شکل دهنده به خانه ها، مدرسه ها، بازارها، دروازه های شهرها و همچنین ساختارهای فعال در سرزمینهای برون شهری (که ذخایر پاک هوا و آب و خاک زندگی آد미ان بشماراند) را با دشواریهای بزرگ روبرو کنند. اینها، نمایانگر زمینه های نوسازی شهری- به معنای گسترده- بشمار می آیند.

نوسازی اما، چنان که یادآور شدیم، نیاز به تعیین مقیاس و تشخیص نارسائیهای موضعی و محدود دارد، تا بتواند به اجزاء کالبدی شکل دهنده به بافت شهری، بهنگام و به کمال، نارسائیهای زاده از فرسایشهای گونه گون را پاسخگویی کند.

کتابشناسی:

- رسولی، محمد. «تجارب جهانی در امر بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها»، مجموعه مقالات همایش تخصصی بافتهای شهری. مشهد: سازمان ملی زمین و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۶.

- فلامکی، محمد منصور. «نوسازی و بهسازی شهری»، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

اکسپرسیونیسم، فوتوریسم و سوررئالیسم وارد عرصه هنر شدند. جریان‌هایی چون فاشیسم و استالیسیسم به‌نوبه خود فشارهای تازه‌ای را بر هنر رئالیستی، که خود را سخت پای‌بند تعهد اجتماعی کرده بود، وارد کرد. آثار نوگرایانه از حیث سبک هنری و گرایش‌های سیاسی بسیار گوناگون و ناهم‌نواخت هستند. برای مثال، برخی از آثار نوگرایانه از گسترش زندگی نوین شهری استقبال کردند و برخی دیگر، درست برعکس، به مدیحه‌سرایی یا مرثیه‌سرایی برای زندگی ساده جماعتی (روستایی) پرداختند. برخی از نوگرایان جانب فاشیسم را گرفتند و برخی (مثل مایاکوفسکی) به بلشویسم گرویدند. شاید بتوان گفت آنچه که آثار گوناگون مدرنیستی را به هم پیوند می‌زند، فرم‌گرایی است که همه آثار مزبور کم‌وبیش از آن سهم برده‌اند.

نوگرایی و تحولات شهری

بخش مهمی از هنر مدرنیستی (نوگرایی هنری) توجه خود را به‌طور مستقیم به تأثیرات تجدد (← تجدد) بر زندگی شهری معطوف کرده بود. کشف لایه‌های آگاهی شهری که به‌طور خاص نو و از جنس مدرن بود، بخشی از این جستجوها بود. شهرهای مدرن فضاهایی بودند که در آنها همه باورهای دنیای سنتی فرو می‌ریخت. با این حال، تجارب نوین نیز، به‌نوبه خود، سرشار از تناقض بود. شورانگیزی و ترس، پویایی و مخاطره از جمله احساس‌های متناقضی بودند که با تجربه شهرها و شهرنشینی مدرن درهم آمیخته بود. هنر رئالیستی برای بازنمایش این تجربیات درهم و برهم ظرفیت محدودی داشت. محدودیتهای سبک رئالیسم موجب شد، تا گروهی از هنرمندان که به آوان‌گارد (پیش‌تاز) معروف شدند، در واکنش به تحولاتی که تجدد در شکل سرمایه‌داری دستخوش آن بود و همچنین در نقد ادبی تحولات، به عرصه‌های تازه‌ای از زیبایی‌شناسی روی آورند تا بتوانند به‌طور مستقیم تحولات فضای شهری را، هم در ابعاد اجتماعی و هم در ابعاد کالبدی، باز نمایش دهند. بسیاری از هنرمندان آوان‌گارد تجارب شهری را موضوع آفرینش هنری خود قرار دادند؛ اشاره به عنوان‌هایی چون

- فلامکی، محمدمنصور. *باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لوکوربوزیه. «منشور آتن»، چهارمین کنگره بین‌المللی معماری مدرن، «آتن ۱۹۹۳»، ترجمه محمدمنصور فلامکی، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۲.

محمدمنصور فلامکی

نوگرایی

Modernism

جریانی فرهنگی به‌ویژه در شیوه‌های بازنمایش هنری است که در اوایل سده ۲۰م در بازآفرینیهای هنری اروپا رایج شد و وجه عمده آن مخالفت با سبک رئالیسم (واقع‌گرایی) بود. در اسلوب واقع‌گرایی متن (شعر، رمان، آهنگ، مجسمه و ساختمان) به‌مثابه انعکاس دنیای اجتماعی آن‌طور که در واقعیت هست، بشمار می‌آید، زیبایی‌شناسی نوگرایانه این دعوی واقع‌گرایی (رئالیسم) را مردود می‌داند و معتقد است که واقعیت اجتماعی، هنگامی که موضوع انتقال از طریق متن قرار می‌گیرد، بیش از آنکه/عکاس واقعیت باشد، برساخته واقعیت است، زیرا، صرف‌نظر از دلایل دیگر، این واقعیت از صافی ذهن هنرمند گذشته است. هنرمندان مدرنیست می‌کوشیدند، محدودیتهای سبک رئالیسم را درهم بشکنند و فنون ابداع‌گرانه‌ای را در دریافت و انتقال تجارب مدرن، که اساساً از نوع تجارب شهری بود، عرضه کنند.

نوگرایی ریشه در تحولات نیمه اول سده ۱۹م داشت؛ گرچه به‌عنوان یک جریان نیرومند هنری در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰م عرصه فرهنگی را زیر نفوذ خود درآورد. نیمه سده ۱۹م با سلسله تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فنی همراه بود: تجدید ساختار سرمایه‌داری اروپا؛ رشد تولید کارخانه‌ای؛ رشد جمعیت شهری؛ و جنبش‌های انقلابی ۱۸۴۸م، از مظاهر مهم آن بود. شکست جنبش‌های انقلابی ۱۸۴۸م تأثیر زیادی بر ادبیات رئالیستی رایج در این دوره داشت. در آثار چارلز بودلر و گوستاو فلوربر نشانه‌هایی از تغییر جهت در ادبیات رئالیستی مشهود است.

به‌دنبال بحران در هنر رئالیستی، گرایش‌های زیبایی‌شناختی تازه‌ای همچون سمبولیسم، کوبیسم،

سکونتگاهها از یک ناحیه به ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ کارکردی، به شکلهای متفاوتی پدیدار می گردند.

مهم ترین این انگیزه ها به نیازهای اساسی و یا آن طور که بعضاً مطرح می شوند، کارکردهای اساسی انسانی، به شرح زیر، باز می گردند:

- مسکن گزینی؛
- کارکردن و فعالیت؛
- برقرار کردن ارتباط با دیگران؛
- آموزش و یادگیری؛
- استراحت و گذران اوقات فراغت؛
- زندگی جمعی و تولید مثل؛ و
- حرکت و آمدوشد.

به این ترتیب، آشکار می گردد که پاسخگویی به هریک از نیازهای بنیادی بشری و تحقق این کارکردهای گوناگون، ابعادی کاملاً اجتماعی - اقتصادی دارد؛ یعنی این امر بدون زیست جمعی و فعالیتهای مختلف اجتماعی در قالب واحدهای سکونتگاهی عملاً و به درستی امکان پذیر نیست. از سوی دیگر، تمام این کارکردهای اجتماعی - اقتصادی دارای بُعدی مکانی - فضایی و همچنین مستلزم امکانات و تأسیساتی ویژه و مستقر در بستری مکانی است. نهایتاً فضای حاصل از این فرایند، دارای الگویی ساختاری - کارکردی است که با توجه به انگیزه های گوناگون و دگرگونیهای آنها در بین گروههای مختلف انسانی - به عنوان

شهر پاریس، من و شهر، برلین، شهر بزرگ و شهر، بیانگر رابطه نوگرایی (مدرنیسم) هنری و فضاهای شهری است. از هنر مدرنیستی انتقاد شده است که به ویژه در سبکهای معماری با نگرشهایی به شدت مردگرایانه همراه است. منتقدان می گویند، نوگرایی هنری حضور زنان را از فضاهای شهری حذف کرده است. نوگرایی در معماری ساختمانهای تجاری و پروژه های خانه های اجتماعی جایگاه مهمی داشته است.

کتاب شناسی:

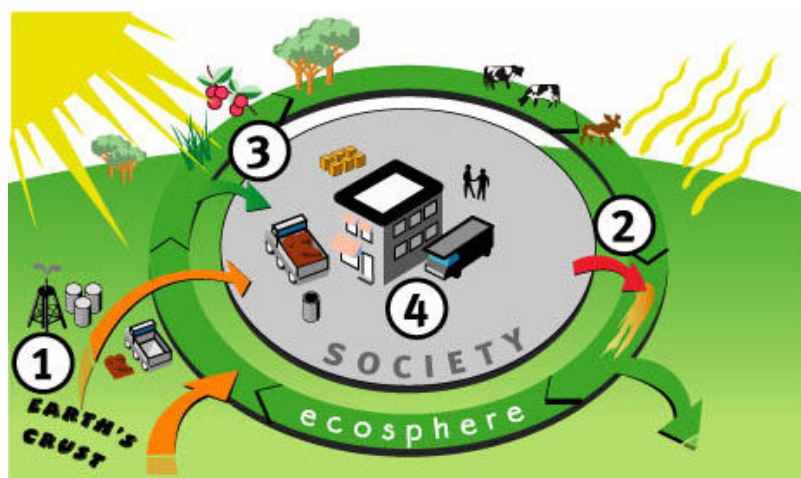
- Berman, M. *All That is Solid Melts Into Air: The Experience of Modernity*. London: Verso, 1989.
- Brosseau, M. "The City in Textual Form, Manhattan Transfers New York", *Ecumene*. Vol I, 1993.
- Caves, Roger (ed). *Encyclopedia of The City*. London: Routledg, 2005.
- Harvey, D. *The Condition of Postmodernity: an Equiry Into the Origin of Cultural Chang*. Oxford: Blackwell, 1989.

کمال پولادی

نیازهای اساسی

Basic Needs

عوامل و نیروهای گوناگونی در شکل پذیری سکونتگاههای انسانی دخالت دارند که نحوه اثربخشی آنها بیش از هر چیز به ویژگیهای ساختاری بستر محیطی و کارکردهای اجتماعی - اقتصادی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرایند، مجموعه انگیزه های است که برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادین، به صورت متفاوت، در بین گروههای انسانی بروز می یابد. از این رو، شکل و خصوصیات سکونتگاههای انسانی در نتیجه نحوه عینیت یابی این انگیزه ها، به شکلهای متنوع تحقق می پذیرد و در نتیجه،



نقش آفرینان نظام فضایی - تحول می پذیرد. به سخن دیگر، هر سکونتگاه را می توان اجتماعی کارکردی بشمار آورد که درجه بقا و پایداری آن به چگونگی شکل پذیری و نحوه پاسخگویی به این نیازها یا کارکردهای اساسی انسانی در بستر مکان - فضا بستگی تام دارد.

کتاب شناسی:

- سعیدی، عباس. *شیوه های سکونت گزینی و گونه های مسکن روستایی*. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و UNDP، ۱۳۷۵.
- سعیدی، عباس. *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- Lienau, C. *Laendliche Siedlungen*. Braunschweig, 1977.

عباس سعیدی

و-ی

وابستگی، مدل

Dependency Model

مدلی برای تبیین چگونگی تعامل شهر و روستا، به‌ویژه در چارچوب روابط و مناسبات سرمایه‌داری وابسته. اساس نظری این مدل بر پایه نظریه وابستگی استوار است. اگرچه برداشت‌های مختلفی از این نظریه در تبیین توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم ارائه شده است، اما شالوده تمام آنها ناظر بر این واقعیت است که توسعه‌نیافتگی پیامد وابستگی اقتصادی و سیاسی این‌گونه مناطق و کشورها به کشورهای بزرگ صنعتی است و برخلاف آنچه که برخی نظریه‌پردازان مدرن‌سازی اظهار می‌دارند، به‌هیچ‌وجه نباید و نمی‌توان آن را مرحله‌ای از مراحل رشد و تکامل اجتماعی-اقتصادی بشمار آورد.

نظریه وابستگی تا حد زیادی به روند انباشت سرمایه در جوامع صنعتی امروزی مربوط می‌شود. چنین روندی از لحاظ مکانی-فضایی بر جریان ارزش افزوده تولیدکنندگان محلی، حاشیه‌ای و وابسته به منابع مالی خارجی و وابسته به مراکز منطقه‌ای، ملی و جهانی انباشت متکی است. بدینسان، فرایند تحول و دگرگونی اقتصادی و اجتماعی در نواحی حاشیه‌ای تا حد زیادی توسط پویای نیروی وادارنده کلانشهرهای امپریالیستی محدود، تعیین و هدایت می‌شود. برهمین‌مبنای سخنان اوکلی و مارسدن نیز قابل توجه است که موانع توسعه را در ماهیت سنتی و واپس مانده کشورهای جنوب نمی‌دانند، بلکه معتقدند، این موانع در نقش تبعی و حاشیه‌ای آنها در اقتصاد جهانی نهفته است. سرمایه‌داری حاکم بر این کشورها در غالب موارد، از

طریق اعمال سازوکارهای خاص بازرگانی و در نتیجه، خروج مازاد سرمایه به خارج از کشور، فرایند توسعه را با موانعی جدی مواجه می‌سازد.

وابستگی یک فرایند متقابل است. همان‌گونه که مناطق حاشیه‌ای به مناطق مرکزی (متروپلیتن) وابسته‌اند، رونق مناطق مرکزی نیز به خروج نیروی کار، منابع و بازارهای مناطق حاشیه‌ای بستگی دارد. البته، این نوع وابستگی را نباید دایره‌ای بسته بشمار آورد و راه خروج از آن را ناممکن فرض کرد.

مدل وابستگی درخصوص شهر و روستا بر توسعه واگرایی عرصه‌های شهری و روستایی تکیه دارد و ۲ نوع عرصه ساختاری-کارکردی را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد: عرصه پیچیده شهری و عرصه ساده و یکنواخت روستایی. در واقع، یکی از جنبه‌های مهم این مبحث، ماهیت فعالیت‌های شهری و سرشت فعالیت‌های روستایی است. فعالیت‌های شهری معمولاً در فضایی محدود انجام می‌شوند و در یک نقطه متمرکزند (هرچند بُرد فضایی وسیعی دارند)، حال آنکه فعالیت‌های روستایی (اغلب در بخش اول اقتصادی) به فضای نسبتاً وسیعی نیازمندند و در عمل، ممکن است بُرد فضایی محدودی داشته باشند.

در ارتباط با نظریه وابستگی، ۲ اصطلاح در بحث‌های مکانی-فضایی دهه‌های اخیر راه و اهمیت یافته است: مرکز یا کانون و حاشیه یا پیرامون. کاربرد این ۲ اصطلاح خود به شکل‌گیری مدل دیگری (← مرکز-پیرامون، مدل) در چارچوب نظریه عمومی وابستگی انجامیده است.

کتاب‌شناسی:

- Frank, A.G. "The Underdevelopment of Development", *The*

اثر مثبت داشته باشد، در یک سنجش کلی، بهترین دستاورد نیست. از نظر اقتصاددانانی چون سمیر امین، یک نظام واحد سرمایه‌داری در جهان وجود دارد که نیروی اصلی رشد خود را از سرمایه‌داری مرکز، دریافت می‌کند. مسئله این است که نظام سرمایه‌داری جهانی می‌تواند مستقل و بی‌هیچ وابستگی به پیرامون توسعه یابد، اما عکس این مطلب صادق نیست. البته طرفداران نظریه وابستگی متقابل، گرچه تحت سیطره مرکز، این نظریه را رد می‌کنند.

از مهم‌ترین جنبه‌های وابستگی در یک نگاه تاریخی، آن است که دستمزدهای واقعی در ۱۰۰ سال نخست سرمایه‌داری جهانی رشد چندانی نداشته است و این امر نوع خاصی از توسعه را بر جهان تحمیل کرده است، از جمله اینکه وظایفی را بر دوش کشورهای پیرامون تحمیل کرده است که عمده‌ترین آنها، ایجاد بازار فروش محصولات صنعتی و عرضه مواد خام ارزان است. البته از هنگامی که دستمزدهای واقعی در مرکز شروع به افزایش کردند، وظایف پیرامون نیز عوض شد.

یکی از پیامدهای وابستگی این است که موجب می‌شود فضاهای زیستی، محیط زیست، بهره‌برداری منابع، آمایش سرزمین (← آمایش سرزمین) و روندهای شهرنشینی در پیرامون تحت تأثیر آن قرار گیرد. شهرنشینی متمرکز و توزیع فضایی بسیار ناموزون شهرها همراه با حاشیه‌نشینی و محدودیتهای شهری، از ویژگیهای کشورهای پیرامون بشمار می‌آید. این ویژگی با پدیده کلی ناموزونی جغرافیایی ناشی از وابستگی آمیخته است. از این‌رو، براساس نظریه وابستگی، ضروری است که مدیریت شهری در کلانشهرها مسائل انباشت سرمایه و سیستم کار، رانت زمین، تمرکز اسکان جمعیت، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و موارد مشابه را با توجه به روابط وابستگی بررسی کند.

نوع وابستگی در نوع گسترش و ویژگیهای شهری مؤثر است؛ البته سیاستهای ارضی، ساخت قدرت و اقتصاد سیاسی نیز از سوی دیگر، بر این گسترش و شکل‌گیری تأثیر دارد. کلانشهرها حاصل فشارهای ناشی از وابستگی به انباشت سرمایه، جابه‌جایی جمعیت، طبقات اجتماعی شهری و سیاستهای داخلی‌اند.

Underdevelopment of Development. Sing, C. Ch. & Denemark, R. A. (eds), London, 1996.

- Friedmann, J. & Douglass, M. *Agropolitan Development.* Nagoya, 1972.
- Prebisch, R. "Commerical Policy in the Underdeveloped Countries", *American Economics Review.* May 1959.
- Rondinelli, D. A. "Cities as Agricultural Markets", *Geographical Review.* 77, 4, Oct. 1987.

عباس سعیدی

وابستگی (و شهر)

Dependency (and City)

نظریه‌های وابستگی از حدود میانه‌های دهه ۱۹۶۰م به‌گونه‌ای پرقدردت و پرنفوذ در مباحث اقتصاد سیاسی مطرح شد. از آن زمان تاکنون، بعضی آن را یک نظریه، بلکه یک الگوی کامل دانسته و برخی دیگر آن را مورد نقد قرار داده‌اند. در این مجموعه تنوع دیدگاههای نظری زیادی وجود دارد و از این‌رو، دامنه روابط وابستگی فراتر از دامنه موضوعی علم اقتصاد تشخیص داده شده، به روابط سیاسی، فضایی و فرهنگی نیز راه یافته است؛ البته جنبه‌های مختلف نظریه وابستگی را می‌توان با یکدیگر پیوند زد. مطالعات وابستگی نخست از سوی اقتصاددانان ساختارگرای امریکای لاتین مطرح شد و سپس، به مباحث اقتصادی خاورمیانه، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا راه یافت. شاید بتوان کسانی همچون دوس سانتوس و آندره گوندر فرانک را از پایه‌گذاران نظریه وابستگی به حساب آورد.

وابستگی وضعیتی محدود کننده است که براساس آن، اقتصاد شماری از کشورها به اقتصاد گروه معدودی از کشورهای صنعتی وابسته و مشروط می‌شود. وابستگی ممکن است موجب رشد یا عدم رشد اقتصادی باشد، اما به‌رحال با انگیزه‌های درونی اقتصاد پیوند ندارد. به سخن دیگر، رابطه وابستگی ممکن است بر توسعه اقتصادی کشور وابسته اثر مثبت یا منفی داشته باشد، اما حتی اگر هم

بُنه و ویژگیهای آن

بُنه یا واحد سنتی تولید جمعی یک واحد مستقل زراعی است که در آن عده‌ای دهقان با سمتهای اجتماعی براساس یک تقسیم کار که مبتنی بر امتیازات اقتصادی و منزلتهای اجتماعی است در یک یا چند قطعه زمین به کشت و زرع می‌پرداختند. نیروی شخم (گاوکار)، مقدار معینی آب و برخی ابزار کار متعلق به واحد سنتی تولید جمعی به مدت یکسال زراعی از زمره وسایل ضروری و اولیه بُنه محسوب می‌شد.

یک آبادی معمولاً از چندین بُنه تشکیل می‌شد که تعداد و وسعت بُنه‌ها با مقدار آب و زمین قابل کشت ده در ارتباط بود، اندازه زمین بنه‌های یک ده تقریباً و اندازه مقدار آب آنها نیز تحقیقاً مساوی بود.

عضویت زارعین در بُنه با حق نسق داشتن (← نسق) و سکونت در آبادی و آگاهی از فنون کشاورزی و توافق ارباب یا نماینده او مربوط می‌شد، مدت عضویت هر دهقان در یک بُنه معمولاً یکسال زراعی بود، اما ممکن بود که این عضویت سالهای متمادی نیز ادامه یابد.

حسین ملک معتقد بود، سازمان مدیریت کشاورزی قبل از اصلاحات ارضی در ۳ سطح بنیان نهاده شده بود: در سطح ده؛ در سطح واحد تولید کشاورزی؛ و در سطح جفت گاو.

در این دوره، رعایا صاحب زمین نبودند، اما حق شرکت در واحد تولید کشاورزی را در داخل ده به‌منظور کشت مقدار معینی از زمین داشتند. هر ده به تعدادی واحد سنتی تولید جمعی تقسیم می‌گردید و در هر واحد، اعضاء نقشهای معینی را ایفاء می‌کردند. به‌این ترتیب، بُنه به‌عنوان یک سازمان اجتماعی برای تولید محصولات کشاورزی، با میزان اراضی و حقایه معین و مدیریت نیمه سازمان یافته در طول زمان تکامل پیدا کرد. این شکل از سازمان تولید کشاورزی در مناطق خشک و کم آب ایران، به‌ویژه در مناطق مرکزی، شرقی و جنوبی دیده می‌شد. اندازه و تعداد بُنه‌ها در هر ده با میزان آب، تعداد زارع، وسعت اراضی قابل کشت و تعداد وسیله شخم در ارتباط بود.

اراضی متعلق به هر واحد سنتی تولید جمعی معمولاً به

ادغام فضاهاى زیستی در کشورهای توسعه‌نیافته تا حد زیادی مستلزم استقرار فعالیتهای درون‌گرای اقتصادی در نظام سرمایه‌داری صنعتی (به‌ویژه اروپا و امریکا) بوده است. در این روند، ابتدا فعالیتهای تجاری و سپس، فعالیتهای اداری و بعد از آن، مراکز صنعتی، مالی و خدمات شهری و رفاهیند که به‌گونه‌ای تقریباً پی‌درپی جلوه‌های شهری می‌یابند.

کتاب‌شناسی:

- رئیس دانا، فریبرز. «نگاهی به مسائل توسعه شهری»، *اقتصاد سیاسی توسعه*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۱.
- گرینی، ماری کلود و دیگران. *وابستگی و شهرنشینی*، ترجمه گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: انتشارات گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۳۵۸.
- هانت، دایانا. *نظریه‌های اقتصاد شهری، تحلیلی از الگوهای رقیب*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، فصلهای ۴ تا ۸، ۱۳۷۶.

فریبرز رئیس دانا

واحد بهره‌برداری کشاورزی ← بهره‌برداری کشاورزی، واحد

واحد(های) سنتی تولید جمعی

Traditional Collective Production Unit(s)

در جامعه روستایی ایران تولید زراعی به‌صورت گروهی و جمعی از دیرباز متداول بوده و هنوز در برخی از نواحی کم‌وبیش رایج است. این گونه واحدهای تولید جمعی در مناطق ایران به نامهای گوناگون، همچون بنه، حراثه، صحرا، پاگاو، درکار و جوق خوانده می‌شود. با این وجود، این گونه واحدها اغلب با توجه به اشاعه بیشتر، به نام بُنه خوانده می‌شوند.

به این ترتیب، بُنه‌بندی کامل می‌شود. کلیه این امور می‌بایست تا قبل از شروع سال زراعی به اتمام می‌رسید.

شکی نیست که بُنه‌بندی در کار کشاورزی، یادگاری از نظام تولید کهن زراعی است و احتمالاً زارعان ایرانی در روزگاران بسیار کهن در زراعت به صورت دسته‌جمعی کار می‌کردند. به سخن دیگر، تولید در اجتماع روستایی ما با این شیوه کار زراعی همراه بوده است، شاید این امر از وضع اقلیمی و دشواری تهیه آب و به خصوص شیوه آبیاری ناشی شده باشد.

به طور خلاصه، واحدهای سنتی تولید جمعی در نظام ارباب-رعیتی، کلید اصلی سازمان تولید کشاورزی بشمار می‌رفت. هر واحد تولید جمعی از تعدادی قطعه زمین زراعی (آبی و دیمی) و یک سازمان تولید کشاورزی که در آن اعضاء فعالیت‌های کشاورزی را به صورت تعاونی انجام می‌دادند، تشکیل می‌گردید. اندازه هر واحد از ۱۰ تا ۳۰ هکتار در نوسان بود. تقسیم کار در داخل واحد کار زراعی براساس تجربه و مهارت‌های فردی در فعالیت‌های کشاورزی صورت می‌گرفت و سهم زارعان از محصول براساس این تقسیم کار پرداخت می‌شد. در اغلب موارد، ترکیب اعضای بُنه تحت تأثیر عوامل خویشاوندی و همسایگی بود (← بُنه).

اقشار اجتماعی و سازمان کار

مدیریت واحد تولید در سطح ده توسط هیئتی مرکب از زارعان با تجربه که در رأس بُنه‌ها قرار داشتند، کلدخدا (← کلدخدا) میراب و مالک یا نماینده‌اش انجام می‌گرفت. معمولاً در اول هر سال زراعی، در پائیز، تمام اعضاء دور هم جمع می‌شدند و تصمیمات لازم را در زمینه توزیع زمین در میان واحدهای تولید جمعی (بُنه‌ها) اتخاذ می‌کردند. آنها برنامه توزیع و تقسیم آب را فراهم و مشخص می‌کردند، کدام قسمت از زمین‌های ده باید زیر کشت برود. این برنامه‌ریزی سالانه کشاورزی به نسق‌بندی معروف بود. در سطح ده، مالک یا مباشر مسئولیت‌های اداره تولید را برعهده داشت. عضویت در واحد تولید جمعی به زارع پایگاه اجتماعی می‌بخشید و موقعیت او در بُنه تا

تعدادی جفت گاو تقسیم می‌گردید. منظور از جفت‌گاو، مقدار زمینی بود که یک جفت‌گاو می‌توانست در طول یک فصل زراعی شخم بزند؛ در مورد اراضی کم آب، این مقدار بین ۴ تا ۶ هکتار متغیر بود.

براین اساس، اراضی یک بُنه که ۲ جفت‌گاو زمین داشت، (یعنی ۲ گاو آهن که با ۴ گاو کار می‌کند) با ۲ جفت گاو شخم زده می‌شد. در عمل، جفت‌گاو کوچک‌ترین واحد کشاورزی در داخل بُنه بشمار می‌رفت و لازم بود که امور کشاورزی، نظیر شخم، آبیاری و درو، با تعاون و معاضدت افراد بُنه صورت گیرد.

واحد سنتی تولید جمعی در سطح ده

یک روستا معمولاً از چندین واحد تولید جمعی تشکیل می‌شد که تقسیم آب و زمین در میان این واحدها به بُنه‌بندی اشتهار داشت. بُنه‌بندی عبارت بود از تعویض زمین‌های زراعی (بُنه‌ها) با قرعه‌کشی در هر سال، با در نظر گرفتن درجه مرغوبیت خاک و وضع آبیاری. زارعان به منظور استفاده بهتر از آب در واحدهای سنتی تولید کشاورزی، در هر سال زمین‌های زراعی خود را با در نظر گرفتن عرف محل تعویض می‌کردند.

براساس عرف محل، مدار گردش آب (معمولاً ۱۲ شبانه‌روز یکبار) و زمین‌های قابل کشت هر ده مشخص بود. همه ساله در یک مجمع عمومی با حضور زارعان و براساس پشک، زمین‌های خوب یا بد ده به تعداد بُنه‌ها تقسیم می‌شد و یک شبانه‌روز آب به هر یک از آنها تعلق می‌گرفت.

در بُنه‌بندی تعداد قطعات زمین، انتخاب زمین برای نوع کشت، تعداد افراد، تعداد جفت‌گاو، میزان مساعده و امثال آن مشخص می‌شد. بُنه‌بندی هنگامی پایان می‌پذیرفت که رئیس واحد تولید زراعی جمعی اعضاء گروه خود را انتخاب می‌کرد و ارباب هم آنها را غیرمستقیم به رسمیت می‌شناخت و نامشان را در دفتر خود ثبت می‌کرد.

قسمت اعظم بُنه‌بندی از طریق پشک (قرعه‌کشی) صورت می‌گرفت: تعیین قطعات زمین، انتخاب گاوها، مشخص شدن ابزار کار و بالاخره، تعیین روز نوبت آبیاری.

کاهش اصطکاک میان زارعان و سرئنه مؤثر بود. هر سرئنه یک یا ۲ دستیار به نام ورئنه یا دُم/ویار داشت. در واقع، دُم/ویار در حکم معاون واحد کار زراعی بود: کار مرکزگی را انجام می داد و در امر آبیاری واحد تولیدی با سراویار همکاری نزدیک داشت و در واقع، قسمت عمده ای از فعالیت های آبیاری را با راهنمایی سراویار انجام می داد. دُم/ویاران نسبت به برزگران که در رده پائینی بنه قرار داشتند، کارهای ساده تری را برعهده داشتند، ولی در عوض، از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار بودند. آنها معمولاً از تمام فنون زراعی آگاه بودند و در صورت غیبت و یا فوت آبیاری، ورزیده ترین دُم/ویار کلیه مسئولیت بنه را برعهده می گرفت، تا جایی که خود به مقام سرئنگی ارتقاء می یافت. اساس هر واحد تولید کشاورزی را برزگر تشکیل می داد و مسئولیت کارهای دشوار بنه، به ویژه مواظبت از گاوهای شخمی بنه برعهده او بود. از آنجا که هر واحد تولید جمعی ۲ یا ۳ برزگر داشت، ۲ یا ۳ جفت گاو بین برزگران تقسیم می شد، تا هر برزگر ۲ رأس گاو خود را شناخته و به موقع به آنها رسیدگی و علوفه لازم را برای آنها تهیه کند. شخم زنی و مالکشی از اصلی ترین کارهای برزگران تلقی می شد. برزگران معمولاً از جوانانی تشکیل می شد که تازه وارد امور کشاورزی شده بودند. برزگران با استعداد، پس از یکی - دو سال کار در مقام برزگری، ارتقاء یافته و به مقام دم/ویاری نایل می شدند. ارباب، مباشر، پیشکار، گاو بنه، کدخدا، سرئنه و ورئنه هر کدام می توانستند به برزگران بنه فرماندهی کنند.

خویشاوندی در واحدهای تولید جمعی

به طور کلی صائب نظران توسعه روستایی علت شکل گیری این قبیل واحدهای تولیدی را در ایران به ۲ دلیل می دانند:

- نظام آبیاری که نیازمند کار گروهی در استفاده حداکثر از منابع آب، به ویژه حفر و حفظ قنات بود؛ و
- عامل خویشاوندی در تشکیل و راه اندازی این گونه واحدها.

اغلب افراد خویشاوند مشترکاً در یک واحد تولید جمعی فعالیت می کردند و تمام مراحل سه گانه زراعت، از

حدودی تعیین کننده نقشی بود که وی می توانست در اداره امور ده برعهده داشته باشد. در رأس هر واحد تولید جمعی، یک زارع با تجربه قرار می گرفت که معمولاً سرئنه، سراو یا سراویار، سرسالار، سرحرثه و مانند آن نامیده می شد و توسط مباشر یا مالک انتخاب می گردید. تجربه و مهارت در امور کشاورزی از شرایط لازم برای انتخاب رئیس واحد تولید جمعی بشمار می رفت. تعیین حدود واحد تولید جمعی، کاشت محصولات و بذریاشتی، توزیع آب در میان قطعات زمین متعلق به بنه و تصمیم در مورد اینکه کدام قسمت اراضی در واحد تولید کشاورزی باید کشت شود، از وظایف عمده سرئنه بشمار می رفت.

سرئنه از قدرت تفویضی مالک برخوردار بود و به عنوان تصمیم گیرنده و اعمال کننده قدرت در واحد کار زراعی، امور را رهبری می کرد. از آنجا که هدف مالک بهره برداری بیشتر از اراضی بود، همیشه افرادی را در رأس واحد تولید جمعی قرار می داد که علاوه بر داشتن تجربه کافی، مورد اعتماد او باشد و بتواند منافع او را نمایندگی کند.

موقعیت اقتصادی بهتر، نقش سرپرستی تولید کشاورزی و رابطه نزدیک سرئنه ها با مالک، این امکان را به وجود آورده بود که از موقعیت اجتماعی بالاتری در داخل ده برخوردار و تا حدی از نفوذ سیاسی و اجتماعی در ده بهره مند باشند. هنگام حل اختلافات میان مردم ده، نقش مؤثر سرئنه ها تا حد زیادی به مالکان آنها وابسته بود و اگر سران بنه می خواستند که موقعیت خود را حفظ کنند، مجبور به اجرای اوامر مالک در امور کشاورزی بودند و اگر مالک از کارکرد آنان راضی نبود، بسیار احتمال داشت که سرئنه ها، موقعیت خود را از دست بدهند. بنابراین، سرئنه ها نفوذ خود را در داخل بنه ها به منظور حفظ حالت تسلیم زارعان به نظام کشاورزی موجود، به کار می بستند. البته با وجود اعمال فشار از سوی سرئنه ها، عدم رضایت های بسیاری در میان زارعان داخل بنه دیده می شد؛ در بسیاری از موارد، رابطه میان زارعان و سرئنه ها خصم آلود بود. با وجود این تضادها، عامل مهمی که از بسط و توسعه آنها جلوگیری می کرد، رابطه خانوادگی بسیار نزدیک میان اعضای بنه بود. این رابطه خویشاوندی تا حد زیادی در

تقسیم کار

افرادی که در بُنه کار می‌کردند، به ۳ گروه سرْبُنه، ورْبُنه و برزگر تقسیم می‌شدند. حقوقی که عرف محل برای هر یک از این گروهها معین کرده بود، مبین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها بود. بررسی وظایف واحد تولید جمعی حکایت از آن دارد که گروهها کمتر در فعالیتهای یکدیگر دخالت می‌کردند.

وظایف و فعالیتهای سرْبُنه

بسیاری از پژوهشگران وظایف و فعالیتهای سرْبُنه را تا حدود ۲۰ وظیفه برشمرده‌اند که تعدادی از آنها عبارتند از:

- تعیین حدود اراضی واحد کار زراعی، از طریق قرعه‌کشی در جمع سرْبُنه‌ها؛
- حل و فصل امور آبیاری و تنظیم نوبت آبیاری در مدار گردش آب و توزیع آب بین زمینها؛
- تنظیم امور جاری بُنه و نظارت بر کار اعضا؛
- تعیین محل کشت محصولات مختلف و رسیدگی به اراضی پراکنده متعلق به بُنه؛
- بذرپاشی، نظارت بر درو، نظارت بر کوبیدن خرمن، برداشت محصول، رسیدگی به امور محصولات تابستانه (صیفی)؛ و
- انتخاب و یا اخراج اعضاء بُنه.

وظایف مربوط به «ورْبُنه»، دُم آبیاران

اهم وظایف این گروه به شرح زیر است:

- آبیاری اراضی و کمک به آبیاران در مواقع لازم؛
- مرزکشی، مرزبندی، گوشه‌بندی، کلدرکشی، بار کردن خاک و کود و پخش کود در زمین؛
- صیفی‌کاری، تخمه‌زنی صیفی و پنبه، چیدن محصول و پُرکردن صندوقهای صیفی و وجین پنبه یا صیفی؛ و
- پاک کردن گندم از طریق باد دادن، بوجاری و جمع‌آوری ته خرمن.

وظایف مربوط به قشر برزگران

- تیمار حیوانات شخمی، شخم‌زنی، کودکشی، خاک‌کشی و

کاشت تا برداشت را با همکاری یکدیگر انجام می‌دادند و پس از پرداخت سهم مالکان، بقیه محصول را میان خود براساس عرف محل تقسیم می‌کردند. بررسیهای به عمل آمده درباره چگونگی روابط خویشاوندی میان اعضای واحدهای تولید جمعی، از نظر نسبت خانوادگی و خویشاوندی اطلاعاتی به شرح زیر به دست می‌دهد:

- اعضای واحدهای تولید جمعی با هم نسبت برادری داشتند؛

- اعضای واحدهای تولید جمعی دوه‌دو برادر بودند؛

- اعضای واحدهای تولید جمعی از پدر و پسران تشکیل می‌شدند؛

- ۲ نفر از اعضای بُنه با هم برادر بودند و ۲ نفر دیگر نسبت خویشاوندی نداشتند؛

- اعضای واحد تولید جمعی از پدر و پسر و ۲ نفر از خویشاوندان سببی ترکیب می‌شد؛

- اعضای بُنه نسبت به هم دارای روابط خویشاوندی سببی و نسبی دور یا نزدیک بودند؛ و

- اعضای واحد تولید جمعی را افراد غیرخویشاوند تشکیل می‌دادند.

براساس مطالعات انجام شده، در بیش از ۷۸٪ از واحدهای تولیدی جمعی اعضای بُنه با یکدیگر و یا با سرْبُنه رابطه خویشی داشتند. در بسیاری موارد، سرْبُنگی ارثی و با ریاست خانواده ارتباط مستقیم داشت. به سخن دیگر، پس از مرگ سرْبُنه، پسر ارشد او به ریاست بُنه یا واحد تولید جمعی منسوب می‌شد.

شواهد حاکی از آن است که تشکیل بُنه‌ها بیشتر براساس روابط خویشاوندی قرار داشت و در اغلب موارد، اعضای یک شبکه خویشاوندی در یک واحد تولید جمعی با هم کار می‌کردند. البته انتخاب اعضای واحدهای تولیدی جمعی در هر سال تجدید می‌شد؛ گاه پیش می‌آمد که افراد غیرخویشاوند با توافق هم در یک واحد تولید جمعی گرد آمده و با اشتراک در اراضی بُنه، به کشت و زرع می‌پرداختند. برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که ساخت قدیمی، یعنی تقسیم‌بندی قبیله‌ای، سبب پیدا شدن خویشاوندی در این گونه واحدهای تولیدی شده است.

ارفاقهایی از این قبیل، مجدداً به یک چهارم سهم زارعان افزوده و مجموعه آن به تعداد زارعان بینه تقسیم و سهم هر زارع مشخص می‌شد. در روستاهایی که گاویند داشتند، تهیه بذر و انجام شخم به عهده گاویندان بود که از این بابت دارای سهمی نیز بودند. در گاویندی، زارعان سهام خود را از گاویندان دریافت می‌داشتند. البته تأمین نیروی کار به عهده گاویندان بود. گاویندان از محصولات بهاره ۱۰٪ از کل فروش را به‌عنوان مخارج شخم از مجموع محصول برمی‌داشتند و در مقابل، مجبور بودند که کار شخم را برعهده گیرند.

این تقسیم محصول قطعی نبود، زیرا پس از تقسیم اولیه، عوامل دیگری نیز در این کار دخالت داشتند. در واقع، چگونگی تقسیم محصول بدون در نظر گرفتن مخارجی، نظیر خرج صحرا، مخارج دروگر، بذر، شخم، حمای، سلمانی، آهنگر، نجار، چوپان، روضه‌خوان، دشتبان (← دشتبان)، پاداش آبیاری و... بود. سهمی که برای این اقشار در نظر گرفته می‌شد، قاعده مشخصی نداشت و در هر روستا به‌گونه خاصی عمل می‌شد.

انواع واحدهای تولید جمعی

معمولاً ۲ نوع واحد تولید جمعی از یکدیگر قابل تشخیص و تمیز است. واحد تولید جمعی که ارباب در رأس آن قرار می‌گرفت و کلیه فعالیتها، تقسیم کار و تعیین اقشار روستایی برای مشارکت در واحد تولیدی زیر نظر مستقیم او یا مباشر او انجام می‌گرفت. این نوع واحد تولید جمعی به بینه اربابی موسوم بود. نوع دیگری از این واحدها، بینه گاویندی خوانده می‌شد.

بینه گاویندی نوعی واحد تولید جمعی بود که در آن، مالک زمین و آب موجود در ده را به شراکت می‌گذارند و فرد دیگری با اجازه و موافقت مالک، تهیه عوامل منقول بینه را تعهد و کشت و زرع واحد تولیدی را سرپرستی می‌کرد. بدینسان، در زمان تقسیم محصول به نسبت عواملی که در اختیار و یا تهیه کرده بود، سهم می‌برد. به سخن دیگر، واحد تولید جمعی که کلیه عوامل پنجگانه آن در اختیار یک نفر قرار داشت، بینه اربابی، ولی اگر ۲ عامل غیرمنقول

ماله‌کشی؛

- جلوگیری از هدر رفتن آب در طول انهار، کمک به آبیاری و دُم‌ویار به هنگام آبیاری؛
- علف‌چینی، پشته‌کشی و غربال کردن گندم؛
- بوته‌بری صیفی، وجین پنبه و صیفی؛ و
- درخت‌کاری، شن‌ریزی جاده و بیگاریهای مربوط به بینه و همچنین کمک به سایر بینه‌های ده در صورت نیاز.

تقسیم محصول

خصوصیات زراعت در نظام سهم‌بری از محصول در واحدهای تولید جمعی مبتنی بر عوامل پنجگانه بود. به سخن دیگر، زراعت با در نظر گرفتن ۵ عامل آب، خاک، بذر، کار و گاو صورت می‌گرفت. زارعان عضو بینه برحسب در اختیار داشتن یک یا ۳ عامل از این عوامل، از محصول سهم می‌بردند. البته این امر در همه نواحی یکنواخت نبود و برحسب مرغوبیت زمین و زحمتی که زارع می‌کشید و هزینه‌ای که مالک، مخصوصاً برای تهیه آب، متحمل می‌شد و نیز سایر عوامل، تفاوت پیدا می‌کرد.

برای تقسیم محصولات بهاره، یعنی محصولاتی که از فروردین به بعد کشت می‌شد، مانند صیفی، پنبه و حبوبات، پس از برداشت محصول، نخست بذر آن را از کل محصول برداشته، از آنچه باقی می‌ماند، ۴۰٪ سهم دهقانان بینه و ۶۰٪ آن به مالک تعلق می‌گرفت. تهیه آب، زمین و نیروی شخم از سوی ارباب و تهیه نیروی کار و مخارج به عهده دهقانان بود. در اکثر روستاهای اربابی، هزینه صیفی با دهقانان کود با ارباب بود و فروش محصول صیفی نصف می‌شد.

طرز تقسیم محصولات شتوی (گندم و جو) پیچیده‌تر از محصول بهاره بود. برای تقسیم گندم و جو، ابتداء از کل محصول ۱۰٪ آن را ارباب به‌عنوان مخارج و ۱۰٪ را دهقانان به‌عنوان جمع‌کشی (مخارجی که برای جمع و ضبط کردن خرمن در نظر گرفته می‌شد) برمی‌داشتند؛ سپس از بقیه محصول، سهم نجار، آهنگر، بوجاری، دشتبانی، چوپانی و امثال آن کسر می‌شد و بقیه به ۴ قسمت تقسیم می‌شد: ۳ قسمت متعلق به ارباب و یک قسمت متعلق به دهقانان بود. بوجاری (غربال کردن گندم و جو) و جمع‌کشی و

(زمین و آب) در تملک مالک و ۳ عامل منقول دیگر در اختیار فرد دیگری قرار داشت، بینه گاوبندی نامیده می‌شد. بینه‌های اربابی با بینه‌های گاوبندی تفاوتها و نیز مشابهتهایی داشتند. قرعه‌کشی زمین و آب از زمرة شباهتهای آنها بود. اگر گاوبندی چند واحد تولید جمعی را در اختیار داشت، ابزار کار و گاوکار بهنگام بینه‌بندی قرعه‌کشی می‌شد، ولی اگر هر واحد تولید زراعی دارای چند خرده گاوبند بود، در این صورت برای ابزار کار و گاو شخمی بینه، قرعه‌کشی صورت نمی‌گرفت، زیرا هر خرده گاوبندی دارای یک جفت گاو و یا یک فرد گاو بود که قابل تعویض با گاو دیگری نبود. در این گونه واحدهای تولیدی، بینه‌بندی هر ساله تجدید می‌شد، زیرا امکان داشت خرده گاوبندی گاو شخمی خود را از دست بدهد و قادر به تأمین نیروی شخم نباشد. در این صورت یا حق گاوبندی خود را می‌فروخت و یا شخص دیگری تأمین نیروی شخم بینه را قبول می‌کرد.

تقسیم محصول در این واحدهای تولید زراعی به گونه‌ای بود که سهم مالک و گاوبند از محصولات غلات به تساوی تقسیم می‌شد. در صیفی ۴۵٪ سهم مالک و ۵۵٪ سهم گاوبند بود؛ به این معنی که در محصول صیفی پس از فروش محصول، از بهای آن ۱۰٪ بابت حق گاو و کود به گاوبند تعلق می‌گرفت و بقیه به‌طور مساوی، میان مالک و گاوبند تقسیم می‌شد.

به این ترتیب، تقسیم محصول در واحدهای تولید جمعی با نوع محصول ارتباط داشت. به سخن دیگر، نحوه تقسیم گندم، جو یا چغندر قند و یا خربزه و هندوانه تفاوت می‌کرد.

تحولات واحدهای تولید جمعی

پس از اصلاحات ارضی، سازمان تولید ده که اغلب به صورت واحدهای کار دسته جمعی (بینه، حراثه، صحرا) و تحت مدیریت مالک قرار داشت، دستخوش تغییر گردید. تقسیم ارضی که بر مبنای نسق‌بندی صورت گرفت، موجب پیدایش تعداد بیشماری واحدهای کوچک بهره‌برداری شد که علاوه بر کمی مساحت، به افزایش تعداد

قطعات مورد بهره‌برداری نیز انجامید. در حال حاضر، در میان بهره‌برداران دهقانی تغییراتی از نظر اداره امور مزرعه به چشم می‌خورد؛ به این معنی که نوعی بهره‌برداری گروهی به شکل جدید پدیدار شده است که در آن دهقانان به تشکیل گروههای هم‌آب مبادرت کرده‌اند. گروه هم‌آب عبارت است از تعدادی زارعان که در هر گردش آب ۲۴ ساعت حقا به دارند و مشترکاً امور مربوط به آبیاری اراضی خود را انجام می‌دهند. در این شکل، اراضی تحدید شده، اما زارعانی که حداقل یک یا ۲ قطعه زمینشان در مجاورت یکدیگر قرار دارد و یا با هم نسبت خویشاوندی و همسایگی دارند، تشکیل چنین گروههایی را می‌دهند. در برخی از نقاط، زارعان با تشکیل گروههای هم‌آب و تعویض و یا معاوضه قطعات خود، به یکپارچه کردن اراضی در داخل نسق خود مبادرت کرده‌اند. ایجاد شورای آبیاری که از سران گروههای هم‌آب تشکیل می‌شود را می‌توان معادل شورای سر بینه‌ها در نظام بینه‌بندی سستی در گذشته تلقی کرد؛ با این تفاوت که سرآبیاران حالت انتخابی دارند و از سوی دهقانان هر گروه هم‌آب انتخاب می‌شوند و دیگر منصوب مالک و یا مباشر نیستند (← گروههای هم‌آب).

شکل دیگری از بهره‌برداری در میان بهره‌برداران دهقانی وجود دارد که می‌توان آن را به کشت گروهی تعبیر کرد. مطابق این شکل، کلیه بهره‌برداران در واحدهای تولید جمعی، امور کاشت، داشت و برداشت را مشترکاً انجام می‌دهند. این گروههای تولید جمعی نظم و مقرراتی دارند، به این معنی که گروه، حق پذیرش عضو جدید را به موجب توافق قبلی دارد. کسی که می‌خواهد داخل گروه شود، باید قبلاً از سرگروه اجازه بگیرد و اگر سایر اعضا نیز موافقت کنند، آنگاه می‌تواند با زمین خود به جمع اعضای گروه بپیوندد. طرز کار گروه به این ترتیب است که پس از تشکیل جلسه بحث و مشاوره برای کاشت یا برداشت و تصمیم به آغاز کار و تقسیم مسئولیت، جمع‌آوری پول و تأمین بودجه گروه، هر کس مقدار بذر سهمی خود را به گروه تحویل می‌دهد. در محصولات شتوی بستن زمین، کرت‌بندی و درو کردن را دسته جمعی انجام می‌دهند. مردان گروه درو

نظر وی، مشکل کم آبی و نیز شوری خاک و وابستگی به شبکه آبیاری و به خصوص دشواری نحوه تقسیم آب در روستاهای ایران، انگیزه پدید آمدن نوعی همکاری و تعاون و روابط مردمسالارانه در واحدهای زراعی بین کشاورزان شده است. نقش و تأثیر کمی آب بر فعالیت‌های جمعی روستائیان مورد توجه دیگر صاحب‌نظران، از جمله اشرف نیز قرار گرفته است. اشرف عنوان می‌کند که در مناطق خشک و حاشیه کویر، کار آبیاری و زراعت دشوار بوده و برای بهره‌کشی از رعایا، نسق زراعی ده را برحسب وسعت اراضی و جمعیت روستا، به چند واحد مساوی تقسیم و هر کدام را زیر نظر کدخدا، به یکی از افراد توانای آن جمع واگذار می‌کردند. این واحدها به نامهای محلی بُنه، صحرا، پاکاو، طاق، حراثه و مانند آن خوانده شده‌اند (← پاکاو).

کاتوزیان نیز عقیده دارد، کمیابی آب موجب همکاری میان زارعان برای ساخت و نگهداری قنات یا کاریز و نیز توزیع آب شده است. به نظر او، استحکام بُنه که شیوه و روش سنتی تولید جمعی بود، زیر تأثیر چگونگی وضعیت آب و خشکی بوده است. او می‌نویسد، هرچه ناحیه خشک‌تر بود، بُنه قدرتمندتر و احتمال پراکندگی متصرفات دهقانان بیشتر بود.

کاظم ودیعی از کولکتیویزم روستایی نام می‌برد و عنوان می‌کند، اشتراک مساعی، خودیاری و تعاون اجتماعی از مظاهر بارز هر روستای ایرانی است. این پدیده ناشی از شرایط طبیعی و مظهر نبرد با طبیعت و اساساً برای جبران عدم مساعدتهای طبیعت و ضعف فنون بوده است. مرتضی فرهادی نیز از وجود روحیه مشارکتی و تعاون‌گرایی در اشکال مختلف همیاری و یاری‌گری در میان روستائیان دفاع می‌کند. مهدی طالب معتقد است، امر مشارکت، مدیریت و مالکیت واحدهای بهره‌برداری، به‌رغم وجود زمینه‌های مختلف همیاری (مثل همکاری در لایروبی انهار و قنات، کار گروهی و معاضدت در نشاء کاری و وجین کردن) ضعیف است. وی معتقد است، شیوه‌های همیاری موجود در جوامع روستایی نشانگر مشارکت میان گروه‌های خاص، مثل گروه خویشاوندی و همسایگی است، حال آنکه مشارکت در امور عمومی مربوط به توسعه یا

می‌کنند و زنان آن را بسته‌بندی می‌کنند. در صیفی، زنان گروه به‌طور دسته‌جمعی وجین می‌کنند و دسته‌جمعی می‌چینند و بازاریابی به عهده سرگروه است. بعد از فروش و کسر مخارج، باقی‌مانده مابین افراد گروه تقسیم می‌شود.

یکی دیگر از تغییراتی که در شیوه تولید دهقانی پس از فروپاشی بُنه ایجاد شده است، کشت اراضی توسط دهقانان پیشرو است؛ به‌این معنی که با توجه به بالا بودن سن کشاورزان، کمبود زمین و در نتیجه پائین بودن میزان درآمد که منجر به روی آوردن دهقانان به مشاغل دیگر می‌شود، گروهی از دهقانان - معمولاً (دهقانان مرفه‌الحال) - که اراضی وسیعی دارند، زمین سایر دهقانان را به‌صورت یکپارچه به زیر کشت می‌برند.

به‌هرحال، شکل غالب بهره‌برداری در حال حاضر، به‌دنبال با فروپاشی واحدهای تولید جمعی، بهره‌برداری خانوادگی است.

دیدگاه‌هایی پیرامون فعالیت‌های جمعی

بررسی ادبیات مربوط به جامعه روستایی حاکی از طرح نقطه‌نظرهایی پیرامون فعالیت‌های جمعی روستائیان در زمینه‌های مختلف تولید کشاورزی است که از آنها تحت عناوین همکاری، همیاری، دیگریاری، خودیاری و تعاون سنتی بُنه یاد می‌شود. در این زمینه، لمبتون معتقد است، دهقانان در فن همکاری، مانند مالکان و دیگر طبقات ایران، ناآزموده و بی‌تجربه‌اند. به نظر او، وجود روحیه تقدیرگرایی در میان دهقانان با فعالیت‌های مؤثر و جمعی سازگاری ندارد. فرانسیسکو بنت با مطالعه درباره‌ی نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس معتقد است، تعاون اقتصادی میان روستاها به‌طور کلی وجود ندارد، بنت به نوعی درون‌گرایی روستایی مبتنی بر ارتباطات قبیله‌ای در روستاهای ایران اشاره می‌کند که آنها را از همکاری و تعاون اقتصادی بازمی‌دارد.

خسروی با نادرست دانستن طرح روحیه فردگرایی برای دهقانان ایرانی، معتقد است که وضع خاص زراعت در ایران و مشکل آب و نحوه استفاده از آن، کار در واحدهای تولید جمعی، مانند بُنه را ایجاب کرده است. به

سازماندهی مردمی، بدون دخالت قدرت موجود (مالک و بعد دولت)، مسبوق به سابقه نیست.

گروه دیگری از پژوهشگران، مشارکتی بودن جامعه روستایی را رد نمی‌کنند و وجود گونه‌های متعدد همیاری و تعاون را در اشکال تولیدی آن تأیید می‌کنند، اما محدوده و مرز این همیاری و تعاون را تحت تأثیر عوامل خویشاوندی، قومی، قبیله‌ای و مذهبی می‌دانند و در سطوح فراتر از آن، جامعه روستایی را غیرمشارکتی می‌دانند. به نظر این گروه، ویژگی‌های شخصیتی و نوعی خاص‌گرایی که متأثر از ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع روستایی است، در این امر دخالت دارد. آن چنان‌که شواهد تاریخی و تجربی در خصوص بُنه‌ها به‌عنوان واحدهای تولید جمعی نشان می‌دهد، عامل خویشاوندی از عوامل پایداری و دوام این نوع واحدها، حتی در نوع جدید خود، یعنی مشاعه‌های روستایی بوده است. غفاری در روستاهای حاشیه کویر بر این نکته اشاره دارد که هر طاق آب که به نوعی تشکیل یک بُنه آبی را می‌دهد به نام طایفه نامگذاری شده است و اعضای آنها با یکدیگر نسبت خویشاوندی دارند.

به‌طور کلی، نقطه‌نظرهای موجود درباره چگونگی مشارکت جمعی، به‌ویژه در واحدهای تولیدی سنتی را می‌توان به ۳ گروه تقسیم‌بندی کرد:

- کسانی که معتقدند روستائیان تمایلی نسبت به کنش و فعالیت جمعی ندارند و روحیه تک‌روی و تفرّدجویی بر آنها غالب است و برآیند آن، عدم استقبال از فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی است؛

- صاحب‌نظرانی که برخلاف دسته اول معتقدند، دهقانان ایرانی با روحیه تعاون و جمع‌گرایی، در فعالیت‌های مختلف اجتماعی، تولیدی، اقتصادی، فرهنگی و روانی با یکدیگر همیاری و دیگریاری دارند؛ و

- کسانی که به دیدگاه اول چندان توجهی ندارند و درعین حال، دیدگاه دوم، یعنی جمع‌گرا و مشارکتی بودن روستائیان را رد نمی‌کنند، ولی برای آن سطحی قائل می‌شوند؛ بدین معنا که معتقدند، روستائیان در سطح و عرصه خاصی از نظام اجتماعی مشارکتی هستند. به نظر این گروه، مشارکت اعم از اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی، تا

سطح خانواده، طایفه و قبیله جریان پیدا می‌کند، ولی به سطوح فراتر از آن ارتقاء نمی‌یابد.

جامعه روستایی ایران قبل از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ش که کمتر با پیامدهای توسعه مواجه بود و در قالب نظام ارباب-رعیتی اداره می‌شد، نوعی الگوی مشارکت خودانگیخته نسبتاً فراگیر را در سطوح واحدهای تولیدی خانوار و جمعی در خود داشت. در دوره پس از اصلاحات ارضی (← اصلاحات ارضی) که ساختار جامعه روستایی دستخوش دگرگونی شد و حضور دولت در جامعه روستایی گسترش و تعمیق یافت، الگوی مشارکت خود انگیخته که تبلور آن در واحدهای تولید جمعی قابل رؤیت است، اهمیت خود را از دست داد و روستاها با نوعی الگوی ضد مشارکتی مواجه شدند. در این دوره، الگوی سنتی مشارکت نه تنها نادیده گرفته می‌شد، بلکه برنامه‌های توسعه‌ای جدید نیز با آن در تعارض قرار داشت. فروپاشی بُنه‌ها به‌عنوان واحدهای تولید جمعی، می‌تواند شاهدی برای نابودی واحدهای مشارکتی سنتی باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در جامعه روستایی تقریباً مشارکتهای جمعی خودانگیخته در میان روستائیان مجدداً احیاء می‌شوند و تلاش می‌گردد که با بهره‌گیری از شیوه‌های جمعی تولید سنتی، شیوه‌های مشارکتی جدید در امر تولید کشاورزی تعریف شود.

کتاب‌شناسی:

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. *توسعه روستائی یا تأکید بر جامعه روستائی ایران*. تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ازکیا، مصطفی و نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی بُنه‌بندی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی پلی‌کپی، ۱۳۵۲.
- ازکیا، مصطفی. «آبیاری در واحدهای کار زراعی در فردیس»، *نامه علوم اجتماعی*. دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۵۵.
- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*. تهران: اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- ازکیا، مصطفی. *حاجی‌آباد، دهکده‌ای از بیرجند*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پلی‌کپی، ۱۳۴۸.
- اشرف، احمد. «دهقانان، زمین و انقلاب»، *مجموعه کتاب آگاه، مسائل ارضی و دهقانی*. تهران: آگاه ۱۳۶۱.
- خسروی، خسرو. «آبیاری و جامعه روستایی ایران»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- خسروی، خسرو. *جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: پیام، ۱۳۵۸.

در زبان فارسی می‌توان با اندکی مسامحه، واحد همسایگی را کوی نامید، و واحدهای کوچک‌تر از آن را که معمولاً با عنوان زیر واحد همسایگی نام می‌برند، کوچه به معنای کوی‌چه یا کوی کوچک تلقی کرد. اهالی ساکن در یک کوچه در عمل با یکدیگر احساس همسایگی و آشنایی دارند، در خوشی و ناخوشی یکدیگر شریک هستند و بهنگام ضرورت، با یکدیگر همیاری می‌کنند. مفهوم واحد همسایگی از یکسو به معنای جمع شدن گروهی از مردم در محلی است که استفاده از برخی خدمات عمومی و امکانات رفاهی را تسهیل می‌کند، و از سوی دیگر، متضمن نوعی ارتباط اجتماعی است، به طوری که روح همسایگی و همیاری را تقویت کند. بنابراین، الگوی واحد همسایگی مجموعه یا ترکیه‌هایی از واحد مسکونی است، که مبنای طراحی و برنامه‌ریزی شهری و تنظیم فضاهای عمومی و شبکه ارتباطی است.

شهرهای سنتی ایران در گذشته از محله‌های مختلف مسکونی تشکیل می‌شدند؛ هر محله چند زیرمحله داشت، که بدان کوی می‌گفتند. کوی منسجم‌ترین واحد اجتماعی شهر بشمار می‌رفت و افراد آن مانند یک کمون، خاندان بزرگی بشمار می‌رفتند؛ و با یکدیگر همبستگی خویشاوندی و گاهی قومی داشتند و به شدت به یکدیگر وابسته بودند، به طوری که برای بسیاری از افراد محله تغییر محل زندگی از یک کوی به کوی دیگر بسیار دشوار بود و به واسطه وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی، بهنگام جدا شدن از محل زندگی خود احساس غربت و بیگانگی می‌کردند.

زمینه جامعه‌شناختی واحد همسایگی

پس از انقلاب صنعتی، در سده‌های ۱۹ و ۲۰، به علت جابه‌جایی وسیع افراد و مهاجرت گسترده جمعیت‌های روستایی به شهرها، محیط‌های زندگی مردم، چه از نظر اجتماعی و چه از منظر کالبدی، دگرگون گردید. در شهرهای صنعتی و یا به زبان امروز، شهرهای مدرن جامعه شهری (برخلاف جامعه سنتی) از گروه‌های گوناگون مردمان مهاجر تشکیل می‌شدند که از نظر زبان، قومیت و مذهب با یکدیگر تفاوت داشتند. اهالی یک محل فقط از

- صفی‌نژاد، جواد. *بته، نظام‌های زراعی سنتی در ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- طالب، مهدی. *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- کاتوزیان، محمدعلی. *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۶۸.
- لمبتون، ا. اس. ک. *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ملک، حسین. *وضع کشاورزی ایران*. تهران: سازمان برنامه و بودجه، پبی کیپی، ۱۳۵۴.
- نبت، فرانسیسکو. «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کلمه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- وثوقی، منصور. *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
- ودیعی، کاظم. *مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.

مصطفی از کیا

واحد همسایگی

Neighborhood

واحد همسایگی یک مفهوم اجتماعی - شهری است که به کوچک‌ترین حوزه مسکونی در تقسیمات داخلی شهر اطلاق می‌شود (← محله شهری).

هر واحد همسایگی بخشی از یک محله مسکونی است و اصطلاح زیرمحله مناسب‌ترین مفهوم برای واحد همسایگی است. معمولاً ۳ تا ۵ واحد همسایگی و در بهترین حالت ۴ واحد همسایگی یک محله را تشکیل می‌دهند. از نظر اجتماعی، واحد همسایگی شامل مردمی است که در یک مجتمع زیستی در شهرها زندگی می‌کنند و در برخوردها و رویارویی روزانه و در برخی امور با یکدیگر مشارکت دارند.

نظر شغل و درآمد همگن بودند.

فردینالد تونایس، جامعه‌شناس آلمانی، این تغییر وضعیت از یک اجتماع هم‌پیوند با روابط نخستین فامیلی را در رابطه با جامعه (Gesellschaft) در چارچوب شهرگرایی تحلیل می‌کند و معتقد است، زندگی شهرنشینی مستلزم جدایی بین خانه و محل کار و نوع زندگی است. زندگی در شهرها با جمعیت متنوع و بزرگ و مهاجرین بیگانه‌گریزناپذیر است.

مهاجران شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ، با مسائل اجتماعی و روانی خاصی دست به‌گریبان هستند؛ در شهرها همبستگی فامیلی و قومی به‌تدریج رو به افول می‌گذارد. برای جبران این کمبود اجتماعی، روابط همسایگی جایگزین مناسبات نخستین میان افراد ساکن در یک محل می‌گردد. شرط برقراری این روابط، همگنی اقتصادی و مذهبی افراد جامعه بود. بنابراین، در شهرها واحدهای نسبتاً متوازنی از ساکنین محلی پدید آمد که اساس دوام آن بر پایه حس همسایگی بود.

اسکان جماعت‌های روستایی و شهرستانی در شهرهای بزرگ ایران نیز از همین فرایند گذر کرده، ولی هنوز به وضعیت نهایی غربت یا بیگانگی نرسیده است، هرچند جامعه شهری ایران دستخوش دوگانگی یا چندگانگی فرهنگی و اجتماعی شده است. این چندگانگی باعث جدایی‌گزینی شده، به‌طوری‌که ساکنان برحسب درآمد و اشتغال، هرکدام در بخشی از شهر سکونت می‌گزینند. در فرایند شهرنشینی مدرن، واحد همسایگی، محل زندگی گروهی از مردم است، که از نظر درآمد و اشتغال نسبتاً همگن باشند. از نظر جامعه‌شناسان شهری، واحد همسایگی یک واقعیت بوم‌شناختی و کالبدی در شهرهای صنعتی است. شکل‌گیری واحد همسایگی در شهرهای مدرن، فرایند تشکیل و رشد شهرهای نوین صنعتی را توضیح می‌دهد. حاشیه‌نشینی قومی و توسعه‌های بی‌رویه پیرامون شهرهای بزرگ نوع نامتوازن این فرایند را نشان می‌دهد. اقامت جماعت‌های مهاجر در مجموعه‌های زیستی خودانگیخته شهرها، اشکال گوناگونی دارد؛ سالم‌ترین آن اسکان یک جماعت همگن قومی - مذهبی است که

اصطلاحاً هم‌ولایتی خوانده می‌شوند. این جماعت‌های قومی علی‌رغم زندگی در شهر بزرگ، پیوندهای قومی، خویشاوندی و همیاری را در میان خود برقرار نگاه داشته‌اند. تحلیل‌گران رفتارهای اجتماعی معتقدند که پیوندهای صمیمی همسایگی برای سلامت افراد جامعه ضرورت حیاتی دارد.

واحد همسایگی در جامعه‌شناسی بر چند معنی زیر دلالت دارد: حوزه کوچک مسکونی؛ ساکنان آن حوزه؛ روابطی که میان ساکنان وجود دارد؛ واقعیت یا کیفیت نزدیکی آنان به یکدیگر.

براین اساس می‌توان گفت: واحد همسایگی عبارت است از یک حوزه مسکونی کوچک که ساکنان آن با یکدیگر روابط نزدیکی داشته و در استفاده از فضا منافع مشترک دارند.

زمینه شهرسازی واحد همسایگی

کلارنس پری انگاره واحد همسایگی را از ۱۹۲۰م، در چارچوب طرح جامع شهر نیویورک معرفی، و ضوابط آن را در تهیه طرح اعمال کرد. سپس (تقریباً در همان زمان) یک معمار شهرساز به نام کلارنس استاین و همکارش، این انگاره را به بهترین وجه در طرح یک مجتمع زیستی حومه‌ای به نام «ردبرن» (Radburn) (در ۱۶ مایلی شهر نیویورک) طراحی نمودند. این شهرک جمعیتی حدود ۲۵,۰۰۰ نفر داشت و از ۳ واحد همسایگی تشکیل می‌شد، که هر یک حدود ۸,۰۰۰ نفر جمعیت داشت. انگاره واحد همسایگی، چه از نظر برنامه‌ریزی و چه از نظر طراحی، یک نوآوری در شهرسازی بشمار می‌رفت و در تمام سده ۲۰م در طرح‌های شهری اعمال می‌گردید.

اندازه واحد همسایگی

اندازه واحد همسایگی براساس نظریه پری یک مجتمع زیستی است، متشکل از ۲,۰۰۰-۵,۰۰۰ نفر جمعیت با ۵۰۰-۱۲۰۰ واحد مسکونی، که در عرصه‌ای به شعاع ۴۰۰ متر با وسعتی حدود ۵۰ هکتار و با تراکم بین ۵۰-۱۰۰ نفر در هر هکتار امکان می‌یابد. همان‌طور که جامعه‌شناسان

واحد همسایگی

گذر پیدادگان را مراعات کنند؛ رانندگان محلی نیز به خاطر حس همسایگی این مقررات را با رضایت رعایت می‌نمایند.

واحد همسایگی به ۳ گونه پیدایش یافته‌اند:

- یکی، در درون شهرها، در چارچوب خیابانهای اصلی در داخلی بافت شهرها؛
- دوم، در بلوکها طراحی شده سکونتگاههای حومه‌ای جدید، در شهرکها و شهرهای جدید؛ و
- سوم، در قطعات خودروی شهری که سامان و نظم خاصی ندارند.



در برنامه‌ریزی و طراحی شهری (← طراحی شهری)، هنگام ساماندهی ساختارها و توزیع عملکردها، واحد همسایگی و محله را مبنای کار قرار می‌دهند. واحد همسایگی به‌عنوان کوچک‌ترین واحد برنامه‌ریزی شهری (← برنامه‌ریزی شهر)، مبنای محاسبات در تأمین خدمات عمومی و ساماندهی شبکه حمل‌ونقل و تراکم جمعیت و تراکم ساختمان قرار می‌گیرد. علاوه‌بر نیازهای خدماتی، سامانه‌های دسترسی و شبکه حمل‌ونقل مناسب و ایمن از نیازهای اساسی واحد همسایگی است.

گفته‌اند، اندازه واحد همسایگی باید به قدر کافی کوچک باشد تا روح همسایگی را تقویت کند و همچنین به اندازه کافی بزرگ باشد تا نسبتاً بتواند مستقل باشد.

واحد همسایگی در شهرکها فضایی است به شعاع ۴۰۰ متر که در بین ۴ خیابان اصلی، که اصطلاحاً آن را بلوک شهری می‌نامند، قرار می‌گیرد.

واحد همسایگی در شهرسازی، به‌صورت یک الگوی پایه از یک مجتمع زیستی معرفی می‌شود، که از ۳ عنصر مهم تشکیل یافته است:

- تعداد واحد مسکونی به اشکال خانه‌های ویلایی یا آپارتمانی؛
- تعداد واحد خدمات آموزشی، ورزشی، تفریحی و خرید؛ و شبکه خیابانهای دسترسی به واحدهای مسکونی.
- نیازهای کاملاً محلی و روزمره یک مجتمع زیستی کوچک یعنی یک واحد همسایگی متشکل از ۴ عملکرد مهم است:
- یک مدرسه ابتدایی، همراه با کودکان و مهد کودک وابسته بدان؛
- یک پارک کوچک و زمین بازی برای کودکان و نوجوانان محل؛ و
- تعدادی مغازه تأمین خدمات روزمره مواد غذایی و خشکشویی.

در الگوی نخستین واحدهای همسایگی، این مراکز خدماتی، جمعاً در مرکز واحد همسایگی مستقر می‌شدند تا از مزاحمت اتومبیل در خیابانهای اصلی در امان باشند. فاصله دسترسی به این مراکز از منتهی‌الیه واحد همسایگی ۴۰۰-۵۰۰ متر در نظر گرفته می‌شد، تا کودکان و کهنسالان با پای پیاده آن را به مدت ۱۰-۱۵ دقیقه طی نمایند و زنان خانه‌دار نیز بدون دغدغه با پیاده‌روی از خانه به مرکز خرید رفته و اجناس مورد نیاز خود را تهیه کنند. بنابراین، در طراحی واحد همسایگی مهم‌ترین هدف ایمنی ساکنان در رفت‌وآمد و امکان پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری آنهاست. شبکه داخلی خیابانها برای سرعت کم و حرکت آرام اتومبیل طراحی می‌شود؛ در محل تقاطع خیابانها و محل عبور عابرین پیاده عرض خیابانها کاهش می‌یابد تا اتومبیلها

واحد همسایگی در نظام سلسله مراتب اداری و سیاسی شهر جایگاهی ندارد و جزو نهاد بزرگ‌تری به نام محله و ناحیه شهری بشمار می‌رود. واحد همسایگی را می‌توان شبیه دهکده‌ای دانست که در یک واحد بزرگ‌تر، مانند دهستان و یا بخش قرار می‌گیرد، چنان‌که گویی شهر متشکل از تعداد متعددی ده و دهستان و بخش است که به‌صورت فشرده به یکدیگر متصل شده‌اند.

نظام واحد همسایگی در ۱۹۴۳م در طرح لندن ۲۰۰۰ ملاک برنامه‌ریزی و طراحی شهری شهر لندن قرار گرفت. در این طرح اندازه جمعیت هر واحد همسایگی ۶,۰۰۰-۱۰,۰۰۰ نفر تعیین و پایه برنامه‌ریزی شهری قرار گرفت.

در ایران مفهوم واحد همسایگی با طرح جامع تهران در ۱۳۴۹ش به‌طور رسمی وارد طرح‌های شهری ایران شد. در نخستین طرح جامع تهران، هر واحد همسایگی یک مجتمع زیستی متشکل از ۱,۰۰۰ خانوار یا ۴-۵ هزار نفر جمعیت پیشنهاد شده بود. این جمعیت در فضایی به شعاع ۵۰۰ متر با وسعتی حدود ۷۵ هکتار اسکان می‌یافت. این معیار بعد از طرح جامع تهران، در تمام طرح‌های جامع شهری ایران ملاک عمل قرار گرفت و مبنای برنامه‌ریزی و طراحی نواحی مسکونی در شهرها به حساب آمد.

بعد از انقلاب اسلامی و بهنگام تهیه طرح‌های آماده‌سازی، وزارت مسکن و شهرسازی تعریف خاصی برای واحد همسایگی به‌دست داد که بیشتر با اندازه زیرواحد همسایگی یا کوچه انطباق داشت و واحد همجواری نام گرفته بود. واحد همجواری مجموعه‌ای مسکونی حداکثر ۲۰۰ واحد برای اراضی تا ۵۰ هکتار و ۳۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۵۰-۱۵۰ هکتار و ۴۰۰ واحد برای اراضی بیش از ۱۵۰ هکتار تعریف شد.

شبکه خیابانهای داخلی یک واحد همسایگی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که مسیر ترافیک عبوری آنها مسدود گردد، اما دسترسی محلی امکان‌پذیر باشد. در برخی از واحدهای همسایگی خارج از شهرها در حومه‌ها به‌خصوص در شهرکهای ثروتمند نشین، مانند روبرن نزدیک نیویورک یا شهرک جدید کلمبیا در نزدیکی واشینگتن، شبکه ارتباطی سواره و پیاده از یکدیگر کاملاً جدا طراحی شده‌اند. خانه‌ها

از یکسو با شبکه سواره و از سوی دیگر (از سمت حیاطها)، به مسیرهای سبز پیاده (باغراه) متصل می‌شوند که مستقیماً به مراکز خرید و مدرسه محل دسترسی دارند. بدین ترتیب، پیادگان و اتومبیلها در این شهرکها به‌هیچ‌وجه با همدیگر تلاقی نمی‌کنند. این نوع واحد همسایگی بسیار آرام و بی‌سروصدا، و به همان اندازه برای جوانان و نوجوانان کسالت‌آور است. شبیه این نوع واحدهای همسایگی در ایران در نواحی شمال ایران ساخته شده است، مانند شهرک توریستی دریاکنار در بابلسر.

در دهه ۱۹۷۰م، در الگوی واحد همسایگی و اندازه شهرکهای جدید اصلاحاتی به عمل آمد. در طراحی شهر جدید میلتن کینگز (Milton Kings) در انگلستان، اندازه شهر از ۶۰ هزار نفر به ۲۵۰ هزار نفر افزایش یافت. خدمات مختص واحدهای همسایگی نیز از مرکز واحد همسایگی به حاشیه خیابانهای اصلی پیرامون آن انتقال داده شد، به‌طوری‌که با خدمات واحد همسایگی مجاور ادغام شدند، و رونق بیشتری یافتند. گرایشهای بعدی در شهرهای جدید، متمایل به ادغام ۴ واحد همسایگی در یک واحد شهری پیرامون یک خیابان مجهز بوده است. در طراحی شهرهای جدید ایران در دهه ۱۳۷۰ش این گرایش در طرح شهر جدید هشتگرد دیده می‌شود.

از ۱۹۹۰م، تحت تأثیر تغییرات بنیادی در نظام شهرسازی، به‌خصوص ترویج شهر فشرده (شهر پایدار)، توسعه متراکم مجتمعهای زیستی به‌صورت برج، ویژگیهای واحد همسایگی در کلانشهرها را دگرگون ساخت. بالا رفتن تراکم جمعیت در مجتمعهای زیستی فشرده ضرورتاً سبب شد که هر واحد همسایگی (با همان وسعت یا شعاع ۴۰۰ متر) تا ۲۰ هزار نفر جمعیت را دربرگیرد. با توجه به گرایش روزافزون به آپارتمانهای بلندمرتبه، این جمعیت به ممکن است تا ۳۰ هزار نفر نیز فزونی گیرد. این جمعیت به تنهایی برابر جمعیت ۴-۵ واحد همسایگی در الگوی سنتی تراکم کم مسکونی است.

الگوی شهرسازی در ایران نیز متمایل به واحدهای بزرگ‌تر سکونتی در حد یک محله و در کلانشهرها (← کلانشهر) در حد یک ناحیه (شهری) است. خدمات و

شهرها نیز همین چالشها وجود دارد، زیرا تلاش می‌شود، محله‌های قدیمی شهرها در چارچوب این تقسیم‌بندی ساماندهی شوند. امروزه شهرسازان پست مدرن طرفدار الگوی محله‌بندی شهرهای سنتی شده‌اند و آنچه که در مفهوم‌بندی آنها به شهرگرایی جدید (Newurbanism) مصطلح شده است، طراحی سکونتگاهی با این خصوصیات اجتماعی - اقتصادی است.

کتابشناسی:

- جولیوس گولد، ویلیام ل. گولب. فرهنگ علوم اجتماعی. ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
- سعیدینا، احمد. کتاب سبز. جلد چهارم، مراکز شهری و فضاهای مسکونی، تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۱۳۸۳.
- Gallion, A.; Eisner, Simon & Eisner, Stanly. *The Urban Pattern*. 6th ed. VNR., 1993.
- *Planning & Urban Design/ Standards*. American Planning Association, Wiley, 2006.
- Caves, R. W. (ed). *Encyclopedia of the City*. London: Routledge, 2005.

احمد سعیدینا

واحد همسایگی در شهرسازی

منظور از ایده واحدهای همسایگی صرفاً خلق موجودیتی فیزیکی در قالب بخشی از یک فرایند برنامه‌ریزی و توسعه نیست، بلکه ترجیحاً بهبود کیفیات زندگی و محیط زیست است که در واژه همسایگی طنین دارد؛ به‌عنوان مکانهایی که انواعی از نیازها و آرزوها را خیلی ساده‌تر از بقیه تأمین می‌سازند. تجربیاتی مثل ایجاد شهرکهای جدید رستون در ویرجینیا و کلمبیا در مریلند، واقع در حوزه نفوذ واشنگتن دی.سی، با طرح دوباره مفاهیم دهکده، واحد همسایگی و جامعه، همگی تأثیر بسیاری در تشویق مقیاس و مفهوم همسایگی در شهرسازی جهان غرب داشته است.

کوین لینچ شکل بصری شهرها را براساس ویژگیهایی که مکرراً از طریق تصورات ذهنی مردم شناخته می‌شدند، به ۵ گروه طبقه‌بندی کرد: راه، گره، لبه، نشانه، همسایگی یا محله. در این میان همسایگی به‌عنوان یک واحد آرمانی برای سازمان اجتماعی و سازمان دهنده دسترسی به خدمات

مغازه‌های خرید نیز به استقرار در امتداد یک خیابان مجهز در درون محله یا ناحیه مسکونی گرایش دارند. پارکها و مراکز خدماتی در واحدهای بزرگ‌تر از مقیاس واحد همسایگی مطلوبیت و کارایی بیشتری دارند. مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان برحسب اتفاق هرجا که زمین قابل تملک وجود داشته باشد، احداث می‌گردند و کمتر چنین موقعیتی در درون و به‌خصوص در مرکز واحدهای همسایگی (در بافت شهرها) برای کاربری آموزشی به دست می‌آید. بنابراین، واحد همسایگی در شهرهای ایران بیشتر گرایش به سمت محله وجود دارد.

خیابان در شهرهای ایران نقش اجتماعی و اقتصادی مهمی دارد و همه چیز مایل به استقرار در کنار آن است؛ آپارتمانها، مغازه‌ها، پارکها و انواع مراکز خرید و خدمات در بر خیابانها از رونق بیشتری برخوردارند. این خیابانها در پائین‌ترین مقیاس شهری نقش‌گنر در محلات قدیمی را دارند، که تمام عناصر عمومی و خدماتی و بازارچه محله در امتداد آن مستقر بود و همگان به یکسان بدان دسترسی داشتند. در شهرهای امروز ایران، تحت تأثیر اتومبیل، مقیاس محلات نیز بزرگ‌تر شده و تا حد یک ناحیه شهری بزرگ شده‌اند، مانند ناحیه مسکونی نارمک و یا گیشا در شهر تهران که واحدهای همسایگی آنها در حول خیابان اصلی آن مستقر شده و تمامی واحدهای خدماتی و مغازه‌ها در امتداد خیابان مرکزی یا گذر اصلی آن جمع شده‌اند. این الگو نمونه پرنشاطی را نشان می‌دهد، زیرا خیابانهای محله علاوه بر مرکز خرید به محل گردشگاه عصر مردم نیز تبدیل شده است.

یکی از موضوعات اساسی در شهرسازی، ساختن سکونتگاههای جدید روی زمین خالی در حومه شهرهاست، که در ایران به شهرک‌سازی معروف شده است. این شهرکها عموماً بر پایه نظام سلسله مراتبی، کوی، محله و بخش (یا فاز) ساخته می‌شوند. حتی در برنامه‌ریزی آنها نیز مسائلی چون زمان‌بندی ساخت، طراحی کالبدی (→ طراحی کالبدی) و سرمایه‌گذاری نیز با این تقسیم‌بندی تطبیق داده می‌شود.

در سیاستهای بازسازی، بافتهای قدیمی و فرسوده

شرکتهای محلی باید اشتغال محلی را تأمین کرده و درآمدهای ممکن را در داخل محله نگه دارند.

در دهه‌های اخیر، چنین مفاهیمی در مورد واحد همسایگی به تدریج به شکل مجموعه قواعد جدیدی برای توسعه شهرهای معاصر نظم یافته‌اند. یکی از کامل‌ترین این قواعد اصول شهرسازی جدید در اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰م در امریکاست. جوابهای ساده‌ای که شهرسازی جدید به مشکلات شهرهای مدرن و زونینگ عملکردی می‌دهد، بر یک اصل ساده قرار دارد: برنامه‌ریزی و طراحی جوامع باید بر ارزشهای عمومی بیش از ارزشهای خصوصی

عمومی تعریف می‌شود. همسایگیها قسمتهایی از شهر هستند که به سبب خصوصیات مشترکی که دارند، کاملاً توسط مردم قابل شناخت است، به صورتی که فرد به طور ذهنی ورود به آن و خروج از آن را حس می‌کند. سیمای همسایگیها را همواره می‌توان از درون آنها تمیز داد.

لینچ بعدها مفهوم نظارت و معنی دار بودن را به عنوان معانی بسیار مهم همسایگی معاصر به خصوصیات قبلی افزود، زیرا محله دیگر آن فضایی نیست که اهالی آن همدیگر را به این علت که در همسایگی یکدیگر زندگی می‌کنند، بشناسند، بلکه فضایی است که برای همه تعریف



اهمیت دهد. واحد اصلی برنامه‌ریزی در شهرسازی جدید واحد همسایگی است. کیتز اصول مهم شهرسازی جدید را معرفی می‌کند:

• مرکز هر همسایگی باید به وسیله یک فضای عمومی تعریف و به وسیله فعالیت‌های شهری محلی و خدمات تجاری فعال شود. این مکانهای مرکزی نباید به حاشیه

شده است و جامعه ساکن در آن، بهنگام احساس خطر، به راحتی دور یکدیگر جمع می‌شوند. این جوامع در مورد تصور محدوده‌ها و مشخصات یکنواخت محله خود، اغلب توافق نسبتاً خوبی دارند. علاوه بر اینها، طرفداران کوچک بودن و عدم تمرکز شهرها نیز بر این نکته اصرار دارند که محلات از نظر اقتصادی نیز باید فعال باشند؛ یعنی

دسترس خواهد بود. در نزدیکی مناطق تجاری، مخلوطی از خانه‌های کوچک تک‌خانواری، ۲ طبقه، خانه‌های ردیفی و آپارتمانها جای می‌گیرند و متناسب با نوع خانوارها، به افراد مجرد، انواع خانواده‌ها، دانشجویان و سالمندان اختصاص می‌یابد. انواع خانه‌ها باید به‌صورت خوشه‌ای در اطراف پارکها قرار گیرند که آنها نیز با فضاهای بزرگ‌تر عمومی و خدمات روزمره اتصال دارند.

محل سنتی

واحد همسایگی سنتی واحدهایی هستند که متناسب با شرایط محلی سازماندهی می‌شوند. برای این واحد همسایگی شعاع عملکردی کمتر از ۱/۴ مایل پیشنهاد شده است. اغلب خانه‌ها در حوزه ۳ دقیقه پیاده‌روی از پارک محلی همسایگی و ۵ دقیقه پیاده‌روی از میدان اصلی و عمومی همسایگی قرار می‌گیرند. سالن اجتماعات، مهد کودک، ایستگاه اتوبوس و مغازه‌ها در این مرکز قرار دارند. هر واحد همسایگی شامل انواع خانه‌ها برای انواع خانوارها با درآمد مختلف است. فضاهای باز عمومی مثل فضاهای سبز، میدانها و پارکها اهمیت زیادی دارند و آنها نیز در مرکز اصلی همسایگی قرار دارند. کاربریهای تجاری و خدمات عمومی، مثل مدارس، کلیساها و غیره در مجاورت این فضاها قرار دارند. مکان و شکل این فضاها باید متمایز و قابل تعریف باشند. خیابانها به‌صورت راحت، ایمن و جالب برای پیاده‌روی طراحی می‌شوند. پیاده‌روی روش اصلی دسترسی به انواع مقصدها خواهد بود.

در انگلستان در خلال دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م، پروژه‌ای تحت عنوان نیروی شهر ویژه، دستورالعملهای فیزیکی دقیقی را برای فائق آمدن بر تنزل کیفیت شهری و ارتقاء جامعه شهری تنظیم کرد. در این دستورالعمل ایده واحد همسایگی به‌عنوان واحد اجتماعی و فیزیکی به‌عنوان پایه اصلی مطرح شده است.

این ایده یک ساختار شهری (← ساختار شهری) چند مرکزی را پیشنهاد می‌کند که در آن هر شهر، شهرک یا واحد همسایگی، جامعه‌ای متمایز در شبکه‌ای سلسله مراتبی از جوامع است که در برخی خدمات مشترک هستند.

لبه‌های واحد همسایگی کشیده شوند. شکل و تصور ذهنی آنها باید به‌وسیله شکل ساختمانهای پیرامونی و معماری و الگوهای خیابانها تقویت شود؛

• هر همسایگی باید انواع خانواده‌ها و کاربریها را در خود جای دهد. واحد همسایگی جایی برای زندگی، خرید و کار است. باید انواع متنوعی از ساختمانها را برای سازگاری با این فعالیتهای متنوع دربر داشته باشد. ساختمانها باید به اندازه کافی و به سهولت برای سازگاری با کاربریهای مختلف انعطاف‌پذیر باشند؛

• خودروهایی شخصی باید در دید قرار داشته باشند. الگوهای کاربری زمین، طرح خیابان و تراکمها باید امکان پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و تردد انواع وسایل نقلیه عمومی را به‌خصوص در مسیرهای معمول سفرهای روزمره فراهم آورند. خیابانها باید برای عابرین پیاده امن، جالب و راحت باشند. بنابراین، بهبود جریان تردد خودروها تنها یکی از ملاحظاتی است که در تسطیح خیابانها و طراحی همسایگیها به کار می‌رود؛ و

• معماری باید با توجه به‌شکل ساختمانهای پیرامون، فضاها و سنتهای محلی شکل بگیرد. ساختمانها نباید به‌صورت اجسامی جدا از محیط پیرامون درک شوند، بلکه باید در تعریف فضایی خیابانها، پارکها، فضاهای سبز، حیاطها و سایر فضاهای باز شرکت داشته باشند.

محل ایستگاه محور

محل‌ای است شامل یک مجموعه متراکم، فشرده و متنوع از مغازه‌ها، خانه‌ها و اداره‌ها که پیرامون یک ایستگاه اصلی حمل‌ونقل عمومی توسعه می‌یابد. این مجموعه می‌تواند ۲,۰۰۰ خانه، فضای تجاری، پارکها و مدرسه‌ها و خدمات روزمره را شامل شود که همه در حوزه ۱/۴ مایلی ایستگاه حمل‌ونقل و در مساحت ۱۲۰ جریب غربی توزیع شوند. نزدیک‌ترین فضاها به ایستگاه، به فعالیتهای بازرگانی و خدمات تجاری، اداره‌ها، رستورانها، مجموعه‌های ورزشی و تندرستی، تسهیلات فرهنگی و استفاده‌های عمومی، کارباییها و مراکز تفریحی اختصاص خواهد داشت. این خدمات با فواصل پیاده برای همه ساکنان و عابرین در

وزارت جهاد سازندگی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش نقطه عطف تغییر در جهت گیری نسبت به فرایند توسعه و عمران ملی و توجه خاص به روستاها و مناطق محروم کشور بود. پس از قطعی شدن استقرار نظام جمهوری اسلامی در فروردین ۱۲۳۵۸ش، مرحله تشکیل و تثبیت نظام آغاز گردید و مهم ترین اولویت آن به نام سازندگی به ویژه در روستاها و مناطق محروم کشور مورد توجه قرار گرفت. رهبر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، در پیام تاریخی مورخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ش خود در خصوص تشکیل جهاد سازندگی، این اولویت را به روشنی بیان فرمودند. فزاهایی از این پیام بدین قرار است: «ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت، ملتی که بحمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت، بحمدالله مراحلی را که بسیار اهمیت داشت، پشت سر گذاشتیم. موانع مرتفع شد، خائنین رفتند و اگر تتمه ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ شکست، پشت آن دیوار، خرابیها زیاد هست و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم... دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسیین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است، بسازند. از این جهت باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسیین و متخصصین، شهری و دهاتی همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است، بسازند. البته آن جاهایی که بیشتر خرابی هست، مثل آنجاهایی که روستاها، جاهایی که مسکن عشایر هست، دهات دورافتاده که تقریباً هرکدام از گروهها می آیند شکایت از وضعیتشان دارند، می گویند، برق نداریم، خانه نداریم، آسفالت نداریم، بهداشتی نداریم و همه هم صحیح می گویند... ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند

هریک از این همسایگیها (بسته به مقیاس منطقه شهری) حول یک مرکز شهرک، ناحیه شهری یا مرکز محله گرد آمده اند و در درون هر یک، مردم می توانند به طور پیاده به اغلب تسهیلات و خدمات روزمره مورد نیاز خود دسترسی یابند. محدوده این جوامع با فواصل پیاده یا حوزه پیاده پیرامون مرکز تعریف می شود که معمولاً شعاع حدود ۸۰۰ متر از مرکز، معادل ۱۰ دقیقه پیاده روی را دربر می گیرد. این جوامع در برخی از طرحهای اخیر به عنوان دهکده های شهری خوانده شده اند که به عنوان رویکردی مهم برای ایجاد محلاتی موفق و پایدار بسط یافته است.

کتاب شناسی:

- اوستروفسکی، واتسلاف. *شهرسازی معاصر، از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن*، ترجمه لادن اعتضادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- چین، دیوید. *آفرینش محلات و مکانها در محیط انسان ساخت*، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- لینچ، کوین. *تنوری شکل خوب شهر*، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- لینچ، کوین. *سیمای شهر* (مرحوم) منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- Broadbent, G. *Emerging Concepts in Urban Space Design*. London & New York: Van Nostrand Reinhold, 1990.
- Girling, S. and Helphand, K. *Yard-Street-Park, the Design of Suburban Open Space*. New York, Chichester: John Wiley & Sons, 1994.
- Katz, P. *The New Urbanism, Toward Architecture of Community*. McGraw Hill, Inc., 1994.
- Lord Rogers of Riverside. *Towards an Urban Renaissance*. London: E & Fn spon, 1999.
- Neal, P. *Urban Villages and the Making of Communities*. London and New York: Spon Press, 2003.
- Stein, C.S. *Towards New Tows for America*. Massachusetts: MIT Press, Cambridge, 1966.
- Thomas, R. (ed). *Sustainable Urban Design, an Urban Approach*. London and New York: Spon Press, 2003.

شهرزاد فریادی

و مقررات دست‌وپاگیر و به‌طور غیرمتمرکز اقدام می‌نماید. بدینسان وظایف جهاد سازندگی روستاها در ۴ بند به قرار ذیل تعیین شد:

- تأکید بر ابعاد معنوی و مادی رشد، مخصوصاً برای پاسخگویی به نیازهای نقاط و روستاهای محروم؛
- تهیه و تصویب طرحهای لازم که مستقلاً و یا با حسن همکاری ادارات و سازمانهای دولتی و خصوصی، ولی با مسئولیت و اعتبارات خود به اجرای آنها اقدام خواهد کرد؛
- همکاری با ادارات در اجرای طرحها و انجام وظایف آنها و ایجاد تحرک و تحول در آنها؛ و
- تهیه و پیشنهاد طرحهای ضروری که در صورت تصویب دولت، جهاد سازندگی برای اجرای آنها با ادارات و سازمانهای دولتی همکاری خواهد کرد. اجرای این طرحها با مسئولیت دولت است.

سازمان کار و تشکیلات جهاد سازندگی به‌نحوی طراحی شده بود که در یک فرایند مشارکتی از سطح ملی تا سطح شهرستان گسترش می‌یافت. ارکان جهاد سازندگی عبارت بودند از:

- مرکز جهاد سازندگی در تهران؛
- مراکز جهاد سازندگی در استانها؛ و
- مراکز جهاد سازندگی در شهرستانها.

هریک از سطوح فوق، شورا، هیئت اجرایی و واحدهای اجرایی و تخصصی داشتند. وظایف اجزاء تشکیل‌دهنده هر سطح به تفکیک روشن شده بود و به‌تدریج از کارکرد سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در سطح ملی و استان تا اجرای مستقیم پروژه‌ها در سطح شهرستان و دهستان امتداد می‌یافت. در هر شهرستان حداقل ۴ گروه تخصصی شامل: گروه فرهنگی؛ گروه بهداشتی و درمانی؛ گروه کشاورزی و اقتصادی و گروه عمرانی فعالیت می‌کردند که وظایف و ساختار معینی داشتند و مستقیماً زیر نظر هیئت اجرایی شهرستان و استان عمل می‌کردند.

فراگیری فعالیت‌های جهاد سازندگی روستاها از فلسفه تشکیل آن که ریشه در رویکرد عدالت محوری نظام اسلامی داشت، نشأت می‌گرفت. این جهاد فراگیر برای آن شکل گرفت تا محرومیت‌های مختلف موجود در روستاها و

و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند... شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد، بلکه من می‌خواهم از اشخاصی که برای زیارتها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می‌خواهند بروند، لیکن به‌طور استحباب می‌خواهند بروند، من می‌خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می‌خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می‌خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید، امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید، نیست و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند.» جهاد سازندگی با حرکت خودجوش قشرهای مختلف به‌ویژه جوانان تحصیلکرده و براساس راهبرد تعیین شده از سوی رهبر انقلاب اسلامی آغاز شد. در بدو امر حضور جهادگران در روستاها و مناطق محروم کشور با کمک به روستائیان در انجام به موقع فعالیت‌های جاری تولیدی، نظیر برداشت محصول نمایان گردید؛ در پی آن، دامنه فعالیتها به سرعت به دیگر حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و به‌ویژه زیربنایی، نظیر احداث راه، تأمین آب آشامیدنی، تأمین حامل‌های انرژی نظیر برق و سوخت و غیره گسترش یافت. فراگیری و سرعت زائدالوصف فعالیت‌های متنوع جهادگران، مسئولان امر را بر آن داشت تا با سازماندهی مناسب این حرکت انقلابی، دامنه اثرگذاری آن را گسترش دهند. براین‌اساس، شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۷، اساسنامه طرح جهاد سازندگی روستاها را به تصویب رساند. بر مبنای این اساسنامه، هدف از جهاد سازندگی بسیج امکانات و استعداد‌های مردم و دولت برای همکاری در امور تهیه و اجرای مؤثر و سریع طرح‌های سازندگی و احیای جامعه در کلیه ابعاد معنوی و مادی آن با توجه و تأکید بر نیازهای روستاها و نقاط دورافتاده مملکت تعیین گردید. در اساسنامه مذکور تصریح شده است که جهاد سازندگی برای نیل به اهداف خود از طریق مشارکت و همکاری افراد و گروه‌های معتقد به انقلاب اسلامی ایران و با همکاری ادارات ذی‌ربط و سازمان‌های داوطلب و با الهام از ارزش‌های اصیل و متعالی اسلام و با به کار گرفتن مقررات و دستورالعمل‌های ساده و سریع و به دور از ضوابط

مناطق محروم را که منجر به ایجاد شکاف میان شهرها و روستاهای کشور شده بود، برطرف سازد. ویژگیهای بارز جهادگران و مدیریت جهادی که از بدو تشکیل بر آن حاکم بود و تا سالها ادامه یافت، عبارت بود از:

- توجه خاص به جلب رضایت خداوند در مسیر خدمت به مستضعفان و محرومان روستایی؛
- همراه شدن با روستائیان و زندگی در روستاها که امکان ارائه خدمات بهتر را فراهم می‌ساخت؛
- مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی عمیق در سطوح مختلف برای برنامه‌ریزی و انجام فعالیتهای اجرایی؛
- گذر از مقررات پیچیده و دست‌وپا گیر اداری و برقراری نظم و انضباط جدید کار بر پایه ارزشهای دینی، کرامت انسان و ارجحیت انجام خدمت بر کسب قدرت؛ و
- کنار گذاشتن منافع مادی حاصل از کار و گاه انجام هزینه‌های شخصی برای خدمت‌رسانی به روستائیان.

جهادگران که از قشرهای مختلف جامعه، به‌ویژه دانشجویان و متخصصان انقلابی بودند، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با تشکیل ستادهای پشتیبانی جنگ، به کمک رزمندگان نیروهای مسلح شتافتند و خدمات ارزشمندی در زمینه مهندسی رزمی ارائه کردند، تا آنجا که به «سنگرزبان بی‌سنگر» معروف شدند. در این هنگام ارائه خدمات مختلف به روستائیان، به‌ویژه در زمینه‌های عمران روستایی به‌عنوان رسالت اصلی جهاد، همچنان ادامه یافت.

در اساسنامه تشکیل جهاد سازندگی روستاها، پیش‌بینی شده بود که این حرکت پس از رفع محرومیتها و نیازهای موجود و در شرایط مناسب می‌تواند با تصمیم هیئت‌وزیران پایان پذیرد. شرایط حاکم بر کشور منجر به تشکیل وزارت جهاد سازندگی در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۸ ش. شد. وزارت جدید که شکل کامل‌تری از جهاد سازندگی روستاها در چارچوب قوانین و مقررات اداری کشور بود، از تجمیع برخی وظایف بخش کشاورزی، نیرو، راه و بهداشت و درمان کشور شکل گرفت و جهاد سازندگی روستاها نیز به این وزارت منضم شد. وظایف وزارت جهاد سازندگی عبارت بود از:

- حرکت به‌سوی استقلال و خودکفایی کشور، همراه با تلاش در جهت بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی روستاها و

مناطق عشایری از طریق توسعه کشاورزی، دامداری، صنایع روستایی و بازسازی ویرانیها با همکاری دستگاههای اجرایی مربوط و اقشار مختلف مردم؛

- ایجاد زمینه جهت رشد شخصیت والای انسانی روستائیان از طریق مشارکت و نظارت آنان در فعالیتهای روستایی؛ و
- بسیج اقشار مردم جهت سازندگی روستاها و فراهم کردن امکان تلاش برای نیروهای مؤمن و ایثارگر جامعه و رشد و تکامل آنها.

با تشکیل وزارت جهاد سازندگی، حرکت سازندگی روستاها با حفظ روحیه جهادی و توجه بیشتر به عمران روستایی، تولیدات دامی و صنایع روستایی در چارچوب نظام اداری کشور ادامه یافت، تا اینکه این وزارت در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۶ ش با وزارت کشاورزی ادغام و وزارت جهاد کشاورزی شکل گرفت (← وزارت جهاد کشاورزی).

کتاب‌شناسی:

- روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی (سابق). «پیام حضرت امام خمینی به ملت ایران در مورد تشکیل جهاد سازندگی در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۶ ش»، تهران، ۱۳۵۸.
- شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران. *اساسنامه طرح جهاد سازندگی روستاها*. تهران، ۱۳۵۸.
- وزارت جهاد سازندگی (سابق). *قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی*. تهران، ۱۳۶۲.

جانعلی بهزادنسب

وزارت جهاد کشاورزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اتخاذ رویکرد جهادی در عرصه سازندگی کشور نخست با فرمان رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (س) در خصوص ایجاد جهاد سازندگی روستاها صورت پذیرفت. فراز دوم این رویکرد و روحیه مجاهدت، طی سالهای جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ش)، تبلور یافت. با پایان جنگ، نیاز به بازسازی خرابیهای ناشی از آن و جبران عقب ماندگیهای تاریخی

وزارت جهاد کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی «با کلیه اختیارات و وظایفی که وزارتخانه‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مختلف دارا بوده‌اند»، تشکیل شد.

مطابق ماده ۲ قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲۵ ش وظایف تفصیلی این وزارتخانه را در ۶ حوزه ذیل تعیین و تصویب کرد:

- سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت؛
- امور پژوهشی، آموزش و ترویج؛
- امور منابع طبیعی و آبخیزداری؛
- امور زیربنایی کشاورزی و توسعه روستایی؛
- امور کشاورزی، دام و آبزیان؛ و
- امور حمایتی.

وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی که تداوم بخش رویکرد جهادی در فرایند توسعه، به‌ویژه در بخش کشاورزی خواهد بود، نشانگر آن است که وظایف اجرایی زیربخشهای کشاورزی در یک مجموعه سازماندهی شده است، اما در ارتباط با توسعه و عمران روستایی، به مؤلفه‌های «سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، اتخاذ تدابیر و سازوکارهای لازم» به‌صورت کلی و بدون ذکر سازوکارهای اثربخش آن اکتفا شده است. همچنین هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۲ ش تصویب نمود که «کلیه وظایف، اختیارات، نیروی انسانی، تعهدات و اعتبارات مربوط به راه روستایی، برق روستایی و کشاورزی، آب و فاضلاب روستایی و بهسازی روستاها از وزارت جهاد کشاورزی منتزع و به‌ترتیب به وزارتخانه‌های راه و ترابری، نیرو و مسکن و شهرسازی ملحق و شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی به وزارت نیرو وابسته می‌شود».

تغییرات ساختاری صورت گرفته در فرایند تشکیل وزارت جهاد کشاورزی نشان داد که:

هدف عمده این امر، یعنی ایجاد تحرک و پویایی بیشتر در تولید محصولات کشاورزی با استفاده از رویکرد جهادی به مدیریت و کار اجرایی، تا حد زیادی تأمین شده است. یکی از نشانه‌های این موضوع دستیابی کشور به خودکفایی در تولید گندم مورد نیاز است که در ۱۳۸۳ ش محقق شد و برنامه‌هایی برای توسعه تحقیقات، خودکفایی در تولید

کشور ضرورت تلاش مضاعف و پویا توأم با برنامه‌ریزی خردمندانانه و آینده‌نگر را بیش از پیش متجلی ساخت. بسیج امکانات و نیروها برای سازندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب نظام اداری موجود با رویکرد تسریع در فعالیتهای مهم‌ترین خصیصه نظام اداری و برنامه‌ریزی کشور پس از پایان جنگ بود. در این روند، توسعه و عمران روستاها مورد توجه همه دستگاههای دخیل در تحولات روستاها به‌ویژه وزارت جهاد سازندگی (← وزارت جهاد سازندگی) در عرصه عمران روستایی (← عمران روستایی در ایران)، دام و آبزیان، صنایع و منابع طبیعی و وزارت کشاورزی در زمینه دیگر تولیدات بخش کشاورزی بود.

غلبه بخشی‌نگری در نظام اجرایی، قرابت و نزدیکی مأموریت‌های اجرایی ۲ نهاد جهاد سازندگی و کشاورزی در روستاها و رویکرد نظام اجرایی به‌سوی عدم گسترش تشکیلات دولت و حتی کوچک‌سازی آن، بستری لازم برای ادغام وزارتخانه‌های جهاد سازندگی و کشاورزی را فراهم ساخت. اولین نشانه ادغام این ۲ وزارتخانه، تصویب قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۷۹-۱۳۸۴ ش) بود. بند ۵ ماده ۲ این قانون بر «عدم گسترش تشکیلات دولت با تأکید بر کوچک‌سازی دولت از سطوح پائین هرم تشکیلات، از طریق تجمیع کلیه فعالیتهای مربوط به یک وزارتخانه (به‌جز شرکتهای مستقل) در سازمان استانی واحد» تأکید داشت. براساس این ضوابط باید ترتیبی اتخاذ می‌شد تا «امور انرژی؛ امور کشاورزی، دام، توسعه و عمران روستایی؛ امور صنعت و معدن؛ در ۳ وزارتخانه تجمیع شود».

در چارچوب اجرای مفاد قانون برنامه سوم توسعه و «در راستای اصلاح و بهسازی تشکیلات دولت و به‌منظور فراهم آوردن موجبات توسعه پایدار کشاورزی و منابع طبیعی و افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی در جهت امنیت غذایی، رشد سرمایه‌گذاری، عمران و توسعه روستاها و مناطق عشایری و در جهت انسجام بخشیدن به برنامه‌ها و سیاستها و رعایت پیوستگی وظایف و استفاده بهینه از امکانات و نیروی انسانی موجود»، وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی ادغام شدند و از ترکیب آنها

محصولات راهبردی و توسعه منابع انسانی، فناوری و سرمایه‌گذاری در این بخش نیز تدوین گردید؛ غلبه بخشی‌نگری در نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور منجر به پراکنده شدن فعالیتهای عمران روستایی میان دستگاههای اجرایی مختلف گردید؛ مقوله فرباختی توسعه روستایی در قالب وظایف کلی نرم‌افزاری در چارچوب وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی درج گردید، اما برای عملیاتی شدن این موارد سازوکار و اختیارات لازم پیش‌بینی نشد؛ خلأ ساختاری در این عرصه منجر به آن شد که در ماده ۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیش‌بینی شود، «سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، راهبری و نظارت در امور توسعه روستایی زیر نظر رئیس جمهوری انجام گیرد» (← وزارت جهاد سازندگی).

کتاب‌شناسی:

- بهزادنسب، جانعلی. جهاد سازندگی و چالش‌ها فرا روی آن. اداره کل بهسازی روستاها (سابق)، جزوه داخلی، ۱۳۷۸.
- سازمان برنامه و بودجه (سابق). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۹.
- وزارت جهاد سازندگی (سابق). قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی. اداره کل روابط عمومی، ۱۳۸۰.
- ریاست جمهوری. مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. معاونت پژوهش، تدوین و تفتیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۳.
- وزارت جهاد کشاورزی. مجموعه قوانین و مقررات وزارت جهاد کشاورزی. معاونت توسعه منابع انسانی و امور مجلس، ۱۳۸۶.

جانعلی بهزادنسب

وزارت کشور

وزارت کشور به‌منظور فراهم نمودن موجبات حفظ و امنیت در سراسر کشور و تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی و اجرای

سیاست عمومی دولت به‌منظور پیشبرد برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، با استفاده از مشارکتهای عمومی و نظارت بر اداره امور مناطق کشور، از طریق استانداران، فرمانداران و بخشداران و همچنین شناسایی و تعیین هویت افراد و رفع بحرانهای ناشی از حوادث و وقایع غیرمترقبه، تأسیس شده است.

این وزارت دارای ۷ معاونت و ۳۵ اداره کل و دفتر کل است.

وزیر کشور، جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی است و سازمان ثبت احوال کشور و سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و نیز شورای عالی استانها جزو سازمانهای تابعه وزارت کشور هستند.

حوزه وزارتی

دفتر وزارت

وظایف این دفتر انجام امور مقام وزارت، اعم از مکاتبات، ارجاعات، ملاقاتها و ابلاغ دستورات صادره به معاونان و مشاوران، رسیدگی به امور مراجعان حوزه وزارت و راهنمایی آنان به واحدهای ذی‌ربط، تهیه و تنظیم و ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورات صادره از سوی وزیر کشور، ایجاد هماهنگی و ارائه اطلاعات لازم به یگان انتظامی و واحد حراست از نظر پیش‌بینیهای حراستی، انجام تشریفات و پذیرائیهای مربوط به دفتر مخصوص مقام وزارت است.

دفتر روابط عمومی

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از برقراری ارتباط مؤثر بین رسانه‌های گروهی در راستای انجام مأموریتهای اصلی وزارت کشور، برقراری ارتباط متقابل میان مردم و مسئولان، تحلیل محتوای روزانه مطالب انتقادی و گزارشهای مطبوعات و رسانه‌ها درخصوص وزارت، انجام امور دبیرخانه‌ای شورای اطلاع‌رسانی وزارت، ارتباط مستقیم و مستمر با مردم و بررسی دیدگاهها و سنجش افکار عمومی، اداره کتابخانه وزارت کشور و برپایی نمایشگاههای کتاب، پوستر، عکس و اسلاید، برنامه‌ریزی

اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی

وظایف این اداره کل از جمله عبارت است از رسیدگی و نظارت بر کلیه امور مربوط به اتباع و مهاجرین خارجی، اعم از پناهندگان، آوارگان، معاودان، رانده‌شدگان و دیگر اتباع کشورهای، بر اساس قوانین و مقررات مربوط و تصمیمات اتخاذ شده در شوراها و کمیته‌ها و ستادهای ذی‌ربط، نظارت بر کلیه امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی پناهندگان و اتباع خارجی رسمی در سطح کشور، با توجه به قوانین و مقررات مربوط و اتخاذ تصمیمات مقتضی در موارد لازم، انجام کلیه امور بین‌المللی مربوط به آوارگان، پناهندگان، معاودان و رانده‌شدگان، شرکت در سمینارها و کنفرانسهای بین‌المللی، جذب، ترخیص، نگهداری و تهیه طرح و توزیع کمکهای اهدایی از سوی سازمانهای بین‌المللی به پناهندگان، تهیه درخواست بودجه مربوط و برنامه‌ریزی لازم جهت تخصیص و تهیه دستورالعمل نحوه هزینه آن در سراسر کشور، بررسی و پیشنهاد طرحهای اشتغالزا در داخل مهمان‌شهرها و نظارت بر حسن اجرای آنها و بررسی و موافقت با جابه‌جایی و نقل و انتقال اتباع خارجی در داخل مهمان‌شهرها.

مرکز آموزش سیاسی

وظایف این مرکز فراهم ساختن موجبات تأمین و تربیت و تجهیز نیروی انسانی شاغل در وزارت و استانداریها، بالا بردن سطح تخصصها، مهارتها، کارایی و تواناییهای فنی کارکنان و مسئولان سطوح مختلف، از طریق برنامه‌ریزی و فراهم ساختن موجبات برگزاری و تشکیل دوره‌های آموزشی، برقراری ارتباط مستمر با مرکز آموزش مدیریت دولتی و مؤسسات و مراکز علمی و آموزشی به منظور کسب تجارب و آگاهی از یافته‌های جدید در زمینه امور آموزشی است.

مرکز اطلاعات و اخبار

وظایف این مرکز از جمله عبارت است از فراهم نمودن زمینه‌های مناسب برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، به نحوی که برای مدیران سطوح مختلف قابل

برای انعکاس مطلوب خبرها، رویدادها، مواضع و دیدگاهها از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی، پاسخ به سؤالات شهروندان از طریق تلفن گویا و واحد ارتباط مردمی، برنامه‌ریزی در راستای ایجاد گسترش شوراها و هماهنگی روابط عمومی استانداریهای سراسر کشور.

دفتر بازرسی و پاسخگویی به شکایات

وظایف این دفتر دریافت شکایات واصله از اشخاص حقیقی و حقوقی و بررسی پیرامون صحت و سقم موارد شکایات و پیگیری موضوع تا اخذ نتیجه نهایی و پاسخگویی به شاکی، رسیدگی به شکایات مندرج در مطبوعات در زمینه‌های مربوط پس از حصول اطمینان از صحت مفاد آن و پاسخگویی از طریق روابط عمومی و دستگاه مربوط، برقراری ارتباط با سازمان بازرسی کل کشور و ایفای وظیفه مندرج در ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ مجلس شورای اسلامی، اعلام موارد تخلفات اداری کارکنان و مسئولان دولتی شاغل در وزارتخانه است.

دبیرخانه هیئت مرکزی گزینش

وظایف این دبیرخانه نظارت بر مراحل گزینشی کارکنان وزارت کشور، پیگیری شکایات و گزارشات واصله در رابطه با امر گزینش، تهیه و تنظیم برنامه‌های تبلیغاتی، ارشادی و آموزشی برای مجریان امر گزینش و داوطلبان ورود به خدمت در وزارت است.

هسته گزینش

وظایف هسته گزینش، اجرای دستورالعملها و بخشنامه‌های هیئت عالی گزینش و هیئت مرکزی مربوط، بررسی و تعیین صلاحیت عقیدتی، سیاسی و اخلاقی متقاضیان ورود به خدمت، حفاظت و نگهداری اطلاعات جمع‌آوری شده در رابطه با گزینش افراد به صورت محرمانه، انجام اقدامات لازم در زمینه امور پرسنلی و دبیرخانه هسته، نظارت بر اجرای امتحانات داوطلبان ورود به خدمت و وزارت است.

هماهنگی با مراجع نظام، علما و روحانیون، ائمه جمعه و جماعت در جهت تبادل نظر و تبیین دیدگاهها، شناخت تشکلهای مذهبی در مراکز استانها، حوزه علمیه و طلاب علوم دینی و برقراری ارتباط مناسب به منظور تبادل نظرهای لازم، بررسی خطبه‌ها و نقطه نظرات ائمه جمعه در امور سیاسی و اجتماعی و تحلیل کارشناسی به منظور ارائه به مقام عالی وزارت و سایر سطوح مدیریت.

معاونتهای وزارت کشور

معاونت امنیتی و انتظامی

وظایف معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، شامل حفظ امنیت و استقرار نظم در کشور، نظارت بر اجرای مأموریت‌های نیروی انتظامی محوله از سوی فرماندهی معظم کل قوا، انجام امور دبیرخانه شورای امنیت کشور، بررسی و اعلام نظر در خصوص انتصاب رده‌های فرماندهی و بالا، انجام امور مربوط به مأموریت‌های خارج از کشور نیروی انتظامی (از قبیل اینترپول) و نظارت و مراقبت از مرزها و جلوگیری از تخلفات و جرائم اجتماعی، برقراری و حفظ امنیت در اجرای انتخابات سراسری و سیاستگذاری در بودجه‌های امنیتی - انتظامی است. این معاونت دارای ۳ اداره کل امنیتی، امور انتظامی و امور مرزی است.

اداره کل امنیتی. وظایف این اداره کل، نظارت بر اجرای مأموریت‌های نیروی انتظامی، بررسی مسائل امنیتی و انتظامی استانها، بررسی کارشناسی در امر تعیین رده امنیتی شخصیتها، سیاستگذاری در امور امنیت و عمران مرزها، حفظ امنیت در اجرای انتخابات سراسری و سیاستگذاری در بودجه امنیتی است. این اداره کل دارای ۵ اداره اطلاعات و اخبار، امور استانها، دبیرخانه طبقه‌بندی اسناد و آرشیو، اداره طرح و برنامه و اداره امور اجرایی است.

اداره کل امور انتظامی. وظایف این اداره کل، مطالعه و بررسی به منظور سیاستگذاری در امور تأمین و جذب پرسنل نیروی انتظامی، رسیدگی به گزارشات و شکایات واصله به نیروی انتظامی، بررسی مسائل انتظامی استانها و نظارت بر بودجه انتظامی استانها، ایجاد هماهنگی با وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نظارت بر اجرای فعالیتهای مربوط

بهره‌برداری باشد، انتشار خبرنامه‌های حاوی روند شکل‌گیری وقایع و رویدادها، تحلیلها و نقطه نظرات رسمی وزارت و ارسال آنها برای مقامات مسئول، فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم به منظور تبیین مواضع و دیدگاههای رسمی وزارت کشور درباره مسائل و موضوعات داخلی، از طریق سخنگوی وزارت.

دفتر مرکزی حراست

جمع‌آوری اخبار و اطلاعات پیرامون کادر مرکزی و واحدهای وابسته و تابعه و حفاظت از آنها در قبال خطرات ایجاد شده توسط عوامل مخرب، بررسی و شناسایی عوامل احتمالی ایجاد بحران در حوزه مأموریت، بررسی و صدور کارت شناسایی و تردد جهت پرسنل حوزه مرکزی وزارت و مقامات سیاسی استاندارها، فرماندارها و بخشدارها، انجام کلیه امور دبیرخانه‌ای محرمانه، اعم از دریافت نامه‌ها و مرسولات، ثبت، تایپ و ارسال مراسلات داخلی و خارجی، الصاق سوابق، بایگانی و نگهداری سوابق، برقراری کشیک حفاظتی جهت انجام امور اداری محرمانه پس از پایان وقت اداری و اوقات تعطیل در حوزه مرکزی و اعمال مقررات مربوط در سازمانها و ادارات وابسته و تابعه، از جمله وظایف این دفتر است.

مشاور امور ایثارگران

وظایف مشاور امور ایثارگران بررسی و شناخت مسائل و مشکلات ایثارگران دستگاه مربوط و اولویت‌بندی نیازهای آنان، شرکت فعال در جلسات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط با امور ایثارگران، ایجاد ارتباط با نهادهای متولی امور ایثارگران و سایر دستگاههای ارائه‌کننده خدمات به آنان به منظور بهره‌مندی ایشان از خدمات و مزایای قانونی مقرر، ارائه اطلاعات تخصصی به وزیر در مورد مسائل مرتبط با ایثارگران در زمینه قوانین و مقررات و خط‌مشی امور آنان است.

مشاور امور روحانیون

وظایف این مشاور عبارت است از برقراری و ایجاد

طرحهای اجرایی انتخابات، زمانبندی انتخابات بر اساس قوانین، برآورد اعتبارات نیروی انسانی مورد نیاز، طراحی نمونه اوراق رأی و تعرفه و مهرهای انتخاباتی، تهیه شناسنامه انتخاباتی شهرستانها، اخذ اسامی و مشخصات داوطلبان نمایندگان، صدور شروع و پایان زمان اخذ رأی، نظارت بر حسن اجرای انتخابات، اخذ نتایج انتخابات و اعلام آن به رسانه‌های عمومی و تهیه متون آموزشی جهت آموزش مجریان انتخابات است.

دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی. وظایف این دفتر از جمله عبارت است از مطالعه، تحقیق، بررسی و تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی روز کشور، با هدف سیاستگذاری، جمع‌بندی و ارائه تحلیل‌های مورد نیاز به وزیر کشور، تهیه و تنظیم متون آموزشی برای کادرهای سیاسی، با همکاری مرکز آموزش سیاسی، ایجاد و نگهداری آرشیو منابع مطالعاتی و تحقیقاتی مورد نیاز.

دفتر تقسیمات کشوری. وظایف این دفتر، برقراری نظام مطلوب در تقسیمات کشوری، بررسی و مطالعه جهت تهیه و تدوین لوایح و طرحهای تقسیمات کشوری، تعیین ضوابط و معیارهای لازم برای تغییر تقسیمات، مطالعه و بررسی به منظور نامگذاری، تهیه و نگهداری اطلاعات، اسناد و مدارک و نقشه‌های مربوط به تقسیمات است. این دفتر دارای ۳ گروه به نامهای گروه مطالعات و بررسیهای تقسیمات کشوری، گروه آرشیو و نامگذاری و گروه فنی تقسیمات کشوری است.

معاونت امور اجتماعی، فرهنگی و شوراها

وظایف معاونت اجتماعی و شوراها بررسی رفتارهای اجتماعی و فرهنگی اقشار جامعه، به منظور فراهم نمودن تغییرات رفتاری خاص گرایانه به عام‌گرایانه، بررسی و مطالعه مسائل و معضلات اجتماعی کشور، بررسی مصوبات شوراهای اسلامی، ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین شوراها، ارائه خط مشیهای لازم جهت طرح و برنامه‌های آموزشی اعضای شورا و فراهم نمودن موجبات ارتباط با کشورهای مختلف به منظور بالا بردن توان بالندگی و رفاه عمومی جامعه است. این معاونت دارای دفتر امور اجتماعی،

به وظیفه عمومی و نظارت و هماهنگی در امور مربوط به پلیس بین‌الملل است. این اداره شامل ۵ اداره دیگر، به نامهای دبیرخانه هیئت تجدید نظر ماده ۱۰۰، اداره هماهنگی و امور بین‌الملل، اداره پرسنلی، اداره طرح و برنامه و اداره ارزی است.

اداره کل امور مرزی. وظایف این اداره کل شامل ایجاد پاسگاههای مرزی و نظارت بر اجراء برجکهای مرزی، انجام امور مربوط به دامداران خارجی در مرزها و بررسی و نظارت بر امور مربوط به سواحل مرزی کشور و رفت و آمد افراد و کشتیهای خارجی و صدور مجوز تأسیس بازارچه‌های مرزی است.

معاونت سیاسی

وظایف معاونت سیاسی وزارت، از جمله شامل نظارت و مراقبت دائم نسبت به وقایع و رویدادهای سیاسی و اوضاع داخلی کشور، فراهم آوردن و گسترش هرچه بیشتر آزادیهای سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی، برگزاری انتخابات، مطالعه پدیده‌های ضد فرهنگی و اجتماعی و رسیدگی به مسائل تقسیمات کشوری است. این معاونت دارای یک اداره کل و ۳ دفتر است.

اداره کل سیاسی. وظایف اداره کل سیاسی رسیدگی به امور و مسائل سیاسی، مطالعه و تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی، ایجاد ارتباط منظم بین حوزه معاونت سیاسی با نمایندگان سیاسی دولت در استانها، ایجاد هماهنگی، نظارت و هدایت مداوم اداره کل و دفاتر سیاسی استانداریها و فرمانداریها در اجرای وظایف مربوط، محاسبه و سنجش میزان حاکمیت دولت در استانها، اظهار نظر کارشناسی در انتصابات پستهای سیاسی (فرمانداریها و بخشداریها)، صدور مجوز فعالیت و پروانه تأسیس احزاب، انجمنهای صنفی و سیاسی و مجوز راهپیمایی و تجمعات است. این اداره کل دارای ۵ اداره بررسی امور مرزی و گذرنامه، امور استانها، احزاب و تشکلهای سیاسی، انجمنهای صنفی و تخصصی، اداره اقلیتهای دینی و مذهبی است.

دفتر انتخابات. وظایف این دفتر، برنامه‌ریزی و تهیه

هماهنگی و پیگیری امور شوراهای و برنامه‌ریزی و آموزش شوراهای و دبیرخانه شورای اجتماعی کشور است.

دفتر امور اجتماعی. دفتر امور اجتماعی وزارت کشور دارای ۴ گروه تخصصی است که عبارتند از: گروه پردازش اطلاعات امور اجتماعی و ساماندهی و پردازش داده‌های اجتماعی، آمار جرائم و آسیب‌های اجتماعی و شاخصهای سیاسی، پایگاه اقتصادی نمایندگان و شاخصهای اقتصادی و اجتماعی کشور. وظیفه گروه مطالعات امور اجتماعی انجام مطالعات ملی، مدیریت و هماهنگی پژوهش اجتماعی استانها و تشکیل بانک اطلاعات تشکلهای غیردولتی و وظیفه گروه فرهنگی، بررسی اساسنامه‌ها و ثبت سازمانهای غیردولتی، ایجاد شورای مشاوران جوان و بررسی مسائل و ناهنجاریهای جوانان و وظیفه گروه امور اجتماعی بررسی پدیده‌ها و آسیبهای اجتماعی، هماهنگی امور اجرایی آسیبه‌ها، بررسی روند ارائه خدمات به آسیب دیدگان، از قبیل کودکان خیابانی، بیماران روانی، زنان بی سرپرست است.

دفتر امور سازمانهای مردم نهاد. وظایف این دفتر، اصلاح تعریف و اجزاء معرف سازمانهای مردم نهاد، اقدام به تفکیک بخش نظارت از صدور پروانه فعالیت سازمانهای مردم نهاد، اصلاح روند صدور مجوز شبکه‌های سازمانهای مردم نهاد و ساده‌سازی و تسهیل روند صدور پروانه فعالیت آنها، تلاش در جهت به‌روز کردن آخرین اطلاعات سازمانهای مردم نهاد در ایران، برنامه‌ریزی توزیع یارانه سازمانهای مردم نهاد، به‌منظور افزایش اثر بخشی این ساختارها، نظارت بر دریافت کمکهای خارجی از طرف سازمانهای مردم نهاد داخلی، غربالگری سازمانهای مؤثر و کارآمد از سازمانهای مردم نهاد غیرفعال و ناکارآمد و شکل‌گیری سازمانهای مردم نهاد فعال، جلوگیری از تمرکز سازمانهای مردم نهاد در دست عده‌ای خاص، توانمندسازی و افزایش ظرفیت ساختاری این تشکلهای، تأسیس مکانیسم نظارت بر حسن انجام اقدامات و فعالیتهای آنها، آموزش سازمانهای مردم نهاد و برنامه‌ریزی واگذاری وظایف تصدی‌گری دولت به سازمانهای مردم نهاد توانمند است.

دفتر امور شوراهای. وظایف این دفتر عبارت است از: فراهم آوردن موجبات هماهنگی بین دستگاههای اجرایی و

شوراهای، پیگیری مسائل مربوط به شوراهای و تلاش در جهت رفع مشکلات و ابهامات، بررسی صورت جلسات و مصوبات شوراهای اسلامی، تشکیل و ایجاد دبیرخانه هیئت مرکزی، به‌منظور بررسی و یا لغو مصوبات شوراهای اسلامی موضوع ماده ۷۹ قانون شوراهای، همکاری با دبیرخانه هیئت مرکزی در جهت بررسی یا لغو مصوبات شوراهای اسلامی، بررسی پیشنهادات انحلال شوراهای، بررسی موارد سلب عضویت اعضای شوراهای اسلامی، بررسی و پیگیری علل عدم تشکیل جلسه و انتخاب هیئت رئیسه شوراهای از دیگر وظایف این دفتر، تهیه و تدوین پیش‌نویس آئین‌نامه‌های قوانین مربوط به شوراهای، فراهم کردن زمینه اجرای اصول قانون اساسی پیرامون تشکیل شوراهای، مطالعه و بررسی به‌منظور تهیه و تدوین طرحها، دستورالعملها و روشهای برقراری ارتباط مؤثر بین شوراهای و دستگاههای اجرایی، تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز شوراهای اسلامی، تهیه و تنظیم برنامه‌ها و متون آموزشی اعضای شوراهای، آموزش کارکنان استانداریها در زمینه آشنایی آنان با قوانین و آئین‌نامه‌های شوراهای، برنامه‌ریزی و اقدام برای ترویج فرهنگ شورایی بین اقشار مردم، همکاری با شورای عالی استانها به‌منظور تهیه آئین‌نامه‌های داخلی شوراهای، بررسی و ارائه نقطه نظرات پیرامون برپایی همایشهای استانی و کشوری با موضوع شوراهای اسلامی است.

دفتر امور بانوان. وظایف این دفتر مطالعه و بررسی پیرامون شیوه‌های افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی زنان سراسر کشور، با توجه به خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر مناطق، مطالعه و بررسی شیوه‌های سازماندهی زنان جهت مشارکت در فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بررسی و برآورد اعتبارهای مورد نیاز کمیسیونهای امور بانوان سراسر کشور و همکاری با واحد مربوط در جهت تخصیص اعتبارها به کمیسیونهای امور بانوان و نظارت بر امر تشکیل و نحوه فعالیت کانونهای فرهنگی اجتماعی بانوان است.

دبیرخانه شورای اجتماعی کشور. وظایف دبیرخانه شورای اجتماعی کشور در راستای تحقق بخشیدن به وظایف و اهداف شورای اجتماعی کشور قابل تبیین است که شامل

وزارت کشور

درباره متن قراردادهای وزارتخانه با اشخاص حقوقی و حقیقی، تهیه و تنظیم گزارشات حقوقی مورد نیاز مقام عالی وزارت، اظهارنظر نسبت به استعلامات و مسائل حقوقی و شرکت در جلسات و کمیسیونهای حقوقی مرتبط با وظایف وزارت کشور.

دفتر امور مجلس. وظایف این دفتر، برقراری ارتباط با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بررسی و پیگیری تذکرات و سؤالات رسمی نمایندگان و سخنرانیهای پیش از دستور و مکاتبات نمایندگان، بررسی مشروح مذاکرات علنی مجلس و انعکاس مطالب مطرح شده در مجلس در ارتباط با مقامات وزارت کشور، انجام اقدامات لازم در مورد شکایات واصله از کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس، تشکیل جلسات هماهنگی با نمایندگان مجلس و مقامات ذی ربط در مرکز استانها و استماع برنامه مجلس از رادیو و ضبط مذاکرات مربوط به وزارت کشور است.

معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی

وظایف معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی وزارت کشور، از جمله شامل فراهم آوردن موجبات تأمین نیروی انسانی وزارت و سازمانهای تابعه، تأمین هزینهها و اجرای مقررات و آئین نامه های مالی، برقراری نظام مطلوب در بالا بردن سطح کارایی خدمات عمومی و تدارکاتی وزارت و تأمین شرایط لازم به منظور برقراری نظام مطلوب در امر سازماندهی و تشکیلات است. این معاونت دارای ۲ دفتر برنامه ریزی و بودجه و دفتر تشکیلات و بهبود روشها و ۳ اداره کل توسعه منابع انسانی، امور مالی و پشتیبانی است.

اداره کل توسعه منابع انسانی

وظایف این دفتر، تأمین کادر مورد نیاز وزارت کشور و انجام تشریفات مربوط به استخدام و صدور احکام استخدامی، کنترل حضور و غیاب کارکنان و اجرای مقررات انضباطی کارکنان، صدور احکام تعلیق، آمادگی و خروج کارکنان با رعایت ضوابط مربوط، همکاری با واحد آموزش کارکنان، تهیه فهرست کارکنان واجد شرایط برای ارتقاء

تعیین اولویتها در برنامه های اجتماعی، پیشگیری و برخورد با مسائل و آسیبهای اجتماعی، ایجاد وحدت رویه در فعالیتهای دستگاههای اجرایی و تشکیل کارگروههای کارشناسی است. براین اساس، وظایف دبیرخانه شورای اجتماعی کشور، از جمله شامل ارائه پیشنهادهای مورد نیاز در راستای تحقق اهداف و وظایف شورا، پیشنهاد انجام مطالعات، تحقیقات و پژوهشهای مورد نیاز شورای اجتماعی کشور و بررسی و اظهارنظر پیرامون طرحهای پیشنهادی ارائه شده از سوی دستگاههای عضو، جلب مشارکت و استفاده از امکانات و ظرفیت دستگاههای عضو شورا، اطلاع رسانی لازم نسبت به مصوبات و فعالیتهای شورا به مراجع مربوط و رسانه ها، انجام کلیه فعالیتهای ستادی و پشتیبانی مورد نیاز شورا، تهیه برنامه کار و برگزاری و تنظیم دستور جلسات شورا، انجام امور لازم جهت تعیین و تخصیص اعتبارات شورا، ارائه گزارشهای شش ماهه از فعالیتهای شورا به هیئت دولت و ارزیابی اقدامات حاصل از اجرای مصوبات شورا است.

معاونت حقوقی و امور مجلس

وظایف معاونت امور حقوقی و مجلس شامل انجام امور حقوقی وزارتخانه، ارائه خط مشی کلی نسبت به پیش نویس لوایح، تصویب نامه ها و آئین نامه پیشنهادی واحدهای حوزه مرکزی وزارت، شرکت در جلسات و کمیسیونهای مجلس و پاسخگویی به سؤالات نمایندگان و تعیین خط مشی در مورد وظایف محوله به واحدهای تابعه است. این معاونت دارای دفاتر امور حقوقی و امور مجلس است.

دفتر امور حقوقی

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از تهیه، بررسی و اظهار نظر در خصوص تدوین پیش نویس لوایح، تصویب نامه ها و آئین نامه ها در ارتباط با وظایف وزارت کشور، جمع آوری و تدوین مجموعه قوانین، مقررات، تصویب نامه ها و اساسنامه های مورد عمل وزارت و سازمانهای تابعه، جمع آوری مدارک لازم به منظور اظهار نظر نسبت به لوایح وزارت و سازمانهای تابعه، تهیه و اظهار نظر

مقام، اجرای قوانین و مقررات درباره موظفین و بازنشستگان و اجرای سیاستهای مقررات رفاهی مصوب دولت است.

اداره کل امور مالی. وظایف این دفتر تأمین اعتبارات جاری و عمرانی براساس بودجه مصوب، رسیدگی به حسابهای وزارتخانه و واحدهای تدارکاتی، پرداخت پاداش و عیدی پایان سال کارکنان، اجرای بخشنامه‌ها و دستورالعملها، انجام هزینه‌ها و نگهداری حساب و جوه دریافتی از خزانه و تأمین هزینه‌های مورد نیاز و اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های مالی است.

اداره کل پشتیبانی. وظایف این اداره کل شامل نگهداری، توسعه و تعمیر تأسیسات و تجهیزات، مراقبت و رسیدگی و استفاده از تأسیسات و دستگاههای حرارتی، برودتی و بررسی و تأمین احتیاجات واحدهای مختلف از نظر لوازم و تجهیزات، اداره امور رستورانها و تأسیسات واحدهای سازمانی وزارتخانه، انجام امور مربوط به مناقصه و مزایده، نظارت و هماهنگی امور مربوط به حفظ اموال و تغییرات خودروها و شماره‌گذاریهای بیمه است.

دفتر تشکیلات و بهبود روشها. وظایف این دفتر عبارت است از فراهم آوردن موجبات برقراری نظام مطلوب در برابر سازماندهی و بهبود روشها، بررسی و مطالعه به‌منظور سازمان مناسب برحسب الزامات قانونی ناشی از وضع قوانین، تفکیک و تقسیم وظایف بین واحدهای مختلف، بررسی و مطالعه منابع داخلی و خارجی در زمینه شیوه‌ها، ایجاد ارتباط با مرکز مطالعات و پژوهشهای اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بررسی و تهیه روشهای انجام کار به‌صورت مطلوب، تهیه و استاندارد نمودن فرمها و نمونه‌های مکاتباتی و نامه‌های اداری، انجام مطالعات لازم در مورد حدود و میزان اختیاراتی که در اجرای اصل عدم تمرکز اداری می‌توان به واحدهای تابعه تفویض نمود.

دفتر برنامه‌ریزی و بودجه. وظایف این دفتر برآورد هزینه‌ها و هماهنگی با واحدهای حوزه مرکزی وزارتخانه، به‌منظور جمع‌آوری و تلفیق برنامه‌های مختلف وزارت، ابلاغ ضوابط، معیارها و خط‌مشیهای کلی در امر برنامه‌ریزی، مشاورت و هدایت واحد برنامه‌ریزی

استانداریها، دستور کار اجلاس مشترک استانداران و هیئت وزیران، انجام مطالعات و بررسیهای کارشناسی، تهیه و تنظیم صورت جلسات سمینار مشترک و پیگیری تصمیمات و مصوبات مربوط، تدوین بخشنامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به تنظیم بودجه به واحدهای مرکزی، بررسی و تجزیه و تحلیل اعتبارات پیشنهادی واحدهای حوزه مرکزی، دریافت بودجه مصوب و تفکیک و تخصیص اعتبارات تصویبی، بررسی اعتبارات ناشی از وضع قوانین، تصویب‌نامه‌ها و مطالعه در امر بهبود روشهای تنظیم و اجرای بودجه است.

معاونت هماهنگی امور عمرانی

وظایف معاونت هماهنگی امور عمرانی شامل تشخیص نیازمندیهای عمرانی منطقه‌ای و محلی در چارچوب مسئولیتهای وزارت، اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری، کنترل و مهار بحرانهای ناشی از حوادث غیرمترقبه، مطالعات و اعمال هماهنگی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده، نظارت بر حسن اجرای کلیه برنامه‌های عمرانی در سطح کشور، سیاستگذاری نظام حمل‌ونقل عمومی شهرهای کشور و ارائه خط‌مشیهای مربوط به برنامه‌ریزی در زمینه‌های عمرانی و بهداشتی است. این معاونت شامل ۵ زیرمجموعه، شامل دفتر فنی، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی، دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی، دفتر حمل‌ونقل و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور و اداره کل امور شهرداریهاست.

دفتر برنامه‌ریزی عمرانی. وظایف این دفتر عبارت است از: بررسی و تشخیص نیازمندیهای عمران منطقه‌ای و محلی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد امور عمرانی شهرها، رفع مشکلات عمرانی، توسعه استانداردهای فنی مربوط به امور عمرانی، ایمنی و، آشناسانی، ابلاغ خط‌مشیهای لازم برای هماهنگی خودکفایی شهرداریها، تقویت سازمانهای عمران منطقه‌ای و محلی، تهیه و ابلاغ دستورالعملهای تنظیم برنامه و بودجه شهرداریها و توزیع و نحوه تفکیک وظایف.

اداره کل امور شهرداریها. وظایف این اداره کل بررسی درخواستهای راجع به تأسیس شهرداریها، تعیین و یا تغییر

دفتر حمل و نقل و دبیرخانه شورای عالی هماهنگی ترافیک شهرهای کشور

وظایف این دفتر از جمله عبارت است از: تهیه و تدوین پیش‌نویس آئین‌نامه‌ها، طرحها و لوایح مربوط به امر حمل و نقل و ترافیک، هماهنگی و برنامه‌ریزی جهت بهبود ترافیک، بررسی و اظهارنظر در خصوص افزایش یا کاهش سرمایه، سرمایه‌گذاری و اخذ وام و تخصیص اعتبار برای حمل و نقل همگانی شهرها، انجام هماهنگیهای لازم بین امور حمل و نقل و ترافیک درون‌شهری و برون‌شهری، رسیدگی به درخواستهای تأسیس شرکت یا سازمان و واحدهای خدمات دهنده در امر حمل و نقل و ترافیک، نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، بررسی و مطالعه برای تعیین تعداد وسایل نقلیه همگانی مورد نیاز شهرهای کشور، دستیابی به آخرین اطلاعات و استانداردهای حمل و نقل و ترافیک با برقراری ارتباط با دستگاهها و مؤسسات پژوهشی، انجام وظایف و اعمال اختیارات قانونی وزارت در زمینه امور مربوط به حمل و نقل و ترافیک.

معاونت بین‌الملل و توسعه اقتصادی استانها

وظایف معاونت بین‌الملل و هماهنگی امور اقتصادی استانداردها، شامل بررسی و انجام مطالعات اقتصادی به منظور تهیه طرح جهت ایجاد هماهنگی و نظارت بر فعالیت اقتصادی استانداردها، هماهنگی با سایر دستگاههای اجرایی به منظور افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی، ایجاد هماهنگی جهت برپایی بازارچه‌های مرزی در کشور و ایجاد هماهنگی در امر مبادلات اقتصادی استانداردها با کشورها و سازمانهای بین‌المللی است. فراهم آوردن موجبات بسط و گسترش روابط خارجی و انتقال مسائل اقتصادی، فرهنگی، عمرانی ایران به کشورهای خارجی، هماهنگی جهت شرکت نمایندگان وزارت در سمینارها و کنفرانسهای خارجی و بین‌المللی، تدوین برنامه‌های سفر خارجی وزیر کشور نیز از دیگر وظایفی است که این معاونت برعهده دارد. این معاونت دارای ۳ دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداردها، دفتر خدمات رایانه‌ای و دفتر

درجه آنها، راهنمایی شهرداریها و شوراهای اسلامی شهر در زمینه تعیین حدود شهرداریها، تصویب تقسیمات محلات، حسابرسی شهرداریها، بررسی مصوبات مربوط به معاملات شهرداریها، تدوین و ابلاغ دستورالعمل نحوه تنظیم تعرفه عوارض شهرداریها، تدوین آئین‌نامه عوارض، همکاری با استانداردها در زمینه ایفای وظایف اجرایی مربوط به شهرداریها است.

دفتر فنی. وظایف این دفتر شامل هماهنگی امور فنی واحدهای فنی در استانداردها، بررسی و تأیید و یا اصلاح طرحهای هادی شهرها، انجام بررسی و هماهنگی لازم با وزارت مسکن و شهرسازی، ارشاد و راهنمایی دفاتر فنی استانداردها و شهرداریها در مورد تعیین محدوده قانونی و حریم شهرها، تدوین برنامه‌های ۵ ساله شهرداریها، تهیه طرحهای تفصیلی خیابانها، میدین و پارکها، تهیه و ابلاغ ضوابط و معیارهای فنی طرحهای عمرانی، نوسازی شهرها، انجام مطالعات و بررسیهای لازم به منظور تأمین پشتیبانی کارشناسی وزیر کشور در شورای عالی، شوراهای اسلامی، ستاد و کمیسیونهای عمرانی است.

دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی.

وظایف این دفتر، عبارت است از انجام مطالعات و تحقیقات لازم به منظور دستیابی به راه‌حلهای مناسب در جهت حفاظت و ایمنی افراد، اموال، تأسیسات و منابع مختلف ثروت ملی، انجام مطالعات آمادگی برای رویارویی با حوادث و سوانح غیرمترقبه طبیعی و غیرطبیعی، از قبیل: طوفان، سیل، خشکسالی، سرمازدگی، زلزله، تهاجم هوایی و بمبارانها، استفاده از توان و امکانات اعتباری و علمی برای کاهش خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه، تأمین و جبران خسارتهای وارده و بازسازی و نوسازی مناطق آسیب دیده و انجام امور کارشناسی مربوط به احتمال وقوع حوادث و سوانح طبیعی، نظارت مستمر نسبت به انجام فعالیتهای دستگاههای اجرایی در زمینه‌های پیشگیری، بازسازی و نوسازی مناطق آسیب‌دیده، انجام امور پشتیبانی، تدارکاتی و حمایت ستادهای محلی و منطقه‌ای در مکانهای آسیب‌دیده.

امور بین‌الملل است.

دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداریها. پیگیری مسائل و مشکلات تأمین و توزیع ارزاق و مایحتاج عمومی، بررسی تنگناها و مشکلات معاونتهای برنامه‌ریزی استانداریها در برخورد با مسائل اقتصادی استانها، انجام بررسی و مطالعات لازم در خصوص ارائه طرحها و پیشنهادات در کمیسیونها و کمیته‌های اقتصادی، تعیین محدوده‌ها و نقاط و وسعت مناطق محروم، تهیه و تنظیم و ابلاغ نمونه کارت مبادلات مرزی به استانداریها، تهیه پیش‌نویس لوایح، آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای مربوط به امور اقتصادی، اظهارنظر درباره توزیع اعتبارات و یا امکانات مورد نیاز ستاد، شوراهای کمیسیونها و کمیته‌های مربوط به امور اقتصادی که وزارت کشور مسئولیت آن را برعهده دارد، از جمله وظایف این دفتر است.

دفتر فناوری اطلاعات و آمار. وظایف این دفتر برنامه‌ریزی، هدایت، پشتیبانی و نگهداری سیستمهای اتوماسیون وزارت و واحدهای تابعه، ارتباط با مراکز اطلاع‌رسانی داخلی و خارجی، ارتقاء دانش فنی، حمایت و پشتیبانی فنی از مراکز اطلاع‌رسانی جهت استفاده واحدهای سازمانی وزارت، ترویج و اشاعه فرهنگ فناوری اطلاعات بین کارکنان وزارت کشور، برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای آموزشی، ایجاد و استقرار و پشتیبانی فنی از پایگاههای اطلاعاتی مورد نیاز وزارتخانه، انجام بررسیها و تأمین نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری واحدهای سازمانی وزارتخانه و همکاری با شرکتهای مشاوره‌ای و مجری طرح جامع اتوماسیون است.

دفتر امور بین‌الملل. وظایف این دفتر عبارت است از: هماهنگی و انجام تمهیدات لازم به منظور گسترش مناسبات خارجی در چارچوب وظایف وزارت کشور، بررسی و مطالعه و تحلیل پیشنهادات مربوط به عضویت وزارت در مجامع و سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای، هماهنگی با دستگاههای اجرایی در راستای اجرای مأموریتهای قانونی وزارت در عرصه‌های بین‌المللی، هماهنگی و تنظیم برنامه سفرهای خارجی وزیر کشور، انجام هماهنگی لازم در ارتباط با دعوت یا پذیرش هیئتهای خارجی، بررسی

کنوانسیونها و موافقتنامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، پیگیری و رسیدگی به پرونده تخلف اتباع ایرانی در خارج از کشور، هماهنگی و پیگیری تردد دیپلماتها، نمایندگان و کارشناسان و خبرنگاران خارجی و تنظیم برنامه‌های مربوط به ملاقاتهای آنان با مقامات استانی، هماهنگی با وزارت امور خارجه در خصوص پیگیری مسائل مربوط به ایرانیان خارج از کشور، جمع‌آوری اطلاعات و اخبار پیرامون مسائل امور بین‌الملل.

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، علاوه بر آنکه حرکت نوینی در حوزه روابط عمومی و رسالت اطلاع‌رسانی آن بشمار می‌آید، دستاوردی کارکردی در راستای حفظ منافع ملی و عرضه دیدگاههای کارشناسی و ارائه و انعکاس ظرفیتهای در حوزه مأموریتهای اساسی و بنیادین وزارت کشور است. مأموریت اصلی پایگاه اطلاع‌رسانی، سازماندهی فرایند تولید خبر از رویدادها و فعالیتهای انجام شده در گستره فعالیتهای وزارت است که در این راستا نقش کلیدی ارتباط آن‌لاین با مخاطبان و تأمین نیاز مراکز متعدد خبری به اطلاعات تولید شده در سطح وزارت را برعهده دارد.

تلفن گویای وزارت کشور

تلفن گویای ۱۳۸ وزارت کشور در راستای اجرای مصوبه شورای عالی اداری موضوع طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع و به منظور اطلاع‌رسانی شفاف و استفاده از فناوریهای جدید برای ارائه خدمات به شهروندان و مراجعان از دی ماه ۱۳۸۲ راه‌اندازی شده است.

کتاب‌شناسی:

- مجموعه اسناد اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت کشور.

- www.moi.ir

محمد رضا فرزاد بهتاش

وزارت مسکن و شهرسازی

اهداف

تحقق برنامه‌ها و سیاستهای دولت در موارد زیر:

- تعیین مراکز جمعیتی و ایجاد تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور، به‌منظور برنامه‌ریزی عمران منطقه‌ای و استفاده بهتر از منابع سرزمین، نظیر خاک و آب و جلوگیری از ایجاد مشکلات شهری در اثر رشد و توسعه ناموزون آنها و در نتیجه، اتلاف منابع اقتصادی و انسانی کشور؛
- تأمین رفاه اجتماعی در زمینه مسکن؛
- کمک به حفظ تعادل اقتصادی از طریق اعمال سیاستهای تشویقی و استفاده از سرمایه‌گذاری در امر ساختمان؛
- تأمین رفاه کارکنان دولت از طریق احداث خانه‌های سازمانی؛
- راهبری تحقیقات ساختمانی به‌منظور ایمن‌سازی ساختمانها در قبال حوادث طبیعی، استفاده بهتر از منابع و مصالح محلی و افزایش کیفیت مصالح و مصنوعات ساختمانی؛ و
- هماهنگی و تمرکز در تهیه و اجرای طرحها و ساختمانهای دولتی.

مأموریتها و وظایف اساسی

- اتخاذ و اعمال سیاستها و تنظیم برنامه‌های جامع و هماهنگ برای ایجاد تعادل مطلوب بین جمعیت و وسعت شهرها در سطح کشور؛
- تعیین محل شهرها و مراکز جمعیت آینده؛
- بررسی ارتباط شهرهای فعلی و آینده در سطح منطقه و کشور؛
- تهیه و تنظیم سیاستها و خط مشیهای اجرایی و ضوابط لازم برای هدایت و کنترل شهرنشینی در جهت تحقق طرح جامع سرزمین با لحاظ اولویتهای آمایشی؛
- مشخص نمودن شهرها و شهرکها از نظر فعالیتهای صنعتی، کشاورزی، جهانگردی، تاریخی، خدماتی و غیره؛
- تعیین حدود توسعه و ظرفیت شهرهای آینده و طرح و تنظیم نقشه توزیع جمعیت، از طریق تهیه طرح جامع برای هریک از شهرها با توجه به ضوابط و استانداردهای مصوب

به‌موجب قانون مصوب ۱۳۴۲/۱۲/۲۲ ش، وزارت آبادانی و مسکن از تلفیق بانک ساختمانی، سازمان خانه‌سازی، وزارت دارایی و دفاتر فنی سازمان برنامه تأسیس شد. در تیرماه ۱۳۵۳ ش به‌موجب ماده ۲ قانون، نام این وزارتخانه به وزارت مسکن و شهرسازی تغییر یافت و طبق ماده ۳ آن، علاوه بر وظایف وزارتخانه پیشین، وظایف دیگری برعهده وزارت مسکن و شهرسازی گذارده شد. هیئت وزیران در جلسه ۱۳۵۳/۱۱/۲۲ ش آئین‌نامه‌ای را در ۴ ماده تصویب نمود و از آن جمله وظایف ریاست شورای عالی شهرسازی را که قبلاً برعهده نخست‌وزیر بود، به وزیر مسکن و شهرسازی واگذار کرد.

این وزارتخانه پس از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی با همین نام و تغییر برخی وظایف که براساس نیازهای جامعه و ضرورتهای انقلاب برعهده گرفت، به فعالیت خود ادامه داد.

وزارت مسکن و شهرسازی با استناد به شرح وظایف خود که نشأت گرفته از اصول سوم (ماده ۱۲)، سی و یکم و چهل و سوم (ماده ۱) قانون اساسی، مصوب همه‌پرسی ششم مرداد ۱۳۶۸ ش است، به‌عنوان یکی از ارکان دولت موظف است در امور تولیدی و زیربنایی این آب و خاک ابتدا در پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه مسکن اقدامات مؤثر به عمل آورد. علاوه بر این، در زمینه‌های دیگر نظیر تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش، اشتغال و تعمیر بیمه با سایر دستگاهها همکاری داشته باشد و در تأمین مسکن متناسب با نیاز هر فرد و خانواده ایرانی، به‌خصوص روستائینان و کارگران، اهتمام ورزد. بدیهی است این وزارت با تولیدات خود که همانا طرحهای مختلف شهرسازی و معماری در شهرها و روستاها و احداث ساختمانهای مختلف مسکونی، اداری و تجاری و مانند آن است، وظیفه دارد در راستای تحقق این آرمانها قدم بردارد.

و تعیین ضوابط و استانداردها برای تهیه نقشه‌های هادی و اعلام آن به وزارت کشور؛

- تهیه معیارها، ضوابط و آئین‌نامه‌های شهرسازی و ابلاغ مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول و همچنین ارشاد و راهنمایی دستگاههای مرتبط در زمینه مسائل ناشی از اجرای طرحهای جامع شهری؛
- اعتلای هنر معماری ایران و رعایت شیوه‌های مختلف معماری سنتی و ملی و تقویت و توسعه فرهنگ و ارزشهای اسلامی در معماری و شهرسازی؛
- پیشنهاد ایجاد شهر و شهرک غیرروستایی در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به شورای عالی شهرسازی برای تصویب؛
- نظارت بر فعالیتهای شهرسازی بخش خصوصی از حیث رعایت معیارها و ضوابط شهرسازی؛
- نظارت بر تهیه طرحهای جامع و تفصیلی و جلب نظر شورای شهر و شهرداری مربوط حین تهیه طرحهای تفصیلی و همچنین نظارت بر اجرای مراحل مختلف این طرحها؛
- سیاستگذاری در مورد طرح‌ریزی شهری و نحوه مدیریت مجموعه‌های شهری؛
- راهبری تعیین استانداردها برای مسکن، ساختمانهای دولتی و تأسیسات شهری و همچنین تهیه و اجرای طرحهای عمرانی شهری در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور؛
- نظارت عالی بر اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و مقررات ملی ساختمان در طراحی و اجرای تمام ساختمانها و طرحهای شهرسازی و عمرانی شهری با هدف ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمانها و شهرها در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور با رعایت اصول پدافند غیرعامل؛
- راهبری اجرای طرحهای بهسازی، نوسازی و بازسازی محلات و ساماندهی بافتهای قدیمی شهرها و حاشیه آنها با رویکرد توانمندسازی ساکنان این بافتها؛
- اعمال سیاستهای دولت در مورد اراضی شهری، اعم از خالصه و موات، بایر و دایر و اجرای قانون زمین شهری و

آئین‌نامه اجرایی آن؛

- برنامه‌ریزی و مدیریت عمران زمینهای شهری و نظارت در زمینه استفاده بهینه از زمین در محدوده‌های شهری؛
- راهبری تدوین موازین، استانداردها و مشخصات فنی و مقررات ملی برای ساختمانها و مسکن در چارچوب برنامه و راهبری تحقیق و بررسی مسائل مربوط به ساختمان و مصالح ساختمانی و نیز راهبری تهیه استانداردهای لازم برای مصالح ساختمانی با همکاری مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و حمایت از تولید کنندگان آنها؛
- اتخاذ تصمیم و تعیین خط‌مشی برنامه‌های اجرایی زمین، مسکن، شهرسازی، ساختمانهای دولتی و عمران شهری؛
- تهیه و اجرای طرحهای ساختمانهای دولتی و تأمین ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی مورد نیاز جامعه، از طریق مهندسان مشاور و پیمانکاران تأیید صلاحیت شده، در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور؛
- تعیین سیاستهای دولت در زمینه تولید و عرضه مسکن در کشور و توسعه و بهبود استانداردهای کمی و کیفی مسکن؛
- ارائه خط‌مشی و نظارت بر چگونگی تأمین نیازهای اقشار مختلف به مسکن، به‌ویژه مسکن گروههای کم‌درآمد و روستائیان؛
- ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار مسکن و تأمین و توسعه مسکن مناسب؛
- تأمین مسکن و عرضه آن به‌صورت اجاره‌ای؛
- سیاستگذاری در مورد حفظ، نگهداری، احداث یا فروش خانه‌های سازمانی؛
- تعیین سیاستهای مربوط به نحوه واگذاری زمین مورد نیاز به کارکنان دولت و تهیه آئین‌نامه اجرایی آن؛
- بازنگری در ضوابط و مقررات شهرسازی در جهت تسهیل عبور و مرور معلولین؛
- سیاستگذاری در خصوص ارتقاء دانش فنی، فناوری ساختمان و کیفیت خدمات مهندسی در کشور و ایجاد زمینه برای جلب مشارکت حرفه‌ای در صنعت ساختمان؛
- بررسی صلاحیت حرفه‌ای، آموزش و آزمون به‌منظور صدور پروانه اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی در رشته‌های اصلی مهندسی ساختمان و همچنین پروانه

- راهبری و نظارت عالی به بر چگونگی اجرای طرحهای تخصصی معماری و طراحی شهری و بافتهای قدیمی و فرسوده و حاشیه‌ای شهرها؛
- راهبری و نظارت عالی بر سیاستها، برنامه‌ریزی و نحوه استفاده بهینه از اراضی، اعم از دولتی، غیردولتی، شهری و روستایی (داخل محدوده یا خارج محدوده)، در راستای منطقی کردن اندازه شهرها و روستاها و ایجاد رابطه و تعادل منطقی در توسعه مراکز جمعیتی؛
- راهبری و نظارت عالی بر طرحهای مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه‌های مختلف شهرسازی و معماری؛
- راهبری و نظارت عالی بر کلیه امور مربوط به واحدهای استانی در بخش شهرسازی و معماری؛
- نظارت عالی بر تهیه و بررسی طرحهای توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، مجموعه‌های شهری، جامع، تفصیلی، شهرکها و طرحهای ویژه و استمرار آن تا مرحله تصویب و ابلاغ به مبادی ذی‌ربط؛
- انجام هماهنگیهای لازم با سازمانهای مسئول ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهور) در جهت تحقق طرحهای آمایش سرزمین؛
- نظارت عالی بر امر به‌روزرآوری طرحهای کالبدی ملی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای و مجموعه‌های شهری، طبق مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- بررسی درخواستهای مربوط به ایجاد شهر و شهرک در خارج از محدوده و حریم شهرها و پیشنهاد آن به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- تدوین و انجام اصلاحات لازم در شرح خدمات طرحهای کالبدی ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، مجموعه‌های شهری، جامع و تفصیلی و سایر طرحهای مرتبط با وظایف؛
- تهیه و تنظیم برنامه‌های ۵ ساله و سالانه برای طرحهای توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و مجموعه‌های شهری و ارزیابی میزان تحقق این برنامه‌ها؛
- تدوین سیاستهای برنامه‌های ۵ ساله و سالانه برای تهیه طرحهای جامع و تفصیلی شهری و همکاری با سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها در تهیه و تنظیم این طرحها؛

- اشتغال به کار کاردانه‌های فنی و تجربی و تعیین محلهایی که اشتغال اشخاص به امور فنی در بخشهای ساختمان و شهرسازی مستلزم داشتن صلاحیت حرفه‌ای است؛
- نظارت بر تشکیل و عملکرد سازمان نظام مهندسی ساختمان و ارکان آن و رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای صاحبان حرف مهندسی؛
- راهبری تدوین اصول و قواعد فنی مقررات ملی ساختمان؛
- تعیین مدیر دولتی برای شرکتهای ساختمانی بی‌سرپرست و رها شده؛ و
- اجرای وظایفی که طی لوایح قانونی، آئین‌نامه‌ها یا تصویب نامه‌های مختلف به وزارتخانه ارجاع شده یا می‌شود.

معاونتها

این وزارتخانه شامل ۴ معاونت به شرح زیر است:

معاونت شهرسازی و معماری

- معاونت شهرسازی و معماری این وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر طرحهای کالبدی، دفتر معماری و طراحی شهری، دفتر نظارت طرحهای توسعه و عمران و دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، وظایف زیر را برعهده دارند:
- دبیری جلسات شورای عالی شهرسازی و معماری و پیگیری مصوبات آن تا حصول نتیجه از طریق واحدهای ذی‌ربط؛
- راهبری و نظارت بر کمیته فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران؛
- راهبری و نظارت عالی بر طرحهای توسعه و عمران ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی؛
- راهبری و نظارت عالی بر نحوه اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی و طرحهای توسعه و عمران؛
- راهبری و نظارت عالی بر تدوین سیاستها و راهبردهای معماری و طراحی شهری در راستای اعتلای هنر معماری و توسعه و ترویج اصول و ویژگیهای شهرسازی و معماری اسلامی - ایرانی (بومی) و هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرها؛

- جلب مشارکت بخش خصوصی و تعاونی در سرمایه‌گذاری مسکن؛
- تصویب و ترویج مقررات ملی ساختمان و ضوابط و دستورالعمل‌های آن؛
- تدوین آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظام صنفی و قوانین سازمان نظام مهندسی و سایر تشکلهای حرفه‌ای؛
- برنامه‌ریزی و فراهم آوردن زمینه اجرای اهداف و خط‌مشی‌های قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان؛
- انجام امور مربوط به دبیرخانه کمیسیون ملی اسکان بشر، هماهنگ با سیاست‌های جهانی هیئتات (سازمان مل متحد)؛
- راهبری تدوین سیاست‌ها و راهبردهای مربوط به زمین شهری مرتبط با تأمین مسکن، در چارچوب برنامه‌های مصوب و نظارت عالی بر تحقق آنها؛
- راهبری تدوین الگوی مسکن در چارچوب اصول شهرسازی، معماری و طراحی شهری و ترویج آن در بین سازندگان ساختمان و مسکن؛
- برنامه‌ریزی و تجهیز منابع به‌منظور تأمین مسکن برای گروه‌های نیازمند و فاقد مسکن؛
- سیاست‌گذاری و نظارت عالی بر فعالیت شرکت‌های پس‌انداز و تأمین مسکن؛
- بررسی و راهبری طرح‌های مورد نیاز برای انطباق بین عرضه و تقاضا و تنظیم بازار مسکن؛
- برنامه‌ریزی به‌منظور سازماندهی و نظارت بر نحوه مدیریت تولید مسکن؛
- بررسی و راهبری تنظیم بازار مصالح و اجزای ساختمانی در بخش ساختمان و مسکن، با توجه به امکانات و موقعیتهای مختلف کشور؛
- بررسی و مطالعه در زمینه چگونگی ایجاد و توسعه اشتغال در بخش مسکن و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه به وزارت کار و امور اجتماعی؛
- نظارت عالی بر توزیع اعتبارات و جوه اداره شده و تسهیلات بانکی، متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا در حیطه فعالیت وزارتخانه؛
- راهبری برگزاری آزمون‌های حرفه‌ای برای مهندسان، کاردانها و معماران تجربی به‌منظور تعیین صلاحیت

- نظارت عالی بر تهیه و بررسی کلیه طرح‌های توسعه و عمران، از طریق انجام بازدیدهای محلی، شرکت در جلسات کارگروه شهرسازی و معماری، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و همچنین نظارت عالی بر نحوه تصویب طرح‌های تفصیلی در کمیسیونهای ماده ۵ در حوزه عمل دفتر، بازدید از دفاتر محلی و مرکزی مهندسان مشاور تهیه کننده طرح به‌منظور بالا بردن کیفیت تهیه طرح‌ها و همکاری در ارزیابی مستمر مهندسان مشاور تهیه کننده طرح‌های توسعه شهری؛
- نظارت عالی بر برنامه‌ریزی و نحوه استفاده بهینه از اراضی واقع در محدوده و حریم شهری و روستایی، برحسب ضوابط و مقررات مربوط؛
- سیاست‌گذاری برای هویت‌بخشی به سیما و کالبد شهرها؛
- تشکیل کمیسیونهای معماری و طراحی شهری در ستاد، به‌منظور تعیین اصول و ارزشهای معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی (بومی)؛
- بررسی و نظارت بر تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به ارتقاء کیفی معماری و طراحی شهری؛
- نظارت عالی بر تهیه و اجرای طرح‌های تخصصی معماری و طراحی شهری در بافتهای قدیمی شهرها، شهرهای جدید، طرح‌های جزئیات شهری، مجموعه‌های ساختمانی، پروژه‌های عمرانی، اعم از ساختمانهای دولتی و عمومی و پروژه‌های انبوه‌سازی مسکن؛ و
- نظارت عالی بر تهیه طرح‌های تفصیلی موضوعی و موضعی در شهرها.

معاونت امور مسکن و ساختمان

- معاونت امور مسکن و ساختمان وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان و دفتر سازمانهای مهندسی و امور بین‌الملل، وظایف زیر را برعهده دارند:
- راهبری و هدایت واحدهای زیرمجموعه، در خصوص تدوین الگوی مسکن، برنامه‌ریزی مسکن متناسب با نیازهای جامعه، بازار و مناطق و اقلیمهای مختلف جغرافیایی؛

حرفه‌ای؛

- راهبری تهیه ضوابط و راهکارهای بهینه‌سازی لرزه‌ای ساختمانها و کاهش خطرپذیری آنها در برابر حوادث قهری و سوانح غیرمترقبه؛
- نظارت بر عملکرد سازمان نظام مهندسی و مراجع صدور پروانه ساختمان؛
- رسیدگی به شکایات اشخاص و مؤسسات در مورد عدم اجرای ضوابط و مقررات ملی ساختمان؛
- راهبری طرحهای مطالعاتی و تحقیقاتی در رابطه با کنترل اجرای ساختمان، از طریق ارتباط با مراکز تحقیقاتی و علمی؛ و
- تهیه و انتشار فصلنامه اقتصاد مسکن، به‌منظور نشر و انعکاس اطلاعات و تحولات روز مسکن و تحلیل بازار.

معاونت تلفیق برنامه و امور مجلس

- معاونت تلفیق برنامه و امور مجلس این وزارتخانه و واحدهای تابعه، شامل دفتر آمار و تلفیق برنامه و بودجه، دفتر حقوقی و دفتر امور مجلس، وظایف زیر را برعهده دارند:
- هماهنگی و همکاری در ابلاغ خط‌مشیها، سیاستها، برنامه‌ها، دستورالعملها و سایر تصمیمات متخذه در سطح وزارتخانه به سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری با واحدهای حوزه ستادی، به‌منظور پیگیری اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده در سطح سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری با واحدهای حوزه ستادی در امر نظارت بر عملکرد سازمانهای مسکن و شهرسازی استانها؛
- هماهنگی و همکاری در تهیه و تنظیم برنامه‌های ضربتی به‌منظور برآورد احتیاجات فوری سازمانهای استانی در مواقع اضطراری و بروز حوادث غیرمترقبه و پیش‌بینی اقدامات لازم برای کاهش ضرر و زیانهای احتمالی؛
- پیگیری و هماهنگی انجام امور مربوط به انتخاب و انتصاب رؤسای سازمانهای استانی؛
- تعیین استانداردها، ضوابط و معیارهای لازم برای طراحی و توسعه سیستمهای اطلاعاتی متناسب در نظام و چرخه

کار جاری برای واحدهای مختلف ستاد و استانها؛

- طرح‌ریزی راهبردی و هدفگذاری برای نظام اطلاعاتی متناسب با مأموریتها و فعالیت‌های وزارتخانه؛
- شناسایی نیازهای آماری کشور در بخشهای ساختمان، مسکن، شهرسازی و معماری با هماهنگی واحدهای ذی‌ربط؛
- پیگیری اجرای مصوبات شورای عالی آمار در وزارتخانه؛ و
- تهیه و تنظیم نهایی بودجه‌های جاری و عمرانی با هماهنگی سایر واحدهای سازمانی.

معاونت توسعه مدیریت و منابع

- معاونت توسعه مدیریت و منابع و واحدهای تابعه آن، شامل دفتر نوسازی و تحول اداری، اداره کل امور کارکنان و خدمات اداری و اداره کل امور مالی، وظایف زیر را برعهده دارند:
- راهبری امور نوسازی و تحول اداری، از طریق تشکیل شورای تحول اداری و فعال نمودن کمیسیونهای تحول اداری سازمانهای وابسته و تابعه؛
- هدایت و راهبری امور نیروی انسانی در زمینه‌های آموزشی، استخدام و مانند آن؛
- راهبری ارائه خدمات پشتیبانی از قبیل نیروی انسانی، منابع مالی و مانند آن؛
- راهبری وظایف دبیرخانه شورای تحول اداری؛
- انجام اصلاحات ساختاری، به‌منظور تمرکززدایی از اداره امور؛
- تهیه استانداردهای لازم برای جا و مکان و نحوه استقرار واحدها؛
- استقرار نظام مدیریت کیفیت و بررسی راهکارهای به‌کارگیری روشهای نوین مدیریت در وزارتخانه؛
- سنجش سطح انگیزش کارکنان و برنامه‌ریزی لازم برای ارتقاء آن؛
- ارزشیابی مشاغل جدید و جایابی آنها در طرحهای طبقه‌بندی مشاغل؛ و
- وصول اعتبار از محل ردیفهای منظور شده در بودجه کل کشور و انجام هزینه‌های مربوط.

سازمانهای وابسته

سازمان ملی زمین و مسکن

باتوجه به مصوبه شماره ۳۵ / د ش مورخ ۷۲/۶/۱۵ ش شورای عالی اداری که سبب ایجاد تغییراتی در وظایف سازمان زمین شهری گردید، نام این سازمان به سازمان ملی زمین و مسکن تغییر یافت و اساسنامه آن در ۱۳۷۵ ش اصلاح گردید. براساس این اصلاحیه سازمان ملی زمین و مسکن شرکتی است سهامی با مدت نامحدود و وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی که دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و بر طبق قانون تجارت، اساسنامه و مقررات مربوط به شرکتهای دولتی، اداره می‌شود. اجرای قانون زمین شهری، تدوین برنامه‌های بخش مسکن و بسترسازی برای اجرای برنامه‌ها، از طریق الگوسازی، سرمایه‌گذاری به‌طور مستقل یا با مشارکت بخش عمومی و خصوصی، تحصیل وام و مشارکت در ایجاد کارخانه‌های تهیه مصالح ساختمانی، از جمله وظایف این سازمان بشمار می‌آیند.

سازمان مجری ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی

سازمان مجری ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی، بزرگ‌ترین سازمان تخصصی در احداث ساختمانهای دولتی و عمومی در کشور است که به‌منظور تمرکز سیاستگذاری، مدیریت و هماهنگی توسعه و بهینه‌سازی، افزایش کیفیت، کاهش زمان اجرا و قیمت تمام شده برای تهیه و اجرای طرحهای ساختمانی و تأسیسات دولتی و عمومی و عمران شهری در سراسر کشور، به‌عنوان یکی از سازمانهای وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی فعالیت دارد.

شرکت عمران و بهسازی شهری ایران

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری به‌عنوان یکی از سازمانهای فنی، اجرایی و مدیریتی وزارت مسکن و شهرسازی، با رسالت تجدید حیات شهری و نیل به شهر پایدار و مشارکتی، در ۱۳۷۶ ش تأسیس گردید. توسعه درونی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه، استفاده از ظرفیتهای و

توانهای موجود شهری و مورد نیاز آتی در محدوده قانونی شهرها، هویت بخشی و احیای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی، از طریق اصلاح سیمای شهر به‌منظور باشکوه‌سازی محیط زندگی شهری، ساماندهی و انتظام‌بخشی به فعالیتهای جمعیت و فضا برای ایجاد تعادل اقتصادی، اجتماعی و کارکردی در فضاهای زندگی بافتهای شهری و نهایتاً، ارتقا کیفیت محیط شهری از جمله مهم‌ترین اهداف این سازمان است (← شرکت عمران شهرهای جدید با مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی).

کتاب‌شناسی:

- مجموعه اسناد اداره روابط عمومی و امور بین‌الملل وزارت مسکن و شهرسازی.

- www.mhud.gov.ir

محمد رضا فرزاد بهتاش

یکپارچه‌سازی اراضی (روستایی)

Land Consolidation

کوچکی و پراکندگی قطعات در بهره‌برداریهای کشاورزی سابقه‌ای به قدمت تاریخ کشاورزی دارد. تا زمانی طولانی، متناسب با دانش و امکانات گروههای انسانی، کشت و کار در قطعات کوچک و متناسب با مقیاس یک واحد خرد بهره‌برداری، روشی مطلوب برای استفاده بهینه از آب و بهره‌گیری از زمین و راهی سودمند در احتراز از انواع خسارات و خطرات احتمالی محسوب می‌شد. ادامه این روش در گذر تاریخ، به ظاهر در باور بهره‌برداران چنان تأثیر ماندگار و عمیقی برجای گذاشته است که حتی هم‌اکنون نیز به‌عنوان شیوه‌ای مطلوب در تملک زمین و تبلوری از منزلت اجتماعی و هویت خانوادگی بشمار می‌آید.

این واقعیت که حدود ۵۰٪ از تعداد واحدهای

یکپارچه‌سازی اراضی (روستایی)

دارند که از آن میان موقعیت طبیعی، وضعیت زمینها، جمعیت، نحوهٔ ارث‌بری به‌ویژه اجرای اصلاحات ارضی قابل ذکرند؛ انجام اصلاحات ارضی در بسیاری از کشورها نه تنها موجب رونق تولیدات کشاورزی نشده، بلکه به چند پارچگی اراضی منجر شده است. دولتها در کشورهای اروپای غربی پیوسته درصدد ایجاد اندازهٔ بهینه واحدهای بهره‌برداری زراعی، از طریق یکپارچه کردن اراضی و خرید زمین برخی از روستائیان و فروش آن به دیگران، برآمده‌اند، چنان‌که در فرانسه شرکت آمایش ارضی و تنسيق روستایی به انجام این کار پرداخته است. هدف دولت فرانسه از تأسیس این شرکت، انجام اصلاحات ساخت اراضی از راه یکپارچه کردن قطعات کوچک در روستاهای فرانسه بود.

به‌این ترتیب، تا ۱۹۷۰م، جمعاً ۴۴۲,۴۰۰ هکتار زمین با کارشناسی مهندسين جغرافیای روستایی خریداری و به روستائیان واگذار شد. در سایر کشورهای اروپایی، از جمله آلمان و انگلستان نیز برنامه‌های مشابهی، نظیر آنچه در فرانسه اتفاق افتاد، به مرحله اجرا درآمد. در ایران، تشکیل شرکتهای سهامی زراعی یا شرکتهای تعاونی روستایی تولید پس از اصلاحات ارضی، از اقدامات دولت در یکپارچه‌سازی اراضی زراعی بود.

بهره‌برداری فعلی کشور دارای وسعتی کمتر از ۲ هکتار است، هریک بیش از ۵-۲۰ قطعه پراکنده را تشکیل می‌دهند، مانع بزرگی بر سر راه پایه‌گذاری یک کشاورزی نوین بشمار می‌رود. آشکار است که مناسب‌ترین راه‌حل رهایی از این مشکل ریشه‌دار، اهتمام در یکپارچه کردن قطعات کوچک و جلوگیری از تفکیک مجدد و تقسیم بیشتر آنهاست.

یکپارچگی در لغت به معنای وحدت بخشیدن و پیوند انتزاعات و واقعیت‌های کثیر ذهنی و عینی است که از حیث دامنه می‌تواند ابعاد محتوایی فعالیت، زمان، مکان-فضا، بخش، فرایند اجرا، درونزایی، تعادل، تباین و سلسله مراتب را دربرگیرد.

یکپارچه‌سازی اراضی ادغام چند قطعه زمین زراعی جداگانه در مجاورت یکدیگر و تبدیل آنها به یک قطعه برای اهداف توسعه است.

در مقابل، یکپارچگی فضایی به معنای آرایش نظام‌یافته عناصر فضایی و کنش و واکنش متقابل این عناصر کارکردی، به‌صورت منطقی و پویا، در راستای تحقق یک یا چند هدف معین است.

عوامل مختلفی در قطعه‌قطعه بودن اراضی زراعی نقش



به‌طور کلی، در بسیاری از مناطق دنیا برای مقابله با تفرق و تعدد قطعات زراعی، ۲ راه وجود دارد: یکی معاوضه/ مبادله، خرید و عملیاتی که موجب گسترش و تجمع اراضی واحدهای بهره‌برداری تا سطح بهینه می‌گردد. و دیگر، تشکیل تعاونیهای تولید. تشکیل چنین تعاونیهایی در کشورهای سوسیالیستی با برنامه‌ای از پیش تنظیم شده، صورت گرفته است؛ همچنین در کشورهای در حال توسعه، جهان سوم از جمله ایران، هند، پاکستان، الجزایر نیز ایجاد تعاونیهای تولید کشاورزی در دستور کار بوده است.

در نظام سنتی روستاهای ایران، پیدایش بعضی از نظامهای کهن بهره‌برداری، از جمله بنه و حراثه صرف‌نظر از امتیازاتی که به خاطر مقابله با محدودیتهای آب، نیروی کار و سرمایه به همراه داشت، نقش مهمی در جلوگیری از خرد شدن قطعات و به‌عبارت دیگر، کشت و کار در قطعات وسیع و در قالب شکل سنتی مبتنی بر همیاری بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، طرحهای یکپارچه‌سازی اراضی به‌وسیله وزارت جهاد کشاورزی (← وزارت جهاد کشاورزی) به انجام رسیده است؛ با این وجود، براساس آخرین آمارها، متوسط فاصله قطعات اراضی کشاورزی در نزدیک‌ترین قطعه ۳۰۰ متر و دورترین قطعه ۲/۶ کیلومتر است.

کتاب‌شناسی:

- آسایش، حسین. اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۷۵.
- آسایش، حسین. برنامه‌ریزی روستایی در ایران. تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۷۶.
- آسایش، حسین. «نگاهی تحلیلی‌گرانه به عمران روستایی در ایران (بخش دوم)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۳.
- جمعه‌پور، محمود. «تحلیل رهیافت مشارکت سازمانهای سنتی تولید گروهی در بهره‌برداری بهینه از منابع آب، خاک و توسعه روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۳.

حسین آسایش

نمایه

| | |
|-------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------|
| آبادانی، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۲، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۱ | آب-محور، ۱۲۶ |
| ۴۳۰، ۴۸۵، ۵۲۵، ۵۶۲، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۳۵، ۷۳۶ | ۱، ۱۵۱، ۱۶۶، ۲۴۲، ۲۴۴، ۵۱۶، ۵۵۰، ۵۷۵، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴ |
| آلودگی هوا، ۱۰۱، ۱۵۷، ۲۰۱، ۲۱۴، ۲۹۳، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۶۹ | ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۴۳، ۶۵۷، ۶۶۲، ۷۱۵ |
| آلودگی زمین، ۸، ۹، ۳۲، ۳۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۱ | ۸۵۱ |
| آلودگی کترونیك، ۵۲۷ | آبادی، ۱، ۲، ۳، ۱۴۵، ۱۴۸، ۲۳۳، ۲۵۴، ۳۳۶، ۳۷۱، ۳۹۹ |
| آلودگی آونك نشین، ۴۷۲ | ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۵۰، ۴۷۴، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۳۳، ۵۳۷ |
| آلودگی آونك نشینی، ۴۶۹، ۴۷۳ | ۵۶۶، ۶۰۶، ۶۶۸، ۷۱۷، ۷۴۱، ۸۱۲، ۸۲۳ |
| آماده سازی زمین، ۸، ۹، ۳۲، ۳۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۱ | آبخیز، ۱۳۲ |
| ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۸۰، ۳۵۵، ۴۷۲، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۸۱، ۶۴۴ | آبزی پروری، ۱۳۱، ۲۴۷ |
| آمار و برنامه ریزی، ۴۲۲ | آبیاری، ۱۴۸، ۱۴۹، ۶۶۵، ۸۲۵، ۸۲۷ |
| آمایش سرزمین در ایران، ۱۱ | آتش سوزی، ۱۰۲، ۱۵۸، ۱۷۶، ۳۵۷، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۹۴ |
| آمایش، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷ | ۷۰۵ |
| ۱۴۲، ۱۴۷، ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۶۵، ۴۲۲، ۴۷۹، ۴۸۲، ۵۰۶، ۵۱۸ | آتش سوزی شهری، ۱۰۲ |
| ۵۸۷، ۶۸۴، ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۱۲، ۸۵۳، ۸۵۷ | آرایش فضایی، ۱۰، ۱۴۶، ۶۶۸، ۷۰۳، ۷۶۶ |
| آموزش، ۵، ۶، ۷، ۱۶، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۴ | آزادسازی تجارت، ۲۱۷ |
| ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۸۹، ۹۲، ۹۳، ۱۰۵ | آزادی خواهی، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۵۷۴ |
| ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۲ | آزادی مشروع، ۶۰، ۴۸۲ |
| ۱۶۴، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۷ | آستانه مقاومت، ۲۰۴ |
| ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴ | آسیب اجتماعی، ۶۰، ۶۱، ۱۴۶، ۲۲۲، ۳۶۵، ۴۱۲، ۴۵۵ |
| ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۵ | ۵۲۰، ۸۴۶، ۸۴۷ |
| ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۲۷ | آشوب شهری، ۷۲ |
| ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۴ | آفت کش شیمیایی، ۲۹۰ |
| ۳۷۶، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۱۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲ | آلاینده سمی صنعتی، ۶۰۱ |
| ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸ | آلودگی آبها، ۱۰۱ |
| ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵ | آلودگی صوتی، ۱۵۷، ۱۵۸، ۳۴۵ |
| ۵۲۷، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸ | آلودگی محیط زیست، ۱۰۱، ۵۵۵، ۷۷۴ |
| ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۰، ۵۸۰، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۵ | آلودگی محیطی، ۱۵۶، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۴۸، ۲۹۳، ۵۳۴، ۵۳۵ |
| ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵ | |
| ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۵۲، ۶۷۰، ۶۸۰، ۶۹۶ | |

۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۳۸، ۳۵۹، ۳۶۴، ۳۷۵، ۴۰۲،
 ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۴، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۶، ۴۶۹، ۵۱۳،
 ۵۶۵، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۱۵، ۶۱۶،
 ۶۳۱، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۷۹، ۶۹۲، ۶۹۵، ۷۰۲، ۷۲۳، ۷۲۶، ۷۲۷،
 ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۸۶، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۳۲، آمایش سرزمین، ۱۰، ۱۱،
 ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۷، ۲۰۶،
 ۲۱۱، ۴۲۲، ۴۸۲، ۵۱۸، ۵۸۷، ۶۸۴، ۷۹۷، ۸۲۲، ۸۵۳
 اجتماع شهری، ۱۹۱، ۲۹۷، ۶۶۱، ۸۱۳
 اجتماع محلی، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۱۱۹، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۷۹، ۲۹۳،
 ۳۶۴، ۳۷۵، ۴۰۸، ۵۶۵، ۵۶۸، ۶۹۵، ۷۰۲
 اجتماع محلی جغرافیایی، ۲۲
 اجتماع محلی مکان محور، ۲۲
 اجتماعات شهری، ۷۱، ۳۰۰، ۶۰۰، ۶۹۳
 اجلاس استکهلم، ۱۹۳
 احزاب سبز، ۷۲۵
 احساس جهانشهری، ۵۴۱
 احکام شهری، ۳۴۳
 احیاء، ۱، ۹، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۷۰، ۸۹،
 ۹۰، ۱۱۲، ۱۲۲، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۰، ۲۰۸، ۲۸۴، ۳۰۶،
 ۳۶۳، ۴۰۷، ۴۴۹، ۵۴۲، ۶۱۴، ۷۴۱، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۱۲، ۸۳۰
 احیاء بافت فرسوده شهری، ۱۱۲، ۱۲۲
 احیاء روستایی، ۲۳، ۲۴، ۲۵
 احیاء زمین، ۲۶
 احیاء شهری، ۲۷، ۲۸، ۴۰۷، ۶۱۴
 احیاء منابع طبیعی، ۱۴
 احیای زیرساختهای حیاتی، ۷۰۷
 احیای نوگرایی، ۱۱۵
 اختیارات اداری، ۲۶۹، ۲۷۰
 اداره امور، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۵۰، ۵۴، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۹۹،
 ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۶۰، ۲۶۷، ۲۶۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۴۴،
 ۳۸۷، ۳۹۰، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۴۹، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰،
 ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۶۰،
 ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۷۳، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۲، ۸۰۳
 ۸۲۵، ۸۲۸، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۸، ۸۵۵
 اداره امور شهر، ۳۱، ۱۰۷، ۱۹۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۵۰۶، ۵۰۸

۷۰۲، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۶، ۷۳۹،
 ۷۴۰، ۷۵۵، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۸۵، ۷۹۳، ۷۹۴، ۸۱۸، ۸۴۱، ۸۴۳،
 ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۵۲
 آموزش انبوهی، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
 آموزش بهداشت، ۱۵۶
 آموزش رسمی، ۱۶، ۲۴۵، ۴۵۷
 آموزش غیررسمی، ۱۶، ۱۷، ۲۳۵
 آموزش کارآفرینی، ۶۳۷
 آموزش گروهی، ۲۳۲، ۲۳۳
 آموزش مدنی، ۷۲۳
 آموزش الکترونیک، ۳۷۹
 انتظام فضایی، ۶۵، ۹۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۴۵۰، ۷۰۳، ۷۶۷، ۸۱۲
 آوانگارد، ۶۱۳، ۸۱۷
 آیش کشتهای تابستانه، ۶۹۸
 آیش کشتهای زمستانه، ۶۹۸
 آیش نه کار، ۶۹۸
 آیش، ۳۴، ۴۸، ۱۵۹، ۶۹۸، ۸۰۳
 آیش بندی، ۶۷، ۶۸
 آینده مشترک ما، ۲۸۳، ۲۹۴
 ایرشهر، ۱۷، ۴۶۷
 ابزارهای سیاست شهری، ۴۸۹
 ابعاد سیاست شهری، ۴۸۹
 ابنیه تاریخی، ۱۶۶
 اپارخی، ۲۶۶
 اپیدمی، ۱۰۱
 اتاق فکر، ۱۷
 اتحادیه بین المللی تعاون، ۲۵۲، ۲۵۹
 اتحادیه بین المللی مراجع محلی، ۱۸
 اتحادیه شرکت تعاونی، ۲۵۶
 اتحادیه شهرداری ایران، ۴۳۱، ۵۱۱
 اثبات گرایی (در مطالعات شهری)، ۱۹
 اثرات گلخانه‌ای، ۶۸۳
 اجاره‌داری، ۶۸، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۸
 اجتماع، ۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۴۶، ۱۱۹، ۱۵۴، ۱۷۶،
 ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۴۵، ۲۵۳، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۸

ارزیابی، ۵، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۳۵، ۴۷، ۵۷، ۶۵، ۶۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۶۳، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۷۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۹۰، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۳۴، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۸۹، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۲۷، ۵۵۷، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۸۳، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۴، ۵۹۷، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۴، ۶۸۷، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۶، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۴، ۷۷۹، ۷۹۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۴، ۸۴۷، ۸۵۳، ۸۵۴

ارزیابی بحران، ۷۰۷

ارزیابی سریع روستایی، ۲۹۰

ارزیابی کاذب، ۳۶

ارزیابی مشارکتی ارتباطات روستایی، ۲۹۰

ارزیابی مشارکتی، ۲۷۷، ۲۹۰

ارکان جهاد سازندگی، ۸۳۹

استانداردهای زندگی، ۴، ۵، ۲۷۷

استاندارداری، ۳۵، ۳۷، ۶۲، ۲۶۹، ۳۸۸، ۴۳۰، ۵۱۸، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۸، ۶۵۸، ۶۵۹، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰

استحکام‌بخشی، ۴۸۷

استخراج معادن، ۴۲۲

استراحتگاهی، ۳۹۹، ۴۶۵، ۶۱۷

اسکان، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۶۸، ۴۶۱، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۶۶، ۶۰۵، ۶۷۱، ۶۷۴، ۷۰۶، ۷۴۵، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۱، ۷۹۰، ۷۹۸، ۸۲۲، ۸۳۲، ۸۳۴

اسکان اضطراری، ۹۰

اسکان بشر، ۳۷، ۱۲۴، ۱۷۷، ۲۱۰، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۴

اسکان غیررسمی، ۳۷، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳

اسکان مجدد، ۳۷، ۲۷۵، ۳۰۵، ۳۰۶

اشتغال، ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۴، ۱۸، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۰، ۶۳، ۶۵، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷

۵۱۰، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹

اداره امور شهری، ۱۰۹

اداره امور عمومی، ۳۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۲۴۷، ۳۳۲، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۶۰، ۴۱۷

اداره امور کشور، ۵۳

اداره امور محلی، ۵۴، ۳۸۴، ۵۰۹، ۵۴۷، ۶۴۵

اداره قضایی، ۲۹، ۳۴۸

اداره کل ترویج خانه‌داری، ۶۰۶، ۶۰۷

اداره نسق، ۶۹۸، ۷۰۰

ادغام محیطی، ۱۲۷، ۱۲۹

اراده‌سازی جمعی، ۵۴

اراضی اربابی، ۱۵۹

اراضی تحت اشغال شبکه آبها، ۳۳

اراضی تحت اشغال شبکه راههای ارتباطی، ۳۳

اراضی تحت تأسیسات عمومی، ۳۳

اراضی خرده مالکی، ۱۵۹

اراضی دایر، ۳۴، ۳۷۱

اراضی روستایی، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۸، ۱۵۲، ۱۵۹

اراضی شهری، ۳۳، ۳۴، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۸، ۲۳۱، ۴۸۶، ۸۵۲

اراضی کشاورزی، ۳۳، ۳۴، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۶۱، ۱۹۹، ۲۷۴، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۴۷۳، ۵۳۶، ۶۵۱، ۶۸۵، ۸۵۸

اراضی مرتعی، ۳۳، ۴۲۵

اراضی مشاع، ۳۳

اراضی ملکی، ۳۳

اراضی موات، ۱، ۳۴، ۵۱۶، ۶۹۹

اراضی وقفی، ۳۴، ۱۶۱

اریاب، ۳۲، ۴۷، ۷۰، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۷۳، ۳۸۲، ۴۱۱، ۶۳۳، ۶۶۴، ۶۷۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۳۰، ۸۵۰

ارتباطات افقی و عمودی، ۴۱۸

ارتقاء سطح سلامتی، ۱۵۶

ارزش افزوده، ۱۰۵، ۱۰۶، ۲۷۲، ۳۹۶، ۸۲۱

۲۵۶، ۲۶۱، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۰۰، ۷۱۵،
 ۷۱۶، ۷۱۷، ۸۰۰، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۳۰، ۸۵۷
 اصلاحات زراعی، ۴۸
 اصناف، ۲۱، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۷۷، ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۲۵۴، ۴۹۲،
 ۵۵۵، ۵۷۲، ۵۷۴، ۶۷۹
 اصول برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۹
 اصول تعاون، ۲۳۷، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۶
 اصول تعاونی، ۲۳۷، ۲۵۲
 اصول دهداری نوین، ۲۴۷
 اصول زیستبوم، ۲۰۱
 اضافه بنا، ۶۵۵، ۶۵۶
 اطلاعات، ۴، ۵، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۹،
 ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۷۰، ۸۶، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۳،
 ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۰۳، ۲۰۵،
 ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶،
 ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۲،
 ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۳، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵،
 ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸،
 ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰،
 ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۲،
 ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۷۸، ۴۸۷، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶،
 ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۸، ۵۲۲،
 ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۵۷، ۵۵۸،
 ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۹۱، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۲۱،
 ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۶۶، ۶۶۷،
 ۶۷۰، ۶۸۵، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۱۴،
 ۷۲۰، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۶، ۷۶۷،
 ۷۹۳، ۷۹۴، ۸۰۳، ۸۳۰، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۸،
 ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۵
 اعتبارات عمرانی، ۱۵۲
 اعتماد اجتماعی، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶
 افزایش بهره‌وری، ۴۷، ۱۹۷، ۲۳۹، ۲۹۳، ۳۷۸، ۴۱۹، ۴۵۳،
 ۴۵۷، ۴۹۵
 افزایش بهره‌وری، ۷۵۶
 افزایش طول، ۱۵۶

۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۵،
 ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۴۵،
 ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۵، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶،
 ۳۲۰، ۳۳۲، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۸۷،
 ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۴۴، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۸۲، ۵۰۲، ۵۰۷، ۵۲۵،
 ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۸۸،
 ۵۹۰، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۴، ۶۶۰،
 ۶۶۱، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۳۰، ۷۷۱، ۷۹۴، ۸۰۱، ۸۱۰، ۸۱۲،
 ۸۳۲، ۸۳۶، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۴
 اشتغال زنان، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱
 اشتغال شهری، ۴۲، ۴۳، ۱۱۷، ۴۴۴، ۶۶۰
 اشتغال صادرات-محور، ۳۹
 اصل آزادی، ۱۰۸
 اصل ارتباط و اتکاء متقابل، ۲۰۱
 اصل انصاف، ۱۰۹
 اصل برابری، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۵۷۵
 اصل پاسخگو بودن، ۵۷۰
 اصل پایان‌پذیری، ۲۰۱
 اصل پایداری زیستبوم، ۲۰۱
 اصل چهار، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۲۵۵، ۶۰۶
 اصل خود-قانونگذاری، ۱۰۸
 اصل خودترمیمی، ۲۰۱
 اصل شیوع، ۲۰۱
 اصل عدالت، ۱۳۹، ۵۹۸
 اصل کارایی، ۱۳۹
 اصل کیفیت محیطی، ۱۳۹
 اصل مسئولیت، ۵۷۰
 اصل مساوات‌جویی، ۳۲
 اصل نمایندگی، ۵۷۰
 اصلاح بافت، ۲۶، ۲۷، ۶۱۰
 اصلاح بافتهای فرسوده، ۲۷
 اصلاح معابر، ۱۵۲، ۱۶۶، ۲۰۸، ۵۷۸، ۵۸۸، ۶۰۵، ۷۷۸
 اصلاح معابر روستایی، ۵۷۸، ۱۵۲
 اصلاحات ارضی، ۳۲، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۱۴۹،
 ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵

| | |
|-----------------------------------------------------|------------------------------------------------------|
| الگو، ۳۴، ۱۲۵، ۲۸۳، ۳۱۱، ۳۱۲، ۴۳۴، ۴۷۵، ۴۸۷، ۶۰۷، | اقتدار، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۷۰، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۶۹، ۳۳۱، ۳۳۳، |
| ۶۳۸، ۶۴۸، ۷۴۰، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۹۱، ۸۴۸ | ۳۴۲، ۳۶۲، ۳۹۰، ۳۹۷، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۶۴، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، |
| الگوی اراضی روستایی، ۳۱، ۳۲ | ۵۹۴، ۶۶۳، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۴، ۷۱۶، ۸۰۳ |
| الگوی انجمنی، ۵۳ | اقتدار حکومتی، ۵۳ |
| الگوی بلوک مانند، ۳۱ | اقتدار خطی، ۵۵ |
| الگوی تک مرکزی، ۷۳۱، ۷۳۴ | اقتدار سنتی، ۵۴ |
| الگوی چند مرکزی، ۷۳۲ | اقتدار سیاسی، ۲۶۹، ۳۳۱، ۳۹۷، ۵۹۴ |
| الگوی ریخت شناختی، ۵۹ | اقتدار عقلانی - قانونی، ۵۴ |
| الگوی زمین زراعی، ۳۱ | اقتدار کارکردی، ۵۵ |
| الگوی زیستی - اقتصادی، ۲۹۵ | اقتدار کاریز مایی، ۵۴ |
| الگوی سکونتگاهی، ۵۹ | اقتدار محلی، ۵۵، ۴۶۴ |
| الگوی فضایی اکوسیستمها، ۱۲۹ | اقتدار مدیریتی، ۵۵، ۵۶ |
| الگوی فضایی رشد شهری، ۱۳۶ | اقتدار مشاوره ای، ۵۵ |
| الگوی کاربری، ۱۴۴ | اقتدار ملی، ۲۰۴، ۳۴۲ |
| الگوی کشت، ۱۶۰ | اقتصاد خوداتکاء، ۲۲۳ |
| الگوی کشت، ۴۸، ۷۰۰ | اقتصاد خودبسنده، ۲۲۳ |
| الگوی مسکن، ۶۰، ۶۶۹، ۷۴۵ | اقتصاد روستا، ۲۴، ۸۹، ۱۹۸، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۱۸، ۳۲۰، ۷۹۰ |
| الگوی نواری شکل، ۳۱، ۳۲ | اقتصاد سیاسی شهری، ۴۳، ۵۷، ۵۸، ۳۰۸، ۳۹۵، ۵۹۹ |
| الگوی واحد همسایگی، ۸۳۱، ۸۳۴ | اقتصاد شهری، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۱۴۸، ۱۹۱، ۱۹۹، ۳۲۱، ۳۲۳، |
| اماکن تجاری، ۹، ۳۴ | ۳۶۷، ۳۹۵، ۵۸۱، ۵۹۸، ۶۴۵، ۶۶۰، ۷۶۲، ۸۰۹، ۸۲۳ |
| اماکن عمومی، ۳۴، ۱۵۶، ۳۵۷، ۵۵۸ | اقتصاد شهری پایدار، ۱۹۹ |
| ام القری، ۵۴۸، ۶۷۱ | اقتصاد غیرزراعی، ۲۸۹ |
| امپریالیسم، ۳۱۴ | اقتصاد فضا، ۱۹۱، ۵۹۶، ۶۱۴، ۷۲۷، ۷۶۶ |
| املاک سلطنتی، ۱۵۹، ۲۵۵ | اقتصاد مشارکتی، ۷۵۷ |
| املاک موقوفه، ۱۵۹ | اقتصاد وضعیت ثابت، ۲۸۲ |
| امنیت، ۲۲، ۴۱، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۱۱۵، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۸۷، | اقتصادسنجی، ۱۹ |
| ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، | اقدام جمعی، ۱۹۲، ۳۳۶، ۳۳۷ |
| ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۳۲، | اقدام خوب، ۵۸، ۵۹، ۱۲۷ |
| ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۷۳، ۳۸۰، | اقدامات حمایتی، ۴۷ |
| ۳۹۳، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۶۴، ۴۸۲، | اقتدار آسیب پذیر، ۱۹۲، ۳۷۷ |
| ۴۹۱، ۵۰۹، ۵۲۰، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۴۸، ۶۷۵، ۶۷۷، | اقتدار شهری، ۴۰۲ |
| ۶۸۵، ۶۹۱، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۴۵، ۷۶۸، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۵، ۷۹۴، | اکوسیستم، ۱۲۹، ۲۹۷، ۲۹۸، ۴۷۸، ۴۷۹ |
| ۸۰۹، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۴ | اکوسیستم طبیعی، ۲۶۵، ۲۹۵، ۲۹۸ |
| امنیت اجتماعی، ۶۰، ۶۴، ۲۱۹، ۳۳۶، ۴۲۱، ۴۸۲، ۷۷۴، ۸۰۹ | اکولوژی شهری، ۵۹، ۲۹۴ |
| امنیت زمین مسکونی، ۲۲۸ | اکومونوپلیس، ۵۶۷ |

| | |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| انفکاک اجتماعی، ۲۲۳ | امنیت شهری، ۶۰، ۶۴، ۳۵۴، ۵۲۰ |
| انقلاب سبز، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۵۴ | امنیت غذایی، ۱۹۵، ۱۹۶، ۳۰۰، ۴۸۲، ۶۴۸، ۸۴۱ |
| انقلاب شهری، ۷۱، ۷۲، ۲۲۲، ۴۶۲، ۴۶۷ | امنیت فردی، ۶۰، ۳۳۴ |
| انقلاب صنعتی، ۲۲، ۶۵، ۷۲، ۹۳، ۱۱۳، ۱۳۳، ۲۱۹، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۸۵، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۸، ۵۶۶، ۶۴۱، ۷۵۸ | امنیت ملی، ۶۰ |
| ۷۸۷، ۸۳۱ | امور شهری، ۱۸، ۳۰، ۱۰۰، ۱۰۹، ۲۶۹، ۲۷۰، ۴۱۲، ۴۳۳، ۵۰۸، ۵۳۴، ۵۴۸، ۵۵۷، ۷۰۹، ۷۲۶، ۷۶۱ |
| انقلاب فناوری- اطلاعاتی، ۳۲۱ | امور همگانی، ۱۸۸، ۷۲۲ |
| انواع تراکم، ۷۴۹ | انبارداری، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۱۰۵، ۲۴۷، ۵۰۲، ۷۳۶، ۷۹۸، ۷۹۹ |
| انواع سیستم MIS، ۵۰۲ | انباشت، ۲۶، ۶۰، ۸۴، ۹۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۷۴، ۲۸۱ |
| انواع مسکن شهری، ۷۵۱ | ۲۸۸، ۳۱۵، ۳۲۲، ۳۷۶، ۴۵۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۳۸، ۵۹۸، ۶۵۱ |
| انواع واحد تولید جمعی، ۸۲۷ | ۷۲۸، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۲۱، ۸۲۲ |
| اوقات فراغت، ۲۶، ۸۲، ۹۵، ۹۶، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۴۰، ۲۰۱، ۲۱۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۳۴۴، ۳۵۳، ۳۷۰، ۴۵۴، ۴۶۶، ۵۲۰، ۵۴۷، ۵۶۵، ۵۷۰، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۴۰، ۶۷۸، ۶۸۲ | انتظام فضایی، ۶۵، ۹۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۴۵۰، ۷۰۳، ۷۶۷، ۸۱۲ |
| ۷۳۲، ۷۸۴، ۸۱۸ | انتظام کالبدی، ۱۳۹ |
| اولویت رفاهی، ۳۹۴ | انتظام‌زدایی، ۱۷۸ |
| اهداف توسعه هزاره، ۱۲۴، ۱۲۷، ۴۴۲ | انتقال، ۶، ۳۰، ۳۹، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۸۴، ۹۰، ۹۲، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۳، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۹۶، ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۵۸، ۴۸۷، ۵۰۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۵۱، ۵۶۳، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۶۳، ۶۷۰، ۶۸۶، ۷۲۲، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۱۷، ۸۳۴، ۸۴۳، ۸۴۹ |
| اهداف توسعه هزاره، ۱۲۴، ۱۲۷، ۴۴۲ | انجمن ده، ۶۵، ۶۴۷، ۷۱۶، ۷۱۷ |
| اهداف خرد، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۵ | انجمن فابین، ۱۸ |
| اهداف کلان، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۳۵، ۳۱۲ | انجمن‌پذیری غیررسمی، ۴۵۴ |
| اهداف کنترل ساختمان، ۴۲۷ | انجمنهای ایالتی و ولایتی، ۱۲۰، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۴۹، ۵۵۰ |
| اهداف مدیریت سوانح، ۷۰۵ | |
| ایجاد فرصت شغلی، ۲۰۸ | |
| ایمنی، ۷۲، ۷۳، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۳۲، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۳، ۳۸۸، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۶، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۷۵، ۶۴۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۷۵۱ | |
| ۷۵۲، ۷۹۴، ۸۳۳، ۸۴۸، ۸۴۹ | |
| ایمنی آمدوشد، ۷۲، ۷۳، ۲۳۲ | |
| بازار، ۱۸، ۲۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۶، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۶۶، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۴، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۸، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۳۷، ۴۴۸، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۸، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۷، ۵۰۲، ۵۲۸ | |
| انجمن‌های دهات، ۱۶۷ | |
| انجمنهای صنفی، ۵۴۸، ۸۴۵ | |
| انحطاط شهری، ۱۰۳ | |
| اندازه‌گیری سرمایه انسانی، ۴۵۸ | |
| انسجام اجتماعی، ۲۱، ۲۷۹، ۴۵۲ | |
| انسجام فضایی، ۷۸۲ | |
| انفجار جمعیت، ۱۰۴، ۲۸۲، ۷۵۸ | |

| | |
|-------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| بازسازی روستایی، ۸۶ ۸۷ ۳۷۴ | ۵۵۹، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۸۰، ۵۹۱، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱ |
| بازسازی شهری، ۹۰، ۱۱۵، ۴۸۸ | ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۷۲، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۹۸ |
| بازسازی گتوها، ۲۷ | ۷۰۰، ۷۱۴، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۴، ۷۴۸ |
| بازسازی مناطق آسیب‌دیده، ۲۰۹، ۲۱۱، ۸۴۸ | ۷۵۲، ۷۶۴، ۷۶۷، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۹ |
| بازسازی مناطق جنگزده، ۱۵۱ | ۸۱۳، ۸۲۲، ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۵ |
| بازسازی و بازتوانی، ۷۰۵، ۷۰۷ | بازار بورس، ۱۷۸، ۶۲۹ |
| بازیابی، ۵۱ | بازار شهری، ۷۵ |
| بازیافت، ۷۸، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۴، ۱۴۰، ۱۶۶، ۲۴۷ | بازار غیررسمی، ۱۷۷، ۴۶۸، ۴۷۳ |
| ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۳۱، ۴۵۲، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۹۳ | بازارچه، ۷۵، ۲۱۴، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۳۴، ۸۳۵ |
| ۶۹۳، ۷۶۸ | بازارهای شهری، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۴۵۱ |
| بازیافت فاضلاب، ۲۹۳ | ۴۶۰ |
| بازیافت گسترده، ۲۹۸ | بازاریابی، ۴۷، ۴۸، ۶۸، ۹۲، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۶ |
| باغراه، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۳۴ | ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۰۰، ۳۸۵، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۲، ۵۰۴، ۶۳۷، ۶۳۹ |
| باغشهر، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۱۵، ۱۳۴، ۱۴۱، ۲۹۲، ۳۵۴ | ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۲۰، ۷۶۵، ۸۲۹ |
| ۵۳۵، ۵۳۲، ۳۵۶ | بازتوزیع زمین، ۴۷ |
| باغشهر فردا، ۹۴، ۵۲۹ | بازتوسعه شهرها، ۸۴ |
| بافت، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹ | بازتولید اجتماعی، ۲۲۶ |
| ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۰۸ | بازتولید محیط‌زیست، ۱۹۸ |
| ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۳۰۶، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۵۶، ۳۶۸، ۳۷۱ | بازدارندگی، ۲۰۴، ۴۸۲ |
| ۴۰۸، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۵۳، ۴۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۹، ۶۱۰ | باز زنده‌سازی، ۲۷، ۱۱۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۴، ۸۱۲، ۸۱۶ |
| ۶۱۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۶۰، ۶۶۸، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۷۰۷، ۷۳۴ | باز زنده‌سازی شهری، ۱۱۵، ۷۴۳ |
| ۷۳۵، ۷۴۸، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳ | بازساخت اقتصاد، ۸۴، ۸۶ |
| ۸۱۶، ۸۳۳، ۸۳۵ | بازساخت زیست‌محیطی، ۸۶ |
| بافت ارگانیک روستا، ۷۸۱ | بازساخت شهری، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۵۳۸ |
| بافت پُر روستا، ۹۷، ۹۸ | بازساخت، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۲۸۹، ۳۱۴، ۵۳۸، ۵۹۶، ۷۴۱ |
| بافت جمعیتی، ۲۴ | بازسازی، ۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۴۴، ۵۰، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۸۸ |
| بافت روستایی، ۹۷، ۵۸۸ | ۸۹، ۹۰، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۹ |
| بافت فیزیکی، ۳۰۶، ۶۰۹، ۶۱۰ | ۱۷۰، ۱۷۹، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۷۷ |
| بافت مسکونی، ۱۵۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱ | ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۹۶، ۳۰۶، ۳۷۴، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۷۴، ۴۸۸، ۴۸۹ |
| بافت فرسوده، ۲۷، ۱۱۲، ۱۲۲، ۳۶۷، ۷۳۷، ۷۹۹ | ۵۱۶، ۵۳۵، ۵۵۲، ۵۶۴، ۵۷۸، ۵۸۷، ۵۹۴، ۶۰۵، ۶۱۳، ۶۵۸ |
| بالکانی ساختن، ۱۷۸ | ۶۶۹، ۶۷۸، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۰۷، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۶۶ |
| بانک جهانی، ۱، ۳۶، ۶۹، ۹۹، ۱۰۰، ۲۳۸، ۲۷۳، ۲۸۸، ۳۰۲ | ۷۷۸، ۷۹۹، ۸۰۵، ۸۱۵، ۸۳۵، ۸۴۰، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۲ |
| ۳۱۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۵، ۴۴۳، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۲، ۴۷۴، ۵۹۱، ۶۸۸ | بازسازی اراضی، ۲۶ |
| ۷۵۴ | بازسازی روستاها، ۸۷، ۸۹، ۷۷۸ |
| بانکداری الکترونیکی، ۵۲۵، ۵۲۸، ۶۲۵ | بازسازی روستاهای جنگ‌زده، ۸۷، ۸۹ |

۴۴۳، ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۱، ۴۲۷، ۴۲۵، ۴۲۲، ۴۲۰، ۴۱۷، ۴۱۶
 ۴۱۹، ۴۱۷، ۴۱۴، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۰۸، ۴۰۶، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰
 ۵۱۴، ۵۱۰، ۵۰۸، ۵۰۶، ۵۰۲، ۵۰۱، ۴۹۸، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰
 ۵۴۱، ۵۳۶، ۵۳۳، ۵۳۲، ۵۳۰، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۷، ۵۲۳، ۵۱۹
 ۵۸۹، ۵۸۸، ۵۸۴، ۵۸۰، ۵۷۱، ۵۶۹، ۵۶۳، ۵۵۷، ۵۵۵، ۵۴۹
 ۶۱۹، ۶۱۸، ۶۱۱، ۶۰۲، ۶۰۰، ۵۹۸، ۵۹۶، ۵۹۵، ۵۹۱، ۵۹۰
 ۶۳۹، ۶۳۶، ۶۳۵، ۶۳۴، ۶۳۳، ۶۲۷، ۶۲۶، ۶۲۵، ۶۲۴، ۶۲۰
 ۶۷۵، ۶۷۲، ۶۶۸، ۶۶۶، ۶۶۳، ۶۶۲، ۶۶۰، ۶۴۸، ۶۴۷، ۶۴۳
 ۶۹۹، ۶۹۸، ۶۹۵، ۶۹۴، ۶۹۱، ۶۸۷، ۶۸۲، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۷
 ۷۵۰، ۷۴۷، ۷۳۵، ۷۳۳، ۷۲۵، ۷۲۳، ۷۲۰، ۷۱۷، ۷۰۹، ۷۰۸
 ۷۹۱، ۷۹۰، ۷۸۴، ۷۸۰، ۷۷۴، ۷۵۷، ۷۵۵، ۷۵۳، ۷۵۲، ۷۵۱
 ۸۲۱، ۸۱۷، ۸۱۳، ۸۱۱، ۸۱۰، ۸۰۹، ۸۰۳، ۸۰۰، ۷۹۷، ۷۹۶
 ۸۵۴، ۸۵۳، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۲، ۸۴۱، ۸۴۰، ۸۳۵، ۸۳۴، ۸۲۲
 ۸۵۸، ۸۵۷، ۸۵۶
 بخش بهداشت، ۴۵، ۴۴، ۳۹
 بخش تعاونی، ۲۶۲، ۲۵۷، ۱۰۵، ۴۳
 بخش خدمات، ۵۳۰، ۴۶۸، ۳۷۱، ۱۰۵، ۴۳، ۴۱، ۳۹، ۳۸
 ۵۳۳، ۵۴۱، ۵۵۵، ۶۶۰
 بخش خدماتی، ۶۲
 بخش خصوصی، ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۲، ۶۲، ۵۸، ۴۳، ۳۵، ۲۸
 ۲۷۴، ۲۶۱، ۲۵۷، ۲۲۰، ۲۰۸، ۱۶۸، ۱۳۴، ۱۲۸، ۱۲۶، ۱۰۶
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۳۰، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۱
 ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴
 ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۷۲، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۲۳، ۵۲۸
 ۵۳۲، ۵۳۶، ۵۶۳، ۵۷۱، ۵۹۱، ۵۹۵، ۶۹۸، ۷۰۸، ۷۰۹، ۸۰۹
 ۸۱۲، ۸۵۲، ۸۵۴
 بخش دولتی، ۳۳۲، ۲۵۷، ۱۶۸، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۰، ۶۲، ۴۳
 ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۳، ۳۸۳، ۳۷۹، ۷۹۶
 بخش رسمی، ۴۷۲، ۱۰۵، ۴۱، ۴۰، ۳۹
 بخش ساختمان، ۸۵۴، ۸۲۲، ۷۹۱، ۶۱۸، ۱۸۱، ۱۴۷، ۱۰۴
 بخش صنعت، ۳۴۶، ۲۶۰، ۱۰۵، ۱۰۴، ۶۸، ۴۱، ۳۹، ۳۸
 ۵۳۰، ۵۳۲، ۶۰۰، ۶۶۰
 بخش عمومی، ۳۳۲، ۳۳۱، ۱۴۰، ۱۲۵، ۱۰۶، ۱۰۵، ۴۳، ۳۹
 ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۵۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۸۲، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۸۹، ۵۹۰
 ۵۹۱، ۵۹۶، ۶۳۳، ۶۴۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۸۵۶

بانکداری تعاونی، ۲۵۳
 بایر، ۲۶، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۴۸، ۱۰۱، ۱۶۱، ۱۶۷، ۲۷۳، ۸۵۲
 بحران، ۲۳، ۵۱، ۶۶، ۶۹، ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴
 ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۷۶، ۲۹۴، ۳۰۰، ۳۱۴
 ۳۱۶، ۳۶۲، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۲، ۴۷۱، ۴۸۳
 ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۶۷۰، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷
 ۷۵۹، ۷۸۶، ۷۹۴، ۸۱۷، ۸۴۴
 بحران آب و هوایی، ۱۰۱
 بحران اجتماعی، ۴۷۰، ۱۸۰
 بحران بالقوه، ۶۹۰، ۱۰۱
 بحران پایداری، ۱۰۴
 بحران خفته، ۱۰۱
 بحران زمین شناختی، ۱۰۱
 بحران زیست محیطی، ۴۲۹، ۱۰۱
 بحران ساختاری نظام سرمایه داری، ۲۲۱
 بحران سریع اثر، ۱۰۱
 بحران سیاسی، ۶۰۲، ۱۸۰
 بحران شهری، ۷۵۹، ۴۸۳، ۱۰۴، ۱۰۳
 بحران طبیعی، ۱۰۲
 بحران عدم تعادل، ۲۲۱
 بحران فعال، ۱۰۱
 بحران مدیریتی، ۱۸۰
 بخش، ۴، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱
 ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۶۸
 ۷۲، ۷۷، ۸۳، ۸۶، ۹۲، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶
 ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۳
 ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۱
 ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶
 ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۵۷
 ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۸
 ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸
 ۳۲۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۴۶
 ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶
 ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶
 ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۱۵

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۵،
 ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶،
 ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۴، ۲۸۷، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۳۳، ۳۳۵،
 ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۰۹، ۴۱۱،
 ۴۱۲، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲،
 ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۷،
 ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۲۷،
 ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۴،
 ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۷، ۶۰۹،
 ۶۱۱، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۴، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۶،
 ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۶،
 ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۱، ۷۷۳، ۷۷۴، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۰۵، ۸۰۹، ۸۱۱،
 ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۷، ۸۴۸،
 ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۵
 برنامه آبادسازی، ۱۴۱
 برنامه آمایش سرزمین، ۱۲۰، ۱۴۲
 برنامه اجتماع محلی، ۱۱۹
 برنامه اجتماعی، ۶۲، ۱۱۹، ۵۰۸، ۵۵۲، ۸۴۷
 برنامه اجرایی، ۱۴، ۴۸، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۶۹، ۱۹۹،
 ۲۳۶، ۳۰۵، ۷۳۸، ۷۶۱، ۷۹۷، ۸۵۲
 برنامه اجرایی ژوهانسبورگ، ۱۲۷
 برنامه اسکان بشر، ۴۶۹
 برنامه اقتصادی، ۱۱، ۴۷۴، ۶۷۲
 برنامه اقدام، ۱۱۰، ۱۶۷
 برنامه بخش - محور، ۱۲۸
 برنامه بهسازی، ۱۱۹
 برنامه پیش ساخته، ۱۱۸
 برنامه تأسیسات زیربنایی، ۱۱۹
 برنامه ترویج، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰
 برنامه تسهیلات همگانی، ۱۱۹
 برنامه تعدیل اقتصادی، ۲۷۴
 برنامه توسعه جامع، ۲۴۰
 برنامه توسعه سازمان ملل، ۶۹، ۹۹، ۱۱۵، ۱۲۴، ۲۹۶، ۳۳۳،
 ۳۳۵، ۴۷۴، ۴۴۲، ۴۴۶، ۷۵۴
 برنامه توسعه یکپارچه روستایی، ۲۴۲

بخش غیررسمی، ۳۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۵۹۶، ۷۹۱
 بخش فعالیتهای اداری، ۶۲
 بخش کشاورزی، ۲۳، ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۶۵، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۶۰،
 ۱۸۰، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۴، ۳۲۰، ۳۶۳، ۳۷۱، ۳۹۹،
 ۴۹۱، ۶۴۸، ۶۶۳، ۷۲۰، ۷۹۰، ۸۰۹، ۸۴۰، ۸۴۱
 بخش مردم پایه، ۱۰۵
 بخش معدن، ۱۰۴
 بخش نیمه دولتی، ۶۲
 بخشداری، ۱۰۶، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۸، ۴۶۰، ۵۸۸
 بدمسکنی، ۴۶۹
 برابری، ۱۶، ۴۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۹۱، ۱۹۸،
 ۲۰۰، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۶،
 ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵،
 ۳۴۰، ۳۵۹، ۳۹۳، ۴۴۴، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸،
 ۶۴۳، ۷۰۲، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۴، ۷۷۴، ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۴، ۸۰۸
 برابری اجتماعی، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۰۰
 برابری بین نسلی، ۲۷۶
 برابری توزیعی، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹
 برابری جنسیتی، ۱۶، ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۹۵،
 ۴۴۴، ۷۹۳
 برابری جویی، ۳۳۴
 برابری حقوقی، ۱۰۷
 برابری سیاسی، ۱۰۶، ۱۰۷، ۳۴۰
 برابری شهروندان، ۳۳۲
 برابری فرصت، ۱۰۹، ۲۷۲
 برابری طلبی، ۱۰۸
 برتری، ۳۹۳
 برج مسکونی، ۴۶۶، ۷۵۳
 برزگر، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۷۵، ۴۲۶، ۸۰۲، ۸۲۵،
 ۸۲۶
 برنامه، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۳، ۳۵، ۴۳،
 ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۶۸، ۶۹، ۹۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱،
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲،
 ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،
 ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹

۱۰۱، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،
 ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰،
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰،
 ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۶۲،
 ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۱،
 ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶،
 ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴،
 ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۱،
 ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۶،
 ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۸۵، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۶،
 ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۸،
 ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱،
 ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۸، ۴۶۵، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۷،
 ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۵،
 ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶،
 ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۳،
 ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰،
 ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰،
 ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۴،
 ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۹، ۶۱۱،
 ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵،
 ۶۵۲، ۶۶۱، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۸، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶،
 ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۰۵،
 ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۳،
 ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۵، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۷۲، ۷۷۵،
 ۷۷۸، ۷۸۴، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۳۱،
 ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳،
 ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴،
 ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۸

برنامه ریزی آبخیز، ۱۳۲

برنامه ریزی اجتماعی، ۱۱۵، ۱۳۵، ۲۱۲، ۴۲۲، ۷۶۲، ۷۹۶

برنامه ریزی اقتصادی- اجتماعی، ۱۱

برنامه ریزی اقتضایی، ۱۳۵

برنامه ریزی پایدار، ۱۱۵

برنامه جامع، ۳، ۴، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۴۳۰، ۵۵۷، ۶۷۲،
 ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۲۹، ۸۵۱

برنامه جدید مدیریت شهری، ۹۹

برنامه چهارم توسعه، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۰۶، ۲۰۹، ۵۵۴،
 ۵۸۹، ۶۱۱، ۸۴۲

برنامه چهارم عمرانی، ۱۳۷، ۱۶۷

برنامه حفاظت آبخیز، ۲۰۸

برنامه حمایتی، ۱۹۱

برنامه حمل و نقل، ۱۱۹، ۱۳۴

برنامه خانه سازی، ۱۱۹

برنامه خودساخته، ۱۱۷

برنامه دوم توسعه، ۷، ۱۴، ۱۷۱، ۶۰۹

برنامه راهبردی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۶،
 ۲۶۰، ۲۶۵، ۷۳۸، ۷۳۹

برنامه راهبردی شهر، ۱۱۰، ۱۱۱

برنامه ساختاری، ۱۱۹

برنامه سکونتگاههای انسانی، ۱۱۱، ۴۴۳

برنامه شهری، ۱۱۸، ۱۲۰

برنامه عمرانی، ۱۳، ۳۳، ۱۲۰، ۱۷۰، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۶۵، ۷۴۶،
 ۸۰۹

برنامه عمل، ۱۰، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۹، ۲۲۵، ۳۰۶،
 ۴۳۹، ۴۹۱، ۵۸۴، ۸۰۴

برنامه عملکردی، ۱۱۹

برنامه فیزیکی، ۱۴۳

برنامه کاربری زمین، ۱۱۶، ۱۱۹، ۶۴۰، ۶۴۱

برنامه کالبدی، ۱۱۹

برنامه کالبدی شهر، ۳۳

برنامه کاهش فقر، ۲۱۹، ۴۴۳

برنامه محیطی سازمان ملل، ۴۴۶

برنامه مدیریت شهری، ۱۲۴

برنامه مشارکتی، ۱۱۹

برنامه واقع بینانه، ۱۱۸

برنامه ریزان شهری، ۱۱۳، ۱۹۹، ۵۸۰، ۵۸۱

برنامه ریزی، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰،

۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۳، ۶۲، ۶۴، ۸۶، ۹۹

- برنامه‌ریزی تخصصی، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی تفریحی، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی جامع عقلانی، ۱۳۶
 برنامه‌ریزی جامع، ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۶۱۴
 برنامه‌ریزی جنسیتی، ۲۲۷، ۷۹۶
 برنامه‌ریزی حمل و نقل، ۱۳۵، ۱۴۰، ۳۴۶، ۶۴۴، ۷۶۲
 برنامه‌ریزی خانه‌سازی، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی راهبردی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۳۹۳، ۵۰۱، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۶۸۹، ۷۳۸، ۷۳۹
 برنامه‌ریزی راهبردی محیط - محور، ۱۲۶
 برنامه‌ریزی روستایی، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۰، ۳۰۲، ۳۳۷، ۳۶۱، ۴۳۴، ۷۵۸، ۸۵۸
 برنامه‌ریزی زیست محیطی، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲
 برنامه‌ریزی سرزمینی - کارکردی، ۱۱
 برنامه‌ریزی شهری، ۸، ۹، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۶۴، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۶۵، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۵۲، ۳۵۳، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۸۷، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۴، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۹، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۴۰، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۷۳، ۶۷۸، ۶۸۶، ۷۰۹، ۷۳۰، ۷۳۷، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۸۴، ۸۱۳، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۴
 برنامه‌ریزی شهری پایدار، ۱۱۵
 برنامه‌ریزی عملکردی، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی عملیاتی، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی فرایندی، ۱۴۳، ۷۵۴
 برنامه‌ریزی فضایی، ۱۰، ۱۱، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۳۴۶، ۴۶۵، ۴۸۳، ۵۸۷، ۶۱۴، ۷۰۴
 برنامه‌ریزی فیزیکی، ۱۴۳
 برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۶۴۳
 برنامه‌ریزی کاربری زمین، ۱۱۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۵۵۱، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۹۳
 برنامه‌ریزی کالبدی، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۶۹، ۴۷۴، ۷۳۸
- ۵۸۴، ۷۶۲
 برنامه‌ریزی محله‌ای، ۱۳۵
 برنامه‌ریزی محیطی، ۱۳۵، ۴۲۵، ۷۰۱، ۷۶۲
 برنامه‌ریزی مردمسالارانه، ۱۳۵، ۱۳۶
 برنامه‌ریزی مسکن، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۱۰، ۳۰۳، ۴۷۳، ۴۷۴، ۵۹۹، ۶۷۰، ۷۰۹، ۷۶۲
 برنامه‌ریزی مشارکتی، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۳۵، ۷۱۲
 برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۱۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۲، ۳۵۲، ۳۵۵، ۴۹۷، ۵۰۳، ۶۲۷، ۷۶۲
 برنامه‌ریزی نظام‌مند، ۱۳۶
 بزرگراه، ۳۵۴، ۳۶۹، ۵۵۱، ۵۶۳، ۶۸۳، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۵۱، ۷۵۳
 بزرگ‌مالکی، ۸۰۲
 بستر توانمندسازی، ۴۲۰، ۴۲۱
 بلایای جوی، ۲۱۲
 بلوار چندمنظوره، ۷۸۴
 بلوکهای منظم، ۳۱
 بند (سد)های ذخیره‌ای، ۱۸۷
 بنکو، ۶۶۴
 بنگاه انتفاعی، ۴۳۵
 بنگاه عمران اجتماعی، ۶۰۶
 بنگاههای آماده‌سازی زمین، ۳۵۵
 بنه، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۸۴، ۱۹۰، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۹۷، ۶۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۲۳
 ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۵۸
 بنه ارباب رعیتی، ۱۴۹
 بنه گاوبندی، ۱۴۹
 بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۶، ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۶۲، ۸۹، ۹۹، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۸، ۳۰۳، ۳۸۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۱، ۴۶۵، ۵۷۸، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۶۹، ۶۷۰، ۷۴۶، ۷۶۷، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۸۱، ۷۹۷، ۸۱۹، ۸۵۶
 بودجه شهری، ۱۰۰
 بودجه عمومی، ۳۵، ۲۱۲
 بوروکراسی، ۱۵۴، ۳۸۸

- بوم‌سامانه‌ها، ۱۵۷
- بوم‌شناختی، ۶۷، ۶۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۷۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۵، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۳۰، ۴۶۲، ۴۷۹، ۵۴۶، ۶۱۷، ۶۴۹، ۷۴۵، ۷۶۸، ۸۳۲
- بوم‌شناسانه پایا، ۱۹۹
- بوم‌شناسی، ۵۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۹۴، ۶۸۷، ۷۰۱، ۷۶۲
- بوم‌شناسی انسانی، ۱۵۴
- بوم‌شناسی شهری، ۵۹، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۹۴، ۶۸۷، ۷۶۲
- بهبود بهره‌وری، ۱۹۵
- بهداشت خانواده، ۱۵۷
- بهداشت شغلی، ۱۵۶
- بهداشت شهری، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۳، ۴۴۴، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۴۲
- بهداشت عمومی، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۱۳۴، ۲۰۹، ۴۳۸، ۴۹۷، ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۶۳، ۷۵۹، ۷۶۸
- بهداشت محیط، ۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۳۵۷، ۶۰۵، ۷۵۹، ۷۶۰
- بهداشت مدارس، ۱۵۷، ۶۰۵
- بهداشت منابع انسانی، ۲۴۷
- بهره‌برداری کشاورزی، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۶۶۷، ۸۲۳
- بهره‌برداری مشروط، ۴۶
- بهره‌وری، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۴۷، ۶۵، ۶۶، ۹۴، ۱۳۱، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۹۴، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۹۵، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۸۵، ۶۲۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۶۲، ۶۶۳، ۷۴۳، ۷۵۶، ۸۱۴، ۸۱۶
- بهره‌وری سبز، ۲۸۷
- بهبود اجتماعی، ۱۶
- بهبودی، ۶، ۲۶، ۴۸، ۸۳، ۸۴، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۲، ۲۰۸، ۲۴۷، ۲۶۵، ۳۳۷، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۸۵، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۷۴، ۴۷۸، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۶۰۸
- ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۵۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۷۳۳، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۶۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۶، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۵۲، ۸۵۶
- بهبودی بافت‌های بارز، ۱۶۷، ۱۷۰، ۵۸۹، ۶۱۰
- بهبودی بافت‌های روستایی، ۲۴۷
- بهبودی تفرجگاه، ۲۶۵
- بهبودی روستایی، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۳۸۵، ۴۰۴، ۶۱۰
- بهبودی زمین، ۲۶
- بهبودی ساختار زراعی، ۴۸، ۸۱۱
- بهبودی سکونتگاه‌های غیررسمی، ۱۱۹
- بهبودی شهری، ۱۱۹، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۷۴۴، ۷۶۲، ۸۱۶، ۸۵۶
- بهبودی محیط زیست روستایی، ۲۴۷
- بهبودی محیط زیست، ۲۴۷
- بهبودی محیط، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۴۷، ۵۸۴
- بهبودی مسکن روستایی، ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۴۷، ۶۶۹
- بهبودی نواحی فرودست شهری، ۱۱۲
- بهبودی و اصلاح معابر، ۲۰۸
- بهبودی سازی، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۴۹۵، ۵۲۰، ۵۵۸، ۸۵۶، ۸۵۵
- بیبان‌زائی، ۱۰۱
- بیانیه ریو، ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۷۷
- بی‌خانمان، ۱۰۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۶۳۳
- بیکاری، ۲۷، ۴۱، ۴۳، ۵۸، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۰، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۹۴، ۴۰۲، ۴۷۱، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۴۵، ۵۷۱، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۳۱، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۷۱، ۷۸۶، ۷۹۱، ۷۹۴
- بیکاری اداری، ۱۸۰
- بیکاری بخش کشاورزی، ۱۸۰
- بیکاری داوطلبانه، ۱۸۰
- بیکاری روستایی، ۴۱، ۱۸۱
- بیکاری ساختاری، ۱۸۰
- بیکاری شهری، ۱۸۰
- بیکاری صنعتی، ۱۸۱
- بیکاری فصلی، ۱۸۰

- بیکاری فنآورانه، ۱۸۰
 بیکاری نگرورزانه، ۱۸۰
 بیکاری نوسانی، ۱۸۰
 بیگانه ستیزی، ۱۷۸، ۱۷۱، ۵۷۱، ۷۲۶
 بیماری شغلی، ۱۵۶
 بیمه اجباری، ۲۲۰
 بیمه اجتماعی، ۲۱۹
 بیمه محصولات کشاورزی، ۲۶۰
 پابنه، ۱۴۸، ۱۴۹
 پادار، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
 پارادایم نوسازی، ۱۹۲
 پارک، ۷۳، ۱۱۷، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۷۶، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵
 ۳۱۲، ۳۶۱، ۳۸۵، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۱، ۶۱۹، ۶۲۰
 ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۸۲، ۷۸۵
 ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۴۹
 پارک تفریحی، ۶۶۰
 پاساژ، ۸۲، ۸۳
 پاسخگو بودن، ۳۳۲، ۳۹۰، ۵۱۳، ۵۷۰، ۵۷۴، ۷۲۳
 پاکار، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
 پاگاو، ۱۵۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
 ۶۶۴، ۸۲۳، ۸۲۹
 پاگاو تحویل، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹
 پاگاو غمی، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰
 پایدارسازی فرایند توسعه، ۲۷۳
 پایداری، ۱۱، ۱۶، ۲۶، ۳۵، ۶۹، ۷۰، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۶،
 ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲،
 ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،
 ۲۰۴، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۴،
 ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۴۳، ۴۶۲،
 ۵۲۵، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۹۱، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۴۳، ۶۴۴،
 ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۲۵، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۷۴،
 ۷۹۶، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۸، ۸۳۰
 پایداری اجتماعی، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۰
 پایداری اقتصادی، ۱۹۳، ۲۰۰، ۴۰۷
 پایداری روستایی، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۸۷
- پایداری زیست محیطی، ۲۰۰
 پایداری شهری، ۱۷۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۹۲، ۲۹۷،
 ۲۹۸، ۷۹۶
 پایداری فرهنگی و اجتماعی، ۱۹۳
 پایداری فرهنگی، ۱۹۳، ۲۰۰
 پایش، ۳۵، ۳۶، ۱۱۲، ۱۲۶، ۲۰۳، ۲۹۳، ۴۳۰، ۴۸۰، ۵۰۲،
 ۶۹۶
 پایگاه اطلاعات، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۹۴، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۲۴،
 ۷۳۹
 پدافند عامل، ۲۰۴
 پدافند غیرعامل، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۵۳۵، ۸۵۲
 پراکنندگی سکونتگاهی، ۴۷۶
 پراکنش فضایی، ۷۲۷، ۷۶۳
 پراکنش فضایی فعالیت انسانی، ۷۲۷
 پراکنش فعالیت اقتصادی، ۷۲۸
 پردازش اطلاعات، ۵۰، ۲۴۹، ۶۲۳، ۶۲۴، ۸۴۶
 پردازش داده‌ها، ۶۲۲، ۶۲۳، ۸۴۶
 پروانه ساختمان، ۱۵۰، ۴۲۷، ۴۲۸، ۵۵۵، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶،
 ۶۶۰، ۷۵۲، ۸۵۵
 پرورش آبی، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۲
 پرورشگاه، ۵۵۵
 پروژه اجرایی، ۱۳۱، ۵۸۸
 پروژه بیابان‌زدایی، ۲۰۸
 پروژه جامع، ۲۴۰
 پروژه روستایی، ۱۶۶، ۲۰۶، ۲۰۷
 پروژه شهر سالم، ۵۴۴
 پروژه عمران روستایی، ۱۶۸
 پروژه عمرانی کومیل، ۲۴۱
 پرولتریزه شدن، ۲۱۹
 پژوهش محیط، ۱۳۵
 پژوهشکده سوانح طبیعی، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲
 پساتجدد، ۶۱۳
 پسا صنعتی، ۴۴۸، ۶۱۳، ۷۸۶، ۷۸۷
 پسا فور دیسم، ۳۲۱، ۸۴، ۸۶
 پسانوگرایانه، ۸۴، ۸۵

| | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تأسیسات، ۵، ۹، ۲۳، ۳۳، ۴۴، ۴۵، ۶۱، ۸۱، ۹۴، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۴۷، ۲۵۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۲۸، ۳۳۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۹، ۳۶۶، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۶۰، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۸۷، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۸۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۹، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۷۵، ۶۷۶، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۲، ۸۰۰، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۶ | پسانوگرایی، ۱۱۵ پست مدرنیستها، ۶۱۴ پست مدرنیسم، ۲۸۹ پسماند، ۶۸۴، ۶۹۳ پسماند تر، ۹۱ پسماند خانگی، ۹۱ پسماند عادی، ۹۱ پسماند غذایی، ۹۱ پشک اندازی، ۱۵۹، ۱۸۶ پلیس محله، ۶۴، ۵۴۹ پنجال، ۶۶۴ پنجگانه سنتی تولید، ۶۶۲ پوسیدگی بافتهای شهری، ۴۸۵ پوشش، ۹، ۳۳، ۳۵، ۶۴، ۶۶، ۸۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۸، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۷۳، ۲۹۲، ۳۲۵، ۳۷۴، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۰۴، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۵۹، ۴۷۹، ۴۸۵، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۷۷، ۶۰۰، ۶۱۸، ۶۷۲، ۶۷۳، ۷۰۲، ۷۲۰، ۷۴۲، ۷۶۳، ۷۷۰، ۷۸۰، ۷۸۳، ۸۱۳، ۸۱۶ پوشش کاهگلی، ۹۹ پول شویی، ۱۰۵، ۱۰۶ پویش اقتصادی، ۸۶ پیاده راه، ۲۱۶، ۷۳۶، ۷۸۴ پیاده راه سازی، ۷۳۵ پیاده‌رو، ۱۴۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۳۴۷، ۵۶۴، ۵۶۵، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۷۳۶، ۷۴۷، ۷۸۴ پیاده‌روی، ۷۲، ۷۳، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۳۴۵، ۶۱۹، ۷۳۶، ۷۵۳، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۳۳، ۸۳۷، ۸۳۸ پیاده‌سازی شبکه‌های رایانه‌ای، ۶۲۴ پیراسنجه، ۱۳۲ پیشافرازی، ۵۹ پیگال، ۶۶۴ پیله‌وران، ۲۳۴، ۴۴۹، ۶۹۷ پیوند(های) روستایی - شهری، ۲۱۶ تئوری مکان مرکزی، ۲۲۲ |
| تأسیسات خدماتی، ۳۰۶ تأسیسات رفاهی، ۱۵۰، ۶۰۹ تأسیسات زیربنایی، ۴۴، ۴۵، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۶، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۶۶، ۴۷۰، ۴۷۲، ۵۰۷، ۵۳۶، ۵۴۷، ۵۸۸، ۶۴۴، ۸۱۰ تأسیسات شهری، ۴۵، ۱۲۳، ۳۶۶، ۵۳۵، ۷۶۲، ۸۵۲ تأسیسات عمومی، ۵، ۳۳، ۸۸، ۱۱۷، ۱۲۳، ۴۲۵، ۴۳۰، ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۳۶، ۵۴۷، ۶۴۳، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۶۲ تأمین اجتماعی، ۱۵، ۶۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۳۶۶، ۴۸۵، ۵۷۰، ۵۹۸ تأمین بهداشت عمومی، ۲۰۹ تأمین فضا، ۱۳۹، ۱۷۳، ۱۹۹، ۷۳۰ تأمین مسکن، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۷۵، ۲۰۱، ۲۵۸، ۳۵۵، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۵، ۸۵۱، ۸۵۲ تأمین منابع، ۲۵، ۵۵، ۵۷، ۱۶۷، ۲۵۷، ۳۰۶، ۳۰۸، ۴۸۰، ۵۲۸، ۷۰۵ تبدیل شیمیایی، ۹۰ تبعیض نژادی، ۴۸۵ تجارت الکترونیک، ۳۷۹، ۳۸۳، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵ تجاوز خودانگیخته، ۴۷۱، ۴۷۲ تجاوز مخفی، ۴۷۲ تجدد، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۶۱۴، ۷۹۶، ۸۱۷ تجدید ساختار، ۸۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۲۸۰، ۳۶۸، ۸۰۹، ۸۱۷ | |

۴۹۶، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۱،
 ۵۶۲، ۵۸۱، ۶۷۵، ۷۳۵، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۵، ۷۷۷، ۷۸۴، ۸۳۴
 ۸۴۸، ۸۴۹
 ترافیک عبوری، ۷۳۵، ۷۸۴، ۸۳۴
 ترافیک محلی، ۷۳۵، ۷۸۴
 تراکم، ۸، ۲۷، ۵۷، ۶۲، ۷۷، ۸۳، ۹۴، ۹۶، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۳۲،
 ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۸۰، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۵،
 ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۶۹، ۳۲۲، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۰۱،
 ۴۰۲، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۰۴، ۵۲۹، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۴۶،
 ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۸۰، ۵۹۷، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۵۰، ۶۵۶،
 ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱،
 ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۸، ۸۳۲، ۸۳۳
 ۸۳۴
 تراکم جمعیتی، ۵۷، ۲۰۰، ۴۰۱، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۶۶
 تراکم جمعیتی، ۶۴۳، ۷۷۷
 تراکم خالص مسکونی، ۷۴۹
 تراکم ساختمانی، ۵۷، ۹۶، ۱۲۱، ۱۲۱، ۶۴۳، ۷۳۵، ۷۵۰، ۷۵۱،
 ۷۵۳
 تراکم شهری، ۵۲۹
 تراکم عابر پیاده، ۲۱۵
 تراکم مسکونی، ۵۲۹، ۵۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰
 تراکم ناخالص مسکونی، ۷۴۹
 تراکم واحد مسکونی، ۷۴۹
 ترکیب ارگانیک سرمایه، ۳۱۴
 ترمیم پذیری، ۲۰۱
 ترویج، ۶، ۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۶۵، ۷۰، ۹۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۵،
 ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۹۱، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴،
 ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴،
 ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۵، ۳۱۶، ۳۷۳،
 ۳۷۶، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۳۰، ۴۴۲، ۵۲۵، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷،
 ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۲، ۶۴۸، ۶۶۷، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۱۸، ۷۲۰،
 ۸۳۴، ۸۴۱، ۸۴۶، ۸۵۰، ۸۵۳، ۸۵۴
 ترویج بهداشت عمومی، ۴۵
 ترویج تعاون- گونه، ۲۴۷
 ترویج حقوق بشر، ۴۴۲

تجدید ساختار سرمایه داری، ۱۰۷، ۸۰۹، ۸۱۷
 تجدید ساختار شهری، ۱۱۲
 تحرک طبقاتی، ۱۷۸
 تحرک عمودی، ۱۷۸، ۷۸۹
 تحرک عمودی روبه بالا، ۷۸۹
 تحرک عمودی منفی، ۱۷۸
 تحصیل زمین، ۸
 تحلیل جریانها، ۳۵۱
 تحلیل جنسیتی، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۷۷، ۷۹۴
 تحلیل گرانثی، ۳۵۱
 تحلیل موقعیتی، ۲۷۷
 تحلیل هزینه- فایده، ۲۴۹، ۲۵۰
 تحلیل‌های مکانی در GIS، ۴۹۷
 تحول، ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۴۶، ۵۰، ۵۳،
 ۵۸، ۶۵، ۷۳، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۵،
 ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۹۷، ۲۳۵، ۲۴۰،
 ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶،
 ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۴۶، ۳۵۳،
 ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۱، ۴۲۹،
 ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۴۲، ۴۵۱، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۸۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۲۲،
 ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۵۰، ۵۶۴، ۵۸۰، ۶۰۹، ۶۱۵، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۶،
 ۶۳۱، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۵، ۷۲۸، ۷۳۶،
 ۷۴۰، ۷۵۶، ۷۹۱، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰،
 ۸۱۳، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۳۹، ۸۵۵
 تحویلدار، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰
 تخته قاپو، ۹۸
 تخریب خلاق، ۶۲۹
 تخریب محیط زیست، ۱۳۱، ۲۰۱، ۲۸۸، ۴۷۹، ۷۵۸
 تخصیص اراضی، ۲۲۸، ۳۰۵
 تخلیه پسماندهای زیانبار، ۶۰۱
 تخلیه منابع طبیعی، ۲۷۲
 تدارکات الکترونیک، ۳۸۳، ۶۲۵
 تداوم اکولوژیک، ۱۳۰
 ترابری فرآورده‌های روستایی، ۲۴۷
 ترافیک، ۷۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۳۲، ۳۲۲، ۳۴۲، ۳۶۹، ۴۳۴، ۴۷۵

۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۱۷، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷،
 ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰،
 ۲۶۱، ۲۶۲، ۳۰۷، ۳۳۱، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۷، ۵۰۵، ۵۴۷، ۶۰۴،
 ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۸۲۴، ۸۳۱،
 ۸۵۴، ۸۵۷
 تعاونی اجتماعی، ۲۵۳، ۲۶۱
 تعاونی اعتباری، ۲۶۰
 تعاونی تسهیلات رفاهی، ۲۵۳
 تعاونی تولیدی، ۲۵۶، ۲۶۰
 تعاونی حرفه‌ای، ۲۶۰
 تعاونی خدمات بهداشتی، ۲۵۳
 تعاونی خرده‌فروشی، ۲۵۳
 تعاونی زنان روستایی، ۲۵۹
 تعاونی کارکنان، ۲۵۳
 تعاونی کشاورزی، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲
 تعاونی صنعتی، ۲۵۷، ۲۶۰
 تعاونی مسکن، ۳۴، ۲۵۲، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲
 تعاونی مصرف، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲
 تعدیل ساختاری، ۶۹، ۲۱۷، ۳۶۵، ۳۶۶، ۷۲۰
 تعرفه عوارض، ۸۴۹
 تغییرات زیستی - اقلیمی، ۱۴۸
 تفرجگاه، ۱۳۹، ۱۸۳، ۲۶۲، ۳۵۳
 تفرجگاه برون‌شهری، ۲۶۴
 تفرجگاه پیرامون شهری، ۲۶۴، ۲۶۵
 تفرجگاه درون شهری، ۲۶۲، ۲۶۴
 تفرجگاه شهری، ۱۸۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۵۳، ۷۸۲
 تفکیک شئون، ۱۰۸
 تفویض اختیارات، ۵۶، ۲۶۹، ۳۹۷
 تقسیمات کشوری، ۳۷، ۱۰۶، ۲۳۶، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۵۰۸
 ۵۰۹، ۵۴۹، ۸۴۵
 تقسیم اراضی، ۳۴، ۴۸، ۱۸۶، ۲۵۵، ۲۵۶، ۸۲۸
 تقسیم کار اجتماعی، ۷۱، ۴۶۶
 تقسیم کار اداری، ۳۹۸
 تقسیمات بافت، ۹۸
 تقسیم‌بندی جنسیتی، ۳۸، ۴۳

ترویج روستایی، ۶، ۷، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۶۰۸، ۶۰۹
 ترویج کشاورزی، ۶، ۷، ۴۴، ۴۶، ۷۰، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰،
 ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۷۵، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۸
 ۶۰۹
 ترویج و عمران روستایی، ۱۶۷، ۶۰۸
 تسطیح، ۹، ۳۴، ۱۶۰، ۱۶۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۸۳۷
 تسهیلات جهانی محیط زیست، ۲۸۷
 تشکل سنتی، ۲۴۱
 تشکیلات سازمان ملل، ۴۴۵
 تشکیلات شهرداری تهران، ۵۵۵
 تصاحب سازمان یافته، ۴۶۸
 تصرف خزنده، ۴۶۸
 تصرف عدوانی، ۴۷۳
 تصمیم سازی، ۳۵، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۹۵، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰،
 ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۴۰،
 ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۴۰، ۴۹۲، ۵۰۱، ۵۲۳، ۵۷۴، ۶۹۶، ۷۰۲، ۷۱۰،
 ۷۱۵، ۷۲۲، ۷۲۸، ۷۳۸، ۷۴۴
 تصمیم‌گیری، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۵۵، ۵۶، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷،
 ۱۱۹، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۷، ۲۱۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰،
 ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۳۸،
 ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۷۵، ۳۸۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰،
 ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۷۸، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۵،
 ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱،
 ۵۳۰، ۵۳۸، ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۳۸، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۸۳،
 ۷۰۴، ۷۱۰، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۹، ۷۴۴، ۷۵۴،
 ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۶۱، ۷۶۸، ۷۹۶، ۸۱۰
 تضمین پایداری زیست محیطی، ۱۶
 تعادل پویا، ۱۵۶، ۶۲۹، ۷۴۳، ۷۴۴
 تعادل مکانی - فضایی، ۳۰۰
 تعارضهای طبقاتی، ۲۷۹
 تعاون، ۴، ۴۹، ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲،
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۴۵۳،
 ۴۸۲، ۵۴۷، ۵۵۶، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۴۷، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۷۱۷،
 ۷۲۰، ۸۰۳، ۸۰۵، ۸۲۴، ۸۲۹، ۸۳۰
 تعاونی، ۶، ۴۳، ۴۸، ۸۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳،

تقسیم‌بندی سنی، ۴۳
 تقویم زراعی، ۶۹۸، ۸۰۳
 تک‌مرکزی، ۲۷۱، ۷۳۱، ۷۳۴
 تکیه، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۶۸۱
 تمایز کالبدی، ۶۸۱
 تمایزیابی، ۲۲۲، ۸۰۸
 تمرکز، ۴، ۱۱، ۱۵، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۵۲، ۵۷، ۶۱، ۶۸، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۴، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۹
 ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۵، ۳۰۲، ۳۱۲
 ۳۲۳، ۳۳۵، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۱۲
 ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۷
 ۴۴۸، ۴۶۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۱۶، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۳۸
 ۵۴۰، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۹۶، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۹
 ۶۴۱، ۶۶۸، ۶۸۵، ۶۸۷، ۷۰۱، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸
 ۷۳۲، ۷۳۸، ۷۹۰، ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۴۸
 ۸۵۱
 تمرکززدایی، ۱۳، ۸۵، ۲۶۰، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۷، ۳۶۸، ۳۸۳
 ۴۴۲، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵، ۷۵۶
 تمرکزگرایی، ۸۵
 تمرکزگرایی، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۹۸، ۷۱۶
 تنزل محیط زیست، ۲۷۲
 تنش‌زدایی، ۲۰۴
 تنوع بخشی، ۱۹۵، ۲۹۰
 توان طبیعی محیط زیست، ۱۳۱
 تواناسازی، ۲۷۱، ۲۷۷
 توانبخشی، ۱۶۶، ۷۵۸
 توانمندسازی، ۱۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳
 ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۶، ۲۹۷، ۴۱۷، ۴۱۹
 ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۷۴، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۹۰
 ۷۱۰، ۷۲۶، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۹۳، ۸۵۲
 توانمندسازی زنان، ۱۶، ۲۹۶، ۴۴۲
 توده ساختمانی، ۹۶، ۵۸۳
 توده‌گرایی، ۳۶
 توزیع اختیارات، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۹۷، ۴۴۹
 توزیع زمین، ۱۵۱، ۱۸۶، ۱۸۹، ۶۶۷، ۶۹۸، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۴

توزیع عادلانه ثروت، ۱۹۹
 توزیع عادلانه منافع، ۱۹۷، ۵۹۸
 توزیع فضایی برنامه‌های کالبدی، ۷۶۱
 توزیع فضایی - جغرافیایی، ۶۴۰
 توزیع منافع اجتماعی، ۲۲۰
 توزیع نامتوازن مخاطرات زیست‌محیطی، ۶۰۰
 توسعه، ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۰، ۳۵، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۳

۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۵۸۳
 توسعه پایدار فضایی، ۱۰، ۱۱
 توسعه پایدار محیط زیستی، ۱۲۹
 توسعه پایدار و شهر، ۲۹۲، ۲۹۴، ۹۹۵
 توسعه پایدار، کمیته ملی (ایران)، ۲۸۶، ۶۵۲
 توسعه روستایی، ۱، ۶، ۷۰، ۱۱۳، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۶۷، ۱۹۲،
 ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۴۱، ۲۴۴،
 ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱،
 ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۲، ۳۶۱،
 ۳۷۷، ۴۳۴، ۴۴۶، ۵۸۹، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱،
 ۶۶۷، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۱۵، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۹، ۸۰۳، ۸۱۰، ۸۱۲
 ۸۲۵، ۸۵۸
 توسعه سیاسی، ۲۶۸، ۳۹۸، ۸۰۶، ۸۰۸
 توسعه شهری، ۱، ۱۰۰، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۷۵،
 ۲۰۲، ۲۱۷، ۲۷۵، ۲۹۳، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۴۶، ۳۶۹،
 ۳۷۰، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۳۴، ۴۷۹، ۴۹۰، ۵۰۵، ۵۳۷، ۵۶۷،
 ۶۴۱، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۴، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۳۸،
 ۷۶۰، ۸۲۳، ۸۵۴
 توسعه شهری ناهماهنگ، ۷۶۰
 توسعه غیرمجاز، ۴۷۲
 توسعه فرصتهای شغلی، ۱۹۵
 توسعه فضایی، ۱۰، ۱۱۹، ۴۸۳، ۵۰۳، ۵۸۳، ۷۳۵
 توسعه فیزیکی، ۱۴۲، ۵۸۷
 توسعه کالبدی، ۶۱، ۱۳۴، ۳۱۳، ۵۸۸، ۶۱۸، ۶۵۳
 توسعه متعادل، ۱۰
 توسعه محیط - محور، ۱۲۶
 توسعه مسکن، ۱۵۲، ۳۰۳، ۴۶۵، ۷۴۶، ۷۵۴، ۸۵۲
 توسعه مکان محور، ۲۰۲
 توسعه منطقه‌ای، ۹۹، ۱۱۳، ۱۴۸، ۱۶۷، ۱۷۴، ۳۹۶، ۵۰۳،
 ۵۰۴، ۵۰۵، ۶۲۷، ۷۲۸
 توسعه منطقه‌ای روستایی، ۳۹۶
 توسعه نیافتگی، ۱۸۳، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۱۷، ۴۵۳، ۶۶۶،
 ۶۶۷، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۸، ۸۲۱
 توسعه واگرا، ۸۲۱
 توسعه همگون اقتصادی، ۲۰۱

۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۳۷،
 ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۵۹،
 ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۳، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶،
 ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۰۳،
 ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹،
 ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۳،
 ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵،
 ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۷، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷،
 ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴،
 ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۰، ۷۲۱،
 ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰،
 ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۵۹، ۷۶۰،
 ۷۶۱، ۷۶۷، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸،
 ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۵،
 ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶،
 ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۹،
 ۸۳۰، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۷،
 ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸
 توسعه نامتعادل، ۳۰۲
 توسعه اجتماعی - اقتصادی، ۴۶، ۲۰۲، ۳۳۳
 توسعه اراضی، ۲۸۰
 توسعه انسانی، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۷۱، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۳۵،
 ۳۳۷، ۴۴۲، ۴۴۶، ۷۶۰، ۷۹۳
 توسعه پایدار، ۱۰، ۱۱، ۶۹، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷،
 ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳،
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۷۲، ۲۷۳،
 ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵،
 ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵،
 ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۳، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۷۵، ۳۷۷، ۴۰۳،
 ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۸۶،
 ۴۹۷، ۵۷۳، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۹۱، ۶۱۷، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۵۲، ۶۸۳،
 ۶۹۶، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۶۰، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۷۴، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۴۱
 توسعه پایدار انسانی، ۲۹۶، ۳۳۴
 توسعه پایدار روستایی، پارادایم، ۲۸۷، ۳۰۳
 توسعه پایدار شهری، ۱۳۳، ۱۳۹، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳،

توسعه یکپارچه، ۱۱، ۹۹، ۲۴۴، ۳۰۳، ۴۴۶، ۴۹۳، ۶۱۰، ۷۲۸

توسعه یکپارچه شهری، ۹۹

تولید اجتماعی، ۲۲۶، ۳۱۶، ۶۱۴

تولید بومی، ۲۴

تولید پاک‌تر، ۲۸۷

تولید ضایعات، ۲۹۲

تولید نسل، ۳۷، ۲۲۶

تیمارستان، ۵۵۵

تیمچه، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱

تیول، ۱۸۶، ۱۸۷

تیول‌داری، ۶۴۷

ثبوت فضایی، ۸۴

جابه‌جایی، ۳۷، ۵۷، ۸۹، ۱۵۸، ۱۷۸، ۲۰۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵

۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۱۸، ۳۱۹

۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۷۴، ۵۳۰

۵۷۱، ۵۸۱، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۷۶، ۶۹۲، ۷۰۴، ۷۲۴، ۷۲۷

۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۸۵، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۲۲

۸۳۱، ۸۴۳

جابه‌جایی خطی، ۳۰۵

جابه‌جایی داوطلبانه، ۳۰۵

جابه‌جایی زمین، ۱۵۸

جابه‌جایی ناگزیر، ۳۰۵

جابه‌جایی نقطه‌ای، ۳۰۵

جامعه، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۰

۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۶۰، ۶۳، ۷۱، ۸۴

۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹

۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷

۱۵۰، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۰

۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴

۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۴

۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰

۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶

۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱

۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴

۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵

۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۹

۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰

۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۸

۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۳، ۴۸۰

۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۰، ۵۱۱، ۵۱۲

۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۴۶، ۵۶۴، ۵۶۶

۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۳

۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۹، ۶۱۳، ۶۱۸

۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۹

۶۴۸، ۶۵۲، ۶۶۲، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۴

۶۸۵، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۵

۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳

۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۴۶، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۷۲، ۷۷۳

۷۷۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۴، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۲

۸۰۳، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۶، ۸۲۳، ۸۲۶، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱

۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۵، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۴

جامعه انسانی، ۵۰، ۱۸۷، ۳۲۶، ۴۸۴، ۵۹۳

جامعه توده‌وار، ۲۲

جامعه دانایی محور، ۱۶

جامعه رفاهی، ۱۷۹، ۵۷۰

جامعه زراعی، ۱۸۷، ۳۹۵

جامعه زراعی سازمان یافته، ۳۹۵

جامعه سازمان یافته، ۴۴۸

جامعه شبکه‌ای، ۳۲۲، ۳۲۳، ۴۴۸

جامعه‌گرایی انقلابی، ۷۲۴

جامعه‌گرایی و شهر، ۳۰۷

جامعه مدنی، ۲۲، ۱۰۰، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۸، ۲۹۷، ۲۹۸

۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴

۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۵۵، ۵۱۲، ۵۷۱، ۶۳۶، ۶۵۲

۷۰۹

جامعه ملل، ۴۳۶، ۴۴۴، ۴۴۵

جایابی اصناف، ۷۷

جبر جغرافیایی، ۱۸۷

جداره‌سازی معابر، ۲۰۸

- جدایی‌گزینی، ۶۱، ۸۵، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۵۴، ۴۸۹، ۶۱۵، ۸۳۲
- جدایی‌گزینی اجتماعی، ۱۱۸، ۱۳۳، ۲۰۰
- جدایی‌گزینی مکانی، ۳۵۳
- جدایی‌نشینی فضایی، ۶۱
- جُرا، ۸۰۲
- جُزر، ۸۰۲
- جریان انتقال توسعه، ۱۴۴
- جریان‌سازی جنسیتی، ۲۲۵
- جغرافیای شهری، ۲۲، ۵۷، ۲۰۱، ۳۵۱، ۵۳۳، ۵۸۱، ۶۴۵
- جفت، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۳۷۸، ۶۴۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۸
- جفت زمین، ۱۸۳، ۶۴۶
- جفت گاو، ۱۴۹، ۱۸۶، ۱۸۸، ۶۹۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۲۳
- جمعیت فعال، ۱۰۶، ۱۸۰، ۲۶۹، ۴۶۰، ۴۶۶
- جنبش آزادی‌خواهی، ۱۰۷، ۵۷۴
- جنبش حفاظت از محیط زیست، ۱۴۲
- جنگلداری، ۲۶، ۱۰۴، ۱۳۱، ۱۹۵، ۲۰۸، ۲۴۷، ۲۷۳، ۲۸۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۹۹
- جنگلداری شهری، ۳۱۲، ۳۱۳
- جنگل‌زدایی، ۱۰۱، ۲۸۱، ۶۸۳
- جنگل‌کاری، ۱۹۸
- جوامع شهری، ۲۰، ۱۵۴، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۵۴، ۲۹۲، ۵۹۶، ۶۳۸، ۷۹۰
- جوامع محلی، ۱۴۰، ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۷۴
- جوت، ۱۵۹
- جوق، ۶۶۴، ۸۲۳
- جهاد سازندگی، ۶، ۷، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۸، ۲۵۹، ۳۱۳، ۳۷۷، ۳۸۴، ۵۳۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰
- جهاد کشاورزی، ۱۲، ۱۵، ۱۳۷، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۶۴۸، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲
- جهان زیست، ۳۹۰
- جهان‌شهر، ۳۱۳، ۳۲۲
- جهانی‌سازی، ۲۷، ۱۱۵، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۰۲، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۱۶، ۳۳۹، ۳۶۵، ۳۶۷، ۵۱۲، ۵۷۰، ۵۷۱، ۷۲۶
- جهانی‌شدن، ۳۸، ۶۸، ۸۴، ۸۵، ۱۰۰، ۱۱۲، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۷۷، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۳۶، ۴۷۱، ۴۸۵، ۴۸۸، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۸۲
- جهانی‌شدن ارزشها، ۳۱۹، ۳۲۰
- جهانی‌شدن اقتصاد، ۳۸، ۵۷۵
- جهانی‌شدن اقتصادی، ۳۱۹
- جهانی‌شدن تجارت، ۳۱۹
- جهانی‌شدن فرهنگی، ۳۲۰
- جهانی‌شدن و روستا، ۳۱۷
- جهانی‌شدن و شهر، ۳۱۷، ۳۲۱
- جهانی‌گرایی، ۳۱۵
- جهت توسعه، ۵۷، ۸۵، ۲۷۶، ۴۱۲، ۵۲۵، ۵۷۳، ۷۰۹، ۷۲۹
- جهت‌گیریهای سیاست شهری، ۴۸۹
- چادر، ۷۴۵
- چادرنشینی، ۹۸
- چرخه مطلوب توسعه، ۵۰۴
- چرخه حمل‌ونقل، ۲۰۰
- چشم‌انداز، ۱۰، ۱۴، ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۵۴، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۹۴، ۲۲۷، ۲۶۵، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۹۳، ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۵۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۵، ۶۱۷، ۷۴۵، ۷۵۳، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۶
- چشم‌انداز اجتماعی - اقتصادی، ۳۲۵، ۳۲۶
- چشم‌انداز اراضی، ۵۹
- چشم‌انداز جغرافیایی، ۲۶۵، ۳۲۵، ۳۲۷، ۶۱۷
- چشم‌انداز روستایی، ۳۶۹، ۳۷۱، ۴۰۲
- چشم‌انداز شهر الکترونیک، ۵۲۴، ۵۲۵
- چشم‌انداز شهری، ۳۲۹
- چشم‌انداز طبیعی، ۹، ۲۶، ۹۶، ۲۶۵، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۴۰۳، ۷۵۳
- جهاد سازندگی، ۶، ۷، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۸، ۲۵۹، ۳۱۳، ۳۷۷، ۳۸۴، ۵۳۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰
- جهاد کشاورزی، ۱۲، ۱۵، ۱۳۷، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۶۴۸، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲
- جهاد کشاورزی، ۱۲، ۱۵، ۱۳۷، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۶۴۸، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲

| | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------|
| ۷۷۴، ۷۷۹، ۸۰۰، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۹ | چشم انداز فرهنگی، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸ |
| حفاظت از اراضی کشاورزی، ۱۱۷، ۶۸۵ | چشم انداز فضایی، ۴۸۳ |
| حفاظت از چشم اندازها، ۶۱۷ | چشم انداز مصنوعی، ۲۶۵ |
| حفاظت محیط زیست، ۷۳، ۹۲، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۴۲، ۲۴۱، ۲۷۳، ۲۸۶، ۵۷۳، ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۲۵، ۷۵۹، ۷۷۳، ۷۷۴، ۸۰۹ | چلیپاشهر، ۶۵۰ |
| حفاظت اقلیمی، ۶۱۷ | چهارسوق، ۷۹، ۸۱ |
| حفاظت فرهنگی و تاریخی، ۱۱۷ | حاشیه برون شهری، ۴۰۲ |
| حفاظت محیط زیست، ۱۴، ۱۵، ۱۳۰، ۲۰۱، ۲۴۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۰، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۵۱، ۵۸۰، ۵۸۵، ۶۲۰، ۷۲۵ | حاشیه شهری، ۳۰۶، ۳۶۹، ۴۰۱، ۴۷۴، ۶۴۸، ۶۴۹ |
| حفاظت محیطی، ۱۳۴ | حاشیه نشینی، ۶۴، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۸۱، ۲۲۲، ۲۵۷، ۳۳۱، ۳۶۸ |
| حفظ محیط زیست، ۱۰، ۱۱، ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۰۳، ۲۷۲، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۲، ۴۴۶، ۶۰۰، ۶۴۳، ۷۶۰ | حاکمیت سیاسی، ۲۷۰، ۵۷۲ |
| حفظ محیط، ۱۰، ۱۱، ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۷۲، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۲، ۴۴۶، ۵۳۰، ۶۰۰، ۶۴۳، ۷۶۰ | حاکمیت قانون، ۳۳۲، ۵۷۵ |
| حق آب و گل، ۸۰۱ | حد و مرز رشد، ۲۸۲ |
| حق آبه، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹ | حراثت، ۱۵۹، ۱۸۴، ۶۶۴، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۵۸ |
| حق انتخاب، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۷۱، ۳۷۵، ۵۴۹، ۵۷۰، ۷۲۵ | حریم، ۳۳، ۳۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۵۴، ۲۶۵، ۳۵۳ |
| حق انتفاع، ۳۴ | ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۲۷، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۶، ۵۱۱ |
| حق برابر، ۱۰۹ | ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۶، ۵۶۰، ۵۷۰، ۵۹۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۹۹، ۷۰۰ |
| حق برون مرزی، ۴۵ | ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴ |
| حق تقدم عابر، ۲۱۳ | حریم استحفاظی، ۳۳، ۱۲۲، ۵۳۶ |
| حق مالکیت زمین، ۴۶ | حریم انسانی، ۱۴۰ |
| حق مشارکت، ۱۰۷، ۵۷۰، ۵۷۴، ۷۲۲ | حریم خصوصی، ۳۶، ۱۴۰، ۳۸۰، ۵۲۶، ۵۷۰ |
| حق نسق، ۱۴۸، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۲۳ | حریم روستا، ۶۹۹، ۷۰۰ |
| حق الاجاره، ۱۸۶ | حریم شهری، ۱۱۶ |
| حقوق اجتماعی، ۱۰۵، ۵۶۹، ۵۷۴، ۶۴۷ | حریم منابع طبیعی، ۱۳۹ |
| حقوق زیست محیطی، ۱۲۶ | حشرگو، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ |
| حقوق شهروندی، ۵۳، ۶۰، ۱۰۵، ۲۰۲، ۲۹۸، ۳۳۴، ۴۰۶ | حصیرآباد، ۴۶۹ |
| ۴۲۷، ۴۳۶، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۷۵۵، ۸۰۸ | حفاظت، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۷۰، ۷۳، ۸۳، ۸۵، ۹۲، ۹۴، ۱۰۰ |
| حقوق شهری، ۴۲۸، ۵۵۰، ۵۸۱ | ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴ |
| حقوق صنفی، ۵۳ | ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸ |
| حقوق طبیعی مدرن، ۱۰۸، ۷۲۱ | ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۸۳ |
| حقوق فئودالی، ۱۰۸ | ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۱۲ |
| | ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۷، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶ |
| | ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۴۷، ۵۵۱، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۸۰، ۵۸۵ |
| | ۵۸۶، ۶۰۱، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۴۲، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۷۵ |
| | ۶۷۷، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۹، ۷۱۵ |
| | ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۸، ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۷۳ |

حقوق فردی، ۵۳، ۱۱۸، ۱۳۴، ۲۱۳، ۴۸۵، ۵۷۴
حقوق کار، ۴۲، ۳۸۰
حکمرانی خوب، ۲۲، ۲۰۲، ۳۳۸
حکمرانی، ۲۲، ۲۰۲، ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۳۸
حکمران‌وایی، ۳۱، ۸۵، ۹۹، ۱۲۴، ۲۱۷، ۲۹۷، ۳۳۱، ۳۳۲
حکمران‌وایی خوب، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۸۴، ۴۱۴، ۴۴۲، ۵۶۵، ۷۲۱، ۷۲۲
حکمران‌وایی روستایی، ۳۳۶، ۳۸۴
حکمران‌وایی شهر، ۳۱، ۳۳۸، ۵۶۵
حکمران‌وایی کارآفرینانه، ۸۵
حکمران‌وایی مشارکتی، ۱۲۴
حکومت محلی، ۲۹، ۳۰، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۷۷، ۱۸۴، ۲۲۰،
۳۱۰، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۴۸، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶،
۴۱۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۶۹، ۵۹۱، ۷۰۹
حکومت مرکزی، ۳۰، ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۶۶، ۲۶۷،
۲۶۹، ۲۷۰، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۹۷
۳۹۸، ۴۱۷، ۵۰۸
حکومت مشارکتی شهر، ۵۴۷
حلبی آباد، ۲۷۳، ۳۴۴، ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۸۵
حلقه‌های تصمیم‌گیری، ۴۹۲
حمایت‌گرایی، ۲۷۴، ۸۰۹
حمل و نقل، ۳۹، ۵۷، ۵۸، ۷۰، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۵،
۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴،
۱۵۸، ۱۷۴، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۴۳،
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۹۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۱۹، ۳۳۱،
۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۶۰،
۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۵، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۳۱،
۴۳۴، ۴۳۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۵، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲،
۴۹۷، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷،
۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳،
۵۶۴، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۵۱، ۶۵۲،
۶۷۲، ۶۷۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۷،
۷۹۸، ۸۰۰، ۸۱۳، ۸۳۳، ۸۳۷، ۸۴۸، ۸۴۹
حمل و نقل شهری، ۵۸، ۹۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۰، ۵۳۵، ۶۱۸، ۶۴۴،
۷۳۰

حمل و نقل و محیط، ۳۴۴
حوادث جاده‌ای، ۱۰۲
حوادث صنعتی، ۱۰۲، ۱۵۸
حوادث هسته‌ای، ۱۰۲
حوزه، ۲۹، ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۳۷، ۲۲۵، ۲۶۹، ۳۱۴، ۳۳۱، ۴۳۵، ۴۹۱،
۵۰۹، ۵۵۵، ۷۶۳، ۷۶۵، ۷۹۷
حوزه‌بندی، ۳۳، ۱۱۱، ۳۴۷، ۴۵۱، ۴۷۸، ۵۶۶، ۵۸۵، ۶۴۱،
۶۹۳، ۷۰۹، ۷۶۶، ۷۷۷
حوزه‌بندی شهری، ۳۳، ۳۴۷، ۵۸۵، ۶۹۳، ۷۷۷
حوزه زیرساختی و زیربنایی، ۵۵۱
حوزه شهری، ۳۴۹، ۶۷۱
حوزه سکونتگاهی، ۶۵۱
حوزه عمومی، ۵۴، ۵۹۳
حوزه کلانشهری، ۶۵۱
حوزه نفوذ بازار، ۳۵۰، ۳۵۱
حوزه نفوذ شهر، ۲۱۶، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲
حومه، ۲۲، ۲۷، ۴۴، ۴۵، ۲۹۳، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶،
۳۶۸، ۳۶۹، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۶۱، ۴۶۷، ۵۳۱، ۵۳۲،
۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۴، ۶۵۱، ۷۳۶، ۸۳۵
حومه خوابگاهی، ۳۵۳، ۳۵۴
حومه سکونت، ۳۵۴
حومه شهری، ۳۵۲
حومه‌گرایی، ۱۰۴
حومه معدنی، ۳۵۳
حومه نشینی، ۲۸، ۱۹۹، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۸، ۴۵۴، ۵۳۱،
۵۶۴
حومه نیمه‌صنعتی، ۳۵۳
حیات شهری، ۱۱۶، ۳۰۶، ۳۶۷، ۴۶۹، ۸۵۶
حیطه مناسبات تفاهمی، ۳۹۰
خالصه، ۴۸، ۱۸۶، ۸۵۲
خالصه‌جات، ۶۴۵، ۸۰۲
خانه، ۲۱، ۲۷، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۸۹، ۹۰، ۹۸، ۹۹، ۱۴۵، ۱۴۶،
۱۴۷، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۶، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۶۲،
۳۰۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۴۶۰، ۴۶۳، ۵۷۷، ۵۷۸، ۶۰۶، ۶۴۲، ۶۴۵،
۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۱

۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۵، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۲۸،
 ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۹،
 ۷۵۳، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۷۰، ۸۰۰،
 ۸۲۳، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۴، ۸۴۶،
 ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۵
 خدمات اجتماعی و اقتصادی، ۲۰۸، ۳۸۸
 خدمات اجتماعی، ۶۲، ۲۰۸، ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۷۳، ۳۰۳، ۳۰۶،
 ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۷۹، ۳۸۸، ۳۹۴، ۴۱۷، ۴۶۷، ۵۱۰، ۵۵۳،
 ۵۵۶، ۶۱۰، ۶۳۴، ۷۰۶، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۶۱
 خدمات ارتباطی، ۳۶۱، ۵۴۰
 خدمات اعتباری، ۳۶۱
 خدمات اقتصاد خانه، ۲۴۷
 خدمات الکترونیکی، ۳۸۱، ۶۲۵
 خدمات بهداشتی، ۱۶، ۱۵۶، ۱۵۸، ۲۱۹، ۲۴۷، ۲۵۳، ۳۴۲،
 ۳۶۱، ۵۴۲، ۵۵۱، ۷۳۴
 خدمات پایه، ۱۰۹، ۵۹۶، ۷۰۲
 خدمات تعاون روستایی، ۲۴۷
 خدمات توسعه صنایع روستایی، ۲۴۷
 خدمات تولیدی، ۱۰۵، ۲۴۶، ۳۶۱
 خدمات حفاظتی و ایمنی، ۵۵۱
 خدمات حمل و نقل عمومی، ۵۵۱
 خدمات حمل و نقل، ۳۹، ۱۴۳، ۳۶۴، ۵۰۴، ۵۵۱
 خدمات رسانی روستایی، ۳۵۹
 خدمات رسانی شهری، ۵۹۹، ۷۵۹
 خدمات رفاهی، ۴۳، ۱۳۴، ۳۰۸، ۳۶۱، ۵۴۶، ۵۵۱، ۵۸۸،
 ۷۵۳
 خدمات رفاهی و تفریحی، ۵۵۱
 خدمات زیربنایی، ۵۷، ۱۳۲، ۲۴۷، ۴۰۶
 خدمات شهری، ۲۰، ۴۳، ۵۷، ۵۸، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۴۸،
 ۱۷۳، ۱۸۱، ۲۱۷، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۳۴، ۴۷۱، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۲۱،
 ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶،
 ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸،
 ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸،
 ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸،
 ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸،
 ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸،
 ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴،
 ۶۳۶، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۶، ۶۷۲،
 ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۹۲، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲

۷۵۲، ۷۸۱، ۷۹۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۷، ۸۴۸
 خانه آپارتمانی، ۷۵۲
 خانه انصاف، ۳۵۷، ۷۱۶، ۷۱۸
 خانه بهداشت، ۹۸، ۴۶۰، ۶۴۲
 خانه بی خانمانان، ۱۷۵
 خانه فرهنگ روستایی، ۱۶۸، ۳۵۷، ۷۱۶، ۷۱۸
 خانه فقرا، ۱۷۹
 خانه کارآموزی، ۱۷۹
 خانه نمونه روستایی، ۱۶۸
 خانواده گسسته، ۲۷
 خانه نیمه مستقل، ۷۵۲
 خانه همیار، ۳۵۷، ۳۵۸، ۷۱۹
 خدمات، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵،
 ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۸۲، ۹۹، ۱۰۲،
 ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴،
 ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸،
 ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷،
 ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۶،
 ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸،
 ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۶، ۳۰۲،
 ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۳۲، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۳،
 ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷،
 ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳،
 ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲،
 ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۸،
 ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱،
 ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۸۳، ۴۸۶،
 ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۴،
 ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۳۸،
 ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳،
 ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴،
 ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴،
 ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴،
 ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴،
 ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴،
 ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹،
 ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۰،
 ۶۶۱، ۶۶۶، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۹۲، ۶۹۶،
 ۶۹۸، ۷۰۲

| | |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| داده تبادلات، ۴۹۹ | خدمات عمومی، ۲۴، ۵۷، ۶۲، ۶۳، ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۷۰، ۱۹۴، |
| داروغه، ۵۲، ۸۱، ۳۷۳، ۵۴۸، ۶۹۷ | ۱۹۵، ۳۰۲، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۴، |
| دالان، ۷۷، ۸۰ | ۳۸۸، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۸، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۴۷، ۵۵۱، |
| دامداری نوین، ۴۴ | ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۸۱، ۶۴۶، ۶۸۱، ۶۹۲، ۷۰۸، ۷۲۰، |
| دانش بوم‌شناسی، ۱۵۴ | ۷۳۵، ۷۳۹، ۷۴۹، ۸۰۰، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۷، |
| دانش بومی، ۱۸۷، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، | خدمات عمومی اداری، ۳۵۹ |
| ۳۷۶، ۳۷۷، ۷۰۰، ۸۰۳ | خدمات عمومی تجاری، ۳۵۹ |
| دانش مدیریت، ۱۲۴، ۲۵۰، ۵۴۹، ۶۲۴، ۷۱۰ | خدمات هدایتی، ۳۶۱ |
| دانگ، ۱۵۹ | خدمت‌رسانی، ۵۸، ۶۹، ۷۰، ۱۲۰، ۳۷۹، ۵۸۵، ۸۴۰، |
| درآمد سرانه عینی، ۴۷ | خرددورزیهای بومی، ۱۹۲ |
| درکار، ۱۵۹، ۶۶۴، ۸۲۳ | خرده مالکان، ۱۵۹، ۴۷۳، ۸۰۲ |
| درمانگاه روستایی، ۱۶۸ | خرده‌فروشی، ۴۳، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۱۰۵، ۱۷۴، ۱۷۹، ۲۵۳، |
| درونزایی، ۲۷۴، ۸۵۷ | ۲۶۰، ۳۴۹، ۳۶۰، ۵۳۲، ۶۴۲، ۶۵۱، ۶۷۲، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۴، |
| دسترسی پایدار شهری، ۲۹۷ | ۷۳۵ |
| دستفروشی، ۴۳ | خسترپاوان، ۲۶۷، ۵۴۸ |
| دستور کار ۲۱، ۶۹، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۷۷، | خصوصی‌سازی، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۹۸، |
| ۴۰۹ | ۸۰۹ |
| دستور کار دهه ۱۹۹۰م، ۹۹ | خطوط ارتباطی، ۲۱۰، ۲۱۱ |
| دسته‌بندی سازمانها، ۴۴۷ | خودکاری فرایند تولید، ۱۷۸ |
| دشتیان، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۰، ۳۷۷، ۳۷۸، ۶۹۷، ۶۹۹، ۸۲۷، | خودکفایی، ۶۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۵۲۹، ۵۵۳، |
| دفاع سایبری، ۲۰۵ | ۵۶۱، ۷۲۰، ۸۰۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۸ |
| دفاع و امنیت، ۴۲۲ | خودگردانی، ۱۹۲، ۳۳۷، ۳۴۲ |
| دفع زباله، ۹۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۵۵۱، ۶۴۲، ۶۴۳ | خودگردانی محلی، ۱۹۲ |
| دفع فاضلاب، ۱۷۰، ۲۲۹، ۴۰۴، ۴۷۰، ۵۳۴، ۵۸۸، ۶۱۰، | خودیاری، ۳، ۴، ۶، ۷، ۹۹، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۲، ۲۴۱، |
| دفن زائادات، ۹۰ | ۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۴، ۳۰۲، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۱۷، ۴۷۲، |
| دگرگونی کاربردی - کالبدی، ۸۱۶ | ۴۹۰، ۶۰۹، ۷۱۷، ۸۲۹ |
| دگرگونی ماده‌ای، ۸۱۶ | خودیاری اهالی، ۳۵۸ |
| دُم آبیاری، ۱۴۹ | خورندگی، پدیده، ۳۶۷ |
| دموکراتیزه کردن، ۸۰۶ | خیابان خوابان، ۱۷۶ |
| دموکراسی، ۱۷، ۲۲۱، ۲۵۲، ۲۷۰، ۲۷۱، ۳۱۱، ۳۱۷، ۳۶۲، | خیابان مخصوص پیاده، ۲۱۴ |
| ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۱۴، ۴۵۶، ۵۱۰، ۵۶۹، ۵۷۲، ۷۲۰، ۷۲۴، ۷۲۵، | خیر خصوصی، ۳۹۰ |
| ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۵۴، ۷۷۴، ۸۰۷ | خیر عمومی، ۲۱، ۲۹۶، ۳۶۲، ۳۹۰، ۵۱۲، ۵۷۰، ۷۷۳، |
| دوران پساستعماری، ۲۷۴ | ۷۷۴ |
| دولت، | داده‌نما، ۶۲۴ |
| دولت اجتماعی، ۳۰۷ | داده اکولوژیک، ۱۳۲ |

راهبرد، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۹۷،
 ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۴۶، ۲۷۵، ۲۸۶، ۳۱۵، ۳۸۰، ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۵۴،
 ۴۶۴، ۴۷۴، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۴۱، ۵۷۳، ۶۲۲،
 ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۸۸، ۶۸۹، ۸۰۰، ۸۳۹
 راهبرد اسکان مجدد، ۲۷۵
 راهبرد ایجاد قطب رشد، ۲۷۵
 راهبرد بخشی، ۱۵
 راهبرد توسعه پایدار، ۱۲۸
 راهبرد توسعه جامع روستایی، ۲۷۵
 راهبرد توسعه شهری، ۱۱۲
 راهبرد شهر الکترونیک، ۵۲۴
 راهبرد فقرزدایی، ۱۲۸، ۲۷۱، ۲۷۵
 راهبرد کاهش خطر، ۲۱۰
 ریض، ۱۱۶
 رشد، ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰،
 ۳۲، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۷، ۴۹، ۵۷، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۵،
 ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۸۴، ۸۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹،
 ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،
 ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰،
 ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹،
 ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۶۳،
 ۲۶۴، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲،
 ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۰،
 ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۲،
 ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹،
 ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳،
 ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۳،
 ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۴،
 ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۷، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۹،
 ۴۹۰، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵،
 ۵۴۳، ۵۶۰، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۴، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۹۰،
 ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۱۷، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۶، ۶۳۷،
 ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۷۲، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷،
 ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۲۲، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۳۰،
 ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۷، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۷،

دولت الکترونیک، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۲، ۴۲۴
 دولت الکترونیک، ۵۰، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳،
 ۳۸۴، ۴۲۴، ۵۲۸، ۶۲۵
 دولت بسیط، ۳۹۷
 دولت دیجیتال، ۳۸۴
 دولت رفاه، ۸۵، ۱۰۷، ۱۷۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۳۱۷، ۳۶۳، ۳۹۰،
 ۳۹۴، ۴۹۰، ۵۷۰، ۵۷۱
 دولت فدرال، ۲۳۹، ۳۹۷، ۴۸۹
 دولت مدیر، ۲۲۰
 دولت مطلقه، ۳۸۹، ۵۷۴
 دولت شهر، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۷۲۱
 دهقان، ۳۵۷، ۳۸۴، ۶۴۵، ۶۴۷، ۷۱۶، ۷۱۷
 دهدار، ۲۶۷، ۵۴۹، ۶۴۵
 دهکده، ۳۲۱، ۳۹۹، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۵، ۶۱۵، ۶۱۷، ۷۶۵،
 ۷۶۸، ۸۳۰، ۸۳۵
 دهکده جهانی، ۳۲۱، ۶۱۷
 دهگردانی، ۳۳۷، ۳۸۴
 دهگردانی محلی، ۳۳۷
 دهیاری، ۱۷۰، ۲۰۹، ۳۳۷، ۳۶۱، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷،
 ۳۸۸، ۴۰۶، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۰، ۵۵۴، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱
 دیدگاه دولت رفاه، ۳۹۴
 دیدگاه نخبه‌گرایانه، ۳۶
 دیگر بودگی فرهنگی، ۶۱۴
 دیوانسالاری، ۲۹، ۱۵۴، ۲۲۴، ۲۴۰، ۲۷۹، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰،
 ۳۹۸، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۹۱، ۶۳۱، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۶،
 ۸۰۷
 دیهیگ، ۲۶۷، ۵۴۸
 ذخیره ارزش، ۴۶
 رابطه توده و فضا، ۵۸۳
 رابطه استعماری، ۳۱۴
 راست جدید، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۹۰، ۳۹۸
 راسته، ۷۹، ۸۰
 راسته بازار، ۲۱۴
 راه پیاده (معبّر)، ۲۱۴
 راه روستایی، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۶۱، ۶۱۰، ۸۴۱

۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۰،
 ۲۹۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۷، ۳۲۸،
 ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۴۴، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۱،
 ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷،
 ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵،
 ۴۰۶، ۴۲۵، ۴۴۹، ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۵، ۵۰۹، ۵۰۸، ۵۰۵،
 ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۳۲، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰،
 ۵۵۴، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۶،
 ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۳۹، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۵،
 ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰،
 ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۴۵،
 ۷۴۶، ۷۵۹، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۸، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۱،
 ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۱،
 ۸۱۲، ۸۲۱، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹

روستا- شهر، ۹۴
 روستای استخراجی، ۳۹۹
 روستای الکترونیک، ۳۷۸
 روستای توریستی، ۳۹۹
 روستای زراعی، ۴۰۰، ۳۹۹
 روستا- شهری، ۴۰۱
 روستا صنعتی، ۳۹۹
 روستای ویژه، ۲۴، ۲۵
 روستای جدید، ۸۱، ۸۷، ۲۳۰، ۴۰۳
 روستای شهری، ۴۰۶، ۴۰۷
 روستای محیطی، ۴۰۹، ۴۱۱
 روش آبیاری، ۳۲، ۴۰۴
 روش اثبات‌گرا، ۴۱۲
 روش تاریخی، ۴۱۲
 روش تحلیل انتقادی، ۴۱۲
 روش مقایسه‌ای، ۴۱۲
 روش نمایش گرافیکی، ۴۹۷
 روش‌شناسی و شهر، ۴۱۲
 روشنگران، ۵، ۳۴، ۴۱، ۳۰۸
 روش‌نگری، ۱۰۸، ۲۸۹، ۳۶۲، ۴۷۹، ۵۴۸، ۵۶۹، ۵۷۲، ۶۱۳،
 ۶۱۴، ۷۲۱

۸۰۹، ۸۰۷، ۸۰۶، ۷۹۰، ۷۸۹، ۷۸۷، ۷۷۷، ۷۷۴، ۷۶۹، ۷۶۸،
 ۸۱۰، ۸۱۷، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۳۲، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۱

رشد آلومتری، ۴۷۷
 رشد کالبدی، ۶۲، ۱۱۰، ۷۷۰
 رشد متعادل، ۱۱
 رشد ناموزون، ۴۳
 رشد هوشمند، ۲۰۳، ۶۹۵
 رشد هوشمندانه، ۶۹۵

رفاه، ۵، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۳۶، ۴۰، ۵۷، ۶۰، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۱۸،
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۷۸،
 ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۶۱، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷،
 ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۲،
 ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۳۲، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷،
 ۳۷۰، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۲۷، ۴۴۵، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۲،
 ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۶، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۰، ۵۳۵، ۵۴۵، ۵۵۱،
 ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۸۲، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۹،
 ۶۵۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۲، ۷۴۴، ۷۵۲، ۸۴۵، ۸۵۱

رفاه اجتماعی، ۵، ۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳،
 ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۸۵، ۳۰۰، ۳۶۰، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۹۳،
 ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۰، ۵۵۱، ۵۴۷، ۵۴۵، ۵۴۵،
 ۵۴۵، ۵۴۵، ۵۴۵، ۶۲۰، ۶۲۰

روابط شهر و روستا، ۲۱۶، ۲۱۷، ۳۰۳، ۳۹۵، ۳۹۶، ۵۰۵،
 ۶۹۶، ۷۲۸

روابط فضایی، ۱۴۴، ۴۹۹، ۷۶۷
 روابط مکانی- فضایی، ۳۲
 روابط میان‌سازمانی، ۳۹۷، ۳۹۸
 روانشناسی محیطی، ۶۲۱
 روساختهای جامعه مدنی، ۳۱۱
 روستا، ۱، ۳، ۶، ۷، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۳۳، ۳۵،
 ۴۸، ۵۸، ۶۸، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷،
 ۱۰۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۶،
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷،
 ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۷،
 ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۹

- روند احیاء روستایی، ۲۴
- روند نزولی تولید کشاورزی، ۲۳
- روندهای مکانی - فضایی، ۶۱۵، ۷۴۵
- رویگرد، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۳۶، ۶۶، ۸۶، ۹۹، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۹۸، ۲۲۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰
- ریخت شناسی، ۳۶۸
- زاغه نشینان، ۲۹۲، ۸۱۳
- زاغه نشینی، ۹۹، ۱۹۹، ۴۴۴، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۸۵
- زراعت ارگانیک، ۲۸۹
- زراعت انتقالی، ۱۶۵
- زلزله خیزی، ۲۳۰، ۴۰۴، ۷۷۱
- زمین دایره، ۱۶۱
- زمین زراعی، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۱۸۶، ۲۲۸، ۳۲۸، ۴۲۵، ۴۶۵
- ۶۶۵، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۴۶، ۸۰۱، ۸۲۴
- زمین شهری، ۹، ۳۳، ۳۴، ۵۷، ۶۲، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۴۴۶، ۵۰۵، ۵۳۵، ۵۶۷، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۷۵۰، ۷۵۴، ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۶
- زمین کشاورزی، ۳۱، ۲۲۸، ۶۳۸
- زمین مسکونی، ۸، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰
- زمین مشاع، ۳۱
- زمین مولد، ۳۰۵، ۳۰۶
- زنانه شدن نیروی کار، ۳۸، ۳۹
- زندگی ایلیاتی، ۱۷۵
- زندگی پایدار شهری، ۲۹۷
- زندگی سازمانی، ۴۱۶، ۴۵۴
- زندگی کیفی، ۲۲۰
- زورآباد، ۴۱۸، ۴۷۱، ۴۷۳
- زیبایی منظر، ۱۲۹، ۱۷۲، ۷۷۹، ۷۸۰
- زیبایی شناسی نوگرایانه، ۸۱۷
- زیرحوزه، ۱۳۲
- زیرساخت، ۱۰۴، ۲۲۳، ۳۵۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹
- زیرساخت داده های مکانی - فضایی، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴
- زیرساخت حمل و نقل، ۳۴۶، ۶۱۷
- زیرساخت عمومی، ۲۱۷، ۳۰۵
- زیرساخت کارآفرینی، ۶۳۷
- زیرساخت کالبدی، ۱۴۳
- زیستگاه انسانی، ۷۴۳
- ساباط، ۹۸، ۷۸۱
- رویگرد آمايشی، ۱۰، ۱۱، ۱۵
- رویگرد اثبات گرایی، ۲۸۹
- رویگرد سیستمی، ۴۱۲، ۸۰۵
- رویگرد شبکه منطقه ای، ۳۹۶
- رویگرد مشارکتی، ۱۱۲، ۲۷۸
- رهاسازی، ۲۷۱، ۲۸۱، ۴۷۹
- رهبری، ۳، ۵، ۲۹، ۳۱، ۶۳، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۳۴۰، ۳۶۶، ۳۷۴، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۶۳۰، ۶۳۶، ۶۴۷، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۵، ۷۲۶، ۸۲۵
- رهبری در حکومت محلی، ۴۱۴
- رهبری سیاسی، ۳۱
- رهبری کاریزماتیک، ۴۱۳
- رهیافت، ۱۲۹، ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۸۹
- رهیافت ترویج دانشگاهی، ۲۳۶
- رهیافت تسهیم هزینه، ۲۳۹
- رهیافت توسعه جامع کشاورزی، ۲۴۰
- رهیافت توسعه یکپارچه روستایی، ۲۴۱
- رهیافت توسعه نظام زراعی، ۲۴۲
- رهیافت متعارف ترویج، ۲۳۶، ۲۳۷
- رهیافت مشارکتی ترویج، ۲۴۳، ۲۹۰
- ریخت شناسی، ۳۶۸، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۵۹، ۵۶۴
- ریخت شناسی شهر، ۵۶۴

| | |
|------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۷۶۹ | ساتراپ، ۲۶۶، ۲۶۷ |
| سازمان بهشت زهرا، ۵۵۳، ۵۵۸ | ساتراپی، ۲۶۶، ۲۶۷ |
| سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران، ۵۶۱، ۷۸۵ | ساختار اجتماعی، اقتصادی شهر، ۶۲ |
| سازمان پایانه‌های مسافری، ۵۶۰ | ساختار اطلاعات جغرافیایی، ۴۹۴ |
| سازمان‌پذیری، ۱۵۴، ۳۲۸، ۴۴۹، ۷۲۸، ۷۶۴، ۷۶۶ | ساختار تشکیلاتی سازمانهای غیردولتی، ۴۳۵ |
| سازمان‌پذیری عمودی، ۴۴۹ | ساختار خانواده، ۸۹، ۱۴۶، ۱۷۸، ۲۲۳ |
| سازمان تاکسیرانی شهر تهران، ۵۵۹ | ساختار روستایی، ۱۸۴، ۴۲۵ |
| سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۵، ۲۰۱، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۹ | ساختار سازمانی شهرداری تهران، ۵۵۵ |
| ۴۲۹، ۴۳۰، ۵۸۰، ۵۸۶ | ساختار سازمانی، ۶۹۰ |
| سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، ۲۴۱ | ساختار شهری، ۱۱۲، ۴۲۵، ۴۲۶، ۶۷۹، ۷۵۸، ۸۳۷ |
| سازمان خواربار و کشاورزی، ۷، ۶۹، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴ | ساختار شهری، ۱۴۴ |
| ۲۴۸، ۶۰۹ | ساختار فضایی، ۱۱، ۸۲، ۸۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۵۴، ۱۷۴، ۳۷۰ |
| سازمان خواربار ملل متحد، ۴۴۶ | ۳۷۱، ۴۲۶، ۴۴۹، ۴۷۴، ۴۸۳، ۶۷۹، ۷۳۷ |
| سازمان داوطلبانه خصوصی، ۴۳۵ | ساختار - کارگزار، ۸۵ |
| سازمان دفاع غیرنظامی، ۲۰۳ | ساختار کالبدی بازارها، ۷۹ |
| سازماندهی، ۳، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۴۱، ۴۲، ۴۸ | ساختار کالبدی، ۷۹، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۶۵، ۸۱۶ |
| ۵۱، ۵۲، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۴ | ساختارگرایی اجتماعی، ۲۸۹ |
| ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰ | ساختارگرایی، ۲۸۹، ۶۱۳ |
| ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۳۰۱ | ساختار مدیریت شهری، ۶۲، ۶۴، ۵۵۴ |
| ۳۱۵، ۳۴۳، ۳۸۳، ۳۸۶، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۳۱، ۴۳۷، ۴۴۱ | ساختار مکانی - فضایی، ۶۱۵ |
| ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۶، ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۸۶، ۴۹۵، ۴۹۹، ۵۰۰ | ساختارهای تک‌خانواری، ۳۴۸ |
| ۵۱۵، ۵۳۸، ۵۵۰، ۵۸۴، ۵۹۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۹ | ساخت‌وساز در حریم طبیعی، ۴۸۵ |
| ۶۳۹، ۶۶۷، ۶۸۰، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۳، ۷۱۶، ۷۳۳ | ساخت‌وساز شهری، ۵۷، ۴۲۷، ۴۲۸، ۵۰۷ |
| ۷۸۲، ۸۳۰، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۱، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۵۰، ۸۵۴ | ساخت‌وساز مسکن، ۴۶۵، ۴۷۴، ۶۶۹، ۷۴۶، ۷۷۲ |
| سازماندهی فضا، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۴۲۶، ۵۳۸ | سازگاری زیست‌محیطی، ۱۹۲ |
| سازماندهی مزرعه، ۴۸ | سازمان آمار و اطلاعات، ۵۶۱ |
| سازمان‌زدایی، ۴۴۸ | سازمان اجتماعی روستا، ۱۴۶ |
| سازمان زمین شهری، ۶۲، ۱۲۲، ۸۵۶ | سازمان اداری، ۵۰، ۴۴۷، ۴۴۸، ۵۴۵، ۷۲۰ |
| سازمان سردخانه و کشتارگاه شهرداری تهران، ۵۵۹، ۵۶۰ | سازمان اقتصادی، ۲۷۱، ۳۱۵، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۴۸ |
| سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکتهای مردمی شهر تهران، ۵۶۱ | سازمان امور عشایر، ۱۷۰ |
| سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۴ | سازمان بازیافت و تبدیل مواد، ۹۳، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۰ |
| ۴۷۴، ۵۵۰، ۵۵۴، ۷۳۷، ۷۵۳، ۸۳۳، ۸۴۲ | سازمان برنامه و بودجه، ۷، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۱۳، ۱۱۶ |
| سازمان شهرداریهای کشور، ۱۱۳، ۱۳۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۴۳۱ | ۱۳۶، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۱، ۳۵۲، ۴۴۰، ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۹، ۶۴۴ |
| ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۹۹، ۶۴۴، ۶۴۵ | ۸۰۳، ۸۳۱، ۸۴۲ |
| ۶۷۸ | سازمان بهداشت جهانی، ۱۵۶، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۶، ۶۷۸ |

ساماندهی فضای، ۶۵، ۹۹، ۳۰۰، ۴۴۹، ۵۳۲، ۵۶۴، ۵۸۷، ۸۰۴

سبزراه، ۷۸۳

سبزه بان، ۱۸۴، ۱۸۹

سبک تصمیم‌گیری در رهبری محلی، ۴۱۶

سپاه بهداشت، ۱۶۸

سپاه ترویج و آبادانی، ۶۰۶

ستاد حوادث غیرمترقبه، ۴۸۶

ستون یادمانی، ۶۷۵

سرا، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳

سرانه مسکونی، ۴۷۴، ۴۷۷، ۵۹۷، ۷۴۹، ۷۵۰

سربنه، ۱۴۸، ۱۴۹، ۶۶۴، ۶۹۸، ۶۹۹، ۸۲۵

سرپناه پایدار شهری، ۲۹۷

سرپناه دسته‌جمعی، ۱۷۵

سرچر، ۱۴۹

سردار، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷

سرعت‌گیر، ۷۲

سرفقلی، ۲۰، ۶۵۶، ۷۳۷، ۸۰۲

سرکار، ۷۳، ۱۵۹، ۶۶۴

سرمایه، ۱۶، ۴۹، ۵۷، ۶۰، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۹۸، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۵۶۵

سرمایه اجتماعی، ۱۹۱، ۲۷۲، ۲۷۷، ۳۳۶، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴

سرمایه انسانی، ۱۶، ۴۲۹، ۴۴۱، ۴۵۷، ۴۵۸، ۶۳۸، ۷۹۴

سرمایه‌داری بهره‌بری، ۳۹۵

سرمایه‌داری بی‌لجام، ۷۲۴

سازمان عمران جیرفت، ۲۴۰

سازمان عمران دشت قزوین، ۲۴۰

سازمان غیردولتی، ۴۳۴

سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹

سازمان فضای، ۱۳، ۸۳، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۵۴، ۳۲۲، ۳۶۷، ۳۶۸

سازمان گردشگری و میراث فرهنگی، ۱۵

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۰، ۱۵، ۳۵، ۶۲

سازمان ملل متحد، ۱۶، ۱۷، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۶۹، ۹۹، ۱۱۱

سازمان ملل، برنامه توسعه، ۳۳۳، ۴۴۲، ۷۵۴

سازمان ملل، هیئات، ۳۷، ۱۱۱، ۴۴۳، ۴۶۴

سازمان مهندسی و عمران شهر تهران، ۵۵۶، ۵۵۹

سازمان میادین میوه و تره‌بار، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۹

سازمان نظام مهندسی، ۵۱۷، ۵۱۸، ۶۵۸، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵

سازمان شهری، ۶۳، ۳۳۲، ۵۲۳

سازمان غیرانتفاعی، ۲۹۷، ۳۸۰، ۴۴۷، ۴۴۸، ۵۲۶، ۶۳۳، ۶۳۴

سازمان محلی حکومتی، ۳۵

سازمان مردم بنیاد، ۳۳۹

سازمانیابی، ۴۲، ۴۶۳، ۴۹۰

سالار، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۶۹۸

سالم‌سازی محیط روستا، ۴۴، ۱۶۷

سالم‌سازی محیط روستا، ۶۰۵

سالم‌سازی هوای شهری، ۱۵۸

سالمندی، ۱۵۷

ساماندهی صنایع دستی، ۲۰۸

سکونتگاه روستایی، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۸۶، ۸۷، ۹۹، ۱۴۱،
 ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۱۶، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۹۵،
 ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۲۵، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷،
 ۵۷۸، ۵۸۷، ۶۱۰، ۶۶۹، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۷،
 ۷۷۸، ۷۶۸

سکونتگاه روستایی پهنه‌ای، ۴۶۵

سکونتگاه روستایی خطی، ۴۶۵

سکونتگاه روستایی کانونی، ۴۶۵

سکونتگاه شهری، ۱۱، ۳۱۹، ۳۶۹، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۷،
 ۵۲۱، ۵۳۲، ۶۷۲، ۷۰۴، ۷۵۹، ۷۶۲، ۷۶۳

سکونتگاه غضبی، ۴۱۸، ۴۶۸

سکونتگاه غیررسمی، ۳۷، ۱۲۲، ۳۳۱، ۳۴۴، ۳۵۳، ۴۶۴،
 ۴۶۹، ۴۷۳، ۷۵۴

سکونتگاه فصلی، ۴۶۲

سکونتگاه موقت، ۴۶۲

سکونتگاه نیمه‌دائمی، ۴۶۲

سلسله مراتب، ۱۴، ۳۰، ۵۵، ۵۶، ۹۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۵،
 ۱۲۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۲۸، ۲۴۹، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱،
 ۲۹۵، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۷۸، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۶،
 ۴۱۴، ۴۱۹، ۴۲۶، ۴۳۵، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۸،
 ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۹۲، ۵۰۳،
 ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۴۰، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۷۳، ۵۸۵،
 ۵۸۶، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۸۰،
 ۶۸۱، ۶۹۷، ۷۱۶، ۷۳۳، ۷۵۵، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۸،
 ۷۹۶، ۸۰۵، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۵۷

سلسله مراتب سکونتگاهی، ۴۰۰، ۴۶۰، ۴۶۱، ۶۲۶، ۷۶۸

سلسله مراتب مراکز شهری، ۷۳۳

سمپوزیوم شهر سالم، ۵۴۴

سنجش، ۱۶، ۲۰، ۵۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۴۳،
 ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۹۷، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱،
 ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۰، ۴۳۰، ۴۴۲، ۴۵۴، ۴۵۵،
 ۴۵۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۸، ۵۳۳، ۵۶۵، ۵۹۶،
 ۶۱۵، ۶۴۳، ۷۱۴، ۷۴۲، ۷۴۸، ۷۹۳، ۸۰۳، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۲۲،
 ۸۴۲، ۸۴۵، ۸۵۵

سنجش بهره‌وری، ۱۶۵

سرمایه‌داری سازمان‌یافته، ۳۹۰

سرمایه‌داری قماری، ۱۷۸

سرمایه‌داری کازینویی، ۱۷۶

سرمایه تولیدی، ۵۸

سرمایه طبیعی تجدید شونده، ۲۷۳

سرنسقی، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۰

سرنوشت سیاسی، ۱۰۸، ۳۰۹، ۵۱۵

سطح آزاد عابر، ۲۱۵

سطح اشغال، ۹۶، ۴۶۷، ۴۷۳، ۷۵۰، ۷۵۱

سطح اشغال ساختمان، ۷۵۰، ۷۵۱

سطح پایداری، ۲۸۵

سطح مدیریت عالی، ۴۱۵

سطح‌بندی روستایی، ۴۵۸، ۴۵۹

سطح‌بندی سکونتگاهی، ۴۶۰

سطوح تراکم جمعیت، ۲۰۱

سطوح سلسله مراتب، ۴۷۵، ۷۶۳

سطوح سیاست‌گذاری، ۴۹۲

سفرهای پیاده، ۲۱۵

سکان، ۳، ۳۷، ۸۹، ۹۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱،
 ۲۱۰، ۲۷۵

سکونتگاه، ۲۱، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۴۵، ۳۳۱، ۳۴۴،
 ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۹۹، ۴۱۸، ۴۲۵، ۴۵۱، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳،
 ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۷، ۵۲۱، ۵۴۹،
 ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۱۶، ۶۷۲، ۷۴۵، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۲،
 ۷۷۵، ۸۱۹

سکونتگاه انتقالی، ۴۶۴، ۴۶۹

سکونتگاه انسانی، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴

سکونتگاه انسانی، ۷۱، ۹۹، ۱۱۱، ۲۲۶، ۴۰۰، ۴۴۳، ۴۴۶،
 ۴۵۰، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۸۵، ۶۸۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۷۰، ۸۱۸

سکونتگاه حاشیه‌ای، ۴۶۴

سکونتگاه حاشیه‌ای، ۴۶۹، ۴۷۳

سکونتگاه خلقی، ۴۶۹

سکونتگاه خودرو، ۴۶۹

سکونتگاه دائمی، ۴۶۲

سکونتگاه دوره‌ای، ۴۶۲

سیاست زیست محیطی، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹

سنخ‌بندی مهاجرت، ۷۸۵

سند چشم‌انداز، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲

سند سیاست شهری و توسعه اقتصادی، ۹۹

سنگفرش، ۶۷۵، ۶۷۶

سوانح، ۳۳، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۸۶، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۶۵، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۶، ۵۵۱، ۵۷۸، ۵۷۹، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۹، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۴۶، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۱، ۸۴۹، ۸۵۵

سوانح انسان‌ساخت، ۴۸۴

سوانح جنگی، ۷۰۵

سوانح ریلی، ۱۰۲

سوانح شهری، ۴۸۳، ۶۴۳

سوانح طبیعی، ۳۳، ۹۳، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۴۸۶، ۴۸۴، ۴۶۵، ۴۰۴، ۴۰۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۴۸۷، ۴۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۴۶، ۷۶۸، ۷۷۱، ۸۴۹

سوانح هوایی، ۱۰۲

سوسیال-دموکراسی، ۲۲۱، ۷۲۴

سوسیالیسم دولتی، ۷۲۴

سهم‌پذیری، ۱۹۱

سیاست، ۱۹، ۲۲، ۳۴، ۳۹، ۵۳، ۵۴، ۶۹، ۸۴، ۸۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۶، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۴۸، ۵۶۱، ۵۷۲، ۵۸۷، ۶۰۵، ۶۶۱، ۶۸۳، ۶۸۸، ۶۹۸، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۵۰، ۷۵۷، ۷۷۳، ۸۰۸، ۸۴۲

سیاست بخشی، ۱۰

سیاست پراتوری، ۳۹۰

سیاست توسعه شهری، ۵۰۵، ۶۴۱

سیاست سوسیال دموکراتیک، ۳۹۰

سیاست شهری، ۸۴، ۹۹، ۱۲۴، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۳۳

سیاست لیبرالی، ۳۹۰

سیاست مشارکتی، ۷۵۷

سیاست نومحافظه‌کارانه، ۲۲۱

سیاست‌سازی، ۳۸۹

سیاست‌گذاری، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۴۰، ۷۰، ۱۱۲، ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۸۰، ۲۱۷، ۲۲۵، ۲۸۶، ۲۹۷، ۳۶۴، ۳۸۸، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۶۴۱، ۶۵۷، ۶۸۳، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۷۳، ۷۹۵، ۸۳۹، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۸، ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۶

سیاست‌گذاری عمومی، ۲۹، ۳۶۴، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳

سیردپ، ۴۴۶، ۴۹۳، ۷۲۸، ۷۲۹

سیستم، ۹، ۵۷، ۹۲، ۹۳، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۶۰، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۲، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۶۳، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۲۶، ۵۴۳، ۵۶۳، ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۱۴، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۷۸، ۶۸۷، ۶۹۵، ۸۰۴، ۸۲۲

سیستم اطلاعات جغرافیایی، ۱۱۹، ۱۳۹، ۴۳۰، ۴۹۳، ۴۹۴

سیستم اطلاعات مدیریتی بازاریابی، ۵۰۲

سیستم اطلاعات مدیریتی تولیدی، ۵۰۲

سیستم اطلاعات مدیریتی منابع انسانی، ۵۰۲

سیستم اطلاعات مدیریتی، ۴۹۹، ۵۰۰

سیستم مدیریت اطلاعات مالی، ۵۰۲

سیستم مدیریت پایگاه داده، ۴۹۵

سیمما، ۱۶۶، ۲۰۶، ۳۵۳، ۵۵۸، ۵۸۲، ۷۴۷، ۷۵۸، ۸۵۳، ۸۵۴

سیمانشناسی، ۶۶۸، ۶۷۰

سیمای یافت، ۹۸

سیمای شهری، ۲۱۶، ۷۳۶، ۷۵۳

شاخص اقلیمی، ۲۳۹

شاخص توسعه‌یافتگی، ۲۳

شاخص سرمایه اجتماعی، ۴۵۵

شارستان، ۱۱۶

شاغلان شهری، ۴۳

شبهه، ۸، ۱۷، ۳۳، ۶۳، ۷۳، ۷۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۳، ۲۹۴، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۹۶، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵

سیاست زیست محیطی، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹

سنخ‌بندی مهاجرت، ۷۸۵

سند چشم‌انداز، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲

سند سیاست شهری و توسعه اقتصادی، ۹۹

سنگفرش، ۶۷۵، ۶۷۶

سوانح، ۳۳، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۸۶، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۶۵، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۶، ۵۵۱، ۵۷۸، ۵۷۹، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۹، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۴۶، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۱، ۸۴۹، ۸۵۵

سوانح انسان‌ساخت، ۴۸۴

سوانح جنگی، ۷۰۵

سوانح ریلی، ۱۰۲

سوانح شهری، ۴۸۳، ۶۴۳

سوانح طبیعی، ۳۳، ۹۳، ۱۳۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۴۸۶، ۴۸۴، ۴۶۵، ۴۰۴، ۴۰۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۴۸۷، ۴۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۴۶، ۷۶۸، ۷۷۱، ۸۴۹

سوانح هوایی، ۱۰۲

سوسیال-دموکراسی، ۲۲۱، ۷۲۴

سوسیالیسم دولتی، ۷۲۴

سهم‌پذیری، ۱۹۱

سیاست، ۱۹، ۲۲، ۳۴، ۳۹، ۵۳، ۵۴، ۶۹، ۸۴، ۸۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۲۴، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۶، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۹، ۵۱۷، ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۴۸، ۵۶۱، ۵۷۲، ۵۸۷، ۶۰۵، ۶۶۱، ۶۸۳، ۶۸۸، ۶۹۸، ۷۲۵، ۷۲۷، ۷۵۰، ۷۵۷، ۷۷۳، ۸۰۸، ۸۴۲

سیاست بخشی، ۱۰

سیاست پراتوری، ۳۹۰

سیاست توسعه شهری، ۵۰۵، ۶۴۱

سیاست سوسیال دموکراتیک، ۳۹۰

سیاست شهری، ۸۴، ۹۹، ۱۲۴، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۳۳

سیاست لیبرالی، ۳۹۰

سیاست مشارکتی، ۷۵۷

| | |
|----------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| شورا شهر و روستا، ۳۱، ۳۵، ۳۱۰، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۵ | ۴۷۴، ۴۶۵، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۵۲، ۴۵۱، ۴۴۸، ۴۴۲، ۴۳۱، ۴۲۶ |
| شورا- شهردار ضعیف، ۳۴۳ | ۴۷۵، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۹۶، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۸، ۵۳۹ |
| شورا- شهردار قوی، ۳۴۳ | ۵۴۰، ۵۴۴، ۵۶۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۳۷ |
| شورا محله، ۱۷۹، ۱۷۵ | ۶۴۳، ۶۴۷، ۶۶۳، ۶۷۶، ۶۸۰، ۶۸۹، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴ |
| شورا محلی، ۳، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۱۴، ۸۱۱ | ۷۳۶، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۸۲، ۷۹۹، ۸۲۶ |
| شورای آمایش سرزمین، ۱۵ | ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۴ |
| شورایاران، ۵۱۹ | شبکه آبرسانی، ۱۸۷ |
| شورایاری، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱ | شبکه آبیاری، ۱۶۱، ۸۲۹ |
| شورای اسلامی استان، ۵۱۴ | شبکه ارتباطی، ۹، ۲۱۵، ۳۷۹، ۴۲۶، ۵۴۰، ۵۶۰، ۶۲۲، ۶۴۴ |
| شورای اسلامی بخش، ۵۱۴ | شبکه الکترونیکی، ۵۳۷ |
| شورای اسلامی روستا، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۸۸، ۵۰۸، ۵۱۴، ۵۸۸ | شبکه تأسیساتی، ۹، ۳۴ |
| ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰ | شبکه تعاونی کوپ، ۲۵۹ |
| شورای اسلامی شهر، ۶۳، ۳۴۳، ۳۴۴، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۴ | شبکه تعاونیهای روستایی، ۲۵۸ |
| ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۷ | شبکه عاملهای تخریب محیط زیست، ۴۷۹ |
| ۵۵۸، ۵۶۱، ۶۵۸ | شبکه معابر، ۴۲۵، ۵۶۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹ |
| شورای اسلامی شهرستان، ۵۱۴، ۶۵۸ | شبکه منطقه‌ای، راهبرد، ۲۱۶، ۵۰۳ |
| شورای اقتصاد، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۴۵ | شبه اقمار، ۴۰۲ |
| شورای اقتصادی- اجتماعی سازمان ملل، ۴۴۴ | شبه حومه، ۴۰۲ |
| شورای امنیت، ۴۴۵، ۸۴۴ | شبه مردمسالاری، ۷۲۴ |
| شورای برنامه‌ریزی، ۴۳۱، ۵۱۸، ۵۵۲، ۵۸۸، ۸۵۴ | شبه‌ارزیابی، ۳۶ |
| شورای تأمین استان، ۵۵۲ | شراکت عمومی- خصوصی، ۳۳۲ |
| شورای حقوق و دستمزد، ۴۴۱ | شراکت عمومی- خصوصی، ۵۹۹ |
| شورای روستا و شهر، ۵۱۲ | شرایط زیستی، ۱۰۳، ۳۰۶، ۴۰۳ |
| شورای محله، ۳۰۸، ۵۱۹ | شرکت تعاونی تولید روستایی، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴ |
| شورای نظارت بر گسترش شهر تهران، ۵۵۴، ۷۳۷ | ۲۵۵، ۲۵۶ |
| شورای عالی آمار، ۴۴۱، ۸۵۵ | شرکت تعاونی کارگری، ۲۵۶ |
| شورای عالی اداری، ۱۴، ۲۶۸، ۴۴۰، ۴۴۱، ۵۵۴، ۸۵۰، ۸۵۶ | شرکت سهامی زراعی، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۶۰۶، ۶۰۷، ۸۵۷ |
| شورای عالی انفورماتیک، ۴۴۱ | شرکت عمران شهرهای جدید، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸ |
| شورای عالی حفاظت محیط زیست، ۲۸۶، ۲۸۷ | ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۸۴، ۸۵۶ |
| شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۴، ۱۵، ۱۱۰ | شرکت کشت و صنعت، ۱۶۱ |
| ۵۱۷، ۵۱۶، ۴۲۸، ۴۲۷، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰ | شفافیت، ۱۲۹، ۲۷۶، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۸۳، ۵۱۵ |
| ۵۱۸، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۸۷، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۷۳۸ | شکاف اجتماعی، ۵۴۰، ۵۴۱ |
| ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳ | شکاف جنسی، ۳۸، ۷۹۴ |
| شورای عالی فنی، ۴۴۱ | شکل و فضای شهری، ۵۵۱ |
| شورای عالی معماری و شهرسازی، ۱۱۶، ۶۵۷ | شورا برنامه‌ریزی و توسعه استانها، ۱۵ |

۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۸،
 ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۷،
 ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۵،
 ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۳۱، ۸۳۲،
 ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۶،
 شهر الکترونیک، ۱۷، ۵۰، ۳۸۴، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴،
 ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۴۱
 شهر الکترونیک خوب، ۵۲۶
 شهر انباشت، ۶۵۱
 شهر پایدار، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۹۱، ۲۹۳، ۸۳۴، ۸۵۶
 شهر جدید، ۵۲۹
 شهر جهانی، ۸۵، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۱، ۴۸۹، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹،
 ۵۴۰، ۵۴۱
 شهر دیجیتالی، ۵۲۳، ۵۴۱
 شهر سالم، ۱۹۹، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶
 شهر سبز، ۱۹۹
 شهر قابل زیست، ۱۷۲، ۱۹۹، ۲۰۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶
 شهر مرکزی، ۳۵۱، ۴۵۱، ۶۷۱، ۶۷۲
 شهرسازی، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴
 شهریان، ۵۴۸
 شهرداری، ۹، ۴۳، ۶۲، ۶۴، ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۱،
 ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۷۷، ۲۶۵، ۲۶۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۶۳،
 ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۵۰۶، ۵۰۷،
 ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۱،
 ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰،
 ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰،
 ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۹۹، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶،
 ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۳۹، ۷۷۹، ۷۸۵،
 ۸۰۰، ۸۵۲
 شهرداری تهران، ۴۳، ۶۲، ۸۴، ۹۳، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۷۷، ۲۶۵،
 ۴۲۸، ۴۳۰، ۵۱۱، ۵۲۱، ۵۴۴، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۸،
 ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۹۹، ۶۵۸، ۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۸،
 ۷۳۹، ۷۸۵، ۸۰۰
 شهرداری تهران، سازمانهای وابسته، ۵۵۸، ۵۶۲
 شهرداری منطقه، ۵۵۵، ۵۵۷

شهر، ۸، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵،
 ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۷،
 ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸،
 ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۸،
 ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲،
 ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰،
 ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳،
 ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۱،
 ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳،
 ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵،
 ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸،
 ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۲،
 ۳۲۳، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۷،
 ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۸،
 ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۳۹۶،
 ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶،
 ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۱،
 ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶،
 ۴۷۷، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸،
 ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸،
 ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸،
 ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸،
 ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸،
 ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸،
 ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۹،
 ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۹۵، ۵۹۶،
 ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶،
 ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳،
 ۶۴۴، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷،
 ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۸، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵،
 ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷،
 ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۹، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۲،
 ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶،
 ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹

| | |
|--------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۴۲۷، ۴۳۶، ۵۱۲، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴ | شهرداری، سازمانهای وابسته، ۵۵۰ |
| ۵۷۵، ۶۲۱، ۶۷۹، ۷۴۴، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۵۸، ۸۰۸ | شهرداری، شرکتهای وابسته، ۵۶۲ |
| شهروندی اجتماعی، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴ | شهروندان انقلابی، ۴۷۳ |
| شهروندی اقتصادی، ۲۰۲، ۵۷۰ | شهروندی، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۳۴، ۴۴، ۶۲، ۶۴ |
| شهروندی جنسیتی، ۵۷۰ | ۸۳، ۸۴، ۹۶، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱ |
| شهروندی جوهری، ۵۶۸ | ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰ |
| شهروندی رسمی، ۵۶۸ | ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۳، ۲۱۱، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۵۲ |
| شهروندی سیاسی، ۵۷۰ | ۴۱۵، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۲ |
| شهروندی قومی - فرهنگی، ۵۷۰ | ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۸۷، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸ |
| شهروندی، حقوق، ۵۷۴ | ۵۱۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۱ |
| شهر جدید خدماتی، ۵۳۰ | ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۲ |
| شهر جدید کشت و صنعت، ۵۳۰ | ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۹، ۶۱۸، ۶۱۹ |
| شهر جدید معدنی، ۵۳۰، ۵۳۲ | ۶۲۰، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۹ |
| شهر جهانی، ۸۵، ۳۱۷، ۳۲۲، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱ | ۶۸۲، ۶۸۸، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۴ |
| شهر خودفرمان، ۱۱۳، ۵۴۸، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۴ | ۷۴۶، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۸۴، ۸۰۰، ۸۰۶، ۸۱۶، ۸۳۲، ۸۳۳ |
| شهر سرریزپذیر، ۵۳۰ | ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴ |
| شهر صنعتی، ۲۵، ۴۳، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۷۳، ۴۸۹، ۵۲۹ | ۸۵۵، ۸۵۶ |
| ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۶۴، ۵۶۵، ۶۰۱، ۶۴۹، ۷۵۹، ۸۳۱، ۸۳۲ | شهرکها، ۱۲، ۳۴، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۴۶۱، ۵۳۱ |
| شهر کارآمد، ۱۰۰ | ۵۶۶، ۶۷۱، ۷۳۶، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۵۱ |
| شهر مهاجرنشین، ۵۳۰ | شهرگرایی، ۱۰۴، ۲۷۴، ۳۱۸، ۳۹۶، ۴۰۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۶۷۹ |
| شهری شدن پسانوگرایانه، ۸۵ | ۷۶۷، ۸۳۲، ۸۳۵ |
| شهری شدن، ۸۴، ۸۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۶۵۱، ۷۴۲، ۷۷۷ | شهرگردانی، ۱۰۳، ۳۳۱، ۵۶۵ |
| شهریگ، ۵۴۸، ۲۶۷ | شهرنشینی پایدار، ۲۰۱، ۲۰۲ |
| شیرخوارگاه، ۵۵۵ | شهرنشینی، ۸، ۱۲، ۳۰، ۴۳، ۵۸، ۶۵، ۶۶، ۸۳، ۸۴، ۱۰۴ |
| شیوه حرفه‌گرایی، ۴۱۶ | ۱۱۰، ۱۴۵، ۱۵۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۵ |
| شیوه رهبری سازمانی، ۴۱۷ | ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۴۷، ۳۹۶، ۴۰۷، ۴۴۳، ۴۴۴ |
| شیوه رهبری محلی، ۴۱۷ | ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۸۵، ۴۸۷، ۵۱۱، ۵۳۳، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۶۵ |
| شیوه سیاست دموکراتیک، ۴۱۷ | ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۴، ۷۰۱ |
| شیوه مدیریت‌گرایی، ۴۱۷ | ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۷، ۸۱۷، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۳۲، ۸۵۱ |
| شیوه‌های سنتی کشت، ۴۴ | شهروند، ۱۶، ۲۱، ۵۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۳۰۹، ۳۸۰، ۴۳۶، ۴۶۷ |
| صاحب کار، ۶۷۳، ۳۷۸ | ۵۲۸، ۵۶۲، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵ |
| صاحب نسق، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۶، ۶۹۹، ۸۰۱، ۸۰۲ | ۶۹۰، ۷۲۲، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۷۳ |
| صحرا، ۱۵۹، ۱۸۴، ۵۷۸، ۶۶۴، ۸۲۳، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹ | شهروند جهانی، ۵۷۳، ۵۷۵ |
| صحراپندی، ۱۵۹ | شهروندی، ۵۳، ۶۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۷۸، ۲۰۰ |
| صدور پروانه ساختمانی، ۵۵۵، ۷۵۲ | ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۱۰، ۳۳۴، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۸۳، ۴۰۶ |

طراحی سکونتگاه، ۱۱۵، ۸۳۵
 طراحی سیستمهای پایگاه داده، ۶۲۴
 طراحی شهری، ۹، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۰۱،
 ۲۱۰، ۳۵۵، ۴۶۹، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۶، ۵۶۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰،
 ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۱۸، ۶۴۴، ۶۵۸، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۸۲،
 ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۶۱، ۷۶۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۵۳، ۸۵۴
 طراحی کالبدی، ۱۳۵، ۵۸۴، ۸۳۵
 طراحی منظر، ۲۶۵، ۵۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴
 طراحی نرم افزار، ۶۲۴
 طرح، ۳، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۲۸، ۳۵، ۴۱،
 ۵۵، ۶۳، ۷۲، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹،
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳،
 ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴،
 ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۴،
 ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱،
 ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۷،
 ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۸۵،
 ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۲۸، ۴۲۹،
 ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۵۲، ۴۶۴، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۸۶، ۴۸۷،
 ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷،
 ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۲،
 ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹،
 ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹،
 ۵۹۵، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۴۴، ۶۵۴، ۶۵۶،
 ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۸، ۶۹۰،
 ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۱۹،
 ۷۲۰، ۷۲۳، ۷۲۹، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۶، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۸،
 ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۴،
 ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱،
 ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۵
 طرح آماده سازی زمین شهری، ۱۲۲، ۶۴۴
 طرح اجرایی، ۹۹، ۱۱۲، ۵۸۴
 طرح احیاء، ۲۵
 طرح ایجاد شهرکهای مسکونی، ۱۲۲
 طرح ایجاد شهرهای جدید، ۱۲۲

صرفه جوئیهای خارجی، ۶۲۶
 صرفه جوئیهای داخلی، ۶۲۶
 صنایع پیشاهنگ، ۶۲۶
 صنایع تبدیلی، ۲۵، ۹۱، ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۴۷
 صنایع دستی، ۳۹، ۴۱، ۵۲، ۷۷، ۷۸، ۲۰۸، ۲۴۷، ۲۵۹، ۲۶۰،
 ۳۶۱، ۳۷۶، ۳۸۷، ۷۰۰، ۷۴۰، ۸۱۰
 صندوق بین المللی پول، ۳۶، ۳۱۴
 صنعتگرایی، ۲۲۲، ۲۲۴
 صنف اهل علم، ۵۲
 صنف، ۵۱، ۵۲، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۶۴۵، ۶۸۱
 صیادی، ۲۲۹، ۳۷۴، ۳۹۹، ۴۷۹
 ضد شهرگرایی، ۵۶۵
 ضوابط تفکیک، ۱۲۳
 ضوابط ساخت و ساز، ۱۲۳، ۵۸۸
 ضوابط مربوط به محدوده شهرها، ۱۲۳
 ضوابط مربوط به مکانیابی شهرهای جدید، ۱۲۳
 ضوابط نماسازی، ۱۲۳
 ضوابط و مقررات شهرسازی، ۱۲۳، ۵۰۷، ۵۵۳، ۸۵۲، ۸۵۳
 طراحی، ۹، ۱۰، ۱۷، ۷۲، ۷۳، ۸۶، ۸۸، ۹۴، ۹۶، ۱۱۱، ۱۱۲،
 ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲،
 ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۷۲، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰،
 ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۵، ۲۴۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۵، ۳۰۷، ۳۳۳، ۳۳۶،
 ۳۵۵، ۳۷۴، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۱۹،
 ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۶، ۴۶۹، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۹۴،
 ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۱۵، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۲۹،
 ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۷، ۵۶۰،
 ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳،
 ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۶، ۶۱۰، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲،
 ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۵۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۵،
 ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۰، ۷۰۴، ۷۰۶،
 ۷۰۷، ۷۱۱، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹،
 ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۸۱۰،
 ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۹، ۸۴۵، ۸۵۲
 ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵
 طراحی روستایی، ۵۷۷، ۵۷۸

- طرح بهسازی باارزش روستایی، ۱۷۰
 طرح تفصیلی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۸، ۱۵۱، ۵۱۷، ۵۱۸، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰
 طرح تفصیلی شهری، ۱۲۱
 طرح تفصیلی، ۱۳۷
 طرح توسعه و عمران، ۱۲۱
 طرح جامع، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۹۰، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۲۴۱، ۴۲۹، ۴۷۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۳۶، ۵۶۱، ۵۸۰، ۵۸۵، ۵۸۸، ۶۱۰، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۷۰۹، ۷۳۸، ۸۰۰، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۵۰، ۸۵۱
 طرح جامع تهران، ۱۳۷، ۸۰۰، ۸۳۴
 طرح جامع سرزمین، ۱۲، ۱۳، ۱۲۰، ۵۸۰، ۵۸۵، ۸۵۱
 طرح جامع شهری، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۴، ۵۱۷، ۵۳۶، ۶۵۷
 طرح ساماندهی روستاهای پراکنده، ۴۵۲، ۷۷۲
 طرح کاربری زمین، ۱۳۷
 طرح کالبد ملی، ۱۴، ۱۲۰، ۵۰۷، ۵۳۶، ۵۸۴
 طرح کالبدی، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۱۳، ۱۲۰، ۴۶۴، ۵۰۷، ۵۳۶، ۵۸۵
 طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، ۱۳، ۱۲۰، ۵۳۶
 طرح کالبدی ملی، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۲۰، ۵۰۷، ۵۳۶، ۵۸۴، ۵۸۵
 طرح نوسازی، بهسازی، بازسازی و مرمت بافتها، ۱۲۱
 طرح هادی روستایی، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۸، ۳۸۶، ۳۸۸، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۱۰، ۷۷۸
 طرح هادی شهری، ۱۲۲، ۶۴۴
 طرح هادی و بهسازی روستایی، ۱۶۸
 طرح هادی، ۱۲۲، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۸، ۳۰۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۵۱۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۱۰، ۶۴۴، ۷۷۸
 طرح‌ریزی، ۱۴، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۰۷، ۴۸۹، ۵۳۳، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۷، ۸۵۲، ۸۵۵
 طرح‌ریزی کالبدی، ۱۴
 طرح آمایش سرزمین، ۱۳۱، ۲۱۱، ۸۵۳
 طرح جامع پیاده، ۲۱۵، ۲۱۶
 طرح جامع شهری، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۴۳، ۵۱۷، ۵۱۸
- ۵۸۵، ۶۴۴، ۶۵۳، ۶۵۷، ۶۵۸، ۸۳۴، ۸۵۲
 طرح روانبخشی، ۵۸۷
 طرح شهری، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۴۲۸، ۵۹۶، ۶۴۵، ۶۵۸، ۶۸۸، ۷۵۰، ۸۳۲، ۸۳۴
 طرحهای ویژه، ۱۵، ۱۲۲، ۵۱۸، ۸۵۳
 طرح هادی روستایی، ۲۵، ۹۹، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۳۸۷، ۵۱۱، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۷۷۸، ۸۴۹
 طرح یکپارچه‌سازی، ۸۵۸
 طناب‌داری، ۸۰۲
 ظرفیت پایداری طبیعت، ۱۲۹
 ظرفیت خودپالایی محیط زیست، ۲۷۳
 ظرفیت‌سازی، ۷۰، ۱۹۴، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۷، ۲۹۸، ۴۶۴، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱
 ظرفیت محیطی، ۲۰۰
 عابر، ۱۴۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۶۷۷، ۷۸۱
 عابر پیاده، ۱۴۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۶۷۷
 عامل تولید، ۴۶، ۱۸۷، ۷۰۳
 عدالت، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۴۳، ۶۱، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۴، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۸، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۸۲، ۵۴۸، ۵۸۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۱۰، ۷۱۶، ۷۳۳، ۸۳۹
 عدالت اجتماعی، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۴۳، ۶۱، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۵۷، ۲۷۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۰۸، ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۹۵، ۴۸۲، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۷۱۶
 عدالت اجتماعی و شهر، ۴۳، ۶۱، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۹۹، ۲۵۷، ۲۹۴، ۳۹۵، ۵۹۷، ۵۹۹
 عدالت جنسیتی، ۲۲۶
 عدالت محیطی، ۱۱۹، ۲۹۲، ۵۹۹
 عدم تمرکز ساختار حکومتی، ۳۹۷
 عرصه انسان‌ساخت، ۷۰۲
 عرصه طبیعی، ۷۰۲

عمران شهری، ۲۲، ۱۰۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۶۸، ۲۸۸، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۶، ۴۳۷، ۴۵۵، ۵۱۲، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۷۱، ۶۳۶، ۶۵۲، ۶۵۳، ۷۰۹، ۸۵۲، ۸۵۶

عملکرد مکانهای مرکزی، ۴۴۹

عملکرد اجتماعی، ۱۳۹، ۴۰۳، ۶۱۵، ۶۸۱

عملکرد شهرهای جدید، ۵۳۰

عملکرد شهری، ۱۳۹، ۶۴۳

عملیات بازیافت، ۹۲، ۹۳، ۵۵۱

عملیات روبنایی، ۹، ۳۴

عملیات زیربنایی، ۹، ۳۴

عملیات سازمانی، ۴۹۹

عناصر اصلی فناوری اطلاعات، ۶۲۲

عناصر شهری، ۷۹، ۱۷۲

عناصر کاربری زمین، ۶۴۰

عناصر کالبدی، ۱۴۴، ۳۵۲، ۶۶۸، ۶۸۲

عوارض شهری، ۶۳، ۵۱۱

عوارض نوسازی، ۳۵۸

عوامل رکودی، ۷۸۹

غربی شدن، ۲۲۴، ۲۸۰

فتودالیسم غربی، ۱۸۴

فاضلاب، ۹، ۷۸، ۱۲۲، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۰۸، ۲۲۹، ۲۹۳، ۳۵۳، ۳۶۰، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۴، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۹، ۵۱۸، ۵۳۴، ۵۵۱، ۵۸۸، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۵۸، ۶۹۴، ۷۰۹، ۸۴۱

فایده مورد انتظار، ۲۴۹، ۲۵۰

فتوشیمیایی، ۳۴۶

فرا استان، ۱۳۲، ۲۵۸

فرانواگرای، ۶۱۳، ۶۱۴

فراوری تولیدات روستایی، ۲۴۷

فرایند آبادانی، ۴، ۵، ۶

فرایند بازساخت، ۸۶

فرایند پایداری، ۱۹۳، ۲۷۷

فرایند تصمیم سازی، ۳۵، ۱۹۵، ۲۸۰، ۳۳۶

عرصه سبز شهری، ۶۱۷

عرصه عمومی، ۱۱۵، ۳۴۰

عرفی شدن، ۲۲۲، ۲۲۴

عسس، ۵۴۸، ۵۴۹

عشایر کوچنده، ۱۷۵

عصر اطلاعات، ۱۶، ۴۱، ۵۰، ۳۱۴، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۵۳۷، ۶۲۵

عصر روشنگری، ۱۰۸، ۳۶۲، ۵۷۲، ۷۲۱

عقل کیهانی، ۵۴

عقل یزدانی، ۵۴

عقلانی شدن، ۲۲۲، ۲۲۴، ۳۸۹، ۸۰۷

عقلانیت ابزاری، ۲۲۲

عقلانیت تمامت خواه، ۶۱۴

عقل گرایی، ۶۱۳

علفچر، ۱۴۹

عمده فروشی، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۱۰۵، ۲۶۰، ۳۱۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۵

عمران، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۵، ۳۴، ۵۹، ۸۹، ۱۱۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۷۴، ۴۲۷، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۵۰، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۱، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۵۳، ۶۵۷، ۶۹۶، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۴۰، ۷۶۸، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۸، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۶، ۸۵۸

عمران اجتماعی، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۹، ۷۱۵

عمران اراضی، ۵۹

عمران روستایی، ۱، ۵، ۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۹، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۵۷، ۳۵۹، ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۴۸، ۶۹۶، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۴۱

| | |
|----------------------------------------------------|-------------------------------------------------------|
| فضای سبز درون شهری، ۶۱۹ | فرایند تفرّد، ۲۲۳ |
| فضای سبز عمومی، ۹۴، ۹۶، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۲ | فرایند تکامل سکونتگاههای شهری، ۴۶۷ |
| فضای سکونتگاهی، ۲۲۶، ۷۰۴ | فرایند جهانی شدن، ۳۸، ۶۸، ۴۸۹، ۵۳۷، ۵۳۸، ۶۸۲ |
| فضای سیاسی، ۲۷۳ | فرایند چشم انداز، ۴۸۱، ۴۸۳ |
| فضای عمومی، ۷۲، ۷۳، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۲۷، ۲۶۳، ۵۳۶ | فرایند طرح و ساخت، ۵۷۷ |
| ۵۴۵، ۵۸۰، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۴۱، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۳۰، ۷۴۵ | فرسودگی شهری، ۶۱۴ |
| ۸۰۰، ۸۳۱ | فرصت بازیافت، ۹۲ |
| فضای اثرپذیری، ۶۱۶ | فرم، ۳۱، ۸۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۴۳، ۴۶۵، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۳۱ |
| فضای اجتماعی، ۳۷۰، ۴۰۰، ۸۱۴ | فرم سکونتگاه، ۴۶۵ |
| فضای اقتصادی، ۳۲۳، ۳۷۰، ۶۲۶ | فرم شهر، ۸۴، ۹۶، ۱۰۰، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۸۳، ۷۵۱ |
| فضای باز، ۶۰، ۷۹، ۸۳، ۱۱۷، ۱۴۳، ۱۷۳، ۱۷۶، ۲۰۰، ۲۰۸ | فرمانداری، ۲۶۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۵۲، ۶۴۷، ۶۵۷، ۷۱۸ |
| ۲۲۹، ۲۶۵، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۴۵، ۵۸۳، ۶۱۷، ۶۷۴، ۶۹۴، ۷۴۸ | فرهنگ کارآفرینی، ۶۳۶ |
| ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۸۲، ۸۱۳ | فرهنگ محیطی، ۱۹۹ |
| فضای بین سکونتگاهی، ۶۱۶ | فرهنگ مدنی، ۳۸۹ |
| فضای پر، ۶۱۹، ۷۸۲ | فرهنگ قومی، ۱۹۷ |
| فضای جهانی، ۶۱۷ | فساد اداری، ۱۸۰، ۲۶۹، ۳۶۵، ۳۸۳، ۵۲۵ |
| فضای حاشیه‌ای، ۷۲۸ | فشردگی زمان-فضا، ۳۲۱ |
| فضای خالی، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۷۸۲ | فضا، ۱۱، ۱۳، ۲۲، ۶۱، ۶۲، ۸۱، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۱ |
| فضای دوبعدی، ۱۴۴ | ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۶، ۲۶۴، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۲ |
| فضای روستایی، ۳۳۷، ۶۱۴ | ۳۲۷، ۳۵۰، ۳۶۷، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۵۱۸، ۵۳۴، ۵۸۰ |
| فضای زندگی، ۶۱۵، ۶۴۱، ۸۱۵ | ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۱۴، ۶۱۵ |
| فضای سبز، ۹، ۳۴، ۹۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۳۹، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۰۸ | ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۴۴، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۸۵، ۷۰۲، ۷۰۳ |
| ۲۶۵، ۳۵۴، ۳۸۴، ۳۸۸، ۳۹۵، ۴۹۹، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۳۵، ۵۴۵ | ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۶۶، ۷۸۲، ۷۸۳ |
| ۵۴۷، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۱، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰ | ۸۰۰، ۸۱۶، ۸۱۸، ۸۳۲، ۸۵۶، ۸۵۷ |
| ۶۴۲، ۶۷۵، ۶۸۵، ۷۳۴، ۷۵۰، ۷۵۳، ۷۸۴، ۷۸۵ | فضابندی، ۴۰۶، ۷۴۵، ۷۴۶ |
| فضای سبز برون شهری، ۶۱۸، ۶۱۹ | فضاسازی، ۷۸۲ |
| فضای سبز شهری، ۹۴، ۱۱۷، ۱۵۸، ۲۰۰، ۳۵۴، ۵۱۷، ۵۴۵ | فضای باز، ۷۷، ۸۱، ۹۶، ۹۷، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۹۹ |
| ۵۵۵، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۷۸۴ | ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۶۳، ۳۴۵، ۳۵۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۴۵، ۵۶۴، ۶۱۷ |
| فضای سکونتگاهی، ۶۱۶ | ۶۱۹، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۹۴، ۸۳۷ |
| فضای شخصی، ۶۱۵ | فضای بازی، ۲۶۳، ۶۱۹ |
| فضای شهری، ۸۴، ۸۶، ۱۱۶، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۶۲، ۵۳۳، ۵۵۱ | فضای زیستی، ۱۵۴، ۳۱۷، ۴۰۶، ۸۲۲، ۸۲۳ |
| ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۱۴، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۷۴۴، ۸۱۶، ۸۱۷ | فضای سبز، ۹۴، ۹۶، ۱۱۷، ۲۶۳، ۲۶۵، ۳۱۲، ۳۵۴، ۴۸۵ |
| فضای عمومی، ۷۲، ۷۳، ۸۸، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۶۳، ۶۲۱، ۶۷۵ | ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۵۱، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۸۰، ۷۶۰ |
| ۶۷۷، ۷۴۹، ۸۳۶ | ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۳۷ |
| فضای کار، ۱۱، ۴۲۰، ۶۱۵، ۷۳۵ | فضای سبز خصوصی، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۲ |

| | |
|-----------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۵۴، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۴، ۴۱۱ | فضای ملی، ۳۲۱، ۶۱۶ |
| ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۴۸، ۴۶۰، ۴۶۳ | فضای منطقه‌ای، ۶۱۴، ۶۱۶، ۷۲۷ |
| ۴۷۱، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱ | فضای منفی، ۶۱۸ |
| ۵۰۲، ۵۰۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸ | فضای همسایگی، ۶۱۶ |
| ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۸، ۶۲۱ | فعالیت اقتصادی، ۳۸، ۳۹، ۷۷، ۸۹، ۱۹۲، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۹۶ |
| ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۶۲، ۶۸۴، ۶۹۲ | ۳۰۱، ۳۱۳، ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۵۱، ۴۶۲، ۶۲۶، ۶۷۲ |
| ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۲۷، ۷۳۴، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۷، ۷۶۷، ۷۹۰، ۸۰۶ | ۷۲۸، ۷۴۶، ۷۷۱، ۸۴۹ |
| ۸۰۸، ۸۱۵، ۸۴۲، ۸۵۰، ۸۵۲ | فعالیت پیاده ایستا، ۲۱۳ |
| فناوری ارتباطات، ۳۱۳، ۵۲۷، ۵۳۸ | فعالیت پیاده پویا، ۲۱۳ |
| فناوری اطلاعات، ۱۷، ۳۸، ۴۱، ۵۰، ۲۱۲، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۴ | فعالیت انبارداری، ۷۶، ۸۰۰ |
| ۴۲۹، ۴۳۴، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷ | فعالیت تجاری، ۷۶، ۷۸، ۷۰۲، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۹۸، ۸۲۳ |
| ۵۲۸، ۵۳۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵ | فعالیت تولیدی، ۳۷، ۷۶، ۸۳، ۱۰۵، ۱۶۲، ۲۲۶، ۲۳۹، ۲۴۳ |
| ۷۱۴، ۷۳۹، ۸۵۰ | ۴۱۷، ۴۵۳، ۷۴۶ |
| فناوری دیجیتالی، ۵۰ | فعالیت حاشیه‌ای، ۳۹۹ |
| فناوری کشاورزی، ۶۵ | فعالیت مکمل، ۳۹۹، ۴۰۰ |
| فناوری جدید اطلاعاتی، ۳۱۳ | فقر، ۱۰، ۶۵، ۶۶، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۵۰، ۱۷۵، ۱۷۸ |
| فنون کشاورزی، ۷۰، ۲۳۶، ۲۳۳ | ۱۷۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۵۶ |
| فولکلور، ۳۷۵ | ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷ |
| قابلیت دسترسی، ۱۳۹، ۱۹۵، ۷۳۵ | ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۲۰، ۳۳۳، ۳۳۴ |
| قابلیت کشت، ۶۸، ۲۲۸ | ۳۶۹، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۰۵، ۴۱۲، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۶ |
| قاعده رتبه-اندازه، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۲۶ | ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۰۳، ۵۴۳ |
| قانون اصلاح تقسیمات کشوری، ۲۶۷ | ۵۴۵، ۵۷۱، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۴۸، ۷۰۹، ۷۲۶، ۷۲۹ |
| قانون ایالات و ولایات، ۵۴۹ | ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۹۰، ۸۵۱ |
| قانون بلدیة، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۴۹، ۵۵۴، ۶۸۰ | فقر غذایی، ۴۸۵ |
| قانون تشکیل ایالات، ۲۶۶، ۴۴۶ | فقر مطلق، ۱۷۵ |
| قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، ۲۶۸ | فقر نسبی، ۱۷۵، ۱۷۸ |
| قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران، ۲۶۷ | فقرزایی روستاها، ۲۷۴ |
| قانون تقسیمات کشوری، ۵۰۹، ۵۴۹ | فقرزایی، ۱۶، ۱۱۲، ۱۲۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۵ |
| قانون جدید شهرداری، ۵۰۹، ۵۱۴ | ۳۰۸، ۴۴۶، ۴۵۵، ۷۰۹، ۷۲۹ |
| قانون زمین شهری، ۹، ۳۳، ۳۴، ۱۲۲، ۵۰۵، ۵۳۵، ۸۵۲، ۸۵۶ | فمینیسم، ۲۸۹ |
| قانون شوراها، ۱۳۷۵، ۵۱۰ | فناوری، ۱۷، ۳۰، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۷۰ |
| قانون طبیعی، ۱۰۸، ۵۹۴ | ۸۴، ۹۰، ۹۳، ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۱ |
| قانون نظام مهندسی، ۴۲۸، ۸۵۴ | ۱۶۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۱ |
| قانون نوسازی و عمران شهری، ۴۲۷، ۵۵۴، ۶۵۳ | ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۲ |
| قانون وظایف و اختیارات استانداران، ۲۶۷ | ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۱۳، ۳۱۵ |

۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹،
 ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۲۸،
 ۲۳۱، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۶۹، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۲۲، ۴۲۵،
 ۴۲۶، ۴۷۹، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۶۴، ۵۷۸،
 ۵۸۴، ۵۸۸، ۶۱۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۰، ۶۹۳،
 ۶۹۵، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۷۰، ۷۷۸،
 ۸۰۰، ۸۳۷
 کاربری اراضی، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲۳، ۱۴۸، ۲۱۵، ۲۳۱، ۳۶۹،
 ۴۹۹، ۵۷۸، ۵۸۸، ۶۴۰، ۷۶۶
 کاربری زمین، ۸، ۳۱، ۷۰، ۷۳، ۹۷، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷،
 ۱۱۹، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۶۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۱۵،
 ۲۲۸، ۳۴۷، ۴۲۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۹، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۶۴،
 ۵۸۸، ۶۱۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۴۷،
 ۷۵۴، ۷۶۱، ۷۷۰، ۸۳۷
 کاربری مشروط، ۳۴۸
 کاربری مجاز، ۱۲۰، ۳۴۷، ۳۴۸
 کاربری مسکونی، ۳۷۱
 کارکرد، ۱، ۷۸، ۱۱۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۷، ۲۵۴، ۳۵۰،
 ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۷۵، ۴۷۷، ۵۲۰، ۵۲۹،
 ۵۳۰، ۵۴۰، ۵۶۴، ۶۳۳، ۶۴۳، ۷۴۶، ۷۴۷، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۲۵، ۸۳۹
 کارکرد بهداشتی، ۱۴۶
 کارکرد خدماتی، ۱۴۶
 کارکرد فرهنگی، ۱۴۶
 کارکرد معیشتی، ۱۴۶
 کارکنان کشاورزی، ۴۲
 کارمندان اداری، ۴۲، ۳۸۹
 کاروانسرا، ۷۸، ۸۳
 کاریز، ۱۸۷، ۶۶۲، ۸۲۹
 کامپیوتر شخصی جایگزین، ۵۰۰
 کامپیوتری شدن MIS، ۵۰۰
 کانون شهری، ۲۱۶، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۹۶، ۴۰۲، ۶۲۷، ۶۴۸،
 ۷۲۷، ۷۶۳، ۷۸۱
 کاهش باروری، ۱۵۷
 کاهش فقر، ۶۶، ۱۲۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۷۲، ۲۷۳،
 ۲۸۱، ۳۳۴، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۶، ۵۹۱، ۷۲۹

قانونگذاران، ۴۲، ۵۴، ۴۱۶، ۵۰۸
 قانونگذاری، ۲۹، ۳۰، ۵۳، ۵۴، ۱۰۸، ۲۲۵، ۲۶۱، ۳۴۲، ۳۴۳،
 ۳۸۹، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۲، ۵۱۰، ۵۱۲، ۷۱۴، ۷۲۲،
 ۷۹۵
 قایق‌نشین، ۴۶۹
 قدرت سیاسی، ۴۶، ۲۲۴، ۴۱۶، ۵۹۸، ۶۳۱، ۶۹۷، ۷۱۶
 قصبه، ۲۶۷، ۵۴۸، ۶۴۵
 قطار شهری، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۶
 قطب رشد، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۷۵، ۳۹۶، ۴۹۰، ۵۰۳، ۵۰۴، ۶۲۶،
 ۶۲۷، ۶۸۹
 قطب رشد، رویکرد، ۶۲۶
 قطب‌بندی اجتماعی، ۸۵، ۵۹۸
 قطب شهری، ۵۷، ۶۵۱
 قطبی شدن، ۱۱، ۱۷۸، ۳۷۰، ۴۹۰، ۵۲۹، ۶۲۶، ۷۲۶
 قطعه‌بندی، ۳۳، ۵۹، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۷۹۹
 قلعه، ۹۷، ۹۸، ۳۵۲، ۳۹۹، ۵۶۶، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۵، ۷۸۱
 قلمرو روستا، ۳۱، ۴۰۴، ۵۶۶
 قلمستان، ۶۹۹
 قیصریه، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۵۳۴
 کارآفرین، ۴۱۶، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶،
 ۶۳۷، ۶۳۹
 کارآفرینان چندکاره، ۶۳۷، ۶۳۹
 کارآفرینان منابع - محور، ۶۳۷
 کارآفرینی، ۳۳۲، ۳۷۵، ۴۱۶، ۴۵۴، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱،
 ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹
 کارآفرینی اجتماعی، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶
 کارآفرینی روستایی، ۶۳۶، ۶۳۷
 کارآفرینی سازمانی، ۶۳۲
 کارآفرینی فردی، ۶۳۲
 کارآفرینی مدنی، ۶۳۳
 کارانه، ۸۰۲
 کاربرد اراضی، ۶۴۰
 کاربرد زمین، ۶۴۰
 کاربرد منابع، ۱۵۹
 کاربری، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۳۱، ۳۳، ۷۰، ۷۳، ۸۳، ۹۷، ۹۸،

- کاهش کیفیت محیط‌زیست، ۱۱۱
کتاب جامعه اطلاعاتی، ۴۴۸
کثرت‌باوری روش‌شناختی، ۲۸۹
کدخدا، ۵۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۶۷، ۳۵۷، ۳۷۳، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۷۳، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۸۰۱، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۹
کدخدایان محله، ۵۴۸
کرامت انسانی، ۱۰۸، ۲۰۲، ۳۹۳
کریدور عابر، ۲۱۳
کژکارکردی، ۴۵۴
کسب‌وکار الکترونیک، ۵۲۸، ۶۲۵
کسب‌وکار خانگی، ۶۳۱
کسب‌وکار خانوادگی، ۶۳۱
کشاورزان تخصصی کار، ۲۳۶، ۲۳۹
کشاورزان کارآفرین، ۶۳۷
کشاورزی، ۱، ۳، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۸، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۵، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۵۹، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۵، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۸۵، ۷۰۰، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۵۴، ۷۶۶، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۴، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۹، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۵۱، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸
- کشاورزی الکترونیک، ۶۲۵
کشاورزی تجاری، ۶۹، ۳۰۱
کشاورزی حاشیه شهری، ۶۴۸
کشاورزی شهری، ۲۱۶، ۶۴۸، ۶۴۹
کشت دیم، ۱۶۳، ۱۸۷، ۲۲۸، ۶۹۹
کشت گلخانه‌ای، ۱۶۲
کشت و صنعت، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۳۰۵، ۵۳۰
کشت و ورز، ۳۲، ۱۴۸، ۴۶۴، ۷۴۵
کشتگر، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰
کف‌سازی، ۲۱۵
کلاته، ۳۹۹
کلاتر، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰
کلانشهر، ۱۷، ۴۲، ۴۳، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۷۵، ۱۸۱، ۳۰۸، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۶، ۴۴۸، ۴۶۷، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۸۹، ۵۱۵، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۶۷، ۶۲۰، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۷۳۲، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۷۸، ۸۲۲، ۸۳۴
کلبه، ۷۴۵
کلگیرکار، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸
کلگیر، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۹
کلگیری، ۱۸۴
کمریند سبز، ۹۶، ۱۴۴، ۲۶۵، ۵۶۱، ۶۱۹
کمریند سبز کشاورزی، ۹۴
کمک سالار، ۱۸۶
کمک بلاعوض، ۱۵۳، ۳۵۸
کمیته اجرایی کاهش آلودگی هوا، ۴۳۰
کمیته جهانی توسعه پایدار، ۲۸۶، ۴۴۶
کمیته ملی توسعه پایدار، ۲۰۱، ۲۸۶، ۲۸۷، ۶۵۲
کمیته انقلاب اسلامی، ۶۳
کمیسیون برونتلند، ۱۹۳، ۱۹۷
کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، ۲۹۴
کمیسیون طرح تفصیلی، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰
کمیسیون ماده ۵، ۵۱۸، ۵۵۶، ۶۵۶، ۶۵۷، ۷۳۸
کمیسیون ماده ۱۰۰، ۵۵۳، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶

| | |
|---------------------------------------------------|--------------------------------------------------|
| گرم شدن زمین، ۱۰۱ | کمیسیونر، ۳۴۳ |
| گرمخانه، ۱۷۷، ۱۷۵ | کنار گذاشتگی، ۴۷۱ |
| گروه فشار، ۴۳۵ | کنترل سوانح و حوادث، ۱۵۷ |
| گروه هم‌آب، ۶۶۲ | کنترل مدیریتی، ۴۴۷، ۳۸ |
| گروه شغلی، ۴۲ | کنفرانس جهانی زنان، ۲۲۵ |
| گروه کلان کاری، ۱۸۸ | کنوانسیون رامسر، ۲۸۷ |
| گروه مستقل زراعی، ۱۵۹ | کوچک‌سازی دولتها، ۱۷۸ |
| گروه نابرخوردار، ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۳۷ | کوست، ۲۶۶ |
| گروه همسود، ۴۳۵ | کوشکی، ۱۸۸ |
| گروه همیار، ۲۱۷ | کوی، ۲۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۵۶۷، ۷۳۳، ۸۳۱، ۸۳۵ |
| گزارش برونتلند، ۲۸۳، ۲۹۵، ۴۱۱ | کهندژ، ۸۱، ۱۱۶، ۷۳۱ |
| گزارش توسعه انسانی، ۲۷۱، ۳۳۵، ۴۴۲، ۷۹۳ | کیفیات زیست محیطی، ۶۶۱ |
| گزینه زیستی - معیشتی، ۳۰۷ | کیفیت زندگی، ۲۴، ۱۳۴، ۱۴۳، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۳۹ |
| گسترش افقی، ۷۵۹ | ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۳، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۴۴، ۳۶۰ |
| گسترش غیرمجاز، ۴۷۲ | ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۱۹، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۷، ۵۶۴، ۵۹۸، ۶۳۱، ۶۸۷ |
| گسترش فضایی کلانشهر، ۳۶۷، ۳۶۹ | ۷۴۹، ۷۶۰ |
| گستستگی رابطه شهر با طبیعت، ۷۵۸ | کیفیت زندگی شهری، ۱۴۳، ۶۸۷، ۷۴۹ |
| گواهی پایان کار، ۴۲۸، ۶۵۳ | کیفیت عرصه همگانی، ۵۸۳ |
| گونه شناسی، ۳۳، ۴۵۹، ۴۶۵، ۴۷۱، ۶۱۸، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹ | کیفیت محیط شهری، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۶، ۵۸۱، ۶۲۰، ۷۴۷ |
| ۶۷۰، ۷۴۶، ۷۵۵ | ۸۵۶ |
| گونه‌شناسی اسکان غیررسمی، ۴۷۱ | کیفیت محیط کالبدی، ۵۸۲ |
| گونه‌شناسی روستایی، ۴۵۹ | کیفیت مسکن، ۴۷۳، ۷۴۷ |
| گونه‌شناسی مسکن، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۰ | گاز گلخانه‌ای، ۲۹۲، ۳۴۵ |
| گونه‌شناسی معماری، ۳۳، ۴۶۵، ۶۶۷، ۷۴۶ | گاوبند، ۱۴۹، ۱۵۹، ۸۰۲، ۸۲۸ |
| گونه مشارکت، ۷۵۴، ۷۵۵ | گاوبندی، ۱۴۹، ۶۶۰، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۲۷، ۸۲۸ |
| لابی‌گران، ۴۳۵ | گاوبنه، ۱۴۹، ۸۲۵ |
| لایروبی، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۳۸۵، ۴۷۹، ۵۵۱، ۶۴۶، ۶۶۵ | گاوران، ۱۸۹ |
| ۶۶۶، ۷۰۰، ۸۲۹ | گاوکار، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۹، ۱۹۰، ۸۲۳، ۸۲۸ |
| لکه بازاری، ۷۶۳ | گاومیش‌داری، ۲۲۹ |
| لمپن شهری، ۴۶۸ | گردشگری، ۱۵، ۲۵، ۲۶، ۳۹، ۵۷، ۱۲۳، ۱۶۷، ۲۶۵، ۲۹۰ |
| لنگه گاوبندی، ۸۰۳ | ۳۱۹، ۳۸۳، ۴۶۵، ۵۱۸، ۵۳۹، ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۶۰، ۶۶۱، ۷۳۶ |
| مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برنج، ۶۶ | ۷۴۰ |
| مؤسسه عمومی، ۱۶۳ | گردشگری الکترونیک، ۳۸۳، ۶۲۵ |
| مؤلفه پایداری، ۲۹۶ | گردشگری شهری، ۵۷، ۶۶۰ |
| مادرشهر، ۳۵۴، ۴۴۸، ۴۶۹، ۵۳۵، ۵۴۸، ۶۵۰، ۶۷۱، ۶۷۲ | گردوغبار صنعتی، ۱۵۷ |

محله ایستگاه محور، ۸۳۷
 محله سنتی، ۸۳۷
 محله الکترونیک، ۳۷۸
 محلی گرایبی نو، ۳۲۳
 محلی گرایبی، ۳۲۳
 محیط، ۱، ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۸،
 ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۴۲، ۴۴، ۵۰، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۷۳، ۸۱، ۹۲، ۹۳،
 ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸،
 ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳،
 ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷،
 ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۴،
 ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۵،
 ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸،
 ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳،
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴،
 ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۵، ۳۲۶،
 ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۷۳،
 ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۰۴، ۴۰۸، ۴۱۰،
 ۴۱۱، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹،
 ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷،
 ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷،
 ۴۸۹، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸،
 ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷،
 ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱،
 ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۰۰،
 ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۳۰، ۶۳۴،
 ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۱، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۸۱،
 ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵،
 ۶۹۶، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۳۸،
 ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱،
 ۷۷۰، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸،
 ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۷، ۸۰۴، ۸۰۶، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶،
 ۸۲۲، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۵۶
 محیط اجتماعی، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۱۴، ۲۷۹، ۳۲۵،
 ۵۳۰، ۵۴۱، ۵۴۳، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۴۴، ۶۸۵، ۷۸۸، ۷۸۹

۶۷۳، ۶۷۸، ۷۳۴، ۷۷۷، ۷۷۸
 مارکسیسم، ۲۲۳، ۶۱۴
 مازاد اقتصادی، ۲۲۰، ۳۱۴، ۵۹۶
 مالکیت اربابی، ۱۵۹
 مالکیت مطلق، ۴۶
 مالکیت موقت، ۴۶
 مانع کالبدی، ۶۷۷
 مبارزه با آفتهای گیاهی، ۴۵
 مبارزه با بیماریهای واگیر، ۴۴، ۲۰۹
 مباشر، ۱۵۹، ۳۷۸، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۹۷، ۴۹۸، ۸۰۱
 ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۸
 مباشرین ترویج، ۲۴۵
 مبلمان شهری، ۲۶۲، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۸، ۷۳۶
 متا دینا، ۴۱۹
 متروپلیکس، ۷۷۷
 متروپولیس، ۶۷۱، ۶۷۸، ۷۷۷
 مجتمع زیستی، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۱۱، ۴۰۳، ۵۸۱، ۶۸۸، ۸۳۴
 مجتمع مسکونی، ۴۸۵، ۷۵۲، ۷۵۳
 مجمع عمومی، ۵۲، ۱۲۷، ۱۶۰، ۲۰۹، ۳۷۷، ۴۴۳، ۴۴۴،
 ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۷۴، ۵۶۲، ۸۲۴
 مجموعه زیستی - اقتصادی، ۳۱
 مجموعه شهری، ۵۷، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۶، ۲۹۳، ۳۶۷، ۵۱۸،
 ۵۲۹، ۵۶۶، ۵۸۷، ۶۱۶، ۶۵۰، ۶۷۲، ۶۷۸، ۷۳۶، ۸۵۲، ۸۵۳
 مجموعه مادرشهری، ۶۵۰
 محدوده سبز، ۶۱۹
 محدوده قانونی، ۳۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۷، ۴۹۹، ۵۱۱، ۵۶۰،
 ۵۷۰، ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۶
 محدودیتهای رشد، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۴، ۴۱۱
 محله، ۱۰، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۴۴، ۷۵، ۸۱، ۸۳، ۹۸، ۱۰۵،
 ۲۱۴، ۲۶۳، ۳۰۸، ۳۳۲، ۳۷۳، ۴۰۷، ۴۵۶، ۴۶۳، ۵۱۳، ۵۱۵،
 ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۶۸، ۵۸۰، ۶۱۵، ۶۱۶،
 ۶۱۹، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۴۹،
 ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸
 محله شهری، ۲۰
 محله شهری، ۶۷۹

محیط انسان ساخت، ۱۵۴، ۲۹۲، ۴۲۳، ۶۸۸

محیط زیست، ۱، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۴۴، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۶، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۳۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۶۰، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۲، ۴۸۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۵، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۷۳، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۱۰، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۳۴، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۲۵، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۹۷، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۲۲، ۸۳۵

محیط زیست پایدار شهری، ۲۹۷

محیط زیست شهری، ۹۹، ۱۵۶، ۲۳۱، ۴۸۷، ۴۹۸، ۶۰۰، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۲، ۷۵۹

محیط زیست کالبدی، ۱۴۴

محیط شهری، ۱۱۱، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۹۹، ۲۱۶، ۲۶۴، ۳۵۵، ۵۸۱، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۷۸، ۷۰۲، ۷۴۷، ۷۸۲، ۸۵۶

محیط طبیعی، ۳۲، ۶۱، ۹۶، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۴، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۱۸، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۶۳، ۵۳۰، ۵۴۵، ۵۸۰، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۸۰، ۸۱۳، ۸۱۶

محیط فیزیکی، ۴۷۸، ۴۴۳

محیط کالبدی، ۱۵۷، ۵۸۲

محیط - محوری، ۲۸۹

محیط شهری، ۶۰، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۹۲، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۶۴، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۵۵، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۴۲، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۸، ۶۷۸، ۷۰۲، ۷۴۷، ۷۸۲، ۸۵۶

محیط کالبدی، ۵۴۴

مخاطرات طبیعی، ۱۱۷، ۶۴۳

مختار، ۴۸، ۵۴۹

مدار گردش آب، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۷۰۰، ۸۲۴، ۸۲۶

مدرن، ۲۹، ۵۴، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۷۳، ۱۹۱، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۸۰، ۲۹۲، ۲۹۵، ۳۳۲، ۳۴۸، ۳۷۸، ۳۸۹، ۴۰۲، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۶۴، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۹۴، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۲۱، ۶۶۳، ۶۶۹، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۵۹، ۷۷۳، ۷۹۱، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶

مدرن شدن، ۲۲۳، ۲۸۰، ۸۰۶، ۸۰۷

مدرن سازی، ۴۵، ۸۰۵، ۸۲۱

مدرنیزاسیون، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۶۸۹

مدرنیسم، ۶۸۹، ۸۱۷

مدل، ۱۷۴، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۹۰، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۸۱، ۳۸۴، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۸۰، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۱۲، ۵۶۹، ۵۷۲، ۶۸۵، ۶۸۹، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۹۹، ۸۲۱

مدل بهینه سازی، ۱۷۴

مدل خوشه ای، ۵۰۳، ۶۸۹

مدل شبکه ای، ۶۸۹

مدل قطب رشد، ۶۸۹

مدل مبادرتی، ۵۱۲

مدل مرکز- پیرامون، ۶۸۹، ۷۲۷، ۷۲۸

مدل وابستگی، ۶۸۹، ۸۲۱

مدل سازی، ۵۹، ۱۷۴، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۲

مدیر شهری، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۷۱، ۳۳۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۶۳، ۳۹۰، ۴۱۵، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۶۵۸، ۶۶۰، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۷۳

مدیریت، ۶، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۷، ۵۰، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۷۰، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۶

مدیریت بحران اجتماعی، ۱۹۲
 مدیریت بلایا، ۶۹۳
 مدیریت پسماند، ۲۰۹، ۶۹۳
 مدیریت تخصیص منابع انسانی، ۴۹۶
 مدیریت تهیه طرح‌های شهرسازی، ۵۰۵
 مدیریت خطر، ۲۸۵
 مدیریت داده مکانی، ۴۲۳
 مدیریت داده‌های زمین، ۴۹۳
 مدیریت راهبردی، ۱۲۵، ۴۱۴، ۴۸۱
 مدیریت رشد، ۲۹۴، ۶۴۱، ۶۹۳، ۶۹۴
 مدیریت روستایی، ۱۷، ۱۸۳، ۳۵۹، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸، ۶۴۸
 ۶۷۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۵۸، ۸۳۱
 مدیریت روستایی در ایران، ۱۷، ۱۸۳، ۳۵۹، ۶۴۸، ۶۹۷
 ۷۲۱، ۸۳۱
 مدیریت زمین شهری، ۴۴۶
 مدیریت زیرساخت‌های شهری، ۴۴۶
 مدیریت زیستبوم-محور، ۷۰۱
 مدیریت زیست‌محیطی شهری، ۷۰۲
 مدیریت سنتی فضا، ۱۴۱، ۷۰۳، ۷۰۴
 مدیریت سوانح، ۲۱۱، ۵۵۱، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶
 مدیریت سیاسی، ۲۸، ۴۱۶، ۴۴۷
 مدیریت سیستمها، ۵۰۲، ۶۲۱، ۶۲۴
 مدیریت شورایی یکپارچه، ۵۱۲
 مدیریت شهری، ۱۹، ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۵۰، ۵۴، ۶۲، ۶۳، ۶۴،
 ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۷۳، ۲۲۵، ۲۷۰، ۳۰۸،
 ۳۱۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۴۳۲، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۷۳، ۴۸۳، ۴۸۹، ۴۹۰،
 ۴۹۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۳۵، ۵۴۶،
 ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۶۲، ۵۹۱، ۶۴۱،
 ۶۶۰، ۶۹۱، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸،
 ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۷۲، ۷۷۴
 ۷۶۰، ۷۶۲، ۸۲۲
 مدیریت عقلانی امور، ۴۴۷
 مدیریت عملیاتی، ۴۱۵
 مدیریت عمومی کشور، ۳۵
 مدیریت عمومی، ۳۵، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۹۰، ۴۱۶
 مدیریت فدرالی، ۵۱۲

۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۵،
 ۲۲۷، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸،
 ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷،
 ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳،
 ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶،
 ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۹،
 ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۸، ۴۰۷، ۴۱۳،
 ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳،
 ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴،
 ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱،
 ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲،
 ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۵،
 ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲،
 ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۵، ۵۴۰، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹،
 ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۶۷،
 ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴،
 ۶۲۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۷، ۶۴۱، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۱، ۶۶۰، ۶۶۴،
 ۶۶۷، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۵، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴،
 ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴،
 ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴،
 ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۷،
 ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۷۲، ۷۷۴،
 ۷۸۶، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴،
 ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۶، ۸۴۸، ۸۵۲،
 ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶
 مدیریت آمرانه، ۳۳۸
 مدیریت ابزار تولید، ۱۰۴
 مدیریت احداث مسکن محرومان، ۱۵۳
 مدیریت اطلاعات، ۳۱۵، ۴۳۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۰، ۵۰۲،
 ۶۲۴، ۷۴۱
 مدیریت اقتصاد محلی، ۱۰۴
 مدیریت اقدامات کاهش فقر، ۴۴۶
 مدیریت امور مزرعه، ۲۴۷
 مدیریت بحران، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۱۲، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۸۶،
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۸۶

| | |
|-----------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| مراکز نوین شهری، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۶ | مدیریت کاربری زمین، ۵۵۱ |
| مراکز هم‌نفوذ، ۳۵۱ | مدیریت کشاورزی، ۲۴۷، ۸۰۰، ۸۲۳ |
| مردم‌باوری، ۶۱۳ | مدیریت کشت، ۴۱۵ |
| مردمسالارانه، ۳۰، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۹۱، ۲۵۲، ۲۹۸، ۳۰۸ | مدیریت مالی، ۵۷، ۶۳۷، ۷۳۹ |
| ۳۳۵، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۹۴، ۴۳۷، ۷۱۶، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۵۷ | مدیریت محلی، ۵۸، ۳۳۸، ۵۱۲، ۷۰۹، ۷۲۰ |
| ۸۲۹ | مدیریت محیط زیست، ۲۳۱، ۴۷۷ |
| مردمسالاری، ۶، ۱۶، ۳۰، ۱۰۶، ۱۰۸، ۲۲۴، ۲۵۹، ۲۶۹ | مدیریت محیطی، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۲۷، ۴۴۶ |
| ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۶ | مدیریت مسکن، ۷۰۹ |
| ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۹۰، ۴۵۴، ۴۸۲، ۵۱۲، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۶۹۲ | مدیریت مشارکت، ۱۲۴، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۵۸ |
| ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۸۰۶، ۸۰۹ | مدیریت مشارکتی، ۱۲۴، ۳۳۸، ۴۱۷، ۵۱۱، ۷۱۰، ۷۱۱ |
| مردمسالاری پایدار شهری، ۲۹۷ | ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۵۸ |
| مردمسالاری دینی، ۴۸۲ | مدیریت مشارکتی شهر، ۳۳۸، ۵۱۱ |
| مردمسالاری شهری، ۷۲۵، ۷۲۶ | مدیریت منابع انسانی، ۷۱۴، ۷۷۲ |
| مردمسالاری گفتگویی، ۷۲۳ | مدیریت منابع آبی و دریایی، ۴۲۲ |
| مردمسالاری لیبرال، ۷۲۳، ۷۲۶ | مدیریت منابع انسانی، ۳۸، ۴۱۸، ۵۰۲، ۷۱۴ |
| مردمسالاری مستقیم، ۷۲۲، ۷۲۳ | مدیریت منابع مادی، ۳۸ |
| مردمسالاری مشارکتی، ۲۷۵، ۳۰۸، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۲۶ | مدیریت منابع مالی شهر، ۱۲۳، ۴۴۶ |
| مردمسالاری نمایندگی، ۳۰۹، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۲۶، ۸۰۹ | مدیریت منابع مالی شهرها، ۱۲۳، ۴۶۹ |
| مرکز، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۳۳، ۴۵، ۵۸ | مدیریت منابع، ۳۸، ۷۰، ۱۲۳، ۲۴۳، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۷۴، ۴۱۸ |
| ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۰، ۹۴، ۹۵ | ۴۲۲، ۴۳۰، ۴۴۶، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۶، ۶۶۷، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۱۰ |
| ۹۶، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۵۰ | ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۷۲ |
| ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۱ | مدیریت میانی، ۴۱۵ |
| ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۱، ۲۶۵ | مدیریت نامتمرکز، ۵۱۲ |
| ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۰۸، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴ | مدیریت یکپارچه محلی، ۷۰ |
| ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۹۶، ۳۹۸ | مدینه، ۲۹۲، ۵۳۳، ۵۴۸، ۶۷۹، ۸۳۹ |
| ۳۹۹، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۴۱ | مراجع تصمیم‌گیری، ۷۱۵ |
| ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹ | مراجع رسمی، ۵۳، ۴۳۱ |
| ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۲، ۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۳، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳ | مراجع سنتی اقتدار، ۵۳ |
| ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۷ | مراجع سنتی، ۵۳، ۷۱۵ |
| ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴ | مراجع محلی، ۱۸، ۵۴، ۵۵، ۶۵، ۲۳۶، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۵۷ |
| ۵۶۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲ | ۳۸۴، ۵۰۸، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۳۰ |
| ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۴۵، ۶۵۱ | مراجع محلی روستایی، ۲۳۶، ۷۱۵، ۷۱۶ |
| ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۸۰ | مراقبت بهداشتی، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۲۶، ۱۳۲، ۱۵۶، ۳۸۶ |
| ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۸، ۶۸۹، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹ | مراکز بهداشتی، ۶۴۳ |
| ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹ | مراکز تفریحی، ۱۲۲، ۱۵۶، ۲۶۴، ۳۸۵، ۶۶۰، ۸۳۷ |

مزرعه - خانواری، ۲۹۰
 مسئولیت پذیری، ۲۰، ۷۰، ۱۰۰، ۱۹۱، ۲۵۹، ۳۳۵، ۴۱۶
 ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۷، ۷۰۸، ۸۰۹، ۸۴۰
 مسئولیت شهروندی، ۲۰۰
 مسکن، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۴
 ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۸۳، ۸۴، ۸۸، ۸۹
 ۹۰، ۹۵، ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷،
 ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۵
 ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۶
 ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱
 ۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸
 ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۸۶، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶
 ۳۰۸، ۳۲۲، ۳۳۴، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۴
 ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۷، ۴۲۸، ۴۴۳، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۵
 ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۹۰
 ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۹، ۵۳۲، ۵۳۳
 ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲
 ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۸۱، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۲
 ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۲۰، ۶۵۱، ۶۵۷، ۶۵۸
 ۶۵۹، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۹۹، ۷۰۰
 ۷۰۹، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰
 ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۶۷، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۸۱، ۷۹۷
 ۸۱۶، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۳۴، ۸۴۱، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۶
 مسکن اجتماعی، ۱۷۹
 مسکن رسمی، ۱۰۹، ۴۷۱، ۷۴۷
 مسکن روستایی، ۳۳، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۱۲، ۲۴۱
 ۲۴۷، ۴۶۱، ۴۶۵، ۵۸۷، ۶۰۵، ۶۶۹، ۶۷۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۷
 ۷۸۱
 مسکن شهری، ۶۰، ۳۰۸، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۲
 مسکن غیررسمی، ۱۰۶، ۴۷۳، ۷۵۴
 مسکن محرومان، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳
 مسکن مستقل ویلایی، ۷۵۱
 مسیر پیاده، ۲۱۴، ۶۷۷
 مشارکت، ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۶، ۲۵، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۳۸
 ۴۰، ۴۱، ۵۴، ۵۶، ۶۲، ۶۴، ۸۸، ۹۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸

۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۴، ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴
 ۷۶۵، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۴، ۷۹۱، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۵
 ۸۰۸، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹
 ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۵، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۵۶
 مرکز آمار ایران، ۹۰، ۱۸۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۹۹، ۴۴۱، ۴۸۷
 مرکز برنامه ریزی آمایش سرزمین، ۱۲، ۱۳
 مرکز بین المللی اصلاح ذرت و گندم، ۶۶
 مرکز - پیرامون، مدل، ۵۰۳، ۶۸۹، ۷۲۷، ۸۲۱
 مرکز تجاری شهر، ۷۲۸، ۸۰۰
 مرکز توسعه یکپارچه برای آسیا و حوزه اقیانوس آرام، ۴۴۶
 مرکز توسعه یکپارچه روستایی، ۴۹۳، ۷۲۸
 مرکز خدمات کشاورزی، ۶۶۶، ۷۲۰، ۷۳۰
 مرکز خرید شهری، ۳۷۷، ۷۳۰
 مرکز شهر، ۲۰، ۲۷، ۸۰، ۸۱، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۶۸، ۴۶۸، ۴۶۹
 ۵۳۲، ۵۶۴، ۵۸۲، ۶۵۱، ۶۷۶، ۶۷۷، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴
 ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۶۲، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۳۸
 مرکز محله، ۲۱۴، ۶۱۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۷۳۳، ۸۳۸
 مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳
 ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹
 مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین، ۱۱، ۱۲
 مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران،
 ۴۲۸، ۵۸۶، ۷۳۹، ۷۴۱
 مرکز ملل برای سکونتگاههای انسانی، ۹۹
 مرکز ملل متحد برای سکونتگاههای انسانی، ۴۴۶
 مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۵
 مرکز واحد همسایگی، ۷۳۴، ۸۳۳، ۸۳۴
 مرمت، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۸، ۲۰۸، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۴۷، ۶۵۸، ۶۹۰، ۷۴۱، ۷۴۲
 ۷۴۳، ۷۴۴، ۸۱۵
 مرمت بافتی، ۱۵۲
 مرمت شهری، ۱۲۲، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۷۴۱، ۷۴۲
 ۷۴۳، ۷۴۴، ۸۱۵
 مزارع بزرگ مالکی، ۱۶۱
 مزارع نمونه، ۴۴، ۶۰۴
 مزارعه، ۳۲، ۴۸، ۴۹، ۱۵۹، ۱۸۶، ۶۹۸

مشارکت همگانی، ۱۰۸
 مشارکت روستایی، ۲۷۷، ۲۹۰
 مشاع، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۱۶۱، ۴۷۲، ۷۵۲
 مشروعیت، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۱۹۳، ۲۷۴، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۳۸
 ۳۶۲، ۴۱۶، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۸۸، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۹۴، ۷۱۶، ۷۲۴،
 ۸۰۷
 مشروعیت سازمانهای غیردولتی، ۴۳۶
 مشکر، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰
 مشکلات شهری، ۹۳، ۱۲۱، ۱۲۱، ۷۵۸، ۷۵۹، ۸۵۱
 مصالح بوم‌آورد، ۲۵، ۸۶، ۵۷۸، ۷۸۰
 مصر، ۱۸، ۲۶، ۵۱، ۱۱۵، ۱۷۳، ۲۶۶، ۴۶۷، ۵۳۳، ۵۳۴
 ۵۴۸، ۶۶۲، ۷۹۴
 مصرف‌زدگی، ۱۹۹
 مطالعات بخشی، ۱۵
 مطالعات شهری، ۱۹، ۲۰، ۳۳، ۵۸، ۹۶، ۱۵۵، ۲۲۵، ۳۹۵
 ۴۱۲، ۶۵۱، ۷۴۹، ۷۶۱، ۷۶۲، ۸۲۳
 معابر پیاده، ۲۱۳
 معاونت امور دهیاریها، ۴۳۴
 معاونت امور شهرداریها، ۴۳۴
 معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداریها، ۴۳۴
 معاونت پشتیبانی و امور اجرایی شهرداریها و دهیاریها، ۴۳۴
 معماری، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۵، ۳۳، ۳۴، ۷۷، ۷۹،
 ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۷، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶،
 ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۲،
 ۱۷۳، ۲۱۱، ۲۳۲، ۲۴۷، ۲۹۳، ۳۱۷، ۳۴۰، ۳۵۲، ۳۵۵، ۴۱۵،
 ۴۲۰، ۴۲۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۹۶، ۵۰۵،
 ۵۰۷، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۸، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۵۰،
 ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۷۸، ۵۷۹،
 ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۱۳،
 ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۴،
 ۶۸۲، ۶۸۸، ۷۳۰، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۴،
 ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۸، ۷۷۸، ۷۸۰،
 ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۱۰، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷،
 ۸۱۸، ۸۳۷، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶
 معماری آوانگارد، ۶۱۳

۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۵،
 ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰،
 ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳،
 ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۲،
 ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳،
 ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۲۱، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰،
 ۳۴۵، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۴، ۳۶۹، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱،
 ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۰۷، ۴۱۷، ۴۱۹،
 ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۷۲، ۴۷۳،
 ۴۸۶، ۴۹۱، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۰،
 ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۷۰،
 ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۸۱، ۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۰۳،
 ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۲۱، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۶۱، ۶۷۵،
 ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۲،
 ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۴، ۷۴۰، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸،
 ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۸، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۹، ۸۴۰،
 ۸۴۷، ۸۵۲، ۸۵۶، ۸۵۸
 مشارکت در امور داوطلبانه، ۴۵۴
 مشارکت در امور شهر، ۷۵۷
 مشارکت در امور عمومی، ۴۵۴، ۸۲۹
 مشارکت سنتی، ۷۵۸
 مشارکت سیاسی، ۱۰۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۴۵۳، ۵۲۶، ۵۷۰، ۵۷۴،
 ۶۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳
 مشارکت شهروندان، ۱۲۳، ۳۳۲، ۳۸۱، ۴۷۳، ۵۱۱، ۵۱۹،
 ۵۲۰، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۶۱، ۷۲۶، ۷۵۸
 مشارکت عمومی، ۵۴، ۲۷۴، ۲۹۸، ۳۹۰، ۳۹۸، ۴۱۷، ۵۹۶،
 ۸۰۸، ۶۴۱
 مشارکت فعال شهروندی، ۲۰۲، ۲۰۳
 مشارکت مدنی، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵
 مشارکت مردم، ۴، ۶، ۷، ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۵۲،
 ۱۹۹، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۰، ۲۹۱،
 ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۳۲، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۹، ۴۱۷،
 ۴۸۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۵، ۵۲۳، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۴۱، ۶۴۸، ۷۱۰،
 ۷۱۲، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸

۵۸۴، ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۰، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۷،
 ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۹۳، ۷۰۴، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۴۱، ۷۶۲، ۷۶۳،
 ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۸۲، ۷۹۸،
 ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۱۹، ۸۳۷، ۸۵۷
 مکان مرکزی، ۶۰، ۲۲۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۴۰۳، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۶۱،
 ۴۶۳، ۴۷۵، ۴۷۷، ۵۳۹، ۶۷۲، ۷۰۴، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵،
 ۷۶۶، ۷۶۷، ۸۳۶
 مکان مرکزی، نظریه، ۶۰، ۲۲۲، ۴۶۱، ۴۶۳، ۷۶۲
 مکان‌شناسی، ۶۶۸، ۶۷۰
 مکان‌گزینی، ۵۷، ۳۰۳، ۴۲۵، ۷۶۷
 مکان‌گزینی حمل‌ونقل، ۵۷
 مکانیابی، ۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱،
 ۲۶۳، ۳۰۳، ۳۴۹، ۳۶۸، ۴۶۱، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۱۸،
 ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۴۶، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۴، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰،
 ۷۷۱، ۷۷۲
 مکانیابی بافت مسکونی، ۲۲۹
 مکتب آموزشی ترویج، ۶، ۷، ۲۳۲، ۲۴۵، ۶۰۸، ۶۰۹
 مکتب اتریش، ۶۲۹، ۶۳۰
 مکتب شومپیتر، ۶۲۹
 مکتب نئوکلاسیک، ۶۲۹
 مکتب نوسازی، ۱۵۹، ۲۸۹، ۸۰۶
 مگاپولیس، ۶۵۱، ۷۷۲
 ملاحظات زیست‌محیطی، ۹، ۱۱۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۱، ۲۸۲،
 ۲۹۵
 ملت‌سازی، ۸۰۶
 منابع، ۳، ۴، ۷، ۱۲، ۱۴، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۵، ۳۸، ۴۱،
 ۴۶، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۸۹، ۹۲،
 ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷،
 ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱،
 ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۳،
 ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵،
 ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶،
 ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،
 ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۴،
 ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵،

معماری بومی، ۱۵۲، ۵۷۸، ۵۸۹، ۶۰۵، ۷۷۸
 معماری محیط، ۱۱۵
 معماری منظر، ۲۴۷، ۷۸۰
 معیار سطح‌بندی روستایی، ۴۵۹
 معیار مسکن شهری، ۷۴۷
 مفاهیم فضایی، ۶۲۶
 مقاوم‌سازی، ۲۵، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۵۷۸، ۶۱۰، ۷۷۸،
 ۷۷۹، ۸۵۲
 مقاوم‌سازی ساختمانها، ۲۰۵، ۲۱۰، ۸۵۲
 مقاوم‌سازی سکونتگاههای روستایی، ۶۱۰
 مقتدرسازی، ۱۱۱، ۲۰۲، ۲۰۳
 مقررات اراضی، ۱۲۳، ۱۳۸
 مقررات اراضی دولتی، ۱۲۳، ۱۲۴
 مقررات اراضی موقوفه، ۱۲۳، ۱۲۴
 مقررات بهره‌برداری، ۴۸
 مقررات حریم راهها، ۱۲۳
 مقررات حفظ بناهای تاریخی، ۱۲۳
 مقررات حفظ حریم، ۱۲۳
 مقررات رفت‌وآمد در شهرها، ۱۲۳
 مقررات ساخت‌وساز، ۱۲۰، ۲۱۵، ۳۴۲
 مقررات صنفی، ۵۵۵
 مقررات مربوط به اراضی غیرشهری، ۱۲۳
 مقررات ملی ساختمان، ۱۲۳، ۱۲۴، ۵۰۷، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴،
 ۸۵۵
 مقررات منطقه‌بندی، ۱۲۳، ۳۴۷
 مقررات منع آلودگی آب و هوا، ۱۲۳
 مقیاس فعالیت زراعی، ۴۸
 مقیاس فعالیت، ۴۷، ۴۸
 مکاتب وابستگی، ۲۸۹
 مکان، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۸۹، ۹۶، ۱۱۵،
 ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۷۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۳۰،
 ۲۳۱، ۲۶۳، ۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۲،
 ۳۲۳، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۲،
 ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۹۷، ۴۹۸،
 ۴۹۹، ۵۱۳، ۵۲۴، ۵۳۳، ۵۳۶، ۵۶۷، ۵۷۲، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۳،

منابع مالی شهری، ۲۷۰
 منابع محیطی - اقتصادی، ۱۹۱
 منابع ملی، ۱۶۱، ۴۸۱
 مناسبات اجتماعی، ۲۹، ۳۲، ۴۲، ۱۵۹، ۲۲۴، ۲۶۱، ۳۰۰،
 ۳۲۸، ۴۰۰، ۵۶۴، ۶۲۷، ۶۶۴، ۷۴۵، ۷۴۶
 مناسبات اجتماعی - اقتصادی، ۳۲، ۳۰۰، ۳۲۸، ۶۲۷، ۷۴۵،
 ۷۴۶
 مناسبات مزدبیری، ۲۱۹
 مناسبات میان‌سازمانی، ۲۵۰
 مناطق حاشیه‌ای، ۸۲۱
 مناطق شناور، ۳۴۸
 مناطق کلانشهری، ۲۱۷، ۷۷۷
 مناطق مرکزی، ۲۶۹، ۶۶۶، ۷۸۱، ۸۰۲، ۸۰۸، ۸۲۱، ۸۲۳
 منافع خاص، ۷۷۳، ۷۷۴
 منافع عامه، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴
 منافع عمومی، ۱۰۵، ۱۹۵، ۴۲۷
 منافع عینی، ۷۷۴
 منافع مشترک، ۵۱، ۵۴۷، ۶۱۶، ۷۷۳، ۷۷۴، ۸۳۲
 منافع واقعی، ۷۷۴
 منشأ عدالت، ۵۹۴
 منشور بین‌المللی توسعه، ۲۹۲
 منصب سیاسی، ۵۳
 منطقه، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۶۱، ۶۲، ۶۸،
 ۶۹، ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۹۷، ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۱،
 ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۸۴، ۱۸۶،
 ۱۸۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۹، ۲۴۲،
 ۲۴۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۵، ۲۸۶، ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۷، ۳۰۸،
 ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۶۰، ۳۶۸،
 ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۷، ۴۰۶، ۴۲۸، ۴۵۶، ۴۶۳، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱،
 ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۴۳، ۵۴۴،
 ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۵، ۵۸۶،
 ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۷، ۶۴۶، ۶۷۱، ۶۷۲،
 ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۹۱، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴،
 ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷،
 ۷۶۳، ۷۶۵، ۷۶۹، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۱، ۷۹۶، ۷۹۷

۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۲،
 ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳،
 ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶،
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷،
 ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۸،
 ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۵،
 ۳۸۷، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۱۹،
 ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴،
 ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۲،
 ۴۶۴، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱،
 ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۲،
 ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۴۱، ۵۴۲،
 ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۹۰، ۵۹۱،
 ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۹، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۰،
 ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۶۲، ۶۶۳،
 ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰،
 ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶،
 ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶،
 ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۴۸، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۶، ۷۶۹، ۷۷۱،
 ۷۷۲، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۶، ۷۹۰، ۷۹۳، ۷۹۴، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲،
 ۸۰۳، ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۵، ۸۴۱، ۸۴۲،
 ۸۴۵، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۸
 منابع اعتباری، ۱۵۳، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰
 منابع انسانی، ۳۸، ۵۵، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۷، ۲۹۳،
 ۳۷۶، ۳۸۲، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۵، ۴۸۲،
 ۴۹۶، ۵۰۲، ۵۲۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۶۲۲، ۶۹۰، ۷۱۴، ۷۲۹،
 ۸۴۷، ۸۴۲
 منابع تجدیدپذیر، ۲۶، ۲۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰
 منابع ژنتیکی، ۶۸۴
 منابع طبیعی، ۷، ۱۲، ۱۴، ۹۲، ۹۶، ۱۳۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴،
 ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۵،
 ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۸،
 ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۷۴، ۴۳۰، ۴۷۲، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۲۹، ۵۳۰،
 ۵۸۵، ۶۰۹، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۱۰،
 ۷۱۵، ۷۵۹، ۸۰۳، ۸۴۱

| | |
|----------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| مهاجرت روستا- شهری، ۳۱۹، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸ | ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۵۱ |
| مهاجرت روستایی- شهری، ۶۸، ۴۰۲، ۴۸۹، ۷۸۷ | منطقه تجاری، ۳۴۸ |
| مهاجرت آوارگی، ۷۸۵ | منطقه شهری، ۱۰، ۱۳۷، ۱۴۴، ۳۵۴، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۵۳ |
| مهاجرت اجباری، ۷۸۵ | ۵۸۰، ۵۸۱، ۷۷۵، ۷۷۷، ۸۳۸ |
| مهاجرت بین شهری، ۷۸۵ | منطقه شهری کلان، ۷۷۷ |
| مهاجرت پناهندگی، ۷۸۵ | منطقه صنعتی، ۳۴۸ |
| مهاجرت داوطلبانه، ۷۸۵ | منطقه کشاورزی، ۳۴۸ |
| مهاجرت محافظه کارانه، ۷۸۵ | منطقه مسکونی، ۶۲، ۳۴۸، ۶۱۹ |
| مهاجرت ناخواسته، ۱۴۶، ۴۸۵، ۶۳۶ | منطقه هیدرولوژیک، ۱۳۲ |
| مهاجرت نوآوران، ۷۸۵ | منطقه بندی زمین، ۳۳ |
| مهارت انسانی، ۴۱۵ | منطقه بندی قراردادی، ۳۴۸ |
| مهارت فنی، ۴۱۵، ۴۲۸ | منطقه بندی منعطف، ۳۴۸ |
| مهارت کارآفرینی، ۴۱۶ | منظر، ۲۲، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۱۶، ۲۴۷ |
| مهارت مفهومی، ۴۱۵ | ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۴ |
| مهارت عام رهبری، ۴۱۵ | ۳۴۸، ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۷۶، ۴۵۳، ۴۶۷، ۵۳۲، ۵۸۱، ۵۸۲، ۶۲۳ |
| مهندسان ناظر، ۶۵۳، ۶۵۴ | ۶۴۳، ۶۶۰، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۹۳، ۷۵۳، ۷۷۸، ۷۷۹ |
| مهندسی رایانه، ۶۲۴ | ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۳۱ |
| مهندسی فناوری اطلاعات، ۶۲۲، ۶۲۴ | منظر روستایی، ۷۷۸، ۷۷۹ |
| میدانگاه، ۲۱۴، ۴۶۵ | منظر شهری، ۱۷۲، ۲۱۶، ۳۲۹، ۴۶۷، ۷۸۲ |
| میراب، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۶۶۵، ۸۰۱، ۸۲۴ | منظرسازی، ۷۸۲، ۵۴۵ |
| میراث تاریخی، ۱۳۹، ۳۵۳، ۵۸۶، ۶۶۰، ۸۰۰ | منظره سازی، ۷۲ |
| میراث فرهنگی، ۱۳۹ | منوکسیدکربن، ۱۵۷، ۱۵۸، ۳۴۵ |
| میزان مهاجرت، ۱۵۷ | موات، ۱، ۳۱، ۳۴، ۱۶۱، ۵۱۶، ۶۹۹، ۸۵۲ |
| میل به مشارکت، ۱۶ | مواد بازیافتی، ۹۲، ۹۳ |
| نآرامی اجتماعی، ۱۰۳، ۸۱۳ | مواد زائد، ۲۶، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۵۷، ۲۱۶، ۲۸۷، ۳۶۳ |
| نامنی شهری، ۶۱ | ۵۶۰، ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۵۹ |
| نابرابری، ۳۷، ۶۸، ۸۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۲، ۱۹۲، ۱۹۹، ۲۱۷ | موازنه اکولوژیک، ۶۲۰ |
| ۲۲۵، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۴۵ | موجودیت کالبدی، ۸۱۶ |
| ۴۵۵، ۴۵۶، ۵۰۳، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۲۱ | موقع جغرافیایی، ۶۱ |
| ۷۲۷، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵ | موقوفات، ۶۴۵، ۸۰۲ |
| نابرابری اقتصادی، ۷۹۴ | مهاجرت، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۸، ۵۷، ۶۲، ۶۴، ۶۸، ۸۹، ۱۴۵ |
| نابرابری جنسیتی، ۳۷، ۷۹۳، ۷۹۵ | ۱۵۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۵۷، ۳۲۰، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰ |
| نابرابری جنسیتی در عرصه مدیریت، ۷۹۵ | ۳۷۱، ۴۰۲، ۴۲۲، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۷۰، ۴۸۹، ۵۳۵، ۵۴۱ |
| نابرابری فضایی، ۲۱۷، ۵۹۶ | ۵۷۰، ۶۱۰، ۶۸۴، ۷۲۸، ۷۴۷، ۷۶۰، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸ |
| ناپایداری، ۱۴۰، ۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۹۶، ۳۳۷، ۳۶۹، ۴۱۱ | ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۳۱ |

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳،
 ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۹،
 ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۲،
 ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶،
 ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳،
 ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۴،
 ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۶،
 ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۷،
 ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۱،
 ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۹،
 ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۳۷، ۵۴۰،
 ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۳،
 ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۱۰، ۶۱۴، ۶۱۵،
 ۶۲۶، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴،
 ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۹۲،
 ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸،
 ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۴،
 ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۷۳، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹،
 ۷۹۱، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸،
 ۸۱۶، ۸۱۸، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۴،
 ۸۳۵، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۷، ۸۴۸،
 ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۸
 نظام آبیاری، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۸۲۵
 نظام اجاره‌داری، ۱۸۶
 نظام استقرار، ۱۵۲، ۴۴۹، ۸۰۴
 نظام اطلاعات جغرافیایی، ۱۱۹
 نظام بهره‌برداری اجاره‌کاری، ۱۶۱
 نظام بهره‌برداری جمعی، ۱۸۴
 نظام بهره‌برداری دهقانی، ۱۶۰، ۱۶۱، ۶۶۳
 نظام بهره‌برداری زراعی، ۴۶
 نظام بهره‌برداری کشاورزی، ۱۵۹، ۶۶۷
 نظام بهره‌برداری، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۴، ۶۶۲،
 ۶۶۳، ۶۶۷
 نظام بهره‌برداری در حال گذار، ۱۵۹
 نظام بهره‌برداری سنتی، ۱۵۹، ۱۶۰

۵۷۱، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۹۶، ۷۹۶
 ناپایداری اجتماعی، ۱۹۲
 ناپایداری شهرها، ۱۹۹
 ناپایداری شهری، ۱۹۹، ۵۷۱، ۵۹۶، ۷۹۶
 ناحیه، ۲۶، ۴۶، ۵۹، ۶۹، ۹۴، ۱۴۰، ۱۶۹، ۱۸۷، ۱۹۵، ۱۹۸،
 ۲۰۸، ۲۲۹، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۳،
 ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۱، ۴۱۰، ۴۵۱، ۴۷۵، ۴۹۵، ۵۰۵،
 ۵۰۷، ۵۸۳، ۵۸۶، ۶۱۱، ۶۵۰، ۶۶۲، ۶۷۱، ۶۷۳، ۶۷۸، ۶۷۹،
 ۶۸۱، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۳،
 ۷۶۳، ۷۶۸، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۱۸
 ۸۲۹، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۸
 ناحیه تجاری شهر، ۷۹۸
 ناحیه کسب‌وکار شهر، ۷۹۸
 ناحیه مرکزی شهر، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۹۸،
 ۷۹۹، ۸۰۰
 نارسائی شهری، ۱۰۳
 ناطور، ۳۷۸
 ناهنجاری اجتماعی، ۶۳
 نحوه ارتبیری، ۸۵۷
 نحوه تخصیص، ۳۲
 نخبگان روستایی، ۲۳۳
 نخبگان شهری، ۹۹، ۱۰۰
 نزول جایگاه شهری، ۴۸۹
 نسق، ۱۹، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۹، ۱۸۶، ۳۱۲، ۳۴۶، ۶۶۰، ۶۶۶،
 ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸،
 ۸۲۹
 نسق‌بندی، ۱۵۹، ۱۸۶، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳
 نشست به پائین، ۲۷۲، ۲۷۵
 نشست ریو، ۶۸۸
 نشست سیاتل، ۶۸۸
 نظام، ۱، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۵،
 ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۶۰، ۹۴، ۹۷، ۱۰۸، ۱۰۹،
 ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴،
 ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰،
 ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱

- نظام بهره‌برداری نوین، ۱۵۹، ۱۶۰
- نظام پدرسالاری، ۲۱۹
- نظام ترویجی، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۷
- نظام تعاونی خدمات ترویج، ۲۳۹
- نظام تک‌حزبی، ۳۰
- نظام تولید جمعی، ۱۸۳
- نظام تولید زراعی جمعی، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۵
- نظام رهبری، ۵
- نظام زراعی، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۴، ۲۴۳، ۳۷۵
- نظام زیستی - فیزیکی، ۲۹۵
- نظام زیستی شهرنشینان، ۱۵۴
- نظام سهم‌بری، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷
- نظام سیاسی تمامت‌خواه، ۳۹۰
- نظام شورا - شهردار، ۳۴۳
- نظام شورا - مدیر شهر، ۳۴۳
- نظام شهرهای خودفرمان، ۵۴۸
- نظام شهری، ۱۳، ۱۵، ۱۳۴، ۳۵۰، ۴۷۵، ۴۷۷، ۵۱۷، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۹۹، ۷۳۳
- نظام علمی ترویجی، ۲۴۷
- نظام فدرالی، ۲۷۰
- نظام فضایی، ۱۴۰، ۲۱۷، ۳۲۷، ۴۲۶، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۴۰
- ۶۱۵، ۶۶۸، ۷۶۶، ۱۱۸
- نظام قشربندی اجتماعی، ۲۷۹
- نظام کمیسیونی، ۳۴۳
- نظام مالکیت، ۳۱
- نظام محیطی، ۱۵۴، ۱۶۵، ۷۵۹
- نظام مدیریت فضا، ۱۹۲
- نظام مزارعه، ۴۸
- نظام مکانی - فضایی، ۶۱۴، ۶۴۴
- نظام مردمسالار، ۲۹، ۴۳۷، ۴۴۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳
- نظام نظارتی، ۲۷۰، ۳۹۷
- نظریه استقرار صنایع، ۱۷۴
- نظریه بازی، ۱۷۴
- نظریه نظام جهانی، ۸۰۸
- نظریه استقرار فضایی، ۴۵۰
- نظریه اصالت عقل، ۷۲۱
- نظریه اقتصادی کینز، ۳۱۴، ۳۹۰
- نظریه شکل شهر، ۱۴۳
- نظریه فمینیستی، ۳۷
- نظریه قرارداد اجتماعی، ۷۲۱
- نظریه مصلحت‌گرایی، ۷۲۱
- نظریه نئولیبرال، ۳۱۴
- نظریه نظام جهانی، ۳۱۶
- نظریه نوسازی، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹
- نظریه هزینه - فایده، ۲۴۹
- نفوذ اجتماعی، ۴۶
- نفوذ سیاسی، ۳۹۸، ۸۲۵
- نقد جنسیتی، ۲۸۹
- نقشه اقلیم، ۱۳۲
- نقشه جنسیتی، ۲۲۶
- نقشه شطرنجی، ۱۱۳
- نقشه عمل، ۸۰۴
- نقشه‌سازی داده‌های اکولوژیک، ۱۳۲
- نگاه راهبردی، ۳۳۲
- نگرش سیستمی، ۳۲۵، ۳۲۷، ۴۹۳، ۸۰۳، ۸۰۴
- نمایه، ۵۱، ۴۷۸
- نمایه‌سازی، ۵۱
- نمودار سازمانی شهرداری تهران، ۵۵۳
- نواحی روستایی غیر زراعی، ۴۰۲
- نوانخانه، ۵۵۵
- نوسازی، ۳، ۷، ۲۷، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۶۷، ۶۹، ۸۳، ۹۰، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۹۲، ۲۲۴، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۸۹، ۴۰۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۵۵، ۴۶۹، ۵۰۳، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۵، ۶۰۵، ۶۰۹، ۶۳۸، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۸۹، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۶۲، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۵
- نوسازی روستایی، ۷، ۴۹، ۱۶۹، ۶۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲

۱۷۶، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۷۷، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۸، ۴۲۸، ۴۲۹،
 ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۵۷، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴،
 ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۹۰، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۳۸،
 ۷۱۳، ۷۱۷، ۷۲۷، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۵، ۸۴۷، ۸۵۵
 نیروی شخم، ۱۴۸، ۸۰۱، ۸۲۳، ۸۲۷، ۸۲۸
 وابستگی و شهر، ۸۲۲
 وابستگی، مدل، ۶۸۹، ۷۲۷، ۸۲۱
 واحد بزرگ زراعی، ۴۹
 واحد بهره‌برداری اجاره‌ای، ۱۶۳
 واحد بهره‌برداری سهم‌بری، ۱۶۳
 واحد بهره‌برداری کشاورزی، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۳
 واحد پیش‌تاز اقتصادی، ۶۲۶
 واحد تقسیم آب، ۶۶۳
 واحد تولیدی، ۵۸، ۱۶۱، ۱۸۹، ۳۶۵، ۳۶۶، ۶۲۶، ۶۹۵
 ۶۹۶، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۳۰
 واحد تولیدی مشاع، ۱۶۱
 واحد خدماتی روستا، ۳۳
 واحد زراعی، ۴۷، ۱۴۸، ۱۶۴، ۲۶۰، ۳۱۹، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۷،
 ۸۰۳، ۸۲۹
 واحد سنتی تولید جمعی، ۸۲۳، ۸۲۴
 واحد کشت و صنعت، ۱۶۴، ۳۰۵
 واحد مسکونی، ۸، ۹، ۳۱، ۸۸، ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲،
 ۲۳۱، ۳۱۳، ۳۹۹، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۲۵، ۴۶۵، ۴۷۳، ۵۰۶، ۵۰۷،
 ۵۳۰، ۶۷۲، ۷۳۵، ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲، ۸۳۳
 واحد مسکونی ارزان، ۱۵۱، ۱۵۲
 واحد همسایگی، ۱۴۰، ۳۳۱، ۴۰۷، ۴۰۸، ۵۶۵، ۶۱۶، ۶۱۹،
 ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۵۲، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷
 واستریشان، ۵۲
 واستریشان‌سالار، ۵۲
 واسطه‌گری، ۴۳
 واکسیناسیون، ۱۵۶، ۳۸۶، ۷۹۳
 واگذاری، ۹، ۳۲، ۳۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۸۸، ۹۲، ۹۴، ۱۳۶، ۱۴۱،
 ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۶۹، ۲۷۰،
 ۲۷۱، ۳۳۶، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۸۲، ۳۹۷، ۴۷۲، ۴۹۱،
 ۵۰۷، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۹، ۶۳۱، ۸۵۲، ۸۴۶

نوسازی شهری، ۲۷، ۲۸، ۹۰، ۱۱۹، ۱۷۱، ۶۷۰، ۷۶۲، ۸۱۲
 ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۶
 نوسازی صنایع، ۴۴، ۴۵، ۴۳۰
 نوسازی مناطق مسکونی، ۱۵۲
 نوسازی و بهسازی شهری، ۱۷۱، ۱۷۳، ۷۴۴، ۸۱۶
 نوشهرسازی، ۱۱۳
 نوشهرگرایی، ۵۶۴
 نوع کاربری زمین، ۳۱، ۱۶۳، ۴۹۹
 نوگرایی، ۸۵، ۱۱۵، ۲۸۹، ۵۶۴، ۶۱۳، ۶۸۷، ۶۸۹، ۸۱۷، ۸۱۸
 نوین‌سازی، ۳۰۰، ۴۰۳، ۴۰۵، ۸۰۵، ۸۱۰
 نهاد عمومی، ۱۵۰، ۳۶۷، ۵۵۴
 نهادسازی، ۴۷، ۵۹۰، ۷۵۶
 نهادسازی مشارکتی، ۳۳۶
 نهاده، ۵۱، ۶۸، ۷۰، ۱۱۵، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۴،
 ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۳، ۲۶۶،
 ۳۶۷، ۴۰۵، ۴۴۷، ۵۰۴، ۵۳۵، ۶۵۷، ۷۲۰، ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۲۳
 نهاده تولیدی، ۱۶۳، ۲۳۸
 نهاد اعتبار (مالی) روستایی، ۴۸
 نهاد بین‌المللی، ۱۲۷، ۲۲۱، ۲۷۷، ۶۹۱
 نهاد تجدد، ۲۲۴
 نهاد فراملی، ۳۱۴
 نهاد محلی، ۳۵، ۱۳۶، ۲۴۴، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۸، ۳۳۶، ۳۳۷،
 ۳۹۷، ۴۴۹، ۴۹۹، ۶۹۵، ۷۱۰، ۷۲۳، ۷۲۶
 نهاد مردمی، ۹۲، ۱۸۷، ۵۱۰
 نهاد مشارکتی، ۱۰۰، ۳۳۱
 نهاد منتخب محلی، ۳۰
 نهاده‌ها، ۱۶۵، ۱۷۴، ۲۰۶، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳،
 ۲۴۴، ۳۶۷، ۵۰۴
 نهضت آزادی‌بخش، ۳۶۶
 نیاز اساسی، ۲۰، ۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۷۳، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۸،
 ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۳۵، ۳۵۴، ۵۶۱، ۶۴۸، ۷۰۷، ۷۲۴، ۷۶۸، ۷۶۹،
 ۸۱۸، ۸۳۳
 نیاز اقتصادی-اجتماعی پهنه، ۱۳۲
 نیروی انتظامی، ۶۳، ۶۴، ۸۸، ۳۶۱، ۴۳۰، ۶۴۴، ۸۴۲، ۸۴۴
 نیروی انسانی، ۵، ۲۵، ۶۴، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۶۳، ۱۷۴

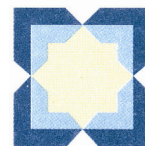
| | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| هم‌ارزی شرایط زندگی، ۶۱ | واگذاری اراضی روستایی، ۱۵۲ |
| همبستگی اجتماعی، ۲۰۱، ۳۴۰، ۴۵۳، ۵۷۲، ۸۰۷ | واگذاری زمین، ۳۴، ۴۶، ۴۸، ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۲۰۸، ۵۰۷، ۸۵۲ |
| هم‌خانه، ۲۸ | وام قرض‌الحسنه مسکن، ۱۵۲ |
| همکاری آبی، ۲۵۱ | وجه کارکردی شهر، ۵۶۴ |
| همکاری اختیاری، ۲۵۱ | ورژنه، ۸۲۵، ۸۲۶ |
| همکاری ساده، ۲۵۱ | وزارت آبادانی و مسکن، ۱۲، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۷، ۵۱۶، ۵۵۰، ۶۰۷، ۶۵۷، ۸۵۱ |
| همکاری متعارف، ۲۵۱ | وزارت جهاد سازندگی، ۶، ۷، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۵۹، ۳۱۳، ۳۷۷، ۳۸۴، ۵۳۶، ۵۸۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۴۸ |
| همگونی نسبی ساختار محیطی، ۴۵۱ | ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲ |
| همنوایی قومی، ۴۵۱ | وزارت جهاد کشاورزی، ۱۲، ۲۳۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۸۷، ۳۱۳، ۵۱۷، ۵۳۶، ۵۸۸، ۶۰۲، ۶۱۱، ۷۲۰، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲ |
| همه‌گیری، ۱۰۱ | ۸۵۸ |
| همیاری، ۳، ۴، ۵، ۶، ۴۵، ۸۶، ۲۱۷، ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۵۳، ۳۳۶، ۴۰۲، ۴۳۱، ۴۹۰، ۵۲۰، ۷۵۵، ۷۵۷، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۵۸ | وزارت کشور، ۶۲، ۶۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۷۷، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۹۹، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۷۴، ۴۸۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۶، ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۶۰۶، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۷، ۷۱۹، ۷۵۴، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۵۰، ۸۵۲ |
| همیاری تولیدی، ۱۶۱، ۲۵۴ | وزارت مسکن و شهرسازی، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۳۴، ۶۲، ۶۴، ۸۳، ۸۴، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۲۸۶، ۳۵۲، ۴۲۸، ۴۶۵، ۴۷۴، ۴۷۹، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۴۶، ۵۵۲، ۵۵۸، ۶۲۰، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۶، ۷۵۴، ۸۱۶، ۸۳۴، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۶ |
| همیاری جمعی، ۳، ۶ | وضعیت ژنتیکی، ۱۵۷ |
| همیاری خودجوش، ۲۵۳ | وظایف جهاد سازندگی، ۸۳۹ |
| همیاری کهن روستایی، ۱۸۳ | وظایف شهرداری، ۶۲، ۴۲۷، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۸، ۶۵۲، ۵۶۲ |
| هنر مدرنیستی، ۸۱۷ | ویرایش اطلاعات، ۴۹۴ |
| هوای پاک، ۲۷۳، ۳۹۵، ۴۳۰، ۵۴۳ | هیبتات دو، ۲۹۲ |
| هوای سالم، ۱۵۷ | هیبتات سازمان ملل، ۴۴۳، ۴۴۴، ۵۶۵ |
| هویت بخشی، ۱۶۶، ۸۵۶ | هزینه محیطی، ۱۶۵ |
| هویت مکان محور، ۲۲ | هسته اولیه کالبدی روستا، ۹۷ |
| هویت ملی، ۶۰، ۵۷۵ | هستی‌شناسی تفاوتی، ۲۸۹ |
| هیئت عالی نظارت، ۴۴۱ | هشدار زودرس، ۱۰۱ |
| هیئت ۷ نفری واگذاری زمین، ۱۵۱، ۱۶۱، ۷۱۸ | |
| هیپارخی، ۲۶۶ | |
| هیپارشی، ۲۶۶ | |
| هیدروکربن، ۳۴۵ | |
| یادگیری از طریق عمل، ۹۹ | |
| یادگیری الکترونیکی، ۱۷ | |
| یکپارچگی فضایی، ۷۲۸، ۸۵۷ | |
| یکپارچه‌سازی، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۵۷، ۲۷۱، ۴۲۱، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۲۴، ۵۲۸، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸ | |
| یکجاکشتی، ۱۶۰ | |
| یکجانشین، ۹۸، ۷۴۵ | |
| یکجانشینی، ۷۱، ۷۷۱ | |

*Ministry of Science,
Research and Technology*



The Great Persian Encyclopedia Foundation

Ministry of Interior



*Iran Municipalities and Rural
Management Organization*

Encyclopedia of Urban and Rural Management

Editor in Chief

Abas Saidi (Ph.D.)